گردآورنده:
هوشنگ ناصرزاده
مدرس دانشگاه

اعلامیه‌های حقوق بشر

شامل:

- اعلامیه‌های حقوق بشر
- میثاق‌های بین‌المللی
- منشور سازمان ملل متحد
- اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری
- قراردادهای ژنو
- قراردادهای راجع به منع کشتار دسته‌جمعی و استعمال سلاح‌های شیمیائی و میکروبی
- متن بازنگری شده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

زمستان ۱۳۷۲

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلامیه‌های حقوق بشر

شامل:

- اعلامیه‌های حقوق بشر
- میثاق‌های بین‌المللی
- منشور سازمان ملل متحد
- اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری
- قراردادهای ژنو
- قراردادهای راجع به منع کشتار دسته‌جمعی، و استعمال سلاح‌های شیمیائی و میکروبی
- متن بازنگری شده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

گردآورنده:

هوشنگ ناصر زاده

مدرس دانشگاه

مؤسسه انتشارات جهاددانشگاهی (ماجد)
تهران: خیابان انقلاب اسلامی ـ خیابان فخررازی ـ شماره ۱ ـ طبقه ششم
تلفن: ۶۴۶۸۹۶۷ ـ ۶۴۶۷۷۱۸

عنوان: اعلامیه‌های حقوق بشر
مؤلف: هوشنگ ناصرزاده
ناشر: مؤسسه انتشارات جهاددانشگاهی (ماجد)
نوبت چاپ: چاپ اول
تاریخ چاپ: زمستان ۱۳۷۲
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
حروفچینی: حروفچینی مؤسسه ماجد
لیتوگرافی: واصف
چاپخانه: توحید
قیمت: ۶۳۰۰ ریال

تقدیم به:

همسر و دو فرزندم، و به تمامی انسانهائی که به انسانیت می‌اندیشند و به فضائل و کرامات انسانی ارج می‌نهند.

فهرست مندرجات

دفتر اول

اعلامیه‌های حقوق

دفتر دوم

قراردادهای ژنو

دفتر سوم

دفتر چهارم

قراردادهای راجع به منع کشتار دسته‌جمعی و استعمال سلاحهای شیمیائی و میکروبی

دفتر پنجم

ضمیمه

به نام خداوند دادار دادگر

مقام انسان، انسانیت، و حقوق انسان‌ها، از دیرباز، مورد توجه، و موضوع بحث بوده ....

در آثار فلاسفه و اندیشمندان دوران باستان، در نوشته‌های دانشمندان اسلامی، و بالاخره در کتب متأخرین، به اقتضاء مورد، در این باره بحث زیاد شده است ...

در رفتار و گفتار ابنیاء، تأیید کرامات انسانی و آزادی‌ها و حقوق انسان‌ها، و تأکید بر رعایت این حقوق، و آزادی‌ها، مشهود است، و آن‌هائی که به هر شکل و در هر مقام، به این حقوق تعرض رواداشته‌اند، مورد اعتراض و سرزنش قرار گرفته‌اند ...

که این همه، نشان از اعتبار انسان، و اهمیت حقوق وی دارد ...

صرفنظر از بحث دربارهٔ مکاتب فلسفی و حقوقی، و قطع‌نظر از تئوری‌های حقوق الهی و فطری یا حقوق طبیعی از سوئی، و دکترین حقوق تحققی و موضوعه از سوی دیگر، آنچه که این مکاتب در آن اتفاق‌نظر دارند شناسائی حقوق انسان‌ها و احترام قولی و عملی بدین حقوق می‌باشد.

اما دریغا که به رغم این واقعیات، پیوسته حقوق انسان‌ها، خاصه از سوی قدرتمندان و دولت مردان به انحاء گوناگون، مورد تعرض قرار گرفته، که این خود، از جانبی بحث‌های فلسفی و حقوقی خاصی را موجب شده، و فی‌الجمله، پیدایش مکاتبی چون: مکتب اصالت فرد، و مکتب اصالت اجتماع را باعث گردیده. و از جانبی دیگر واکنش‌ها و عکس‌العمل‌هائی را برانگیخته، که صرفنظر از انقلاب‌ها، و تحولات سیاسی اجتماعی، از لحاظ نظری نیز حائز اهمیت بسیار می‌باشد...

چرا که پاره‌ای از زمام‌داران را هم بر آن داشت تا به هر حال به رضا یا اکراه، رعایت حقوق و آزادی‌های انسان‌ها را، به تناسب شرایط زمانی و مکانی خویش، جزء دستور و برنامه کار خود قرار دهند، و فی‌الجمله پاره‌ای از این حقوق را از طریق وضع قوانین، و یا از محمل صدور فرامین، به رسمیت بشناسند، و خود را متعهد به رعایت آن‌ها معرفی نمایند که از این مقوله‌اند:

قانون حمورابی پادشاه بابل (۲۱۲۳ ـ ۲۰۸۰ ق م)، قانون اساسی آتن (۵۰۷ ق م)، منشور کورش پادشاه هخامنشی (قرن پنجم پیش از میلاد)، الواح دوازده‌گانه روم (۴۵۱ ق م)، اقدامات ژوستی‌نین اپراطور روم (قرن ششم قبل از میلاد) در جهت احیاء و اصلاح الواح دوازده گانه روم، قطع‌نامه ماکناگارتا معرف به منشور کبیر انگلستان (۱۲۱۵ میلادی)، اعلامیه حقوق انگلستان (۱۸۶۶

میلادی)، منشور آزادی‌ها (مصوب داداگاه عمومی ماساچوست (۱۶۴۱ میلادی)، اعلامیه استقلال آمریکا (۱۷۷۶ میلادی)، لایحه حقوقی و ویرجینیا (۱۷۷۶ میلادی)، و موارد دیگری از این دست...

که در اینجا به تشکیل سپاه حلف‌الفضول به وسیلهٔ محمدامین و قبل از بعثت آن حضرت، و هم چنین به تأسیس و نهاد مشابه آن در زمان اسماعیل پیامبر، به صورت پیمانی در قبیله «جرحم»، که به نحوی، با هدف حمایت و دفاع از حقوق بشر، شکل گرفته نیز باید اشاره نمود ...

در تداوم تلاش انسان دوستان و اندیشمندان برای صیانت و رعایت حقوق انسانها با تبلور و نشر افکار بزرگ مردانی چون: ولتر، متسکیو، میرابو، ژان‌ژاک روسو، هوگو، ... و تحقق انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی، اعلامیه حقوق بشر و شهروند (فرانسه) تدوین و منتشر شد که مفاد آن پشتوانه و خمیر مایه قانون اساسی آن کشور گردید ...

و از آن پس، اضافه بر انقلاباتی که در پاره‌ای کشورهای دیگر شکل گرفت، سایر کشورهای جهان نیز، صاحب قانون اساسی شدند. که اضافه بر ترسیم خطوط اصلی و خط‌مشی‌های سیاسی، اجتماعی، دینی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی، ... سند زنده و رسمی حقوق، و آزادی‌های شناخته شده شهروندان و حقوق ملت می‌باشد. و حکومت‌ها و دولت‌ها را ملزم به رعایت این حقوق، و آزادی‌ها می‌نماید.

لکن باید توجه داشت که یکی از لوازم رعایت این حقوق، وقوف بر آن‌ها است ...

به این توضیح که هم آحاد وافراد جامعه باید از حقوق و از حدومرز آزادی‌های خود مطلع‌باشند...

و هم نگهبانان و مجریان این حقوق، واقف بدانها...

و این خود، انتشار و تبلیغ این اسناد را ضروری می‌نماید.

از جانبی دیگر، امروزه، به طور وسیعی در محافل و از طریق تریبون‌های مختلف، صحبت از حقوق بشر در میان است، ...

پاره‌ای مدافع، و بعضی متعرض به این حقوق معرفی می‌شوند، و می‌توان گفت، بحث در این مورد روز به روز داغ‌تر می‌گردد.

که این واقعیت نیز ایجاب می‌کند حقوق مذکور و مستندات آن معرفی گردند تا مدافع یا متعرض، بهتر شناسائی شوند.

ضمن اینکه در طول چند سال اشتغالم به تدریس حقوق، و از جمله حقوقِ اساسی، و حقوق جنائی

(حقوق جزا) و یکی از شعبات آن ـ آئین دادرسی کیفری ـ که هر کدام به قسمی با حقوق و آزادی‌های فردی ـ حقوق شخصیت ـ ارتباط دارند، از لحاظ دسترسی دانشجویان، و اهل تحقیق به اسناد حقوق بشر نیز، این نیاز را احساس نمودم...

لذا، بر اساس این نیاز و ضرورت چند جانبه، برآن شدم تا آن دسته از اعلامیه‌های حقوق را که به تأیید پارلمان رسیده و ترجمه رسمی شده‌اند تا آنجا که میسربوده، با مراجعه به مآخذ مختلف، در یک جا جمع‌آوری نموده، به صورت متمرکز و در یک مجموعه فراهم آورم و در دسترس مسئولین، و اهل فن، و علاقمندان قرار دهم. باشد تا از این رهگذر نیز، خدمت فرهنگی دیگری، ولو ناچیز، ارائه نموده، وبرگی دیگر به ادبیات حقوقی کشور عزیز خود، بیفرایم. بدان امید که صاحب‌نظران را مقبول افتد.

در اینجا شایسته است بعد از شکر بی‌پایان به آستان بی‌کران آفریدگار و پروردگارم، از مسئولین دفتر حقوقی، و بخش انتشارات جهاددانشگاهی، که مسئولانه و علاقمندانه، این فقیر را در ارائه این خدمت ناچیز یاری نمودند سپاسگزاری نمایم...

و هم چنین پدرم را که راه قانون مندیم نمود، و مادرم را که شریعت قرآنیم آموخت، ارج نهم...

و استادانم را امتنان گویم.

در خاتمه یادآور می‌شوم گرچه در تدوین و تنظیم و تبویب مندرجات این مجموعه، و نیز در بازنگری مطالب دقت بسیار بکار رفته، ولی، بدون عیب و نقص نمی‌باشد و لذا، از اهل‌فن، و خاصه از استادان گرانمایه‌ام تقاضا دارم، چون همیشه از سر مهر اندرزم دهند تا بکارگیرم، و کاری کامل‌تر ارائه نمایم.

تهران. زمستان سال ۱۳۷۲

هوشنگ ناصرزاده

«ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و کرامت بخشیدیم»
مبارکه بنی اسرائیل ـ شریفه ۷.

«آن‌ها کسانی هستند که ... پیرو پیغمبری می‌باشند که ... بارگران از دوش ایشان برمی‌دارد و غل‌ها و بندها که بر ایشان بود فرو می‌گذارد...»
مبارکه اعراف ـ شریفه ۱۵۷.

«ای مردم ما شما را از یک انسان مرد و یک انسان زن آفریدیم و شما را به صورت ملت و گروهها قرارداديم تا همدیگر را بشناسید. ارزشمندترین شما در پیشگاه خدا پرهیزگارترین شماها می‌باشد.»
مبارکه حجرات ـ شریفه ۱۳.

دفتر اول
اعلامیه‌های حقوق

۱:

اعلامیه اسلامی حقوق بشر ...

اعلامیه اسلامی حقوق بشر[۱] مصوب ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری (مطابق با ۵ اوت ۱۹۹۰ میلادی و ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ شمسی) اجلاس وزرای امورخارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره

"یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم "(قران کریم)

دولتهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی با ایمان به الله پروردگار جهانیان و آفریدگار کائنات وبخشنده نعمتها، خداوندی که انسان را به بهترین وجه آفریده وبه او حیثیت داده و وی را خلیفه خود در زمین گرداند، خداوندی که آبادانی و اصلاح زمین را بر عهده بشر گذارده و امانت تکالیف الهی را بر گردن او نهاده و آنچه در آسمانها و زمین است همگی را تحت تصرف وی قرار داد و با تصدیق رسالت محمد (ص) که خداوند ایشان را به هدایت و آئین راستین فرستاده و وی را رحمتی برای جهانیان، و آزادگری برای بردگان و شکننده‌ای برای طاغوت‌ها و مستکبران گردانیده است،پیامبری که برابری را میان همه بشریت اعلام نموده و هیچ اولویتی برای کسی بر دیگری جز در تقوی قائل نشده، و فاصله‌ها و اکراه را از میان مردم بر چید، مردمی که خداوند آنانرا را از روح واحد آفریده است.

و با در نظر گرفتن عقیده توحید ناب که ساختار اسلام بر پایه آن استوار شده است،عقیده ای که بشریت را فراخواند تا جز خدا کسی را پرستش نکرده و شریکی برای او قائل نشوند واحدی را بعنوان خدا به جای

۱ ـ نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره بیست وپنجم.صفحات ۱۲۲-۱۱۳.

الله نگیرند، عقیده‌ای که پایه راستین آزادی مسئولانه بشریت و حیثیت آنان راپی‌ریزی کرده و رهائی انسان از بردگی را اعلان نموده است.

و از برای تحقق، آن چیزهائی که در شریعت جاودان اسلامی آمده است از جمله پاسداری از دین و جان و خرد و ناموس ومال و نسل، و دیگر امتیازات چون جامعیت و میانه‌روی در کلیه مواضع و احکام، این شریعت معنویات و ماده را با هم درآمیخت و عقل و قلب را هماهنگ ساخت و میان حقوق و وظائف موازنه بوجود آورد و بین حرمت فرد و مصلحت عمومی تلفیقاتی بوجود آورد و معیارهای قسط را میان طرفهای ذیربط برقرار کرد تااین که نه طغیانی باشد و نه زیانی.

ضمن تاکید بر نقش تمدنی و تاریخی امت اسلامی که خداوند آنرا بهترین امت برگزید تا این امت یک تمدن جهانی همگون را به بشریت تقدیم نماید، تمدنی که می‌تواند دنیا را به آخرت ربط داده و علم و ایمان رابهم بپیوندد. لذا از چنین امتی امروزه انتظار می‌رود که به هدایت بشریت گمراه در امواج و مسلک هائی که در حال رقابت متضاد هستند اقدام نموده و راه‌حلهائی برای مشکلات مزمن تمدن مادی ارائه دهد.

و به جهت ایفای سهم خود در تلاشهای بشری که مربوط به حقوق بشر است ـ حقوقی ـ که هدفش حمایت بشر در مقابل بهره‌کشی و ظلم بوده و تاکید بر آزادی و حقوق او در حیات شرافتمندانه‌ای دارد که با شریعت اسلامی هماهنگ است.

با اعتقاد به این که بشریتی که به بالاترین درجات علم مادی رسیده است، پیوسته و در هر زمان نیازمند تکیه‌گاهی ایمانی جهت پاسداری ازتمدن خود و عامل حمایت کننده از حقوق خویش می‌باشد.

و با ایمان به این که حقوق اساسی و آزادیهای عمومی در اسلام جزئی از دین مسلمین است، پس هیچ احدی به طور اصولی حق متوقف کردن کلی یا جزئی یا زیر پا نهادن یا چشم‌پوشی کردن از احکام الهی، تکلیفی که خداوند از راه کتابهای خود نازل نموده و خاتم پیامبرانش را فرستاده و به وسیله او پایان و اختتامی برای رسالت آسمانی بعمل آورده است، ندارد. بنابراین مراعات آنها، عبادت است و کوتاهی از آنها یا تجاوز بر آنها منکر است و هر انسانی بطور منفرد، مسئول پاسداری و اجرای آن است و امت بگونه‌ای هماهنگ در تضمین (مشترک) در قبال آن، مسئولیت دارد. بدین جهت، دولتهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی براین اساس، مواد زیر را اعلام می‌نمایند.

مادهٔ یک:

الف) بشر بطور کلی یک خانواده می‌باشند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندی نسبت به آدم آنها را گردآورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند بدون هرگونه تبعیضی از لحاظ نژاد، یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره.

ضمنا "عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان می باشد.

ب) همه مخلوقات به منزله عائله خداوندی هستند و محبوبترین آنان نزد خدا سودمندترین آنان به همنوع خود است.و هیچ احدی بر دیگری برتری ندارد مگر در تقوی و کار نیکو.

مادهٔ دوم:

الف) زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است، و بر همه افراد و جوامع و حکومتها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و جایز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی.

ب) استفاده از وسیله‌ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت بطور کلی یا جزئی گردد، ممنوع است.

ج) پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هر جائیکه خداوند مشیت نماید، وظیفه شرعی می باشد.

د) حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی‌احترامی به آن جایز نیست کمااین که جایز نیست لمس کردن آن مگر با مجوز شرعی. و بر دولت است حمایت از این امر.

مادهٔ سوم:

الف) در صورت به کارگیری زور یا کشمکش‌های مسلحانه نباید آنانی را که در آن مشارکتی نداشته‌اند همچون پیرمردان و زنان و کودکان، را کشت و هر مجروح و بیماری حق‌مداوا، و اسرا حق خوراک و پناهگاه و لباس دارند. و مثله کردن مقتولین ممنوع است و باید اسرا رامبادله و فیمابین خانواده‌هائی که اوضاع جنگ باعث جدائی آنان شده است، دیدارهائی بعمل آید.

ب) قطع درختان یا از بین بردن زراعت و دامها یا تخریب ساختمانها و موسسات کشوری دشمن به وسیله بمباران یا موشک‌باران و غیره، جایزنمی باشد.

مادهٔ چهارم:

هر انسانی حرمتی دارد و می‌تواند از آوازه خود در زندگی یا پس از مرگ پاسداری نماید و دولت و جامعه موظف است که از پیکر و مدفن او پاسداری کند.

مادهٔ پنجم:

الف) خانواده، پایه ساختار جامعه است و زناشوئی اساس ایجاد آن می باشد، بنابراین مردان و زنان حق ازدواج دارند و هیچ قید و بندی که بر پایه نژاد یا رنگ یا قومیت باشد، نمی‌تواند از این حق آنان، جلوگیری کند.

ب) جامعه و دولت موظف است موانع را از فراراه ازدواج برداشته و راههای آنرا آسان و از خانواده حمایت بعمل آورد.

مادهٔ ششم:

الف) در حیثیت انسانی، زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد از حقوق نیز برخوردار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق حفظ نام ونسبت خَویش را دارد.

ب) بار نفقه خانواده و مسئولیت نگهداری آن، ازوظائف مرد می باشد.

مادهٔ هفتم:

الف) هر کودکی از زمان تولد، حقی بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت در محافظت دوران طفولیت و تربیت نمودن و تامین مادی و بهداشتی و ادبی دارد. در ضمن باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبتهای ویژه نسبت به آنها مبذول شود.

ب) پدران و کسانی که از نظر قانون شرع به منزله پدرانند، حق انتخاب نوع تربیتی را که برای فرزندان خود می خواهند با مراعات منافع و آینده آنان در پرتو ارزشهای اخلاقی و احکام شرعی دارند.

ج) بر طبق احکام شرع فرزندان نسبت به والدین خود و اقوام نسبت به اقوام خود حقوقی بر گردن دارند.

مادهٔ هشتم:

هر انسانی از لحاظ الزام و التزام ازیک شخصیت شرعی برخوردار است و اگر این شخصیت از بین رفت یا مخدوش گردید، قیم جای او را می‌گیرد.

مادهٔ نهم:

الف) طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت، و بر دولت لازم است که راهها و وسائل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آنرا بگونه‌ای که مصلحت جامعه را برآورد، تامین نماید و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آنرا برای خیر بشریت به کار گیرد.

ب) حق هر انسانی است که موسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاههای تبلیغاتی و غیره که کوشش در جهت پرورش دینی و دنیوی انسان‌می‌نماید، برای تربیت کامل و متوازن او تلاش کنند و شخصیتش را پرورش دهند بگونه‌ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظایف و حمایت از آن فراهم شود.

مادهٔ دهم:

اسلام دین فطرت است، و به کارگرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان یا بهره‌برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحاد، جایز نمی باشد.

مادهٔ یازدهم:

الف) انسان آزاده متولد می‌شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد، مگر خدای تعالی.

ب) استعمار به انواع گوناگونش و به اعتبار این که بدترین نوع بردگی است، شدیداً تحریم می‌شود و ملتهائی که از آن رنج می‌کشند حق دارندار آن رهائی یافته و سرنوشت خویش راتعیین کنند. همه دول و ملل نیز موظف‌اند از این گروه در مبارزه علیه نابودی هر نوع استعمار و اشغال یاری نمایند. همه ملتها نیز حق حفظ شخصیت مستقل و سلطه خود بر منابع و ثروتهای طبیعی را دارند.

مادهٔ دوازدهم:

هر انسانی بر طبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود. و بر آن کشور پناهنده واجب است که با او مدارا کند، تااین که پناهگاهی برایش فراهم شود. با این شرط که علت پناهندگی بخاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد.

مادهٔ سیزدهم:

کار حقی است که باید دولت و جامعه برای هر کسی که قادر به انجام آن است، تضمین کند. و هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد به گونه‌ای که هم مصلحت خود و هم مصلحت جامعه برآورده شود. هر کارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تامین‌های اجتماعی برخوردار باشد و نباید او را به کاری که توانش را ندارد واداشت یا او را به کاری اکراه نمود یا از او بهره کشی کرد یا به او زیان رساند و هر کارگری بدون فرق میان مرد و زن، حق دارد که مزد عادلانه در مقابل کاری که ارائه‌می کند سریعاً دریافت نماید و نیز حق استفاده از مرخصی‌ها و پاداشها و ترفیعات استحقاقی را دارد و در عین حال موظف است که در کار خود اخلاص و درستکاری داشته باشد و اگر کارگران با کارفرمایان اختلاف پیدا کردند دولت موظف است برای حل این اختلاف و از بین بردن ظلم و اعاده حق و پایبندی به عدل بدون این که بنفع طرفی عدول کند، دخالت نماید.

مادهٔ چهاردهم:

انسان حق دارد، کسب مشروع بکند، بدون احتکار و فریب یا زیان رساندن به خود یا دیگران. و ربا شدیداً ممنوع می باشد.

مادهٔ پانزدهم:

الف) هر انسانی حق مالک شدن از راههای شرعی را دارد و می‌تواند از حقوق مالکیت بگونه‌ای که به خود و یا دیگران و یا جامعه ضرر نرساند، برخوردار باشد و نمی‌توان مالکیت را از کسی سلب کرد مگر بنابر ضرورت حفظ منافع عمومی و در مقابل پرداخت غرامت فوری و عادلانه.

ب) مصادره اموال و ضبط آنها ممنوع است مگر بر طبق شرع.

مادهٔ شانزدهم:

هر انسانی حق دارد از ثمره دست‌آوردهای علمی یا ادبی یا هنری یا تکنولوژیکی خود سود ببرد، و حق دارد از منافع ادبی و مالی حاصله از آن حمایت نماید، مشروط براین که آن دست‌آورد (اثر) مغایر با احکام شریعت نباشد.

مادهٔ هفدهم:

الف) هر انسانی حق دارد که در یک محیط پاك از مفاسد و بیماری‌های اخلاقی بگونه‌ای که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد، زندگی کند، جامعه و دولت موظفند این حق را برای او فراهم کنند.

ب) دولت و جامعه موظف‌اند که برای هر انسانی تامین بهداشتی و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز بر حسب امکانات موجود، فراهم نمایند.

ج) دولت مکلف است حق هر انسانی رادر زندگی شرافتمندانه‌ای که بتواند از طریق آن مایحتاج خود و خانواده‌اش را برآورده سازد و شامل خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی می‌شود تضمین نماید.

مادهٔ هجدهم:

الف) هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی کند.

ب) هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود.

ج) مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا بصورت غیر مشروع وارد آن شد، و نباید آنرا خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود.

مادهٔ نوزدهم:

الف) مردم در برابر شرع مساوی هستند. دراین امر حاکم و محکوم نیز با هم برابرند.

ب) مراجعه و پناه بردن به دادگاه حقی است که برای همه تضمین شده است.

ج) مسئولیت در اصل شخصی است.

د) هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر به موجب احکام شریعت.

ه) متهم،بی گناه است تااین که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمینهابرای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.

مادهٔ بیستم:

دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید، یا مجازات هر انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرع. و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او بگونه‌ای حقارت‌آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی، رفتار کرد. همچنین اجبار هر فردی برای آزمایشات پزشکی یا علمی جایز نیست مگر با رضایت وی و مشروط براین که سلامتی و زندگی او به مخاطره نیفتد. همچنین تدوین قوانین استثنائی که به قوه اجرائیه چنین اجازه‌ای رابدهد، نیز جایز نمی باشد.

مادهٔ بیست و یکم:

گروگان گیری به هر شکلی و بخاطر هر هدفی، ممنوع است.

مادهٔ بیست و دوم:

الف) هر انسانی حق دارد که نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد آزادانه بیان دار

ب) هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند.

ج) تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوءاستفاده و سوءاستعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیاء یا بکارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزشها یا متشتت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

د) برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض‌نژادی گردد، جایز نیست.

مادهٔ بیست و سوم:

الف) ولایت امانتی است که استبداد یا سوءاستفاده از آن شدیداً ممنوع می باشد، زیرا که حقوق اساسی از این راه تضمین می‌شود.

ب) هر انسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم شرکت نماید. همچنین او می‌تواند پستهای عمومی را برطبق احکام شریعت متصدی شود.

مادهٔ بیست و چهارم:

کلیه حقوق و آزادیهای مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی می باشد.

مادهٔ بیست و پنجم:

شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه می باشد.

۲:
اعلامیه جهانی حقوق بشر...

اعلامیه جهانی حقوق بشر[1] مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی (مطابق با ۱۳۲۷/۹/۱۹ شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد

مقدمه

از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد.

از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده، آزاد و از ترس و فقر، فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است.

از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد.

از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین ملل را مورد تشویق قرار داد.

از آنجا که مردم ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور، اعلام کرده‌اند و تصمیم راسخ گرفته‌اند که به پیشرفت اجتماعی، کمک

---

۱ ـ نشریه دان[illegible]م سیاسی. شماره بیست و پنجم. صفحات ۱۳۱-۱۲۳.

کنند و در محیطی آزاد، وضع زندگی بهتری به وجود آورند.

از آنجا که دول عضو، متعهد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادیهای اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تامین کنند.

از آنجا که حسن تفاهم مشترکی نسبت به این حقوق و آزادیها برای اجرای کامل این تعهد، کمال اهمیت را دارد.

مجمع عمومی این اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیهٔ ملل، اعلام‌می کند تا جمیع افراد و همهٔ ارکان اجتماع، این اعلامیه را دایماً در مدنظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام‌این حقوق و آزادیهاتوسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها می‌باشند تامین گردد.

مادهٔ ۱

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند همه دارای عقل وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

مادهٔ ۲

هر کس می‌تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاًاز حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادیهایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است،بهره‌مند گردد.

بعلاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قیمومت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

مادهٔ ۳

هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

مادهٔ ۴

احدی را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت و دادوستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است.

مادهٔ ۵

احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قراردادکه ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.

مادهٔ ٦

هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود.

مادهٔ ۷

همه در برابر قانون مساوی هستندو حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید بطور تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند.

مادهٔ ۸

در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه دارد.

مادهٔ ۹

احدی نمی‌تواند خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید بشود.

مادهٔ ۱۰

هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بیطرفی، منصفانه و علناً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزائی که به او توجه پیدا کرده باشد، اتخاذ تصمیم بنماید.

مادهٔ ۱۱

۱ ـ هر کس که به بزه‌کاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمینهای لازم برای دفاع او تامین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد.

۲ ـ هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است محکوم نخواهد شد. به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می‌گرفت دربارهٔ احدی اعمال نخواهد شد.

مادهٔ ۱۲

احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت واسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قانون قرار گیرد.

مادهٔ ۱۳

۱ ـ هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

۲ ـ هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود بازگردد.

مادهٔ ۱۴

۱ ـ هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.

۲ ـ در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیرسیاسی یا رفتارهایی مخالف با اصـول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی‌توان از این حق استفاده نمود.

مادهٔ ۱۵

۱ ـ هرکس حق دارد که دارای تابعیت باشد.

۲ ـ احدی رانمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

مادهٔ ۱٦

۱ ـ هر زن و مرد بالغی حق دارد بدون هیچ گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب بـا همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی می‌باشند.

۲ ـ ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانهٔ زن و مرد واقع شود.

۳ ـ خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.

مادهٔ ۱۷

۱ ـ هر شخص، منفرداًیا بطور اجتماع حق مالکیت دارد.

۲ ـ احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود.

مادهٔ ۱۸

هرکس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود.

این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هرکس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً به طور خصوصی یا به طور عمومی برخوردار باشد.

مادهٔ ۱۹

هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشـتن عقـاید خـود بیم و اضطرابی نداشته باشد و درکسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

مادهٔ ۲۰

۱ ـ هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیتهای مسالمت‌آمیز تشکیل دهد.

۲ ـ هیچ کس را نمی‌توان مجبوربه شرکت در اجتماعی کرد.

مادهٔ ۲۱

۱ ـ هرکس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید.

۲ ـ هرکس حق دارد با تساوی شرایط، به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

۳ ـ اساس و منشاء قدرت حکومت، ارادهٔ مردم است. این اراده باید به وسیلهٔ انتخاباتی برگزار گردد که از روی صداقت و به طور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید.

مادهٔ ۲۲

هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیلهٔ مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمو آزادانه شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست‌آورد.

مادهٔ ۲۳

۱ ـ هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایتبخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

۲ ـ همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند.

۳ ـ هر کس که کارمی کند به مزد منصفانه و رضایتبخشی ذیحق می‌شود که زندگی او و خانواده‌اش را موافق شئون انسانی تامین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی، تکمیل نماید.

۴ ـ هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت نماید.

مادهٔ ۲۴

هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و بخصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصیهای ادواری، با اخذ حقوق ذیحق می باشد.

مادهٔ ۲۵

۱ ـ هر کس حق دارد که سطح زندگانی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبتهای طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق داردکه در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضاء، بیوگی پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش از بین رفته باشد، از شرایط آبرومندانهٔ زندگی برخوردار شود.

۲ ـ مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج بدنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

مادهٔ ۲۶

۱ ـ هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش

حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل، به روی همه باز باشد همه، بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند.

۲ ـ آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادیهای بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید با حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل جمعیتهای نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیتهای ملل متحد را در راه حفظ صلح، تسهیل نماید.

۳ ـ پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

مادهٔ ۲۷

۱ ـ هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد.

۲ ـ هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

مادهٔ ۲۸

۱ ـ هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی، حقوق و آزادیهایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تأمین کند و آنها را به مورد عمل بگذارد.

مادهٔ ۲۹

۱ ـ هر کس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد.

۲ ـ هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادیهای خود، فقط تابع محدودیتهایی است که به وسیله قانون، منحصراً به منظور تأمین شناسائی و مراعات حقوق و آزادیهای دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعهٔ دموکراتیک وضع گردیده است.

۳ ـ این حقوق و آزادیها، در هیچ موردی نمی‌تواند بر خلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد.

مادهٔ ۳۰

هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه را از بین ببرد و یا در آن راه فعالیتی بنماید.

۳:

اعلامیه کنفرانس حقوق بین‌المللی حقـوق بشر (تهران)...

اعلامیهٔ کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر[۱] تهران ـ ۱۹٦۸

از ۲۲ آوریل تا ۱۳ مه ۱۹۶۸، در تهران اجلاسیه‌ای به منظور بررسی پیشرفتهای حاصله طی بیست سال گذشته از تاریخ تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و تنظیم برنامه‌ای برای آینده برگزار شد. این همایش به بررسی مسائل مربوط به فعالیتهای سازمان ملل متحد در زمینه بسط و تشویق احترام به حقوق و آزادیهای اساسی بشر، اختصاص داشت و در پایان اعلام داشت که: با در نظرداشتن قطعنامه‌های مصوب کنفرانس و با توجه به اینکه برگزاری سال بین‌المللی حقوق بشر در زمانی انجام می‌گیرد که جهان دستخوش یک رشته تحولات بی‌سابقه است...

با توجه به امکانات جدیدی که در اثر پیشرفت سریع علوم و تکنولوژی به وجود آمده است...

با اعتقاد به اینکه در دورانی که مناقشه و توسل به خشونت در بسیاری از نقاط جهان برقرار است و حقیقت همبستگی متقابل نوع بشر و ضرورت یکپارچگی آنان بیش از پیش مشهود است...

با اذعان به اینکه صلح جهانی آرمان بشر است و اینکه صلح و عدالت لازمه حتمی تحقق کامل حقوق و آزادیهای اساسی انسان، رسماً اعلام می‌دارد که:

۱ ـ لازم است اعضای جامعه بین‌المللی تعهدات خطیر خود را در زمینه بسط و تشویق احترام به حقوق و آزادیهای اساسی عموم افراد بشر، بدون توجه به وجوه امتیاز از هر نوع از جمله نژاد، رنگ، جنس،

---

۱ ـ نقل از کتاب حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ج ۷. صفحات ۱۹۰-۱۸۶ دکتر سید جلال‌الدین مدنی

زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیره ایفا کنند

۲ ـ اعلامیه جهانی حقوق بشر مبین تفاهم مشترک ملل جهان در زمینه حقوق غیرقابل سلب و نقض عموم اعضای خانواده بشری بوده متضمن تعهدی برای اعضای جامعه بین‌المللی است.

۳ ـ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیهٔ راجع به اعطای استقلال به سرزمینها و ملل مستعمره، عهدنامه بین‌الملل راجع به محو کلیه اشکال تبعیض نژادی و نیز عهدنامه‌ها و اعلامیه‌های دیگری که در زمینه حقوق بشر به ابتکار سازمان ملل متحد، کارگزاریهای تخصصی و سازمانهای منطقه‌ای بین‌الدولی به تصویب رسیده است، معیارها و تعهدات جدیدی به وجود آورده که برای کشورها لازم‌الرعایه است.

۴ ـ از بدو تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد، پیشرفتهای چشمگیری به منظور تعیین معیارهایی برای تمتع از حقوق و آزادیهای اساسی بشر و حمایت آن کرده است. در این مدت، اسناد بین‌المللی مهم متعددی به تصویب رسیده لیکن در زمینه تحقق حقوق و آزادیهای مذکور، هنوز کارهای زیادی باید انجام پذیرد.

۵ ـ هدف نخستین سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر، برخورداری یکایک افراد از حداکثر آزادی و حیثیت است. برای تحقق این مقصود، قوانین هر کشوری باید آزادی بیان، آزادی کسب اطلاعات، آزادی ایمان و مذهب و نیز حق شرکت در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور را برای عموم افراد، صرفنظر از نژاد، زبان، مذهب یا اعتقاد سیاسی تأمین کند.

۶ ـ کشورها باید عزم خود را مبنی بر اعمال مؤثر اصول راجع به حقوق و آزادیهای اساسی بشر که در منشور ملل متحد و سایر اسناد بین‌المللی به ودیعه سپرده شده مؤکداً اعلام دارند.

۷ ـ موارد نقض فاحش حقوق بشر در چهارچوب سیاست تنفرآور تژاد پرستی امری است که عمیقترین نگرانیها را در جامعه بین‌المللی پدیدآورده است. نژادپرستی که به منزله جنایتی علیه انسان محکوم شده همچنان به نحو جدی صلح و امنیت بین‌المللی را مختل می‌کند. از این رو بر جامعه بین‌المللی فرض شده است که از هر وسیله ممکن برای از بین بردن این پلیدی استاده کند. مبارزه علیه نژادپرستی مشروع شناخته می‌شود.

۸ ـ عموم ملل جهان را باید از پلیدی‌های تبعیض‌نژادی کاملاً آگاه کرد. این ملل باید در پیکار با آن شرکت جویند. اعمال اصل عدم تبعیض، گنجانده شده در منشور ملل متحد، اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، تکلیفی بسیار عاجل را برای بشریت ـ چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی ـ متضمن است. کلیه ایدئولوژیهای مبتنی بر برتری نژادی و نابرابری، باید محکوم شوند و در مقابل آنان ایستادگی به عمل آید.

۹ ـ هشت سال تمام پس از صدور اعلامیه مجمع عمومی راجع به اعطای استقلال به سرزمینها و ملل مستعمره، مسائل ناشی از استعمار همچنان جامعه بین‌المللی را به خود مشغول داشته است. ضرورت

عاجل دارد که کلیه کشورهای عضو با ارکان ذیربط سازمانهای ملل متحد همکاری کنند تا اقدامات مؤثری برای تضمین اجرای کامل اعلامیه معمول شود.

۱۰ - موارد نقض دامنه‌دار حقوق بشر، ناشی از تجاوز یا هرنوع مناقشه با پیامدهای اسفناکی که در بر دارد، به مصائب ناگفتنی بشر منتهی می‌شود و واکنشهایی را به وجود می‌آورد که امکان دارد جهان را گرفتار مخاصمات روزافزون کند. وظیفه جامعه بین‌المللی است که در زمینه محو این قبیل بلایا همکاری کنند.

۱۱ - موارد نقض فاحش حقوق بشر ناشی از تبعیض بر مبنای نژاد، مذهب و اعتقاد به افکار بخصوص یا بیان آن وجدان بشریت را جریحه‌دار می‌کند و مبانی آزادی، عدالت و صلح را در جهان به مخاطره می‌افکند.

۱۲ - شکاف روزافزون موجود بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از نظر اقتصادی، مانع تحقق حقوق بشر در جامعه بین‌المللی می‌شود. ناکامی دهه توسعه در نیل به هدفهای محدودی که داشته به مراتب بر ضرورت این امر که هر کشوری به تناسب امکانات خود حد اعلای کوشش ممکن را برای از میان برداشتن این فاصله مبذول دارد می‌افزاید.

۱۳ - چون حقوق و آزادیهای اساسی بشر غیرقابل تفکیک‌اند، تحقق کامل حقوق مدنی و سیاسی بدون بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امکانپذیر نیست. تأمین پیشرفت پایدار در زمینه اعمال حقوق بشر بستگی تام به اتخاذ سیاست‌های ملی و بین‌المللی صائب و مؤثر در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد.

۱۴ - وجود متجاوز از هفتصد میلیون تن بیسواد در سراسر جهان، سد عظیمی است در راه کلیه کوششهایی که به منظور تحقق هدفها و مقاصد منشور ملل متحد و موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر به عمل می‌آید. اقدام بین‌المللی به منظور محو بیسوادی از صحنه گیتی و بسط تعلیم و تربیت در کلیه سطوح، شایستهٔ توجه عاجل است.

۱۵ - تبعیضی که زنان همچنان در مناطق مختلف جهان قربانی آنند باید از بین برود. منزلت مادون برای زنان قائل شدن، مغایر منشور ملل متحد و نیز موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر است و اعمال کامل مفاد اعلامیه راجع به محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان از الزامات حتمی پیشرفت انسان.

۱۶ - امر حمایت خانواده و کودک، همچنان توجه جامعه بین‌المللی را به خود معطوف داشته است. والدین دارای حق اساسی بشری در زمینه تصمیم‌گیری آزادانه و همراه با درک مسئولیت در مورد تعداد و فاصله سنی فرزندان خویش‌اند.

۱۷ - آرمان‌های نسل جوان در زمینه پایه‌گذاری دنیائی بهتر که در آن حقوق و آزادی‌های اساسی بشر به نحو کامل اعمال شود. باید از نهایت تشویق برخوردار باشد. ضرورت دارد که جوانان در شکل بخشیدن به آینده بشر سهیم باشند.

۱۸ - در حالی که کشفیات علمی و پیشرفتهای تکنولوژیکی اخیر، افق‌های وسیعی را از نظر پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گشوده است، چنین تحولاتی ممکن است به رغم این امر حقوق و

آزادی‌های افراد را به مخاطره افکند و از این رو مستلزم مراقبت پی‌گیر است.

۱۹ ـ خلع سلاح می‌تواند منابع انسانی و مادی عظیمی راکه در حال حاضر به مقاصد نظامی اختصاص داده شده آزاد کند. این منابع باید در طریق بسط حقوق و آزادیهای اساسی بشر مصروف شود. خلع‌سلاح عمومی و کامل یکی از والاترین آرمانهای کلیه ملل است.

٤:

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ...

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی[1] مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ (مطابق با ۱۳۴۵/۹/۲۵ شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد

مقدمه

کشورهای طرف این میثاق

با توجه به اینکه بر طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر مبنای آزادی ـ عدالت و صلح در جهان است.

با اذعان به این‌که حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است.

با اذعان به این‌که بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد رهائی یافته از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی او ایجاد شود

با توجه به این‌که دولتها بر طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و موثر و رعایت حقوق و آزادیهای بشر ملزم هستند.

با در نظر گرفتن این حقیقت که هر فرد نسبت به افراد دیگر و نیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده‌دار وظایفی است و مکلف است به این‌که در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق

---

۱ ـ دکتر مبشری اسدالله. حقوق بشر. ص ۱۱۸

اهتمام نماید.
با مواد زیر موافقت دارند:

بخش یک

مادهٔ ۱ :

۱ ـ کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند. به موجب حق مزبور ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند.

۲ ـ کلیه ملل میتوانند برای نیل به هدفهای خود در منابع و ثروتهای طبیعی خود بدون اخلال بالزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه هرگونه تصرفی بنمایند ـ در هیچ مورد نمی‌توان ملتی راأز وسایل معاش خود محروم کرد.

۳ ـ دولتهای طرف این میثاق از جمله دولتهای مسئول اداره سرزمینهای غیرخودمختار و تحت قیمومت مکلفند تحقق حق خودمختاری ملل را تسهیل و احترام این حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت کنند.

بخش دوم

مادهٔ ۲ :

۱ ـ دولتهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد ـ رنگ ـ جنس ـ زبان ـ مذهب ـ عقیده سیاسی یا عقیده دیگر ـ اصل و منشأملی یا اجتماعی ـ ثروت ـ نسب یا سایر وضعیتها محترم شمرده و تضمین بکنند.

۲ ـ هر دولت طرف این میثاق متعهد می‌شود که بر طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این میثاق اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانونگذاری و غیر آن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق که قبلا به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر لازم‌الاجراء نشده است بعمل آورد.

۳ ـ هر دولت طرف این میثاق متعهد می‌شود که:

الف ـ تضمین کند که برای هر شخصی که حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق درباره او نقض شده باشد وسیله مطمئن احقاق حق فراهم بشود هر چند که نقض حقوق به وسیله اشخاصی ارتکاب شده باشد که در اجرای مشاغل رسمی خود عمل کرده باشند.

ب ـ تضمین کند که مقامات صالح قضائی ـ اداری یا مقننه یا هر مقام دیگری که به موجب مقررات قانونی آن کشور صلاحیت دارد درباره شخص دادخواست دهنده احقاق حق بکنند و همچنین امکانات تظلم به مقامات قضائی را توسعه بدهند.

ج ـ تضمین کند که مقامات صالح «نسبت به تظلماتی که حقانیت آن محرز بشود ترتیب اثر صحیح

بدهند».[۱]

مادهٔ ۳ :

دولتهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده در این میثاق تأمین کنند.

مادهٔ ۴ :

هرگاه یک خطر عمومی استثنائی (فوق العاده) موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماًاعلام بشود کشورهای طرف این میثاق میتوانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت حتماً ایجاب می‌نماید اتخاذ نمایند مشروط براین که تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که برطبق حقوق بین‌الملل بعهده دارند مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصراًبراساس نژاد ـ رنگ ـ جنس ـ زبان ـ اصل و منشأمذهبی یا اجتماعی نشود.

۲ ـ حکم مذکور در بند فوق هیچ گونه انحراف از مواد ۶-۷ (بندهای اول و دوم) ماده ۸-۱۱-۱۵-۱۶-۱۸ را تجویز نمیکند.

۳ ـ دولتهای طرف این میثاق که از حق انحراف استفاده کنند مکلفند بلافاصله سایر دولتهای طرف میثاق را توسط دبیرکل ملل متحد از مقرراتی که از آن انحراف ورزیده و جهاتی که موجب انحراف شده است مطلع نمایند و در تاریخی که به این انحرافها خاتمه می‌دهند مراتب را به وسیله اعلامیه جدیدی از همان مجری اطلاع دهند.

مادهٔ ۵ :

۱ ـ هیچ یک از مقررات این میثاق نباید به نحوی تفسیر شود که متضمن ایجاد حقی برای دولتی یا گروهی یا فردی گردد که به استناد آن به منظور تضییع هر یک از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق و یا محدود نمودن آن بیش از آنچه در این میثاق پیش‌بینی شده است مبادرت به فعالیتی بکند و یا اقدامی بعمل آورد .

۲ ـ هیچ گونه محدودیت یا انحراف از هر یک از حقوق اساسی بشر که به موجب قوانین -کنوانسیونها[۲] ـ آئین‌نامه‌ها یا عرف و عادات نزد هر دولت طرف این میثاق‌به رسمیت شناخته شده یا نافذ و جاری است‌به عذراین که این میثاق چنین حقوقی رابه رسمیت نشناخته یااین که به میزان کمتری به رسمیت شناخته است قابل قبول نخواهد بود.

بخش سوم

مادهٔ ٦ :

۱ ـ حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است .

---

۱ ـ در متن انگلیسی "حکم صادر بر حقانیت رابه موقع اجراءبگذارند"آمده است.
۲ ـ مقاوله نامه‌ها

این حق باید به موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد.

۲ ـ در کشورهائی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جائز نیست مگر در مورد مهمترین جنایات طبق قانون لازم‌الاجراءدر زمان ارتکاب جنایت که آنهم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیونها[1] راجع به جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (ژنوسید) منافات داشته باشد. اجرای این مجازات جایز نیست مگربه موجب حکم قطعی صادر از دادگاه صالح.

۳ ـ در مواقعی که سلب حیات تشکیل دهنده جرم کشتار دسته جمعی باشد چنین معهود است که هیچ یک از مقررات این ماده دولتهای طرف این میثاق را مجاز نمی‌دارد که‌به هیچ نحو از هیچ یک از الزاماتی که به موجب مقررات کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (ژنوسید) تقبل شده انحراف ورزند.

۴ ـ هر محکوم باعدامی حق خواهدداشت که درخواست عفو یا تخفیف مجازات بنماید عفو عمومی یا عفو فردی یا تخفیف مجازات اعدام در تمام موارد ممکن است اعطا شود.

۵ ـ حکم اعدام در مورد جرائم ارتکابی اشخاص کمتر ازهیجده سال صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست.

۶ ـ هیچ یک از مقررات این ماده برای تاخیر یا منع الغاء مجازات اعدام از طرف دولتهای طرف این میثاق قابل استناد نیست.

مادهٔ ۷ :

هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازاتها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترذیلی قرار داد. مخصوصاً قراردادن یک شخص تحت آزمایشهای پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است.

مادهٔ ۸ :

۱ ـ هیچ کس را نمی‌توان در برده‌گی نگاه داشت. برده‌گی و خرید و فروش برده بهر نحوی از انحاء ممنوع است.

۲ ـ هیچ کس را نمی‌توان دربندگی (غلامی) نگاه داشت.

۳ ـ الف ـ هیچ کس به انجام اعمال شاقه یا کار اجباری وادار نخواهد شد.

ب ـ شق الف بند ۳ را نمی‌توان چنین تفسیر کرد که درکشورهائی که بعضی از جنایات قابل مجازات با اعمال شاقه است مانع اجرای مجازات اعمال شاقه مورد حکم صادره از دادگاه صالح بشود.

ج ـ "اعمال شاقه یا کار اجباری " مذکور در این بند شامل امور زیر نیست :

اول ـ هر گونه کار یا خدمات ذکر نشده در شق "ب" که متعارفاً به کسی که به موجب یک تصمیم

---

۱ ـ مقاوله‌نامه

قضائی قانونی زندانی است یا به کسی که موضوع چنین تصمیمی بوده و در حال آزادی مشروط باشد تکلیف می‌گردد.

دوم - هر گونه خدمت نظامی و در کشورهائی که امتناع از خدمت وظیفه به سبب محظورات وجدانی به رسمیت شناخته شده است هر گونه خدمت ملی که به موجب قانون بامتناع کنندگان وجدانی تکلیف می‌شود.

سوم - هر گونه خدمتی که در موارد قوه قهریه (فرس ماژور) یا بلیاتی که حیات یا رفاه جامعه را تهدیدمی کند تکلیف بشود.

چهارم - هر کار یا خدمتی که جزئی از الزامات مدنی (اجتماعی) متعارف باشد.

مادهٔ ۹:

هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا باز داشت (زندانی) کرد. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آئین دادرسی مقرربه حکم قانون.

۲ - هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اخطاریه‌ای دائر بهرگونه اتهامیکه باو نسبت داده می‌شود دریافت دارد.

۳ - هر کس باتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرس یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضائی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت (زندانی نمودن) اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قانون کلی باشد لیکن آزادی موقت ممکن است موکول باخذ تضمینهائی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضائی وحسب مورد برای اجرای حکم تأمین نماید.

۴ - هر کس که بر اثر دستگیر یا بازداشت (زندانی) شدن از آزادی محروم می‌شود حق داردکه به دادگاه تظلم نماید به این منظور که دادگاه بدون تاخیر راجع بقانونی بودن بازداشت اظهار رأی بکند و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند.

۵ - هر کس که بطور غیر قانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) باشد حق جبران خسارت خواهد داشت.

مادهٔ ۱۰:

درباره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد.

۲ - الف - متهمین جز در موارد استثنائی از محکومین جدا نگاهداری خواهند شد و تابع نظام جداگانه‌ای متناسب با وضع اشخاص غیر محکوم خواهند بود.

ب - صغار متهم باید از بزرگسالان جدا بوده و باید در اسرع اوقات ممکن در مورد آنان اتخاذ تصمیم بشود.

۳ ـ نظام زندانها متضمن رفتاری با محکومین خواهد بود که هدف اساسی آن اصلاح و اعاده حیثیت اجتماعی زندانیان باشد.

صغار بزهکار باید از بزرگسالان جدا بوده و تابع نظامی متناسب با سن و وضع قانونیشان باشند.

مادهٔ ۱۱ :

هیچ کس را نمی‌توان تنها به این علت که قادربه اجرای یک تعهد قراردادی خود نیست زندانی کرد.

مادهٔ ۱۲ :

هر کس قانوناًدر سرزمین دولتی مقیم باشد حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه مسکن خود را در آنجا خواهد داشت.

۲ ـ هر کس آزاد است هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند.

۳ ـ حقوق مذکور فوق تابع هیچ گونه محدودیتی نخواهد بود مگر محدودیتهائی که به موجب قانون مقرر گردیده و برای حفظ امنیت ملی ـ نظم عمومی ـ سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران لازم بوده و با سایر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.

۴ ـ هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از حق ورود به کشور خود محروم کرد.

مادهٔ ۱۳ :

بیگانه‌ای که قانوناً در قلمرو یک دولت طرف این میثاق باشد فقط در اجرای تصمیمی که مطابق قانون اتخاذ شده باشد ممکن است از آن کشور اخراج بشود و جز در مواردی که جهات حتمی امنیت ملی طور دیگر اقتضا نماید باید امکان داشته باشد که علیه اخراج خود موجهاًاعتراض کند و اعتراض او در مقام صالح یا نزد شخص یا اشخاص منصوب بخصوص از طرف مقام صالح با حضور نماینده‌ای که به این منظور تعیین‌می کند رسیدگی شود.

مادهٔ ۱۴ :

۱ ـ همه در مقابل دادگاهها و دیوانهای دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد به این‌که بدادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بیطرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهامات جزائی علیه او یا اختلافات راجع بحقوق و الزامات او در امور مدنی اتخاذ تصمیم بنماید.

تصمیم به سری‌بودن جلسات در تمام یا قسمتی از دادرسی خواه به جهات اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک و خواه در صورتی که مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوی اقتضاء کند و خواه در مواردی که از لحاظ کیفیات خاص علنی بودن جلسات مضر به مصالح دادگستری باشد تاحدی که دادگاه لازم بداند امکان دارد، لیکن حکم صادر در امور کیفری یا مدنی علنی خواهد بود مگر آنکه مصلحت صغار طور دیگری اقتضاءنماید یا دادرسی مربوط به اختلافات زناشوئی یا ولایت اطفال باشد.

۲ ـ هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق داردبی گناه فرض شود تااین که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود.

۳ ـ هر کس متهم بارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لااقل حق تضمینهای ذیل را خواهد داشت :

الف ـ در اسرع وقت و بتفصیل بزبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود مطلع شود.

ب ـ وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد.

ج ـ بدون تأخیر غیر موجه درباره او قضاوت بشود.

د ـ در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل باو اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از طرف دادگاه رأساًبرای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق‌الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت.

هـ ـ از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند سئوالات بکند یا بخواهد که از آنها سئوالاتی بشود و شهودی که له او شهادت می‌دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آنها سئوالات بشود.

و ـ اگر زبانی را که در دادگاه تکلم می‌شود نمی‌فهمد و یا نمی‌تواند به آن تکلم کند یک مترجم مجاناًباو کمک کند.

ز ـ مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم بودن اعتراف نماید.

۴ ـ آئین دادرسی جوانانی که از لحاظ قانون جزا هنوز بالغ نیستند باید به نحوی باشد که رعایت سن و مصلحت اعاده حیثیت آنان را بنماید.

۵ ـ هر کس مرتکب جرمی اعلام بشود حق دارد که اعلام مجرمیت و محکومیت او به وسیله یک دادگاه عالیتری طبق قانون مورد رسیدگی واقع بشود.

۶ ـ هرگاه حکم قطعی محکومیت جزائی کسی بعداً فسخ بشود یا یک امر حادث یا امری که جدیداً کشف شده دال بر وقوع یک اشتباه قضائی باشد و بالنتیجه مورد عفو قرار گیرد شخصی که در نتیجه این محکومیت متحمل مجازات شده استحقاق خواهد داشت که خسارت او طبق قانون جبران بشود مگراین که ثابت شود که عدم افشاء به موقع حقیقت مکتوم کلا یا جزأمنتسب بخود او بوده است.

۷ ـ هیچ کس را نمی‌توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادر طبق قانون آئین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

مادهٔ ۱۵ :

۱ ـ هیچ کس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده محکوم نمی‌شود و همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد هرگاه پس از ارتکاب جرم قانون مجازات خفیف‌تری برای آن مقرردارد‌مرتکب از آن استفاده

خواهد نمود.

۲ ـ هیچ یک از مقررات این ماده با دادرسی و محکوم کردن هر شخصی که به علت فعل یا ترک فعلی که در زمان ازتکاب بر طبق اصول کلی حقوق شناخته شده در جامعه ملتها مجرم بوده منافات نخواهد داشت.

مادهٔ ۱٦ :

هر کس حق دارد به این‌که شخصیت حقوقی او همه جا شناخته شود.

مادهٔ ۱۷ :

۱ ـ هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود.

۲ ـ هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات یا تعرض‌ها از حمایت قانون برخوردار گردد.

مادهٔ ۱۸ :

هر کس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی ـ داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جماعت خواه بطور علنی یا در خفادر عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می باشد.

۲ ـ هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که بآزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات بانتخاب خودش لطمه وارد آورد.

۳ ـ آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیتهائی نمود مگر آنچه منحصراًبه موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.

۴ ـ دولتهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و بر حسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند.

مادهٔ ۱۹ :

۱ ـ هیچ کس را نمی‌توان بمناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد.

۲ ـ هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه بسر حدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا بهر وسیله دیگر بانتخاب خود می باشد.

۳ ـ اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و لذاممکن‌است تابع محدودیتهای معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف ـ احترام حقوق یا حیثیت دیگران .

ب ـ حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی .

مادهٔ ۲۰ :

۱ ـ هرگونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است.

۲ ـ هرگونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد به موجب قانون ممنوع است.

مادهٔ ۲۱ :

حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیزبه رسمیت شناخته می‌شود اعمال این حق تابع هیچ گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دمکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد.

مادهٔ ۲۲ :

۱ ـ هر کس حق اجتماع آزادانه با دیگران را درداز جمله حق تشکیل سندیکا (اتحادیه‌های صنفی) و الحاق به آن برای حمایت از منافع خود.

۲ ـ اعمال این حق تابع هیچ گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد مگر آنچه که به موجب قانون مقررگردیده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی ـ نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد. این ماده مانع از آن نخواهد شد که اعضای نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق تابع محدودیتهای قانونی بشوند.

۳ ـ هیچ یک از مقررات این مادهٔ دولتهای طرف کنوانسیون مورخ ۱۹۴۸ سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی سندیکائی و حمایت از حق سندیکایی (حق متشکل شدن) را مجاز نمی‌داردکه با اتخاذ تدابیر قانونگذاری یا با نحوه اجرای قوانین به تضمینهای مقرردر آن کنوانسیون لطمه وارد آورند.

مادهٔ ۲۳ :

۱ ـ خانواده عنصر[1] طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد.

۲ ـ حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج میرسندبه رسمیت شناخته می‌شود.

۳ ـ هیچ نکاحی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی‌شود.

۴ ـ دولتهای طرف این میثاق تدابیر مقتضی به منظور تأمین تساوی حقوق و مسئولیتهای زوجین در مورد ازدواج در مدت زوجیت و هنگام انحلال آن اتخاذ خواهند کرد. در صورت انحلال ازدواج پیش‌بینی‌هائی برای تأمین حمایت لازم از اطفال بعمل خواهند آورد.

---

۱ ـ در متن انگلیسی بجای "عنصر" کلمات "واحد گروهی" استعمال شده است .

مادهٔ ۲۴ :

۱ ـ هر کودکی بدون هیچ گونه تبعیض از حیث نژاد ـ رنگ ـ جنس ـ زبان ـ مذهب ـ اصل ومنشأملی یا اجتماعی ـ مکنت یا نسب ـ دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانوادهٔ، او و جامعه و حکومت کشور او باید بعمل آید برخوردار گردد.

۲ ـ هر کودکی باید بلافاصله پس از ولادت به ثبت برسد و دارای نامی بشود.

۳ ـ هر کودکی حق تحصیل تابعیتی را دارد.

مادهٔ ۲۵ :

هر انسان عضو اجتماع [1] حق و امکان خواهد داشت بدون (در نظر گرفتن) هیچ یک از تبعیضات مذکور در ماده ۲ و بدون محدودیت غیر معقول :

الف ـ در اداره امور عمومی بالمباشره یا بواسطه نمایندگانی که آزادانتخاب شوند شرکت نماید.

ب ـ در انتخابات ادواری که از روی صحت به آراء عمومی مساوی و مخفی انجام شود و تضمین کننده بیان آزادانه اراده انتخاب کنندگان باشد رأی بدهد و انتخاب بشود.

ج ـ با حق تساوی طبق شرایط کلی بتواند به مشاغل عمومی کشور خود نائل شود.

مادهٔ ۲۶ :

۱ ـ کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچ گونه تبعیض استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هر گونه تبعیضی را منع و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد ـ رنگ ـ جنس ـ زبان ـ مذهب عقاید سیاسی و عقاید دیگر ـ اصل و منشأملی یا اجتماعی ـ مکنت ـ نسب ـ یا هر وضعیت دیگر تضمین بکند.

مادهٔ ۲۷ :

در کشورهائی که اقلیتهای نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیتهای مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا بزبان خود تکلم نمایند.

مادهٔ ۲۸ :

۱ ـ یک کمیته حقوق بشر (که از این پس در این میثاق کمیته نامیده خواهد شد) تأسیس می‌شود. این کمیته مرکب از هیجده عضو است و متصدی خدمات بشرح ذیل می باشد:

الف ـ کمیته مرکب خواهد بود از اتباع کشورهای طرف این میثاق که باید از شخصیت‌های دارای مکارم عالی اخلاقی بوده و صلاحیتشان در زمنه حقوق بشر محرز (شناخته شده) باشد. مفید بودن شرکت بعضی اشخاص واجد تجربه در امور قضائی در کارهای این کمیته مورد توجه واقع خواهد شد.

---

۱ ـ "انسان عضو اجتماع" ترجمه لغت Ctioyen بزبان فرانسه و Citizen به زبان انگلیسی است.

ب ـ اعضای کمیته انتخابی هستند و برحسب صلاحیت شخصی خودشان[۱] خدمت خواهند نمود

مادهٔ ۲۹:

۱ ـ اعضای کمیته با رأی مخفی از فهرست اشخاص واجد شرایط مذکور در ماده ۲۸ که به این منظور به وسیله کشورهای طرف این میثاق نامزد شده‌اند انتخاب می‌شوند.

۲ ـ هر کشور طرف این میثاق نمی‌تواند بیش از دونفر نامزد کند.

۳ ـ تجدید نامزدی یک شخص مجاز است.

مادهٔ ۳۰:

۱ ـ اولین انتخابات دیرتر از شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این میثاق انجام نخواهد شد.

۲ ـ برای انتخابات کمیته هر بار حداقل چهار ماه پیش از تاریخ انجام آن ـ به استثنای انتخاباتی که برای اشغال محل خالی طبق ماده ۳۴ بعمل می‌آید ـ دبیرکل سازمان ملل متحد از کشورهای طرف این میثاق کتباًدعوت خواهد نمود که نامزدهای خود را برای عضویت کمته ظرف سه ماه معرف کنند.

۳ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد فهرستی به ترتیب حروف الفباءازکلیه اشخاصی که به این ترتیب نامزد می‌شوند با ذکر نام کشورهائی که آنان را معرفی کرده‌اند تهیه و آنرا حداکثر یک ماه قبل از تاریخ انتخابات به کشورهای طرف این میثاق ارسال خواهد داشت.

۴ ـ انتخاب اعضای کمیته در جلسه‌ای که به دعوت دبیرکل سازمان ملل متحد از کشورهای طرف این میثاق در مرکز سازمان ملل متحد تشکیل خواهد شد انجام می‌شود. نصاب این جلسه دو سوم کشورهای طرف این میثاق است و منتخبین نامزدهائی خواهند بود که بیشترین تعداد رأی را به دست آورده و حائز اکثریت تام آراء نمایندگان کشورهای حاضر و رأی‌دهنده باشند.

مادهٔ ۳۱:

۱ ـ کمیته نمی‌تواند بیش از یک تبعه از هر کشوری عضو داشته باشد.

۲ ـ در انتخاب اعضای کمیته رعایت تقسیمات عادلانهٔ جغرافیائی و شرکت نمایندگان اشکال مختلف تمدنها و سیستم (نظام) های عمده حقوقی خواهد شد.

مادهٔ ۳۲:

۱ ـ اعضای کمیته برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند و در صورتی که مجدداًنامزد شوند تجدید انتخاب آنان مجاز خواهد بود لیکن مدت عضویت ۹ تن از اعضاء منتخب در اولین انتخابات در پایان دوسال منقضی می‌شود نام این ۹ تن بلافاصله پس از اولین انتخابات به وسیله قرعه توسط رئیس جلسه مذکور در بند ۴ ماده ۳۰ معین می‌شود.

۲ ـ در انقضای دوره تصدی انتخابات طبق مواد قبلی این بخش میثاق بعمل خواهدآمد.

---

۱ ـ منظور این است که این اشخاص در کمیته نمایندهٔ رسمی کشور متبوع خود محسوب نمی‌شوند.

مادهٔ ۳۳:

۱ ـ هرگاه یک عضو کمیته، به نظر مورد اتفاق آراء سایر اعضاء کمیته انجام خدمات خود را به هر علتی جز غیبت موقت قطع نموده باشد رئیس کمیته، دبیرکل سازمان ملل متحد رامطلع و او کرسی عضو مزبور رابلامتصدی اعلام می‌کند.

۲ ـ در صورت فوت یا استعفای یك عضو کمیته، رئیس کمیته فوراً دبیرکل سازمان ملل متحد را مطلع و او آن کرسی را از تاریخ فوت یا تاریخی که به استعفاء ترتیب اثر داده میشود بلامتصدی اعلام می‌کند.

مادهٔ ۳۴:

۱ ـ هرگاه بلامتصدی بودن یك کرسی بر طبق ماده ۳۳ اعلام شود و دوره تصدی عضوی که جانشینش باید انتخاب گردد ظرف ششماه از تاریخ اعلام بلامتصدی بودن منقضی نشود، دبیرکل سازمان ملل متحد به هر یك از کشورهای طرف این میثاق اعلام خواهند نمود که می‌توانند ظرف مدت دوماه نامزدهای خود را بر طبق مادهٔ ۲۹ به منظور اشغال کرسی بلامتصدی معرفی کنند.

۲ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد فهرستی به ترتیب حروف الفباء از اشخاصی که باین ترتیب نامزد شده‌اند تهیه خواهد نمود و آنرا برای کشورهای طرف این میثاق ارسال خواهد داشت. انتخاب برای اشغال کرسی بلامتصدی بر طبق مقررات مربوط این بخش از میثاق صورت خواهد گرفت.

۳ ـ هر عضوی که برای اشغال کرسی بلامتصدی اعلام شده به شرح مذکور در ماده ۳۳ انتخاب میشود، برای بقیه مدت عضویت عضوی که کرسی او در کمیته طبق مقررات آن ماده بلامتصدی شده است عضو کمیته خواهد بود.

مادهٔ ۳۵:

اعضای کمیته با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طبق شرایطی که مجمع عمومی با توجه به اهمیت خدمات کمیته تعیین نماید از منابع سازمان ملل متحد مقرری دریافت خواهند داشت.

مادهٔ ۳٦:

دبیرکل سازمان ملل متحد کارمندان و وسائل مادی مورد احتیاج برای اجرای مؤثر وظایفی که کمیته بموجب این میثاق بعهده دارددر اختیار کمیته خواهد گذاشت.

مادهٔ ۳۷:

۱ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد اعضای کمیته را برای تشکیل نخستین جلسه در مرکز سازمان ملل متحد دعوت می‌کند.

۲ ـ پس از نخستین جلسه کمیته در اوقاتی که در آئین‌نامهٔ داخلی آن پیش‌بینی می‌شود تشکیل جلسه خواهد داد.

۳ ـکمیته معمولا در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل جلسه خواهد داد.

مادهٔ ۳۸:

هر عضو کمیته باید پیش از تصدی وظایف خود در جلسه علنی طی تشریفات رسمی تعهد کند که وظایف خود را با کمال بیطرفی و از روی کمال وجدان ایفاء خواهد کرد.

مادهٔ ۳۹:

۱ ـ کمیته هیأت رئیسه خود را برای مدت دوسال انتخاب خواهد کرد. اعضای هیأت رئیسه قابل انتخاب مجدد هستند.

۲ ـ کمیته آئین‌نامه داخلیش را خود تنظیم می‌کند. آئین نامه مزبور از جمله مشتمل بر مقررات ذیل خواهد بود:

الف ـ حد نصاب رسمیت جلسات حضور دوازده عضو است.

ب ـ تصمیمات کمیته با اکثریت آراءاعضاءحاضر اتخاذ می‌گردد.

مادهٔ ۴۰:

۱ ـ کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند درباره تدابیری که اتخاذ کرده‌اند و آن تدابیر به حقوق شناخته شده در این میثاق ترتیب اثر می‌دهد و دربارهٔ پیشرفتهای حاصل در تمتع از این حقوق گزارشهائی تقدیم بدارند.

الف ـ ظرف یکسال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این میثاق برای هر کشور طرف میثاق در امور مربوط به آن کشور.

ب ـ پس از آن هر موقع که کمیته چنین درخواستی بنماید.

۲ ـ کلیه گزارشها باید خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد باشد و او آنها را برای رسیدگی به کمیته ارجاع خواهد کرد. گزارشها باید حسب‌المورد حاکی از عوامل و مشکلاتی باشد که در اجرای مقررات این میثاق تأثیر دارند.

۳ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد می‌تواند پس از مشورت با کمیته، رونوشت قسمتهائی از گزارشها را که ممکن است مربوط به امور مشمول صلاحیت مؤسسات تخصصی باشد برای آن مؤسسات ارسال دارد.

۴ ـ کمیته گزارشهای واصل از کشورهای طرف این میثاق را بررسی می‌کند و گزارشهای خود و همچنین هرگونه ملاحظات کلی که مقتضی بداند به کشورهای طرف این میثاق ارسال خواهد داشت. کمیته نیز می‌تواند این ملاحظات را بضمیمهٔ گزارشهای واصل از کشورهای طرف این میثاق به شورای اقتصادی و اجتماعی تقدیم بدارد.

۵ ـ کشورهای طرف این میثاق می‌توانند نظریاتی درباره هرگونه ملاحظاتی که بر طبق بند ۴ این ماده اظهار شده باشد به کمیته ارسال دارند.

مادهٔ ۴۱:

۱ ـ هر کشور طرف این میثاق می‌تواند به موجب این ماده هر موقع اعلام بدارد که صلاحیت کمیته را

برای دریافت و رسیدگی به اطلاعیه‌های دائر بر ادعای هر کشور طرف میثاق که کشور دیگر طرف میثاق تعهدات خود را طبق این میثاق انجام نمی دهد برسمیت می‌شناسد. به موجب این ماده فقط اطلاعیه‌هائی قابل دریافت و رسیدگی خواهد بود که توسط یک کشور طرف میثاق که شناسائی صلاحیت کمیته را نسبت به خود اعلام کرده باشد تقدیم بشود. هیچ اطلاعیه مربوط به یک کشور طرف این میثاق که چنین اعلامی نکرده باشد قابل پذیرش نخواهد بود. نسبت به اطلاعیه هائی که به موجب این ماده دریافت می‌شود به ترتیب ذیل اقدام خواهد شد:

الف ـ اگر یک کشور طرف میثاق تشخیص دهد که کشور دیگر طرف میثاق به مقررات این میثاق ترتیب اثر نمی‌دهد می‌تواند بوسیله اطلاعیه کتبی توجه آن کشور طرف میثاق را به موضوع جلب کند. در ظرف مدت سه ماه پس از وصول اطلاعیه کشور دریافت کنندهٔ آن توضیح یا هرگونه اظهار کتبی دیگر دائر به روشن کردن موضوع در اختیار کشور فرستندهٔ اطلاعیه خواهد گذارد. توضیحات و اظهارات مزبور حتی‌الامکان و تاجائیکه مقتضی باشد از جمله حاوی اطلاعاتی خواهد بود در خصوص قواعد دادرسی طبق قوانین داخلی آن کشور و آنچه که برای علاج آن بعمل آمده یا در جریان رسیدگی است یا آنچه در این مورد قابل استفاده بعدی است.

ب ـ اگر در ظرف ششماه پس از وصول اولین اطلاعیه به کشور دریافت کننده موضوع با رضایت هر دو طرف مربوط فیصله نیابد هر یک از طرفین حق خواهد داشت با ارسال اخطاریه‌ای به کمیته و به طرف مقابل موضوع را به کمیته ارجاع نماید.

ج ـ کمیته به موضوع مرجوعه فقط پس از احراز اینکه بنابر اصول متفق علیه حقوق بین‌الملل کلیهٔ طرق شکایت طبق قوانین داخلی در موضوع مورد استناد واقع و طی شده است به موضوع مرجوعه رسیدگی می‌کند. این قاعده در مواردی که طی طرق شکایت به نحو غیر معقول طولانی باشد مجری نخواهد بود.

د ـ کمیته در موقع رسیدگی باطلاعیه‌های واصل به موجب این ماده جلسات سری تشکیل خواهد داد.

هـ ـ با رعایت مقررات شق "ج" کمیته به منظور حل دوستانه موضوع مورد اختلاف بر اساس احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی شناخته شده در این میثاق مساعی جمیله خود را در اختیار کشورهای ذینفع طرف میثاق خواهد گذارد.

و ـ کمیته در کلیه امور مرجوعه بخود می‌تواند از کشورهای (ذینفع) طرف اختلاف موضوع شق "ب" هرگونه اطلاعات مربوط به قضیه را بخواهد.

ز ـ کشورهای ذینفع طرف میثاق موضوع شق "ب" حق خواهند داشت هنگام رسیدگی به قضیه در کمیته نماینده داشته باشند و ملاحظات خود را شفاهاً یا "کتباً" یا بهر یک از دو شق اضهار بدارند.

ح ـ کمیته باید در مدت ۱۲ ماه پس از تاریخ دریافت اخطاریه موضوع شق "ب" گزارش بدهد:

(۱) اگر راه‌حلی طبق مقررات شق "هـ" حاصل شده باشدکمیته گزارش خود را بشرح مختصرقضایا و راه حل حاصله حصرخواهد کرد.

(۲) اگر راه حلی طبق مقررات شق "هـ" حاصل نشده باشد کمیته در گزارش خود بشرح مختصر قضایا اکتفا خواهدکرد. متن ملاحظات کتبی وصورت مجلس ملاحظات شفاهی که کشورهای ذینفع طرف میثاق اظهارکرده‌اند ضمیمه گزارش خواهدبود. برای هر موضوعی گزارشی به کشورهای ذینفع طرف میثاق ابلاغ خواهد شد.

۲ ـ مقررات این ماده موقعی لازم الاجراء خواهد شد که ده کشور طرف این میثاق اعلامیه‌های پیش بینی شده دربند اول این ماده راداده باشند . اعلامیه‌های مذکور توسط کشور طرف میثاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع میشود و او رونوشت آنرا برای سایر کشورهای طرف میثاق ارسال خواهد داشت. اعلامیه ممکن است هرموقع به‌وسیله اخطاریهٔ خطاب به دبیرکل مسترد گردد. این استرداد به رسیدگی هرمسئله موضوع یك اطلاعیه که قبلا به موجب این ماده ارسال شده باشد خللی وارد نمی‌کند.
هیچ اطلاعیهٔ دیگری پس از وصول اخطاریه استرداد اعلامیه به دبیرکل پذیرفته نمی شود مگر اینکه کشور ذینفع طرف میثاق اعلامیه جدیدی داده باشد.

مادهٔ ۴۲ :

۱ ـ الف ـ اگر مسئله مرجوعه به کمیته طبق ماده ۴۱ با رضایت کشورهای ذینفع طرف میثاق حل نشود کمیته می‌تواند با موافقت قبلی کشورهای ذینفع طرف میثاق یك کمیسیون خاص سازش تشکیل بدهد (که از این پس کمیسیون نامیده میشود). کمیسیون به منظور نیل به یك راه‌حل دوستانه مسئله براساس احترام این میثاق مساعی جمیله خود رادر اختیار کشورهای ذینفع طرف میثاق می‌گذارد.

ب ـ کمیسیون مرکب از پنج عضو است که با توافق کشورهای ذینفع طرف میثاق تعیین می شوند. اگر کشورهای ذینفع طرف میثاق درباره ترکیب تمام یابعضی از اعضاء کمیسیون درمدت سه ماه به‌توافق نرسند آن عده از اعضاء کمیسیون که درباره آنها توافق نشده است از بین اعضاء کمیته با رأی مخفی به اکثریت دو ثلث اعضاء کمیته انتخاب می‌شوند.

۲ ـ اعضاء کمیسیون برحسب صلاحیت شخصی خودشان[1] انجام وظیفه می کنند. آنها نباید از اتباع کشورهای ذینفع طرف میثاق بوده یا از اتباع کشوری که طرف این میثاق نیست یا از اتباع کشور طرف این میثاق که اعلامیه مذکور در ماده ۴۱ را نداده باشد.

۳ ـ کمیسیون رئیس خود را انتخاب و آئین‌نامه داخلی خود را تصویب می‌کند.

۴ ـ جلسات کمیسیون معمولاً در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل خواهد شد معهذا جلسات مزبور ممکن است با مشورت دبیرکل سازمان ملل متحد و کشورهای ذینفع طرف میثاق در محل مناسب دیگری تشکیل شود.

۵ ـ دبیرخانه پیش‌بینی شده در ماده ۳۶ خدمات دفتری کمیسیونهای متشکل به موجب این ماده را انجام می‌دهد.

---

۱ ـ مراد از "صلاحیت شخصی خودشان" این است که سمت نمایندگی کشور مطبوع خود را ندارند.

۶ ـ اطلاعاتی که کمیته دریافت و رسیدگی می‌کند در اختیار کمیسیون گذارده می‌شود و کمیسیون می‌تواند از کشورهای ذینفع طرف میثاق تهیه هرگونه اطلاع تکمیلی مربوط دیگری را بخواهد.

۷ ـ کمیسیون پس از مطالعه مسئله از جمیع جهات ولی در هر صورت حداکثر در مدت دوازده ماه پس از ارجاع امر به آن گزارشی به رئیس کمیته تقدیم می‌دارد و او آنرا به کشورهای ذینفع طرف میثاق ابلاغ می‌نماید:

الف ـ اگر کمیسیون نتواند در مدت دوازده ماه رسیدگی را به اتمام برساند در گزارش خود اکتفا به بیان مختصر این نکته می‌کند که رسیدگی مسئله به کجا رسیده است.

ب ـ هرگاه یک راه‌حل دوستانه براساس احترام حقوق بشر بنحو شناخته شده در این میثاق حاصل شده باشد کمسیون در گزارش خود به ذکر مختصر قضایا و راه‌حلی که به آن رسیده‌اند اکتفا می‌کند.

ج ـ هرگاه یک راه‌حل به مفهوم شق "ب" حاصل نشده باشد کمیسیون استنباطهای خود را در خصوص کلیه نکات ماهیتی مربوط به مسئله مورد بحث بین کشورهای ذینفع طرف میثاق و همچنین نظریات خود را در خصوص امکانات حل دوستانه قضیه در گزارش خود درج می‌کند.

این گزارش همچنین محتوی ملاحظات کتبی و صورتمجلس ملاحظات شفاهی کشورهای ذینفع طرف میثاق خواهد بود.

د ـ هرگاه گزارش کمیسیون طبق شق "ج" تقدیم بشود کشورهای ذینفع طرف میثاق در مدت سه ماه پس از وصول گزارش به رئیس کمیته اعلام می‌دارند که مندرجات گزارش کمیسیون را می‌پذیرند یا نه.

۸ ـ مقررات این ماده به اختیارات کمیته بر طبق ماده ۴۱ خللی وارد نمی‌کند.

۹ ـ کلیه هزینه‌های اعضای کمیسیون بطور تساوی بین کشورهای ذینفع طرف میثاق براساس برآوردی که دبیرکل سازمان ملل متحد تهیه می‌کند تقسیم می‌شود.

۱۰ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد اختیار دارد در صورت لزوم هزینه‌های اعضاءرا قبل از آنکه کشورهای ذینفع طرف میثاق طبق بند ۹ این ماده پرداخت کنند کارسازی دارد.

مادهٔ ۴۳ :

اعضای کمیته و اعضای کمیسیونهای خاص سازش که طبق ماده ۴۲ ممکن است تعیین شوند حق دارند از تسهیلات و امتیازات و مصونیت‌های مقرر درباره کارشناسان مأمور سازمان ملل متحد مذکور در قسمتهای مربوط مقاوله‌نامه امتیازات و مصونیتهای ملل متحد استفاده نمایند.

مادهٔ ۴۴ :

مقررات اجرائی این میثاق بدون اینکه به آئین‌نامه‌های دادرسی مقرر در زمینه حقوق بشر طبق اسناد تشکیل‌دهنده یا به موجب آن و مقاوله‌نامه های سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی خللی وارد سازد اعمال میشود و مانع از آن نیست که کشورهای طرف میثاق برای حل یک اختلاف طبق موافقتهای بین‌المللی عمومی یا اختصاصی که ملزم به آن هستند متوسل به آئین‌نامه های دادرسی دیگری بشوند.

مادهٔ ۴۵:

کمیته هر سال گزارش کارهای خود را توسط شورای اقتصادی و اجتماعی بمجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم می‌دارد.

بخش پنجم

مادهٔ ۴۶:

هیچیک از مقررات این میثاق نباید بنحوی تفسیر بشود که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه‌های مؤسسات تخصصی دائر به تعریف مسئولیتهای مربوط به هریک از ارکان سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی نسبت به مسائل موضوع این میثاق لطمه‌ای وارد آورد.

مادهٔ ۴۷:

هیچیک از مقررات این میثاق نباید بنحوی تفسیر بشود که بحق ذاتی کلیه ملل به تمتع و استفادهٔ کامل و آزادانهٔ آنان از منابع و ثروتهای طبیعی خودشان لطمه‌ای وارد آورد.

بخش ششم

مادهٔ ۴۸:

۱ ـ این میثاق برای امضای هر کشور عضو سازمان ملل متحد یا عضو هریک از موسسات تخصصی آن یا هر کشور طرف متعاهد اساسنامهٔدیوان بین‌المللی دادگستری همچنین هر کشوری که مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت کند که طرف این میثاق بشود مفتوح است.

۲ ـ این میثاق موکول به تصویب است. اسناد تصویب باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع شود.

۳ ـ این میثاق برای الحاق هریک از کشورهای مذکور در بند اول این ماده مفتوح خواهد بود.

۴ ـ الحاق بوسیله تودیع سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد بعمل می‌آید.

۵ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد کلیه کشورهائی راکه این میثاق را امضاءکرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند از تودیع هر سند تصویب یا الحاق مطلع خواهد کرد.

مادهٔ ۴۹:

۱ ـ این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سی‌وپنجمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجراءمی‌شود.

۲ ـ درباره هر کشوری که این میثاق را پس از تودیع سی‌وپنجمین سند تصویب یاالحاق تصویب کند یا به آن ملحق بشود این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سند تصویب یا الحاق آن کشور لازم‌الاجراء می‌شود.

مادهٔ ۵۰:

مقررات این میثاق بدون هیچ گونه محدودیت یا استثناء دربارهٔ کلیهٔ واحدهای تشکیل دهندهٔ کشورهای متحده (فدرال) شمول خواهد داشت.

مادهٔ ۵۱:

۱ ـ هر کشور طرف میثاق می‌تواند اصلاح این میثاق را پیشنهاد کند و متن آن را نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع کند. در اینصورت دبیرکل سازمان ملل متحد هر طرح اصلاح پیشنهادی را به کشورهای طرف این میثاق ارسال می‌دارد و از آنها درخواست می‌نماید به او اعلام دارند که آیا مایلند کنفرانسی از کشورهای طرف میثاق به منظور بررسی و اخذ رأی درباره طرحهای پیشنهادی تشکیل گردد. در صورتیکه حداقل یک ثلث کشورهای طرف میثاق موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند دبیرکل کنفرانس را در زیر لوای سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت کشورهـای حـاضر و رأی دهـنده در کنفرانس واقع بشود برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.

۲ ـ اصلاحات موقعی لازم‌الاجراء می‌شود که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد بـرسد و اکثریت دو ثلث کشورهای طرف این میثاق بر طبق قواعد قانون اساسی خودشان آنرا قبول کرده باشند.

۳ ـ موقعی که اصلاحات لازم‌الاجراء می‌شود برای آندسته از کشورهای طرف میثاق کـه آنـرا قـبول کرده‌اند الزام‌آور خواهد بود سایر کشورهای طرف میثاق کماکان به مقررات این میثاق و هرگونه اصلاح آن که قبلا قبول کرده‌اند ملزم خواهند بود.

مادهٔ ۵۲:

قطع نظر از اطلاعیه‌های مقرر در بند ۵ ماده ۴۸ دبیرکل سازمان مـلل مـتحد مـراتب زیـر را بـه کـلیه کشورهای مذکور در بند اول آن ماده اطلاع خواهد داد.

الف ـ امضاهای این میثاق و اسناد تصویب و الحاق تودیع شده طبق ماده ۴۸.

ب ـ تاریخ لازم‌الاجراء شدن این میثاق طبق ماده ۴۹ و تاریخ لازم‌الاجراءشدن اصلاحات طبق مـادهٔ ۵۱.

مادهٔ ۵۳:

۱ ـ این میثاق که متنهای چینی ـ انگلیسی ـ فرانسه ـ روسی و اسپانیائی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.

۲ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق این میثاق را برای کلیه کشورهای مذکور در ماده ۴۸ ارسال خواهد داشت.

۵:

پروتکل اختیاری مربوط به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کشورهای طرف این پروتکل ...

پروتکل اختیاری مربوط به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کشورهای طرف این پروتکل

با توجه به اینکه به منظور حصول هرچه بیشتر مقاصد میثاق حقوق مدنی و سیاسی (که از این پس میثاق نامیده می‌شود) و اعمال مقررات آن مقتضی است که به کمیتهٔ حقوق بشر تشکیل شده طبق مندرجات بخش چهارم میثاق (که از این پس کمیته نامیده می‌شود) اختیار داده شود اطلاعیه‌های افرادی را که مدعی هستند قربانی نقض هریک از حقوق مذکور در میثاق شده‌اند دریافت و بنحو مذکور در این پروتکل مورد رسیدگی قرار دهد،

بقرار ذیل توافق کرده‌اند:

مادهٔ ۱

هر کشور طرف میثاق که طرف معاهده این پروتکل می‌شود صلاحیت کمیته رابرای دریافت رسیدگی به اطلاعیه‌های افراد تابع صلاحیت خود که مدعی هستند قربانی نقض هریک از حقوق مذکور در میثاق از طرف آن کشور شده‌اند برسمیت می‌شناسد. کمیته هیچ اطلاعیهٔ مربوط به یک کشور طرف میثاق را که طرف معاهده این پروتکل نیست نمی‌پذیرد.

مادهٔ ۲

بارعایت مقررات ماده یک افرادی که مدعی هستند هریک از حقوق آنان که در این میثاق احصاء شده است نقض گردیده و کلیه طرق شکایت موجود طبق قوانین داخلی را طی کرده‌اند می‌توانند یک اطلاعیهٔ کتبی برای رسیدگی به کمیته تقدیم بدارند.

مادهٔ ۳

کمیته هر اطلاعیه تقدیم شده به موجب این پروتکل را که بی‌نام (بدون امضاء) بوده یا اینکه تقدیم آنرا وسیله سوءاستفاده از حق تقدیم چنین اطلاعیه‌هائی تشخیص دهد یا منافی مقررات میثاق باشد غیرقابل قبول (مردود) اعلام می‌کند.

مادهٔ ۴

۱ - بارعایت مقررات ماده ۳ کمیته هراطلاعیه تقدیم شده به موجب این پروتکل را به اطلاع کشور طرف معاهده این پروتکل که بادعاء مدعی ناقض هریک از مقررات میثاق باشد میرساند.

۲ - در ظرف شش‌ماه کشور دریافت‌کنندهٔ اطلاعیه توضیحات یا اظهارات روشن کنندهٔ مسئله و تدابیری را که برای علاج وضعیت[1] ممکن است اتخاذ شده باشد در صورت اتخاذ چنین تدابیری کتباً به کمیته تقدیم می‌دارد.

مادهٔ ۵

۱ - کمیته به اطلاعیه‌های واصل به موجب این پروتکل با توجه به کلیه اطلاعات کتبی که از طرف شاکی و از طرف کشور ذینفع طرف معاهد آن تقدیم شده است رسیدگی می‌کند.

۲ - کمیته به هیچ اطلاعیه واصل از یک فرد رسیدگی نخواهد کرد مگراینکه اطمینان حاصل کندکه:

الف - همان موضوع به موجب آئین‌دادرسی تحقیق یا تصفیهٔ بین‌المللی دیگری تحت رسیدگی نیست.

ب - شاکی کلیه طرق شکایت موجود داخلی را طی کرده است. این قاعده در مواردی که طی طرق شکایت بنحو غیرمعقول طولانی باشد مجری نخواهد بود.

۳ - کمیته در موقع رسیدگی به اطلاعیه‌های واصل به موجب این پروتکل جلسات سری تشکیل می‌دهد.

۴ - کمیته نظریات (تشخیص‌های) خود را به کشور ذینفع طرف معاهد پروتکل و فرد شاکی اطلاع می‌دهد.

مادهٔ ٦

کمیته در گزارش سالانه خود که طبق ماده ۴۵ میثاق تنظیم می‌کند خلاصه فعالیتهائی را که به موجب این پروتکل انجام داده است می‌گنجاند.

مادهٔ ۷

تا زمانی که هدفهای قطعنامه ۱۵۱۴ (دوره اجلاسیه پانزدهم) مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۶۰ راجع به اعلامیهٔ اعطای استقلال به سرزمینها و مردم مستعمرات تحقق یابد مقررات این پروتکل حق شکایتی را که به موجب منشور ملل متحد و سایر مقاوله‌نامه‌ها و اسناد بین‌المللی منعقد در تحت لوای سازمان ملل متحد یا مؤسسات تخصصی آن باین مردم اعطاء شده به

---

۱ - مقصود از اصطلاح «علاج وضعیت» جبران صدمهٔ وارده و رفع شکایت شاکی است.

هیچوجه محدود نمی‌کند.

مادهٔ ۸

۱ - این پروتکل برای امضای هر کشوری که میثاق را امضاء کرده است مفتوح است.

۲ - این پروتکل موکول به تصویب هر کشوری است که میثاق را تصویب کرده یا به آن ملحق شده است. اسناد تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.

۳ - این پروتکل برای الحاق هر کشوری که میثاق را تصویب کرده یا به آن ملحق شده مفتوح است.

۴ - الحاق به وسیله تودیع سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد به عمل می‌آید.

۵ - دبیرکل سازمان ملل متحد کلیهٔ کشورهائی را که این پروتکل را امضاء کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند از تودیع هر سند تصویب یا الحاق مطلع می‌کند.

مادهٔ ۹

۱ - به شرط لازم‌الاجراء شدن میثاق این پروتکل سه ماه پس از تاریخ تودیع دهمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجراء خواهد شد.

۲ - برای هریک از کشورهائی که بعد از تودیع دهمین سند تصویب یا الحاق این پروتکل را تصویب خواهند کرد یا به ان ملحق خواهند شد این پروتکل سه ماه پس از تاریخ تودیع سند تصویب یا الحاق آن کشور لازم‌الاجراء خواهد شد.

مادهٔ ۱۰

مقررات این پروتکل بدون هیچگونه محدودیت یا استثناء به کلیه واحدهای تشکیل دهندهٔ کشورهای متحده (فدرال) شمول خواهد داشت.

مادهٔ ۱۱

۱ - هر کشور طرف معاهد این پروتکل می‌تواند یک اصلاحیه پشنهاد و متن آنرا نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع کند. دبیرکل طرح اصلاحیه‌های پیشنهادی را به کشورهای طرف معاهد این پرونکل ارسال می‌دارد و از آنها درخواست می‌نماید به او اطلاع دهند که آیا مایل هستند کنفرانسی از کشورهای طرف معاهد برای بررسی این طرحها و اخذ رأی درباره آنها تشکیل شود. هرگاه اقلاً یک ثلث کشورهای طرف معاهد موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند دبیرکل کنفرانس را زیر لوای سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحیه که باکثریت آراء کشورهای حاضر و رأی دهنده در کنفرانس پذیرفته شود برای تصویب به مجمع عمومی ملل متحد تقدیم می‌شود.

۲ - اصلاحیه‌ها وقتیکه به تصویب مجمع عمومی ملل متحد رسید و باکثریت دو ثلث از کشورهای طرف معاهد این پروتکل طبق قواعد قانون اساسی هریک پذیرفته شد لازم‌الاجراء می‌شود.

۳ - وقتیکه این اصلاحیه‌ها لازم‌الاجراء می‌شود برای کشورهائی که آنها را پذیرفته‌اند الزام آور خواهد بود. سایر کشورهای طرف معاهد کماکان به مقررات این پروتکل و هر اصلاحیه قبلی که پذیرفته‌اند ملزم

خواهند بود.

مادهٔ ۱۲

۱ - هر کشور طرف معاهد می‌تواند هرموقع این پروتکل را از طریق اخطاریه کتبی خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد فسخ بکند. این فسخ سه ماه پس از تاریخ وصول اخطاریه به دبیرکل نافذ خواهد شد.

۲ - فسخ به اجرای مقررات این پروتکل در مورد هر اطلاعیه که به موجب ماده ۲ قبل از تاریخ نافذ شدن فسخ تقدیم شده باشد خللی وارد نمی‌کند.

مادهٔ ۱۳

قطع نظر از اطلاعیه‌های پیش‌بینی شده در بند ۵ ماده ۸ این پروتکل دبیرکل سازمان ملل متحد کلیه کشورهای مذکور در بند یک ماده ۴۸ میثاق را از امور ذیل مطلع خواهد کرد:

الف - امضاهای این پروتکل و اسناد تصویب و الحاق توديع شده طبق ماده ۸.

ب - تاریخی که این پروتکل طبق ماده ۹ لازم‌الاجراء خواهد شد و تاریخی که اصلاحیه‌ها طبق ماده ۱۱ لازم‌الاجراء خواهد شد.

ج - فسخ‌هائی که طبق ماده ۱۲ بشود.

مادهٔ ۱۴

۱ - این پروتکل متن‌های چینی - انگلیسی - فرانسه - روسی و اسپانیائی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی سازمان ملل متحد توديع خواهد شد.

۲ - دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق این پروتکل را به کلیه کشورهای مذکور در ماده ۴۸ میثاق ارسال خواهد داشت.

۶:

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی...

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی[1]
مصوب ١٦ دسامبر ١٩٦٦ (۱۳۴۵/۹/۲۵) مجمع عمومی سازمان ملل متحد

کشورهای طرف این میثاق

با توجه باینکه بر طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است شناسائی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر مبنای آزادی ـ عدالت و صلح در جهان است.

با اذعان باینکه حقوق مذکور فوق ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است.

با اذعان باینکه بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد رهائی یافته از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هرکس از حقوق اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی خود و همچنین از حقوق مدنی و سیاسی او ایجاد شود.

با توجه باینکه کشورها بر طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و مؤثر حقوق و آزادیهای بشر ملزم هستند.

با درنظر گرفتن این حقیقت که هر فرد نسبت به افراد دیگر نیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده‌دار وظایفی است و مکلف است باینکه در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق اهتمام نماید.

---

۱ ـ نقل از اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی صفحات ۷۴-۵۴ انتشارات فرزانه

با مواد زیر موافقت دارند:

بخش یک

مادهٔ ۱

۱ ـ کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند. به موجب حق مزبور ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تامین می‌کنند.

۲ ـ کلیه ملل می‌توانند برای نیل به هدفهای خود در منابع و ثروتهای طبیعی خود بدون اخلال به الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه هرگونه تصرفی بنمایند. در هیچ مورد نمی‌توان ملتی را از وسایل معاش خود محروم کرد.

۳ ـ کشورهای طرف این میثاق از جمله کشورهای مسئول ادارهٔ سرزمینهای غیرخودمختار و تحت قیمومت مکلفند تحقق حق خودمختاری ملل را تسهیل و احترام این حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت کنند.

بخش دوم

مادهٔ ۲

۱ ـ هر کشور طرف این میثاق متعهد می‌گردد به سعی و اهتمام خود و از طریق همکاری و تعاون بین‌المللی بویژه در طرحهای اقتصادی و فنی ـ با استفاده از حداکثر منابع موجود خود به منظور تامین تدریجی اعمال کامل حقوق شناخته شده در این میثاق با کلیه وسائل مقتضی بخصوص با اقدامات قانونگذاری اقدام نمایند.

۲ ـ کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد ـ رنگ ـ جنس ـ زبان ـ مذهب ـ عقیده سیاسی یا هرگونه عقیدهٔ دیگر ـ اصل و منشاء ملی یا اجتماعی ـ ثروت ـ نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین نمایند.

۳ ـ کشورهای در حال رشد باتوجه لازم به حقوق بشر و وضع اقتصاد ملی خود می‌توانند تعیین کنند که تاچه اندازه حقوق اقتصادی شناخته شده در این میثاق را درباره اتباع بیگانه تضمین خواهندکرد.

مادهٔ ۳

کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق مردان و زنان را در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی مقرر در این میثاق تأمین نمایند.

مادهٔ ۴

کشورهای طرف این میثاق معترفند که در تمتع از حقوقی که مطابق این میثاق در هرکشوری مقرر می‌شود آن کشور نمی‌تواند حقوق مزبور را تابع محدودیتهائی جز به موجب قانون بنماید و آنهم فقط تاحدودی که با ماهیت این حقوق سازگار بوده و منظور آن منحصراًتوسعه رفاه عامه در یک جامعه دموکراتیک باشد.

مادهٔ ۵

هیچیک از مقررات این میثاق را نمی‌توان به نحوی تفسیرنمود که متضمن ایجاد حقی برای کشوری یا گروهی یا فردی گرددکه به استناد آن به منظور تضییع هریک از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق و یا محدود نمودن آن بیش از آنچه در این میثاق پیش‌بینی شده است مبادرت به فعالیتی بکند و یا اقدامی بعمل آورد.

۲ ـ هیچگونه محدودیت یا انحراف از هر یک از حقوق اساسی بشر که به موجب قوانین مقاوله‌نامه‌ها ـ آئین‌نامه‌ها یا عرف و عادات در هر کشور طرف این میثاق برسمیت شناخته شده یا نافذ و جاری است بعذر اینکه این میثاق چنین حقوقی را برسمیت نشناخته یا اینکه به میزان کمتری برسمیت شناخته قابل قبول نخواهد بود.

بخش سوم

مادهٔ ٦

۱ ـ کشورهای طرف این میثاق حق کارکردن را که شامل حق هرکس است باینکه فرصت یابد بوسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می‌نماید معاش خود را تامین کند ـ برسمیت می‌شناسند و اقدامات مقتضی برای حفظ این حق معمول خواهند داشت.

۲ ـ اقداماتی که کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین اعمال کامل این حق بعمل خواهند آورد باید شامل راهنمائی و تربیت فنی و حرفه‌ای و طرح برنامه‌ها و خطمشی‌ها و تدابیر فنی باشد که از لوازم تأمین توسعه مداوم اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی و اشتغال تام و مولد است تحت شرایطی که آزادیهای اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ نماید.

مادهٔ ۷

کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به تمتع از شرایط عادلانه و مساعد کار که بویژه متضمن مراتب زیر باشد به رسمیت می‌شناسند:

الف ـ اجرتی که لااقل امور ذیل رابرای کلیه کارگران تأمین نماید:

۱ ـ مزد منصفانه و اجرت مساوی برای کار باارزش مساوی بدون هیچ نوع تمایز بویژه اینکه زنان تضمین داشته باشند که شرایط کار آنان پائین‌تر از شرایط مورد استفاده مردان نباشد و برای کار مساوی مزد مساوی با مردان دریافت دارند

۲ ـ مزایای کافی برای آنان و خانواده‌شان طبق مقررات این میثاق

ب ـ ایمنی و بهداشت کار.

ج ـ تساوی فرصت برای هرکس که بتواند در خدمت خود به مدارج مناسب عالیتری ارتقاء یابد بدون در نظر گرفتن هیچگونه ملاحظات دیگری جز طول مدت خدمت و لیاقت.

د ـ استراحت ـ فراغت و محدودیت معقول ساعات‌کار و مرخص ادواری با استفاده از حقوق و

همچنین مزد ایام تعطیل رسمی.

مادهٔ ۸

۱ ـ کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که مراتب زیر را تضمین کنند:

الف ـ حق هرکس به اینکه به منظور پیشبرد و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود با رعایت مقررات سازمان ذیربط مبادرت به تشکیل اتحادیه نماید و به اتحادیهٔ مورد انتخاب خود ملحق شود. اعمال این حق رانمی‌توان تابع هیچ محدودیتی نمود مگر آنچه که به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا حفظ حقوق و آزادیهای افراد دیگر ضرورت داشته باشد.

ب ـ حق اتحادیه‌ها (سندیکاها) به تشکیل فدراسیونها یا کنفدراسیون‌های ملی و حق کنفدراسیون‌ها به تشکیل سازمان‌های سندیکائی بین‌المللی یا الحاق به آنها.

ج ـ حق اتحادیه‌ها (سندیکاها) که آزادانه به فعالیت خود مبادرت نمایندبدون هیچ محدودیتی جز آنچه به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا برای حفظ حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد.

د ـ حق اعتصاب مشروط براینکه با رعایت مقررات کشور مربوط اعمال شود.

۲ ـ این ماده مانع از آن نخواهد بود که افراد نیروهای مسلح یا پلیس یا مقامات اداری دولت در اعمال این حقوق تابع محدودیتهای قانونی بشوند.

۳ ـ هیچ یک از مقررات این ماده کشورهای طرف مقاوله‌نامهٔ ۱۹۴۸ سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی سندیکائی و حمایت از حق سندیکائی را مجاز نمی‌دارد که با اتخاذ تدابیر قانونگذاری یا نحوه اجرای قوانین به تضمینات مقرر در مقاوله‌نامهٔ مزبور لطمه‌ای وارد آورند.

مادهٔ ۹

کشورهای طرف این میثاق حق هر شخص رابه تأمین اجتماعی از جمله بیمه‌های اجتماعی به رسمیت می‌شناسند.

مادهٔ ۱۰

کشورهای طرف این میثاق اذعان (قبول) دارند که:

۱ ـ خانواده که عنصر[1] طبیعی و اساسی جامعه است باید از حمایت و مساعدت بحد اعلای ممکن برخوردار گردد بویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادام که مسئولیت نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را بعهده دارد.

ازدواج باید با رضایت آزادانهٔ طرفین که قصد آن را دارند واقع شود.

۲ ـ مادران در مدت معقولی پیش از زایمان و پس از آن باید از حمایت خاص برخوردار گردند. در آن

---

۱ ـ در متن انگلیسی بجای "عنصر" کلمات واحد گروهی استعمال شده است.

مدت مادران کارگر باید از مرخصی با استفاده ازحقوق و یا مرخصی با مزایای تأمین اجتماعی کافی برخوردار گردند.

۳ ـ تدابیر خاص در حمایت و مساعدت به نفع کلیهٔ اطفال غیرممیز و ممیز[1] بدون هیچگونه تبعیض به علت نسب یا علل دیگر باید اتخاذ بشود. اطفال غیرممیز و ممیز باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند.

واداشتن اطفال به کارهائی که برای جهات اخلاقی یا سلامت آنها زیان‌آور است یا زندگی آنها رابه مخاطره می‌اندازد یا مانع رشد طبیعی آنان می‌گردد باید به موجب قانون قابل مجازات باشد.

مادهٔ ۱۱

۱ ـ کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک ـ پوشاک و مسکن کافی همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند. کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین تحقق این حق تدابیر مقتضی اتخاذ خواهندکرد و از این لحاظ اهمیت اساسی همکاری بین‌المللی بر اساس رضایت آزاد را اذعان (قبول) دارند.

۲ ـ کشورهای طرف این میثاق بااذعان به حق اساسی هرکس به اینکه ازگرسنگی فارغ باشد منفرداً و از طریق همکاری بین‌المللی تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخصی به قرار ذیل اتخاذ خواهند کرد:

الف ـ بهبود روشهای تولید و حفظ و توزیع خواربار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی با اشاعهٔ اصول آموزش تغذیه و با توسعه یا اصلاح نظام زراعی بنحوی که حداکثر توسعهٔ مؤثر و استفاده ازمنابع طبیعی را تأمین نمایند.

ب ـ تأمین توزیع منصفانهٔ ذخایر (منابع) خواربار جهان بر حسب حوائج با توجه به مسائل (مبتلابه) کشورهای صادرکننده و واردکنندهٔ خواربار (غذا).

مادهٔ ۱۲

۱ ـ کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن‌الحصول به رسمیت می‌شناسد.

۲ ـ تدابیری که کشورهای طرف این میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهدبود:

الف ـ تقلیل میزان مرده متولدشدن کودکان ـ مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان.

ب ـ بهبود بهداشت محیط و بهاشت صنعتی از جمیع جهات.

ج ـ پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه‌گیر ـ بومی ـ حرفه‌ای و سایر بیماریها همچنین پیکار علیه این بیماریها.

---

۱ ـ اطفال ممیز به اصطلاح ماده ۳۴ قانون مجازات عموی معادل لغت فرانسه adolescent است که در متن فرانسه میثاق عیناً استعمال شده.

د ـ ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمکهای پزشکی برای عموم در صورت ابتلاء به بیماری.

مادهٔ ۱۳

۱ ـ کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و احساس حیثت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. علاوه بر این کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیهٔ افراد رابرای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیهٔ ملل و کلیهٔ گروههای نژادی ـ قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیتهای سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید.

۲ ـ کشورها طرف این میثاق اذعان دارند که به منظور استیفای این حق:

الف ـ آموزش و پرورش ابتدائی باید اجباری باشد و رایگان در دسترس عموم قرار گیرد.

ب ـ آموزش و پرورش متوسطه به اشکال مختلف آن از جمله آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای متوسطه باید تعمیم یابد و به کلیهٔ وسایل مقتضی بویژه به وسیلهٔ معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی در دسترس عموم قرار گیرد.

ج ـ آموزش و پرورش عالی باید به کلیه وسایل مقتضی بویژه بوسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل براساس استعداد هرکس در دسترس عموم قرار گیرد.

د ـ آموزش و پرورش پایه (اساسی) باید حتی‌الامکان برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش ابتدائی بوده یا آنرا تکمیل نکرده باشند تشویق و تشدید بشود.

هـ توسعه شبکهٔ مدارس درکلیه مدارج باید فعالانه دنبال شود و نیز باید یک ترتیب کافی اعطاء بورسها (هزینهٔ تحصیلی) برقرار گردد و شرایط مادی معلمان باید پیوسته بهبود یابد.

۳ ـ کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین یا سرپرست قانونی کودکان را برحسب مورد در انتخاب مدرسه برای کودکانش سوای مدارس دولتی محترم بشمارند مشروط براینکه مدارس مزبور با حداقل موازین (قواعد) آموزش و پرورش که ممکن است دولت تجویز یا تصویب کرده باشدمطابقت کند و آموزش و پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات شخصی والدین یا سرپرستان آنان تأمین گردد.

۴ ـ هیچیک از اعضای این ماده نباید بنحوی تفسیر گردد که با آزادی افراد و اشخاص حقوقی به ایجاد و ادارهٔ موسسات آموزشی اخلال نماید مشروط براینکه اصول مقرر در بند اول این ماده رعایت شود و تعلیماتی که در چنین مؤسساتی آموزش داده می‌شود با موازین حداقل که ممکن است دولت تجویز کرده باشد مطابقت کند.

مادهٔ ۱۴

هر کشور طرف این میثاق که در زمان امضای آن هنوز نتوانسته است در قلمرو اصلی خود یا دیگر سرزمینهای تحت حاکمیت خود آموزش و پرورش ابتدائی اجباری مجانی تأمین نماید متعهد می‌شود ظرف مدت دوسال یک طرح تفصیلی تدابیر لازم برای تحقق بخشیدن تدریجی اجرای کامل اصل آموزش و پرورش اجباری مجانی برای عموم در ظرف مدت چند سالی که در خود طرح تصریح بشود تنظیم و تصویب کند.

مادهٔ ۱۵

۱ ـ کشورهای طرف این میثاق حق هرکس رادر امور ذیل به رسمیت می‌شناسند:

الف ـ شرکت در زندگی فرهنگی

ب ـ بهره‌مند شدن از پیشرفتهای علمی و مجاری آن

ج ـ بهره‌مند شدن از حمایت منافع معنوی و مادی ناشی از هر گونه اثر علمی ـ ادبی یا هنری که مصنف (یا مخترع) آن است.

۲ ـ تدابیری که برای تأمین اعمال کامل این حق توسط کشورهای طرف این میثاق اتخاذ خواهدشد باید شامل تدابیر لازم برای تأمین حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ باشد.

۳ ـ کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیتهای خلاقه را محترم بشمارند.

۴ ـ کشورهای طرف این میثاق به فوائد حاصل از تشویق و توسعهٔ همکاری و تماسهای بین‌المللی در زمینه علم و فرهنگ اعتراف می‌نمایند.

بخش چهارم

مادهٔ ۱۶

۱ ـ کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند بر طبق مقررات این بخش از میثاق دربارهٔ تدابیری که به منظور تأمین رعایت حقوق شناخته شده در این میثاق اتخاذ کرده باشند و پیشرفتهائی که در این زمینه حاصل شده است گزارشهائی تقدیم بدارند.

۲ ـ الف ـ کلیهٔ گزارشها به عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد تقدیم می‌شود.

مشارالیه رونوشت گزارشها را برای بررسی طبق مقررات این میثاق به شورای اقتصادی و اجتماعی ارسال می‌دارد.

ب ـ دبیرکل سازمان ملل متحد همچنین رونوشت تمام یا قسمتهای مربوط گزارشهای واصل از کشورهای طرف این میثاق و نیز عضو مؤسسات تخصصی را تا جایی که این گزارشها یا قسمتهای مربوط آنها راجع به مسائلی باشد که بر طبق اساسنامه مؤسسات تخصصی مذکور در صلاحیت آنها قرار می‌گیرد برای آن مؤسسات ارسال می‌دارد.

مادهٔ ۱۷

۱ ـ کشورهای طرف این میثاق گزارشهای خود را مرحله به مرحله بر طبق برنامه‌ای که شورای اقتصادی و اجتماعی ظرف یکسال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این میثاق پس از مشاوره با کشورهای طرف میثاق و مؤسسات تخصصی مربوط تنظیم خواهد کرد تقدیم خواهند داشت.

۲ ـ گزارشها ممکن است حاکی از عوامل و مشکلاتی باشد که مانع دولتها در اجرای کامل تعهدات مقرر در این میثاق شده است[۱].

۳ ـ در مواردی که اطلاعات مربوط توسط هر کشور طرف این میثاق قبلا به سازمان ملل متحد یا هر یک از مؤسسات تخصصی فرستاده شده باشد تهیه مجدد اطلاعات مزبور ضرورت نخواهد داشت بلکه اشارهٔ صریح به اطلاعات ارسال شدهٔ قبلی کفایت خواهد کرد.

مادهٔ ۱۸

شورای اقتصادی و اجتماعی به موجب مسئولیتهائی که طبق منشور ملل متحد در زمینه حقوق بشر و آزادیهای اساسی به آن محول شده است می‌تواند به منظور تقدیم گزارشهائی از طرف موسسات تخصصی به شوری در حدود فعالیتهای مربوط به خودشان دربارهٔ پیشرفتهای حاصل در تأمین رعایت مقررات این میثاق با مؤسسات مزبور قرارهائی بگذارند. این گزارشها ممکن است متضمن اطلاعاتی[۲] باشد در خصوص تصمیمات و توصیه‌هائی که ارکان ذیصلاحیت مؤسسات مزبور راجع به عملیات اجرائی تصویب کرده‌اند.

مادهٔ ۱۹

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند گزارشهای مربوط به حقوق بشر را که کشورها بر طبق مواد ۱۶ و ۱۷ ومؤسسات تخصصی بر طبق ماده ۱۸ تقدیم می‌دارند برای مطالعه و توصیهٔ کلی یا در صورت اقتضاءبرای اطلاع به کمیسیون حقوق بشر احاله نماید.

مادهٔ ۲۰

کشورهای طرف این میثاق و مؤسسات تخصصی مربوط می‌توانند دربارهٔ هر توصیه کلی که به موجب ماده ۱۹ شده باشد یا درباره هرگونه ذکری که از یک توصیهٔ کلی در یک گزارش کمیسیون حقوق بشر یا در هر سند مذکور در آن گزارش شده باشد ملاحظات خود را به شورای اقتصادی و اجتماعی تقدیم بدارند.

مادهٔ ۲۱

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند گاه‌گاه گزارشهائی متضمن توصیه‌های کلی و خلاصه اطلاعات واصل ازکشورهای طرف این میثاق و عضو مؤسسات تخصصی درباره تدابیر متخذه و پیشرفتهای حاصله در رعایت کلی حقوق شناخته شده در این میثاق به مجمع عمومی تقدیم بدارد.

---

۱ ـ در متن انگلیسی عبارت "...عوامل و مشکلات مؤثر در میزان اجرای تعهدات مقرردر این میثاق ..."استعمال شده است .

۲ ـ در متن انگلیسی به جای "اطلاعات" کلمه "خصوصیات" استعمال شده است.

مادۀ ۲۲

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند توجه سایر ارکان سازمان ملل متحد و ارکان فرعی و مؤسسات تخصصی مربوط را که عهده‌دار کمک فنی هستند به مسائلی معطوف بدارد که در گزارشهای مذکور در این بخش این میثاق عنوان شده و ممکن است به این مؤسسات کمک کند که هریک در حدود صلاحیتشان راجع به مقتضی بودن اتخاذ تدابیر بین‌المللی مفید به اجرای مؤثر و تدریجی این میثاق اظهارنظر بکنند.

مادۀ ۲۳

کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که تدابیر بین‌المللی به منظور تأمین تحقق حقوق شناخته شده در این میثاق بالاخص شامل انعقاد مقاوله‌نامه ها ـ تصویب توصیه‌نامه‌ها ـ دادن کمک فنی و تشکیل کنفرانسهای منطقه‌ای و کنفرانسهای فنی با شرکت دولتهای مربوط به منظور مشاوره و بررسی می‌باشد.

مادۀ ۲۴

هیچیک از مقررات این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه‌های مؤسسات تخصصی دائر به تعریف مسئولیتهای مربوط به هریک از ارکان مختلف سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی نسبت به مسائل موضوع این میثاق لطمه‌ای واردآورد.

مادۀ ۲۵

هیچیک از مقررات این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که به حق ذاتی کلیه ملل و تمتع و استفادۀ کامل و آزادانۀ آنان از منابع و ثروتهای طبیعی خودشان لطمه‌ای وارد آورد.

مادۀ ۲۶

۱ ـ این میثاق برای امضاء هر کشور عضو سازمان ملل متحد یا عضو هر یک از مؤسسات تخصصی ملل متحد یا هر کشور طرف متعاهد اساسنامۀ دیوان بین‌المللی دادگستری یا هر کشور دیگری که مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت کند که از طرف این میثاق بشود مفتوح است.

۲ ـ این میثاق موکول به تصویب[1] است. اسناد تصویب باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد توديع شود.

۳ ـ این میثاق برای الحاق هر یک از کشورهای مذکور در بند اول این ماده مفتوح خواهد بود.

۴ ـ الحاق بوسیلۀ توديع سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد صورت می‌گیرد.

۵ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد کلیۀ کشورهائی را که این میثاق را امضاء کرده‌اند یا به آن ملحق شده‌اند از توديع هر سند تصویب یا الحاق مطلع خواهد کرد.

مادۀ ۲۷

۱ ـ این میثاق سه‌ماه پس از تاریخ توديع سی‌وپنجمین سند تصویب یا الحاق نزدِ دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجراء می‌شود.

---

۱ ـ مراد از اصطلاح "تصویب" در مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی تصویب مقامات صلاحیت دار داخلی کشور امضاءکننده طبق قانون اساسی آن کشور است.

۲ ـ درباره هر کشوری که پس از تودیع سی‌وپنجمین سند تصویب یا الحاق این میثاق را تصویب کند یا به آن ملحق بشود این میثاق سه‌ماه پس از تاریخ تودیع سندتصویب یا الحاق آن کشور لازم‌الاجراء خواهدشد.

مادهٔ ۲۸

مقررات این میثاق بدون هیچگونه محدودیت یا استثناء دربارهٔ کلیه واحدهای تشکیل دهندهٔ کشورهای متحده (فدرال) شمول خواهد داشت.

مادهٔ ۲۹

۱ ـ هر کشور طرف این میثاق می‌تواند اصلاح (این میثاق را) پیشنهاد و متن آنرانزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع کند. در این صورت دبیرکل هر طرح اصلاح پیشنهادی را برای کشورهای طرف این میثاق ارسال می‌دارد و از آنها درخواست می‌نماید به او اعلام دارند که آیا مایلند کنفرانسی از کشورهای طرف میثاق به منظور بررسی و اخذ رأی دربارهٔ طرحهای پیشنهادی تشکیل گردد. درصورتی که حداقل یک ثلث کشورهای طرف میثاق موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند دبیرکل کنفرانس را تحت زیر لوای سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت کشورهای حاضر و رأی دهنده در کنفرانس واقع شود برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.

۲ ـ اصلاحات موقعی لازم‌الاجراء می‌شود که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دو ثلث کشورهای طرف این میثاق بر طبق قواعد قانون اساسی خودشان آنرا قبول کرده باشند.

۳ ـ موقعی که اصلاحات لازم‌الاجراء می‌شود برای آندسته از کشورهای طرف میثاق که آنرا قبول کرده‌اند الزام‌آور خواهد بود سایر کشورهای طرف میثاق کماکان به مقررات این میثاق و هرگونه اصلاح آن که قبلا قبول کرده‌اند ملزم خواهند بود.

مادهٔ ۳۰

قطع نظر از اطلاعیه‌های مقرر در بند ۵ ماده ۲۶ دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به کلیه کشورهای مذکور در بند اول آن ماده اطلاع خواهد داد.

الف ـ امضاهای این میثاق و اسناد تصویب و الحاق تودیع شده طبق ماده ۲۶.

ب ـ تاریخ لازم‌الاجراء شدن این میثاق طبق ماده ۲۷ و تاریخ لازم‌الاجراء شدن اصلاحات طبق ماده ۲۹.

مادهٔ ۳۱

۱ ـ این میثاق که متنهای چینی ـ انگلیسی ـ فرانسه ـ روسی و اسپانیائی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.

۲ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق این میثاق را برای کلیه کشورهای مذکور در ماده ۲۶ ارسال خواهد داشت.

۷:

اعلامیه جهانی حقوق کودک...

اعلامیهٔ جهانی حقوق کودک[۱]
مصوب اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بیستم نوامبر ۱۹۵۹

نظر به اینکه اعضای ملل متحد در منشور ملل، اعتقاد خود را به حقوق اساسی و منزلت و ارزش افراد بشر مجدداًتاکید نموده و جهت پیشبرد رشد اجتماعی بهبود شرایط زندگی در آزادی گسترده‌تری مصمم گشته‌اند.

نظر به اینکه ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید نموده‌اند که همه افراد بدون در نظرگرفتن نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، اصلیت اجتماعی یا ملی، ثروت، تولد و یا ویژگیهای دیگر، مشمول حقوق و آزادی توصیه شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد.

نظر به اینکه کودک به علت عدم تکامل رشد بدنی و فکری، قبل و بعد از تولد به مراقبت و توجه خاص که شامل حمایت قانونی مناسب می‌باشد نیازمنداست.

نظر به اینکه نیاز به چنین مراقبت و حمایت خاص در اعلامیه ژنو حقوق کودک سال ۱۹۲۴ آمده است و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در مرامنامه‌های بنیادهای تخصصی سازمانهای بین‌المللی مربوط به رفاه کودکان به رسمیت شناخته شده‌است.

بنابراین مجمع عمومی سازمان ملل:

این اعلامیه حقوق کودک را با این هدف که ایام کودکی توأم با خوشبختی بوده و ازحقوق وآزادیهایی

۱ ـ نقل از کتاب: حقوق کودک. نگارش شیرین عبادی. ج ۱ ـ صفحات ۱۴۰ـ۱۳۸.

که در پی خواهد آمد به خاطر خود و جامعه‌اش بهره‌مند شود رسماً به آگاهی عموم می‌رساند و از پدران و مادران و زنان، مردان به عنوان افراد جامعه، سازمانهای داوطلب، مقامات محلی و دولتها خواستار است تا این حقوق را به رسمیت شناخته و در جهت رعایت این حقوق از طریق قوانین وسایر تمهیداتی که به تدریج با توجه به اصول زیر تدبیر می‌گردند اهتمام ورزند:

اصل ۱

کودک باید از کلیه حقوق مندرج در این اعلامیه برخوردارشود. همه کودکان بدون استثناء و تبعیض و بدون در نظرگرفتن نژاد، رنگ، زبان، دین، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشاء اجتماعی یا ملی، ثروت، تولد و یا ویژگیهای فردی دیگر یا خانوادگی مشمول این حقوق می‌شوند.

اصل ۲

کودک باید از حمایت ویژه برخوردار شود و امکانات و وسایل ضروری جهت پرورش بدنی، فکری، اخلاقی و اجتماعی وی به نحوی سالم و طبیعی و در محیطی آزاد و محترم توسط قانون یا مراجع ذیربط در اختیار وی قرار گیرد. در وضع قوانینی بدین منظور منافع کودکان باید بالاترین اولویت را داشته باشد.

اصل ۳

کودک باید از بدو تولد صاحب اسم و ملیت گردد.

اصل ۴

کودک باید از امنیت اجتماعی بهره‌مند گردد، در محیطی سالم پرورش یابد و بدین منظور کودکان و مادران باید از مراقبت و حمایت خاص که شامل توجه کافی پیش و بعد از تولد می‌شود، بهره‌مند شود. کودک باید امکان برخورداری از تغذیه، مسکن ، تفریحات و خدمات پزشکی مناسب را داشته باشد.

اصل ۵

کودکی که از لحاظ بدنی، فکری یا اجتماعی معلول است باید تحت توجه خاص، آموزش و مراقبت لازم متناسب با وضع خاص وی، قرار گیرد.

اصل ٦

کودک جهت پرورش کامل و متعادل شخصیتش نیاز به محبت و تفاهم داردو باید حتی‌الامکان تحت توجه و سرپرستی والدین خود، وبه هر صورت در فضائی پرمحبت در امنیت اخلاقی، مادی، پرورش یابد. کودک خردسال را بجز در موارد استثنائی، نبایداز مادر جدا کرد. جامعه و مقامات اجتماعی موظفند که نسبت به کودکان بدون خانواده و کودکان بی‌بضاعت توجه خاص مبذول دارند.

کمکهای نقدی دولت و دیگر تسهیلات جهت تأمین و نگهداری فرزندان خانواده‌های پر جمعیت توصیه می‌شود.

اصل ۷

کودک باید از آموزش رایگان و اجباری، حداقل در مدارج ابتدائی بهره‌مند گردد.

کودک باید از آموزشی بهره‌مند شود که در جهت پیشبرد و ازدیاد فرهنگ عمومی او بوده و چنان سازنده باشد که در شرایط مساوی بتواند استعداد، قضاوت فردی، درک مسئولیت اخلاقی و اجتماعی خود را پرورش داده و فردی مفید برای جامعه شود.

در امر آموزش و رهبری کودک مصالح کودک باید راهنمای مسئولین امر باشد. چنین مسئولیتی در درجه اول بعهده والدین می‌باشد.

کودک باید از امکانات کامل برای بازی و تفریح با همان اهدافی که در مورد آموزش او آمد برخوردار گردد، جامعه و مقامات اجتماعی باید کوشش نمایند تا امکان استفاده از این حقوق را رایج سازند.

اصل ۸

کودک باد در هر شرایطی جزو اولین کسانی باشد که از حمایت و تسهیلات بهره‌مند گردد.

اصل ۹

کودک باید در برابر هرگونه غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار حمایت شود. کودک نباید به هر شکلی وسیله مبادله قرار گیرد. کودک نباید قبل از رسیدن به حداقل سن مناسب به استخدام درآید و نباید به هیچ وجه امکان و یا اجازه استخدام کودک در کارهائی داده شود که به سلامت یا آموزش وی لطمه زده و یا باعث اختلال رشد بدنی، فکری و یا اخلاقی وی گردد.

اصل ۱۰

کودک باید در مقابل هرگونه اعمال و رفتاری که ترویج تبعیضات نژادی، مذهبی و غیره را ممکن سازد، حمایت شود. کودک باید با روحیه‌ای پرتفاهم، گذشت، معتقد به دوستی بین مردم، صلح و برادری جهانی و با آگاهی کامل براینکه توانائی و استعداد وی باید وقف خدمت به همنوعانش شود، پرورش یابد.

توصیه تبلیغات در مورد اعلامیه جهانی حقوق کودک
اجلاسیه عمومی،

باتوجه به اعلامیه حقوق کودک از والدین، مردان و زنان به عنوان افراد بشر و همچنین سازمانهای داوطلب، مقامات محلی و دولتها خواستار است که حقوقی راکه گفته شد به رسمت شناخته و در اجرای آنان اهتمام ورزند:

۱ - توصیه می‌کند که دول کشورهای عضو، سازمانهای مربوط تخصصی و سازمانهای غیر دولتی صالح تاآنجاکه ممکن است در نشر این اعلامیه بکوشند.

۲ ـ تقاضا می‌کند که دبیرکل اعلامیه را بصورت گسترده پخش و توزیع نموده و به این منظور از کلیه امکانات موجود برای انتشار و توزیع متن ان اعلامیه به کلیه زبانهای ممکن اقدام کند.

۸:

کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان...

کنوانسیون رفع کلیه تبعیضات علیه زنان[۱]
مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

دول عضو کنوانسیون حاضر، باعنایت به اینکه منشور سازمان ملل متحد بر حقوق اساسی بشر، مقام و منزلت هرفرد و برابری حقوق زن و مرد تأکید مجدد دارد، با اعتقاد بر اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اصل جایز نبودن تبعیض تأکید دارد و اعلام می‌دارد که کلیه افراد بشر آزاد بدنیا آمده و از نظر مقام ومنزلت و حقوق یکسان بوده و مجاز به استفاده از کلیه حقوق و آزادیها بدون هیچگونه تمایزی از جمله جنسیت می باشند، با تأکید بر اینکه دول عضو میثاقهای بین‌المللی حقوق بشر متعهد می‌باشند تا زنان و مردان از حقوق اساسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی برخوردار گردند، با در نظر گرفتن اینکه کنوانسیونهای بین‌المللی‌که تحت نظر سازمان ملل متحد و آژانسهای تخصصی منعقد گردیده موجب استیفاء حقوق زن و مرد گردیده، باتوجه به اینکه به موجب قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه‌های سازمان ملل متحد و آژانسهای تخصصی برابری حقوق زن و مرد ارتقاء بخشیده شده، با نگرانی از اینکه علیرغم صدور اسناد مختلف، اعمال تبعیضات علیه زنان بطور گسترده‌ای همچنان ادامه دارد.

با یادآوری اینکه اعمال تبعیضات علیه زنان ناقض اصول برابری حقوق و احترام به شخصیت بشر می‌باشد، و مانع شرکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی درکشورخود می‌شوند، و از کامیابی و موفقیت جامعه و خانواده ممانعت می نماید، و تحول کامل

---

۱ ـ نقل از مجله پیام هاجر. شماره آذرماه ۱۳۷۱. صفحات ۴۰-۳۸

استعدادهای زنان رادر خدمت به کشور و بشریت مشکل‌تر می‌سازد، با نگرانی از اینکه زنان در شرایط فقر و تنگدستی حداقل دسترسی رابه موادغذائی، بهداشت، تحصیلات، دوره آموزشیی و امکانات استخدامی و سایر نیازها دارند.

با اعتقاد به اینکه تشکیل نظام نوین اقتصادبین‌الملل براساس مساوات و عدالت در استیفاءبرابری بین مردان و زنان نقش مهمی را ایفاء می‌نماید، با تأکید بر اینکه ریشه‌کن کردن آپارتاید، اشکال مختلف نژادپرستی، تبعیض نژادی، استعمار، استعمار نو، تجاوز، اشغال، سلطه و دخالت خارجی در امور داخلی دولتها رکن اساسی برخورداری مردان و زنان از حقوق خود می‌باشد، با تأکید براینکه تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی، تشنج‌زدائی بین‌المللی، همکاریهای دوجانبه دول صرفنظر از سیستمهای اجتماعی و اقتصادی آنها، خلع‌سلاح کلی و کامل و بالاخص خلع‌سلاح اتمی تحت نظارت و کنترل شدید و مؤثر بین‌المللی، تأئید اصول عدالت، مساوات و منافع متقابل در روابط بین کشورها و احقاق حق مردم تحت سلطه استعمار و بیگانه و اشغال خارجی در مقابل خودمختاری و استقلال و همچنین احترام به حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی باعث توسعه و پیشرفت اجتماعی خواهد شد، و در نتیجه باعث ایجاد مساوات بین مردان و زنان می‌گردد، با اعتقاد براینکه توسعه تمام و کمال یک کشور، رفاه جهانی و برقراری صلح مستلزم شرکت یکپارچه زنان در تمام زمینه‌ها در شرایط مساوی با مردان است.

با در نظر گرفتن سهم عمده زنان در ایجاد رفاه خانواده و پیشرفت جامعه که تاکنون کاملاً شناخته نشده است، اهمیت اجتماعی مادر و نقش والدین در خانواده و در تربیت کودکان، و با آگاهی از اینکه نقش زنان در زایمان نباید اساس تبعض باشد و تربیت کودکان نیازمند تقسیم مسئولیت بین زن و مزد و جامعه بطور کلی می‌باشد،

بااطلاع از اینکه هرگونه تغییری در نقش معمولی مردان و همچنین زنان در جامعه و خانواده مستلزم وجود حقوق مساوی بین زن و مرد می‌باشد.

تصمیم گرفتند اصول مربوط به اعلامیه رفع تبعیضات علیه زنان را به مورد اجرا گذارده و بدین منظور اقداماتی را جهت از میان برداشتن کلیه اشکال و انواع آن اتخاذ نموده‌اند.

بشرح زیر توافق کرده‌اند:

مادهٔ ۱

واژه "تبعیضات علیه زنان" در این کنوانسیون به معنی قائل‌شدن هرگونه وجه‌تمایز، قائل‌شدن استثناء یا محدودیتی براساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن آزادیهای اساسی زنان، حق بهره‌وری و رعایت حقوق بشر در مورد آنها در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و مدنی یا سایر موارد بدون توجه به وضعیت تأهل آنها و مساوات حقوق زن و مرد خلل و آسیب وارد آورد.

مادهٔ ۲

دول عضو تبعیضات علیه زنان رابه هر شکلی محکوم کرده و موافقت می‌نمایند بدون درنگ و به طرق

مقتضی سیاست رفع تبعیضات علیه زنان در پیش گرفته شود، و بدین منظور در مورد مسائل زیر تعهد می‌نمایند:

الف :گنجاندن اصل مساوات زن و مرد در قانون اساسی یا سایر قوانین مربوط هرکشور چنانچه تاکنون منظور نشده باشد، وصول اطمینان از تحقق چنین اصلی بوسیله وضع قانون یا سایر طرق مقتضی دیگر.

ب :اتخاذ تدابیر قانون وغیره از آن جمله اعمال تحریم در صورت اقتضاءبه منظور جلوگیری از بکاربردن تبعیضات علیه زنان،

ج : حمایت قانونی از حقوق زنان بر اساس شرایط مساوی با مردان و حصول اطمینان از حمایت مؤثر از زنان علیه تبعیضات از طریق مراجع ملی ذیصلاح و سایر مؤسسات قضائی دولتی .

د : خودداری از انجام هرگونه عملی علیه زنان و یا بکاربردن تبعیضات در مورد آنها و حصول اطمنان از اینکه مقامات دولتی و مؤسسات مطابق با تعهدات خود به وظایفشان عمل خواهندکرد.

ه:اتخاذ اقدامات مقتضی به منظور رفع تبعیضات علیه زنان توسط هر فرد، سازمان یا شرکت.

و : اتخاذ تدابیر لازم ازجمله وضع قوانین به منظور جرح و تعدیل یا فسخ قوانین متعارف و مقررات موجود که موجب بکاربردن تبعیض علیه زنان می‌گردد.

ز :فسخ کلیه مقررات کیفری که تبعیضات علیه زنان را دربردارد.

مادهٔ ۳

دول عضو در تمام زمینه‌ها بالاخص زمینه‌های سیاسی، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی کلیه اقدامات لازم از جمله وضع قوانین را به ممنظور توسعه وپیشرفت کامل زنان به عمل می‌آورند، تا اجرای حقوق بشر و بهره‌مندی آنها از آزادیهای اساسی بر مبنای مساوات با مردان تضمین گردد.

مادهٔ ۴

۱ ـ اتخاذ تدابیر ویژه موقتی توسط دول عضو که هدف آن تسریع دو فاکتور مساوات بین مردان و زنان می‌باشد، بنابه تعریف این کنوانسیون نباید "تبعیض" تلقی گردد.اما بهیچوجه حفظ استانداردهای جدا و نابرابر را به عنوان یک پیامد دربر نخواهد داشت. این اقدامات پس از تحقق رفتار و فرصتهای برابر متوقف خواهد شد.

۲ ـ اتخاذ تدابیر ویژه توسط دول عضو از جمله اقداماتی هستند که در این کنوانسیون برای حمایت از مادران صورت می‌گیرد و نباید تبعیض آمیز تلقی گردند.

مادهٔ ۵

دول عضو اقدامات مقتضی زیر رابعمل می‌آورند.

الف : تغییر الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مردان و زنان به منظور از میان برداشتن تعصبات، سنتها و روشهائی که مبتنی بر آرمان طرز فکرپست‌نگری یا برترنگری جنسیت و یا نقشهای کلیشه‌ای برای مردان و زنان می‌باشد.

ب : حصول اطمینان از اینکه تربیت خانواده، درک صحیح از وظیفه اجتماعی مادر و شناسائی مسئولیت مشترک مرد و زن در پرورش و تربیت کودکان را شامل می‌گردد، منافع کودکان در تمام موارد در اولویت قراردارد.

مادهٔ ٦

دول عضو کلیه اقدامات مقتضی از جمله وضع قوانین را به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از زنان و استثمار آنان بعمل خواهند آورد.

مادهٔ ۷

دول عضو به منظور رفع تبعیضات علیه زنان در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور کلیه اقدامات مقتضی را به عمل خواهند آورد، بالاخص در شرایط مساوی با مردان حقوق زیر را به زنان اعطا خواهندکرد:

الف : حق شرکت در کلیه انتخابات و همه پرسی‌های عمومی و واجد صلاحیت بودن برای انتخاب شدن در تمام ارگانهای منتخب مردمی ،

ب : حق شرکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آن و دایرنمودن دوایر دولتی و انجام کلیه وظایف عمومی درتمام سطوح دولت،

ج : حق شرکت در سازمانهاو انجمن‌های غیردولتی که با زندگی سیاسی و اجتماعی کشور در ارتباط باشد.

مادهٔ ۸

دول عضو اقدامات مقتضی را بعمل خواهند آوردتا بدون هیچگونه تبعیض در شرایط مساوی با مردان این فرصت به زنان داه‌شود که دولت خود را در سطح بین‌المللی معرفی نمایند و در سازمانهای بین‌المللی نقشی داشته باشند.

مادهٔ ۹

۱ ـ دول عضو به زنان حقوق مساوی با مردان در مورد کسب، تغییر یا حفظ ملیت امان اعطا خواهندکرد، ممالک عضو بالاخص تضمین می‌کنند، که با ازدواج با فرد خارجی و تغییر ملیت همسر در طی دوران ازدواج بطور خودبه‌خود باعث تغییر ملیت زن، بی‌وطن شدن یا تحمیل اجباری ملیت شوهر نمی‌گردد.

۲ ـ دول عضو در مورد ملیت کودکان به زنان حقوق مساوی با مردان اعطا خواهندکرد.

مادهٔ ۱۰

دول عضو کلیه اقدامات مقتضی رابه عمل خواهندآورد، تا به منظور رفع تبعیضات علیه زنان حقوق مساوی با مردان به آنان در زمینه آموزش و پرورش و بالاخص براساس مساوات بین زن و مرد در موارد زیر اعطا گردد:

الف : امکانات و شرایط مساوی با مردان در زمینه شغلی و حرفه‌ای و در جهت اخذ مدارک تحصیلی از

مؤسسات آموزشی در کلیه رشته‌ها چه در شهر و چه در روستا، این تساوی شامل دوره‌های پیش دبستانی، آموزش عمومی، فنی، حرفه‌ای و آموزش عالی فنی و نیز دوره‌های حرفه‌ای مختلف می‌باشد.

ب : امکان دسترسی به برنامه‌های آموزشی، امتحانات و کادر آموزشی مشابه که مشخصات و استانداردهای مشابه را دارا باشند، و ساختمان و لوازم مدرسه همان کیفیت را داشته باشند.

ج : از بین بردن هرگونه مفهوم کلیشه‌ای از نقش زنان و مردان در کلیه سطوح و در اشکال مختلف آموزشی از طریق تشویق به آموزش مختلطو سایر انواع روشهای آموزشی که نیل به این هدف را ممکن می‌سازد، و بالاخص از طریق تجدید نظر در کتب درسی و برنامه‌های آموزشی مدارس و تأیید روشهای آموزشی،

د : امکانات استفاده از بورسها و سایر مزایای تحصیلی مشابه،

هـ: امکانات مشابه جهت دستیابی به برنامه‌های مربوط به ادامه تحصیلات، از جمله برنامه‌های عملی سوادآموزی بزرگسالان بخصوص برنامه‌هائی که به هدف کاهش هرچه سریعتر شکاف آموزشی موجود بین زنان و مردان می‌باشد.

و : کاهش تعداد دانش‌آموزان دختری که ترک تحصیل می‌کنند و تنظیم برنامه‌هائی برای دختران و زنانی که قبلاً ترک‌تحصیل کرده‌اند.

ز : امکانات مشابه برای شرکت فعال زنان در امور ورزشی و تربیت‌بدنی،

ح : دسترسی به اطلاعات آموزشی ویژه که سلامتی و تندرستی خانواده را تضمین می‌نمایند، از جمله اطلاعات و پیشنهاداتی در مورد برنامه‌ریزی خانواده .

مادهٔ ۱۱

۱ ـ دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را بعمل خواهندآورد تا هرگونه تبعیض علیه زنان در زمینه شغلی ازبین برود، و براساس اصل تساوی حقوق بین زنان و مردان، حقوق مشابه برای آنها تضمین شود بالاخص در موارد زیر:

الف : حق اشتغال بکار بعنوان حق لایتجزای افراد بشر،

ب :حق استفاده از امکانات مشابه شغلی، از جمله رعایت ضوابط یکسان در مورد انتخاب شغل.

ج : حق انتخاب آزادانه حرفه‌وپیشه، حق ارتقاء مقام، برخورداری از امنیت شغلی و تمام امتیازات و شرایط شغلی و حق استفاده از دوره‌های آموزش حرفه‌ای و بازآموزی، از جمله کارآموزی و شرکت در دوره‌های آموزش حرفه‌ای پیشرفته و آموزش مرحله‌ای.

د : حق دریافت دستمزد برابر و نیز استفاده از مزایا و حق برخورداری از رفتار یکسان در مشاغلی که دارای ارزش برابر است، و همچنین قضاوت یکسان در ارزیابی کار مشابه.

هـ:حق استفاده از بیمه‌های اجتماعی بالاخص در دوران بازنشستگی، دوران بیکاری، هنگام بیماری و ناتوانی و دوران پیری و در سایر مواردازکار افتادگی و نیز حق استفاده از مرخصی استحقاقی،

و : حق رعایت اصول بهداشتی برای حفظ سلامتی و رعایت ایمنی در محیط کار، بطوری که تندرستی آنها در دوران بارداری تضمین شود، و آسیبی به سلامت آنها وارد نگردد.

۲ ـ به منظورجلوگیری از اعمال تبعیضات علیه زنان بهنگام ازدواج و بارداری و تضمین حق مسلم آنان جهت کار، دول عضو اقدامات زیر را بعمل خواهندآورد:

الف : ممنوعیت اخراج به دلیل بارداری یا مرخصی زایمان و تبعیض در اخراج براساس وضعیت زناشوئی که در غیراینصورت مشمول تحمیل مجازات می‌شود.

ب : صدور اجازه مرخصی زایمان با حقوق یا مزایای اجتماعی مشابه بدون از دست رفتن شغل قبلی سمت یا مزایای اجتماعی،

ج : تشویق به ارائه خدمات اجتماعی لازم بنحوی که والدین را قادر نماید تعهدات خانوادگی را با مسئولیت‌های شغلی هماهنگ سازند، و به خصوص با فراهم آوردن تسهیلاتی برای مراقبت از کودکان بتوانند در زندگی اجتماعی شرکت نمایند.

د : حمایت خاص از زنان هنگام بارداری در مشاغلی که به اثبات رسیده برای آنها زیان‌آور است.

۳ ـ قوانین حمایت کننده متذکر در این ماده بطور متناوب همراه با پیشرفت اطلاعات و دانشهای علمی و تکنولوژیکی مورد بررسی قرار خواهندگرفت، و در صورت لزوم این قوانین تجدید چاپ لغو یا تمدید خواهند گردید.

مادهٔ ۱۲

۱ ـ دول عضو کلیه اقدامات لازم را در مورد رفع تبعیضات علیه زنان در زمینه حفظ سلامتی آنان بعمل خواهند آورد، تا دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله خدماتی که به برنامه‌ریزی خانواده مربوط می‌شود، براساس رعایت مساوات بین مردان و زنان امکان پذیر باشد.

۲ ـ دول عضو علاوه بر مفاد پاراگراف یک این ماده خدمات لازم را در دوران بارداری، هنگام زایمان و دوران پس از زایمان ارائه خواهندکرد، در صورت لزوم خدمات رایگان در اختیار آنها خواهند گذارد، و نیز آنهارا از تغذیه مناسب در دوران بارداری و دوران شیردهی بهره‌مند خواهند ساخت.

مادهٔ ۱۳

۱ ـ دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را به منظور رفع تبعیضات علیه زنان در سایر زمینه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی بعمل خواهند آورد، تا براساس اصل برخورداری از حقوق مساوی و یکسان مردان وزنان بالاخص موارد زیر رعایت گردند:

الف : حق استفاده از مزایای خانوادگی

ب : حق استفاده از وامهای بانکی، رهن و سایر اشکال اعتبارات مالی

ج : حق شرکت در فعالیتهای تفریحی، رشته‌های مختلف ورزشی و کلیه زمینه‌های زندگی فرهنگی.

مادهٔ ۱۴

۱ ـ دول عضو مشکلات خاص زنان روستائی را مدنظر قرارداده و به نقش مهمی که این زنان در جهت رفاه اقتصادی خانواده‌های خود از جمله کار در بخشهای غیرمالی اقتصاد بعهده دارندتوجه خاص مبذول خواهندداشت و کلیه اقدامات مقتضی را بعمل خواهندآورد، تا مفاد این کنوانسیون در مورد زنان روستائی اجراء گردد.

۲ ـ دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را جهت رفع تبعیضات علیه زنان روستائی را بعمل خواهندآورد، تا این زنان براساس تساوی حقوق مردان و زنان در برنامه‌های عمرانی و روستائی شرکت کنند، و از آن بهره‌مند گردند، و به خصوص از حقوق زیر برخوردارشوند:

الف : شرکت در اجراء و تکمیل برنامه‌های عمرانی در کلیه سطوح،

ب : دسترسی به تسهیلات بهداشتی کافی از جمله اطلاعات، مشاوره و خدمات در برنامه‌ریزی خانواده،

ج : استفاده مستقیم از برنامه‌های بیمه اجتماعی،

د : استفاده از کلیه دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی از جمله سوادآموزی عملی و نیز بهره‌مندی از خدمات و امکانات به منظور بالابردن کارآئی فنی آنان.

هـ: تشکیل گروهها و تعاونیهای انتفاعی به منظور دسترسی یکسان به امکانات اقتصادی یعنی دسترسی به مشاغل دولتی و آزاد،

و : شرکت در کلیه فعالیتهای جامعه

ز : دسترسی به وامها و اعتبارات کشاورزی، تسهیلات بازاریابی، تکنولوژی مناسب، و استفاده یکسان از زمین و اصلاحات ارضی و طرحهای اسکان مجدد زمین،

ح : بهره‌مندشدن از وسایل مناسب زندگی، بالاخص مسکن، وسائل بهداشتی، آب وبرق، ارتباطات و حمل‌ونقل.

مادهٔ ۱۵

۱ ـ دول عضو بااستفاده از قانون به زنان حقوق مساوی با مردان اعطا می‌کنند.

۲ ـ دول عضو در مسائل مدنی به زنان اهلیت قانونی یکسان با مردان اعطا می‌کنند، تا زنان با درنظر گرفتن امکانات مشابه از این اهلیت استفاده کنند، دول عضو بالاخص به زنان حقوق یکسان با مردان اعطا می‌کنند، تا بتوانند قرارداد منعقد نمایند، به اداره املاکشان پرداخته و در کلیه مراحل دادرسی در دادگاهها و محاکم از حقوق یکسان با مردان برخوردار شوند.

۳ ـ دول عضو موافقت می‌نمایند، که کلیه قراردادها و سایر اسناد خصوصی دارای قدرت اجرائی قانونی و محدود کننده اهلیت قانونی زنان کان لم یکن تلقی گردد.

۴ ـ دول عضو با درنظرگرفتن قانون نقل‌ومکان و قانون حق انتخاب آزادانه محل اقامت و سکونت

افراد، حقوق برابر با مردان به زنان اعطا می‌کنند.

مادۀ ١٦

۱ ـ دول عضو کلیه اقدامات مقتضی را به منظور رفع تبعیضات علیه زنان در زمینه مسائل مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی بعمل خواهند آورد، تا براساس اصل برخورداری مردان و زنان از حقوق مساوی و یکسان موارد زیر بالاخص مراعات شده باشند:

الف : حق مشابه برای ازدواج

ب : حق مشابه درانتخاب آزادانه همسر و صورت گرفتن ازدواج با رضایت کامل آنان.

ج :حقوق و تعهدات مشابه در طی دوران زناشوئی و پس از جدائی،

د : حقوق و مسئولیتهای مشابه به عنوان والدین صرفنظر از وضع روابط زناشوئی در مسائلی که به فرزندان آنان مربوط می‌شود، در کلیه موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار است.

هـ : حقوق مشابه در مورد تصمیم‌گیری آزادانه و مستقلانه نسبت به تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دسترسی به اطلاعات و آموزش لازمه و استفاده از مسائلی که برخورداری از چنین حقوقی را میسر سازد.

و : حقوق و مسئولیتهای مشابه در مورد قیمومیت، حضانت، سرپرستی و فرزندخواندگی، و یا استفاده از دستورالعملهای مشابهی که به موجب قانون حقوق مزبور در آنها پیش‌بینی شده‌است. در کله موارد منافع کودکان از اولویت برخوردار است.

ز : حقوق فردی مشابه برای شوهر و زن منجمله حق انتخاب نام‌خانوادگی، حق انتخاب شغل و حرفه.

ح : حقوق مشابه برای زوجین نسبت به مالکیت، اکتساب، مدیریت، سرپرستی، بهره‌مندی و در اختیار داشتن ملک اعم از اینکه رایگان باشد، ویا هزینه‌ای در بر داشته باشد.

۲ ـ نامزدی و ازدواج فرزند از نظر قانون دارای قدرت اجرائی نمی‌باشد، و کلیه اقدامات ضروری منجمله وضع قانون برای تعیین حداقل سن مناسب برای ازدواج باید بعمل آید، و ازدواج در دفاتر رسمی باید ثبت گردد.

مادۀ ۱۷

۱ ـ به منظور بررسی و در نظر گرفتن پیشرفت حاصله در اجرای مفاد این کنوانسیون کمیته رفع تبعیضات علیه زنان (از این به بعد کمیته خوانده می‌شود) تشکیل خواهدشد.

این کمیته از تاریخ لازم‌الاجراء شدن کنوانسیون از هیجده عضو پس از تصدیق و الحاق سی‌وپنجمین دولت به کنوانسیون و بیست‌وسه نفر از کارشناسان دارای صلاحیت و مشهور به داشتن حسن اخلاق در زمینه مربوط به کنوانسیون تشکیل می‌شود، کارشناسان توسط دولت عضو از میان اتباع کشورشان انتخاب می‌شوند، و در سمت شخصی خود خدمت می کنند. در انتخاب این اشخاص به توزیع جغرافیائی عادلانه و به موجودیت اشکال مختلف تمدن و نیز اصل نظامهای حقوقی توجه می‌شود.

۲ ـ اعضای کمیته توسط دول عضو از طریق رأی مخفی و از میان کاندیداها انتخاب می‌شوند، هر دولت عضو می‌تواند یک نفر از اتباع خود را نامزد نماید.

۳ ـ نخستین انتخابات شش ماه پس از اجرای این کنوانسیون برگزار خواهد شد. حداقل سه ماه قبل از تاریخ هر انتخابات دبیرکل سازمان ملل در طی نامه‌ای از دول عضو می‌خواهد تا ظرف دوماه کاندیداهای خود را معرفی کنند. دبیرکل فهرست اسامی کاندیداها و دول عضو را به ترتیب حروف الفبا تهیه و برای دول عضو ارسال خواهد داشت.

۴ ـ انتخابات اعضای کمیته در جلسه‌ای متشکل از دول عضو به ریاست دبیرکل سازمان ملل و در مقر آن سازمان برگزار خواهدشد. در این جلسه که حدنصاب تشکیل آن حضور دوسوم از نمایندگان دول عضو باشد اشخاصی انتخاب خواهند شد که بیشترین تعداد آراء و اکثریت مطلق آراءنمایندگان دول عضو حاضر در جلسه را به دست آورند.

۵ ـ اعضای کمیته برای یک دوره چهارساله انتخاب می‌شوند، اگرچه دوره عضویت ۹ نفر از اعضای منتخب در اولین انتخابات پس از دوسال به پایان می‌رسد، اما بلافاصله پس از اولین انتخابات اسامی این ۹ نفر عضو به قید قرعه و توسط رئیس کمیته اعلام خواهدشد.

۶ ـ انتخاب ۵ عضو دیگر کمیته مطابق با مفاد پاراگرافهای ۲ ، ۳ و ۴ این ماده و به دنبال سی‌وپنجمین تصدیق یا الحاق صورت خواهدگرفت. دوره عضویت دونفر از اعضای فوق در پایان دوسال خاتمه خواهدیافت، و اسامی این دونفر به قیدقرعه و توسط رئیس کمته اعلام خواهدشد.

۷ ـ به منظور اشغال پست بلامتصدی احتمالی، دولتی که کارشناس به عنوان عضو کمیته به انجام وظیفه مشغول نمی‌باشد، کارشناس دیگری را باتأیید کمیته از بین اتباع خود انتخاب خواهند کرد.

۸ ـ اعضای کمیته باتأیید مجمع عمومی و بر طبق ضوابط و شرایط مقرره آن مجمع و بادر نظرگرفتن اهمیت مسئولیتهای کمیته از سازمان ملل مقرری دریافت خواهندکرد.

۹ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد تسهیلات و اقدامات لازم را به منظور انجام مؤثر وظایف کمیته تحت این کنواسیون بعمل خواهدآورد.

مادهٔ ۱۸

۱ ـ دول عضو متقبل می‌شوند گزارشی برای بررسی کمیته در مورد اقدامات تضمینی، قضائی، و اجرائی و سایر اقدامات متخذه در راستای اجرای مفاد این کنوانسیون و پیشرفتهای حاصله از آن به دبیرکل سازمان ملل متحد بشرح زیر ارائه کنند.:

الف : تهیه گزارش ظرف یکسال پس از لازم‌الاجراء شدن برای دول مربوطه.

ب : پس از آن حداقل هر چهارسال یکبار و در صورت درخواست کمیته زودتر از چهارسال .

۲ ـ این گزارشات حاوی مسائل و مشکلاتی است که براجرای تعهدات و وظایف این کنوانسیون اثر می‌گذارد.

مادهٔ ۱۹

۱ ـ کمیته نظامنامه داخلی خود را تصویب می‌کند.

۲ ـ کمیته کارمندان خود را برای یک دوره دوساله انتخاب می‌کند.

مادهٔ ۲۰

۱ ـ کمیته به منظور بررسی گزارشاتی که مطابق با ماده ۱۸ این کنوانسیون ارائه شده هر ساله به مدتی که از دو هفته تجاوز نکند، تشکیل جلسه می‌دهد.

۲ ـ جلسات کمیته عموماً در مقر سازمان ملل متحد یا در هر محل مناسب دیگری که به درخواست کمیته تعیین می‌شود.برگزار خواهد شد.

مادهٔ ۲۱

۱ ـ کمیته همه ساله از طریق شورای اقتصادی واجتماعی گزارشی در مورد فعالیتهای خود به مجمع عمومی تسلیم می‌نماید. وبراساس گزارشات و اطلاعات واصله از دول عضو پیشنهادات و توصیه‌های کلی ارائه می‌دهد. این پیشنهادات و توصیه‌های کلی همراه با نظرات احتمالی دول عضو در گزارش کمیته درج می‌گردد.

۲ ـ دبیرکل گزارشات کمیته را جهت اطلاع به کمیسیون وضعیت زنان ارسال می‌نماید.

مادهٔ ۲۲

آژانسهای تخصصی می‌توانند در محدوده فعالیتهای خود براجرای مفاد این کنوانسیون نظارت کنند. کمیته می‌تواند از آژانسهای تخصصی دعوت کند، تا گزارشاتی در مورد نحوه اجرای کنوانسیون در زمینه‌هائی که به حوزه فعالیت آنها مربوط می‌شود ارائه نمایند.

مادهٔ ۲۳

هیچ عاملی برمفادی که موجب دستیابی سریعتر بر اصل تساوی حقوق زن و مرد در این کنواسیون باشد مؤثر نخواهد بود . عامل یاد شده ممکن است در موارد زیر باشد:

الف : در قانون گذاری یک دولت عضو،

ب : در هر کنوانسیون دیگر، پیمان یا قرارداد بین‌المللی لازم‌الاجراء برای آن دولت .

مادهٔ ۲۴

دول عضو متعهد می‌گردند کلیه اقدامات لازم در سطح ملی راکه هدف از آن تحقق کامل حقوقی است و در این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده، بعمل آورند.

مادهٔ ۲۵

۱ ـ این کنواسیون برای امضاء کلیه دول مفتوح می‌باشد.

۲ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد بعنوان امانتدار این کنوانسیون تعیین شده‌است.

۳ ـ رسمیت این کنوانسیون منوط به تصدیق است. اسناد تصدیق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد به

امانت گذارده شده است.

۴ ـ این کنوانسیون جهت الحاق کلیه دول مفتوح می‌باشد، سند الحاق به دبیرکل سازمان ملل باید سپرده شود.

مادهٔ ۲۶

۱ ـ دول عضو می‌توانند در هر زمان طی برنامه‌ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل درخواست کنند این کنواسیون مورد تجدیدنظر قرارگیرد.

۲ ـ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد اقدامات احتمالی در مورد چنین درخواستی تصمیم خواهد گرفت.

مادهٔ ۲۷

۱ ـ این کنوانسیون سی‌روز پس از تاریخی که بیستمین سند تصدیق یا الحاقیه آن نزد دبیرکل سازمان ملل متحد به امانت گذارده شد، لازم‌الاجراء می‌گردد.

۲ ـ پس از به ودیعه سپردن بیستمین سند تصدیق یا الحاق، برای هر دولتی که این کنوانسیون را تصدیق می‌کند یا به آن ملحق می‌گردد، کنوانسیون مذکور از سی‌امین روز تاریخی که این سند تصدیق یا الحاق‌به امانت گذارده شده لازم‌الاجراء می‌گردد.

مادهٔ ۲۸

۱ ـ دبیرکل سازمان ملل متحد پس از دریافت تحفظات دولتها به هنگام تصدیق یا الحاق آنها را در اختیار کلیه دول قرار می‌دهد.

۲ ـ تحفظاتی که با هدف و منظور این کنوانسیون سازگار نباشد، پذیرفته نخواهد شد.

۳ ـ هرگاه این تحفظات مورد قبول واقع شود باید به دبیرکل اعلام گردد که وی سپس مراتب را به اطلاع کلیه دول خواهد رسانید. چنین تحفظاتی به مجرد دریافت به مورد اجراء گذارده خواهد شد.

مادهٔ ۲۹

۱ ـ هرگونه اختلاف در تفسیر یا اجرای این کنوانسیون بین دو دولت یااعضای بیشتر که از طریق مذاکره حل نگردد، بنا به تقاضای یکی از طرفین به حکمیت ارجاع می‌گردد، اگر چنانچه ظرف ششماه از تاریخ درخواست تشکیل داوری، طرفین در مورد تشکیل آن به توافق نرسند یکی از طرفین می‌تواند درخواست نماید تا موضوع به دیوان بین‌المللی دادگستری مطابق با اساسنامه دادگاه ارجاع گردد.

۲ ـ هردولت عضوی می‌تواند به هنگام امضاء یا تصدیق این کنوانسیون یا الحاق به آن اعلام کند که خود را مؤظف به اجرای پاراگراف یک این ماده نمی‌داند، سار دول عضو با توجهِ به تحفظات هر دولت عضو در این مورد ملزم به به رعایت پاراگراف فوق نمی‌باشند.

۳ ـ هر دولت عضوی که بر طبق پاراگراف ۲ این ماده تحفظاتی انجام داده باشد، می‌تواند در هر زمان به دبیرکل سازمان ملل اعلام نماید، که از این تحفظات صرفنظر کرده است.

مادۀ ۳۰

این کنوانسیون که متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی، و اسپانیولی آن دارای اعتبار یکسان می‌باشند، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد به امانت گذارده می‌شود.

۹:

قرارداد بین‌المللی رفع هـر نوع تبعیض نژادی ...

قانون مربوط به قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی[۱]

ماده واحده – «قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی» مشتمل بر یک مقدمه و بیست‌وپنج ماده که در بیست‌ویکم دسامبر هزارو نهصدوشصت‌وپنج برابر سی‌ام آبان یک‌هزارو سیصدوچهل‌وچهار شمسی در بیستمین دوره اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد تنظیم و در هفدهم اسفندماه یک‌هزارو سیصدوچهل‌وپنج برابر هشتم مارس هزارونهصدوشصت‌وهفت از طرف نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد به امضاء رسیده است تصویب و به دولت اجازه داده می‌شود اسناد تصویب مربوطه را به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم نماید.

قانون بالا مشتمل بر یک ماده و قرارداد ضمیمه آن که در تاریخ روز دوشنبه ششم خردادماه ۱۳۴۷ به تصویب مجلس سنا رسیده بود در جلسه روز یک شنبه سی‌ام تیرماه یک‌هزارو سیصدوچهل‌وهفت شمسی مورد تصویب مجلس شورای ملی قرارگرفت.

رئیس مجلس شورای ملی

۱ – روزنامه رسمی شماره ۶۸۵۲ - ۱۳۴۷/۶/۳ و ۶۸۵۶ - ۱۳۴۷/۶/۷

قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نـژادی مـصوب ۲۱ دسـامبر ۱۹۶۵ مـیلادی (۱۳۴۴/۸/۳۰ شمسی)مجمع عمومی سازمان ملل‌متحد

دول عاقد این قرارداد:

نظر به اینکه منشور ملل متحد مبتنی است بر اصول حیثیت ذاتی و تساوی کلیه افراد انسانی و کلیه دول عضو ملل متحد متعهد شده‌اند که منفرداً و مشترکاً با همکاری سازمان برای نیل به یکی از هدفهای ملل متحد یعنی توسعه و تشویق احترام جهانی و واقعی به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگـان بدون تمایز نژاد یا جنس یا زبان و یا مذهب اقدام نمایند.

نظر به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد که کلیه افراد انسانی به طـور آزاد و یکسـان از لحاظ حیثیت و حقوق متولد می‌شوند و باید بتوانند از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در آن اعلامیه بدون تمایز به خصوص از حیثیت نژاد و رنگ و یا ملیت برخوردار شوند.

نظر به اینکه کلیه افراد بشر در پیشگاه قانون برابر بوده و حق دارند علیه هر نوع تـبعیض و هـر نـوع تحریک به تبعیض از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند.

نظر به اینکه ملل متحد استعمار و کلیه روش‌های تفکیک و تبعیضی راکه به همراه دارد به هر شکل و در هر محلی که موجود باشد محکوم نموده و اعلامیه مورخ چهاردهم دسامبر ۱۹۶۰ راجـع بـه اعطـای استقلال به کشورها و ملل مستعمره (قطعنامه ۱۵۱۴ دوره پانزدهم مجمع عمومی) لزوم ختم سریع و بی قید و شرط استعمار را تأیید و رسماً اعلام نموده.

نظر به اینکه اعلامیه مورخ بیستم نوامبر ۱۹۶۳ ملل متحد (قطعنامه ۱۹۰۴ - دوره هجدهم مـجمع عمومی) راجع به رفع هر نوع تبعیض نژادی رسماً لزوم رفع سریع کلیه اشکال و همه مظـاهر تبعیضـات نژادی را در سراسر گیتی و همچنین لزوم تأمین تفاهم و احترام به حیثیت شخص انسانی را مورد تأیید قرار داده

با اطمینان به اینکه فرضیه سیادت و تفوق مبتنی بر اختلاف بین نژادها عملاً مردود و اخلاقاً محکوم و از نظر اجتماعی غیر عادلانه و خطرناک بوده و تبعیض نژادی نه از لحاظ نظری و نه از لحاظ عملی قابل توجیه نمی‌باشد با تأیید مجدد اینکه تبعیض بین افراد بشر به جهات مبتنی بر نژاد و رنگ و یا ریشه قومی سدی در برابر وجود روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز در میان ملل بوده و امکان دارد صلح و امنیت بین ملل و همچنین همزیستی هم آهنگ اشخاص را در داخل یک دولت مختل سازد.

با اطمینان به اینکه وجود موانع نژادی با آرمان‌های جامعه بشری قابل جمع نیست.

با احساس خطر از مظاهر تبعیض نژادی که هنوز در برخی از نواحـی جهـان مشـهود است و نـیز از سیاست‌های حکومتی مبتنی بر برتری یا تنفرنژادی از قبیل آپارتاید - و تفکیک وجدانی مصمم به اتخاذ کلیه تدابیر لازم برای امحاء سریع کلیه اشکال و تمامی مظاهر تبعیض نژادی و مـصمم بـه پیش‌گیری و مبارزوه با فرضیه‌ها و رویه‌های نژادی - به منظور تسهیل حسن تفاهم بین نـژادهـا و مبنـای یک جـامعه

بین‌المللی که از قید کلیه اشکال تبعیض و تفکیک نژادی آزاد باشد.

با تذکار مفاد قرارداد مربوط به رفع تبعیض در مورد شغل و حرفه مصوب سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۵۸ و با توجه به قرارداد مربوط به مبارزه با تبعیض نژادی در زمینه تعلیم که از طرف سازمان فرهنگی و علمی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) در سال ۱۹۶۰ به تصویب رسیده.

با تمایل به اجرای اصول مقرر در اعلامیه ملل متحد راجع به رفع کلیه انواع تبعیضات نژادی و حصول اطمینان از اتخاذ سریع تدابیر عملی در این راه به شرح زیر موافقت نمودند.

بخش اول

مادهٔ ۱:

در قرارداد حاضر اصطلاح «تبعیض نژادی» اطلاق می‌شود به هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و یا رجحانی که بر اساس نژاد و رنگ یا نسب و یا منشاء ملی و یا قومی مبتنی بوده و هدف یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قراردادن شناسائی یا تمتع و یا استیفاء در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد.

۲ - قرارداد حاضر ناظر به تمایزات و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها و یا رجحاناتی که هر یک از دول عاقد قرارداد بین اتباع خود و اتباع سایر دول قائل می‌شوند نخواهد بود.

۳ - مقررات قرارداد حاضر را نباید طوری تفسیر نمود که در مقررات قانونی دول عاقد راجع به تابعیت و ملیت و قبول تابعیت به نحوی از انحاء مؤثر واقع شود. مشروط بر اینکه مقررات مزبور علیه ملیت خاصی قائل به تبعیض نباشد.

۴ - تدابیر خاصی که صرفاً به منظور تأمین ترقی شایسته برخی از گروه‌های نژادی یاقومی یا افرادی که برای تمتع و استیفاء از حقوق بشر و آزادیهای اساسی در شرایط متساوی محتاج حمایت‌اند اتخاذ شده باشد - به منزله تدابیری که جنبه تبعیض نژادی دارند تلقی نخواهد گردید مشروط بر اینکه این اقدامات منجر به بر قراری حقوق متمایر برای گروههای نژادی مختلف نشود و پس از حصول هدف‌هائی که موجب اتخاذ تدابیر مذکور گردیده بود ادامه نیابد.

مادهٔ ۲:

۱ - دول عاقد تبعیض نژادی را محکوم می‌نمایند و متعهد می‌شوند که با توسل به کلیه وسائل مقتضی و بدون درنگ سیاستی را دنبال کنند که هدف آن از بین بردن هر نوع تبعیض نژادی و تسهیل توافق و تفاهم در بین کلیه نژادها باشد و برای نیل به این مقصود:

الف - هر یک از دول عاقد متعهد می‌شود که به هیچ نوع اقدام و یا رفتار تبعیض نژادی علیه اشخاص و گروه‌های افراد و یا مؤسسات مبادرت نورزد و ترتیبی فراهم آورد که کلیه مقامات و مؤسسات دولتی اعم از

مملکتی یا محلی این تعهد را رعایت نمایند.

ب - هر یک از دول عاقد متعهد می‌شود که هیچ روش تبعیض نژادی را که از طرف فرد یا سازمانی اتخاذ گردیده مورد تشویق و دفاع و یا تأیید قرار ندهد.

ج - هر یک از دول عاقد موظف است تدابیر مؤثری اتخاذ نماید که سیاست‌های مملکتی و محلی تجدید نظر و مقرراتی را که موجب ایجاد و یا تثبیت و استمرار تبعیضات نژادی گردد در هر کجا که باشد اصلاح یا ابطال و یا فسخ کند.

د - هر یک از دول عاقد مکلف است به کلیه وسائل مقتضی و منجمله در صورت اقتضاء از طریق تدابیر تقنینیه اعمال هر نوع تبعضی نژادی را از ناحیه افراد یا دسته‌ها یا سازمان‌ها ممنوع سازد و بدان پایان دهد.

ه - هر یک از دول عاقد متعهد می‌شود عنداللزوم تشکیلات و نهضت‌های طرفدار یگانگی نژادها و سایر وسایل از میان بردن موانع بین نژادها را مورد تشویق قرار دهد و موجبات عدم ترغیب هر عملی را که باعث تقویت تفرقه نژادی می‌شود فراهم آورد.

۲ - دول عاقد در صورت اقتضاء در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و غیره تدابیر خاص و معینی برای تأمین رشد و توسعه مطلوب برخی گروه‌های نژادی یا افراد وابسته به آنها و حمایت از این گروه‌ها و افراد اتخاذ می‌نمایند. این تدابیر بدین منظور اتخاذ می‌گردد که استیفای کامل حقوق بشری و آزادی‌های اساسی در شرایط متساوی برای ایشان تضمین شود ولی نباید پس از نیل به هدف موجب و منشاء حفظ حقوق غیر متساوی و متمایز برای گروه‌های نژادی گردد.

مادهٔ ۳:

دول عاقد به خصوص تفکیک نژادی و اعمال روش‌های آپارتاید را تقبیح و محکوم می‌کنند و متعهد می‌شوند که در کلیه اراضی که در قلمرو صلاحیت قضائی آنهاست انجام این قبیل اعمال و روش‌ها را قدغن و ممنوع ساخته و آن را ریشه‌کن سازند.

مادهٔ ۴:

دول عاقد هر نوع تبلیغات و تشکیلاتی را که از افکار و نظریه‌های مبتنی بر تفوق یک نژاد و یا گروهی از اشخاصی که رنگ و یا منشاء قومی معین دارند الهام بگیرد و یا هر نوع تنفر و تبعیض نژادی را توصیه یا تشویق کند - تقبیح می‌نمایند و متعهد می‌شوند که به منظور ریشه‌کن ساختن این چنین تحریکات یا تبعیضات و به طور کلی برای محو هر قسم تبعیض نژادی سریعاً تدابیر لازم را اتخاذ نمایند - و در این راه اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز حقوقی را که در مادهٔ پنجم این قرارداد تصریح گردیده است مورد توجه قرار دهند.

دول عاقد مخصوصاً متعهد می‌شوند که:

الف - نشر هر نوع افکار مبتنی بر تفوق یا نفرت نژادی و تحریک به تبعیض نژادی و همچنین اعمال

زور یا تحریک به زور علیه هر نژاد و یا هر گروه که از حیث رنگ و قومیت متفاوت باشند و نیز بذل هر نوع مساعدت منجمله کمک مالی به فعالیت‌های تبعیضی نژادی را قانوناً از جرائم قابل مجازات اعلام نماید.

ب - سازمان‌هاو فعالیت‌های تبلیغاتی متشکل و هر قسم فعالیت تبلیغاتی دیگر را که محرک تبلیغات نژادی بوده و یا آن را تشویق نماید و عضویت در این چنین سازمان‌ها را قانوناً از جرائم قابل مجازات اعلام نماید.

ج - به مقامات مسئول یا مؤسسات عمومی از مملکتی و یا محلی اجازه ندهند تبعیضات نـژادی را ترغیب یا تشویق نمایند.

مادهٔ ۵:

دول عضو طبق تعهدات اساسی مندرج در مادهٔ ۲ متعهد می‌شوند که تبعیضات نژادی را به هر شکل و صورتیکه باشد ممنوع و ریشه‌کن سازند و حق هر فرد را به مساوات در برابر قانون و به ویژه در تمتع از حقوق زیر بدون تمایز از لحاظ نژاد یا رنگ یا ملیت یا قومیت تضمین نمایند.

الف - حق برخورداری از رفتار مساوی در برابر محاکم و سایر مراجعی که اجرای عدالت را به عهده دارند.

ب - حق برخورداری از امنیت شخصی و حمایت دولت در برابر تجاوز و صدمه جسمی از نـاحیه مأمورین دولت و یا هر فرد یا دسته یا تشکیلات.

ج - حقوق سیاسی و به خصوص حق شرکت در انتخابات و رأی دادن و نامزد شدن بر اساس سیستم اخذ رأی همگانی و یکسان و حق مشارکت در حکومت و ادارهٔ امور عمومی و حق نیل به مشاغل عمومی دولتی به هر رتبه و مقام در شرایط مساوی.

د - سایر حقوق مدنی - خصوصاً:

۱ - حق رفت و آمد آزاد و انتخاب اقامتگاه در داخل یک کشور.

۲ - حق ترک هر کشور و منجمله ترک میهن خود و بازگشت به آن.

۳ - حق داشتن یک تابعیت.

۴ - حق ازدواج و انتخاب همسر خود.

۵ - حق تملک چه به صورت فردی و چه به شکل مشارکت.

۶ - حق توارث.

۷ - حق آزادی فکر و وجدان و مذهب.

۸ - آزادی عقیده و بیان.

۹ - حق آزادی اجتماع و تشکیل جمعیت‌های مسالمت آمیز.

هـ - حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خصوصاً:

۱ - حق کار کردن و انتخاب آزاد شغل و استفاده از شرایط عادلانه و رضایتبخش کار و برخورداری از

حمایت در برابر بیکاری و دریافت دستمزد مساوی برای کار مساوی و دریافت پاداش منصفانه و رضایت بخش.

۲ – حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و عضویت در آنها.

۳ – حق مسکن.

۴ – حق استفاده از بهداشت عمومی و مراقبت‌های پزشکی و بیمه‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی.

۵ – حق تحصیل و کارآموزی حرفه‌ای.

۶ – حق مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی با شرایط یکسان.

و – حق دسترسی به کلیه امکنه خدماتی که به عموم عرضه می‌شود از قبیل وسایط نقلیه و هتل‌ها و رستوران‌ها و کافه‌ها و تماشاخانه‌ها و پارک‌ها.

مادهٔ ٦:

دول عاقد برای کلیه افراد مشمول صلاحیت قضائی خود در برابر هر نوع تبعیض نژادی که حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد را بر خلاف مقررات این قرارداد مورد تجاوز قرار دهد حمایت و یک طریقه دادرسی مؤثر در برابر محاکم ذیصلاحیت ملی و سایر مراجع صلاحیت‌دار مملکتی تأمین خواهند کرد و همچنین حق افراد را در مطالبه غرامت و جبران عادلانه و متناسب خسارتیکه بر اثر اعمال تبعیضات نژادی وارد می‌گردد تضمین خواهند نمود.

مادهٔ ۷:

دول عاقد متعهد می‌شوند به منظور مبارزه با تعصباتی که منجر به تبعیضات نژادی می‌شود و نیز برای تعمیم و بسط تفاهم و روح گذشت و سازش و مودت در میان ملل و گروه‌ها و نژادها و اقوام مختلف و ترویج نبات و اصول منشور ملل متحد و مفاد اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر و اعلامیهٔ ملل متحد دربارهٔ رفع تبعیضات نژادی و مفاد این قرارداد اقدامات مؤثر علی‌الخصوص در زمینهٔ تعلیم و تربیت فرهنگ و نشر اخبار معمول دارند.

بخش دوم

مادهٔ ۸:

کمیته‌ای به منظور رفع تبعیضات نژادی (که از این پس «کمیته» نامیده می‌شود) مرکب از هیجده نفر کارشناس واجد صفات عالی اخلاقی و بیطرفی که من باب اهلیت و مقام شخصی انجام وظیفه خواهند نمود و از طرف دول عاقد با توجه به لزوم توزیع جغرافیائی عادلانه و در بر گرفتن اشکال مختلفه تمدن و سیستم‌های عمده قضائی انتخاب می‌شوند تشکیل خواهد شد.

۲ – اعضای کمیته با رأی مخفی از بین کسانیکه دول عاقد برای عضویت کمیته نامزد کرده‌اند انتخاب می‌شوند. هر دولت عضو می‌تواند یک نفر را از میان اتباع خود نامزد کند.

۳ - نخستین انتخابات شش‌ماه پس از تاریخ اجرای این قرارداد انجام می‌گیرد. حداقل سه ماه قبل از تاریخ هر دوره انتخاباتی دبیر کل ملل متحد کتباً از دول عضو دعوت خواهد کرد تا نامزدهای انتخاباتی خود را ظرف دو ماه معرفی نمایند.

دبیر کل ملل متحد فهرست اسامی کلیه کسانی را که به دین ترتیب نامزد شده‌اند به ترتیب حروف الفباء و با ذکر نام دول عضوی که آنها را نامزد کرده‌اند تهیه و به دول عاقد این قرارداد تسلیم می‌کند.

۴ - انتخاب اعضای کمیته در جلسه‌ای متشکل از کلیه دول عضو که از طرف دبیر کل ملل متحد در مقر ملل متحد دعوت می‌شوند انجام خواهد گرفت.

در این جلسه که با حضور دو سوم دول عضو حائز اکثریت می‌شود کسانی به عضویت کمیته انتخاب می‌شوند که تعداد بیشتر و اکثریت مطلق آراء نمایندگان حاضر و رأی دهنده دول عضو را به دست آورند.

۵ - الف - اعضای کمیته برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند. معذلک دوره عضویت نه نفر از کسانیکه در نخستین انتخابات به عضویت برگزیده می‌شوند پس از دو سال منقضی می‌گردد و رئیس کمیته بلافاصله پس از انجام نخستین انتخابات اسامی این نه عضو را به حکم قرعه تعیین می‌نماید.

ب - برای جانشینی کارشناسی که به علل غیر منتظره از ادامه و وظایف خود در کمیته دست کشیده، دولت متبوع او کارشناس دیگری را از میان اتباع خود مشروط به تصویب کمیته منصوب می‌کند.

۶ - پرداخت هزینه و مخارج اعضای کمیته ، مدامیکه در کمیته انجام وظیفه می‌کنند به عهدهٔ دول عضو خواهد بود.

مادهٔ ۹:

۱ - دول عاقد متعهد می‌شوند گزارشی دربارهٔ اقدامات قانونی و قضائی و اداری و غیره که به منظور اجرای مقررات و مفاد این قرارداد معمول داشته‌اند در مواعد زیر به دبیر کل تسلیم نمایند که مورد مطالعه و بررسی کمیته قرار گیرد.

الف - ظرف یک سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن قرارداد در مورد هر یک از دول.

ب - متعاقباً هر دو سال یک بار و بعلاوه هر وقت که کمیته چنین تقاضائی بنماید. کمیته می‌تواند از دول عاقد تقاضای اطلاعات تکمیلی بنماید.

۲ - کمیته هر سال گزارش اقدامات و فعالیت‌های خود را توسط دبیر کل به مجمع عمومی تسلیم می‌دارد و می‌تواند بر اساس مطالعه و بررسی گزارش‌ها و اطلاعات واصله از دول عضو پیشنهادها و توصیه‌هائی که دارای جنبهٔ عمومی است بنماید. این پیشنهادها و توصیه‌های عمومی در صورت لزوم همراه با ملاحظات دول عضو به مجمع عمومی گزارش خواهد شد.

مادهٔ ۱۰:

۱ - کمیته آئین‌نامه و مقررات داخلی خود را تعیین و تصویب خواهد کرد.

۲ - کمیته هیئت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب خواهد نمود.

۳ - دبیرخانه کمیته به عهده دبیرکل ملل متحد خواهد بود.

۴ - جلسات کمیته عادتاً در مقر سازمان ملل متحد منعقد خواهد گردید.

مادهٔ ۱۱:

۱ - هر گاه یکی از دول عضو، چنین تشخیص دهد که یکی دیگر از دول عضو مقررات قرارداد حاضر را مرعی و مجری نمی‌دارد. می‌تواند توجه کمیته را به موضوع جلب کند کمیته مراتب را به اطلاع دولت مربوطه می‌رساند. دولت مربوطه ظرف سه ماه توضیحات کتبی برای روشن شدن قضیه و عنداللزوم اقداماتی که ممکن بود به عمل آید تسلیم کمیته می‌کند.

۲ - هر گاه ظرف شش ماه پس از اطلاع اولیه به دولت دریافت کننده موضوع از طریق مذاکرات دو جانبه یا از هر طریق دیگری که برای دو دولت مقدور باشد به صورت مرضی‌الطرفین حل و فصل نشود هر یک از دو دولت مزبور حق خواهد داشت که موضوع را مجدداً به وسیلهٔ یادداشتی به کمیتهٔ مرجوع دارد و مراتب را به دولت دیگر نیز اطلاع دهد.

۳ - کمیته فقط در صورتی می‌تواند در مورد یک اختلاف طبق بند ۲ این ماده رسیدگی نماید که قبلاً اطمینان حاصل کرده باشد که کلیه طرق دادخواهی در حقوق داخلی که بر اساس اصول کلی مورد قبول حقوق بین‌المللی استوار باشد، مورد استفاده و توسل قرار گرفته است این قاعده در مواردی که آئین دادخواهی متضمن مواعد طولانی غیر معقولی باشد اعمال نمی‌گردد.

۴ - کمیته می‌تواند در مورد هر موضوعی که به آن ارجاع می‌شود اطلاعات تکمیلی دیگری که لازم بداند از دول مربوطه بخواهد.

۵ - در مواقعیکه کمیته به موجب ماده حاضر مشغول بررسی موضوعی می‌باشد هر یک از دول ذینفع می‌توانند نماینده‌ای تعیین کند که بدون داشتن حق رأی در تمام مدت رسیدگی در جلسات کمیته شرکت نماید.

مادهٔ ۱۲:

۱ - الف - پس از آنکه کمیته کلیه اطلاعاتی را که لازم تشخیص می‌دهد تحصیل نمود و مورد بررسی و مداقه قرارداد، رئیس کمیته کمیسیون سازش ویژه‌ای (که منبعد «کمیسیون» نامیده می‌شود) مرکب از پنج تن که ممکن است عضو کمیته باشند و یا نباشند تعیین خواهد کرد، اعضای کمیسیون با رضایت کامل طرفین اختلاف انتخاب می شوند و کمیسیون مساعی جمیله خود را به منظور یافتن راه حل دوستانه موضوع، که مبتنی بر احترام و مراعات مفاد قرارداد حاضر باشد، برای دول ذینفع به‌کار خواهد برد.

ب - هر گاه طرفین اختلاف ظرف سه ماه در خصوص ترکیب کمیسیون جزئاً یا کلاً به توافق نرسند آن عده از اعضاء کمیسیون که مورد توافق طرفین اختلاف قرار نگرفته‌اند با رأی مخفی و به اکثریت دو ثلث آراء اعضای کمیته از بین اعضای خود کمیته انتخاب خواهند شد.

۲ - اعضای کمیسیون من‌باب اهلیت و مقام شخصی خود خدمت می‌کنند و نباید از اتباع دول طرف

اختلاف و یا از اتباع دول غیر عضو قرارداد حاضر باشند.

۳ - کمیسیون رئیس خود را انتخاب و روش کار و آئین‌نامه داخلی خود را تعیین و تصویب خواهد نمود.

۴ - جلسات کمیسیون عادتاً در مقر سازمان ملل متحد یا محل مناسب دیگری که کمیسیون تعیین کند منعقد خواهد گردید.

۵ - دبیرخانه مذکور در بند ۳ مادهٔ ۱۰ قرارداد حاضر در صورتی که اختلاف بین دول موجب تشکیل کمیسیون شود خدمات خود را در اختیار کمیسیون می‌گذارد.

۶ - دول طرف اختلاف هزینه اعضای کمیسیون را بر اساس صورت برآوردی که به وسیلهٔ دبیرکل تسلیم می‌شود بالسویه پرداخت خواهند نمود.

۷ - دبیرکل اختیار دارد در صورت لزوم پیش از آنکه دول طرف اختلاف هزینه‌های متعلقه را طبق بند ۶ این ماده تأدیه نمایند - هزینه اعضای کمیسیون را پرداخت نماید.

۸ - اطلاعاتی که کمیته تحصیل و بررسی نموده است دراختیار کمیسیون قرار خواهد گرفت و کمیسیون می‌تواند از دول ذیربط تقاضای ارسال اطلاعات مربوطه دیگری را بنماید.

مادهٔ ۱۳:

۱ - کمیسیون پس از بررسی همه جوانب موضوع گزارشی تهیه و به رئیس کمیته تسلیم می‌کند این گزارش مشتمل بر استنتاجات کمیسیون در مورد واقعیات مربوطه به اختلاف بین طرفین بوده و متضمن توصیه‌هائی که برای حل دوستانه اختلاف مناسب تشخیص می‌شود خواهد بود.

۲ - رئیس کمیته گزارش کمیسیون را به هر یک از دول طرف اختلاف ارسال خواهد داشت. دول مذکور ظرف سه ماه موافقت یا مخالفت خود را با توصیه‌های مندرج در گزارش کمیسیون به رئیس کمیته اطلاع خواهند داد.

۳ - پس از انقضای مهلت مقرر در بند ۲ این ماده رئیس کمیته گزارش کمیسیون را به انضمام اظهاریه‌های دول ذینفع برای سایر دول عاقد قرارداد ارسال خواهد داشت.

مادهٔ ۱۴:

۱ - هر یک از دول عاقد قرارداد می‌توانند در هر موقع اعلام نماید که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی به شکایات و عرایض افراد یا دسته‌هائی از اشخاصی که تابع آن دولت بوده و مدعی باشند که با نقض یکی از حقوق مصرحه در قرارداد حاضر از طرف آن دولت در معرض تعدی قرار گرفته‌اند به رسمیت می شناسد. کمیته هیچ عریضه یا شکایت راجع به دولتی را که مبادرت به اعلام چنین اعلامیه‌ای ننموده باشد، دریافت نخواهد داشت.

۲ - هر یک از دول عاقد این قرارداد که شناسائی صلاحیت کمیته را طبق بند ۱ این ماده اعلام دارد می‌تواند در داخل نظام قضائی مملکتی خود، برای دریافت و رسیدگی به شکایات افراد یا دسته‌هائی از

اشخاص که تابع آن دولت می‌باشند و مدعی هستند که با نقض یکی از حقوق مصرحه در قرارداد حاضر از طرف دولت مذکور در معرض تعدی قرار گرفته‌اند و سایر طرق دادخواهی که در دسترسشان بوده مراجعه نموده‌اند، مرجعی را ایجاد یا تعیین نماید.

۳ - اعلام شناسائی که طبق بند ۱ این ماده صورت می‌گیرد و نام مرجعی که به موجب بند ۲ این ماده ایجاد و یا تعیین می‌شود توسط دولت مربوط به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم می‌شود و مشارالیه رونوشت آنرا برای سایر دول عاقد قرارداد می‌فرستد. اعلام شناسائی را می‌توان هر موقع از طریق ارسال یادداشت به دبیر کل سازمان ملل متحد مسترد داشت لیکن این استرداد در مورد عرایضی که کمیته تا آن تاریخ دریافت داشته مؤثر نخواهد بود.

۴ - مرجعی که طبق بند ۲ این ماده ایجاد و یا تعیین می‌شود موظف است شکایات واصله را در دفتری به نام دفتر عرایض ثبت کند و نسخه‌های مصدق و متحدالشکل این دفتر همه ساله از طریق مناسب در اختیار دبیر کل قرار دهد محتویات دفتر مزبور افشاء نخواهد شد.

۵ - هر گاه مرجعی که طبق بند ۲ این ماده ایجاد و یا تعیین می‌شود نتواند موجبات رضایت عارض یا شاکی را فراهم سازد عارض حق دارد ظرف شش ماه مراتب را به استحضار کمیته برساند.

۶ - الف - کمیته هر عریضه‌ای را که به آن ارجاع گردد محرمانه به نظر دولت عاقدی که شاکی مدعی است مقررات این قرارداد را نقض کرده است می‌رساند لیکن هویت شخص و یا گروه افراد شاکی را بدون رضایت صریح شخص و یا گروه مذکور نمی‌توان فاش ساخت.

کمیته شکایاتی را که فاقد امضاء صریح باشد نخواهد پذیرفت.

ب - دولت مربوطه ظرف سه ماه پس از اطلاع از مفاد شکایت توضیحات و اظهارات لازم را که برای روشن شدن موضوع و عنداللزوم اقداماتی که ممکن بود به عمل آید کتباً به اطلاع کمیته می‌رساند.

۷ - الف - کمیته با توجه به اطلاعاتی که دولت مربوطه و شخص شاکی در اختیار گذارده‌اند عرایض و شکایات را مورد بررسی قرار می‌دهد کمیته در صورتی شکایتی را مورد بررسی قرار خواهد داد که قبلاً اطمینان حاصل کرده باشد که شخص شاکی کلیه طرق دادخواهی داخل ممکن را مورد استفاده و توسل قرارداده است این قاعده در مواردی که آئین دادخواهی متضمن مواعد طولانی غیر معقول باشد، اعمال نمی‌گردد.

ب - کمیته پیشنهادها و توصیه‌های احتمالی خود را به اطلاع دولت مربوطه و شخص عارض خواهد رسانید.

۸ - کمیته خلاصه عرایض واصله و در صورت اقتضاء خلاصه توضیحات و اظهارات دول مربوطه و نیز پیشنهادها و توصیه‌های خود را در گزارش سالانه منتشر خواهد کرد.

۹ - کمیته فقط در صورتی صلاحیت خواهد داشت وظایف مقرره در این ماده را انجام دهد که حداقل ده دولت عاقد این قرارداد صلاحیت آن را طبق مفاد بند ۱ این ماده به رسمیت شناخته باشند.

مادهٔ ۱۵:

۱ - تا نیل به هدف‌های اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و ملل تحت استعمار مندرج در قطعنامه ۱۵۱۴ (دوره ۱۵) مجمع عمومی مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ مقررات قرارداد حاضر به هیچ وجه در برخورداری ملل مذکور از حق دادخواهی و شکایت که به موجب سایر اسناد بین‌المللی یا از طرف سازمان ملل متحد و سازمان‌های تخصصی به آنان اعطاء گردیده است محدودیتی ایجاد نخواهد کرد.

۲ - الف - کمیته متشکل طبق بند ۱ مادهٔ ۸ قرارداد حاضر رونوشت شکایات واصل از ارگان‌های سازمان ملل متحد را که مشغول به مسائلی می‌باشد که با اصول و هدفهای قرارداد ارتباط مستقیم دارد دریافت خواهد داشت و دربارهٔ شکایات رسیده از سکنه اراضی تحت قیمومت و یا غیر خود مختار و یا به طور کلی از سایر سرزمین‌های مشمول قطعنامه شمارهٔ ۱۵۱۴ (دورهٔ پانزدهم) مجمع عمومی که با مسائل منظور در قرارداد حاضر ارتباط دارد و ارگان‌های مذکور راجع به آن اقدام و رسیدگی می‌نمایند. اظهار عقیده کرده و راجع به موضوع آن شکایات توصیه‌هائی به عمل خواهد آورد.

ب - کمیته رونوشت گزارش‌های ارگان‌های صالحه سازمان ملل متحد را در زمینه اقدامات قانون‌گذاری و قضائی و اداری یا هر اقدام دیگری که مستقیماً به اصول و هدف‌های این قرارداد مربوط می‌شود و توسط قوای اجرائی سر زمین‌های مذکوره در جزء (الف) این بند معمول گردیده است دریافت خواهد داشت و عقاید و پیشنهادهای خود را به اطلاع ارگان‌های مزبور خواهد رسانید.

۳ - گزارش کمیته به مجمع عمومی حاوی خلاصه عرایض و گزارش‌های رسیده از ارگان‌های ملل متحد بوده و همچنین عقاید و توصیه‌های کمیته در خصوص عرایض و گزارش‌های مذکور خواهد بود.

۴ - کمیته از دبیرکل سازمان ملل تقاضا می‌کند که کلیه اطلاعات مربوطه به هدف‌های این قرارداد و همچنین هر گونه اطلاعاتی که راجع به سرزمین‌های مذکوره در بند ۲ (الف) این ماده در اختیار دارد به کمیته ارسال دارد.

مادهٔ ۱۶:

مقررات قرارداد حاضر در مورد تدابیری که بایستی برای حل اختلافات و رسیدگی به شکایات اتخاذ شود. بدون خلل به سایر طرق حل اختلاف و رسیدگی به شکایات راجع به موضوع تبعیضات که در اسناد اساسی سازمان ملل و یا اسناد مربوط به تأسیس مؤسسات تخصصی آن و یا در قراردادهای مصوبه سازمان ملل متحد در نظر گرفته شده، اجراء می‌شود و مقررات مذکور مانع از آن نخواهد بود که دول عاقد به سایر طرق حل اختلاف طبق موافقت‌نامه‌های بین‌المللی عمومی و یا خصوصی که بین آنان منعقد و مجری است توسل جویند.

بخش سوم

مادهٔ ۱۷:

۱ - قرارداد حاضر برای امضای هر دولتی که عضو سازمان ملل متحد یا یکی از مؤسسات تخصصی آن بوده یا هر دولتی که اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری را امضاء کرده باشد و همچنین هر دولتی که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای عضویت در قرارداد حاضر دعوت شود. مفتوح خواهد بود.

۲ - قرارداد حاضر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب آن به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

مادهٔ ۱۸:

۱ - قرارداد حاضر برای الحاق هر یک از دول مذکور در بند ۱ مادهٔ ۱۷ مفتوح خواهد بود.

۲ - الحاق با تسلیم سند الحاق به دبیر کل ملل متحد انجام می‌گیرد.

مادهٔ ۱۹:

۱ - قرارداد حاضر سی روز پس از تاریخ تسلیم بیست‌وهفتمین سند تصویب و یا الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد لازم‌الاجراء خواهد شد.

۲ - قرارداد حاضر برای دولی که آن را تصویب کنند و یا پس از تسلیم بیست و هفتمین سند تصویب یا الحاق بدان ملحق شوند سی روز پس از تاریخی که سند تصویب یا سند الحاق خود را به دبیر کل ملل متحد تسلیم نمایند لازم‌الاجرا خواهد بود.

مادهٔ ۲۰:

۱ - دبیر کل سازمان ملل متحد متن قیود و شروطی را که احتمالاً دول در موقع تصویب این قرارداد یا الحاق به آن قائل شوند دریافت داشته و به کلیه دول عاقد یا دولی که ممکن است به قرارداد ملحق شوند کتباً اطلاع خواهد داد. هر دولتی که به شرایط مذکور معترض باشد ظرف نود روز پس از تاریخ اطلاعیه مذکور به دبیر کل اطلاع خواهد داد شرط مورد بحث را نمی‌پذیرد.

۲ - به قید و شروطی که با موضوع و هدف قرارداد حاضر غیر قابل جمع است و همچنین شروطی که اثر آن فلج ساختن فعالیت یکی از ارگان‌های مخلوق قرارداد حاضر باشد مجاز نخواهد بود و شروطی دارای وصف فوق تلقی می‌گردد که مورد اعتراض حداقل دو سوم دول عاقد قرارداد واقع شود.

۳ - قیود و شروط قائله را می‌توان هر موقع به اطلاع کتبی به دبیر کل مسترد داشت اطلاعیه مذکور از تاریخ وصول نافذ و معتبر خواهد بود.

مادهٔ ۲۱:

هر یک از دول عاقد می‌تواند این قرارداد را با اطلاع کتبی به دبیر کل ملل متحد فسخ کند.

فسخ قرارداد یک‌سال پس از تاریخ وصول اعلامیه مذکور به دبیر کل نافذ خواهد بود.

مادهٔ ۲۲:

اختلافات بین دو یا چند دولت عاقد راجع به تفسیر و یا اجرای قرارداد حاضر که از طریق مذاکره یا از طریق دیگر مصرح در این قرارداد حل و فصل نشود بنا به درخواست هر یک از طرفین اختلاف به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد تا راجع به آن رأی دهد مشروط بر اینکه طرفین اختلاف در مورد راه حل دیگری توافق نکرده باشند.

مادهٔ ۲۳:

۱ - هر یک از دول عاقد می‌تواند هر موقع کتباً از دبیر کل ملل متحد تقاضای تجدید نظر در قرارداد حاضر را بنماید.

۲ - مجمع عمومی سازمان ملل متحد دربارهٔ اقداماتی که باید عنداللزوم در مورد چنین تقاضائی اتخاذ گردد، تصمیم خواهد گرفت.

مادهٔ ۲۴:

دبیر کل سازمان ملل متحد جزئیات ذیل را به اطلاع کلیه دول مذکوره در بند ۱ مادهٔ ۱۷ قرارداد حاضر خواهد رسانید:

الف - امضاء و تصویب و یا الحاق به قرارداد طبق مواد ۱۷ و ۱۸.

ب - تاریخ اجرای قرارداد حاضر طبق مادهٔ ۱۹.

ج - اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌ها و مکاتبات واصله طبق مواد ۱۴ و ۲۰ و ۲۳.

د - موارد فسخ طبق مادهٔ ۲۱.

مادهٔ ۲۵:

۱ - قرارداد حاضر که متون انگلیسی و چینی و اسپانیائی و فرانسه و روسی آن دارای اعتبار یکسان می‌باشد در بایگانی سازمان ملل متحد ضبط خواهد شد.

۲ - دبیر کل ملل متحد نسخه‌های مصدق این قرارداد را برای کلیه دولی که به یکی از طبقات مذکوره در بند ۱ مادهٔ ۱۷ تعلق داشته باشد ارسال خواهد داشت.

قرارداد فوق مشتمل بر یک مقدمه و بیست‌وپنج ماده منضم به قانون مربوط به قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی است.

رئیس مجلس شورای ملی

۱۰:

اعلامیه حقوق بشر و شهروند (فرانسه)...

حقوق بشر و شهروند
مصوب ۲۶ اوت ۱۷۸۹ مجلس مؤسسان فرانسه[۱]

دیباچه

نمایندگان ملت فرانسه که در مجمع ملی فراهم آمدند، با توجه به اینکه بی‌اطلاعی از حقوق بشر و اهمال ورزیدن در مورد آن، یا حقیر انگاشتن آن تنها علت تیره‌روزیهای عمومی و فساد حکومتها می‌باشد، بر آن شدند تا ضمن اعلامیه‌ای رسمی حقوق طبیعی و لایزال و مقدس بشر را عرضه دارند تا دائماً نصب‌العین همه افراد هیئت اجتماع قرار گیرد و حقوق و تکالیف آنان را پیوسته یادآوری کند.
نیز به این منظور که اعمال قوه مقننه و قوه مجریه که هر دم می‌توان آنها را با هدف کلیه سازمانهای سیاسی سنجید بیشتر مراعات گردد، نیزبه این منظورکه اعتراضات مردم کشور که از این پس برمبنای اصول ساده و بی‌چون و چرا مبتنی خواهد بود پیوسته متوجه حفظ قانون اساسی و ناظر به نیکبختی همه باشد.
در نتیجه، مجمع ملی، در پیشگاه الهی و با تأییدات ایزد متعال، با اعتراف به مقام والای حقوق بشر و مردم کشور به شرح زیر آن را اعلام می‌دارد:

۱ ـ بشر آزاد زاییده می‌شود و آزاد زیست می‌کند و از حیث حقوق با یکدیگر برابراست، برتریهای اجتماعی جز برپایهٔ سودمندیی عام استوار نمی‌باشد.

---

۱ ـ نقل ازکتاب: حقوق بشر. اسدالله مبشری ص ۷۴ ـ ۷۰

۲ ـ هدف کلیه جمعیتهای سیاسی حفظ حقوق طبیعی و لایـزال و تملك‌نـاپذیر بشـر می‌باشد و آن عبارت است از آزادی، مالکیت، امنیت، مقاومت در مقابل ستم .

۳ ـ اصل هر حاکمیت، اساساً در ملت وجود دارد، هیچ هیئت و هیچ فرد نمی‌تواند قدرتی را بکاربردکه صریحاً از ملت ناشی نشده باشد.

۴ ـ آزادی عبارتست از توانائی انجام دادن هرکاری که به دیگران زیان نرساند.

بنابراین، اجرای حقوق طبیعی هیچیک از افراد دارای حدومرزی نیست مگر حدودی که استفاده از همان حقوق را برای سایر اعضای جامعه تضمین کرده باشد. این حدومرز را فقط قانون می‌تواند تضمین کند.

۵ ـ قانون حق ندارد از هیچ عملی جلوگیری کند مگر از اعمالی که برای جامعه زیان بخش باشد. از اجرای هیچ امری که قانون آنرا منع نکرده باشد نمیتوان جلوگیری کرد و هیچکس را نمی‌توان به ارتکاب عملی که قانون به آن امر نکرده باشد مجبور ساخت.

۶ ـ قانون عبارت است از بیان اراده عموم. همه مردم کشور حق دارند شخصاً یا بوسیله نمایندگان خود در تدوین قانون همکاری کنند.

قانون خواه پشتیبانی کند خواه کیفر دهد، باید برای همه یکسان باشد. چون همه مردم کشور از نظر قانون یکسانند، باین جهت، همه حسب استعداد خود بدون هیچ‌گونه امتیاز دیگر، جز امتیاز تقوی و استعداد می‌توانند بکلیه امتیازات و مقامات و مشاغل دولتی دست یابند.

۷ ـ هیچکس را نمی‌توان متهم کرد یا بازداشت نمود یا زندانی ساخت مگر در مواردی که قانون معیین کرده و به طریقی که قانون مقررداشته باشد. هر کس بنا به اراده شخصی اجرای امری را از دیگری بخواهد یا دیگری رابه انجام دادن امری برانگیزد یا امری را اجراکند یا دیگری را وادار به اجرای امری کند مجازات می‌شود.

اما هر فرد ملت که به موجب قانون احضاریا توقیف شود باید فوراً اطاعت کند و در صورت مقاومت، مجازات خواهد شد .

۸ ـ قانون جز مجازاتهائی راکه دقیقاً و مسلماً ضروری باشد نباید وضع کند. هیچکس رانمی‌توان مجازات کرد مگر به موجب قانونی که قبل از وقوع جرم وضع شده و انتشار یافته و حسب قانون به مرحله اجرا درآمده باشد.

۹ ـ هرکس بیگناه محسوب می‌شود مگر کسی که تقصیر او به ثبوت برسد. بنابراین اگر بازداشت کسی ضروری تشخیص داده شود برای تضمین سلامت شخص او باید از هرگونه فشار به او که ضروری نباشد جداً از طرف قانون جلوگیری شود.

۱۰ ـ هیچکس نباید از بابت عقاید خود حتی عقاید دینی مورد تعرض قرار گیرد بشرط آنکه تظاهرات او، نظم عمومی راکه قانون برقرار کرده است مختل نسازد.

۱۱ ـ آزادی آگاهی از افکار و عقاید، از گرانبهاترین حقوق بشراست. بنابراین، هر یک از افراد کشور

می‌توانند هرچه می‌خواهند آزادانه بگویند، بنویسند، بچاپ برسانند، مگر در مواردی که قانون تعیین کرده باشد. در آن صورت تجاوز از آزادی مزبور مستلزم مسئولیت خواهد بود.

۱۲ ـ تضمین حقوق بشر و اهالی کشور، وجود قوای عمومی را ایجاب می‌کند، بنابراین قوای مزبور برای استفاده عموم مردم سازمان می‌یابد نه برای فایده اختصاصی کسانی که آن قوا به آنان سپرده می‌شود.

۱۳ ـ برای نگاهداری قوای عمومی و برای هزینه‌های اداری ناچار باید همه مردم سهمیه‌ای بپردازند، نیز باید سهمیه مزبور بین همه افراد کشور به نسبت قدرت مالی آنان توزیع شود.

۱۴ ـ افراد کشور حق دارند شخصاً یا بوسیله نمایندگان خود ضرورت مالیاتی راکه وضع شده است تحقیق کنند و آزادانه آنرا بررسی نمایند و حصه و وصول و مبنا و مدت آنرا معلوم نمایند.

۱۵ ـ جامعه حق دارد که از هر یک از ذیحسابان عمومی حساب اداره او را استفسار کند.

۱۶ ـ جامعه‌ای که در آن تضمین حقوق تأمین نگردیده و تفکیک قوا معلوم نشده باشد دارای هیچگونه سازمان بنیادی نیست.

۱۷ ـ نظربا‌ینکه مالکیت حقی است نقض ناشدنی و مقدس بنابراین هیچکس را نمی‌توان از آن محروم ساخت مگر وقتی که ضرورت اجتماع که قانوناً مورد امعان‌نظر قرارگرفته باشد بطور مسلم مقتضی آن باشد و به شرط آنکه غرامت عادلانه ومقدم رعایت شود.

۱۱:

کنوانسیون بین‌المللی منع و مجـــازات جنـــایت آپارتاید...

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید[1] مصوب ۱۳۶۳/۱۱/۴

ماده واحده ـ کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید مورخ نهم‌آذر ۱۳۵۲ (سی‌ام نوامبر ۱۹۷۳) مشتمل بر یک مقدمه و ۱۹ ماده به شرح به پیوست تصویب و اجازه تسلیم سند الحاق آن به دولت داده می‌شود.

کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید مصوب سی‌ام نوامبر ۱۹۷۳

کشورهای طرف این کنوانسیون:

با یادآوری مفاد منشور ملل متحد که طی آن تعهد نموده‌اند با همکاری سازمان ملل متحد اقدام مشترک و مجزائی جهت کسب احترام جهانی و رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همهٔ افرادبدون هیچگونه تمایزی از لحاظ نژاد جنسیت، زبان، و یا مذهب بعمل آورند.

با در نظر گرفتن اعلامیه جهانی حقوق بشر که طی آن اعلام شده که تمام افراد بشر آزاد بدنیا آمده‌اند و از نظر شأن و حقوق برابر می‌باشند و هرکسی بدون هیچگونه تمایزی از هر نظر منجمله نژاد، رنگ و ریشه و ملیت، محق برخورداری از کلیه حقوق و آزادیهای مقرر در اعلامیه می‌باشد.

۱ ـ روزنامه رسمی ۱۱۶۵۵ ـ ۱۳۶۲/۱۲/۵

با در نظرگرفتن اعلامیه مربوط به اعطای استقلال به کشورها و ملل تحت استعمار، که طی آن مجمع عمومی اعلام داشته است که جریان آزادی،جریانی مقاومت‌ناپذیر و تغییرناپذیر بوده و در جهت شأن انسانی و پیشرفت و عدالت، باید به استعمار و کلیه روشهای جدائی نژادی و تبعیضهای مربوط به آن خاتمه داده شود.

با ملحوظ داشتن به کنوانسیون بین‌المللی در مورد از میان بردن کلیه اشکال تبعیض کشورهای عضو به ویژه جدائی نژادی و آپارتاید را محکوم و جهت جلوگیری، منع و ریشه‌کن نمودن کلیه رویه‌هائی که دارای چنین ماهیتی می‌باشند در سرزمینهای تحت حاکمیت خود، اقدام می‌نمایند.

با ملحوظ داشتن به کنوانسیون جلوگیری و مجازات جنایت کشتار دسته‌جمعی اعمال بخصوصی که احتمالاً مانند اعمال آپارتاید تلقی گردند طبق حقوق بین‌المللی یک جنایت محسوب می‌شود.

با ملحوظ داشتن کنوانسیون مربوط به غیرقابل اجراء بودن محدودیتهای قانونی در مورد جنایت جنگی و جنایت بر علیه بشریت، اعمال غیرانسانی ناشی از سیاست آپارتاید به عنوان جنایت علیه بشریت به شمار می‌آیند.

با ملحوظ داشتن اینکه، مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌های متعددی تصویب نموده که طی آنها سیاستها و رویه‌های آپارتاید به عنوان جنایت علیه بشریت محکوم گردیده است.

با ملحوظ داشتن اینکه، شورای امنیت تأکید نموده است که آپارتاید و توسعه و تشدید مداوم آن صلح و امنیت بین المللی را مختل نموده ودر معرض تهدید قرار می‌دهد.

با اعتقاد به اینکه کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید، انجام اقدامات مؤثرتری را در سطوح بین‌المللی و ملی، به منظور منع و مجازات جنایت آپارتاید امکان پذیر می‌سازد. مراتب زیر را مورد موافقت قرار می‌دهند:

مادهٔ ۱ :

۱ ـ کشورهای طرف این کنوانسیون اعلام می‌دارند که آپارتاید جنایتی بر علیه بشریت بوده و اعمال غیرانسانی که ناشی از سیاستها و رویه‌های آپارتاید و نیز سیاستها و روشهای مشابه جدائی نژادی و تبعیض به ترتیبی که درماده ۲ این کنوانسیون تعریف شده است، می‌باشند که اصول و حقوق بین‌المللی و بخصوص مقاصد و اصول منشور ملل متحد را نقض می‌کنند و نیز تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی بشمار می‌آیند.

۲ ـ کشورهای طرف این کنوانسیون، سازمانها، مؤسسات و افرادی که مرتکب جنایت آپارتاید گردیدند مجرم اعلام می‌دارند.

مادهٔ ۲ :

از نظر این کنوانسیون واژه "جنایت آپارتاید" که سیاستها و رویه‌های مشابه جدائی نژادی و تبعیض نژادی راکه در آفریقای جنوبی اعمال می‌گردد ، شامل می‌شود، به دیگر اعمال غیرانسانی که به منظور ایجاد

و برقراری سلطه یک گروه نژادی بر گروه نژادی دیگر انجام می‌گردد و به طور سیستماتیک آنان را مورد ظلم قرار می‌دهد نیز اطلاق می‌گردد.

الف ـ انکار حق حیات یا آزادی شخصی در مورد عضو یا اعضای یک گروه یا گروه‌های نژادی از طریق :

۱ ـ قتل عضو یا اعضاءیک گروه یا گروه‌های نژادی.

۲ ـ وارد آوردن صدمات شدید روحی و جسمی بر یک گروه یا گروههای نژادی بوسیله نقض آزادی و یا حیثیت آنها و یا شکنجه نمودن، یا انجام رفتار و یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی و ترذیلی در مورد آنها .

۳ ـ از طریق خودسرانه و حبس غیرقانونی اعضای گروه و یا گروههای نژادی .

ب ـ تحمیل تعمدی شرایط زندگی بریک گروه یا گروههای نژادی که غرض از آن نابودی تمام یا قسمتی از گروه یا گزوههای مزبور باشد.

ج ـ هر گونه اقدامات قانونی ویا اقدامات دیگر که منظور از آنها بازداشتن گروه و یا گروههائی از مشارکت در زندگی سیاسی، اجتماعی اقتصادی و فرهنگی کشور ایجاد تعمدی شرایطی جهت جلوگیری از توسعه یک چنین گروه یا گروههائی بخصوص با محروم کردن اعضای یک گروه و یا گروههای نژادی از حقوق بشر و آزادی‌های شامل: حق کار، حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری مجاز، حق تحصیل، حق ترک و بازگشت به وطن، حق داشتن ملیت، حق آزادبودن در رفت وآمد با اقامت، حق آزادی عقیده و بیان، حق آزادی تشکیل مجمع و یا انجمن مسالمت‌آمیز.

د ـ هرگونه اقدام در جمله اقدامات قانونی که منظور از آنها تقسیم جمعیت براساس مرزهای نژادی از طریق ایجاد جایگاهها و محله‌های جداگانه برای اعضای گروه یا گروهای نژادی، تحریم ازدواج‌های مختلط در بین اعضای گروههای نژادی مختلف، سلب مالکیت ارضی از اعضای یک گروه یا گروههای نژادی باشد.

هـ ـ استثمار از نیروی کار اعضای گروههای نژادی بخصوص با تکلیف نمودن کار اجباری به آنان.

و ـ تعقیب و آزار سازمانها و اشخاصی که مخالف آپارتاید باشند از طریق محروم نمودن آنان از حقوق و آزادیهای سیاسی.

مادهٔ ۳ :

مسئولیت جزائی بین‌المللی، صرفنظر از انگیزه در مورد افراد و یا اعضای سازمانها، و مؤسسات و نمایندگان دولت اعم از اینکه در کشوری که این اقدامات انجام گردیده و یا در کشور دیگری اقامت دارند، طبق شرایط ذیل به اجراگذارده می‌شود:

الف ـ ارتکاب شرکت در تحریک مستقیم و یا مواضعه در انجام اعمال ذکر شده در ماده ۲ این کنوانسیون.

ب ـ همدستی مستقیم، تشویق و یا همکاری در ارتکاب جنایت آپارتاید.

مادهٔ ۴ :

کشورهای طرف قرارداداین کنوانسیون تعهد می‌نمایند:

الف ـ تدابیر قانونی ویا تدابیر ضروری به منظور منع و همچنین جلوگیری از هرگونه تشویق جنایت آپارتایدو یا سیاستهای مشابه جدائی نژادی طلبی و یا مظاهر آن تصویب نمایند، اشخاصی را که مرتکب این جنایت گردیده‌اند مجازات نمایند.

تصویب تدابیر قانونی، قضائی و اجرائی برای تعقیب، محاکمه و مجازات افراد مسئول و یا متهم به اعمالی که در ماده ۲ این کنوانسیون تعریف گردیده است بر طبق صلاحیت خود، خواه این افراد در قلمرو کشوری که در آنجا این اعمال را مرتکب گردیده‌اند سکنی داشته باشند یا اتباع آن دولت و یا دولت دیگری بوده و یا فاقد تابعیت باشند.

مادهٔ ۵ :

افراد متهم به ارتکاب اعمالی که در ماده ۲ این کنوانسیون بیان، گردیده است ممکن است توسط دادگاه ذیصلاح هر کشور طرف این کنوانسیون که در مورد شخص متهم دارای صلاحیت قضائی دولت، محاکمه و یاتوسط دیوان کیفری بین‌المللی از سوی آن کشورهای طرف که صلاحیت آن را پذیرفته‌اند محاکمه شوند.

مادهٔ ٦ :

کشورهای طرف این کنوانسیون تعهد می‌نمایند که تصمیمات اتخاذ شده توسط شورای امنیت را که هدفش جلوگیری، منع و مجازات جنایت آپارتاید است طبق منشور سازمان ملل متحد قبول و اجرانمایند و در اجرای تصمیمات اتخاذ شده توسط دیگر ارگانهای ذیصلاح سازمان ملل به منظور نیل به مقاصد این کنوانسیون، همکاری نمایند.

مادهٔ ۷ :

۱ ـ کشورهای طرف این کنوانسیون تعهد می‌نمایند که گزارشهای ادواری در مورد تدابیر قانونی، قضائی، اجرائی و یا تدبیر دیگری که تصویب نموده‌اند به گروهی که بر طبق ماده ۹ این کنوانسیون تشکیل شده است تصویب نمایند و مقررات این کنوانسیون را به مورد اجرا گذارند.

۲ ـ نسخی از این گزارشها توسط دبیرکل سازمان ملل متحد به کمیته ویژه آپارتاید ارسال خواهدشد.

مادهٔ ۸ :

هر کشور طرف این کنوانسیون می‌تواند از هر رکن ذیصلاح سازمان ملل درخواست نماید، به منظور جلوگیری و منع جنایت آپارتاید بر طبق منشور ملل متحد هر اقدامی را که مقتضی می‌داند بعمل آورد.

مادهٔ ۹ :

۱ ـ رئیس کمیسیون حقوق بشر باید گروهی متشکل از ۳ عضو کمیسیون حقوق بشری که در ضمن از نمایندگان کشورهای طرف این کنوانسیون نیز بشمار می‌آیند، تعیین خواهد نمود تاکلیه گزارش‌هائی را که کشورهای طرف این کنوانسیون بر طبق ماده ۷ ارائه می‌نمایند مورد رسیدگی قرار می‌دهند.

۲ ـ اگر در بین اعضای کمیسیون حقوق بشر نمایندگانی از کشورهای طرف این کنوانسیون وجود نداشته باشد و یا اگر تعداد این نمایندگان کمتر از سه نفر باشد، در آن صورت دبیرکل سازمان ملل بعد از مشورت با کلیه کشورهای طرف این کنوانسیون، نماینده و یا نمایندگانی از کشورهای طرف این کنوانسیون که از اعضای کمیسیون حقوق بشر هستند تعیین خواهد کرد تا در کار گروهی که بر طبق بند یک این ماده تشکیل شده است شرکت نمایند تا آن هنگام که نمایندگان کشورهای طرف این کنوانسیون به عضویت کمیسیون حقوق بشر انتخاب شدند.

۳ ـ این گروه می‌تواند قبل از شروع یا بعد ازپایان جلسه کمیسیون حقوق بشر در طی مدتی که بیش از ۵ روز نخواهد بودتشکیل جلسه دهد تا کلیه گزارشهای ارائه شده طبق ماده ۷ را بررسی نماید.

مادهٔ ۱۰ :

۱ ـ کشورهای طرف قرارداد این کنوانسیون به کمیسیون حقوق بشر این اختیار را می‌دهند که:

الف ـ از ارگانهای سازمان ملل درخواست نماید، در هنگام ارسال نسخ دادخواستها طبق ماده ۱۵ کنوانسیون بین‌المللی در مورد ریشه‌کن کردن کلیه اشکال نژادپرستی توجه آن را به شکایات مربوط به اعمالی که در ماده ۶ این کنوانسیون ذکر گردیده است، نیز جلب نمایند.

ب ـ این کنوانسیون، تهیه فهرستی از افراد سازمانها، مؤسسات و نمایندگان دولتها، که ادعاشده است مسئول جنایت عنوان شده در ماده ۲ این کنوانسیون می‌باشند و همچنین آنهائی که توسط کشورهای طرف این کنوانسیون اقدامات قضائی در مورد آنها بعمل آمده است و بر اساس گزارشهای ارکان ذیصلاح ملل متحده گزارشهای ادواری ارائه شده توسط کشورهای طرف این کنوانسیون.

ج ـ درخواست اطلاعات از ارکان ذیصلاح سازمان ملل در مورد اقدامات اتخاذ شده توسط مقامات مسئول اداره سرزمینهای تحت قیمومیت وزیر خودمختار و کلیه سرزمینهای دیگری که قطعنامه شماره ۱۵۱۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد شامل آنان می‌گردد و درباره آن افرادی که ادعا شده است مسئول جنایتهای مذکور در ماده ۲ کنوانسیون بوده و به نظر می‌رسد که تحت صلاحیت اداری و سرزمینی آن می‌باشند.

۲ ـ تا زمان نیل به مقاصد اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و مردم تحت استعمار، مندرج در قطعنامه ۱۵۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل مقررات این کنوانسیون، به هیچ وجه حق تسلیم دادخواست که توسط دیگر اسناد بین‌المللی و یا سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی آن اعطا گردیده است، محدود نخواهد کرد.

مادهٔ ۱۱ :

۱ ـ اعمالی که در ماده ۲ این کنوانسیون ذکر گردیده است نباید از لحاظ استرداد مجرمین جرم سیاسی تلقی گردد.

۲ ـ کشورهای طرف این کنوانسیون تعهد می‌نمایند که در چنین مواردی طبق قوانین خود و معاهدات

معتبر، اجازه استرداد مجرمین رابدهند.

مادهٔ ۱۲ :

اختلافات بین کشورهای طرف قرارداد این کنوانسیون در مورد تفسیر موارد اجرا و اجرای این کنوانسیون از طریق مذاکره نیز حل‌وفصل نشده باشد باید براساس درخواست کشورهای طرف اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع گرددبغیر از مواردی که طرفین این اختلاف درمورد حل‌وفصل اختلاف به نحوه دیگری توافق کرده باشند.

مادهٔ ۱۳ :

این کنوانسیون برای امضا توسط کشورها مفتوح می‌باشد، هر کشوری که این کنوانسیون را قبل از به اجرا درآمدن امضاء نکند، می‌تواند بعداً به آن ملحق شود.

مادهٔ ۱۴ :

۱ ـ کنوانسیون حاضر موکول به تصویب می‌باشد.

اسناد تصویب نزد دبیرکل سازمان ملل تودیع خواهد شد.

۲ ـ الحاق به کنوانسیون از طریق توابع اسناد الحاق نزد دبیرکل ملل متحد صورت خواهد گرفت.

مادهٔ ۱۵ :

۱ ـ کنوانسون حاضر سی‌روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل، نافذ خواهد بود.

۲ ـ در مورد هر کشوری که کنوانسیون حاضر را پس از تودیع بیست سند تصویب یا الحاق، مورد تصویب قرارداده و یا به کنوانسیون ملحق شده، این کنوانسیون به روز پس از تاریخی که دولت مزبور سند تصویب یا الحاق خود را تودیع کرده است، قابلیت اجراء خواهد داشت.

مادهٔ ۱۶ :

کشور عضو ممکن است طی تذکاریه کتبی به دبیرکل ملل متحد، کناره‌گیری خود را ازکنوانسیون اعلام نماید این کناره‌گیری یک سال بعد از تاریخ دریافت اخطاریه توسط دبیرکل سازمان ملل به اجراء درخواهد آمد.

مادهٔ ۱۷ :

۱ ـ هرگونه درخواست به منظور اصلاح این کنوانسیون می‌تواند در هر زمان توسط هرکشور عضو، طی تذکاریه کتبی خطاب به دبیرکل سازمان ملل، صورت گیرد.

۲ ـ اگر قرار باشد اقداماتی در مورد یک چنین تقاضایی صورت گیرد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد آنها اتخاذ تصمیم خواهد نمود.

مادهٔ ۱۸ :

دبیرکل سازمان ملل باید موارد ویژه ذیل را به اطلاع کشورهای عضو برساند:

۱ ـ امضاءتصویب، الحاق طبق مواد ۱۳و۱۴
۲ ـ تاریخ به اجراءدرآمدن کنوانسیون طبق ماده ۱۵
۳ ـ کناره‌گیری طبق ماده ۱۶
۴ ـ تذکاریه طبق ماده ۱۷

مادهٔ ۱۹ :

۱ ـ کنوانسیون حاضر که متنهای چینی، انگلیسی، فرانسه، روس، اسپانیولی آن بطور یکسان معتبر می‌باشد، در بایگانی‌های سازمان ملل متحد توديع خواهد شد.

۲ ـ دبیرکل سازمان ملل فسخ گواهی شده این کنوانسیون را به تمام کشورها ارسال خواهد داشت.

۱۲:

کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش ...

قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش[1]
مصوب ۱۳٦٦/۷/۷ مجلس شورای اسلامی وتأیید ۱۳٦٦/۷/۱۵ شورای نگهبان

ماده واحده ـ کنوانسیون بین‌المللی ضد آپارتاید در ورزش مشتمل بر یک مقدمه و ۲۲ ماده بشرح پیوست تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می‌شود.

کنوانسیون بین المللی علیه آپارتاید در ورزش
مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۵ نیویورک
کشورهای عضو کنوانسیون حاضر

بایادآوری مفاد منشور سازمان ملل متحد، که طی آن کلیه اعضاء تعهد نموده‌اند باهمکاری سازمان ملل اقدامات مشترک و مجزائی را جهت کسب احترام جهانی و رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان صرفنظر از نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب معمول دارند.

با در نظر گرفتن آنکه "اعلامیه جهانی حقوق بشر" اعلام می‌دارد که کلیه افراد بشر آزاد بدنیا آمده و از لحاظ حیثیت انسانی و حقوق برابر می‌باشند و حق برخورداری از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه را بدون هیچگونه تمایز، بویژه در رابطه با نژاد، رنگ، یا مبداء ملیت، دارند.

با توجه به اینکه طبق "کنوانسیون بین‌المللی امحاء هرگونه تبعیض نژادی" کشورهای عضو آن کنوانسیون بویژه هرگونه جدائی نژادی و آپارتاید را محکوم نموده و متعهد به جلوگیری، ممانعت و

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۲۴۳۳ ـ ۱۳۶۶/۸/۱۱

ریشه‌کن کردن هرگونه فعالیتی ازاین قبیل در همه زمینه‌ها گردیده‌اند.

با توجه به اینکه مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌های متعددی در رابطه با محکوم کردن عمل آپارتایددر ورزش صادر نموده و مراتب حمایت بی‌قیدوشرط خود را از اصل المپیک که هیچگونه تبعیضی در زمینه نژاد، مذهب یا وابستگیهای سیاسی را مجاز ندانسته و صرفاً شایستگی و لیاقت را برای شرکت در فعالیتهای ورزشی معیار قرار می‌دهد، با قاطعیت بیان نموده است.

با در نظر گرفتن آنکه "اعلامیه جهانی علیه آپارتاید در ورزش" که در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۷، توسط مجمع عمومی به تصویب رسید، بطور جدی امحاء فوری آپارتاید در ورزش را مورد تأیید قرار داده است.

با یادآوری مقررات "کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید و بویژه با اذعان به اینکه شرکت در مبادلات ورزشی با تیمهائی که بر مبنای آپارتاید انتخاب شده‌اند، مستقیماً موجب تقویت و تشویق ارتکاب جنایت آپارتاید، به نحوی که درکنوانسیون مزبور تصریح شده است می‌گردد.

با عزم به انجام هرگونه اقدام ضروری در جهت ریشه‌کن نمودن رویه آپارتاید در ورزش، و افزایش تماسهای بین‌المللی ورزشی براساس اصل المپیک.

با اذعان به اینکه برقراری تماسهای ورزشی با هر کشوری که آپارتاید را در ورزش بکار می‌برد، به منزله نادیده گرفتن و تحکیم آپارتاید ضمن تخطی از اصل المپیک می‌باشد و بدین جهت موجبات نگرانی به حق کشورهای دیگر را فراهم می‌آورد.

با تمایل به اجرای اصول مذکور در "اعلامیه جهانی علیه آپارتاید در ورزش" و تضمین اتخاذ سریع اقدامات عملی بدین منظور.

مجاب به اینکه تصویب یک "کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش" منجر به اعمال اقدامات موثرتری در سطوح بین‌المللی و ملی به منظور امحاء آپارتاید در ورزش خواهد شد، نسبت به موارد زیر موافقت نمودند:

مادهٔ ۱ :

از لحاظ کنوانسیون حاضر:

الف ـ اصطلاح "آپارتاید " اطلاق می‌شود به یک سیستم سازمان یافته جدائی و تبعیض نژادی، به منظور ایجاد و حفظ تسلط یک گروه نژای از اشخاص بر گروه نژادی دیگر از اشخاص و ظلم مداوم در حق آنان، به گونه‌ای که در آفریقای جنوبی اعمال می‌شود، و "آپارتاید در ورزش" یعنی بکارگیری سیاستها و رویه‌های مربوط به چنین سیستمی در فعالیتهای ورزشی، خواه بر مبنای حرفه‌ای یا حرفه‌ای بصورت آماتوری ترتیب یافته باشد.

ب ـ اصطلاح "تسهیلات ورزشی ملی" یعنی بهره‌برداری از هرگونه تسهیلات ورزشی در چهارچوب یک برنامه ورزشی که تحت نظر یک دولت ملی اداره می‌گردد.

ج ـ اصطلاح "اصل المپیک" یعنی اصلی که به موجب آن هیچگونه تبعیضی به سبب نژاد، مذهب یا

وابستگیهای سیاسی مجاز نمی‌باشد.

د ـ اصطلاح "قراردادهای ورزشی" اطلاق می‌شود به هر قراردادی که به منظور سازمان دادن، پیشبرد و اجرای هرگونه فعالیت ورزشی یا حقوق مربوط به آن از جمله ارائه خدمات منعقد می‌گردد.

هـ ـ اصطلاح "ارگانهای ورزشی" یعنی هر تشکیلاتی که بمنظور سازمان دادن فعالیتهای ورزشی در سطح ملی ایجاد شده باشد، منجمله کمیته‌های ملی المپیک، فدراسیونهای ملی ورزشی یا کمیته‌های ملی مدیریت ورزشی.

و ـ اصطلاح "تیم" اطلاق می‌شود به گروهی از ورزشکاران که با هدف شرکت در فعالیتهای ورزشی برای انجام مسابقه با گروههای سازمان یافته دیگر از همین قبیل تشکیل شده باشد.

ز ـ اصطلاح "ورزشکاران" یعنی مردان و زنانی که در فعالیتهای ورزشی بصورت انفرادی یا تیمی شرکت می‌جویندو نیز مدیران، مربیان،تمرین دهندگان و سایر مقاماتی که اقداماتشان برای عملکرد یک تیم ضروری است.

مادهٔ ۲ :

کشورهای عضو، شدیداً آپارتاید را محکوم می‌نمایند و متعهد می‌شوند که فوراً به طرق مناسب، سیاست امحاء رویه آپارتاید را از ورزش در تمام اشکال آن دنبال نمایند.

مادهٔ ۳ :

کشورهای عضو اجازه نخواهند داد که تماسهای ورزشی با کشوری که آپارتاید را اعمال می‌کند برقرار گردد و اقدامات مناسب را برای حصول اطمینان از اینکه چنین تماسهائی توسط ارگانهای ورزشی، تیم‌ها و ورزشکاران انفرادی این کشورها بعمل نیاید، بکار خواهند برد.

مادهٔ ۴ :

کشورهای عضو کلیه اقدامات ممکن را برای جلوگیری از برقراری تماسهای ورزشی با کشوری که آپارتاید را اعمال می‌کند بکار بسته و مراقبت خواهند نمود که وسائل مؤثر تحقق چنین اقداماتی موجود باشد.

مادهٔ ۵ :

کشورهای عضو از دادن هرگونه کمک مالی یا کمکهای دیگر که ارگانهای ورزشی، تیم‌ها یا افراد ورزشکار را به شرکت در فعالیتهای ورزشی در کشوری که در آن آپارتاید اعمال می‌شود، یا با تیم‌ها یا افراد ورزشکاری که برمبنای آپارتاید انتخاب شده‌اند قادر سازد، خودداری خواهند نمود.

مادهٔ ٦ :

هرکشور عضو اقدامات مقتضی را علیه ارگانهای ورزشی، تیمها و افراد ورزشکاری که در فعالیتهای ورزشی کشوری که آپارتاید را اعمال می‌کند، یا با تیم‌هائی که نماینده کشورهائی هستند که در آنها آپارتاید اعمال می‌شود، شرکت می‌جویند، بکار خواهد بست که به ویژه شامل اقدامات زیر خواهد بود:

الف ـ مخالفت با دادن کمک مالی یا کمکهای دیگر به هر منظور به چنین ارگانهای ورزشی، تیم‌ها یا افراد ورزشکار.

ب ـ محدود کردن امکان استفاده این ارگانهای ورزشی، تیم‌ها یا افراد ورزشکار از تسهیلات ورزشی ملی

ج ـ عدم تنفیذ کلیه قرارادهای ورزشی مربوط به فعالیتهای ورزشی در کشوری که آپارتاید را اعمال می‌کند یا با تیم‌ها یا افراد ورزشکاری که بر مبنای آپارتاید انتخاب شده‌اند.

د ـ امتناع از اعطاء و همچنین پس گرفتن نشانها و جوایز ملی ورزشی متعلق به اینگونه تیم‌ها یا افراد ورزشکار

هـ عدم برگزاری مراسم رسمی به افتخار اینگونه تیمها یا افراد ورزشکار

مادۀ ۷:

کشورهای عضو از دادن روادید و یا اجازه ورود به نمایندگان ارگانهای ورزشی، تیم‌ها و افراد ورزشکار کشوری که آپارتاید را اعمال می‌کند، خودداری خواهند کرد.

مادۀ ۸:

کشورهای عضو کلیه اقدامات مقتضی را جهت تضمین اخراج کشوری که آپارتاید را اعمال می‌کند، از ارگانهای ورزشی بین‌المللی و منطقه‌ای بکار خواهند برد.

مادۀ ۹:

کشورهای عضو کلیه اقدامات مناسب را جهت جلوگیری از تحمیل مجازاتهای مالی یا غیره توسط ارگانهای ورزشی بین‌المللی بر ارگانهای وابسته‌ای که طبق قطعنامه‌های سازمان ملل یا مفاد کنوانسیون حاضر، یا روح اصل المپیک از شرکت در بازیهای ورزشی با کشوری که اعمال کننده آپارتاید است خودداری می‌کنند، بکار خواهند بست.

مادۀ ۱۰:

۱ ـ کشورهای عضو نهایت هم خود را در راه تحقق رعایت جهانی اصل المپیک مبنی بر عدم تبعیض و مفاد کنوانسیون حاضر، بکار خواهند برد.

۲ ـ بدین منظور، کشورهای عضو از ورود ورزشکارانی که که به صورت اعضای تیم یا به طور انفرادی در مسابقات ورزشی افریقای جنوبی شرکت می‌کنند، یا قبلاً شرکت جسته‌اند و همچنین از ورود نمایندگان ارگانهای ورزشی، اعضای تیمها و افراد ورزشکاری که راساً از ارگانهای وررزشی، تیم‌ها و ورزشکارانی دعوت به عمل می‌آورند که رسماً به عنوان نماینده کشوری که اعمال کننده آپارتاید است عمل می‌نمایند وتحت پرچم آن کشور در مسابقات شرکت می‌کنند به کشور خود ممانعت بعمل خواهند آورد. کشورهای عضو همچنین می‌توانند از ورود نمایندگان ارگانهای ورزشی، ورزشکاران بصورت اعضای تیم یا بطور انفرادی که با ارگانهای ورزشی، تیم‌ها و ورزشکارانی که به نمایندگی یک کشور اعمال کننده آپارتاید و زیر

پرچم آن کشور در بازیها شرکت می‌کنند، تماسهای ورزشی خود را حفظ نموده‌اند، جلوگیری به عمل آورند. ممنوعیت ورود، نباید ناقض مقررات فدراسیونهای ورزشی مربوطه که از امحاء آپارتاید در ورزش جانبداری می‌کنند باشد و تنها در مورد شرکت در فعالیتهای ورزشی اعمال خواهد گردید.

۳ ـ کشورهای عضو به نمایندگان ملی خود در فدراسیونهای بین‌المللی ورزشی توصیه خواهند کرد که کلیه اقدامات عملی و ممکن را برای جلوگیری از شرکت ارگانهای ورزشی، تیم‌ها و ورزشکاران موضوع بند ۲ فوق، در مسابقات ورزشی بین‌المللی معمول دارند و از طریق نمایندگان خود در سازمانهای بین‌المللی ورزشی، تمام اقدامات ممکن را بعمل خواهند آورد تا:

الف ـ اخراج آفریقای جنوبی از کلیه فدراسیونهائی که هنوز در آنها عضویت دارد بطور حتم عملی گردد و همچنین از برقراری مجدد عضویت این کشور در هر یک از فدراسیونهایی که از آنها اخراج شده ممانعت بعمل آید.

ب ـ در مواردی که فدراسیونهای ملی مبادلات ورزشی با یک کشور اعمال کننده آپارتاید را بدیده اغماض می‌نگرند، این فدراسیونها را مورد تحریم قرار داده و در صورت لزوم آنها را از سازمان بین‌المللی ورزشی مربوطه اخراج و نمایندگانشان را از شرکت در مسابقات بین‌المللی ورزشی محروم سازند.

۴ ـ در موارد نقض آشکار مفاد کنوانسیون حاضر، کشورهای عضو هرگونه اقدامی راکه مناسب بدانند، از جمله در موارد لزوم اقدام برای اخراج ارگانهای مسئول مدیریت ورزش ملی، فدراسیونهای ملی ورزشی یا ورزشکاران کشورهای مربوطه، از مسابقات بین‌المللی ورزشی معمول خواهند نمود.

۵ ـ مفاد ماده حاضر که بطور خاص مربوط به آفریقای جنوبی است، در صورت الغاء نظام آپارتاید در آن کشور، دیگر اعمال نخواهد شد.

مادهٔ ۱۱ :

۱ ـ کمیسیونی علیه «آپارتاید در ورزش» (که از این پس بنام «کمیسیون» خوانده می‌شود) مرکب از ۱۵ عضو از افراد پای‌بند به اصول اخلاقی و متعهد به مبارزه علیه آپارتاید، دایر خواهد گردید. این عده با بذل توجه خاص به اینکه در اداره امور ورزشی مجرب باشند، توسط کشورهای عضو از میان اتباع خود این کشورها با در نظر گرفتن عادلانه‌ترین نحوه توزیع جغرافیائی و نمایندگی سیستم‌ها حقوقی اصلی، انتخاب خواهند شد.

۲ ـ اعضاء کمیسیون از میان فهرست اشخاصی که توسط کشورهای عضو نامزد شده‌اند، بارأی مخفی انتخاب می‌شوند. هر کشور عضو می‌تواند یک نفر را از میان اتباع خود نامزد کند.

۳ ـ انتخاب مقدماتی شش ماه پس از تاریخ لازم‌الاجراء شدن کنوانسیون حاضر برگزار خواهد شد. حداقل سه ماه قبل از تاریخ هر انتخابات، دبیر کل سازمان ملل متحد طی نامه‌ای بعنوان کشورهای عضو از آنها دعوت می‌کند که کاندیدای خود را ظرف مدت ۲ماه معرفی نمایند.

دبیرکل فهرستی از اسامی این کاندیداها را به ترتیب الفبا و با قید اسامی کشورهای عضوی که آنان را

نامزد کرده‌اند، تهیه نموده و آنرا به کشورهای عضو تسلیم می‌دارد.

۴ ـ انتخابات اعضاء کمیسیون در اجلاس کشورهای عضو که توسط دبیرکل در مقر سازمان ملل ترتیب می‌یابد، صورت خواهد گرفت. در این اجلاس که دو سوم کشورهای عضو حدنصاب را تشکیل می‌دهند، افرادی که برای عضویت کمیسیون انتخاب می‌شوند، کاندیداهائی خواهند بود که بیشترین آراء و اکثریت مطلق آراء نمایندگان حاضر و رأی‌دهنده کشورهای عضو را به خود اختصاص دهند.

۵ ـ اعضاء کمیسیون برای یک دوره چهارساله انتخاب می‌شوند. در هر حال دوره خدمت ۹ تن از اعضاء که در اولین انتخابات انتخاب شده‌اند در پایان دو سال خاتمه می‌یابد. بلافاصله پس از اولین انتخابات اسامی این ۹ نفر، توسط رئیس کمیسیون از طریق قرعه تعیین می‌شود.

۶ ـ به منظور جایگزینی پستهائی که بطور اتفاقی بلاتصدی می‌شوند، کشور عضوی که تبعه آن دیگر بعنوان عضو کمیسیون انجام وظیفه نمی‌کند، فرد دیگری از اتباع خود را منوط به موافقت کمیسیون تعیین خواهد نمود.

۷ ـ کشورهای عضو در مورد تأمین هزینه‌های اعضاء کمیسیون مادامیکه وظایف مربوط به کمیسیون را انجام می‌دهند مسوول خواهند بود.

مادهٔ ۱۲ :

۱ ـ کشورهای عضو متعهد می‌شوند که گزارشی را پیرامون اقدامات قانونی، قضائی، اداری یا غیره که برای انجام مفاد کنوانسیون حاضر اتخاذ نموده‌اند ظرف یک سال از لازم‌الاجراء شدن و پس از آن هر دوسال یکبار، جهت بررسی کمیسیون به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم نمایند. کمیسیون می‌تواند اطلاعات بیشتری را از کشورهای عضو درخواست نماید.

۲ ـ کمیسیون سالانه گزارشی را در خصوص فعالیتهای خود از طریق دبیرکل برای مجمع عمومی سازمان ملل ارسال خواهد داشت و می‌تواند براساس بررسی گزارشها و اطلاعات واصله از کشورهای عضو، پیشنهادات و توصیه‌های کلی ارائه دهد. این پیشنهادات و توصیه‌ها همراه با نظریات احتمالی کشورهای عضو ذینفع به مجمع عمومی گزارش خواهد شد.

۳ ـ کمیسیون بخصوص اجرای مفاد ماده ۱۰ کنوانسیون حاضر را مورد بررسی قرار خواهد داد و در مورد اقداماتی که باید انجام شود توصیه‌هائی بعمل خواهد آورد.

۴ ـ اجلاس با شرکت کشورهای عضو جهت بررسی اقدامات بیشتر در رابطه با اجرای مفاد ماده ۱۰ کنوانسیون حاضر توسط دبیرکل بنا به درخواست اکثریت این کشورها برپا خواهد شد. در موارد نقض آشکار مفاد کنوانسیون حاضر، بنابه درخواست کمیسیون اجلاسی با شرکت کشورهای عضو توسط دبیرکل تشکیل خواهد گردید.

مادهٔ ۱۳ :

۱ ـ هریک از کشورهای عضو می‌تواند در هر زمان اعلام نماید که کمیسیون را برای دریافت و بررسی

شکایاتی که در مورد نقض مفاد کنوانسیون حاضر از طرف کشورهای عضوی که آنها نیز چنین اعلامیه‌ای را تسلیم نموده‌اند، تسلیم می‌گردد ـ واجد صلاحیت می‌دانند.

کمیسیون می‌تواند نسبت به انجام اقدامات مقتضی در رابطه با موارد نقض اتخاذ تصمیم نماید.

۲ ـ کشورهای عضوی که طبق بند ۱ ماده حاضر علیه آنها شکایتی صورت گرفته، محق خواهند بود که توسط نماینده خود در جریان کار کمیسیون شرکت داشته باشند.

مادهٔ ۱۴ :

۱ ـ کمیسیون حداقل سالی یکبار جلسه خواهد داشت.

۲ ـ کمیسیون آئین‌نامه داخلی خود را تصویب خواهد کرد.

۳ ـ اعضاء دبیرخانه کمیسیون توسط دبیرکل سازمان ملل تأمین خواهند شد.

۴ ـ جلسات کمیسیون بطور معمول در مقر سازمان ملل برگزار خواهد گردید.

۵ ـ دبیرکل سازمان ملل اولین اجلاس کمیسیون را تشکیل خواهد داد.

مادهٔ ۱۵ :

دبیرکل سازمان ملل مرجع نگهدارنده کنوانسیون حاضر خواهد بود.

مادهٔ ۱۶ :

۱ ـ کنوانسیون حاضر تا زمان لازم‌الاجراء شدن، در مقر سازمان ملل برای امضاء کلیه کشورها، مفتوح خواهد بود.

۲ ـ کنوانسیون حاضر موکول به تصویب، پذیرش یا قبول از طرف کشورهای عضوی که آنرا امضاء کرده‌اند، خواهد بود.

مادهٔ ۱۷ :

کنوانسیون حاضر برای الحاق کلیه کشورها مفتوح خواهد بود.

مادهٔ ۱۸ :

۱ ـ کنوانسیون حاضر در سیزدهمین روز پس از تاریخ تودیع بیست و هفتمین سند تصویب، پذیرش، قبول یا الحاق، نزد دبیرکل سازمان ملل، لازم‌الاجراء خواهد گردید.

۲ ـ برای هر کشوری که پس از لازم‌الاجراء شدن کنوانسیون حاضر، آنرا مورد تصویب، پذیرش یا قبول قرارداده یا بدان ملحق شود، کنوانسیون در روز سی‌ام پس از تاریخ تودیع سند مربوطه لازم‌الاجراء خواهد گردید.

مادهٔ ۱۹ :

هر اختلاف ناشی از تفسیر، اعمال یا اجرای کنوانسیون حاضر بین کشورهای عضو که از طریق گفتگو حل و فصل نگردد، بنا به درخواست و با موافقت دوجانبه کشورهای عضو طرف دعوا، به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد، مگر آنکه کشورهای عضو طرف اختلاف بنحو دیگری توافق کرده

باشند.

مادهٔ ۲۰:

۱ ـ هریک از کشورهای عضو می‌توانند اصلاحیه یا تجدیدنظری را در مورد کنوانسیون حاضر پیشنهاد و آنرا نزد مرجع نگهدارنده تودیع نمایند.

پس از آن دبیرکل سازمان ملل اصلاحیه یا تجدیدنظر پیشنهادی را برای کشورهای عضو ارسال و درخواست می‌نماید که آنها نظر خود را در مورد آنکه آیا با تشکیل کنفرانسی از کشورهای عضو جهت بررسی و رأی‌گیری در مورد پیشنهاد مذکور موافق هستند یا خیر، به وی اعلام نمایند. درصورتیکه حداقل یک سوم کشورهای عضو باتشکیل چنین کنفرانسی موافقت نمایند، دبیرکل، کنفرانس مزبور را تحت نظارت سازمان ملل تشکیل خواهد داد. هر اصلاحیه یا تجدید نظری که توسط اکثریت کشورهای عضو حاضر و رأی دهنده در کنفرانس مورد قبول واقع گردد، جهت تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل تصویب خواهد شد.

۲ ـ اصلاحیه‌ها یا تجدیدنظرها پس از آنکه توسط مجمع عمومی به تصویب رسید و دوسوم اکثریت کشورهای عضو مطابق با روشهای قانون اساسی خود، آنرا قبول کردند، لازم‌الاجراء خواهد گردید.

۳ ـ وقتی که اصلاحیه‌ها یا تجدیدنظرها لازم‌الاجراء شد، کشورهای عضوی که آنها را پذیرفته‌اند، ملزم به اجرای آنها خواهند بود و حال آنکه در مورد کشورهای عضو دیگر کماکان مفاد کنوانسیون حاضر و هر اصلاحیه یا تجدیدنظر قبلی که پذیرفته‌اند لازم‌الاجراء خواهد بود.

مادهٔ ۲۱:

هرکشور عضو می‌تواند با ارسال اطلاعیه کتبی بعنوان مرجع نگهدارنده از کنوانسیون حاضر کناره‌گیری کند. این کناره‌گیری یکسال پس از تاریخ دریافت اطلاعیه، توسط مرجع نگهدارنده، عملی خواهد شد.

مادهٔ ۲۲:

کنوانسیون حاضر به زبانهای عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیائی، که کلیه این متون دارای اعتبار یکسان می‌باشند، منعقد شده است.

نیویورک ـ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۵

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و متن کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش در جلسه روز سه‌شنبه هفتم مهرماه یکهزارو سیصدو شصت و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۱۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی ـ اکبرهاشمی

۱۳:

موافقت‌نامه مصونیت‌هـا و مزایای سازمان کـنفرانس اسلامی...

موافقتنامه مصونیتها و مزایای سازمان کنفرانس اسلامی[1]
۱۵ مه ۱۹۷٦ میلادی . برابر با ۱۳۵۵/۳/۲۵

در خصوص مزایا و مصونیت‌های سازمان کنفرانس اسلامی مصوب هفتمین کنفرانس وزرای امورخارجه دولت‌های اسلامی که از تاریخ ۱۳ تا ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۹۶ هجری قمری (مطابق با ۱۹۷۶/۱۲/۱۵ میلادی) در استانبول تشکیل گردید.

نظر باینکه ماده (۸)۶ منشور سامان کنفرانس اسلامی مقرر می‌دارد با توجه به توافق حاصل در مورد مزایا و مصونیتهائی که توسط کنفرانس تصویب خواد گردید:

الف ـ کنفرانس بنمایندگی از دول عضو از اهلیت حقوقی، مزایا و مصونیتهائی که برای انجام وظایف و ایفای هدف‌های خود نیاز دارد برخوردار خواهد بود.

ب ـ نمایندگان دول عضو از مزایا و مصونیتهائی که برای اجرای وظایف خود نیاز دارند برخوردار خواهند گردید.

ج ـ کارمندان کنفرانس از مزایا و مصونیتهای لازم برای اجرای وظایف خود طبق نظر کنفرانس بهره‌مند خواهند شد.

علیهذا نظر به لزوم تعیین حدود و انواع مزایا و مصونیتهای مقرر در منشور و نیز تعیین هدفها و موارد اجرای آن به منظور تسهیل در فعالیت‌های سازمان، هفتمین کنفرانس وزیران امورخارجه دولت‌های اسلامی

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۹۷۷۵ ـ ۱۳۵۷/۴/۱۴

که از تاریخ ۱۳ تا ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۹۶ هجری قمری (مطابق با ۱۲ تا ۱۵ مه ۱۹۷۶) در استانبول تشکیل گردید کنوانسیون زیر را تصویب نمود:

فصل اول ـ شخصیت حقوقی

مادهٔ ۱ :

سازمان کنفرانس اسلامی در خصوص امور ذیل دارای شخصیت حقوقی خواهد بود و برای انجام اقدامات زیر اهلیت خواهد داشت:

الف ـ تحصیل و واگذاری اموال منقول و غیر منقول.

ب ـ انعقاد قرارداد.

ج ـ اقامه دعوی در محاکم قضائی.

فصل دوم - اموال و دارائی

مادهٔ ۲ :

سازمان کنفرانس اسلامی و اموال و دارائی آن در هر مکان و موقعیت از مصونیت قضائی برخوردار خواهد بود مگر آنکه دبیرکل سازمان صراحتاً از مصونیت صرفنظر نماید. مع‌الوصف تفاهم حاصل است که سلب مصونیت در مورد اقدامات اجرائی مجری نخواهد بود.

مادهٔ ۳ :

محلهای مسکونی سازمان کنفرانس اسلامی از تعرض مصون خواهد بود و اموال و دارائی آن در هر مقام از بازجوئی و ضبط و توقیف، سلب مالکیت یا هرنوع مداخله یا اقدام اجرائی مصونیت خواهد داشت.

مادهٔ ۴ :

آرشیوهای سازمان کنفرانس اسلامی و کلیه اسناد متعلق به سازمان یااسنادی که در اختیار سازمان قراردارد از تعرض مصون خواهد بود.

مادهٔ ۵ :

سازمان می‌تواند:

۱ ـ وجوهی بصورت مسکوک طلا یا هرنوع ارز دیگر نگهداری نماید و طبق قوانین و مقررات جاری دولتهای عضو با هرنوع ارز عملیات پولی انجام دهد.

۲ ـ وجوه خود را اعم از طلا یا ارز از کشوری به کشور دیگر یا در داخل یک کشور از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل نماید یا آنها را به هر ارزی که مایل است تبدیل کند.

معهذا سازمان نمی‌تواند برخلاف قوانین جاری در قلمرو یک دولت ارزی را که مورد محدودیت خاصی قرارگرفته بیش از میزانی که به قلمرو آن دولت وارد کرده است از آن خارج نماید.

مادهٔ ٦ :

سازمان مؤظف است در اجرای حقوقی که به موجب ماده فوق برای او شناخته شده بتوصیه‌ها و

پیشنهادهای دول عضو توجه کند مشروط برآنکه توصیه‌های مذکور مغایر با منافع و مصالح سازمان و دولتهای عضو نباشد.

مادهٔ ۷ :

سازمان کنفرانس اسلامی و اموال و دارائیهای منقول و غیرمنقول آن از معافیتهای زیر برخوردار خواهد بود:

الف ـ معافیت از مالیاتهای مستقیم بجز عوارضی که برای خدمات عمومی اخذ می‌گردد.

ب ـ معافیت از عوارض گمرکی، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های وارداتی و صادراتی نسبت به کالاهای مورد نیاز رسمی سازمان، کالاهائی که تحت این معافیتها به کشوری وارد می‌شود جز با موافقت دولت مربوطه در آن کشور قابل فروش نخواهد بود.

ج ـ معافیت از عوارض گمرکی و محدودیتها و ممنوعیتهای وارداتی و صادراتی نسبت به انتشارات سازمان .

فصل سوم ـ تسهیلات ارتباطی

مادهٔ ۸ :

سازمان کنفرانس اسلامی در قلمرو هر یک از دولتهای عضو از نظر ارتباطات رسمی خود حداقل از همان مزایا و تسهیلاتیکه یک دولت عضو نسبت به دولت دیگر منجمله نمایندگی سیاسی آن در مورد حق اولویت و استفاده از نرخهای ویژه و معافیتهای مالیاتی در مورد پست و تلگراف و پیامهای رادیوئی و تلفنی و سایر وسائل مخابراتی و نرخهای مطبوعاتی مربوط به پخش خبر از رادیو و درج در مطبوعات قائل می‌شود برخوردار خواهد بود.

مادهٔ ۹ :

سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند از علائم رمز استفاده نماید و مراسلات خود را ازطریق پیک یا کیسه دیپلماتیک انجام دهد در این صورت پیک و کیسه سازمان از مزایا و مصونیتهای پیک‌ها و کیسه‌های دیپلماتیک برخوردار خواهد بود.

فصل چهارم ـ نمایندگان دول عضو

مادهٔ ۱۰ :

نمایندگان دول عضو در ارگانها و کنفرانسهای اصلی و فرعی سازمان حین انجام وظایف رسمی و طی مدت مسافرت به محل تشکیل جلسه و مراجعت از آن، از مزایا و مصونیتهای زیر برخوردار خواهند گردید:

الف ـ مصونیت شخصی آنها از توقیف و بازداشت و مصونیت اثاثه آنها از ضبط و مصادره.

ب ـ مصونیت قضائی نسبت به اظهارات کتبی و شفاهی و اعمالی که در اجرای وظایف رسمی خود انجام می‌دهند.

ج ـ مصونیت از تعرض نسبت به کلیه اوراق و اسناد متعلق به آنها.

د ـ حق دریافت علائم رمز و دریافت اوراق و مکاتبات توسط پیک یا کیسه ممهور.

هـ ـ معافیت خود و همسران آنها از محدودیتهای مربوط به مهاجرت و ثبت‌نام اتباع بیگانه و خدمات ملی اجباری در کشوری که برای انجام وظایف از آن دیدار یا عبور می‌کنند.

و ـ تسهیلاتیکه برای نمایندگان دولتهای خارجی که دارای مأموریت موقت می‌باشند در مورد قوانین مربوط به ارز و مبادلات ارزی وجود دارد.

ز ـ مصونیت‌ها و تسهیلاتیکه در مورد اثاثه شخصی به فرستادگان سیاسی اعطاء می‌گردد.

ح ـ مصونیت‌ها و تسهیلات دیگر که به فرستادگان سیاسی اعطاء می‌گردد به شرط آنکه مغایر با مقررات فوق‌الذکر نباشد.

این مزایا شامل معافیت از حقوق و عوارض گمرکی نسبت به کالاهای وارده توسط افراد مذکور بجز وسائل شخصی آنها نخواهد بود.

مادهٔ ۱۱ :

نمایندگان دولتهای عضو در ارگانهای اصلی و فرعی سازمان کنفرانس اسلامی و در کنفرانسهائیکه توسط سازمان تشکیل می‌گردد نسبت به اظهارات شفاهی و کتبی خود در اجرای وظایفشان به عنوان نماینده دولت متبوع در ارگانهای سازمان کنفرانس اسلامی از مصونیت قضائی برخوردار خواهند بود و این مصونیت پس از اتمام دوره نمایندگی نیز شامل افراد مذکور خواهد گردید.

مادهٔ ۱۲ :

دوران اقامت نمایندگان هریک از دولتهای عضو در قلمرو سایر دولتهای عضو به منظور فعالیت در ارگانهای اصلی و فرعی سازمان یا در کنگره‌های سازمان کنفرانس اسلامی از نظر مقررات مالیاتی بعنوان دوره اقامت در یک کشور تلقی نخواهد شد.

مادهٔ ۱۳ :

مزایا و مصونیتهای اعطائی بنمایندگان دول عضو منحصراً به منظور تأمین استقلال در در انجام وظایف رسمی بوده و در جهت منافع شخصی آنها بکار نخواهد رفت.

علیهذا دولتهای عضو موظفند در مواردیکه مصونیت‌های مذکور به نمایندگان آنها مانع از اجرای عدالت گردد از نماینده خود سلب مصونیت نمایند مشروط براینکه سلب مصونیت لطمه‌ای به هدف منظور از اعطای آن وارد نیاورد.

مادهٔ ۱۴ :

مقررات مواد ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ بین نماینده و مقامات دولتی که نماینده تبعه آن است یا بنمایندگی آن دولت عمل می‌کند جز با موافقت دولت مربوطه مجری نخواهد بود.

مادهٔ ۱۵ :

اصطلاح «نماینده» در این فصل شامل عموم نمایندگان دول عضو و معاونان و مشاورین آنها و

کارشناسان و اعضای دبیرخانه نمایندگیها خواهد بود.

مادهٔ ۱۶ :

نمایندگان دائمی دولتهای عضو در دورانیکه بعنوان نماینده دولت متبوع خود در ارگانهای سازمان فعالیت می‌کنند از مزایا و مصونیتهای فرستادگان سیاسی برخوردار خواهند گردید.

مادهٔ ۱۷ :

اسامی نمایندگان دول عضو و نمایندگان دائم و اعضای کمیته‌های دائمی توسط دبیرکل باطلاع دولتهای عضو خواهد رسید.

فصل پنجم ـ کارمندان

مادهٔ ۱۸ :

کنفرانس اسلامی بنا به پیشنهاد دبیرکل، کارمندان و مأموران سازمان را که مشمول مقررات ماده ۱۹ و مواد فصل هفتم می‌باشند طبقه‌بندی خواهد کرد و دبیرکل هرچند یکبار فهرستی از اسامی کارمندان مذکور را همراه با ذکر وظایف هریک جهت دولتهای عضو ارسال خواهد نمود.

مادهٔ ۱۹ :

۱ ـ کارمندان دبیرخانه‌کل بدون توجه به تابعیتشان از مزایا و مصونیتهای زیر برخوردار خواهند گردید:

الف : مصونیت قضائی نسبت به اظهارات کتبی و شفاهی و کلیه اقداماتیکه در اجرای وظایف رسمی خود بعمل می‌آورند.

ب : معافیت از مالیات حقوق و فوق العاده‌ای که توسط سازمان به آنها پرداخت شده یا پرداخت خواهد شد.

ج : کارمندان سازمان باستثنای کارکنان تبعه دولت مقر دبیرخانه همچنین از مزایای زیر بهره‌مند می‌گردند:

۱ ـ معافیت از تضییقات مربوط به مهاجرت و تشریفات ثبت‌نام خارجیان نسبت به خود و همسر و افراد تحت تکفل آنها.

۲ ـ تسهیلات ارزی که برای فرستادگان سیاسی همرتبه آنها قائل می‌شوند.

۳ ـ تسهیلاتیکه در هنگام بروز بحران‌های بین‌المللی برای بازگشت فرستادگان سیاسی بمیهن وجود دارد.

۴ ـ معافیت از پرداخت عوارض گمرکی نسبت به مبلمان و لوازم شخصی ظرف یکسال از تاریخ احراز پست در کشور مورد نظر.

مادهٔ ۲۰ :

دبیرکل و معاونین او و سایر کارمندان عالیرتبه سازمان و همچنین همسر و فرزندان صغیرشان علاوه بر مزایا و مصونیتهای مذکور در دو ماده قبل از همان مزایا و مصونیتهائیکه طبق قوانین بین‌المللی بر هریک از

مأمورین سیاسی طبق مقامشان اعطا می‌شود برخوردار خواهند گردید.

مادهٔ ۲۱ :

مزایا و مصونیتهای ناشی از این موافقتنامه برای حفظ منافع سازمان و حسن اجرای وظایف کارمندان است و چنانچه دبیرکل سازمان احساس کند که در موارد خاصی مصونیت اعطائی مانع از اجرای عدالت می‌گردد و سلب آن لطمه‌ای به منافع سازمان وارد نخواهد کرد حق دارد و موظف است مصونیت کارمندان دبیرخانه کل راکه مشمول ماده قبل نمی گردد سلب نماید لیکن در مورد کارمندان مذکور در ماده فوق الذکر سلب مصونیت منوط به موافقت کنفرانس خواهد بود.

مادهٔ ۲۲ :

سازمان به منظور تسهیل در حسن اجرای عدالت و تأمین رعایت مقررات پلیس و جلوگیری از هرنوع سوء استفاده از مزایا و مصونیتهای مذکور در فصل حاضر در کلیه موارد بامقامات مربوطه دولتهای عضو همکاری خواهد نمود.

فصل ششم ـ کارشناسان

مادهٔ ۲۳ :

کارشناسانیکه از طرف سازمان به انجام مأموریتی منصوب می‌شوند (باستثنای کارمندان مشمول مقررات فصل پنجم) در اجرای قطعنامه‌ای که توسط کنفرانس اتخاذ خواهد شد از مزایا و مصونیتهای لازم برای اجرای وظایف خود بویژه مزایا و مصونیتهای زیر برخوردار خواهند گردید:

الف ـ شخص آنها از توقیف و بازداشت مصون خواهند بود و اثاثه شخصی آنها بجز در موارد استثنائی که از طرف دولت مربوطه با مشورت دبیر کل سازمان ملل تعیین می‌شود از ضبط و توقیف مصونیت خواهد داشت.

ب ـ مصونیت قضائی نسبت به اظهارات کتبی و شفاهی و اعمالیکه در اجرای وظایف رسمی خود بعمل می‌آورند. این مصونیت پس از خاتمه مأموریت همچنان محفوظ خواهد بود.

ج ـ مکاتبات و اسناد سازمان از تعرض مصون خواهد بود.

د ـ برخورداری از تسهیلات ارزی که نمایندگان دولتهای خارجی در مأموریت موقت طبق قوانین و مقررات جاری دولت مربوط از آن استفاده می‌کنند.

هـ ـ برخورداری از مصونیتها و مزایائی که در مورد اثاثه شخصی به مأموران سیاسی اعطا می‌گردد.

و ـ مصونیت شخص آنها و همسر و فرزندانشان از تضییقات مهاجرت و ثبت‌نام بیگانگان و الزامات مربوط بخدمات ملی.

مادهٔ ۲۴ :

مزایا و مصونیتهای اعطائی به کارشناسان برای حفظ منافع سازمان است و چنانچه دبیرکل احساس کند که در موارد خاصی مصونیت اعطائی مانع از اجرای عدالت می‌گرددو سلب آن لطمه‌ای به منافع سازمان

وارد نخواهد ساخت حق دارد و موظف است مصونیت کارشناس را سلب نماید.

فصل هفتم ـ برگ عبور

مادهٔ ۲۵:

دبیرخانه کل سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند برای کارمندان خود برگ عبور صادر نماید. این برگها توسط دولتهای عضو با رعایت مقررات دو ماده ذیل بعنوان اسناد معتبر مسافرت شناخته خواهد شد.

مادهٔ ۲٦:

برای دارندگان برگ عبور (لسه‌پاسه) بنابه تقاضای دبیرکل رویداد لازم صادر خواهد گردید و در آن قید خواهد شد که دارنده، کارمند دبیرخانه بوده و برای انجام مأموریت رسمی مسافرت می‌نماید.

مادهٔ ۲۷:

صدور روی‌داد برای افراد فوق‌الذکر در اسرع وقت ممکن صورت خواهد گرفت و تسهیلات دیگری نیز از نظر تسریع در امر مسافرت برای آنها منظور خواهد شد.

مادهٔ ۲۸:

تسهیلات مذکور در ماده ۲۷ درباره کارمندان و کارشناسانیکه فاقد برگ عبور از طرف سازمان باشند بعمل خواهد آمد لیکن بایستی واجد گواهینامه‌ای دال بر مسافرت رسمی آنها از طرف سازمان باشند.

فصل هشتم ـ حل اختلافات

مادهٔ ۲۹:

سازمان کنفرانس اسلامی به منظور حل و فصل مسائل زیر به تأسیس یک ارگان مبادرت خواهد نمود:

الف ـ اختلافات ناشی از قرارداد با سایر مسائل حقوق خصوصی که سازمان در آن طرفیت داشته باشد.

ب ـ اختلافات مربوط به کارمندان سازمان که به دلیل سمت رسمی از مصونیت برخوردارند و ازآنها سلب مصونیت نشده است.

مقررات نهائی:

مادهٔ ۳۰:

هیچیک از مقررات این موافقتنامه لطمه‌ای به اختیارات دول عضو برای اتخاذ تدابیر مقتضی در جهت حفظ تمامیت سرزمین خود و برقراری امنیت و نظم عمومی وارد نخواهد ساخت. دولتی که به اتخاذ اینگونه تدابیر مبادرت می‌نماید در اسرع وقت برای حصول توافق نسبت به اقدامات لازم جهت حفظ منافع سازمان با دبرخانه کل تماس حاصل خواهد نمود.

مادهٔ ۳۱:

مصونیت‌های صریح یا ضمنی ناشی از این موافقتنامه منحصراً ممصونیت اداری است و جنبه شخصی ندارد.

مادهٔ ۳۲:

دبیرکل کنوانسیون حاضر را برای الحاق جهت دولت‌های عضو خواهد فرستاد.

مادهٔ ۳۳:

این کنوانسیون برای هر دولت عضو از تاریخ سپردن سند الحاق نزد دبیرکل لازم‌الاجراء خواهد گردید و دبیرکل کلیه دولت‌های عضو را از سپردن سند الحاق توسط هر دولت مطلع خواهد نمود.

مادهٔ ۳۴:

الحاق هردولت عضو به کنوانسیون حاضر به مفهوم آن است که کلیه تشریفات مربوط به تصویب موافقتنامه توسط آن دولت انجام یافته و موافقت‌نامه حاضر جزء لاینفک قوانین دولت مذکور گردیده است.

مادهٔ ۳۵:

این کنوانسیون برای هریک از دولتهای ملحق شونده مادام که آن دولت در عضویت سازمان باشد معتبر خواهد بود.

مادهٔ ۳٦:

سازمان کنفرانس اسلامی می‌تواند برای اجرای صحیح مقررات این کنوانسیون در قلمرو دولتهای عضو به انعقاد موافقتنامه‌های تکمیلی مبادرت نماید.

۱٤:

کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی منجمله مأمورین سیاسی ...

قانون مربوط به کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی منجمله مأمورین سیاسی[1] مصوب ۱۳۵۷/۲/۲۶

ماده واحده ـ کنوانسیون راجع به جلوگیری از ارتکاب جرائم علیه اشخاص موردحمایت بین‌المللی منجمله مأمورین سیاسی مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ مشتمل بر یک مقدمه و ۲۰ ماده تصویب و اجازه تسلیم سند الحاق آن داده می‌شود.

کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی منجمله مأمورین دیپلماتیک مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳

کشورهای طرف کنوانسیون حاضر:

با توجه به مقاصد و اصول مندرج در منشور ملل متحد درباره حفظ صلح بین‌المللی و اعتلای مناسبات دوستانه و همکاری بین کشورها.

نظر به اینکه جرائم علیه مأمورین دیپلماتیک و سایر اشخاص مورد حمایت بین‌المللی در عین ایجاد مخاطره برای امنت این اشخاص، حفظ مناسبات معموله بین‌المللی را نیز که جهت همکاری بین کشورها ضروری است جداً تهدید می‌کند.

با اعتقاد به این که ارتکاب این قبیل جرائم نگرانی خطیری برای جامعه بین‌المللی ایجاد می‌نماید.

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۹۷۶۴ ـ ۱۳۵۷/۳/۳۱

با یقین به لزوم اتخاذ تدابیر مقتضی فوری و مؤثر جهت جلوگیری و مجازات این قبیل جرائم به شرح ذیل توافق نمودند:

مادهٔ ۱ :

از لحاظ کنوانسیون حاضر:

۱ ـ اصطلاح "شخص مورد حمایت بین‌المللی" به اشخاص ذیل اطلاق می‌گردد:

الف ـ رئیس کشور یا هریک از اعضای گروهی که حسب قوانین اساسی کشور مربوطه وظایف رئیس کشور را اعمال می‌نمایند و رئیس دولت یاوزیر امورخارجه هنگامیکه هر یک از این اشخاص در سرزمین یک کشور خارجی بسر می‌برند و همچنین اعضای خانواده او که همراه باشند.

ب ـ کلیه نمایندگان و کارمندان یا شخصیت‌های رسمی هرکشور یا هر کارمند و شخصیت رسمی یا مأمور دیگر یکی از سازمانهای بین‌المللی یا بین دول هنگام وقوع جرم علیه شخص او یا اماکن رسمی و محل سکنی شخصی و یا وسایل نقلیه او، حق دارد به موجب حقوق بین‌الملل از حمایت، مخصوص در مقابل ایراد لطمه به شخص و آزادی و حیثیت و اعضای خانواده خود که با او زندگی می‌کنند ـ برخوردار گردد.

۲ ـ اصطلاح "مظنون به ارتکاب جرم " به شخصی اطلاق می‌گردد که در مرحله ابتدائی دلایل کافی برای اثبات اینکه او یک یا تعدادی از جرائم مندرج در ماده ۲ را مرتکب شده یا در آن شرکت نموده خایه ای وجود داشته باشد.

مادهٔ ۲ :

۱ ـ ارتکاب به عمد :

الف ـ قتل و ربودن یا نوعی دیگر حمله علیه شخص یا آزادی شخص مورد حمایت بین‌المللی.

ب ـ حمله خشونت‌آمیز به اماکن رسمی و محل سکنی و یا وسیله نقلیه متعلق به شخص مورد حمایت بین‌المللی به نحوی که جان و یا آزادی او به مخاطره افتد.

ج ـ تهدید به اعمال این قبیل حملات.

د ـ شروع به ارتکاب این قبیل حملات.

هـ ـ مداخله در ارتکاب این قبیل حملات به عنوان شریک جرم .

در قوانین داخلی هر یک ازکشورهای طرف کنوانسیون جرم محسوب خواهد گردید.

۲ ـ هر یک ار کشورهای طرف کنوانسیون این جرائم را حسب میزان وخامت مشمول مجازاتهای مقتضی قرار خواهد داد.

۳ ـ مدلول بندهای ۱و۲ این ماده به هیچوجه به تعهداتی که کشورهای طرف کنوانسیون به موجب حقوق بین‌الملل برای اتخاذ تدابیر مقتضی جهت جلوگیری از وقوع حملات دیگر علیه شخص و آزادی و حیثیت شخص مورد حمایت بین‌المللی بعهده دارند خدشه‌ای وارد نمی‌سازد.

مادهٔ ۳:

۱ ـ هریک از کشورهای طرف کنوانسیون اقدامات مقتضی برای اعمال صلاحیت خود در مورد جرائم مندرج در ماده ۲ در موارد زیر معمول خواهد داشت:

الف ـ هنگامی که جرم در سرزمین آن کشور و یا در روی کشتی یا هواپیمای ثبت شده در قلمرو آن کشور واقع شود.

ب ـ هنگامی که مظنون به ارتکاب جرم تبعه آن کشور باشد.

ج ـ هنگامی که ارتکاب جرم علیه شخص مورد حمایت بین‌المللی موضوع ماده ۱ که وضع خود را به اعتبار انجام وظایف محول از طرف کشور مذکور تحصیل نموده است واقع گردد.

۲ ـ هر یک از کشورهای طرف کنوانسیون در مواردی که مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین آن کشور بسر می‌برد و طبق ماده ۸ به هیچیک از کشورهای مندرج دربند ۱ این ماده مسترد نمی‌گردد ـ اقدامات مقتضی برای اعمال صلاحیت خود در مورد آن جرائم معمول خواهد نمود.

۳ ـ کنوانسیون حاضر به صلاحیت جزائی که به موجب قانون داخلی اعمال می‌گردد خدشه‌ای وارد نمی‌سازد.

مادهٔ ۴:

کشورهای طرف کنوانسیون برای جلوگیری از وقوع جرائم مندرج در ماده ۲ منجمله از طرق مشروح زیر همکاری خواهند نمود:

الف ـ اتخاذ تدابیر ممکن در سرزمین خود برای جلوگیری از تهیه مقدمات جرمی که در نظر است در داخل یا خارج سرزمین او ارتکاب یابد.

ب ـ مبادله اطلاعات و هماهنگ کردن اقدامات مقتضی اداری و دیگر تدابیر برای جلوگیری از ارتکاب این جرائم.

مادهٔ ۵:

۱ ـ کشور طرف کنوانسیون که یکی از جرایم مندرج درماده ۲ در سرزمین او واقع شده هرگاه دلایلی در دست داشته باشدکه مظنون به ارتکاب جرم از سرزمین او گریخته است کلیه دلائل جرم و اطلاعات مربوط به هویت مظنون را به طور مستقیم و یا از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد به اطلاع سایر کشورهای ذیربط خواهد رسانید.

۲ ـ هرگاه یکی از جرائم مندرج درماده ۲ علیه شخص مورد حمایت بین‌المللی ارتکاب یابد ـ هریک از کشورهای طرف کنوانسیون که اطلاعاتی درباره مجنی علیه و یا کیفیت حدوث جرم دردست داردکوشش خواهد ... تا این اطلاعات را با رعایت شرایط مقرر در قانون داخلی خود هرچه زودتر و به نحو کامل در اختیار کشو... که مجنی علیه بنام آن کشور انجام وظیفه می‌نموده است قرار دهد.

مادهٔ ٦:

۱ ـ کشور طرف کنوانسیون که مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین او بسر می‌برد در صورتیکه اوضاع و احوال را مقتضی تشخیص دهد با رعایت قانون داخلی خود اقدامات لازم را جهت مراقبت مظنون به منظور تعقیب و یا استرداد او معمول خواهد نمود.

اقدامات مذکور فوق بیدرنگ به طور مستقیم و یا از طریق دبیرکل سازمان ملل به مقامات مشروح ذیل ابلاغ خواهد گردید:

الف ـ کشوری که جرم در قلمرو او واقع شده است.

ب ـ کشور یا کشورهائی که مظنون به ارتکاب جرم تابعیت آنرا دارد و یا در صورتیکه فاقد تابعیت باشد به کشوری که به طور دائم در سرزمین آن مقیم است.

ج ـ به کشور یا کشورهائی که شخص مورد حمایت بین‌المللی تابعیت آنرا داردو یا بنام آن انجام وظیفه میکرده است.

د ـ به سایر کشورهای ذینفع.

هـ ـ به سازمان بین‌المللی که شخص مورد حمایت بین‌المللی کارمند یا مأمور آن می‌باشد.

۲ ـ اشخاصی که مشمول تدابیر مندرج در بند ۱ این ماده واقع شوند حق دارند:

الف ـ بدون تأخیر با نزدیکترین نماینده صالح کشور متبوع خود یا کشوری که به نحو دیگر حافظ منافع اوست و یا در صورت فاقد بودن تابعیت به نماینده کشوری که حسب تقاضای مظنون حاضر شود حقوق اورا حمایت کند تماس حاصل نماید.

ب ـ از طرف نماینده کشور مذکور ملاقات شود.

مادهٔ ۷:

کشور طرف کنوانسیون که مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین او بسر می‌برد ـ درصورت عدم استرداد او موضوع را بدون استثناء و بدون تأخیر موجه برای تعقیب طبق قوانین داخلی خود ـ به مقامات ذیصلاح ارجاع خواهدنمود.

مادهٔ ۸:

۱ ـ جرائم مندرج در ماده ۲ که در معاهدات استرداد بین کشورهای طرف کنوانسیون در فهرست جرائم قابل استرداد ذکر نشده باشند ـ ذکر شده تلقی خواهند گردید. کشورهای طرف کنوانسیون متعهد می‌شوند در معاهدات استردادی که در آینده منعقد می‌نمایند این جرائم را در زمره جرائم قابل استرداد محسوب کنند.

۲ ـ هرگاه یکی از کشورهای طرف کنوانسیون ـ که استرداد را مشروط به وجود معاهده استرداد می‌داند ـ درخواستی برای استرداد از دولت دیگری که طرف کنوانسیون می‌باشد و با او معاهده استرداد ندارد دریافت نماید ـ می‌تواند درصورت تصمیم به استرداد کنوانسیون حاضر را مبنای حقوقی استرداد در

مورد این جرائم تلقی نماید. استرداد تابع مقررات آئین دادرسی و سایر شرایط قانون کشور متقاضی عنه خواهد بود.

۳ ـ کشورهای طرف کنوانسیون که استرداد را مشروط به وجود معاهده استرداد نمی‌کنند ـ این جرائم را جزء جرائم قابل استرداد بین خود محسوب خواهند داشت که تابع مقررات آئین دادرسی و سایر شرایط قانون کشور متقاضی عنه خواهد بود.

۴ ـ این جرائم از لحاظ استرداد بین کشورهای طرف کنوانسیون مانند آن تلقی می‌گردند که نه تنها در محل ارتکاب وقوع یافته ـ بلکه در سرزمین کشورهائی که بر طبق بند ۱ ماده ۳ ملزم به اعمال صلاحیت خود می‌باشند ـ نیز واقع شده‌اند.

مادهٔ ۹ :

هر شخصی که به استناد ماده ۲ کنوانسیون حاضر، تحت تعقیب قرار گیرد در کلیه مراحل رسیدگی و تعقیب از رفتار منصفانه برخوردار خواهد شد.

مادهٔ ۱۰ :

۱ ـ کشورهای طرف کنوانسیون در کلیه مراحل تعقیب کیفری جرائم مندرج در ماده ۲ حداکثر تعاون قضائی رااز جمله ارائه کلیه دلایل مثبته که در اختیار دارند ـ نسبت به یکدیگر مرعی خواهند داشت.

۲ ـ مقررات بند ۱ ماده حاضر به مفاد معاهدات تعاون قضائی دیگر خللی وارد نخواهدآورد.

مادهٔ ۱۱ :

کشوری که مظنون به ارتکاب جرم او تحت تعقیب است نتیجه قطعی تعقیب را به اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد خواهد رسانید و دبیرکل مراتب را به سایر کشورهای طرف کنوانسیون اطلاع خواهد داد.

مادهٔ ۱۲ :

مقررات کنوانسیون حاضر به اجرای معاهدات مربوط به پناهندگی که هنگام پذیرفته شدن کنوانسیون حاضر لازم‌الاجراء بوده در مورد کشور طرف معاهده خللی وارد نخواهد آورد. لیکن کشور طرف کنوانسیون حاضر نمی‌تواند درقبال کشور دیگری که طرف این کنوانسیون بوده ولی طرف معاهدات مزبور نباشد ـ به آن معاهدات استناد کند.

مادهٔ ۱۳ :

۱ ـ اختلافات بین دو یا چند کشور طرف کنوانسیون ـ ناشی از تفسیر یا اجرای کنوانسیون حاضر ـ که از طریق انجام مذاکرات حل‌وفصل نگردد ـ حسب تقاضای یکی از آنها به داوری ارجاع خواهد شد.
هرگاه شش‌ماه پس از تاریخ تقاضای ارجاع بداوری طرفها نسبت به ترتیب داوری توافق ننمایند ـ هریک از طرفهای مذکور می تواند با رعایت اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اختلاف را به دیوان ارجاع نماید.

۲ ـ هر یک از کشورهای طرف کنوانسیون می‌تواند ـ هنگام امضاء و یا تصویب کنوانسیون حاضر و یا الحاق بآن اعلام دارد که خود را از بابت مقررات بند ۱ این ماده متعهد نمی‌داند. سایر کشورهای طرف

کنوانسیون در قبال کشور طرف کنوانسیون که چنین قیدی کرده باشد ـ نسبت به بند یک این ماده متعهد نخواهند بود.

۳ ـ هر کشور طرف کنوانسیون که طبق بند ۲ این ماده قید کرده باشد می‌تواند در هر زمان آن قید را از طریق اعلام به دبیرکل سازمان ملل متحد مسترد نماید.

مادهٔ ۱۴ :

کنوانسیون حاضر برای امضاء کلیه کشورها تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۴ در مقرر سازمان ملل متحد در نیویورک مفتوح خواهد بود.

مادهٔ ۱۵ :

این کنوانسیون به تصویب مقامات قانونگذاری خواهد رسیدو اسناد تصویب به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

مادهٔ ۱۶ :

کنوانسیون حاضر برای الحاق کلیه کشورها مفتوح خواهد بود و اسناد الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

مادهٔ ۱۷ :

۱ ـ این کنوانسیون سی‌روز پس از سپرده شدن بیست و دومین سند تصویب و یا الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد ـ به مورد اجرا در خواهد آمد.

۲ ـ کنوانسیون حاضر نسبت به کشوری که بعد از سپرده شدن بیست و دومین سند تصویب و یا الحاق به کنوانسیون ملحق گردد ـ سی روز پس از تاریخ سپردن سند تصویب و یا الحاق خود لازم‌الاجراء خواهد گردید.

مادهٔ ۱۸ :

۱ ـ هر کشور طرف کنوانسیون ـ می‌تواند از طریق ارسال اعلامیه کتبی به دبیرکل سازمان ملل متحد کنوانسیون حاضر را فسخ نماید.

۲ ـ فسخ کنوانسیون شش‌ماه پس از وصول اعلامیه مزبور توسط دبیرکل سازمان ملل متحد مؤثر خواهد بود.

مادهٔ ۱۹ :

دبیرکل سازمان ملل متحد ـ مراتب زیر را به اطلاع کلیه کشورها خواهد رسانید:

الف ـ امضاء کنوانسیون و سپردن اسناد تصویب و یا الحاق طبق مواد ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و نیز وصول اعلامیه موضوع ماده ۱۸.

ب ـ تارخ لازم‌الاجراء شدن این کنوانسیون ـ طبق مدلول ماده ۱۷ .

مادهٔ ۲۰:

نسخه اصلی این کنوانسیون ـ که متون انگلیسی و چینی و اسپانیولی و فرانسه و روسی آن متساویاً معتبر می‌باشند ـ نزد دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد و مشارالیه رونوشتهای مصدقی از آن برای کلیه کشورها ارسال خواهد داشت.

بنا به مراتب ـ امضاء کنندگان زیر که از طرف دولتهای متبوع خود برای این امر مجاز می‌باشند. کنوانسیون حاضر را که در نیویورک از تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ برای امضاء مفتوح بوده امضا نمودند.

۱۵:

لایحه قانونی راجع به محمولات سیاسی و لوازم شخصی متعلق به نمایندگان سیاسی ایرانی و خارجی ...

لایحه قانونی راجع به محمولات سیاسی و لوازم شخصی متعلق به نمایندگان سیاسی ایرانی و خارجی[۱] مصوب ۲۸ خرداد ۱۳۵۹

ماده واحده: ۱ ـ محمولات سیاسی و لوازم شخصی متعلق به دیپلماتهای ایرانی و خارجی (نماینده سیاسی کلابه دارنده پاسپورت سیاسی اطلاق می‌شود) که به ایران وارد و یا از ایران خارج می‌شوند مشمول مقررات ایرانی و بین‌المللی مربوط به مصونیت دیپلماتیک بوده و ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی به هیچوجه حق بازکردن و بازدید محمولات و اجناس متعلق به نمایندگان سیاسی را بدون اجازه کتبی وزارت خارجه ندارند.

۲ ـ درصورتیکه مقامات گمرکی و یا سایر مقامات دولتی و نهادهای انقلابی نسبت به محموله‌های سیاسی و یا حجم فوق‌العاده و لوازم شخصی نماینده و یا نمایندگی سیاسی مظنون باشند موظفند مراتب را فوراً به وزارت امورخارجه اعلام و همزمان، محمولاتی را که مورد سوءظن واقع شده به نماینده وزارت خارجه که در ساختمان دولت در فرودگاه مستقر خواهد بود ارجاع دارند. و درصورت غیبت نماینده وزارت‌خارجه، محموله و یا اجناس مذکور را بلافاصله به وزارت امور خارجه ارسال دارند و یا وزارت خارجه بلافاصله نماینده‌ای گسیل دهد که زیر نظر نماینده وزارت‌خارجه در صورتیکه نماینده سیاسی ایرانی باشد و یا به اتفاق نماینده دولت مربوطه درصورتیکه نماینده سیاسی عضو کشور دیگری باشد مفتوح شده و مورد بررسی قرار گیرد.

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۰۳۱۵ ـ ۱۳۵۹/۵/۴

۳ ـ نمایندگان سیاسی می‌توانند بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی یکدستگاه اتومبیل شخصی خود را به ایران وارد و یا از ایران خارج نمایند.

تبصره ـ معافیت این بند شامل نمایندگان سیاسی ایران نخواهد بود[۱].

۴ ـ مأمورین گمرک و سایر مقامات دولتی و نهادهای انقلابی موظفند در نهایت ادب و متانت با نمایندگان سیاسی رفتار و کلیه تسهیلات لازم را در موارد مذکور در فوق در اسرع وقت فراهم آورند تا هیچگونه مشکلی برای ایاب و ذهاب نمایندگان سیاسی ایرانی و خارجی فراهم نشود.

۵ ـ متخلفین از اجرای مقررات فوق به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۶ ماه محکوم خواهند شد.

---

۱ ـ الحاقی مصوب ۱۳۶۳/۱۱/۲۸ مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۱۶۷۰ ـ ۱۳۶۳/۱۲/۲۵

۱۶:

قرارداد وین دربارهٔ روابط سیاسی ...

قانون مربوط به قرارداد وین درباره روابط سیاسی[۱]
مصوب ۱۳۴۳/۷/۲۱

مادهٔ واحده ـ قرارداد وین درباره روابط سیاسی که در تاریخ هیجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق با ۲۹ فروردین ۱۳۴۰ در شهر وین به امضای نماینده مختار دولت شاهنشاهی رسیده و مشتمل بر ۵۳ ماده و دو پروتکل می‌باشد تصویب و به دولت اجازه داده می‌شود اسناد تصویب آنرا مبادله نماید.

قرارداد وین درباره روابط سیاسی مصوب هیجدهم آوریل ۱۹۶۱

دول عاقد این قرارداد:

باتذکار این معنی که همه مردم کشورها از دیرباز قائل به نظامات خاصی درمورد نمایندگان سیاسی می‌باشند با معرفت به مقاصد و اصول منشور ملل متحد درباره تساوی مطلق دولتها و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و توسعه روابط دوستانه بین ملتها.

با اعتقاد به اینکه یک قرارداد بین‌المللی درباره روابط و مزایا و مصونیتهای نمایندگان سیاسی در بهبود مناسبات دوستانه بین کشورها هرچند طرز و اساس حکومت و اصول اجتماعی آنها تفاوتهائی با یکدیگر داشته باشند مؤثر خواهد بود.

با اذعان به اینکه منظور از مزایا و مصونیتهای مذکور در فوق منتفع ساختن افراد نیست و بلکه مراد تأمین حسن اجراء وظایف هیئتهای سیاسی به عنوان نمایندگان دولتها می‌باشد.

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۵۷۷۹ ـ ۱۳۴۳/۹/۲۸

با تأکید این نکته که در مورد مسائلیکه ضمن مقررات این قرارداد صریحاً تعیین تکلیف نشده است قواعد عرف و عادات حقوق بین‌الملل همچنان حاکم خواهد بود نسبت به موارد زیر توافق نمودند:

مادهٔ اول :

در این قرارداد معنی اصطلاحات زیر به شرحی خواهد بود که در پائین تصریح شده است:

الف ـ اصطلاح (رئیس مأموریت) یعنی شخصیکه از طرف کشور فرستنده مأمور انجام وظیفه در این سمت می‌شود.

ب ـ اصطلاح (اعضاء مأموریت) یعنی رئیس مأموریت و کارمندان مأموریت .

ج ـ اصطلاح (کارمندان مأموریت) یعنی (کارمندان سیاسی) (کارمندان اداری وفنی) و (خدمه مأموریت).

د ـ اصطلاح (مأمور سیاسی) یعنی آن دسته از کارمندان مأموریت که دارای سمت سیاسی (دیپلمات) می‌باشند.

هـ ـ اصطلاح (کارمندان سیاسی) یعنی رئیس مأموریت یا یکی از کارمندان سیاسی مأموریت.

و ـ اصطلاح (مأمور اداری و فنی) یعنی آن دسته از کازمندان مأموریت که به امور اداری وفنی مأموریت اشتغال دارند.

ز ـ اصطلاح (خدمه) یعنی آندسته از کارکنان مأموریت که به امور خانگی مأموریت اشتغال دارند.

ح ـ اصطلاح (خدمتکار شخصی) یعنی کسانیکه خادم یکی از اعضاء مأموریت بوده و مستخدم کشور فرستنده نمی‌باشند.

ط ـ اصطلاح (اماکن مأموریت) یعنی ابنیه و یا قسمتهائی از ابنیه و زمین متصل به آن که مالک آن هرکه باشد برای انجام مقاصد مأموریت از جمله برای محل اقامت رئیس مأموریت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مادهٔ دوم :

استقرار روابط سیاسی بین کشورها و اعزام هیأتهای سیاسی دائم با رضایت متقابل انجام می‌گیرد.

مادهٔ سوم :

۱ ـ وظایف یک مأموریت سیاسی بالاخص عبارت است از :

الف ـ نمایندگی کشور فرستنده نزد کشور پذیرنده.

ب ـ حفظ منافع کشور فرستنده و اتباع آن در کشور پذیرنده تا حدودی که در حقوق بین‌المللی مورد قبول است.

ج ـ مذاکره با حکومت کشور پذیرنده.

د ـ استحضار از اوضاع و سیر وقایع در کشور پذیرنده با استفاده از تمام وسائل مشروع و گزارش آن به حکومت کشور فرستنده.

هـ ـ بسط روابط دوستانه و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی و علمی بین کشور فرستنده و کشور

پذیرنده.

۲ ـ هیچیک از مقررات این قرارداد نباید طوری تفسیر شود که مانع از انجام وظایف کنونی بوسیله یک مأموریت سیاسی گردد.

مادهٔ چهارم :

۱ ـ کشور فرستنده باید اطمینان حاصل کند که برای شخص نامزد شده به عنوان رئیس مأموریت از طرف کشور پذیرنده پذیرش داده شده است.

۲ ـ کشور پذیرنده ملزم نیست به دلائل امتناع خود را از صدور پذیرش به اطلاع کشور فرستنده برساند.

مادهٔ پنجم :

۱ ـ کشور فرستنده می‌تواند پس از اعلام رسمی به کشورهای ذینفع یک رئیس مأموریت را برای نمایندگی خود نزد چندکشور و همچنین یکی از کارمندان سیاسی خود را جهت انجام وظایف مربوطه نزد کشورهای متعدد بگمارد مگر آنکه یکی از کشورها صریحاً با این امر مخالفت ورزد.

۲ ـ کشور فرستنده درصورتیکه نمایندگی خود را نزد یک یا چند کشور به یک رئیس مأموریت محول کند می‌تواند در هریک از کشورهائی که رئیس مأموریت در آنجا اقامت دائم ندارد یک مأموریت سیاسی زیر نظر یک کاردارموقت تأسیس نماید.

۳ ـ یک رئیس مأموریت یا یک کارمند سیاسی مأموریت می‌تواند عهده‌دار نمایندگی کشور فرستنده نزد هر سازمان بین‌المللی باشد.

مادهٔ ششم :

چند کشور می‌توانند در آن واحد یک نفر را بعنوان رئیس مأموریت نزد کشور دیگری تعیین نمایند مگر آنکه کشور پذیرنده مخالف این امر باشد.

مادهٔ هفتم :

۱ ـ کشور فرستنده با توجه به مقررات مواد ۵ و ۸ و ۹ و ۱۱ در انتخاب کارمندان مأموریت آزاد است. کشور پذیرنده می‌تواند نام وابسته‌های نظامی و دریائی یا هوائی را قبلاً برای تصویب بخواهد.

مادهٔ هشتم :

۱ ـ کارمندان سیاسی مأموریت علی‌الاصول تابعیت کشور فرستنده را خواهند داشت.

۲ ـ کارمندان سیاسی مأموریت را نمیتوان جز با رضایت کشور پذیرنده از میان اتباع آن کشور انتخاب کرد. کشور پذیرنده می‌تواند در هر موقع رضایت خود را پس بگیرد.

۳ ـ کشور پذیرنده می‌تواند همین حق را در مورد اتباع دولت ثالثی که تابعیت دولت فرستنده را ندارند برای خود حفظ کند.

مادهٔ نهم :

۱ ـ کشور پذیرنده می‌تواند هر آن و بی‌آنکه الزامی به توجیه تصمیم خود داشته باشد به کشور فرستنده

اطلاع دهد که رئیس یا هریک از اعضاء سیاسی مأموریت (شخص نامطلوب) است و یا آنکه هر کارمند دیگر مأموریت قابل قبول نیست در این صورت کشور فرستنده آن شخص را بر حسب مورد فراخواهد خواند و یا به خدمت وی در مأموریت پایان خواهد داد شخصی را می‌توان قبل از ورود به خاک کشور پذیرنده (نامطلوب) با (غیرقابل قبول) اعلام نمود.

۲ ـ اگر کشور فرستنده از انجام تعهدات ناشی از بند اول این ماده امتناع ورزد و یا این تعهدات را در ظرف مهلتی معقول انجام ندهد کشور پذیرنده می‌تواند از شناختن شخص مورد بحث به سمت عضو مأموریت خودداری کند.

مادهٔ دهم:

مراتب زیر به وزارت امورخارجه کشور پذیرنده یا به وزارتخانه دیگری که مقرر شده‌باشد اعلام خواهدگشت:

الف ـ انتصاب اعضاء مأموریت و ورود یا عزیمت قطعی و یا خاتمه مأموریت آنان.

ب ـ ورود و عزیمت قطعی شخصی که افراد خانواده یکی از اعضاء مأموریت است و در صورت لزوم اعلام اینکه شخصی در شمارافراد خانواده یکی از اعضاء مأموریت درآمده و یا از آن خارج شده‌است.

ج ـ ورود و عزیمت قطعی خدمتکاران شخصی که در خدمت اشخاص مورد نظر بند الف این ماده می‌باشند و در صورت لزوم اعلام اینکه این خدمتکاران خدمت اشخاص فوق‌الذکر راترک می‌نمایند.

د ـ استخدام اشخاص مقیم کشور پذیرنده به عنوان اعضاء مأموریت یا خدمتکاران شخصی که از مزایا و مصونیتها برخوردارند و برکناری آنها.

۲ ـ هر بار که ممکن باشد ورود و عزیمت قطعی اشخاص نیز باید قبلاً اعلام گردد.

مادهٔ یازدهم:

۱ ـ در صورت عدم توافق صریح نسبت به تعداد افراد مأموریت کشور پذیرنده می‌تواند خواستار شود که تعداد این افراد با توجه به مقتضیات و اوضاع کشور و با توجه به نیازمندیهای مأموریت از حدودی که خود معقول و متعارف تلقی می‌کند تجاوز ننماید.

۲ ـ کشور پذیرنده همچنین می‌تواند در همان حدود و بدون تبعیض از پذیرفتن نوع معینی از کارمندان خودداری نماید.

مادهٔ دوازدهم:

کشور فرستنده نباید قبل از تحصیل موافقت صریح و قبلی کشور پذیرنده در محلی غیر از محل‌استقرار مأموریت دفتر دیگری متعلق به مأموریت برقرارنماید.

مادهٔ سیزدهم:

تاریخ شروع و عهده‌دارشدن وظایف رئیس مأموریت در کشور پذیرنده از زمانی تلقی می‌گردد که استوارنامه خود را تقدیم می‌کند یا ورود خود را ضمن ارسال رونوشت استوارنامه به وزارت امورخارجه

کشور پذیرنده یا هر وزارتخانه دیگری که مقرراست با در نظر گرفتن رویه موجود در کشور پذیرنده که باید بنحو یکنواختی اعمال شود اعلام می‌نماید.

۲ ـ تقدیم ترتیب استوارنامه یا تسلیم رونوشت آن با توجه به تاریخ روز و ساعت ورود رئیس مأموریت تعیین می‌گردد.

مادهٔ چهاردهم :

۱ ـ رؤسای مأموریت به سه طبقه بشرح زیرتقسیم می‌شوند:

الف ـ سفیران کشورها و نمایندگان پاپ (نونس) که نزد رؤسای کشورها مأموریت می‌یابند و سایر رؤسای مأموریت که هم مقام آنان می‌باشند.

ب ـ فرستادگان و وزیران مختار کشورها و نمایندگان پاپ (انترنونس) که نزد رؤسای کشورها مأموریت می‌یابند.

ج ـ کاردارها که نزد وزرای امورخارجه مأموریت می‌یابند.

۲ ـ جز از نظر تقدم در حضور و تشریفات هیچگونه فرقی بین رؤسای مأموریتها از لحاظ طبقه وجود نخواهد داشت.

مادهٔ پانزدهم :

کشورها درباره طبقه رؤسای مأموریت خود با یکدیگر توافق خواهند کرد.

مادهٔ شانزدهم :

۱ ـ حق تقدم رؤسای مأموریت در هر طبقه بر حسب روز و ساعتی که وظایف خود را به موجب ماده ۱۳ آغاز می‌کنند خواهدبود.

۲ ـ تغییرات منظورشده در استوارنامه یک رئیس مأموریت تا آنجا که طبقه او را عوض نکند تأثیری در ترتیب تقدم او نخواهد داشت.

۳ ـ مفاد این ماده مخل رسومی که نسبت به حق تقدم نماینده پاپ مورد قبول کشور پذیرنده واقع شده یا در آینده خواهد شد نخواهدبود.

مادهٔ هفدهم :

رئیس مأموریت ترتیب تقدم کارمندان سیاسی مأموریت را به وزارت امورخارجه یا هر وزارتخانه دیگر که مقرراست اطلاع خواهد داد.

مادهٔ هیجدهم :

در هر کشوری تشریفات مربوط به پذیرفتن رؤسای مأموریت باید در مورد هر طبقه یکسان باشد.

مادهٔ نوزدهم :

۱ ـ هرگاه پست ریاست مأموریت بدون تصدی بوده و یا رئیس مأموریت قادر به انجام وظایف خود نباشدیک کاردار موقت به عنوان رئیس مأموریت موقتاً انجام وظیفه خواهد کرد . نام کاردار موقت بوسیله

رئیس مأموریت و درصوتیکه رئیس مأموریت معذورباشد از طرف وزارت امورخارجه کشور فرستنده به وزارت امورخارجه کشور پذیرنده یا به هر وزارتخانه دیگری که مقرراست اعلام خواهد گشت.

۲ ـ درصورتیکه هیچیک از کارمندان سیاسی مأموریت کشور پذیرنده حضور نداشته باشندیکی از کارمندان اداری و فنی می‌تواند از طرف کشور فرستنده با رضایت کشور پذیرنده امور جاری اداری مأموریت را عهده‌دار گردد.

مادهٔ بیستم :

مأموریت و رئیس آن حق دارد پرچم و علامت کشور فرستنده را در امکنه از جمله در محل اقامت رئیس مأموریت و بر روی وسائط نقلیه خود برافرازند.

مادهٔ بیست و یکم :

۱ ـ کشور پذیرنده باید در حدود قوانین خود موجبات تسهیل تملیك کشور فرستنده را در اماکن مورد احتیاج مأموریت در خاک کشور خود فراهم کند و یا در تحصیل این اماکن از طریق دیگر به کشور فرستنده یاری نماید.

۲ ـ کشور پذیرنده همچنین درصورت لزوم باید مأموریت را در تهیه مسکن مناسب برای کارمندان خود یاری نماید.

مادهٔ بیست و دوم :

۱ ـ اماکن مأموریت مصونیت دارند و مأمورین کشور پذیرنده جز با رضایت رئیس مأموریت حق ورد به این اماکن را نخواهند داشت.

۲ ـ کشور پذیرنده وظیفه خاص دارد کلیه تدابیر لازم را به منظور اینکه اماکن مأموریت مورد تجاوز و خسارت قرارنگرفته و آرامش و شئون آن متزلزل نگردد اتخاذ نماید.

۳ ـ اماکن مأموریت و اسباب و اثاث و اشیاء دیگر موجود در آن و همچنین وسائل نقلیه مأموریت مصون از تفتیش و مصادره و توقیف و یا اقدامات اجرائی خواهد داشت.

مادهٔ بیست و سوم :

۱ ـ کشور فرستنده و رئیس مأموریت بابت اماکن مأموریت که در مالکیت یااجاره خود دارداز پرداخت هرنوع مالیات و عوارض ملی منطقه‌ای یا شهری معاف خواهد بود مگر آنکه دریافت این مالیات‌ها یا عوارض در ازاء انجام خدمات خاص باشد.

۲ ـ درصورتیکه طبق قوانین کشور پذیرنده پرداخت این مالیاتها و عوارض به عهده شخصی باشد که با کشور فرستنده یا با رئیس مأموریت معامله می‌کند معافیت مالیاتی موضوع این ماده منتفی خواهند بود.

مادهٔ بیست و چهارم :

بایگانی و اسناد مأموریت در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون خواهد بود.

مادهٔ بیست و پنجم:

کشور پذیرنده کلیه تسهیلات لازم را برای انجام وظایف مأموریت فراهم خواهد نمود.

مادهٔ بیست و ششم:

کشور پذیرنده آزادی رفت و آمد و مسافرت تمام اعضای مأموریت را در قلمرو خود با رعایت قوانین و مقررات مربوط درباره مناطقی که ورود به آن از لحاظ امنیت ملی ممنوع بوده و یا تابع مقررات خاصی است تأمین می‌نماید.

مادهٔ بیست و هفتم:

۱ ـ کشور پذیرنده آزادی ارتباطات مأموریت را به منظورهای رسمی اجازه داده و حمایت خواهد نمود. مأموریت می‌تواند برای تماس با حکومت و سایر مأموریتها و کنسولگریهای کشور فرستنده در هرجا از تمام وسایل ارتباطی لازم از جمله پیک سیاسی و پیامهای (کد) و رمز استفاده نماید.
معهذا مأموریت نمی‌تواند جز با رضایت کشور پذیرنده دستگاه فرستنده رادیوئی نصب نموده و مورد استفاده قراردهد.

۲ ـ مکاتبات رسمی مأموریت مصون است. اصطلاح (مکاتبات رسمی) شامل تمام مکاتبات مربوط به مأموریت و انجام وظایف آن می‌باشد.

۳ ـ کیسه سیاسی نباید باز شده یا توقیف گردد.

۴ ـ بسته‌های جزء کیسه سیاسی باید دارای علامت خارجی مشهود و مشخص کیفیت آن بوده فقط حاوی اسناد سیاسی یا اشیاء مورد استعمال رسمی باشد.

۵ ـ پیک سیاسی که باید دارای مدرک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته‌های جزء کیسه سیاسی باشد در اجرای وظایف خود از حمایت کشور پذیرنده برخوردار خواهد بود. شخص پیک مصونیت داشته و به هیچ عنوان بازداشت یا زندانی نخواهد شد.

۶ ـ کشور فرستنده یا مأموریت می‌تواند پیک‌های سیاسی مخصوص منصوب نمایدو در این صورت مقررات بند ۵ این ماده و مصونیتهای مندرج در آن فقط تازمانی که پیک مزبور کیسه سیاسی خود را به مقصد می‌رساند جاری خواهد بود.

۷ ـ کیسه سیاسی را می‌توان به فرمانده یک هواپیمای بازرگانی که باید در یک محل ورودی مجاز فرود آید سپرد. فرمانده مزبور که پیک سیاسی تلقی نخواهد شدباید دارای مدرک رسمی حاکی از تعداد بسته‌های جزء کیسه سیاسی باشد.

مأموریت می‌تواند یکی از اعضاء خود را برای دریافت مستقیم و آزادانه کیسه سیاسی از شخص فرمانده هواپیما اعزام دارد.

مادهٔ بیست و هشتم:

عواید و کارمزد دریافتی از طرف مأموریت بابت انجام وظایف رسمی از پرداخت کلیه مالیاتها و

عوارض معاف است.

مادهٔ بیست و نهم:

شخص مأمور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان مورد توقیف یا بازداشت قرار داد. کشور پذیرنده با وی رفتار محترمانه‌ای که در شأن اوست خواهد داشت و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد.

مادهٔ سی‌ام:

۱ ـ محل اقامت خصوصی مأمور سیاسی مانند اماکن مأموریت مصون و مورد حمایت خواهد بود.

۲ ـ اسناد و مکاتبات و همچنین با رعایت بند ۳ ماده ۳۱ اموال مأمور سیاسی مصون خواهد بود.

مادهٔ سی ویکم:

۱ ـ مأمور سیاسی در کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب جزائی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهد بود مگر در موارد زیر:

الف ـ دعوی راجع به مال غیرمنقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده مگر آنکه مأمور سیاسی مال را به نمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ب ـ دعوی راجع به ماترکی که در آن مأمور سیاسی به طور خصوصی ونه به نام کشور فرستنده وصی و امین ترکه و وارث و موصی‌له واقع شده باشد.

ج ـ دعوی راجع به فعالیتهای حرفه‌ای یا تجاری از هرنوع که مأمور سیاسی در خاک کشور پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارد.

۲ ـ مأمور سیاسی مجبور به ادای شهادت نیست.

۳ ـ علیه مأمور سیاسی مبادرت به هیچگونه عملیات اجرائی نخواهد شد جز در موارد مذکور در بندهای الف ب و ج قسمت اول این ماده به شرط آنکه این عملیات اجرائی به مصونیت شخص یا محل اقامت او لطمه‌ای وارد نیاورد.

۴ ـ مصونیت قضائی مأمور سیاسی در کشور پذیرنده او را از تعقیب قضائی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت.

مادهٔ سی و دوم:

۱ ـ دولت فرستنده می‌تواند انصراف خود را از مصونیت قضائی نمایندگان سیاسی و اشخاصی که بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت برخوردار می‌شوند اعلام نماید.

۲ ـ انصراف باید همیشه صریح باشد.

۳ ـ در صورت طرح دعوی از طرف یک نماینده سیاسی یا شخصی که بر طبق ماده ۳۷ از مصونیت قضائی بهره‌مند است توسل او به مصونیت قضائی نسبت به هرگونه دعوای متقابل که مستقیماً مربوط به دعوای اصلی باشد پذیرفته نخواهد بود.

۴ ـ انصراف از مصونیت قضائی در برابر یک دعوای مدنی یا اداری متضمن انصراف از مصونیت نسبت به اقدامات اجرائی مربوط به حکم محکمه نخواهد بود برای این امر یک انصراف جداگانه لازم است.

مادهٔ سی و سوم:

۱ ـ مأمور سیاسی با رعایت بند ۳ این ماده در مورد خدمات انجام شده برای کشور فرستنده از مقررات بیمه‌های اجتماعی که ممکن است در کشور پذیرنده لازم‌الاجراء باشد معاف است.

۲ ـ معافیت مندرج در بند ۱ این ماده نیز شامل خدمتکاران شخصی که در خدمت انحصاری مأمور سیاسی می‌باشد می‌گردد مشروط بر آنکه این خدمتکاران:

الف ـ تبعه کشور پذیرنده نبوده یا در آن اقامت دائم داشته باشند.

ب ـ مقررات بیمه‌های اجتماعی کشور فرستنده یا کشور ثالث در مورد آنان اعمال گردد.

۳ ـ مأمور سیاسی باید در مورد اشخاصی که در خدمت او هستند و مشمول معافیت مندرج در بند ۲ این ماده نمی‌باشند تکالیف ناشی از مقررات بیمه‌های اجتماعی کشور پذیرنده را که به کارفرما تحمیل می‌شود رعایت نماید.

۴ ـ معافیت مذکور در بندهای ۱ و۲ این ماده مانع از قبول بالاختیار و استفاده از بیمه اجتماعی کشور پذیرنده تا حدودی که مورد قبول این کشور باشد نخواهد بود.

۵ ـ مقررات این ماده مخل قراردادهای دوجانبه و چند جانبه که درگذشته راجع به بیمه‌های اجتماعی منعقد شده نبوده و مانع از انعقاد چنین قراردادهائی در آینده نخواهد بود.

مادهٔ سی و چهارم:

مأمور سیاسی از پرداخت کلیه عوارض شخصی یا مالی یا مملکتی یا منطقه‌ای یا شهری جز در موارد زیر معاف است.

الف ـ مالیاتهای غیرمستقیم که معمولا جزء قیمت کالا یا خدمت محسوب می‌شود.

ب ـ مالیاتها و عوارض اموال غیرمنقول خصوصی واقع در قلمرو کشور پذیرنده جز در مواردی که مأمور سیاسی مال را به نمایندگی کشور فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد.

ج ـ مالیات بر ارث که از طرف کشور پذیرنده دریافت می‌گردد با رعایت مفاد بند ۴ ماده ۳۹.

د ـ مالیات و عوارض مأخوذه از درآمدهای شخصی حاصل در کشور پذیرنده و همچنین مالیات بر سرمایه‌های بکار افتاده در بنگاههای تجارتی آن کشور.

هـ ـ مالیات و عوارضی که در برابر انجام خدمات خاص وصول می‌شود.

و ـ هزینه‌های ثبت و دادرسی رهن و تمبر در مورد اموال غیرمنقول با رعایت مفاد ماده ۲۳.

مادهٔ سی و پنجم:

کشور پذیرنده مأمورین سیاسی را از انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی به هر صورت و شکل و الزامات نظامی از قبیل مصادره و بیگاری و اسکان افراد نظامی معاف خواهد داشت.

مادهٔ سی و ششم:

۱ ـ کشور پذیرنده طبق قوانین و مقرراتیکه ممکن است وضع نماید ورود اشیاء زیر را با معافیت از حقوق گمرکی و عوارض و سایر هزینه‌های فرعی جز مخارج انبارداری و باربری و هزینه‌های ناشی از خدمات مشابه اجازه خواهد داد.

الف ـ اشیاء مورد استفاده رسمی مأموریت.

ب ـ اشیاء مورد استفاده شخص مأمور سیاسی یا بستگان او که اهل خانه او هستند و از جمله اثاثیه‌ایکه برای منزل خود لازم دارد.

۲ ـ توشه شخصی مأمورسیاسی از تفتیش معاف است مگر اینکه دلایل جدی دال بر وجود اشیائی در آن که مشمول معافیتهای مندرج در بند ۱ این ماده نیست در دست بوده و یا ورود و صدور آن اشیاء به موجب قوانین یا مقررات قرنطینه کشور پذیرنده ممنوع باشد. در چنین صورتی تفتیش جز درحضور مأمور سیاسی یا نماینده مجاز او صورت نخواهد گرفت.

مادهٔ سی و هفتم:

۱ ـ بستگان مأمور سیاسی که اهل خانه او هستند بشرط آنکه تبعه کشور پذیرنده نباشند از مزایا و مصونیتهای مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۶ برخوردار خواهند بود.

۲ ـ کارمندان اداری و فنی مأموریت و همچنین بستگان آنها که اهل خانه آنها هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند از مزایا و مصونیتهای مندرج در مواد ۲۹ تا ۳۵ بهره‌مند خواهند بود ولی مصونیت از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی و اداری موضوع بند اول ماده ۳۱ شامل اعمال خارج از وظایف آنها نخواهد شد. اشخاص مذکور همچنین از مزایای مندرج در بند الف ماده ۳۶ در موارد اشیائیکه برای منزل خود وارد می‌کنند استفاده خواهند نمود.

۳ ـ خدمه مأموریت به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند نسبت به اعمال ناشی از اجرای وظایف خود مصونیت داشته و از پرداخت مالیات و عوارض بابت مزدی که در قبال انجام کار دریافت می‌دارند معاف می‌باشند و همچنین از معافیت مذکور در ماده ۳۳ استفاده خواهند نمود.

۴ ـ خدمتکاران شخصی اعضاء مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نیستند از پرداخت مالیات و عوارض بابت حقوقی که در قبال انجام وظیفه دریافت می‌دارند معاف خواهند بود. استفاده آنان از مزایا و مصونیتهای دیگر فقط در حدودی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد خواهد بود. معهذا کشور پذیرنده نباید حق حاکمیت خود رادر مورد این اشخاص طوری اعمال نماید که به نحو بی‌تناسبی مانع از انجام وظایف مأموریت گردد.

مادهٔ سی و هشتم:

۱ ـ مأمور سیاسی که تبعه کشور پذیرنده و یا مقیم دائم آن کشور می‌باشند فقط در مورد اعمال رسمی مربوط به وظایف خود از مصونیت قضائی و مصونیت از تعرض بهره‌مند خواهند بود مگر آنکه کشور

پذیرنده مزایا و مصونیتهای بیشتری به او اعطاء کرده باشد.

۲ ـ سایر کارمندان مأموریت و خدمتکاران شخصی که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور می‌باشند فقط تاحدودی که‌مورد قبول کشور پذیرنده باشد ازمزایاو مصونیتها برخوردارخواهندبود. معهذا کشور پذیرنده نباید حق حاکمیت خود را در مورد این اشخاص طوری اعمال نماید که به نحو بی‌تناسبی مانع انجام وظایف مأموریت گردد.

مادهٔ سی ونهم :

۱ ـ اشخاصی که در استفاده از مصونیتها و مزایا ذیحق میباشند به مجرد ورودبه قلمرو کشور پذیرنده برای تصدی ماموریت خوداز این مصونیتها ومزایا بهره‌مند می‌شوند واگر قبلا در قلمرو آن کشور باشند استفاده از این مزایا و مصونیتها از تاریخی است که انتصاب آنها به وزارت امورخارجه یا هر وزارتخانه دیگر کشور پذیرنده که مقرراست اعلام گردد

۲ ـ وقتیکه مأموریت شخص بهره‌مند از مزایا و مصونیتها خاتمه یابد این مزایا و مصونیتها معمولا در موقع ترک خاک کشور پذیرنده یا درانقضای موعد مناسبی که برای انجام این منظور به وی اعطا می‌شود قطع می‌گردد.لیکن این مزایا و مصونیتها حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه تا این مواعد ادامه خواهد داشت.

معهذا مصونیت نسبت به اعمالیکه شخص بهره‌مند در اجرای وظایف خود به سمت عضو مأموریت انجام داده باقی است.

۳ ـ درصورت فوت یکی از اعضاء مأموریت اعضاء خانواده او از مزایا و مصونیتها تا انقضای مهلت مناسبی که برای ترک کشور پذیرنده به آنها اعطا می‌گردد کما فی‌السابق بهره‌مند خواهند بود.

۴ ـ درصورت فوت یک عضو مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم در آن کشور نمی‌باشد و یا درصورت فوت یکی از بستگان او که اهل خانه او هستند کشور پذیرنده خروج اموال منقول متوفی را اجازه می‌دهد به استثنای اموالی که در کشور پذیرنده تحصیل شده و در موقع فوت ممنوع الصدور می‌باشند. از اموال منقول که وجود آن درکشور پذیرنده صرفاً به سبب حضور متوفی در آنجا به سمت عضو مأموریت یا یکی از بستگان عضو مأموریت بوده مالیات بر ارث اخذ نمی‌گردد.

مادهٔ چهلم :

۱ ـ موقعیکه مأمور سیاسی بقصد عزیمت یا بازگشت به محل مأموریت و یا برای مراجعت به وطن از خاک کشور ثالثی که در صورت لزوم روادید صادر نموده عبور می‌کند یا در آنجا حضور دارد کشور ثالث او را از تعرض مصون داشته و مشمول کلیه مصونیتهائی که برای عبور یا بازگشت وی ضرورت دارد خواهد نمود. همین مقررات از طرف کشور ثالث در مورد اعضای خانواده مأمور که از مزایا و مصونیتها بهره‌مندند و همراه مأمور سیاسی یا جداگانه برای پیوستن به او یا مراجعت به وطن مسافرت می‌کنند اعمال خواهد شد.

۲ ـکشورهای ثالث نباید در شرایط مشابه با آنچه در بند اول این ماده مقرراست عبور کارمندان اداری و

فنی با خدمه مأموریت و افراد خانواده انها را از قلمرو خود دچار اشکال سازد:

۳ ـ کشورهای ثالث نسبت به مکاتبات و سایر وسایل ارتباطیه رسمی از جمله پیامهای کد و رمز که ار خاک آنها می‌گذرد همان آزادی و حمایتی را اعطا خواهند کرد که کشور پذیرنده در این باره مرعی می‌دارد. نسبت به پیکهای سیاسی که در صورت لزوم روادیدتحصیل کرده‌اند و نیز نسبت بـه کیسه‌هـای سیـاسی عبوری همان مصونیت از تعرض و حمایتی راکه کشور پذیرنده ملزم به رعایت است اعطا خواهد کرد.

۴ ـ تکالیف کشورهای ثالث بر طبق بندهای ۱ و ۲ و ۳ این ماده نسبت به اشخاص مذکور در این بندها و وسایل ارتباطیه رسمی و کیسه‌های سیاسی نیز که به علت (فورس ماژور) در قلمرو کشور ثالث می‌باشد مجزا خواهد بود.

مادهٔ چهل و یکم :

۱ ـ کلیه اشخاصی که از مزایا و مصونیتها بهره‌مند می‌باشند بدون آنکه به مزایـا و مصونیتهـای آنـان لطمه‌ای وارد آید مکلفند قوانین و مقررات کشور پذیرنده را محترم شمرده و از مداخله در امور داخلی آن کشور خودداری نمایند.

۲ ـ کلیه امور رسمی که برای اقدام و مذاکره با کشور پذیرنده از طرف کشور فرستنده بعهده مأموریت گذاشته شده باید از طریق وزارت امورخارجه کشور پذیرنده یا بوسیله آن و یا هر وزارتخـانه دیگـری کـه مقرراست انجام گیرد.

۳ ـ اماکن مأموریت طوری مورد استفاده قرار نخواهد گرفت که با وظایف مأموریت مـندرج در ایـن قرارداد یا در سایر قواعد حقوق بین‌الملل عمومی و یا در قراردادهای معتبر بین کشور فـرستنده و کشـور پذیرنده مغایرباشد.

مادهٔ چهل و دوم :

مأمور سیاسی در کشور پذیرنده فعالیت حرفه‌ای و یا تجارتی بقصد انتفاع شخصی نخواهد داشت.

مادهٔ چهل و سوم :

مأموریت مأمور سیاسی ازجمله در موارد زیر پایان می‌پذیرد:

الف ـ موقعیکه کشور فرستنده خاتمه مأموریت سیاسی را به کشور پذیرنده اطلاع دهد.

ب ـ وقتیکه کشور پذیرنده طبق بند ۲ از ماده ۹ به کشور فرستنده اطلاع می‌دهد که از شناختن مأمور سیاسی بعنوان عضو مأموریت خودداری می‌کند.

مادهٔ چهل و چهارم :

کشور پذیرنده وظیفه دارد حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه تسهیلات لازم را فراهم آورد تـا اشخاص بهره‌مند از مزایا و مصونیتها به جز اتباع خود و نیز افراد خانواده آنها بدون توجه به تابعیت آنـها بتوانند در اولین فرصت خاک کشور را ترک گویند. کشور مزبور به خصوص باید در صورت احتیاج وسایل نقلیه مورد لزوم را برای خود و اموالشان در اختیار آنان بگذارد.

مادهٔ چهل و پنجم:

در صورت قطع روابط سیاسی بین دو کشور و یا زمانی که مأموریت به طور قطعی یا موقتی خاتمه یافته است.

الف ـ کشور پذیرنده موظف است حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه اماکن مأموریت و همچنین اموال و بایگانی آن را محترم شمرده و حمایت نماید.

ب ـ کشور فرستنده می‌تواند حفاظت اماکن مأموریت را با اموالی که در آن قرار دارد و همچنین حفاظت بایگانی آن را به کشور ثالثی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد واگذار نماید.

ج ـ کشور فرستنده می‌تواند حفظ منافع خود و منافع اتباع خود را به کشور ثالثی که مورد قبول کشور پذیرنده باشد واگذار نماید.

مادهٔ چهل و ششم:

کشور فرستنده می‌تواند با جلب رضایت قبلی کشور پذیرنده و بنا به درخواست کشور ثالثی که در کشور اخیر نمایندگی ندارد موقتاً عهده‌دار حفظ منافع کشور ثالث و اتباع آن گردد.

مادهٔ چهل و هفتم:

۱ ـ کشور پذیرنده در اجرای مقررات این قرارداد تبعیض بین کشورها قائل نخواهد شد.

۲ ـ معهذا مواد زیر تبعیض تلقی نخواهد شد.

الف ـ اینکه کشور پذیرنده یکی از مقررات این قرارداد را به علت آنکه در خاک کشور فرستنده نسبت به مأموریت او در این مورد محدودیت قائل شده‌اند به طور محدود اجرا کند.

ب ـ اینکه کشورهائی بنا به عرف و عادت و یا از طریق معاهده مزایائی مناسب‌تر از آنچه مقررات این قرارداد پیش‌بینی کرده متقابلاً به یکدیگر اعطا نمایند.

مادهٔ چهل و هشتم:

این قرارداد برای امضای کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا یک سازمان تخصصی و نیز هر کشور پیوسته به اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و هر کشور دیگری که به این منظور از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت گردد به طریق زیر مفتوح خواهد بود:

تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۱ در وزارت امورخارجه دولت فدرال اتریش و از آن پس تا ۳۱ مارس ۱۹۶۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

مادهٔ چهل و نهم:

این قرارداد به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

مادهٔ پنجاهم:

این قرارداد برای الحاق هرکشوری که جزو یکی از چهار طبقه مذکور در ماده ۴۸ باشد مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

مادهٔ پنجاه و یکم :

۱ ـ این قرارداد سی روز پس از تاریخ تسلیم بیست ودومین سند تصویب یا الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجراء خواهد شد.

۲ ـ این قرارداد در مورد هریک از کشورهائی که آنرا پس از تسلیم بیست و دومین سند تصویب یا الحاق تصویب نمایند یا بدان ملحق شوند سی روز پس از تسلیم سند تصویب یا الحاق آن کشور لازم‌الاجراء خواهد شد.

مادهٔ پنجاه و دوم :

دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع تمام کشورهائی که عضو یکی از چهار طبقه مذکور در ماده ۴۸ باشند خواهد رساند. الف ـ امضاء این قرارداد از طرف کشورها و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق طبق مفاد مواد ۴۸ و ۴۹ و ۵۰.

ب ـ تاریخی که این قراردادبه موجب ماده ۵۱ لازم‌الاجراء می‌شود.

مادهٔ پنجاه و سوم :

نسخه اصلی این قراردادکه متن‌های انگلیسی ـ چینی ـ اسپانیائی ـ فرانسه و روسی آن متساویاً معتبر می‌باشند به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد دبیرکل رونوشتهای گواهی شده و مطابق با اصل آنرا به تمام دول مشمول یکی از چهار طبقه مذکور در ماده ۴۸ تسلیم می‌نماید.

بنا به مراتب نمایندگان تام‌الاختیار امضاءکننده زیر که از طرف کشورهای متبوع خود حقاً مجاز می‌باشند این قرارداد را امضاء کرده‌اند.

وین ـ هیجدهم آوریل یکهزار و نهصدوشصت و یک

محل امضاء نمایندگان تام‌الاختیاردولت ایران

۱۷:

پروتکل اختیاری مربوط به حل اجباری اختلافات ...

کنوانسیون وین دربارهٔ روابط سیاسی پروتکل اختیاری مربوط بحل اجباری اختلافات[1]
مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد - وین - ۱۹٦۱

دول طرف تعهد این پروتکل و کنوانسیون وین در بارهٔ روابط سیاسی مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد منعقد در وین از دوم مارس تا چهارم آوریل ۱۹۶۱ که از این پس کنفوانسیون نامیده خواهد شد.

با اظهار تمایل بتوسل به قضاوت اجباری دیوان دادگستری بین‌المللی تا آنجا که به آنها مربوط است برای حل کلیه اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای (کنوانسیون) مگرآنکه در مهلت معقول راه‌حل دیگری مورد توافق مشترک قرارگرفته باشد نسبت بمقررات زیر توافق نمودند:

مادهٔ اول:

اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای (کنوانسیون) در صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد هر کشور طرف اختلاف و امضاء کننده این پروتکل می‌تواند بوسیلهٔ دادخواست اختلاف را در دیوان طرح نماید.

مادهٔ دوم:

طرفین می‌توانند ظرف دو ماه بعد از اعلام وجود اختلاف بیکدیگر با توافق مشترک بجای دیوان دادگستری بین‌المللی موضوع را بیک محکمه داوری ارجاع نمایند در خاتمه این مهلت هر یک از طرفین می‌توانند اختلاف را ضمن دادخواستی در دیوان طرح کنند.

---

۱ - نقل از: مجموعه قوانین جزائی. تدوین حجت الله اشرفی سال ۱۳۷۱ - صفحات ۹۹ - ۹۷.

مادهٔ سوم:

۱ - طرفین همچنین می‌توانند در عرض همان دو ماه مهلت مشترکاً توافق کنند که قبل از رجوع بدیوان دادگستری بین‌المللی متوسل بسازش گردند.

۲ - کمیسیون سازش تا پنج ماه پس از تاریخ تشکیل باید توصیه‌های خود را تسلیم نماید. اگر توصیه‌های مزبور در عرض دو ماه از تاریخ اعلام مورد قبول طرفهای اختلاف قرار نگیرد هر یک از طرفین می‌تواند موضوع مورد اختلاف را ضمن تسلیم دادخواستی در دیوان طرح نماید.

مادهٔ چهارم:

دولتهای طرف تعهد (کنوانسیون) و پروتکل اختیاری مربوط بتحصیل تابعیت و پروتکل حاضر می‌توانند اعلام دارند که مقررات این پروتکل شامل اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای پروتکل اختیاری مربوط بتحصیل تابعیت نیز خواهد شد.

اعلامیه‌های مربوط به این موضوع به اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد خواهد رسید.

مادهٔ پنجم:

این پروتکل برای امضای کلیه دولتهای عاقد قرارداد وین بطریق زیر مفتوح خواهد بود: تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۱ در وزارت امور خارجه دولت فدرال اتریش و پس از آن تا ۳۱ مارس ۱۹۶۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

مادهٔ ششم:

این پروتکل بتصویب خواهد رسید و اسناد تصویب بدبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

مادهٔ هفتم:

این پروتکل برای الحاق کلیه کشورهائیکه بقرارداد وین به پیوندند مفتوح خواهد بود.

اسناد الحاق بدبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

مادهٔ هشتم:

۱ - این پروتکل از روزیکه (قرارداد) لازم‌الاجراء میشود یا سی روز پس از تسلیم دومین سند تصویب یا الحاق بپروتکل بدبیر کل سازمان ملل متحد هر کدام مؤخر باشد لازم‌الاجرا خواهد بود.

۲ - برای کشوریکه این پروتکل را بعد از لازم‌اجرا شدن طبق بند ۱ این ماده تصویب نماید یا بدان ملحق گردد پروتکل سی روز بعد از تاریخ تسلیم سند تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا می‌شود.

مادهٔ نهم:

دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع دولتهائیکه ممکن است به (کنوانسیون) به پیوندند خواهد رسانید.

الف - امضاء این پروتکل از طرف کشورها وتسلیم اسناد تصویب یا الحاق بر طبق مواد ۵ و ۶ و ۷.

ب - اعلامیه‌هائیکه طبق مادهٔ ۴ این پروتکل صادر می‌گردد.

ج - تاریخی که این پروتکل طبق مادهٔ هشتم لازم‌الاجراء می‌شود.

مادهٔ دهم:

نسخه اصلی پروتکل که متن‌های انگلیسی - چینی - اسپانیائی - فرانسه و روسی آن متساویاً معتبر می‌باشد بدبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد و دبیر کل رونوشتهای مطابق با اصل گواهی شده‌ای برای کلیه کشورهای مذکور در مادهٔ ۵ خواهد فرستاد.

بنابه مراتب نمایندگان تام‌الاختیار امضاء کننده زیر که از طرف کشورهای مطبوع خود دارای اختیارات لازم می‌باشند پروتکل حاضر را امضاء نموده‌اند.

وین هیجدهم آوریل یکهزار و نهصد و شصت و یک.

محل امضاء نمایندهٔ تام‌الاختیار دولت ایران.

۱۸:

پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت...

پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک

دول طرف این پروتکل و کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک مصوب کنفرانس ملل متحد منعقد و در وین از دوم مارس تا چهاردهم آوریل ۱۹۶۱ که از این پس «کنوانسیون» نامیده خواهد شد.

با اظهار تمایل نسبت به برقراری مربوط به تحصیل تابعیت از طرف اعضاء مأموریتهای دیپلماتیک خود و بستگان آنها که اهل خانه او هستند ـ درباره مقررات زیر توافق نمودند:

مادهٔ ۱ :

از لحاظ پروتکل حاضر اصطلاح «اعضاء مأموریت» همان مفهوم بند ب از ماده اول «کنوانسیون» را دارد یعنی شامل «رئیس مأموریت و کارمندان مأموریت» خواهد بود.

مادهٔ ۲ :

اعضاء مأموریت که تابعیت دولت پذیرنده را ندارند و بستگان آنها که اهل خانه آنها می‌باشند تابعیت دولت پذیرنده را صرفاً به سبب مقررات قانونی آن دولت به دست نخواهند آورد.

مادهٔ ۳ :

پروتکل حاضر برای امضاء کلیه دولتهائی که به «کنوانسیون» می‌پیوندند به طریق زیر مفتوح خواهد بود:

تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۱ در وزارت امورخارجه دولت فدرال اتریش و پس از آن تا ۳۱ مارس ۱۹۶۲ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

مادهٔ ۴ :

پروتکل حاضر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب آن به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

مادهٔ ۵ :

پروتکل حاضر برای الحاق کلیه دولت‌هائی که به «کنوانسیون» می‌پیوندند مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

مادهٔ ٦ :

۱ - پروتکل حاضر از روزی که «کنوانسیون» لازم‌الاجراء می‌شود یا سی‌روز پس از تسلیم دومین سند تصویب یا الحاق به پروتکل به دبیرکل سازمان ملل متحد هر کدام مؤخر باشد لازم‌الاجراء خواهد بود.

۲ - برای دولتی که پروتکل حاضر را بعد از لازم‌الاجراء شدن طبق بند ۱ این ماده تصویب نماید یا بدان ملحق گردد - پروتکل سی‌روز بعد از تاریخ تصویب یا الحاق لازم‌الاجراء می‌شود.

مادهٔ ۷ :

دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به اطلاع دولتهائی که ممکن است به «کنوانسیون» بپیوندند خواهد رسانید.

الف - امضاء پروتکل حاضر از طرف دول و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق طبق مواد ۳ و ۴ و ۵ .

ب - تاریخی که پروتکل حاضر طبق ماده ششم لازم‌الاجراء می‌شود.

مادهٔ ۸ :

نسخه اصلی پروتکل حاضر که متنهای انگلیسی چینی اسپانیائی فرانسه و روسی آن متساویاً معتبر می‌باشد. به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد و دبیرکل رونوشتهای مطابق با اصل و گواهی شده‌ای برای کلیه دولتهای مذکور در ماده ۳ ارسال خواهد داشت.

بنابه مراتب نمایندگان تام‌الاختیار امضاء کننده زیر که از طرف دولتهای متبوع خود دارای اختیارات لازم می‌باشد این پروتکل را امضاء نمودند.

وین هیجدهم آوریل یکهزارونهصدوشصت ویک

۱۹:
کنوانسیون وین دربارهٔ روابط کنسولی...

کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی[1]

دول طرف کنوانسیون حاضر:

با تذکار این که روابط کنسولی از دیرباز بین ملل برقرار بوده و با معرفت به مقاصد و اصول منشور ملل متحد درباره تساوی مطلق دولتها و حفظ صلح و امنیت بین‌لمللی و توسعه روابط دوستانه بین ملل.

با توجه به اینکه کنفرانس ملل متحد درباره روابط و مصونیتهای دیپلماتیک، «کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک» راکه از تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ برای امضاء مفتوح گردید تصویب نموده است،

با اعتقاد به اینکه یک کنوانسیون بین‌المللی درباره روابط و مزایا و مصونیتهای کنسولی نیز در بهبود مناسبات دوستانه بین ملتها هرچند طرز و اساس حکومت و اصول اجتماعی آنها تفاوتهائی با یکدیگر داشته باشد مؤثر خواهد بود،

با اذعان به اینکه منظور از مزایا و مصونیتهای مذکور منتفع ساختن افراد نیست، بلکه مراد تأمین حسن اجرای وظایف آنها در پستهای کنسولی بنام دول متبوعه آنهاست.

با تأکید این نکته که در مورد مسائلی که ضمن مقررات این کنوانسیون صریحاً تعیین تکلیف نشده است، قواعد و عرف و عادت حقوق بین‌الملل همچنان حاکم خواهد بود،

نسبت به مواد زیر توافق نمودند:

---

۱ - نقل ازکتاب حقوق بین‌الملل خصوصی . تألیف دکتر سید جلال‌الدین مدنی . صفحات ۳۴۱-۳۱۱

مادهٔ ۱ - تعاریف

۱ - در این کنوانسیون معانی اصطلاحات زیر به شرحی خواهد بود که ذیلاً تصریح شده‌است:

(الف)- اصطلاح «پست کنسولی» یعنی سرکنسولگری یا کنسولگری یا کنسولیاری یا نمایندگی کنسولی.

(ب) - اصطلاح «حوزه کنسولی» یعنی ناحیه‌ای که برای انجام وظایف کنسولی به یک پست کنسولی اختصاص داده شده است.

(ج) - اصطلاح «رئیس پست کنسولی» یعنی شخصی که مأمور انجام وظیفه دراین سمت می‌باشد.

(د) - اصطلاح «مأمور کنسولی» یعنی هر شخصی (منجمله رئیس پست کنسولی) که در این سمت عهده‌دار انجام وظایف کنسولی است.

(ه) - اصطلاح «کارمند کنسولی» یعنی هر شخصی که در دوائر اداری یا فنی یک پست کنسولی به خدمت گماده شده است.

(و) - اصطلاح «خدمه» یعنی هر شخصی که برای انجام امور خانگی پست کنسولی استخدام شده است.

(ز) - اصطلاح «اعضاء پست کنسولی» یعنی مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی و خدمه کنسولگری.

(ح) - اصطلاح « کارکنان کنسولی» یعنی مأموران کنسولی (به غیر از رئیس پست کنسولی) و کارمندان کنسولی و خدمه کنسولگری.

(ط) - اصطلاح «خدمتکار شخصی» یعنی کسی که منحصراً به خدمت شخصی یکی از اعضاء پست کنسولی گماشته شده است.

(ی)- اصطلاح «اماکن کنسولی» یعنی ابنیه و یا قسمتهائی از ابنیه و زمین متصل به آن که مالک آن هرکه باشد، منحصراً برای انجام مقاصد پست کنسولی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

(ک) - اصطلاح «بایگانی کنسولی» شامل کلیه اوراق و اسناد و مکاتبات و کتابها و فیلمها و نوارهای ضبط صوت و دفاترپست کنسولی به انضمام رمز و مفتاح و کارتهای اندکس و هرنوع اثاثه که برای حفاظت و نگهداری آنها به کاربرده شود، خواهد بود.

۲ - مأموران کنسولی بر دو دسته‌اند.مأموران کنسولی کاریری و مأموران کنسولی افتخاری . مقررات فصل دوم کنوانسیون حاضر ناظراست به پستهای کنسولی که مأموران کنسولی افتخاری در رأس آنها قراردارند.

۳ - وضع خاص اعضای پست کنسولی که تبعه دولت پذیرنده بوده یا به طور دائم مقیم قلمرو آن دولت باشند مشمول مقررات ماده ۷۱ کنوانسیون حاضر خواهد بود.

فصل اول: روابط کنسولی به طور کلی
قسمت اول: استقرار و اداره روابط کنسولی

مادهٔ ۲ – استقرار روابط کنسولی

۱ – استقرار روابط کنسولی بین دول با رضایت متقابل انجام می‌گیرد.

۲ – رضایت با برقراری روابط دیپلماتیک بین دو دولت متضمن رضایت به استقرار روابط کنسولی نیز می‌باشد، مگر آنکه به نحو دیگری مقرر شود.

۳ – قطع روابط دیپلماتیک به خودی خود موجب قطع روابط کنسولی نمی‌گردد.

مادهٔ ۳ – انجام وظایف کنسولی

وظایف کنسولی به وسیله پستهای کنسولی انجام می‌گردد. مأموریتهای دیپلماتیک نیز طبق مقررات این کنوانسیون وظایف کنسولی را انجام می‌دهند.

مادهٔ ۴ – تأسیس پست کنسولی

۱ – پست کنسولی را نمیتوان بدون رضایت دولت پذیرنده در سرزمین آن دولت تأسیس کرد.

۲ – مقر پست کنسولی، وظیفه و حوزه کنسولی آن از طرف دولت فرستنده تعیین می‌شود و منوط به تصویب دولت پذیرنده خواهد بود.

۳ – تغییرات بعدی در مقر پست کنسولی یا طبقه و یا حوزه کنسولی آن از طرف دولت فرستنده فقط با موافقت دولت پذیرنده میسر خواهد بود.

۴ – چنانچه یک سرکنسولگری یا کنسولگری بخواهد در محلی غیر از محل استقرار خود کنسولیاری یا نمایندگی کنسولی تأسیس کند باید رضایت دولت پذیرنده را جلب نماید

۵- برای افتتاح یک دفتر تابع یک کنسولگری موجود ، در محلی غیر از محل کنسولگری، رضایت صریح و قبلی دولت پذیرنده لازم خواهد بود .

مادهٔ ۵ – وظایف کنسولی

وظایف کنسولی عبارتست از :

(الف) – حفظ منافع دولت فرستنده و اتباع آن، اعم اشخاص حقیقی و حقوقی در قلمرو دولت پذیرنده، تا حد مجاز در حقوق بین‌الملل.

(ب) – کمک به توسعه مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فرهنگی و علمی بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده و بسط روابط دوستانه بین دو دولت به هر طریق دیگر در حدود مقررات این کنوانسیون.

(ج) – استحضار از اوضاع و تحولات بازرگانی و اقتصادی و فرهنگی و علمی دولت پذیرنده با استفاده از کلیه وسایل مشروع و گزارش آن به حکومت دولت فرستنده و همچنین دادن اطلاعات به اشخاص ذینفع.

(د) – صدور گذرنامه و اسناد مسافرت جهت اتباع دولت فرستنده و صدور روادید یا اسناد مربوط برای

اشخاصی که می‌خواهند به قلمرو دولت فرستنده مسافرت کنند.

(ه) - کمک و مساعدت به اتباع دولت فرستنده اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی.

(و) - اقدام به عنوان سردفتر رسمی و مأمور ثبت احوال و سمت‌های مشابه و همچنین اجرای بعضی از اعمال اداری، تا حدی که قوانین و مقررات دولت پذیرنده با آن تناقض نداشته باشد.

(ز) - حفظ منافع اتباع دولت فرستنده، اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی، در مورد ارث در سرزمین دولت پذیرنده، طبق قوانین و مقررات دولت پذیرنده.

(ح) - حفظ منافع صغار و محجورینی که تبعه دولت فرستنده می‌باشند، در حدود قوانین و مقررات دولت پذیرنده، بخصوص در مواردی که قیمومت و یا سرپرستی در خصوص این قبیل اشخاص لازم باشد.

(ط) - با رعایت رویه و عرف جاری دولت پذیرنده، نمایندگی از طرف اتباع دولت فرستنده یا اتخاذ ترتیبات به منظور تأمین نمایندگی لازم برای آنها نزد محاکم و یا نزد سایر مقامات دولت پذیرنده، به منظور درخواست اتخاذ تدابیر موقتی بر طبق قوانین و مقررات دولت پذیرنده، برای حفظ حقوق و منافع اتباع مزبور، هنگامی که بعلت غیبت یا علل دیگر قادر نباشد در موقع مقتضی از منافع و حقوق خود دفاع نمایند.

(ی) - ارسال اسناد قضائی یا غیر قضائی یا اجرای نیابت قضائی بر طبق موافقت‌نامه‌های بین‌المللی معتبر یا در صورتیکه چنین موافقت‌نامه‌هائی موجود نباشد به هر نحو دیگری که با قوانین و مقررات دولت پذیرنده منطبق باشد.

(ک) - اعمال حقوق کنترل و بازرسی مقرر در قوانین و مقررات دولت فرستنده نسبت به ناوهای دریائی و کشتیهای رودخانه‌ای که تابعیت دولت فرستنده را دارند و هواپیماهائی که نزد آن دولت به ثبت رسیده است و همچنین نسبت به کارکنان ناوها و کشتی‌ها و هواپیماهای مزبور.

(ل) - رسانیده کمک به ناوها و کشتیها و هواپیماهای مذکور در بند «ک» این ماده و به کارکنان آنها و همچنین اخذ اظهارنامه‌های مربوط به مسافرت ناوها و کشتیهای مزبور و بررسی و مهر کردن اسناد مسافرتی آنها بدون لطمه به اختیارات مقامات دولت پذیرنده، و انجام تحقیقات درباره وقایعی که طی مسافرت دریائی رخ داده و حل هرنوع اختلاف بین ناخدا و افسران و ملوانان تا آنجا که قوانین و مقررات دولت فرستنده اجازه دهد.

(م) - انجام وظیفه دیگری که دولت فرستنده به عهده یک پست کنسولی محول نموده باشد قوانین و مقررات دولت پذیرنده آنها را منع نکرده و یا مورد ایراد دولت پذیرنده نباشد و یا وظایفی که در موافقتنامه‌های بین‌الملل معتبر موجود بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده ذکر شده است.

مادهٔ ٦ - انجام وظایف کنسولی خارج از حوزه کنسولی

مأمور کنسولی می‌تواند، در شرایط خاص، با موافقت دولت پذیرنده وظایف کنسولی خود را خارج از حوزه کنسولی خود انجام دهد.

مادهٔ ۷ – انجام وظایف کنسولی در قلمرو یک دولت ثالث

دولت فرستنده می‌تواند پس از اعلام به دولتهای ذینفع، پست کنسولی را که در قلمرو دولت معینی تأسیس شده مأمور انجام وظایف کنسولی در قلمرو یک دولت دیگر نماید مگر آنکه یکی از دولتهای ذینفع صریحاً با این امر مخالفت نمایند.

مادهٔ ۸ – انجام وظایف کنسول به نفع دولت ثالث

با اعلام لازم به دولت پذیرنده، پست کنسولی دولت فرستنده می‌تواند به نفع یک دولت ثالث وظایف کنسولی را در قلمرو دولت پذیرنده انجام دهد مگر آنکه دولت پذیرنده با این امر مخالفت نماید.

مادهٔ ۹ – طبقات رؤسای پست‌های کنسولی

۱ – رؤسای پست‌های کنسولی به چهار طبقه زیر تقسیم می‌شوند:

الف – سرکنسولها

ب – کنسولها

ج – کنسولیارها

د – نمایندگان کنسولی

۲ – بند یک ماده حاضر به هیچوجه حق هیچیک از طرف‌های متعاهد را در تعیین و نامگذاری مأموران کنسولی، به استثنای روسای پستهای کنسولی محدود نمی‌سازد.

مادهٔ ۱۰ – انتصاب و پذیرش رؤسای پستهای کنسولی

۱ – رؤسای پستهای کنسولی از طرف دولت فرستنده منصوب و جهت انجام وظایف خود از طرف دولت پذیرنده، پذیرفته می‌شوند.

۲ – مشروط به مقررات کنوانسیون حاضر، نحوه انتصاب و پذیرش رئیس پست کنسولی‌به ترتیب طبق قوانین و مقررات عرف دولت پذیرنده تعیین می‌گردد.

مادهٔ ۱۱ – حکم مأموریت کنسولی یا اعلام انتصاب

۱ – برای رئیس پست کنسول از طرف دولت فرستنده در مورد هر انتصاب حکم مأموریت یا سندی مشابه صادر می‌شود که مؤید سمت او بوده و معمولاً حاوی نام و نام خانوادگی و طبقه و رتبه او و حوزه کنسولی مقر پست کنسولی می‌باشد.

۲ – دولت فرستنده حکم مأموریت یا سند مشابه آنرا از مجرای دیپلماتیک یا از هر طریق مناسب دیگر به حکومت دولتی که رئیس پست کنسولی در سرزمین ان باید انجام وظیفه کند ارسال خواهد داشت.

۳ – در صورت موافقت دولت پذیرنده دولت فرستنده می‌تواند به جای حکم مأموریت یا سند مشابه آن ـ اعلامیه‌ای حاوی نکات مذکور در بند یک این ماده به دولت پذیرنده ارسال دارد.

مادهٔ ۱۲ – روانامه

۱ – رئیس پست کنسولی، به موجب اجازه‌نامه‌ای که از جانب دولت پذیرنده صادر و بهر شکل که باشد

روانامه نامیده می‌شود برای انجام وظائف خود پذیرفته می‌شود.

۲ - دولتی که از صدور روانامه خودداری می‌نماید ملزم به ارائه دلائل امتناع خود به دولت فرستنده نمی‌باشد.

۳ - مشروط به مقررات مواد ۱۳ و ۱۵، رئیس پست کنسولی نمی‌تواند قبل از دریافت روانامه شروع به انجام وظایف خود نماید.

مادهٔ ۱۳ - پذیرش موقت رؤسای پست کنسولی

در انتظار صدور روانامه، رئیس پست کنسولی می‌تواند جهت انجام وظایف خود به طور موقت پذیرفته شود. در اینصورت مقررات کنوانسیون حاضر مجری خواهد بود.

مادهٔ ۱۴ - اعلام به مقامات حوزه کنسولی

به مجرد آنکه رئیس پست کنسولی جهت انجام وظایف خود، حتی به طور موقت پذیرفته شود دولت پذیرنده موضوع را بلافاصله به اطلاع مقامات ذیصلاحیت حوزه کنسولی مربوطه خواهد رسانید.

بعلاوه دولت پذیرنده تدابیر لازم را به منظور اینکه رئیس پست کنسولی بتواند وظایف محوله را انجام داده و از مزایای پیش‌بینی شده در مقررات کنوانسیون حاضر برخوردار گردد اتخاذ خواهند نمود.

مادهٔ ۱۵ - اجرای موقت وظایف رئیس پست کنسولی

۱ - هرگاه رئیس پست کنسولی قادر به انجام وظایف خود نبوده یا پست او بلامتصدی باشد ممکن است یک متصدی موقتاً به عنوان رئیس پست کنسولی کفالت نماید.

۲ - نام و نام خانوادگی متصدی موقت پست کنسولی توسط مأموریت دیپلماتیک دولت فرستنده یا چنانچه دولت مزبور چنین مأموریتی نزد دولت پذیرنده نداشته باشد، توسط رئیس پست کنسولی یا درصورتیکه او قادر به انجام این کار نباشد، بوسیله هر مقام صلاحیتدار دولت فرستندبه وزارت امورخارجه دولت پذیرنده یا مقامی که از طرف آن وزارتخانه تعیین شده اعلام‌می‌گردد. معمولاً این اعلام قبلاً انجام می‌شود.

دولت پذیرنده می‌تواند پذیرش شخصی را به عنوان متصدی موقت پست کنسولی، درصورتیکه شخص مزبور مأمور دیپلماتیک و یا مأمور کنسولی دولت فرستنده در دولت پذیرنده نباشد، منوط به رضایت خود نماید.

۳ - مقامات صلاحیتدار دولت پذیرنده متصدی موقت پست کنسولی را مورد مساعدت و حمایت خود قرار خواهند داد و در مدت تصدی مقررات این کنوانسیون به همان نحو که شامل حال رئیس پست کنسولی مربوطه می‌گردد. در مورد او مجری خواهد بود. لیکن دولت پذیرنده ملزم به اعطای تسهیلات و مزایا و مصونیتهائی که برخورداری ازآنها از طرف رئیس پست کنسولی منوط به شرایطی است که متصدی موقت پست کنسولی واجد این شرایط نیست، نخواهد بود.

۴ - درصورتیکه یکی از اعضاء دیپلماتیک مأموریت دیپلماتیک دولت فرستنده نزد دولت پذیرنده،

طبق شرایط پیش‌بینی شده در بند ۱این ماده توسط دولت فرستنده به سمت متصدی موقت پست کنسولی برگزیده می‌شود - مشروط به اینکه این امر مورد اعتراض دولت پذیرنده واقع نشود - کماکان از مصونیتها و مزایای دیپلماتیک برخوردار خواهد بود.

مادهٔ ۱۶ - حق تقدم بین رؤسای پستهای کنسولی

۱ - تقدم رؤسای پستهای کنسولی در هر طبقه به ترتیب تاریخ اعطای روانامه خواهد بود.

۲ - معذالک رئیس یک پست کنسولی پیش از دریافت روانامه برای انجام وظایف خود به طور موقت پذیرفته شود، حق تقدم او طبق تاریخ پذیرش موقت تعیین خواهد شد و این حق بعد از اعطای روانامه محفوظ خواهد بود.

۳ - ترتیب تقدم بین دو یا چند رئیس پست کنسولی که در یک تاریخ روانامه پذیرش موقت دریافت داشته‌اند طبق تاریخی که حکم مأموریت یا اسناد مشابه یا اعلامیه انتصاب (مذکور در بند ۳ ماده ۱۱) به دولت پذیرنده تقدیم شده، تعیین می‌گردد.

۴ - متصدیان موقت پستهای کنسولی از نظر تقدم بعد از تمام رؤسای پستهای کنسولی قرار می‌گیرند ولی تقدم بین خود آنها طبق تاریخی خواهد بیود که در آن تاریخ بنابر اعلامیه‌ای که به موجب بند ۲ ماده ۱۵ داده مشود به عنوان متصدی موقت پست کنسولی مشغول انجام وظیفه شده‌اند.

۵ - مأموران کنسولی افتخاری که ریاست پستهای کنسولی را به عهده دارند در هر طبقه پس از رؤسای کاریری پستهای کنسولی قرار می‌گیرند و ترتیب تقدم آنها طبق مقررات بندهای فوق خواهدبود.

۶ - رؤسای پستهای کنسولی بر مأموران کنسولی که چنین مقامی را ندارند، مقدم خواهند بود.

مادهٔ ۱۷ - انجام اعمال دیپلماتیک توسط مأموران کنسولی

۱ - در قلمرو دولتی که دولت فرستنده در آن مأموریت دیپلماتیک نداشته و مأموریت دیپلماتیک دولت ثالثی نیز نمایندگی آنرا بعهده نداردمأمور کنسولی می‌تواند با رضایت دولت پذیرنده و بدون آنکه در وضع کنسولی او تغییری حاصل شود به انجام اعمال دیپلماتیک مجاز گردد.

انجام اعمال دیپلماتیک توسط یک مأمور کنسولی بهیچوجه حق تقاضای استفاده از مزایا و مصونیتهای دیپلماتیک را به او نمی‌دهند.

۲ - مأمور کنسولی می‌تواند - پس از اعلام به دولت پذیرنده - نمایندگی دولت فرستنده را در هریک از سازمانهای بین‌الدول عهده‌دار گردد. در این سمت مأمور حق برخورداری از مزایا و مصونیتهائی راکه به موجب عرف بین‌المللی یا به موجب موافقتنامه‌های بین‌الملل به چنین نماینده‌ای اعطاء می‌گردد، خواهد داشت.

لیکن در مورد انجام وظایف کنسولی توسط او، از مصونیت قضائی بیش از آنچه که به موجب کنوانسیون حاضر به یک مأمورکنسولی اعطاء می‌شود، برخوردار نخواهد بود.

مادهٔ ۱۸ – انتصاب شخص واحدی از طرف دو یا چند دولت به عنوان مأمور کنسولی

دو یا چند دولت می‌توانند با رضایت دولت پذیرنده شخص واحدی را بعنوان مأمور کنسولی خود نزد دولت پذیرنده مصوب نمایند.

مادهٔ ۱۹ – انتصاب کارکنان کنسولی

۱ – مشروط به رعایت مقررات مواد ۲۰ و ۲۲ و ۲۳ دولت فرستنده در انتخاب کارکنان کنسولی آزاد است.

۲ – دولت فرستنده در مهلت کافی نام و نام خانوادگی و طبقه و رتبه کلیه مأموران کنسولی به جز رؤسای پست کنسولی را به دولت پذیرنده اعلام می‌نماید. تا این دولت بتواند درصورت تمایل، حقوقی را که به موجب بند ۳ ماده ۲۳ به او اعطا شده است، اعمال کند.

۳ – درصورتیکه قوانین و مقررات دولت فرستنده ایجاب کند، این دولت می‌تواند جهت یک مأمور کنسولی که رئیس پست کنسولی نباشد، از دولت پذیرنده تقاضای صدور روانامه نماید.

۴ – چنانچه قوانین و مقررات دولت پذیرنده ایجاب کند، این دولت می‌تواند به مأمور کنسولی که رئیس پست کنسولی نباشد، روانامه اعطا نماید.

مادهٔ ۲۰ – تعداد کارکنان کنسولی

درصورت عدم توافق صریح نسبت به تعداد کارکنان پست کنسولی، دولت پذیرنده می‌تواند خواستار شود که تعداد کارکنان کنسولی باتوجه به اوضاع و مقتضیات حوزه کنسولی و با توجه به نیازمندیهای پست کنسولی از حدودی که خود معقول و متعارف تلقی می‌کند، تجاوز ننماید.

مادهٔ ۲۱ – حق تقدم بین مأمورین کنسولی پست کنسولی

ترتیب تقدم مأموران کنسولی یک پست کنسولی و تغییراتی که در آن ایجاد می‌شود توسط مأموریت دیپلماتیک دولت فرستنده یا، چنانچه دولت مزبور مأموریت دیپلماتیک نزد دولت پذیرنده نداشته باشد، توسط رئیس پست کنسولی مربوط به وزارت امورخارجه دولت پذیرنده یا به مقامی که از طرف آن وزارت تعیین گردیده اعلام خواهد شد.

مادهٔ ۲۲ – تابعیت مأموران کنسولی

۱ – مأموران کنسولی علی‌الاصول باید تابعیت دولت فرستنده را دارا باشند.

۲ – مأموران کنسولی را نمی‌توان جز با رضایت صریح دولت پذیرنده از بین اتباع آن دولت انتخاب نمود. دولت پذیرنده می‌تواند در هر موقع رضایت خود را مسترد دارد.

۳ – دولت پذیرنده می‌تواند همین حق را در مورد اتباع دولت ثالثی که تابعیت دولت فرستنده را ندارند، برای خود حفظ کند.

مادهٔ ۲۳ – اشخاصی که نامطلوب اعلام می‌شوند

۱ – دولت پذیرنده می‌تواند در هر زمان به دولت فرستنده اطلاع دهد که یکی از مأموران کنسولی را

شخص نامطلوب می‌داند یا هریک ار کارکنان دیگرکنسولی را غیر قابل قبول می‌شمارد. در این صورت دولت فرستنده حسب مورد شخص مورد نظر را فراخوانده یا به مأموریت او در آن پست کنسولی پایان می‌دهد.

۲ - اگر دولت فرستنده از انجام تعهدات ناشی از بند اول این ماده امتناع ورزد و یا این تعهدات را در ظرف مهلتی معقول انجام ندهد، دولت پذیرنده می‌تواند حسب مورد روانامه شخص مورد نظر را لغو کند، یا دیگر او را جزء کارکنان پست کنسول تلقی ننماید.

۳ - شخصی که به عنوان عضو یک پست کنسولی منصوب می‌گردد ممکن است قبل از ورود به سرزمین دولت پذیرنده یا چنانچه در سرزمین این دولت باشد پیش از اشتغال به وظایف خود در پست کنسولی، غیر قابل قبول اعلام گردد. در این صورت دولت فرستنده انتصاب او را لغو خواهد کرد.

۴ - در موارد مذکور در بندهای ۱ و ۳ ماده حاضر دولت پذیرنده ملزم به ارائه دلایل تصمیم خود به دولت فرستنده نمی‌باشد.

مادهٔ ۲۴ - اعلام انتصابات و ورود و خروج به دولت پذیرنده

۱ - مراتب زیر به وزارت امورخارجه دولت پذیرنده یا به مقامی که توسط وزارت تعیین می‌شود اعلام خواهد شد:

(الف) - انتصاب اعضاء پست کنسولی، ورود آنها پس از انتصاب به پست کنسولی، عزیمت قطعی و یا خاتمه مأموریت آنها و همچنین هرنوع تغییرات مربوط به وضع و موقعیت آنها که ممکن است طی انجام وظایف کنسولی روی دهد.

(ب) - ورود و عزیمت قطعی شخصی از افراد خانواده یکی از اعضاء پست کنسولی که اهل خانه او باشد و همچنین در صورت اقتضاء اینکه شخصی در شمار افراد خانواده یکی از اعضاء پست کنسولی درآمده یا از آن خارج شده است.

(ج) - ورود و عزیمت خدمتکاران شخصی و در صورت اقتضاء اتمام خدمت آنها در این سمت.

(د) استخدام و خاتمه دادن به خدمت اشخاصی که به عنوان عضو پست کنسولی یا به عنوان خدمتکار شخصی در قلمرو دولت پذیرنده اقامت دارند و از مزایای مصونیتها برخوردارند.

۲ - هر بار که ممکن باشد قبلاً هم، ورود و عزیمت قطعی باید اعلام گردد.

قسمت دوم
خاتمه مأموریت کنسولی

مادهٔ ۲۵ - خاتمه مأموریت اعضا پست کنسولی

وظایف یک عضو پست کنسولی از جمله در موارد زیر خاتمه می‌پذیرد:

(الف) - با اعلام دولت فرستنده به دولت پذیرنده دایر بر اینکه مأموریت او پایان یافته است.

(ب) - با لغو روانامه.

(ج) - با اعلام دولت پذیرنده به دولت فرستنده مبنی بر اینکه دولت پذیرنده دیگر عضو مزبور را جزء کارکنان کنسولی محسوب نمی‌دارد.

مادهٔ ۲٦ - عزیمت از سرزمین دولت پذیرنده

دولت پذیرنده حتی هنگام بروز منازعات مسلحانه به اعضا پست کنسولی و به خدمتکاران شخصی غیر از آنهائی که تابعیت دولت پذیرنده را دارند، و همچنین به افراد خانواده‌هایشان که اهل خانه آنها هستند بدون توجه به تابعیت آنهافرصت و تسهیلات لازم را خواهد داد تا بتواند مقدمات عزیمت خود را فراهم آورده و پس از خاتمه مأموریتشان در اولین فرصت ممکن سرزمین دولت پذیرنده را ترک کنند. دولت پذیرنده بویژه در صورت احتیاج وسائل حمل و نقل لازم جهت خود آنها و اموالشان را، بغیر از اموالی که در سرزمین دولت پذیرنده تهیه شده و صدور آن به هنگام خروج ممنوع است، در اختیار آنها قرار خواهد داد.

مادهٔ ۲۷ - حفاظت از اماکن و بایگانی کنسولی و منافع دولت فرستنده در شرایط استثنائی

۱ - درصورت قطع روابط کنسولی بین دو دولت:

(الف) - دولت پذیرنده حتی در صورت بروز منازعات مسلحانه اماکن کنسولی و اموال پست کنسولی و بایگانی کنسولی را مورد حمایت و حفاظت قرار خواهد داد.

(ب) - دولت فرستنده می‌تواند حفاظت از اماکن کنسولی و اموال موجود در آن و بایگانی کنسولی را به عهده دولت ثالثی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد بگذارد.

(ج) - دولت فرستنده می‌تواند یک دولت ثالث که مورد قبول دولت پذیرنده است عهده‌دار حفاظت از منافع خود و اتباعش بنماید.

۲ - در صورت بسته شدن یک پست کنسولی به طور موقت یا دائم، مقررات قسمت الف بند ۱ ماده حاضر مجری خواهد بود. علاوه بر این:

(الف) - هرچند که دولت فرستنده نزد دولت پذیرنده مأموریت دیپلماتیک نداشته باشد، چنانچه در سرزمین آن دولت دارای پست کنسولی دیگری باشد، ممکن است حفاظت از اماکن پست کنسولی بسته شده و اموال موجود در آن و بایگانی کنسولی به عهده پست کنسولی اخیر گذاشته شود و در صورت رضایت دولت پذیرنده انجام وظایف حوزه پست کنسولی تعطیل شده به آن محول گردد، یا،

(ب) - درصورتیکه دولت فرستنده مأموریت دپلماتیک و پست کنسولی دیگری نزد دولت پذیرنده نداشته باشد مقررات قستهای ب و ج بند ۱ ماده حاضر مجری خواهد بود.

فصل دوم
تسهیلات - مزایا و مصونیتهای پستهای کنسولی و مأموران کنسولی کاریری و سایر اعضاء پست کنسولی
قسمت اول
تسهیلات - مزایا و مصونیتهای مربوط به پست کنسولی

مادهٔ ۲۸ - تسهیلات اعطائی به پست کنسولی جهت انجام امور

دولت پذیرنده کلیه تسهیلات لازم را جهت انجام امور پست کنسولی اعطاء خواهد نمود.

مادهٔ ۲۹ - استفاده از پرچم و علامت ملی

۱ - دولت فرستنده طبق ماده حاضر حق دارد در قلمرو دولت پذیرنده از پرچم و علامت ملی خود استفاده نماید.

۲ - پرچم دولت فرستنده و علامت ملی آنرا می‌توان برفراز و بر در ورودی عمارتی که پست کنسولی در آن مستقرشده و همچنین در اقامتگاه رئیس پست کنسولی و بر وسائط نقلیه او هنگامیکه برای امور اداری مورد استفاده واقع می‌شود، برافراشته یانصب نمود.

۳ - در اعمال حقی که به موجب ماده حاضر اعطاء گردیده است قوانین و مقررات و عرف دولت پذیرنده باید مراعات گردد.

مادهٔ ۳۰ - مسکن

۱ - دولت پذیرنده باید در حدود قوانین و مقررات خود موجبات تسهیل تملیک دولت فرستنده را از لحاظ اماکن مورد احتیاج پست کنسولی در سرزمین خود فراهم نماید و یا در تحصیل این اماکن از طریق دیگر به دولت فرستنده یاری کند.

۲ - دولت پذیرنده همچنین درصورت لزوم باید پست کنسولی را در تهیه مسکن مناسب برای اعضا خود یاری نماید.

مادهٔ ۳۱ - مصونیت اماکن کنسولی از تعرض

۱ - اماکن کنسولی تا حدود مقرر در ماده حاضر مصونیت دارند.

۲ - مقامات دولت پذیرنده نمی‌توانند به آن قسمت از اماکن کنسولی که منحصراً برای انجام امور پست کنسولی مورد استفاده قرارمی‌گیرد داخل شوند مگر با رضایت رئیس پست کنسولی یا شخصی که از طرف او تعین می‌شود یا رئیس مأموریت دیپلماتیک دولت فرستنده. لیکن درصورت وقوع آتش‌سوزی یا حوادث ناگوار دیگری که مستلزم اقدامات حفاظتی فوری باشد رضایت رئیس پست کنسولی را می توان کسب شده فرض نمود.

۳ - تحت مقررات بند ۲ ماده حاضر دولت پذیرنده وظیفه‌ای خاص دارد کلیه تدابیر لازم را به منظور اینکه اماکن کنسولی مورد تجاوز و خسارت قرار نگرفته و آرامش شئون آن متزلزل نگردد اتخاذ نمایند.

۴ – اماکن کنسولی و اسباب و اثاثه آن و اموال پست کنسولی و وسائل نقلیه آن از هرنوع مصادره به منظور دفاع ملی یا انتفاع عمومی مصون خواهد بود.

چنانچه برای این مقاصد سلب مالکیت ضروری باشد کلیه تدابیر ممکن جهت احتراز از ایجاد موانع در راه انجام وظایف کنسولی اتخاذ خواهد شدو غرامت فوری و مناسب و کافی به دولت فرستنده پرداخت خواهد گردید.

مادهٔ ۳۲ – معافیت مالیاتی اماکن کنسولی

۱ – اماکن کنسولی و محل اقامت رئیس کاریری پست کنسولی که مالک یا مستأجر آن دولت فرستنده یا نماینده آن می‌باشد از پرداخت هرنوع مالیات و عوارض مملکتی و منطقه‌ای و یا شهری معاف خواهد بود مگر آنکه دریافت این مالیاتها یا عوارض در ازاء انجام خدمات خاص باشد.

۲ – درصورتیکه طبق قوانین و مقررات دولت پذیرنده پرداخت این مالیاتها و عوارض به عهده شخصی باشد که با دولت فرستنده یا با نماینده آن معامله می‌کند، معافیت مالیاتی موضوع ۱ بند ماده حاضر منتفی خواهد بود.

مادهٔ ۳۳ – مصونیت بایگانی و اسناد کنسولی از تعرض بایگانی و اسناد کنسولی در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون خواهد بود.

مادهٔ ۳۴ – آزادی رفت وآمد

دولت پذیرنده آزادی رفت و آمد مسافرت تمام اعضاء پست کنسولی را در سرزمین خود با رعایت قوانین و مقررات مربوط به مناطقی که ورود بدان از لحاظ امنیت ملی ممنوع بوده و یا تابع مقررات خاصی است، تأمین می‌نماید.

مادهٔ ۳۵ – آزادی ارتباطات

۱ – دولت پذیرنده آزادی ارتباطات پست کنسولی را برای مقاصد رسمی اجازه داده و حمایت خواهد نمود. پست کنسولی به منظور برقراری ارتباط با حکومت و مأموریتهای دیپلماتیک و دیگر پستهای کنسولی دولت فرستنده در هرجا که باشند می‌توانند از تمام وسایل ارتباطی لازم منجمله از پیکهای دیپلماتیک یاکنسولی و همچنین کیسه‌های دیپلماتیک یاکنسولی و پیامهای «کد» یا رمز استفاده کند. لیکن پست کنسولی فقط با رضایت دولت پذیرنده می‌تواند اقدام به نصب و استفاده از دستگاه فرستنده رادیوئی نماید.

۲ – مکاتبات رسمی پست کنسولی مصون از تعرض خواهد بود. مکاتبات رسمی عبارتست از کلیه مکاتباتی که مربوط به پست کنسولی و وظایف آن می‌باشد.

۳ – کیسه کنسولی نباید باز یا توقیف شود. معهذا چنانچه مقامات ذیصلاحیت دولت پذیرنده دلایل کافی داشته باشند که کیسه کنسولی حاوی چیزی غیر از مکاتبات و اسناد یا اقلام مذکور در بند ۴ ماده حاضر است، می‌توانند تقاضا کنند که کیسه مزبور توسط نماینده مجاز دولت فرستنده در حضور آنها باز

شود. چنانچه این تقاضا از طرف دولت فرستنده رد شود کیسه مزبور به مبدأ آن عودت داده خواهد شد.

۴ - بسته‌های جزء کیسه کنسولی باید دارای علامت خارجی مشهود و مشخص کیفیت آن بوده، فقط حاوی مکاتبات رسمی اسناد یا اشیائی که منحصراً مورد استعمال رسمی دارند باشد.

۵ - پیک کنسولی باید دارای مدرک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته‌های جزء کیسه کنسولی باشد. بدون کسب رضایت دولت پذیرنده پیک کنسولی نباید از اتباع دولت اخیر بوده یا به استثنای موردی که که پیک مزبور از اتباع دولت فرستنده باشد - در قلمرو دولت پذیرنده اقامت دائمی داشته باشد. پیک کنسولی در انجام وظایف خود مورد حمایت دولت پذیرنده خواهد بود شخص پیک مصون از تعرض می‌باشد و به هیچ نحو نمی‌توان او را توقیف یا زندانی نمود.

۶ - دولت فرستنده و مأموریتهای دیپلماتیک و همچنین پستهای کنسولی آن می‌توانند پیکهای کنسولی مخصوص تعیین نمایند. در این مورد نیز مقررات بند ۵ ماده حاضر و مصونیتهای مندرج در آن فقط تا زمانی که پیک مزبور کیسه کنسولی خود را به مقصد می‌رساند، جاری خواهد بود.

۷ - کیسه کنسولی را می‌توان به فرمانده کشتی یا هواپیمای بازرگانی که باید در یک محل ورودی مجاز توقف کند سپرد. فرمانده مزبور باید دارای مدارک رسمی حاکی از تعداد بسته‌های جزء کیسه کنسولی باشد. لکن وی پیک کنسولی تلقی نخواهد شد.

پست کنسولی می‌تواند متعاقب ترتیباتی که با مقامات ذیصلاحیت محلی می‌دهد یکی از اعضای خود را برای دریافت مستقیم و آزادانه کیسه کنسولی از شخص فرمانده کشتی‌یا هواپیما اعزام دارد.

مادهٔ ۳۶ - ارتباط و تماس با اتباع دولت فرستنده

۱ - به منظور تسهیل انجام وظایف پست کنسولی در مورد اتباع دولت فرستنده:

(الف) - مأموران کنسولی آزاد خواهند بود که با اتباع دولت فرستنده ارتباط برقرار کنند و به آنها دسترسی داشته باشند. اتباع دولت فرستنده نیز درمورد برقراری ارتباط با مأمورین کنسولی دولت متبوع خود و دسترسی داشتن با آنها از همان آزادی برخوردار خواهند بود.

(ب) - درصورتیکه در حوزه کنسولی - یکی از اتباع دولت فرستنده توقیف یا زندانی و یا در انتظار محاکمه بازداشت و یا به هرصورت دیگر توقیف شده باشد، مقامات صلاحیتدار دولت پذیرنده بنا به تقاضای ذینفع بدون تأخیر مراتب را به پست کنسولی دولت فرستنده اطلاع خواهند داد. مراسلات و مکاتبات شخص توقیف یا زندانی یا بازداشت شده خطاب به پست کنسولی بدون تأخیر به مقامات مذکور ارسال خواهد شد. مقامات مذکور حقوقی را که شخص دینفع به موجب این بند داراست، به اطلاع خواهند رسانید.

(ج) - مأموران کنسولی حق خواهند داشت تبعه دولت فرستنده را که زندانی یا بازداشت یا توقیف شده است ملاقات و با او مذاکره و مکاتبه نمایند و ترتیب نمایندگی قانونی او را بدهند. مأموران کنسولی همچنین حق خواهند داشت هر تبعه دولت فرستنده را که طبق رأی دادگاه در حوزه کنسولی آنها زندانی

یا توقیف یا پس از محاکمه بازداشت شده است ملاقات کند لیکن چنانچه بسته دولت فرستنده که زندانی یا توقیف یا بازداشت شده است صریحاً نسبت به اقدام مأموران کنسولی از طرف او مخالفت ورزد مأموران کنسولی از این کار خودداری خواهند نمود.

۲ - حقوق مذکور در بند یک این ماده در حدود قوانین و مقررات دولت پذیرنده اعمال خواهد شد. معهذا قوانین و مقررات مزبور باید هدفهائی راکه حقوق مندرج در این ماده برای نیل به آن پیش‌بینی شده، میسر سازد.

مادهٔ ۳۷ - اطلاعات مربوط به فوت و قیمومت و سرپرستی و غرق کشتی و سانحه هوائی

(الف) - درصورت فوت یکی از اتباع دولت فرستنده، مراتب را بدون تأخیر به پست کنسولی که فوت در حوزه آن رخ داده، اطلاع دهند.

(ب) - در هرمورد که نصب قیم یا سرپرست به نفع تبعه صغیر یا محجور دولت فرستنده مقتضی باشد باید موضوع را بدون تأخیر به پست کنسولی ذیصلاحیت اطلاع دهند. لیکن اجرای قوانین و مقررات دولت پذیرنده در مورد نصب این قیم یا سرپرست محفوظ خواهد ماند.

(ج) - چنانچه یک کشتی که دارای تابعیت دولت فرستنده است در دریای سرزمین دولت پذیرنده یا در آبهای داخلی آن غرق شود یا به گل بنشیند و همچنین اگر هواپیمائی که نزد دولت فرستنده به ثبت رسیده است در سرزمین دولت پذیرنده دچار سانحه‌ای گردد باید موضوع را بدون تأخیر به نزدیکترین پست کنسولی محل واقعه اطلاع دهند.

مادهٔ ۳۸ - ارتباط با مقامات دولت پذیرنده

مأموران کنسولی می‌توانند در انجام وظایف خود به مقامات زیر رجوع نمایند:

(الف) - مقامات صلاحیتدار محل حوزه کنسولی خود.

(ب) - مقامات مرکزی صلاحیتدار دولت پذیرنده چنانچه و تا حدودیکه در قوانین و مقررات و عرف دولت پذیرنده یا در موافقتنامه‌های بین‌المللی مربوط مجاز باشد.

مادهٔ ۳۹ - حقوق و عوارض گمرکی

۱ - پست کنسولی می‌تواند حقوق و عوارضی راکه به موجب قوانین و مقررات دولت فرستنده برای امور کنسولی پیش‌بینی گردیده در سرزمین دولت پذیرنده دریافت نمایند.

۲ - مبالغی که بصورت حقوق و عوارض کنسولی مذکور در بند ۱ ماده حاضر جمع‌آوری می‌شود و همچنین رسیدهای مربوط به آن از شمول هرنوع عوارض و مالیات در دولت پذیرنده معاف خواهد بود.

قسمت دوم

تسهیلات - مزایا و مصونیتهای مأموران کنسولی کاریری و دیگر اعضا پست کنسولی

مادهٔ ۴۰ - حمایت از مأموران کنسولی

دولت پذیرنده با مأموران کنسولی رفتار محترمانه‌ای که در شأن آنهاست خواهد داشت و اقدامات لازم

را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت آنها اتخاذ خواهدکرد.

مادهٔ ۴۱ – مصونیت شخصی مأموران کنسولی از تعرض

۱ – مأموران کنسولی را نمی‌توان مگر درصورت ارتکاب جنایتی وخیم و متعاقب تصمیم مقام قضائی صلاحیتدار توقیف یا در انتظار محاکمه بازداشت نمود.

۲ – به استثنای مورد مذکور در بند ۱ ماده حاضر مأموران کنسولی را نمی‌توان زندانی نمود یا آزادی شخصی آنها را به بنحو دیگری محدود ساخت مگر در اجرای یک تصمیم قضائی که جنبه قطعی داشته باشد.

۳ – اگر مأمور کنسولی تحت تعقیب جزائی قرار گیرد باید نزد مقامات صلاحیتدار حاضر شود. معذالک این تعقیب باید با رعایت احترامی که در شأن مقام رسمی مأمور کنسولی است بعمل آید و جز در مورد مذکور دربند ۱ ماده حاضر تا حد امکان کمتر مانع از انجام وظایف کنسولی او گردد. هنگامی که در شرایط مذکور در بند ۱ این ماده بازداشت مأمور کنسولی ضروری باشد رسیدگی به دعوای اقامه شده علیه او باید هر چه زودتر شروع گردد.

مادهٔ ۴۲ – اعلام موارد توقیف و بازداشت و تعقیب

درصورت توقیف و یا بازداشت یکی از کارکنان کنسولی یا تعقیب جزائی علیه او – دولت پذیرنده فوراً موضوع را به رئیس پست کنسولی مربوطه اطلاع خواهد داد. اگر شخص اخیرالذکر خود موضوع اینگونه اقدامات قرار گیرد، دولت پذیرنده مراتب را از مجرای دیپلماتیک به اطلاع دولت فرستنده خواهد رساند.

مادهٔ ۴۳ – مصونیت قضائی

۱ – مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی درمورد اعمالی که در انجام وظایف کنسولی خود به عمل می‌آورند در برابر مقامات قضائی یا اداری دولت پذیرنده مصونیت قضائی خواهند داشت.

۲ – معذالک مقررات بند ۱ ماده حاضر شامل دعاوی حقوقی زیر نمی‌شود:

(الف) – دعوای حقوقی ناشی از قراردادی که توسط یک مأمور کنسولی یا کارمند کنسولی منعقد گردیده لکن او قرارداد مزبور را تلویحاً یا تصریحاً بعنوان نماینده و یا کارگزار دولت فرستنده منعقد نساخته است.

(ب) – دعوای حقوقی شخص ثالث در مورد خسارت ناشی از تصادفات وسیله نقلیه و کشتی یا هواپیما، در قلمرو دولت پذیرنده.

مادهٔ ۴۴ – الزام به ادای شهادت

۱ – اعضای پست کنسولی را می‌توان بعنوان شهود در محاکمات قضائی یا اداری احضار نمود. کارمندان کنسولی و خدمتگزاران نمی‌توانند مگر در موارد مذکور در بند ۳ این ماده از ادای شهادت خودداری کنند. چنانچه مأمور کنسولی از ادای شهادت خودداری کند هیچ نوع اقدام قهری یا مجازات درباره او بعمل نخواهد آمد.

۲ - مقامی که از مأمور کنسولی تقاضای شهادت می‌نماید، باید از مداخله در انجام وظایف او احتراز نماید. مقام فوق‌الذکر می‌تواند در صورت امکان شهادت را در محل اقامت مأمور یا در پست کنسولی استماع یا به صورت شهادت کتبی بپذیرد.

۳ - اعضاء یک پست کنسولی موظف نیستند در مورد اموری که با انجام وظایف آنها ارتباط پیدا می‌کند شهادت داده و مکاتبات و اسناد رسمی مربوط به آن ارائه دهند و همچنن حق دارند از ادای شهادت بعنوان کارشناس حقوق داخلی دولت فرستنده امتناع ورزند.

مادهٔ ۴۵ - سلب مزایا و مصونیتها

۱ - دولت فرستنده می‌تواند هر یک از مزایا و مصونیت‌های مذکور در مواد ۴۱ و ۴۲ و ۴۴ را از یک عضو پست کنسولی سلب کند.

۲ - سلب مزایا و مصونیتها در تمام موارد با رعایت مقررات بند ۳ ماده حاضر باید صریح بوده و کتباً به دولت پذیرنده ابلاغ گردد.

۳ - چنانچه مأمور کنسولی یا کارمند کنسولی در خصوص موضوعی اقامه دعوی نماید که طبق ماده ۴۳ می‌تواند در آن موضوع از مصونیت قضائی برخوردار باشد، در این صورت نمی‌تواند در مورد هرگونه دعاوی متقابل که مستقیماً با دعوای اصلی مربوط می‌شود به مصونیت قضائی استناد نماید.

۴ - سلب مصونیت قضائی به منظور دادرسی حقوقی یا اداری در حکم سلب مصونیت از اقدامات اجرائی ناشی از حکم دادگاه نخواهد بود. در مورد اینگونه اقدامات اجرائی سلب مصونیت باید جداگانه صورت گیرد.

مادهٔ ۴۶ - معافیت از مقررات ثبت نام بیگانگان و پروانه اقامت

۱ - مأموران و کارمندان کنسولی و اعضاء خانواده آنها که اهل خانه انها باشند از کلیه تعهدات ناشی از قوانین و مقررات دولت پذیرنده در خصوص ثبت نام بیگانگان و پروانه اقامت معاف خواهند بود.

۲ - معذالک مقررات بند ۱ ماده حاضر شامل یک کارمند کنسولی که کارمند دائمی دولت فرستنده نبوده یا در سرزمین دولت پذیرنده به کار خصوصی انتفاعی اشتغال دارد و همچنین شامل اعضاء خانواده او نخواهد بود.

مادهٔ ۴۷ - معافیت از پروانه کار

۱ - اعضاء پست کنسولی در مورد خدماتی که برای دولت فرستنده انجام می‌دهند از هرگونه الزامات مربوط به پروانه کار که به موجب قوانین و مقررات دولت پذیرنده درباره استخدام کارکنان بیگانه وضع می‌گردد، معاف خواهند بود.

۲ - خدمتکاران شخصی مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی نیز چنانچه در قلمرو دولت پذیرنده به هیچگونه کار انتفاعی اشتغال نداشته باشند از الزامات مذکور در بند ۱ ماده حاضر معاف خواهند بود.

مادهٔ ۴۸ - معافیت از مقررات بیمه‌های اجتماعی

۱ - تحت مقررات بند ۳ ماده حاضر اعضاء پست کنسولی در مورد خدماتی که برای دولت فرستنده انجام می‌دهند و همچنین اعضاء خانواده آنها که اهل خانه آنها باشند از مقررات بیمه اجتماعی که ممکن است در سرزمین دولت پذیرنده مجری باشد، معاف خواهند بود.

۲ - معافیت مقرر در بند ۱ ماده حاضر شامل خدمتکاران شخصی که منحصراً در استخدام اعضاء پست کنسولی هستند نیز می‌گردد، مشروط بر آنکه:

(الف) - خدمتکاران مذکور تابعیت دولت پذیرنده را نداشته باشند یا در سرزمن آن دولت مقیم دائم نباشند.

(ب) - مقررات بیمه‌ها اجتماعی دولت فرستنده یا یک دولت ثالث در مورد خدمتکاران مذکور اعمال گردد.

۳ - اعضاء پست کنسولی باید در مورد اشخاصی که در خدمت آنها هستند و مشمول معافیت مذکور در بند ۲ ماده حاضر نمی‌باشند تکالیف ناشی از مقررات بمه‌های اجتماعی دولت پذیرنده را که به کارفرمایان تحمیل می‌شود، رعایت نمایند.

۴ - معافیت مذکور در بندهای ۱ و ۲ ماده حاضر مانع از قبول بالاختیار و استفاده از مقررات بیمه اجتماعی دولت پذیرنده تا حدئیکه مورد قبول این دولت باشد نخواهد بود.

مادهٔ ۴۹ - معافیت مالیاتی

۱ - مأموران کنسولی و کارمندان کنسولی و همچنین اعضاء خانواده آنها که اهل خانه آنها هستند از پرداخت کلیه عوارض و مالیاتهای شخصی یا مالی یا مملکتی یا منطقه‌ای یا شهری جز در موارد زیر معاف خواهند بود:

(الف) - مالیاتهای غیر مستقیم که معمولاً جزء قیمت کالاها یا خدمات محسوب می‌شود.

(ب) - عوارض و مالیاتهای مربوط به اموال غیرمنقول خصوصی واقع در سرزمین دولت پذیرنده با رعایت مقررات ماده ۳۲.

(ج) - مالیات بر ارث و عوارض مربوط به انتقال که از طرف دولت پذیرنده دریافت می‌گردد با رعایت مقررات بند (ب) ماده ۵۱.

(د) - عوارض و مالیاتهای مأخوذه از درآمدهای شخصی از جمله سود سرمایه حاصل در قلمرو دولت پذیرنده و همچنین مالیات بر سرمایه‌های بکار افتاده در بنگاههای تجارتی یا مالی آن دولت.

(هـ) - مالیات و عوارضی که در قبال انجام خدمات خاص وصول می‌شود.

(و) - هزینه‌های ثبت دادرسی و رهن و تمبر با رعایت مقررات ماده ۳۲.

۲ - خدمه از پرداخت مالیات و عوارض بابت مزدی که در قبال انجام وظیفه دریافت می‌دارند معاف می‌باشند.

۳ - اعضاء پست کنسولی که اشخاصی را که دستمزد یا حقوق آنها در سرزمین دولت پذیرنده از مالیات

بر درآمد معاف نیست استخدام می نمایند، باید تکالیفی را که قوانین و مقررات دولت پذیرنده در مورد دریافت مالیات بردرآمد بعهده کارفرمایان گذارده، رعایت کنند.

مادهٔ ۵۰ – معافیت از حقوق گمرکی و بازرسی گمرکی

۱ – دولت پذیرنده طبق قوانین و مقرراتی که ممکن است وضع نماید ورود اشیاء زیر را با معافیت از حقوق گمرکی و عوارض و سایر هزینه‌های فرعی، جز مخارج انبارداری و باربری و هزینه‌های ناشی از از خدمات مشابه، اجاره خواهد داد.

(الف) – اشیاء مورد استفاده رسمی پست کنسولی.

(ب) – اشیاء مورد استفاده شخصی مأمور کنسولی و یا اعضاء خانواده او که اهل خانه او هستند ازجمله اثاثه‌ای که برای منزل خود لازم دارد. اشیاء مصرفی نباید از مقداری که برای استفاده مستقیم اشخاص ذینفع لازم است تجاوز کند.

۲ – کارمندان کنسولی از مزایا و معافیتهای مذکور در بند ۱ ماده حاضر در مورد اشیائی که هنگام استقرار اولیه خود وارد می‌کنند برخوردار می‌باشند.

۳ – اثاثه شخصی همراه مأموران کنسولی و اعضاء خانواده آنها که اهل خانه آنها هستند از بازرسی گمرکی معاف خواهند بود. مگر اینکه دلایل جدی دال بر وجود اشیائی در آن که مشمول معافیتهای مندرج در قسمت (ب) بند ۱ ماده حاضر نیست در دست بوده و یا ورود و صدور آن اشیاء به موجب قوانین و مقررات دولت پذیرنده ممنوع یا مشول قوانین یا مقررات قرنطینه باشد. این بازرسی در حضور مأمور کنسولی یا عضو ذینفع خانواده او بعمل خواهد آمد.

مادهٔ ۵۱ – ماترک عضویت کنسولی یا عضو خانواده او

در صورت فوت عضو پست کنسولی یا عضوی از خانواده او که اهل خانه او باشد دولت پذیرنده ملزم است:

(الف) – خروج اموال منقول متوفی را به استثنای اموال منقولی که در قلمرو دولت پذیرنده تحصیل شده و در زمان فوت او ممنوع‌الصدور بوده است اجازه دهد.

(ب) – از اموال منقولی که وجود آن در قلمرو دولت پذیرنده صرفاً بسبب حضور متوفی در آنجا به عنوان عضو پست کنسولی یا عضو خانواده یک عضو پست کنسولی بوده و حقوق و عوارض مملکتی یا منطقه‌ای یا شهری مربوط به ارث و انتقال اخذ نخواهد کرد.

مادهٔ ۵۲ – معافیت از خدمات و کمکهای شخصی

دولت پذیرنده اعضاء پست کنسولی و اعضا خانواده آنها را که اهل خانه آنها هستند از انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی بهر صورت و شکل و الزامات نظامی از قبیل مصادره و بیگاری و اسکان افراد نظامی معاف خواهد داشت.

مادهٔ ۵۳ – آغاز و پایان مصونیتهای کنسولی

۱ – هرعضو پست کنسولی به مجرد ورود به سرزمین دولت پذیرنده جهت تصدی و مأموریت خود یا اگر قبلاً در سرزمین آن دولت باشد، از لحظه‌ای که در پست کنسولی مربوطه شروع به انجام وظیفه می‌کند، از مزایا و مصونیتهای مذکور در این کنوانسیون بهره‌مند خواهد شد.

۲ – اعضاء خانواده یک عضو پست کنسولی که اهل خانه او هستند و همچنین خدمتکاران شخصی او از تاریخی که عضو پست کنسولی نامبرده بر طبق مقررات بند یک ماده حاضر از مزایا و مصونیتها برخوردار شده یا از تاریخ ورود آنهابه سرزمین دولت پذیرنده یا از تاریخی که که آنها جزو اعضای خانواده یا جزو خدمتکاران شخصی عضو پست کنسولی مزبور درآمده‌اند (هرتاریخی که مؤخر باشد) از مزایا و مصونیتهای مذکور در این کنوانسون بهره‌مند خواهند شد.

۳ – وقتیکه مأموریت عضو پست کنسولی پایان می‌یابد مزایا و مصونیت‌های او و اعضای خانواده او که اهل خانه وی هستند و همچنین خدمتکاران شخصی او از لحظه‌ای که شخص مربوطه سرزمین دولت پذیرنده را ترک می‌کند یا پس از انقضای مهلت مناسبی که بدین منظور به او داده شده است (هرتاریخی که مقدم باشد) طبیعتاً قطع خواهد شد. لیکن این مزایا و مصونیتها حتی در صورت وجود منازعات مسلحانه تا این موعد ادامه خواهد داشت.

مزایا و مصونیتهای اشخاص مذکور در بند ۲ ماده حاضر از از تاریخی که آنها دیگر اهل خانه عضو پست کنسولی نباشند یا از خدمت او برکنار شوند قطع می‌گردد. معذالک بدیهی است که اگر این اشخاص قصد داشته باشند سرزمین دولت پذیرنده را ظرف مهلت مناسبی پس از تاریخ مزبور ترک کنند مزایا و مصونیتهای ایشان تا زمان عزیمت ادامه خواهد یافت.

۴ – معهذا مصونیت قضائی نسبت به اعمالی که مأمور کنسولی یا کارمند کنسولی در اجرای وظایف خود انجام داده، بدون محدودیت زمانی همچنان ادامه خواهد یافت.

۵ – در صورت فوت یک عضو پست کنسولی، اعضاء خانواده او که اهل خانه او هستند، همچنان از مزایا و مصونیتهای اعطاء شده به آنها تا وقتی که سرزمین دولت پذیرنده را ترک کنند یا تا انقضای مهلت مناسبی که بدین منظور به آنها داده شده است (هر تاریخی که مقدم باشد) بهره‌مند خواهد بود.

مادهٔ ۵۴ – تکالیف دولتهای ثالث

۱ – اگر مأمور کنسولی بقصد تصدی پست یا مراجعت به محل مأموریت خود یا برای مراجعت به قلمرو دولت فرستنده از سرزمین دولت ثالثی که در صورت لزوم برای او روادید صادر نموده عبور می‌کند یا در آنجا حضور دارد، دولت ثالث کلیه مصونیتهای مذکور در سایر مواد این کنوانسیون راکه برای تأمین عبور یا بازگشت مأمور کنسولی لازم باشد به او اعطا خواهد نمود.

همین مقررات از طرف دولت ثالث در مورد اعضای خانواده مأمور کنسولی که اهل خانه او هستند و از مزایا و مصونیتها بهره‌مندند و همراه مأمور کنسولی می‌باشند یا برای پیوستن به او یامراجعت به سرزمین

دولت فرستنده جداگانه مسافرت می‌کنند - اعمال خواهد شد.

۲ - دولتهای ثالث نباید در شرایط مشابه آنچه در بند اول ماده حاضر مقرر است عبور سایر اعضای پست کنسولی یا اعضای خانواده آنها را که اهل خانه آنها هستند از سرزمین خود دچار اشکال سازند.

۳ - دولتهای ثالث نسبت به مکاتبات و سایر ارتباطات رسمی از جمله پیامهای «کد» و رمز که از خاک آنها می‌گذرد همان آزادی و حمایتی را اعطاء خواهند کرد که دولت پذیرنده طبق این کنوانسیون ملزم به رعایت آن است و نسبت به پیکهای کنسولی که در صورت لزوم روادید تحصیل کرده‌اند و نسبت به کیسه‌های کنسولی عبوری همان مصونیت از تعرض و حمایتی را که دولت پذیرنده طبق این کنوانسون ملزم به رعایت آن است، اعطا خواهند کرد.

۴ - تکالیف دولتهای ثالث طبق بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده حاضر همچنین نسبت به اشخاص مذکور در این بندها و ارتباطات رسمی و کیسه‌های کنسولی نیز که بعلت «فورس ماژور» در سرزمین دولت ثابت می‌باشند مجری خواهد بود.

مادهٔ ۵۵ – احترام به قوانین و مقررات دولت پذیرنده

۱ - کلیه اشخاصی که از مزایا و مصونیتها بهره‌مند می‌باشند بدون آنکه به مزایا و مصونیتهای آنان لطمه‌ای وارد آید مکلفند قوانین و مقررات دولت پذیرنده را محترم شمرده و از مداخله در امور داخلی آن کشور خودداری نمایند.

۲ - اماکن کنسولی طوری مورد استفاده قرار خواهد گرفت که با انجام وظایف کنسولی مغایر نباشد.

۳ - مقررات بند ۲ ماده حاضر مانع ازآن نخواهد بود که دفاتر سازمانها یا آژانسهای دیگر در قسمتی از بناهائی که اماکن کنسولی در آن قرار دارد مستقر گردد- مشروط بر آنکه اماکنی که به این امور اختصاص داده می‌شود از اماکن مورد استفاده پست کنسولی مجزا باشد. در این صورت از لحاظ این کنوانسیون دفاتر مزبور به عنوان قسمتی از اماکن کنسولی تلقی نخواهد شد.

مادهٔ ۵۶ – بیمه خسارت وارده به شخص ثالث

اعضای پست کنسولی باید خود را با الزامات قوانین و مقررات دولت پذیرنده در مورد بیمه خسارات وارده به شخص ثالث ناشی از استفاده از وسایل نقلیه زمینی و کشتی یا هواپیما منطبق سازند.

مادهٔ ۵۷ – مقررات خاص درباره اشتغال به امور خصوصی انتفاعی

۱ - مأموران کنسولی کاریری نباید در سرزمین دولت پذیرنده مبادرت به فعالیت حرفه‌ای یا تجارتی به قصد انتفاع شخصی بنمایند.

۲ - مزایا و مصونیتهای مذکور در این فصل به اشخاص زیر اعطا نخواهد شد:

(الف) - کارمندان کنسولی یا خدمه کنسولگری که در قلمرو دولت پذیرنده به مشاغل خصوصی انتفاعی اشتغال دارند.

(ب) - اعضاء خانواده شخص مذکور در قسمت الف این بند یا خدمتکاران شخصی او -

(ج) - اعضاء خانواده پست کنسولی که خود آنها در قلمرو دولت پذیرنده به مشاغل خصوصی انتفاعی اشتغال دارند.

فصل سوم

رژیم مربوط به مأموران کنسولی افتخاری و پستهای کنسولی که تحت ریاست این قبیل مأموران است.

مادهٔ ۵۸ - مقررات عمومی مربوط به تسهیلات و مزایا و مصونیتها

۱ - مواد ۲۸ - ۲۹ - ۳۰ - ۳۴ - ۳۵ - ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۳۹ - و بند ۳ ماده ۵۴ و بندهای ۲ و ۳ ماده ۵۵ در مورد پستهای کنسولی که ریاست انها با مأموران کنسولی افتخاری است مجری خواهد بود. بعلاوه تسهیلات و مزایا و مصونیتهای این قبیل پستهای کنسولی بر طبق مواد ۵۹ - ۶۰ - ۶۱ - ۶۲ خواهد بود.

۲ - مواد ۴۲ و ۴۳ و بند ۳ مواد ۴۵ و ۵۳ و بند ۱ ماده ۵۵ در مورد مأموران کنسولی افتخاری مجری می‌باشد. تسهیلات و مزایا و مصونیتهای این قبیل مأموران کنسول بر طبق مواد ۶۳ - ۶۴ - ۶۵ - ۶۶ و ۶۷ خواهد بود.

۳ - مزایا و مصونیتهای مذکور در کنوانسیون حاضر به اعضای خانواده مأمور کنسولی افتخاری و یا به اعضای خانواده کارمند کنسولی شاغل در یک پست کنسولی که در رأس آن مأمور کنسولی افتخاری قراردارد تعلق نخواهد گرفت.

۴ - مبادله کیسه‌های کنسولی بین دو پست کنسولی واقع در سرزمین دو دولت مختلف که ریاست آنها با مأموران کنسولی افتخاری است بدون رضایت دو دولت پذیرنده مجاز نخواهد بود.

مادهٔ ۵۹ - حمایت از اماکن کنسولی

دولت پذیرنده اقدامات لازم را بعمل خواهد آورد که اماکن پست کنسولی تحت ریاست مأمور کنسولی افتخاری حمایت گردیده و مورد تجاوز یا خسارت قرار نگرفته و آرامش و شئون آن متزلزل نگردد.

مادهٔ ۶۰ - معایت اماکن کنسولی از مالیات

۱ - اماکن پست کنسولی که ریاست آن با مأمور کنسولی افتخاری و در مالکیت یا اجاره دولت فرستنده است از پرداخت کلیه مالیاتها و عوارض مملکتی یا منطقه‌ای یا شهری معاف خواهد بود مگر آنکه دریافت این مالیاتها و عوارض در ازاء انجام خدمات خاص باشد.

۲ - درصورتیکه طبق قوانین و مقررات دولت پذیرنده پرداخت این مالیاتها و عوارض به عهده شخصی باشد که با دولت فرستنده معامله میکند، معافیت مالیاتی موضوع بند ۱ ماده حاضر منتفی خواهد بود

مادهٔ ۶۱ - مصونیت بایگانی و اسناد کنسولی از تعرض

بایگانی و اسناد پست کنسولی که ریاست آن با مأمور کنسولی افتخاری است در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون خواهد بود.مشروط بر آنکه از اوراق و اسناد دیگر و مخصوصاً از مکاتبات خصوصی

رئیس پست کنسولی و هر شخص دیگری که با او کار می‌کند و همچنین از اموال و کتب و اسناد مربوط به حرفه یا کسب وکار آنها مجزا باشد.

مادهٔ ٦٢ – معافیت از حقوق و عوارض گمرکی

دولت پذیرنده طبق قوانین و مقرراتی که ممکن است وضع نماید ورود اشیاء زیر را با معافیت از حقوق گمرکی و عوارض و سایر هزینه‌های فرعی جزء مخارج انبارداری و باربری و هزینه‌های ناشی از خدمات مشابه اجازه خواهد داد، مشروط بر آنکه این اشیاء برای استفاده رسمی پست کنسولی که ریاست آن با مأمور کنسولی افتخاری است باشد:

علائم و نشان رسمی، پرچم، لوحه سردر ورودی، مهر کتاب، انتشارات رسمی، اثاثه و لوازم اداره و اشیاء مشابه دیگر که توسط یا بنا به سفارش دولت فرستنده در اختیار پست کنسولی مزبور قرار گرفته باشد.

مادهٔ ٦٣ – تعقیب جزائی

اگر مأمور کنسولی افتخاری تحت تعقیب جزائی قرار گیرد باید نزد مقامات صلاحیتدار حاضر شود. معهذا این تعقیب باید با رعایت احترامی که در شأن مقام رسمی مأمور کنسولی افتخاری است بعمل آید و درصورتیکه ذینفع بازداشت یا زندانی باشد نیز این تعقیب به نحوی صورت گیرد که تا حد امکان کمتر مانع از انجام وظایف کنسولی او گردد. هنگامیکه بازداشت مأمور کنسولی افتخاری ضروری باشد، رسیدگی به دعوای اقامه شده علیه او باید هرچه زودتر شروع گردد.

مادهٔ ٦٤ – حمایت از مأموران کنسولی افتخاری

دولت پذیرنده وظیفه دارد از مأمور کنسولی افتخاری به نحوی که با مقام رسمی او ملازمت دارد، حمایت نماید.

مادهٔ ٦٥ – معافیت از مقررات مربوط به ثبت نام بیگانگان و اجازه اقامت

مأموران کنسول افتخاری به استثنای آنهائی که به منظور انتفاع شخصی در قلمرو دولت پذیرنده به فعالت حرفه‌ای یا تجارتی اشتغال دارند از کلیه الزامات مربوط به ثبت‌نام بیگانگان و پروانه اقامت مقرردر قوانین و مقررات دولت پذیرنده معاف خواهند بود.

مادهٔ ٦٦ – معافیت مالیاتی

مأمور کنسولی افتخاری نسبت به حقوق فوق‌العاده‌هائی که در قبال انجام وظایف کنسولی خود از دولت فرستنده دریافت می‌دارد از کلیه عوارض و مالیاتها معاف خواهد بود.

مادهٔ ٦٧ – معافیت از خدمات و کمکهای شخصی

دولت پذیرنده مأموران افتخاری را از انجام کلیه خدمات شخصی و خدمات عمومی به هر صورت و شکل و الزامات نظامی از قبیل مصادره و بیگاری و اسکان افراد نظامی معاف خواهد داشت.

مادهٔ ٦٨ – اختیاری بودن تعیین مأموران کنسولی افتخاری

هردولت در اتخاذ تصمیم نسبت به انتصاب یا پذیرش مأموران کنسولی افتخاری مختار و آزاد است.

فصل چهارم
مقررات عمومی

مادهٔ ۶۹ - نمایندگان کنسولی که رئیس کنسولی نیستند

۱ - هر دولت در اتخاذ تصمیم نسبت به تأسیس یا پذیرش نمایندگی‌های کنسولی زیر نظر نمایندگان کنسولی که از طرف دولت فرستنده بعنوان رئیس پست کنسولی تعیین نگردیده‌اند آزاد است.

۲ - شرایطی که تحت آن نمایندگیهای کنسولی مذکور در بند ۱ ماده حاضر می‌توانند به فعالیتهای خود ادامه دهند و همچنین مزایا و مصونیتهای نمایندگان کنسولی که تصدی این نمایندگیها را دارند، از طریق توافق بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده تعیین خواهد شد.

مادهٔ ۷۰ - انجام وظایف کنسولی توسط مأموریتهای دیپلماتیک

۱ - مقررات کنوانسیون حاضر، تا حدودیکه مفاد آن مجاز می‌دارد در مورد انجام وظایف کنسولی توسط مأموریتهای دیپلماتیک نیز مجری خواهد بود.

۲ - اسامی اعضای مأموریت دیپلماتیک که در قسمت کنسولی به کار بکار اشتغال دارند یا به نحو دیگری مأمور انجام وظایف کنسولی مأموریت دیپلماتیک میشوند به وزارت امورخارجه دولت پذیرنده یا به مقامی که از طرف آن وزارت تعیین می‌گردد، اطلاع داده خواهد شد.

۳ - مأموریت دیپلماتیک در انجام وظایف کنسولی خود می‌تواند به مقامات زیر رجوع نماید:

(الف) - مقامات محلی حوره کنسولی .

(ب) - مقامات مرکزی دولت پذیرنده مشروط برآنکه این عمل طبق قوانین و مقررات و عرف دولت پذیرنده، یا طبق موافقتنامه‌های بین‌المللی مربوط مجاز باشد.

۴ - مزایا و مصونیتهای اعضای مأموریت دیپلماتیک مذکور در بند ۲ ماده حاضر کماکان طبق مقررات حقوق بین‌الملل درباره روابط دیپلماتیک تعیین خواهد شد.

مادهٔ ۷۱ - اتباع دولت پذیرنده یاکسانی که در سرزمین آن دولت اقامت دائم دارند

۱ - مأموران کنسولی که تابعیت دولت پذیرنده را دارند یا در سرزمین آن دولت مقیم دائم هستند فقط نسبت به فعالیتهائی که در اجرای وظایف خود انجام می‌دهند از مصونیت قضائی و مصونیت شخصی و از مزایای مذکور در بند ۳ ماده ۴۴ بهره‌مند خواهند گردید، مگر آنکه دولت پذیرنده تسهیلات و مزایا و مصونیتهای بیشتری به آنها اعطا نماید. دولت پذیرنده در خصوص این مأموران کنسولی ملزم به رعایت الزامات مذکور در ماده ۴۲ نیز می‌باشد. در صورتیکه چنین مأمور کنسولی تحت تعقیب جزائی قرار گیرد دادرسی به نحوی انجام خواهد شد که حتی‌الامکان کمتر مانع از انجام وظایف کنسولی گردد، مگر اینکه مأمور کنسولی بازداشت یا زندانی باشد.

۲ - سایر اعضای پست کنسولی که تابعیت دولت پذیرنده را دارند یا در سرزمین آن دولت مقیم دائم هستند و اعضای خانواده آنها و همچنین اعضای خانواده مأموران کنسولی مذکور در بند ۱ ماده حاضر از تسهیلات، مزایا و مصونیتها فقط تا حدودی که دولت پذیرنده به آنها اعطا می‌نماید، برخوردار خواهند شد. آن دسته از افراد خانواده یک عضو پست کنسولی و خدمتکاران شخصی که تابعیت دولت پذیرنده را دارند یا در سرزمین آن دولت مقیم دائم هستند از تسهیلات و مزایا ومصونیتها فقط تا حدودیکه دولت پذیرنده به آنها اعطاء می‌نماید برخوردار خواهند شد.

معذالک دولت پذیرنده باید صلاحیت قضائی خود را در مورد این اشخاص به نحوی اعمال نماید که زیاده از حد مانع انجام وظایف پست کنسولی نگردد.

مادهٔ ۷۲:

۱ - دولت پذیرنده در اجرای مقررات کنوانسیون حاضر بین دولتها تبعیضی روا نخواهد داشت.

۲ - معذالک موارد ذیل تبعیضی تلقی نخواهد شد:

(الف) - اینکه دولت پذیرنده یکی از مقررات کنوانسیون حاضر را به علت آنکه در خاک دولت فرستنده نسبت به پستهای کنسولی او در اینمورد محدودیت قائل شده‌اند بطور محدود اجرا کند.

(ب) - اینکه دولتها بنا به عرف و عادات و یا از طریق معاهده مزایائی مناسب‌تر از آنچه در این کنوانسیون حاضر قید گردیده است، متقابلاً به یکدیگر اعطا نمایند.

مادهٔ ۷۳ - رابطه بین کنوانسیون حاضر و سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی

۱ - مقررات کنوانسیون حاضر لطمه‌ای به سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی لازم‌الاجراء بین دولت‌های طرف آن موافقت‌نامه وارد نخواهد ساخت.

۲ - هیچیک از مقررات کنوانسیون حاضر مانع از آن نخواهد بود که دولتها موافقتنامه‌های بین‌المللی در تأیید یا تکمیل یا توسعه یا بسط قلمرو اجرائی مقررات آن منعقد سازند.

فصل پنجم
مقررات نهائی

مادهٔ ۷۴ - امضاء

کنوانسیون حاضر برای امضا کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا یک سازمان تخصصی و نیز هر دولتی که اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را پذیرفته است و هر دولت دیگری که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد جهت الحاق به کنوانسیون حاضر دعوت شود، به قرار ذیل مفتوح خواهد بود: تا ۳۱ اکتبر ۱۹۶۳ در وزارت امور خارجه دولت جمهوری فدرال اتریش و از آن پس تا ۳۱ مارس ۱۹۶۴ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک.

مادهٔ ۷۵ – تصویب

این کنوانسیون به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب آن به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

مادهٔ ۷۶ – الحاق

کنوانسیون حاضر برای الحاق هر دولتی که جزء یکی از چهار طبقه مذکور در مادهٔ ۷۴ باشد مفتوح خواهد بود. اسناد الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

مادهٔ ۷۷ – لازم‌الاجراء شدن

۱ – کنوانسیون حاضر سی روز پس از تاریخ تسلیم بیست و دومین سند تصویب یا الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد، لازم الاجراء خواهد شد.

۲ – کنوانسیون حاضر در مورد هریک از دولتهائی که پس از تسلیم بیست و دومین سند تصویب یا الحاق آنرا تصویب می‌نمایند یا به آن ملحق می‌شوند، سی روز از تاریخ تسلیم سند تصویب یا الحاق آن دولت لازم‌الاجراء خواهد شد.

مادهٔ ۷۸ – اعلامیه‌های دبیرکل سازمان ملل متحد

دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به تمام دولتهائیکه جزء یکی از چهار طبقه مذکور در ماده ۷۴ باشند، اطلاع خواهد داد.

(الف) – امضاء کنوانسیون حاضر از طرف دولتها و تسلیم اسناد تصویب یا الحاق طبق مواد ۷۴ و ۷۵ و ۷۶.

(ب) – تاریخی که کنوانسیون حاضر به موجب ماده ۷۷ لازم‌الاجراء خواهد گردید.

مادهٔ ۷۹ – متون معتبر

نسخه اصلی کنوانسیون حاضر که متون انگلیسی – چینی – اسپانیولی – فرانسه و روسی آن متساویاً معتبر است، به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد. دبیرکل رونوشتهای گواهی شده و مطابق با اصل آنرا به تمام دول مشمول یک از چهار طبقه مذکور در ماده ۷۴ ارسال خواهد داشت.

بنا به مراتب، نمایندگان تام‌الاختیار امضاء کننده زیر که از طرف دول متبوع خود دارای اختیارات لازم می‌باشد، کنوانسیون حاضر را امضا نمودند.

وین تاریخ بیست و چهارم آوریل یکهزار و سیصدو شصت و سه

۲۰:

کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان...

قانون کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن[1]
مصوب ۱۳۵۴/۳/۲۵

ماده واحده ـ کنوانسون مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ مشتمل بر یک مقدمه و چهل و شش ماده و یک الحاقیه و یک ضمیمه و پروتکل مربوط به آن مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷ مشتمل بر یک مقدمه و یازده ماده مشروط باینکه:

۱ ـ در تمام مواردیکه به موجب این کنوانسیون پناهندگان مشمول مساعدترین رفتار معمول نسبت به اتباع یک دولت خارجی شده باشند، دولت ایران این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که پناهندگان را از مساعدترین رفتار معمولی نسبت به اتباع دولی که با آنان موافقت‌نامه‌های ناحیه‌ای اقامت گمرکی و اقتصادی و سیاسی دارد بهره‌مند نسازد.

۲ ـ دولت ایران مقررات مواد ۱۷ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۶ را صرفاً بصورت توصیه تلقی می‌نماید. تصویب و اجازه مبادله اسناد تصوب آن داده می‌شود.

کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان (۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱) ژنو

مقدمه

طرفهای معظم متعاهد

نظر به اینکه منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۹۲۲۲ ـ ۱۳۵۵/۶/۳

عمومی رسیده است ـ این اصل را مورد تأکید قرار داده‌اند که کلیه افراد بشر باید بدون تبعیض از حقوق بشری و آزادیهای اساسی برخوردار گردند.

نظر باینکه سازمان ملل متحد در مواقع مختلف نسبت به وضع پناهندگان علاقمندی بسیار نشان داده و کوشیده است تا برخورداری از حقوق بشری و آزادیهای اساسی را بوسیع‌ترین شکل ممکن برای پناهندگان تضمین کند.

نظر باینکه مطلوب است موافقتنامه‌های بین‌المللی قبلی مربوط به وضع پناهندگان مورد تجدید نظر قرار گرفته و تدوین گردد و حدود شمول این اسناد و میزان حمایتی که طبق آنها از پناهندگان بعمل می‌آید بوسیله موافقتنامه جدیدی بسط و توسعه ابد.

نظر باینکه ممکن است در نتیجه اعطاء حق پناهندگی تعهدات فوق‌العاده سنگینی برای بعضی از کشورها ایجاد گردد و لهذا حل رضایت بخش مسائلی که ملل متحد خصوصیت و وسعت بین‌المللی آن را به رسمیت شناخته است نخواهد توانست بدون همکاری بین‌المللی تحقق یابد ـ با ابراز امیدواری باینکه کلیه دول با شناسائی جنبه اجتماعی و بشر دوستانه مسئله پناهندگان تا آنجائی که در امکان دارند بکوشند تا این مسئله موجب تشنج بین دولتها نشود.

باتوجه باینکه کمیسر عالی ملل متحد برای پناهندگان عهده‌دار نظارت براجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به حمایت از پناهندگان می‌باشد و با علم باینکه هماهنگی مؤثر اقداماتی که برای حل این مسئله بعمل می‌آید بستگی به همکاری دولتها با کمیسر عالی دارد.

بشرح زیر موافقت نموده‌اند:

فصل اول
مقررات عمومی

مادهٔ ۱ـ تعریف اصطلاح «پناهنده»:

الف ـ از لحاظ کنوانسیون حاضر اصطلاح «پناهنده» به شخصی اطلاق می‌گردد که :

(۱) ـ به موجب ترتیبات مورخ ۱۲ مه ۱۹۲۶ و ۳۰ ژوئن ۱۹۲۸ یابه موجب کنوانسیونهای مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۳۳ و ۱۰ فوریه ۱۹۳۸ یا پروتکل مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۹ یا اساسنامه سازمان بین‌المللی پناهندگان پناهنده تلقی شده است.

تصمیمات مربوط بعدم قابلیت انتخاب شدن که از طرف سازمان بین‌المللی پناهندگان در مدت فعالیت سازمان اتخاذ گردیده است مانع آن نیست که اشخاص واجد شرایط مقرر در بند ۲ این قسمت پناهنده شناخته شوند.

۲ ـ در نتیجه حوادث قبل از یکم ژانویه ۱۹۵۱ و به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروههای اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد ـ

در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا بعلت ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد یا ـ درصورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود بسر می‌برد نمی‌تواند یا بعلت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور بازگردد.

در مورد شخصی که بیش از یک تابعیت دارد اصطلاح «کشور محل تابعیت» او عبارت خواهد بود از هریک از کشورهائی که شخص مزبور تابعیت آن را دارد. شخصی را که بدون دلیل معتبر و مبتنی بر ترس موجه خود را تحت حمایت یکی از کشورهائی که تابعیت آنرا دارد قرارنداده باشد نمی‌توان از حمایت کشور محل تابعیت خود محروم تلقی کرد.

ب ـ (۱) ـ از لحاظ کنوانسیون حاضر عبارت «وقایعی که قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ اتفاق افتاده است» ـ مذکور در قسمت الف ماده ۱ عبارتست از:

الف ـ «وقایعی که قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱در اروپا روی داده است» یا

ب ـ «وقایعی که قبل از اول ژانویه ۱۹۵۱ در اروپا یا جای دیگر روی داده است»

هریک از دول متعاهد باید موقع امضاء یا تصویب یا الحاق ـ اعلامیه‌ای صادر و در آن تصریح نماید که بر تعهدات خود نسبت به کنوانسیون حاضر برای اصطلاح مذکور چه شعاع عملی را منظور می‌دارد.

(۲) ـ دولت متعاهدی که شق «الف» را پذیرفته است در هر موقع می‌تواند با ارسال یادداشتی خطاب به دبیرکل ملل متحد تعهدات خود را شامل شق «ب» نیز بنماید.

ج ـ این کنوانسیون در موارد ذیل در باره اشخاص مذکور در قسمت الف این ماده اجرا نخواهد گردید:

۱ ـ شخصی که داوطلبانه خود را مجدداً تحت حمایت کشور متبوع خویش قراردهد ـ یا

۲ ـ در صورتی که تابعیت خود را از دست داده باشد آن را مجدداًتحصیل نماید ـ یا

۳ ـ تابعیت جدیدی کسب کرده و از حمایت کشور متبوعه جدید برخوردار باشد ـ یا

۴ ـ داوطلبانه برای سکونت به کشوری بازگردد که به علت ترس ترس از شکنجه قبلاً آنجا را ترک گفته یا در خارج از آن بسر می‌برده ـ یا

۵ ـ بعلت از بین رفتن اوضاع و احوالی که باعث شده بود وی به عنوان پناهنده شناخته شود دیگر نتواند از قبول حمایت دولت متبوع خود امتناع نماید.

بدیهی است مقررات این بند شامل پناهنده‌ای که مشمول مقررات بند ۱ قسمت «الف» ماده حاضر است و می‌تواند برای امتناع از قبول حمایت دولت متبوعه خود دلایل قاطعی دال بر شکنجه قبلی اقامه نماید نخواهد گردید.

۶ ـ اگر اوضاع و احوالی که باعث شده بودند یک شخص بدون تابعیت بعنوان پناهنده شناخته شود ـ از بین رود ـ آن شخص می‌تواند بکشوری که در آنجا سکونت دائم داشته ـ مراجعه نماید.

بدیهی است مقررات این بند شامل پناهنده‌ای که مشمول مقررات بند ۱ قسمت «الف» ماده حاضر است و

می‌تواند برای امتناع از بازگشت به کشور محل سکونت عادی قبلی خود دلائل قاطعی دال بر شکنجه قبلی اقامه نماید نخواهد گردید.

د ـ این کنوانسیون در مورد اشخاصی که در حال حاضر تحت حمایت مؤسسات یا ارکان سازمان ملل متحد غیر از کمیسر عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان قرار ندارد یا از مؤسسات یا ارکان مزبور کمک دریافت می‌دارند مجری نخواهد بود. در صورتی که حمایت یا کمک مزبور بعلتی قطع شود و سرنوشت این اشخاص به موجب قطعنامه‌های مربوطه مجمع عمومی ملل متحد تعیین نگردد اشخاص مزبور کاملاً حق خواهند داشت از مقررات این کنوانسیون بهره‌مند گردند.

هـ ـ این کنوانسیون در مورد شخصی که از طرف مقامات صلاحیتدار کشور محل سکونت دائم خود حائز حقوق و تکالیفی ناشی از تحصیل تابعیت آن کشور شناخته شده باشد مجری نخواهد بود.

و ـ مقررات این کنوانسیون در مورد اشخاصی که علیه آنها دلایل محکمی دال بر مراتب زیر وجود داشته باشد مجری نخواهد بود:

الف ـ مرتکب جنایتی علیه صلح یا بشریت یا جنایت جنگی شده باشد (طبق تعاریف مندرج در اسناد بین‌المللی که برای پیش‌بینی مقررات مربوط به این جنایات تنظیم گردیده است).

ب ـ قبل از آنکه در کشور پناه دهنده بعنوان پناهنده پذیرفته شود در خارج از آن کشور مرتکب جنایات عمده‌ای که مشمول مجازات عمومی می‌باشد شده باشند.

ج ـ مرتکب اعمالی که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد است شده باشند.

مادهٔ ۲ـ وظایف کلی:

هرپناهنده در کشوری که بسر می‌برد دارای وظایفی است که به موجب آن مخصوصاً ملزم می‌باشد خود را با قوانین و مقررات آن کشور و اقداماتی که برای حفظ نظم عمومی بعمل می‌آید تطبیق دهد.

مادهٔ ۳ـ عدم تبعیض:

دول متعاهد مقررات این کنوانسیون را بدون تبعیض از لحاظ نژاد یا مذهب یا سرزمین اصلی درباره پناهندگان اجرا خواهند نمود.

مادهٔ ۴ـ دین:

دول متعاهد در سرزمین خود نسبت به آزادی پناهنده در اجرای امور دینی و دادن تعلیمات مذهبی به کودکان خود رفتاری لااقل در حد رفتاری که نسبت به اتباع خود دارند ـ اتخاذ خواهند نمود.

مادهٔ ۵ـ حقوقی که خارج از حدود این کنوانسیون اعطاء می‌شود:

هیچیک از مقررات کنوانسیون حاضر بحقوق و مزایائی که خارج از حدود این کنوانسیون به پناهندگان داده شده است لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت.

مادهٔ ٦ـ اصطلاح «درشرایط یکسان»:

از لحاظ این کنوانسیون منظور از اصطلاح «در شرایط یکسان» این است که تمام شرایطی (بخصوص

شرایط مربوط به مدت و نحوه اقامت موقت یا دائم) که فرد اگر پناهنده نباشد باید برای برخورداری از حق مورد نظردارا باشد مراعات گردد به استثنای شزایطی که طبیعتاً پناهنده نمی‌تواند واجد ان باشد.

مادهٔ ۷ـ معافیت از عمل متقابل:

۱ ـ هریک از دول متعاهد در مورد پناهندگان همان رژیمی را معمول خواهد داشت که با بیگانگان به طور کلی به عمل می‌آورد جز در مواردی که به موجب این کنوانسیون رژیم بهتری مقرر گردیده است.

۲ ـ کلیه پناهندگان پس از سه سال سکونت در سرزمین دول متعاهد از شرط بعمل متقابل که قانوناً مقرر شده باشد معاف خواهند بود.

۳ ـ هریک از دول متعاهد باید حقوق و مزایائی را که پناهندگان تا تاریخ لازم‌الاجراء شدن این کنوانسیون درصورتیکه اصل عمل متقابل وجود نداشته باشد از آن برخوردار بوده‌اند کماکان به آنها اعطاء نماید.

۴ ـ دول متعاهد ـ درصورتی که اصل عمل متقابل وجود نداشته باشد امکان اعطای حقوق و مزایائی را به پناهندگان علاوه بر آنچه به موجب بند ۲ و۳ اعطاء گردیده است و همچنین امکان اعطای معافیت از عمل متقابل را به پناهندگانی که واجد شرایط مقرر در بند ۲ و ۳ نبوده‌اند بانظر مساعد مورد بررسی قرار خواهند داد.

۵ ـ مقررات بندهای ۲ و ۳ این ماده در مورد حقوق و مزایای مذکور در مواد ۱۳ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲ این کنوانسیون و همچنین در مورد حقوق و مزایائی که در این کنوانسیون پیش‌بینی نشده‌است اجراء خواهد شد.

مادهٔ ۸ـ معافیت از اقدامات استثنائی:

در مورد اقدامات استثنائی که ممکن است علیه شخص ـ مال یا منافع اتباع یک دولت معین بعمل آید دول متعاهد این اقداات را درباره پناهنده‌ای که بالصراحه از اتباع دولت مزبور است صرفاً بخاطر تابعیت او بعمل نخواهند آورد. دول متعاهدی که قوانین آنها مانع از اجرای اصل کلی مصرح در این ماده است درمواردمقتضی اقدام به اعطای معافیتهائی به پناهندگان مزبور خواهند نمود.

مادهٔ ۹ـ اقدامات موقتی:

هیچیک از مقررات کنوانسیون حاضر مانع از آن نخواهد بود که یک دولت متعاهد در موقع جنگ یا سایر مواقع استثائی و دشوار در مورد یک شخص معین ـ موقتاً و تا حصول یقین باینکه شخص مزبور یک پناهنده‌است اقداماتی معول دارد که به نظر آن دولت مبادرت به آنها برای جفظ امنیت ملی ضروریست.

مادهٔ ۱۰ـ ادامه اقامت:

۱ ـ درصورتی که پناهنده‌ای در اثنای جنگ دوم جهانی تبعید گردیده و به سرزمین یکی از دول متعاهد برده شده و در آنجا ساکن باشد مدت اقامت اجباری جزء اقامت قانونی وی در سرزمین دولت مذکور محسوب خواهد شد.

۲ ـ درصورتی که پناهنده‌ای در اثنای جنگ دوم جهانی از سرزمین دولت متعاهد تبعید گردیده و قبل از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این کنوانسیون به منظور سکونت به سرزمین مزبور بازگشته باشد مدت سکونت قبل و بعد از تبعید مزبور برای هر منظوری که مستلزم اقامت بلاانقطاع است به منزله یک دوره بلاانقطاع تلقی خواهد شد.

مادهٔ ۱۱ـ ملوانان پناهنده:

درمورد پناهندگانی که بعنوان ملوان بطور منظم در کشتی دارای پرچم یکی از دول متعاهد خدمت می‌کنند ـ دولت مزبور نسبت به امکان اجازه اسکان آنها در سرزمین خود و صدور اسناد مسافرت برای آنان یا نسبت به قبول موقت آنان در سرزمین خود ـ بخصوص به منظور تسهیل در کار اسکان آنان در کشور دیگر توجه خاص مبذول خواهد داشت.

فصل دوم
وضع حقوقی

مادهٔ ۱۲ـ احوال شخصیه:

۱ ـ احوال شخصیه پناهنده تابع قوانین کشوریست که در آنجا اقامت دارد ولی چنانچه فاقد محل اقامت باشد تابع قوانین کشور محل سکونت او خواهد بود.

۲ ـ حقوقی که پناهنده قبلاً کسب نموده و مربوط باحوال شخصیه او می‌باشد مخصوصاً حقوق مربوط به ازدواج باید از طرف هر دولت متعاهد محترم شمرده شود بشرط آنکه درصورت لزوم تشریفات پیش‌بینی شده در قوانین دولت مزبور را انجام دهد. بدیهی است حق مورد بحث باید از جمله حقوقی باشد که طبق قوانین دولت مذکور چنانچه وی پناهنده هم نباشد ـ شناخته شده باشد.

مادهٔ ۱۳ـ اموال منقول و غیرمنقول:

دول متعاهد در مورد تحصیل اموال منقول و غیرمنقول و سایر حقوق مربوطه و همچنین در مورد قراردادهای اجاره یا سایر قراردادهای مربوط به مالکیت اموال منقول و غیرمنقول یا پناهندگان رفتاری خواهند نمود که تا سرحدامکان مساعد بوده و در هر حال از رفتاری که در اینگونه موارد نسبت به بیگانگان به طور اعم بعمل می‌آید نامساعدتر نباشد.

مادهٔ ۱۴ـ مالکیت معنوی و صنعتی:

در مورد حمایت از مالکیت صنعتی بخصوص حمایت از اختراعات طرحها و مدلها ـ علائم تجارتی و اسامی تجارتی و همچنین حمایت از مالکیت ادبی و هنری و علمی پناهنده درکشوری که معمولاً سکونت دارد مورد همان حمایتی واقع خواهد شد که ار اتباع کشور مزبور به عمل می‌آید. در سرزمین هریک از دول متعاهد دیگر پناهنده حمایتی برخوردار خواهد شد که در آن سرزمین نسبت به اتباع کشوری که پناهنده در آن سکونت دارد معمول می‌گردد.

مادهٔ ۱۵ـ حق عضویت:

در مورد عضویت در جمعیتهای غیرسیاسی و غیرانتفاعی و سندیکاهای حرفه‌ای دول متعاهد نسبت به پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین آنان سکونت دارند مساعدترین رفتاری را که در چنین موارد در مورد اتباع دول خارجی بعمل می‌آورند معمول خواهند داشت.

مادهٔ ۱۶ـ حق مراجعه بدادگاهها:

۱ ـ هر پناهنده می‌تواند می‌تواند در سرزمین دول متعاهد آزادانه به محاکم قضائی مراجعه نماید.

۲ ـ هر پناهنده در سرزمین دولت متعاهدی که محل سکونت عادی اوست در مورد دسترسی بدادگاه‌ها از جمله استفاده از معاضدت قضائی و معافیت از سپردن تضمین هزینه‌های دادرسی از همان رفتاری که درباره اتباع دولت مزبور به عمل می‌آید بهره‌مند خواهد شد.

۳ ـ هر پناهنده در سرزمین‌های دول متعاهد دیگر غیر از سرزمین محل سکونت دائمی خود در مورد مسائل مندرج در بند ۲ از رفتاری برخوردار خواهد شد که در بین اتباع کشور محل سکونت دائمی وی به عمل می‌آید.

فصل سوم
مشاغل انتفاعی

مادهٔ ۱۷ـ اشتغال با دستمزد:

۱ ـ در مورد حق اشتغال بکار با دریافت دستمزد هر دولت متعاهد نسبت به پناهندگانی که بطور منظم در سرزمین او سکونت کرده‌اند مطلوبترین رفتاری را که در چنین موارد نسبت به اتباع دول بیگانه معمول می‌دارد بعمل خواهد آورد.

۲ ـ در هر حال مقررات محدود کننده‌ای که درباره بیگانگان یا استخدام بیگانگان به منظور حمایت از بازار داخلی کار وضع می‌گردد درباره پناهنده‌ای که در تاریخ اجرای این کنوانسیون در سرزمین دولت متعاهد مذکور از مقررات مورد بحث معاف بوده و یا واجد یکی از شرایط زیر باشد اجراء نخواهد شد: الف ـ مدت سه سال در کشور سابقه سکونت دارد.

ب ـ همسری دارد که دارای تابعیت کشور محل سکونت اوست. پناهنده‌ای که با همسرش متارکه کرده نمی‌تواند به مقررات این بند استناد نماید.

ج ـ فرزند یا فرزندانی دارد که دارای تابعیت کشور محل سکونت او می‌باشند.

۳ ـ دول متعاد با نظر مساعد کوشش خواهند کرد که حقوق مربوط به استخدام پناهندگان خصوصاً پناهندگانی را که به موجب برنامه‌های مربوط باستخدام کارگر یا برنامه‌های مهاجرتی وارد سرزمین آنها شده‌اند با حقوق اتباع خود در این مورد مشابه و یکسان نمایند.

مادهٔ ۱۸ـ اشتغال بکارهای آزاد:

دول متعاهد نسبت به پناهندگانی که قانوناً در سرزمین آنها بسر می‌برند در مورد اشتغال بکار آزاد در زمینه کشاورزی ـ صنعت ـ کارهای دستی و تجارت و تأسیس شرکتهای تجارتی و صنعتی رفتاری معمول خواهند داشت که تا سرحد امکان مساعد بوده در هرحال از رفتاری که در چنین موارد نسبت به بیگانگان بطور کلی بعمل می‌آید نامساعدتر نباشد.

مادهٔ ۱۹ـ حرفه‌های آزاد علمی:

۱ ـ هریک از دول متعاهد نسبت به پناهندگانی که بطور منظم در سرزمین آنان ساکن می‌باشند و دارای مدرک تحصیلی می‌باشند که از طرف مقامات آن دولت برسمیت شناخته شده است و مایلند به حرفه‌های آزاد علمی اشتغال داشته باشند رفتاری معمول خواهد داشت که تا سرحد امکان مساعد بوده و در حال از رفتاری که در چنین موارد نسبت به بیگانگان بطور کلی بعمل می‌آید نامساعدتر نباشد.

۲ ـ دول متعاهد حداکثر کوشش را خواهند کرد که مطابق قوانین و اساسنامه‌های خود وسائل استقرار پناهندگان مزبور را غیر از سرزمین اصلی در سرزمینهای دیگری که مسئولیت روابط بین‌المللی انها را عهده‌دار می‌باشند تأمین نمایند.

فصل چهارم
رفاه و آسایش

مادهٔ ۲۰ـ جیره‌بندی:

درصورتیکه سیستم جیره‌بندی وجود داشته باشد و توزیع محصولات کمیاب در میان عموم مردم طبق سهمیه صورت گیرد نسبت به پناهندگان نیز مانند اتباع کشور رفتار خواهد شد.

مادهٔ ۲۱ـ مسکن:

درمورد مسکن تا آنجاکه این امر بر طبق قوانین و مقررات تنظیم گردیده یا تحت نظارت مقامات دولتی است دول متعاهد نسبت به پناهندگان رفتاری معمول خواهند داشت که تا سرحد امکان مساعد بوده و در حال از رفتاری که در چنین موارد نسبت به بیگانگان بطور کلی معمول می‌دارند نامساعدتر نباشد.

مادهٔ ۲۲ـ تعلیمات عمومی:

۱ ـ در مورد تحصیلات ابتدائی دول متعاهد نسبت به پناهندگان مانند اتباع خود رفتار خواهندنمود.

۲ ـ در مورد تحصیلات غیر ابتدائی و مخصوصاً در مورد حق اشتغال بتحصیل و تعیین ارزش مدارک تحصیلی دیپلم‌ها و دانشنامه‌های صادره از ممالک خارجی و تخفیف حقوق و عوارض مربوط و اعطای کمک هزینه تخفیف حقوق و عوارض مربوط و اعطای کمک هزینه تحصیلی و بورس تحصیلی دول متعاهد نسبت به پناهندگان رفتاری معمول خواهند داشت که تا سرحد امکان مساعد بوده و در هر حال از رفتاری که نسبت به بیگانگان بطور کلی بعمل می‌آید نامساعدتر نباشد.

مادهٔ ۲۳ـ امور خیریه دولتی:

در مورد تعاون و کمکهای عمومی دول متعاهد نسبت به پناهندگانی که مطابق قانون در سرزمین آنها بسر می‌برند مانند اتباع خود رفتار خواهند کرد.

مادهٔ ۲۴ـ قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی:

۱ ـ دول متعاهد در موارد زیر نسبت به پناهندگانی که مطابق قانون در سرزمین آنها بسر می‌برند مانند اتباع خود رفتار خواهند کرد.

الف ـ حقوق (منجمله مدد معاش خانواده در مواردی که مدد معاش مزبور جزء حقوق است) ـ ساعات کار ـ ساعات اضافه کار ـ مرخصی باحقوق محدودیتهای مربوط به کار کردن در منزل ـ حداقل سن برای استخدام ـ یادگیری و تعلیمات حرفه‌ای ـ اشتغال بکار بانوان و نوجوانان و استفاده از مزایای کنوانسیونهای جمعی تا حدودی که مواردی مذکور تابع قوانین یا مقررات بوده یا منوط به نظر مقامات اداری می‌باشد.

ب ـ بیمه اجتماعی (مقررات قانونی درباره حوادث امراض ناشی از کار زایمان ـ بیماری ـ ازکارافتادگی ـ پیری ـ مرگ ـ بیکاری ـ مسئولیت‌های خانوادگی و سایر پیش‌آمدهای احتمالی ک طبق قوانین داخلی مشمول بیمه‌های اجتماعی است) با رعایت محدودیتهای زیر:

یکم ـ ترتیبات مقتضی مربوط به حفظ حقوق مکتسبه و حقوقی که در شرف اکتساب است.

دوم ـ مقررات خاصی که در قوانین داخلی کشور محل سکونت راجع به مزایا یا سهمی از مزایائی که کلاً از بودجه عمومی پرداخت می‌شود و همچنین راجع به پرداخت فوق‌العاده به اشخاصی که واجد شرایط لازم برای دریافت مقرری نمی‌باشد پیش‌بینی شده‌است.

۲ ـ چنانچه پناهنده براثر حادثه یابیماری ناشی از کار فوت نماید حقی که باید به‌این مناسبت پرداخت گردد بعلت اینکه اقامتگاه استفاده کننده از این حق در خارج‌از سرزمین دولت متعاهداست زایل‌نخواهد شد.

۳ ـ دول متعاهد پناندگان را از مزایای موافقتنامه‌هائی که بین آنان در خصوص حفظ حقوق مکتسبه یا حقوق در شرف اکتساب در زمینه بیمه‌های اجتماعی منعقد گردیده یا در آینده منعقد می‌گرددبهره‌مند خواهند ساخت مشروط بر اینکه پناهندگان دارای شرایطی باشند که برای اتباع کشورهای امضاء کننده این موافقتنامه‌ها پیش‌بینی شده است.

۴ ـ در مورد موافقتنامه‌های مشابهی که ممکن است بین دول متعاهد و دول دیگر لازم‌الاجراء باشد یا بعداً بموقع اجراگذاشته شود دول متعاهد امکان برخورداری پناهندگان را از مزایای موافقتنامه‌های مزبور با حسن نیت مورد بررسی قرار خواهند داد.

فصل پنجم
اقدامات اداری

مادهٔ ۲۵ـ مساعدت اداری :

۱ ـ هنگامیکه اعمال حقی از طرف پناهنده مستلزم مساعدت مقامات یک دولت خارجی است که

پناهنده نمی‌تواند به آنها رجوع نماید دول متعاهدی که پناهنده در سرزمین آنها سکونت دارد ترتیبی خواهند داد که مقامات مربوطه آنها یا مقامات بین‌المللی به پناهنده مزبور مساعدت لازم را بنمایند.

۲ ـ مقام یا مقامات مذکور در بند (۱) اسناد یا گواهی‌نامه‌هائی را که معمولاً بوسیله یا با وساطت مقامات دولتی آنها به بیگانگان داده می‌شود به پناهندگان تسلیم خواهند داشت یا وسایل تسلیم آنرا تحت نظارت خود فراهم خواهند ساخت.

۳ ـ اسناد یا گواهینامه‌هائی که بدین ترتیب به پناهندگان داده می‌شود جایگزین اسناد رسمی خواهد بود.که به وسیله یا با وساطت مقامات دولتی آنها به بیگانگان داده می‌شود و باید معتبر شناخته شود مگر اینکه خلاف آن ثابت گردد.

۴ ـ با رعایت موارد استثنائی که به منظور مساعدت با اشخاص بی‌بضاعت رعایت می‌شود در مقابل انجام خدمات مذکور در این ماده ممکن است حق‌الزحمه دریافت شود اما حق‌الزحمه مزبور باید منصفانه بوده و متناسب با حق‌الزحمه‌ای باشد که در مقابل خدمات مشابه از اتباع مملکت دریافت می‌شود.

۵ ـ مقررات این ماده تأثیری در مندرجات مواد ۲۷ و ۲۸ نخواهد داشت.

مادهٔ ۲۶ – آزادی رفت و آمد:

هریک از دول متعاهد به پناهندگانی که طبق قانون در سرزمین آن بسر می‌برند حق خواهد داد.که محل سکونت خود را انتخاب نماید و آزادانه در داخل سرزمین آن دولت رفت و آمد کنند. مشروط به رعایت مقرراتی که عموماً در اینگونه موارد درباره خارجیان اجرا می‌شود.

مادهٔ ۲۷ـ اوراق هویت:

دولتهای متعاهد برای پناهندگانی که در سرزمین آنها بسر می‌برند و فاقد اسناد معتبر مسافرت می‌باشند اوراق هویت صادر خواهند کرد.

مادهٔ ۲۸ـ اسناد مسافرت:

۱ ـ دول متعاهد برای پناهندگانی که به طور منظم در سرزمین آنها بسر می‌برند به منظور مسافرت آنها به خارج از از سرزمین خود اسناد مسافرت صادر خواهند کرد.مگر اینکه دلایل آمرانه مربوط به امنیت ملی و نظم عمومی مغایر با این امر باشد.

اسناد مزبور مشمول مقررات مندرج در الحاقیه این کنوانسیون خواهد بود. دول متعاهد می‌توانند برای کلیه پناهندگانی که در سرزمین آنها بسر می‌برند اسناد مسافرت صادر کنند. دول متعاهد نسبت به پناهندگانی که که نمی‌توانند اسناد مسافرت را از کشوری که محل سکونت دائمی آنان در آنجاست تحصیل کنند توجه خاص مبذول خواهند داشت.

۲ ـ اسناد مسافرتی که طبق موافقتنامه‌های قبلی بین‌المللی توسط دول طرف موافقتنامه‌های مزبور برای پناهندگان صادر شده است رسمیت داشته و دولتهای متعاهد باید اینگونه اسناد را به منزله اسنادی تلقی نمایند که طبق مقررات این ماده صادر شده است.

مادهٔ ۲۹ـ مالیات و عوارض:

۱ ـ دولتهای متعاهد هیچ نوع حقوق و عوارض یا مالیات غیر از آنچه در موارد مشابه از اتباع خود اخذ می‌نمایدـ یا بیشتر از آن ـ به پناهندگان تحمیل نخواهند کرد.

۲ ـ مندرجات بند فوق مانع از آن نیست که قوانین و مقررات مربوط به عوارض صدور اسناد اداری از جمله اوراق هویت برای بیگانگان در مورد پناهندگان اجرا گردد.

مادهٔ ۳۰ـ انتقال دارائی :

۱ ـ هریک از دول متعاهد طبق قوانین و مقررات خود اجازه خواهد داد که پناهندگان دارائی خود را که وارد سرزمین آن دولت نموده‌اند به سرزمین دولت دیگری که به آنها اجازه استقرار مجدد داده است انتقال دهند.

۲ ـ هریک از دول متعاهد تقاضای پناهندگان را دائر بر موافقت با انتقال هرگونه دارائی دیگر که برای استقرار آنان در کشور دیگری که با استقرار مجدد آنها موافقت کرده است لازم باشد با نظر مساعد مورد توجه قرار خواهند داد.

مادهٔ ۳۱ـ پناهندگانی که بر خلاف قانون در کشور پناه‌دهنده بسر می‌برند:

۱ ـ دولت‌های متعاهد پناهندگانی راکه مستقیماً از سرزمینی که در آنجا زندگی وآزادیشان به مفهوم ماده ۱ در معرض تهدید بوده بدون اجازه به سرزمین آنها وارد شده یا در انجا بسر می‌برند بخاطر اینکه برخلاف قانون وارد سرزمین آنها شده‌اند یا در آن بسر می‌برند مجازات نخواهند کرد مشروط بر اینکه بلادرنگ خود را به مقامات مربوطه معرفی کرده دلائل قانع کننده‌ای برای ورود یا حضور غیر قانونی خود ارائه دهند.

۲ ـ دول متعاهد نسبت به رفت و آمد این قبیل پناهندگان محدودیتهائی غیر از آنچه لازم باشد قائل نخواهند شد و محدودیتهای مزبور فقط تا موقعی خواهد بود که وضع این قبیل پناهندگان در کشور پناه‌دهنده تعیین نشده یا اجازه ورود به کشور دیگری تحصیل نکرده‌اند. دول متعاهد باین قبیل پناهندگان فرصت مناسب داده و تسهیلات لازم را برای آنان فراهم خواهند ساخت تا اجازه ورود به سرزمین دولت دیگر را تحصیل نمایند.

مادهٔ ۳۲ ـ اخراج:

۱ ـ دول متعاهد پناهنده‌ای را که به طور منظم در سرزمین آنان بسر می‌برند اخراج نخواهند کرد مگر بدلائل حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی.

۲ ـ اخراج چنین پناهنده‌ای فقط به موجب تصمیمی صورت خواهد گرفت که طبق موازین قانونی اتخاذ شده باشد. به پناهنده مزبور باید اجازه داده شودکه برای رفع اتهام از خود مدرکی ارائه دهد ـ تقاضای استیناف نماید و به مقامات صلاحیتدار یا شخص یا اشخاصی که مقامات صلاحیتدار تعین نموده‌اند مراجعه نماید مگر آنکه این امر به دلایل امنیت ملی میسر نباشد.

۳ ـ دول متعاهد به چنین پناهنده‌ای فرصت مناسب خواهند داد تا در این مدت بتواند از طریق قانون

مجوز ورود به کشور دیگری را تحصیل کند. دول متعاهد می‌توانند در مدت مزبور اقدامات داخلی را که لازم تشخیص دهند بعمل آورند.

مادهٔ ۳۳ـ منع اخراج یا اعاده:

۱ ـ هیچیک از دول متعاهد به هیچ نحو پناهده‌ای را به سرزمینهائی که امکان دارد بعلل مربوط به نژاد ـ مذهب ـ ملیت ـ عضویت در دسته اجتماعی بخصوص بادارا بودن عقاید سیاسی زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود تبعید نخواهند کرد یا باز نخواهند گردانید.

۲ ـ اما پناهنده‌ای که طبق دلائل کافی وجودش برای امنیت کشوریکه در آن بسر می‌برد خطرناک بوده یا طبق رأی قطعی دادگاه محکوم به ارتکاب جرم یا جنایت مهمی شده و مضر بحال جامعه کشور تشخیص داده شود نمی‌تواند دعوی استفاده از مقررات مذکور در این ماده را بنماید.

مادهٔ ۳۴ـ کسب تابعیت:

دول متعاهد تا آنجا که ممکن است در پذیرش و اعطای تابعیت به پناهندگان تسهیلاتی فراهم خواهند آورد و مخصوصاً کوشش خواهند کرد تا امر تحصیل تابعیت را تسریع کرده و تا آنجا که ممکن است از هزینه‌ها و مخارج این امر بکاهند.

فصل ششم
مقررات اجرائی و موقتی

مادهٔ ۳۵ـ همکاری مقامات ملی با ملل متحد:

۱ ـ دول متعاهد تعهد می‌کنند که با دفتر کمیسیون عالی ملل متحد برای پناهندگان یا هریک از ادارات ملل متحد که جانشین آن گردد در اجرای وظائفش همکاری نموده و مخصوصاً انجام وظیفه آن را در امر نظارت بر اجرای مقررات این کنوانسیون تسهیل نماید.

۲ ـ برای آنکه دفتر کمیسیون عالی ملل متحد برای پناهندگان یا هریک از ادارات ملل متحد که جانشین آن گردد بتواند گزارشهای لازم را به ارکان صلاحیتدار ملل متحد تسلیم نماید دول متعاهد تعهد می‌نمایندکه اطلاعات و آمار درخواست شده راجع به موضوعات زیر را در فرمهای مناسب تهیه و در اختیار آنان قرار دهند:

الف ـ وضع پناهندگان.

ب ـ اجرای این کنوانسیون ـ و

ج ـ قوانین یا مقررات یا احکامی که درباره پناهندگان مجری بوده یا از این پس بموقع اجراء گذاشته خواهد شد.

مادهٔ ۳۶ـ اطلاعات مربوط به قوانین و آئینامه‌های داخلی:

دول متعاهد متن قوانین و مقرراتی را که ممکن است برای تأمین اجرای این کنوانسیون وضع نمایند در

اختیار دبیرکل ملل متحد قرار خواهند داد.

مادهٔ ۳۷ـ رابطه با کنوانسیونهای قبلی:

بدون آنکه به مقررات بند ۲ ماده ۲۸ لطمه‌ای وارد شود ـ این کنوانسیون نسبت بـه دول متعـاهد آن جانشین موافقتنامه‌های مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۲۲ و ۳۱ مه ۱۹۲۴ و ۱۲ مه ۱۹۲۶ و ۳۰ ژوئن ۱۹۲۸ و ۳۰ ژوئیه ۱۹۳۵ و کنوانسیونهای مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۳۳ و ۱۰ فوریه ۱۹۳۸ و پروتکل مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۹ و موافقت‌نامه مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶ خواهد بود.

فصل هفتم
مقررات نهائی

مادهٔ ۳۸ـ حل اختلافات:

کلیه اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای این کنوانسیون بین دول متعاهد که از طرق دیگر حل و فصل نشود بنا به تقاضای یکی از طرفین اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد.

مادهٔ ۳۹ـ امضاء ـ تصویب و الحاق:

۱ ـ این کنوانسیون در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ در ژنو برای امضاء مفتوح خواهد بود. و از آن پس بـه دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.از تاریخ ۲۸ ژوئیه تا ۳۱ اوت ۱۹۵۱ نیز در دفتر اروپائی سازمان ملل متحد و از ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۱ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۵۲ در مقر سازمان ملل متحد بـرای امضـاء مفتوح خواهد بود.

۲ ـ این کنوانسیون برای امضاء کلیه دول عضو سازمان ملل متحد و همچنین دولتهای غیر عضو کـه برای شرکت در کنفرانس نمایندگان تام‌الاختیار راجع به وضع پناهندگان و اشخاص بـدون وطـن دعـوت شده‌اند یا دولتهائیکه از طرف مجمع عمومی برای امضاء دعوت گردیده‌اند مفتوح خواهد بود.

این کنوانسیون باید به تصویب برسد و اسناد تصویب آن به دبیرکل سازمان ملل متحد سپرده شود.

۳ ـ این کنوانسیون از تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ برای الحاق دول مذکور در بند ۲ ماده حاضر مفتوح خواهد بود. الحاق با سپردن سند الحاق بدبیرکل سازان ملل صورت خواهد گرفت.

مادهٔ ۴۰ـ مقررات مربوط به تسری اجرای کنوانسیون:

۱ ـ هر دولتی می‌تواند در موقع امضاء یا تصویب یا الحاق اعلام نماید که این کنوانسیون را در کـلیه سرزمین‌هائی که مسئول روابط بین‌المللی آنهاست یا در یک یا چند یک از آنها به موقع اجراء می‌گذارد این اعلامیه از تاریخی که کنوانسیون در سرزمین دولت مزبور به موقع اجراء گذاشته می‌شود نافذ خواهد گردید.

۲ ـ از آن پس تسری کنوانسیون با ارسال اطلاعیه‌ای بعنوان دبیرکل سازمان ملل متحد صورت خواهد گرفت و نود روز پس از وصول اطلاعیه مزبور توسط دبیرکل ملل متحد یا پس از تاریخ اجرای کنوانسیون در سرزمین دولت مزبور (هرکدام مؤخر باشد) به موقع اجراء گذاشته خواهد شد.

۳ - در مورد سرزمینهائیکه در موقع امضاء یا تصویب یا الحاق کنوانسیون مشمول آن نمی‌شوند هر دولت ذینفع امکان انجام اقدامات لازم را برای تسری این کنوانسیون به سرزمینهای مزبور در اسرع وقت مورد بررسی قرار خواهد داد.

منوط بر آنکه - در صورت لزوم - نظر موافق حکومتهای سرزمینهای مذکور که به دلایل مربوط به قانون اساسی الزامی خواهد بود حاصل گردد.

مادهٔ ۴۱ـ مقررات مربوط به دول فدرال:

مقررات زیر درباره دولتهای فدرال یا غیرواحد اجراء خواهد شد.

الف - تعهدات دولت فدرال نسبت به موادی از این کنوانسیون که در صلاحیت قانونی قوه مقننه فدرال می‌باشد مانند تعهدات دول متعاهد غیرفدرال خواهدبود.

ب - راجع به مواردی از این کنوانسیون که در صلاحیت قانونی ممالک استانها یا نواحی جزء حکومت فدرال می‌باشد که طبق قوانین اساسی فدراسیون ملزم به اقدام قانونی نمی‌باشند دولت فدرال مواد مزبور را با نظر مساعد در اولین فرصت ممکن بنظر مقامات صالحه ممالک - استانها یا نواحی خواهد رسانید.

ج - دولت فدرالی که طرف این کنوانسیون می‌باشد به موجب درخواست کتبی هردولت متعاهد دیگر که بوسیله دبیرکل سازمان ملل متحد باین دولت تسلیم شده باشد گزارشی از مجموعه قوانین و مقررات جاریه در فدراسیون و واحدهای متشکله آنرا در مورد هریک از مقررات این کنوانسیون باذکر حدود اجرائی آن که به وسیله یک اقدام قانونی یا غیران معین می‌گردد تهیه و باطلاع خواهد رسانید.

مادهٔ ۴۲ ـ رزروها:

۱ - در موقع امضاء - تصویب یا الحاق هر دولت می‌تواند راجع به کلیه مواد این کنوانسیون باستثنای مواد ۱ و ۳ و ۴ و (۱) ۱۶ و ۳۳ و ۳۶ لغایت ۴۶ رزروهائی قائل گردد.

۲ - هردولت که طبق بند یک این ماده رزروهائی قید می‌کند می‌تواند هرموقع که بخواهد با ارسال اطلاعیه‌ای بعنوان دبیرکل ملل متحد رزرو مزبور را کان‌لم یکن تلقی نماید.

مادهٔ ۴۳ـ تاریخ اجراء:

۱ - این کنوانسیون نود روز پس از تاریخ سپردن ششمین سند تصویب یا الحاق بموقع اجراء گذاشته خواهد شد.

۲ - این کنوانسیون درباره دولتهائیکه پس از سپردن ششمین سند تصویب یا الحاق آنرا تصویب نموده یا به آن ملحق میشوند نود روز پس از تاریخ سپردن سند تصویب یا الحاق دولت مزبور به موقع اجراء گذاشته می‌شود.

مادهٔ ۴۴ـ فسخ:

۱ - هر دولت متعاهد می‌تواند در هر موقع با ارسال اطلاعیه‌ای به دبیرکل ملل متحد این کنوانسیون را فسخ نماید.

۲ ـ فسخ یکسال پس از تاریخ دریافت اطلاعیه بوسیله دبیرکل درباره دولت مزبور نافذ خواهد گردید.

۳ ـ دولتی که طبق مقررات ماده ۴۰ اقدام به صدور اعلامیه یا اطلاعیه نموده باشد از آن پس در هر موقع می‌تواند با ارسال اطلاعیه‌ای به دبیرکل ملل متحد اعلام نماید کنوانسیون منبعد در مورد سرزمینی که در اطلاعیه معین گردیده اجراء نخواهد گردید در اینصورت کنوانسیون یکسال پس از آنکه دبیرکل اطلاعیه مزبور را دریافت داردر مورد سرزمین مزبور غیر قابل اجرا خواهد بود.

مادهٔ ۴۵ ـ تجدید نظر:

۱ ـ هردولت متعاهد در هر موقع می‌تواند با ارسال اطلاعیه‌ای جهت دبیرکل ملل متحد تقاضا نماید که در این کنوانسیون تجدیدنظر به عمل آید.

۲ ـ مجمع عمومی ملل متحد در صورت لزوم اقداماتی را که باید در خصوص تقاضای مزبور بعمل آید توصیه خواهد کرد.

مادهٔ ۴۶ـ اطلاعیه‌های دبیرکل ملل متحد:

دبیرکل ملل متحد موضوعات زیر را به اطلاع کلیه اعضاء سازمان ملل متحد و دولتهای غیر عضو مذکور در ماده ۳۹ خواهد رسانید:

الف ـ اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های مذکور در قسمت (ب) ماده یک .

ب ـ امضاء ـ تصویب و الحاق مذکور در ماده ۳۹

ج ـ اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های صادر طبق ماده ۴۰

د ـ رزروهائی که به موجب ماد ۴۲ قید گردیده یا لغو شده است.

هـ تاریخ اجرای این کنوانسیون طبق ماده ۴۳

و ـ فسخ‌ها و اطلاعیه‌های مذکور در ماده ۴۴

ز ـ تقاضای تجدید نظر طبق ماده ۴۵

بنا به مراتب امضاء کنندگان ذیل که دارای اختیارات قانونی می‌باشند این کنوانسیون را از طرف دولتهای متبوعه خویش امضاء نموده‌اند.

در روز بیست و هشتم ژوئیه یکهزار و نهصد و پنجاه و یک در شهر ژنو در یک نسخه به امضاء رسید. متون انگلیسی و فرانسه آن متساویاً معتبر است و دربایگانی سازمان ملل متحد بطور امانت نگاهداری خواهند شد و نسخه‌های مصدق آن بتمام دول عضو سازمان ملل متحد و دول غیر عضو مذکور در ماده ۳۹ داده خواهد شد.

الحاقیه:

بند یک ـ سند مسافرت مذکوردر ماده ۲۸ این کنوانسیون طبق نمونه ضمیمه این کنوانسیون خواهد بود.

این مدرک لااقل ب دو زبان که یکی از آنها انگلیسی یا فرانسه خواهد بود تهیه خواهد شد.

بند دو ـ با رعایت مقررات کشور صادر کننده سند مسافرت ـ نام اطفال را می‌توان در سند مسافرت یکی از والدین یا در مواردِاستثنائی در سند مسافرت پناهنده بالغ دیگر ذکر کرد.

بند سه ـ هزینه صدور سند مسافرت نباید از حداقل هزینه صدور گذرنامه ملی تجاوز کند.

بند چهار ـ جز در موارد مخصوص یا استثنائی سند مسافرت باید تا آنجا که ممکن است برای مسافرت به سرزمین‌های بیشتر معتبر باشد.

بند پنج ـ اعتبار سند مسافرت بنا به انتخاب مقام صادر کننده ممکن است یک یا دو سال باشد.

بند شش ـ ۱ ـ تا موقعی که دارنده سند مسافرت قانوناً در سرزمین دولت صادرکنند سند مسافرت اقامت دارد و در سرزمین دولت دیگر بطور قانونی اقامت نکرده تجدید یا تمدید اعتبار سند مسافرت در صلاحیت مقام صادر کننده آن خواهد بود.

صدور سند جدید نیز در همان شرایط در صلاحیت مقامی است که مدرک قبلی را صادر نموده است.

۲ ـ نمایندگان دیپلماتیک یا کنسولی در صورتیکه دارای اختیار لازم باشند می‌توانند اسناد مسافرتی را که از طرف حکومت مربوط آنها صادر شده است حداکثر تا ششماه تمدید نمایند.

۳ ـ دولتهای متعاهد تجدید یا تمدید اعتبار اسناد مسافرت یا صدور اسناد جدید را برای پناهندگانی که اقامتشان در سرزمین آنها منبعد صورت قانونی نخواهد داشت و نمی‌توانند از کشوریکه اقامتگاه قانونی آنها در آنجا است اسناد مسافرت تحصیل نمایند با حسن نظر مورد بررسی قرار خواهند داد.

بند هفت ـ دولتهای متعاهد اعتبار اسنادی را که طبق مقررات ماده ۲۸ این کنوانسون صادر شده است برسمیت خواهند شناخت.

بند هشت ـ مقامات صلاحیتدار کشوری که پناهنده مایل است به آنجا برود اگر مایل به پذیرفتن او باشند و برای ورود او روادید لازم باشد در سند مسافرت او روادید صادر خواهند نمود.

بند نه ـ ۱ ـ دولتهای متعاهد تعهد می‌نمایند به پناهندگانی که روادید ورود به سرزمینی را که مقصد نهائی آنها است کسب کرده‌اند روادید عبور بدهند.

۲ ـ دلائلی که امتناع از دادن روادید بخارجیان را توجیه می‌کند می‌تواند سبب امتناع از دادن روادید مذکور در فوق گردد.

بند ده ـ حقوق مربوط به هزینه صدور روادیدهای مربوط بخروج ـ پذیرش یا عبور نباید از حداقل تعرفه مربوط بصدوز روادید برای گذرنامه‌های خارجی تجاوز نماید.

بند یازده ـ درصورتیکه پناهنده‌ای محل اقامت خود را تغییر دهد و برطبق قانون در سرزمین دولت متعاهد دیگری اقامت گزیند مسئولیت صدور اسناد جدید طبق شرایط مقرر در ماده ۲۸ بعهدهٔ مقام صلاحیتدار آن سرزمین خواهد بود و پناهنده حق خواهد داشت تقاضای خود را به مقام مزبور تسلیم نماید.

بند دوازده ـ مقام صادر کننده سند جدید باید سند قبلی را اخذ و آنرا بکشور صادر کننده آن ارسال دارد. این امر در صورتی انجام می‌پذیرد که در سند مزبور بدین نحو قید شده باشد در غیر اینصورت مقام

مذکور سند مسافرت را اخذ و آنرا باطل خواهد کرد.

بند سیزده ـ ۱ ـ هر دولت متعاهد تعهد می‌نماید بدارنده سند مسافرتی که طبق ماده ۲۸ این کنوانسیون بوسیله آن دولت صادر شده است اجازه دهد در مدتی که سند مزبور اعتبار داردهر موقع بخواهد به سرزمین آن دولت بازگردد.

۲ ـ مشروط بر مقررات بند فوق هر دولت متعاهد می‌تواند از دارنده سند مزبور بخواهد که تشریفات مقرر برای ورود و خروج به سرزمین دولت مزبور را رعایت نماید.

۳ ـ دولتهای متعاهد در موقع صدور سند مسافرت حق خواهند داشت در موارد استثنائی یا در مواردی که توقف پناهنده تا مدت معینی اجاز داده شده مدتی راکه پناهنده طی آن می‌تواند به سرزمین آنها بازگردد به حداقل سه‌ماه محدود سازند.

بند چهارده ـ فقط مشروط برعایت مقررات بند سیزده مقررات الحاقیه حاضر بهیچوجه در قوانین و مقررات حاکم بر شرایط پذیرش ـ عبور ـ توقف و استقرار در سرزمین‌های دول متعاهد و خروج از آنها تأثیری نخواهد داشت.

بند پانزده ـ صدور سند مسافرت یا مندرجات آن در وضع دارنده آن بخصوص از لحاظ تابعیت مؤثر و تعیین کننده نخواهد بود.

بند شانزده ـ صدور سند مسافرت به هیچوجه دارنده آن را محق بـه استفـاده از حمـایت نمـایندگان دیپلماتیک و کنسولی کشور صادرکننده سند نخواهد ساخت و به مقامات مزبور نیز حق حمایت نخواهد داد.

ضمیمه

نمونه سند مسافرت

سند مسافرت بصورت کتابچه خواهد بود (بقطع تقریبی ۱۰ در ۱۰ سانتیمتر) توصیه می‌شود سند به نحوی چاپ شود که هرگونه قلم خوردگی یا تحریفی که به وسیله مواد شیمیائی یا وسـائل دیگـر در آن بوجود آید به آسانی قابل رؤیت باشد و عبارت (کنوانسیون ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱) بطور مکرر در تمام صفحات آن بزبان صادرکننده چاپ شود.

(پشت جلد)

سند مسافرت کنوانسیون ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱

سند مسافرت (۱) شماره

اعتبار این سند در تاریخ منقضی می‌گردد مگر اینکه تجدید یا تمدید شود.

نام

نام خانوادگی

همراه با فرزند

۱ ـ این سند فقط برای مسافرت دارنده آن و بجای گذرنامه ملی صادر شده است و بهیچوجه تأثیری در تابعیت دارنده آن نخواهد داشت.

۲ ـ دارنده مجاز است تا تاریخ به (نام کشور صادرکننده سند) بازگشت نماید مگر آنکه بعداً تاریخ دیگری تعیین شود (مدت مزبور نباید از سه ماه کمتر باشد).

۳ ـ درصورتی که دارنده در کشوری غیر از کشور صادر کننده سند، اقامت گزیند باید چنانچه مایل به مسافرت مجدد باشد ـ جهت دریافت سند جدید مسافرت به مقامات صلاحیتدار کشور محل اقامت خود مراجعه نماید (مقام صادر کننده سند جدید مسافرت باید سند قبلی را اخذ و آن را بمقام صادرکننده آن عودت دهد)

(۱) (این سند غیر از جلد شامل صفحه می‌باشد).

(۲)

محل و تاریخ تولد

شغل

محل اقامت فعلی

نام و نام خانوادگی زن

نام و نام خانوادگی شوهر

مشخصات:

قد

مو

رنگ چشم

(۱) حکومتهائی که مایل باشند می‌توانند عبارت داخل پرانتز را درج نمایند

بینی

ترکیب صورت

رنگ چهره

علائم مشخصه

فرزندانی که همراه دارنده سند مسافرت می‌باشند:

نام　　نام خانوادگی　　تاریخ و محل تولد　　جنس

-

-

-

-

-

-

- عبارت غیرمفید خط زده شود

(این سند بغیر از جلد شامل　　صفحه می‌باشد)

عکس دارنده سند و مهر مقام صادرکننده آن و (درصورت لزوم) اثر انگشت دارنده سند.　　امضاء دارنده سند

(این سند بغیر از جلد شامل　　صفحه می‌باشد)

(۴)

۱ ـ این سند برای کشورهای زیر معتبر است

۲ ـ سند یا اسنادی که سند مسافرت فعلی بر مبنای آنها صادر شده است:

محل صدور

تاریخ　　امضاء و مهر مقام صادرکننده سند مسافرت.

عوارض دریافت شده:

(این سند بغیر از جلد شامل　　صفحه می‌باشد.)

(۵)

تمدید یا تجدید اعتبار

عوارض دریافت شده:

از

تا

در تاریخ　　در　　تمدید گردید.

مهر و امضای مقام تمدید یا تجدید کننده اعتبار سند مسافرت

(این سند غیر از جلد شامل　　صفحه می‌باشد)

تمدید یا تجدید اعتبار

عوارض دریافت شده:

از

تا

در تاریخ در تمدید گردید.

مهر و امضای مقام تمدید یا تجدید کننده اعتبار سند مسافرت

(این سند غیر از جلد شامل صفحه می‌باشد)

(٦)

تمدید یا تجدید اعتبار

عوارض دریافت شده

از

تا

درتاریخ در تمدید گردید.

امضاء و مهر مقام تمدید یا تجدید کننده اعتبار سند مسافرت

تمدید یا تجدید اعتبار

عوارض دریافت شده

از

تا

درتاریخ در تمدید گردید.

(این سند بغیر از جلد شامل صفحه می‌باشد.)

عوارض دریافت شده

(۷-۳۲)

روادید

نام دارنده سند باید در هر روادید تکرار شود.

(این سند بغیر از جلد شامل ۶۹ صفحه می‌باشد)

کنوانسیون فوق مشتمل بر یک مقدمه و چهل و شش ماده و یک الحاقیه و یک ضمیمه و یک پروتکل مربوط به آن مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷ مشتمل بر یک مقدمه و یازده ماده منضم به قانون کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن می‌باشد.

رئیس مجلس شورای ملی ـ عبدالله ریاضی

۲۱:
پروتکل مربوط بـه وضـع پناهندگان...

پروتکل مربوط به وضع پناهندگان (۳۱ ژانویه ۱۹۶۷)

دول طرف متعاهد پروتکل حاضر

نظر باینکه کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان که در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ در ژنو به امضا رسیده (و ذیلاً کنوانسیون نامیده می‌شود) فقط در مورد اشخاصی اجراء می‌گردد که در نتیجه حوادث قبل از تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۱ بصورت پناهندگان در آمده‌اند.

نظر باینکه طبقات جدید دیگری از پناهندگان پس از انعقاد کنوانسیون پدید آمده‌اند و بهمین علت ممکن است این دسته از پناهندگان از مزایای کنوانسیون برخوردار نگردند.

نظر باینکه می‌توان امید داشت که اساسنامه پیش‌بینی شده در کنوانسیون در مورد کلیه پناهندگانی که مصداق تعریف مندرج در کنوانسیون هستند بدون توجه به تاریخ محدودیت آن ـ که اول ژانویه ۱۹۵۱ می‌باشد ـ اجراء گردد.

در موارد ذیل موافقت نمودند:

مادهٔ اول — مقررات عمومی:

۱ ـ دول متعاهد پروتکل حاضر تعهد می‌نمایند مواد ۲ لغایت ۳۴ کنوانسیون را کلا در مورد پناهندگانی که مصداق تعریف ذیل هستند اجراء نمایند.

۲ ـ اصطلاح (پناهنده) در این پروتکل ـ به استثنای موارد اجرائی بند ۳ این ماده شامل کلیه افرادی است که مصداق تعریف مندرج در ماده اول کنوانسیون می‌باشند مشروط بر آنکه عبارت «در نتیجه حوادثی که قبل از تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۱ وقوع یافته» و عبارت «پس از بروز این قبیل حوادث» مندرجه در بند ۲

بخش الف ماده اول کان لم یکن تلقی گردد.

۳ ـ پروتکل حاضر توسط دول متعاهد بدون هیچگونه محدودیت جغرافیائی به مورد اجرا درخواهد آمد.

معهذا اعلامیه‌هائی که قبلاً از طرف دولی که تاکنون طرف متعاهد کنوانسیون شده‌اند به موجب جزء الف از بند ۱ از بخش ب از ماده اول کنوانسیون صادر گردیده تحت رژیم پروتکل حاضر نیز به مورد اجراء گذارده خواهد شد مگر اینکه وظایف دولت صادرکننده اعلامیه طبق مفاد بند دوم از بخش ب از ماده اول کنوانسیون افزایش یافته باشد.

مادهٔ دوم ـ همکاری مقامات ملی با ملل متحد:

۱ ـ دول متعاهد پروتکل حاضر تعهد می‌کنند که با دفتر کمیسیون عالی ملل متحد برای پناهندگان یا هریک از ادارات ملل متحد که جانشین آن گردد در اجرای وظائفش همکاری نموده و مخصوصاً انجام وظیفه آن را در امر نظارت بر اجرای مقررات این پروتکل تسهیل نمایند.

۲ ـ برای آنکه دفتر کمیسیون عالی ملل متحد برای پناهندگان یا هریک از ادارات دیگر ملل متحد که جانشین آن گردد بتواند گزارشهای لازم را به ارکان ذیصلاحیت ملل متحد تسلیم نماید ـ دول متعاهد پروتکل حاضر متعهد می‌شوند که اطلاعات و آمار درخواست شده مربوط به موارد ذیل را در فرمهای مناسب تهیه و در اختیار آنان قرار دهند:

الف ـ وضع پناهندگان.

ب ـ اجرای پروتکل حاضر.

ج ـ قوانین ـ مقررات و احکامی که در مورد پناهندگان مجری بوده یا از این پس بموقع اجراء گذاشته خواهد شد.

مادهٔ سوم ـ اطلاعات مربوط به قوانین و آئین‌نامه‌های ملی:

دول متعاهد پروتکل حاضر متن قوانین و مقرراتی راکه ممکن است برای تأمین اجرای پروتکل حاضر وضع نمایند در اختیار دبیرکل ملل متحد خواهند گذارد.

مادهٔ چهارم ـ حل اختلاف:

کلیه اختلافاتی که در مورد تفسیر و یا اجرای پروتکل حاضر بین دول متعاهد بروز نماید و رفع آن بطریق دیگری میسر نگردد ـ بنابه درخواست یکی از طرفین اختلاف بدیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع خواهد گردید.

مادهٔ پنجم ـ الحاق:

پروتکل حاضر برای الحاق کلیه دول متعاهد کنوانسیون و هر عضو دیگر سازمان ملل متحد یا عضو هریک از ادارات تخصصی و یا هر دولتی که از طرف مجمع عمومی برای الحاق به پروتکل دعوت شده باشد مفتوح است الحاق به پروتکل حاضر با تسلیم سند الحاقیه به دبیرکل سازمان ملل متحد صورت

می‌گیرد.

مادهٔ ششم ـ مقررات مربوط به دول فدرال:

مقررات زیر در مورد یک دولت فدرال یا غیر واحد اجراء خواهد شد:

الف ـ درمورد اجراء مواد کنوانسیون که طبق بند ۱ از ماده اول پروتکل حاضر صورت خواهد گرفت و اجراء آن منوط به اعمال قوه مقننه فدرال می‌باشد وظائف دولت فدرال در این باره مشابه سایر دول متعاهد که دارای رژیم فدرال نمی‌باشد خواهد بود.

ب ـ در مورد اجراء موادی ازکنوانسیون که طبق بند ۱ ماده اول پروتکل حاضر صورت خواهد گرفت و اجراء آن منوط به اعمال قوه مقننه هریک از ممالک، استانها و یا نواحی تشکیل دهنده دولت فدرال می‌باشد که به موجب نوع قانون اساسی فدراسیون ملزم به اقدامات تقنینیه نیستند دولت فدرال مواد مذکور را در اسرع وقت و با نظر مساعد باستحضار مقامات ذیصلاحیت ممالک، استانها یا نواحی تابعه خواهد رسانید.

ج ـ یک دولت فدرال که طرف متعاهد پروتکل حاضر است بنابه درخواست کتبی که هریک از دول دیگر طرف این پروتکل ـ توسط دبیرکل سازمان ملل متحد به وی تسلیم نماید ـ شرحی از قوانین و رویه‌های متداوله در فدراسیون و واحدهای جزء آن را در مورد هر یک از مفاد کنوانسیون که باید طبق بند ۱ ماده اول پروتکل حاضر به موقع اجراء درآید باطلاع رسانیده و حدود اجرای مفاد مذکور را که از طریق عمل تقنینیه او معین شده معلوم خواهد داشت.

مادهٔ هفتم ـ رزروها و اعلامیه‌ها:

۱ ـ هردولت می‌تواند به هنگام الحاق ـ در مورد ماده ۴ پروتکل حاضر رزروهائی منظور دارد ونیز به موجب ماده اول آن ـ در زمینه اجرای کلیه مفاد کنوانسیون باستثنای مندرجات مواد ۱ ـ ۳ ـ ۴ ـ ۱۶ (بند ۱) و ۳۳ رزروهائی قائل گردد مشروط برآنکه در مورد یک دولت طرف متعاهد کنوانسیون – رزروهائی که طبق مضمون این ماده عنوان می‌گردد شامل پناهندگانی که کنوانسیون درباره آنان تدوین گردیده است نگردد.

۲ ـ رزروهائی که توسط دول متعاهد کنوانسیون طبق مفاد ماده ۴۲ کنوانسیون مذکور عنوان می‌گردد ـ اگر لغو نشده باشد در مورد وظائفی که بر طبق پروتکل حاضر بعهده آنهاست مجری خواهد بود.

۳ ـ هردولتی که به موجب بند اول ماده حاضر رزروهائی را قائل گردد در هر موقع می‌تواند با ارسال اطلاعیه‌ای به عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد آن را لغو نماید.

۴ ـ اعلامیه‌هائی که به موجب بند ۱ و ۲ از ماده ۴۰ کنوانسیون توسط یک دولت طرف متعاهد آن به پروتکل حاضر ملحق شده صادر می‌گردد تحت رژیم پروتکل حاضر به مورد اجراء گذارده خواهد شد ـ مگر اینکه بهنگام الحاق اطلاعیه‌ای مغایر با این امر از جانب طرف ذینفع تقدیم دبیرکل سازمان ملل متحد شده باشد مقررات بندهای ۲ و ۳ از ماده ۴۰ و بند ۳ از ماده ۴۴ کنوانسیون قاعدتاً با رعایت اختلافات

جزئی مقتضی درمورد پروتکل حاضر اجراء خواهد گردید.

مادهٔ هشتم ـ لازم‌الاجراء شدن:

۱ ـ پروتکل حاضر از تاریخ تسلیم ششمین بند الحاق به مرحله اجراء درمی‌آید.

۲ ـ این پروتکل در مورد هر دولتی که پس از تسلیم ششمین سند الحاق به آن ملحق گردد از تاریخ تسلیم سند الحاقیه لازم‌الاجراء می‌گردد.

مادهٔ نهم ـ فسخ:

۱ ـ هریک از دول متعاهد پروتکل حاضر هرگاه که بخواهد می‌تواند از طریق ارسال اطلاعیه کتبی جهت دبیرکل سازمان ملل متحد آنرا فسخ نماید.

۲ ـ فسخ پروتکل یک سال پس از دریافت اطلاعیه فسخ توسط دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد دولت ذینفع نافذ خواهد گردید.

مادهٔ دهم ـ اطلاعیه‌های دبیر کل سازمان ملل متحد:

دبیرکل سازمان ملل متحد ـ در مورد پروتکل حاضر ـ تاریخهای لازم‌الاجراء شدن ـ الحاق ـ رزرو یا لغو آن ـ فسخ و اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های مربوطه را باطلاع کلیه دول مذکور در ماده پنجم خواهد رسانید.

مادهٔ یازدهم ـ تسلیم پروتکل به بایگانی دبیرخانه سازمان ملل متحد:

یک نسخه از پروتکل حاضر که متن انگلیسی ـ چینی ـ اسپانیولی ـ فرانسه و روسی آن متساویاً معتبر است و به امضای رئیس مجمع عمومی و دبیر کل سازمان ملل متحد رسیده به بایگانی دبیرخانه سازمان تسلیم خواهد شد.

دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق آن را برای هریک از اعضای سازمان ملل متحد و برای دولی که در ماده ۵ بدانان اشاره شده است ارسال خواهد نمود.

پروتکل فوق مشتمل بر یک مقدمه و یازده ماده منضم به قانون کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن می‌باشد.

۲۲:

آئین‌نامهٔ اجرائی صدور سند مسافرت پناهندگان سیاسی...

«آئین‌نامه اجرائی صدور سند مسافرت پناهنده‌گان سیاسی»[1]

مادهٔ ۱ـ سند مسافرت سندی است که از طرف مقامات طلاحیتدار دولت جمهوری اسلامی ایران برای مسافرت پناهندگان سیاسی بخارج از ایران صادر می‌شود.

مادهٔ ۲ ـ سند مسافرت با ارائه دفترچه اقامت پناهندگی و پس از احراز هویت متقاضی صادر خواهد شد.

مادهٔ ۳ ـ ورود و خروج پناهندگان با سند مسافرت و تنها از مرزهای مجاز کشور و پس از کنترل مأمورین صلاحیتدار مرزی میسر خواهد بود.

مادهٔ ۴ ـ سند مسافرت مشتمل بر چهل (۴۰) صفحه و در قطع ۱۰ × ۱۵ سانتیمتر بوده که با جلد مخصوص گذرنامه به رنگ آبی مجلد شده و عبارت «کنوانسیون ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱» در وسط و دو خط مورب سیاهرنگ بالای سمت چپ روی جلد منقوش است.

مادهٔ ۵ ـ مدت اعتبار سندمسافرت از تاریخ صدور یکسال است که برای پنج نوبت یکساله دیگر قابل تمدید خواهد بود.

مادهٔ ٦ ـ صدور سند و نگهداری آن منحصراً در اداره امور اتباع خارجه شهربانی جمهوری اسلامی ایران[2]

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۱۲۳۸۲ ـ ۱۳۶۶/۶/۹

۲ ـ بر اساس ماده یک قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۳۲۳۹ مورخ ۱۳۶۹/۵/۲۷ شهربانی و ژاندارمری و کمیته انقلاب اسلامی، لا هم ادغام شده و تحت عنوان «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» در آمده‌اند. جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به: مجموعه قوانین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران. تدوین سرتیب هوشنگ ناصرزاده.

در تهران انجام خواهد شد.

مادهٔ ۷ ـ سند مسافرت برای سفر به کلیه کشورها اعتبار دارد، بجز کشور متبوع سابق پناهنده و کشورهائیکه دولت جمهوری اسلامی ایران در موارد مقتضی مسافرت دارندگان سند فوق را به آن کشورها ممنوع و یا محدود نموده باشد.

مادهٔ ۸ ـ درصورتیکه سند مسافرت غیرقابل استفاده یا مفقود شود پس از رسیدگی لازم و طی مراحل قانونی سند مسافرت دیگری برای پناهنده سیاسی صادر خواهد شد.

تبصره ۱ ـ دارنده سند مسافرت درصورت مفقود شدن سند باید در اولین فرصت ممکن مراتب را با ذکر علت در داخل کشور به یکی از مراکز پلیس و در خارج ازکشور به یکی از نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران اطلاع دهد.

تبصره ۲ ـ نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج می‌توانند در صورت اطلاع از مفقود و یا غیرقابل استفاده شدن سند مسافرت پناهنده با استیذان از مرکز برگ بازگشت به ایران (مخصوص پناهندگان) جهت وی صادر نمایند.

تبصره ۳ ـ مدت زمان لازم برای صدور سند مسافرت جدید کمتر از ششماه نخواهد بود.در موارد ضروری باموافقت ارگانهای مذکور در ماده ۹ این آئینامه، سند مزبور بدون رعایت مدت پیش‌بینی شده در این تبصره صادر خواهد شد.

مادهٔ ۹ ـ اجازه خروج پناهنده ازکشور توسط شهربانی جمهوری اسلامی ایران (اداره امور اتباع خارجه) و پس از استعلام از وزارت اطلاعات، وزارت کشور و وزارت امورخارجه داده خواهد شد. چنانچه پناهنده نظامی باشد باشد استعلام از ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز الزامی خواهد بود.

مادهٔ ۱۰ ـ مرز خروجی در اجازه خروج پناهنده قید خواهد گردید.

مادهٔ ۱۱ ـ دارندگان سند مسافرت حداکثر سه ماه می‌توانند در خارج ازکشور اقامت نمایند در موارد استثنائی مدت مذکور با اجازه مقامات ذیربط قابل افزایش است.

مادهٔ ۱۲ ـ دارندگان سند مسافرت می‌بایست مادامی که بعنوان پناهنده جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند شئونات جمهوری اسلامی ایران در خارج ازکشور را رعایت نمایند.

مادهٔ ۱۳ ـ نحوه دریافت سند مسافرت پناهندگان سیاسی.

الف ـ متقاضیان جهت دریافت سند مسافرت به اداره امور اتباع خارجه شهربانی جمهوری اسلامی ایران و یا شهربانی محل سکونت مراجعه و پرسشنامه مربوطه را تکمیل و به همراه ۶ قطعه عکس ۴×۶ و فتوکپی دفترچه اقامت پناهندگی سیاسی به آن اداره تحویل خواهند داد.

ب ـ اداره امور اتباع خارجه شهربانی جمهوری اسلامی ایران پس از استعلام از مراجع مذکور در ماده ۹ این آئینامه نسبت به صدور سند و اجازه خروج ازکشور اقدام خواهد نمود.

ج ـ متقاضی هنگام دریافت سند مسافرت، دفترچه اقامت پناهندگی خود را به مأمورین اداره امور اتباع

خارجه شهربانی جمهوری اسلامی ایران و یا شهربانی محل سکونت خویش تحویل داده و در قبال تسلیم اعلامیه ورود به اداره مزبور دفترچه اقامت پناهندگی خود را مجدداً دریافت خواهند نمود.

مادهٔ ۱۴ ـ درصورتی که همسر و فرزندان کمتر از ۱۶ سال پناهنده بخواهند همراه وی مسافرت نمایند نام و مشخصات آنان در سند مسافرت قید خواهد شد.

مادهٔ ۱۵ ـ همسر و فرزندان کمتر از ۱۶ سال پناهنده درصورت درخواست وی و موافقت مقامات ذیربط می‌توانند سند مسافرت جداگانه دریافت نمایند.

مادهٔ ۱۶ ـ هنگام ورود پناهنده به کشور سند مسافرت وی بوسیله مأمورین مرزی در قبال تسلیم اعلامیه ورود اخذ و تحویل اداره امور اتباع خارجه شهربانی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

مادهٔ ۱۷ ـ چنانچه معلوم شود دارنده سند مسافرت از کشور دیگری اجازه اقامت یا پناهندگی جدید دریافت نموده است سند مسافرت نامبرده از درجه اعتبار ساقط است.

مادهٔ ۱۸ ـ چنانچه دارنده سند مسافرت نسبت به دراختیار گذاشتن سند به غیر اقدام نماید سند مسافرت وی اخذ و با او طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران رفتار خواهد شد.

مادهٔ ۱۹ ـ درصورتیکه صاحب سند نسبت به مخدوش نمودن سند اقدام نماید سند از درجه اعتبار ساقط و با دارنده طبق قوانین جزائی جمهوری اسلامی ایران رفتار خواهد شد.

مادهٔ ۲۰ ـ اگر دارنده سند از مسافرت منصرف شود، مکلف است ظرف مدت دوهفته پس از انقضای اعتبار اجازه خروج، سند مذکور را به اداره امور اتباع خارجه شهربانی جمهوری اسلامی ایران و یا شهربانی محل سکونت خود عودت دهد و دفترچه اقامت پناهندگی خود را دریافت نماید.

تبصره ـ مدت اعتبار اجازه خروج سه ماه می‌باشد و درصورتیکه دارنده سند در انقضاء مدت اعتبار اجازه خروج از کشور بنابه دلایل موجه و قابل قبول موفق به خروج از کشور نگردد، اداره امور اتباع خارجه شهربانی جمهوری اسلامی ایران نسبت به تمدید اجازه خروج وی برای یک نوبت دیگر اقدام خواهد کرد.

مادهٔ ۲۱ ـ حسب تقاضای شخص پناهنده برای خروج دائمی از کشور ویا چنانچه ادامه اقامت پاهنده، به مصلحت تشخیص داده نشود پس از استعلام از مراجع مندرج در ماده ۹ و اخذ دفترچه اقامت پناهندگی پروانه عبور بدون بازگشت جهت وی صادر خواهد شد.

مادهٔ ۲۲ ـ قیمت صدور سند مسافرت مبلغ ۵۰۰۰/ ریال است که از متقاضی اخذ خواهد گردید.

مادهٔ ۲۳ ـ ماده ۷، تبصره یک و بخش اول تبصره سه ماده ۸ قسمت اول مواد ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ جهت آگاهی متقاضیان سند مسافرت در ظهر پرسشنامه‌های مربوط به متقاضیان دریافت سند مسافرت درج و به امضاء آنان خواهد رسید.

مادهٔ ۲۴ ـ نمونه سند مسافرت و پروانه عبور و برگ بازگشت به ایران «ویژه پناهندگان و آوارگان» و نمونه نقش مهرها و پرسشنامه‌های مربوطه ضمیمه است.

۲۳:

اساسنامه کنفرانس لاهه در حقوق بین‌الملل خصوصی...

اساسنامه کنفرانس لاهه در حقوق بین‌الملل خصوصی ۱۵ ژوئیه ۱۹۵۵[۱]

دولتهای نامبرده ذیل: جمهوری فدرال آلمان، اطریش، بلژیک، دانمارک، اسپانیا، فنلاند، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورک، هلند، پرتقال، انگلستان، و ایرلندشمالی، سوئد و سوئیس با توجه به خصیصه دائمی بودن کنفرانس لاهه در حقوق بین‌الملل خصوصی و با تمایل به تقویت این خصیصه تصمیم به تدوین اساسنامه‌ای برای کنفرانس اتخاذ نمودند و نسبت به مقررات زیر توافق کردند.

مادهٔ اول ـ هدف - هدف کنفرانس لاهه تلاش در جهت وحدت و یکنواخت کردن هرچه بیشتر قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی می‌باشد.

مادهٔ دوم ـ دولتهائی عضو کنفرانس محسوب می‌شوند که قبلاً در یک یا چند اجلاس کنفرانس شرکت نموده و بعلاوه این اساسنامه را بپذیرند همچنین کشوری که از لحاظ حقوقی مشارکت آن متضمن نفع حقوقی برای کارهای کنفرانس باشد می‌تواند عضو شود پذیرش اعضای جدید منوط به تصمیم دولتهای عضو کنفرانس براساس پیشنهاد یک یا چند چند عضو و تصویب اکثریت آراء رأی‌دهندگان می‌باشد که ظرف ششماه از تاریخ پیشنهاد انجام می‌شود، پذیرش وقتی قطعیت می‌یابد که دولت ذینفع این اساسنامه را بپذیرد.

مادهٔ سوم ـ حسن انجام وظایف کنفرانس بوسیله کمیسیون دولت هلند که با فرمان سلطنتی ۱۸۹۷ تشکیل شده به منظور پیشبرد تدوین حقوق بین‌الملل خصوصی که از طریق دفتر دائمی تضمین می‌شود که

---

۱ ـ نقل از کتاب حقوق بین‌المللی خصوصی. تألیف دکتر سید جلال‌الدین مدنی. صفحات ۳۴۷-۳۴۳

کمیسیون فعالیت آنرا هدایت می‌کند. دستور کار کنفرانس به وسیله کمیسیون از قبل تنظیم می‌شود و کمیسیون در ارزیابی و پذیرش پیشنهادات آزاد است کمیسیون پس از مشورت با دولتهای عضو کنفرانس تاریخ و دستور کار اجلاس را تعیین می‌کند سپس کمیسیون به دولت هلند ابلاغ می‌کند که از اعضا دعوت شود، اجلاس عادی کنفرانس اصولاً هر چهار سال یکبار صورت می‌گیرد کمیسیون می‌تواند در صورت احتیاج از دولت هلند بخواهد که بشکل فوق‌العاده کنفرانسی را تشکیل دهد.

مادهٔ چهارم ـ مرکز دفتر دائمی کنفرانس در لاهه می‌باشد و دفتر از یک دبیرکل و دو دبیر از تابعیتهای مختلف که به وسیله دولت هلند انتخاب می‌شوند و براساس معرفی کمیسیون، دبیرکل و معاونین او باید دارای اطلاعات حقوقی و تجربه عملی مناسب باشند تعداد دبیران (معاونین) ممکن است با مشورت اعضاء افزایش یابند.

مادهٔ پنجم ـ براساس رهنمود کمیسیون دفتر دائمی مأموریت دارد برای:

الف ـ تدارک و سازماندهی اجلاس‌های کنفرانس لاهه و نیز تشکیل کمیسیون‌های اختصاصی.

ب ـ تنظیم کارهای دبیرخانه اجلاس‌ها.

ج ـ انجام کلیه وظایف دیگر به دبیرخانه.

مادهٔ ششم ـ به منظور تسهیل ارتباطات بین اعضای کنفرانس و دفتر دائمی، دولتهای هر یک از کشورهای عضو باید یک ارگان ملی را تعیین نمایند دفتر دائمی می‌تواند با کلیه ارگانهای ملی کشورهای عضو که بشرح فوق تعیین شده‌اند و نیز با سازمانهای بین‌المللی صلاحیتدار در تماس باشد.

مادهٔ هفتم ـ کنفرانس لاهه همچنین کمیسیون دولتی در خلال فواصل اجلاس‌ها می‌تواند کمیسیون‌های اختصاصی برقرار کند تا به منظور تدوین طرحهای کنوانسیون مطالعه نمایندو هرگونه مسئله حقوق بین‌الملل خصوصی راکه در چهارچوب هدف کنفرانس قرار می‌گیرد استخراج نمایند.

مادهٔ هشتم ـ هزینه انجام وظایف و نگهداری دفتر دائمی و کمیسیون‌های اختصاصی، بین‌اعضای کنفرانس تقسیم می‌شود مخارج جابجائی و اقامت هیأتها و کمیسیون اختصاصی بعهده دولت میزبان است.

مادهٔ نهم ـ بودجه دفتر دائمی و کمیسیون‌های اختصاصی هرساله تابع تصویب نمایندگان دیپلماتیک کشورهای عضو می‌باشد و این نمایندگان سهم هریک از اعضاء را معین می‌کنند و اجلاس نمایندگان دیپلماتیک زیر نظر وزیر امورخارجه هلند تشکیل می‌شود.

مادهٔ دهم ـ هزینه‌های ناشی از اجلاس‌های عادی کنفرانس از طرف هلند بعمل می‌آید ولی هزینه‌های فوق‌العاده بین اعضای شرکت کنندهٔ اجلاس فوق‌العاده توزیع میی‌شود.

مادهٔ یازدهم ـ عادات و رسوم کنفرانس هرگاه مخالف مقررات این اساسنامه نباشد ادامه می‌یابد و لازم‌الاجراء است.

مادهٔ دوازدهم ـ در این اساسنامه ممکن است تغییراتی داده شود این تغییرات با تصویب دوسوم اعضاء صورت می‌گیرد.

مادهٔ سیزدهم - مقررات این اساسنامه به وسیله آئین‌نامه‌ای تکمیل می‌شود که از طرف دفتر دائمی تنظیم و با تصویب دولتهای عضو به مورد اجرا در می‌آید.

مادهٔ چهاردهم - اجرای این اساسنامه منوط است به اینکه اکثریت دولتهای شرکت کننده در هفتمین اجلاس آنرا قبول و تصویب نمایند اسناد تصویب نزد دولت هلند باقی می‌ماند و به دولتهای عضو این تصویب اطلاع داده می‌شود.

مادهٔ پانزدهم - هرعضو می‌تواند پس از انقضای هرپنجسال برطبق ماده ۱۴ از اساسنامه خارج شود و اعلام رد را قبل از انقضای سال مالی تسلیم نماید.

۲۴:

کنوانسیون وین راجع بـه نمایندگی دول در روابـط خـــود بـــا ســازمان‌های بین‌المللی جهانی ...

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون وین راجع به نمایندگی دول در روابط خود با سازمانهای بین‌المللی جهانی[1] مصوب ۱۳۶۷/۴/۲۸ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۶۷/۵/۴ شورای نگهبان

ماده واحده ـ کنوانسیون وین راجع به نمایندگی دول در رابطه خود با سازمانهای بین‌المللی جهانی مورخ ۱۴ مارس ۱۹۷۵ (۲۳ اسفند ۱۳۵۳) مشتمل بریک مقدمه و ۹۲ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه تسلیم سند الحاق آن داده می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده به انضمام متن کنوانسیون مشتمل بر ۹۲ ماده در جلسه علنی روز سه‌شنبه بیست و هشتم تیرماه یکهزار و سیصد و شصت و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی ـ اکبر هاشمی

کنوانسیون وین راجع به نمایندگی دول در روابط خود با سازمانهای بین‌المللی جهانی

دولتهای طرف کنوانسیون حاضر

با آگاهی از نقش مهم و روزافزون دیپلماسی چند جانبه در روابط بین دولتها و مسئولیتهای سازمان ملل

---

۱ - روزنامه رسمی شماره ۱۲۶۹۰ ـ ۱۳۶۷/۶/۳۰

متحد و آژانسهای تخصصی آن و سایر سازمانهای بین‌المللی جهانی در جامعه بین‌المللی ـ و

با توجه به اهداف و اصول منشور ملل متحد در مورد برابری کامل دولت‌ها، حفظ صلح بین‌المللی و تأمین و پیشبرد روابط دوستانه و همکاری بین دول ـ و

یادآوری امر تدوین و توسعه پیشبرد حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دوجانبه بین دول که طی کنوانسیون وین راجع به روابط دیپلماتیک مورخ ۱۹۶۱ و کنوانسیون وین راجع به روابط کنسولی مورخ ۱۹۶۳ و کنوانسون مربوط به مأموریتهای ویژه مورخ ۱۹۶۹ حاصل گردید ـ و

با اعتقاد به اینکه کنوانسیون بین‌المللی راجع به نمایندگی دول در روابط خود با سازمانهای بین‌المللی جهانی در کسترش روابط دوستانه و همکاری میان دولتها، صرفنظر از نظامهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها مؤثر خواهد بود ـ و

با یادآوری مفاد ماده ۱۰۵ منشور ملل متحد ـ و

و با یادآوری مفاد ماده ۱۰۵ منشور ملل متحد، و

با وقوف بر اینکه مزایا و مصونیتهای مندرج در کنوانسیون حاضر برای بهره‌مندی افراد نمی‌باشد بلکه به منظور تأمین اجرای مؤثر وظایف آنها در قبال سازمانها و کنفرانسها اعطا می‌گردد ـ و

با توجه به مفاد کنوانسیون راجع به مزایا و مصونیتهای سازمان ملل متحد مورخ ۱۹۴۶ و کنوانسیون مزایا و مصونیتهای آژانسهای تخصصی مورخ ۱۹۴۷ و سایر موافقتنامه‌های معتبر بین دول و بین دول و سازمانهای بین‌المللی – و

با اذعان به اینکه مقررات حقوق بین‌الملل عرفی همچنان نسبت به مسائلی که در مواد کنوانسیون حاضر صراحتاً پیش‌بینی نشده‌است حاکم خواهد بود، به شرح زیر موافقت نمودند:

بخش اول
مقدمه

مادهٔ ۱ ـ تعریف اصطلاحات

۱ ـ از لحاظ کنوانسیون حاضر:

۱ ـ اصطلاح «سازمان بین‌المللی» به سازمانهای بین‌الدول اطلاق می‌شود.

۲ ـ اصطلاح «سازمان بین‌المللی جهانی» به سازمان ملل متحد، آژانسهای تخصصی آن، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمانهای مشابهی که در عضویت و مسئولیتهای آنها در سطح جهانی قراردارد، اطلاق می‌گردد.

۳ ـ واژه «سازمان» یعنی سازمان بین‌المللی مورد نظر.

۴ ـ واژه «ارگان» به دو مورد زیر اطلاق می‌گردد:

الف) هر ارگان اصلی یا فرعی از یک سازمان بین‌المللی ـ یا

ب) هر کمیسیون، کمیته یا گروه فرعی از اینگونه ارگانها که دولتها در آنها عضویت دارند.

۵ ـ کلمه «کنفرانس» به کنفرانس دول اطلاق می‌شودکه توسط یک سازمان بین‌المللی یا تحت نظر چنین سازمانی تشکیل گردد.

۶ ـ واژه «مأموریت» بر حسب مورد به یک مأموریت دائم یا یک مأموریت دائم ناظر اطلاق می‌گردد.

۷ ـ اصطلاح «مأموریت دائم» به مأموریتی اطلاق می‌شود که جنبه دائمی داشته باشد و از طرف یک دولت عضو یک سازمان بین‌المللی به نمایندگی آن دولت به سازمان مزبور اعزام شده باشد.

۸ ـ اصطلاح «مأموریت دائم ناظر» به مأموریتی اطلاق می‌شود که جنبه دائمی داشته باشد و توسط یک دولت غیر عضو یک سازمان بین‌المللی به نمایندگی آن دولت به سازمان مزبور اعزام شده باشد.

۹ ـ اصطلاح «هیئت نمایندگی» بر حسب مورد به هیئت نمایندگی در یک ارگان یا هیئت نمایندگی در یک کنفرانس اطلاق می‌گردد.

۱۰ ـ عبارت «هیئت نمایندگی در یک ارگان» به هر هیئت نمایندگی اطلاق می‌شود که توسط و به نمایندگی از طرف یک دولت برای شرکت در مذاکرات ارگان اعزام شده باشد.

۱۱ ـ عبارت «هیئت نمایندگی در یک کنفرانس» به هر هیئت نمایندگی اطلاق می‌شود که توسط و به نمایندگی از طرف یک دولت برای شرکت در کنفرانس اعزام شده باشد.

۱۲ ـ اصطلاح «هیئت نمایندگی ناظر» بر حسب مورد به هر هیئت نمایندگی ناظر در یک ارگان یا کنفرانس اطلاق می‌گردد.

۱۳ ـ عبارت «هیئت نمایندگی ناظر در یک ارگان» به هر هیئت نمایندگی اطلاق می‌شود که توسط و به نمایندگی از طرف یک دولت برای شرکت در مذاکرات ارگان بعنوان ناظر اعزام گردد.

۱۴ ـ عبارت «هیئت نمایندگی ناظر در یک کنفرانس» به هر هیئت نمایندگی اطلاق می‌شود که توسط و به نمایندگی از طرف یک دولت برای شرکت درمذاکرات کنفرانس به عنوان ناظر اعزام گردد.

۱۵ ـ اصطلاح «دولت پذیرنده» به دولتی اطلاق می‌شود که:

الف) مقر سازمان یا دفتر سازمان در قلمرو آن قرار داشته باشد.

ب) اجلاسیه یک ارگان یا کنفرانس در قلمرو آن تشکیل گردد.

۱۶ ـ «دولت فرستنده» به دولتی اطلاق می‌شود که:

الف) ـ هیأتی به مقر سازمان سازمان یا دفتر آن اعزام دارد ـ یا

ب) ـ یک هیئت نمایندگی ناظر را به یک ارگان یا کنفرانس اعزام دارد ـ یا

ج) ـ یک هیئت نمایندگی ناظر را به یک ارگان یا کنفرانس اعزام نماید.

۱۷ ـ «رئیس مأموریت» برحسب مورد به نماینده دائم یا ناظر اطلاق می‌شود.

۱۸ ـ «نماینده دائم» یعنی شخصی که از طرف دولت فرستنده بعنوان رئیس مأموریت دائم انجام وظیفه می‌نماید.

۱۹ ـ «ناظر دائم» به شخصی اطلاق میشود که از طرف دولت فرستنده متصدی ریاست یك هیئت دائم ناظر باشد.

۲۰ ـ «اعضای ماموریت» به رئیس مأموریت وکارمندان او اطلاق می‌گردد.

۲۱ ـ «رئیس هیئت نمایندگی» به نماینده‌ای گفته می‌شود که از طرف دولت فرستنده دراین سمت انجام وظیفه نماید.

۲۲ ـ منظور از کلمه «نماینده» هر شخصی است که از طرف یك دولت برای شرکت در مذاکرات یك ارگان یا کنفرانس به نمایندگی از طرف آن دولت معرفی گردد.

۲۳ ـ «اعضای هیئت نمایندگی» به نمایندگان وکارمندان هیئت اطلاق می‌شود.

۲۴ ـ «رئیس هیئت نمایندگی ناظر» به نماینده ناظری اطلاق می‌شود که از طرف دولت فرستنده برای انجام وظیفه دراین سمت مأمور شده باشد.

۲۵ ـ «نماینده ناظر» یعنی شخصی که از طرف یک دولت برای شرکت در مذاکرات یك ارگان یا کنفرانس بعنوان ناظر تعیین شده باشد.

۲۶ ـ «اعضای هیئت نمایندگی ناظر» به نمایندگان ناظر وکارمندان هیئت اطلاق می‌گردد.

۲۷ ـ اصطلاح «کارمندان» اطلاق می‌شود به کارمندان دیپلماتیك، اداری، فنی و خدمه مأموریت، هیئت نمایندگی یا هیئت نمایندگی ناظر.

۲۸ ـ «کارمندان دیپلماتیك» به آن دسته ازکارمندان مأموریت، هیئت نمایندگی یا هیئت نمایندگی ناظر اطلاق می‌شود که از سمت دیپلماتیك درمأموریت یا هیئت نمایندگی یاهیئت نمایندگی ناظر برخوردار باشند.

۲۹ ـ «کارمندان اداری وفنی» اطلاق می‌شود به کارمندانی که درکادر اداری وفنی یك مأموریت، هیئت نمایندگی یا هیئت نمایندگی ناظر انجام وظیفه می‌کنند.

۳۰ ـ «خدمه» به کارکنانی اطلاق می‌شود که برای انجام امور خانگی یا خدمات مشابه در یك مأموریت، هیئت نمایندگی یا هیئت نمایندگی ناظر استخدام شده باشند.

۳۱ ـ «مستخدمین شخصی» به افرادی اطلاق می‌شود که منحصراً برای خدمت شخصی اعضای مأموریت یا هیئت نمایندگی استخدام شده باشند.

۳۲ ـ اصطلاح «اماکن مأموریت» یعنی ابنیه یا قسمت‌هائی از ابنیه و زمین متصل به آن که مالك آن هرکه باشد، برای انجام امور مأموریت منجمله بعنوان محل اقامت رئیس مأموریت مورد استفاده قرارگیرد.

۳۳ ـ «اماکن هیئت نمایندگی» یعنی ابنیه یا قسمتهائی از ابنیه که مالک آن هر که باشد، منحصراً بعنوان دفاتر هیئت نمایندگی مورد استفاده قرار گیرد.

۳۴ ـ «مقررات سازمان» بویژه اطلاق می‌شود به اساسنامه، تصمیمات و قطعنامه‌های مربوطه و رویه ثابت سازمان.

۲ ـ مفاد بند ۱ ماده حاضر در خصوص تعریف اصطلاحات مندرج در کنوانسیون حاضر به نحوه کاربرد این اصطلاحات در سایر اسناد بین‌المللی یا قوانین داخلی هر کشور یا معانی که ممکن است در این گونه اسناد و قوانین به آنها داده شود لطمه‌ای وارد نمی‌سازد.

مادهٔ ۲ ـ دامنه شمول کنوانسیون حاضر

۱ ـ کنوانسیون حاضر شامل نمایندگی دولت‌ها در روابط خود با هر سازمان بین‌المللی که داری جنبه جهانی می‌باشد و نمایندگی دولتها در کنفرانسهائی که توسط یا تحت سرپرستی چنین سازمانی تشکیل می‌شود، خواهد بود ـ مشروط بر آنکه این کنوانسیون مورد قبول دولت پذیرنده قرار گیرد و و سازمان تشریفات مندرج در ماده ۹۰ را تکمیل کرده باشد.

۳ ـ عدم شمول کنوانسیون حاضر نسبت به کنفرانسهای دیگر مانع از آن نخواهد بود که هر یک از مقررات مندرج در این کنوانسیون که به موجب حقوق بین‌الملل بدون توجه به کنوانسیون حاضر قابل اجرا است، نسبت به نمایندگی دولتها در روابطشان با سایر سازمانهای مشابه قابل اجرا باشد.

۳ ـ عدم شمول کنوانسیون حاضر نسبت به کنوانسیونهای دیگر مانع ازآن نخواهد بود که هر یک از مقررات مندرج در کنوانسیون حاضر که به موجب حقوق بین‌الملل بدون توجه به این کنوانسیون قابل اجرا است نسبت به نمایندگی دولتها در کنفرانسهای مشابه قابل اجرا باشد.

۴ ـ هیچیک از مقررات کنوانسیون حاضر مانع از انعقاد موافقتنامه‌هائی بین دولتها یا بین دولتها و سازمانهای بین‌المللی به منظور تعمیم تمام یا قسمتی از مقررات این کنوانسیون نسبت به سازمانها یا کنفرانسهای بین‌المللی دیگری غیر از آنچه در بند یک این ماده ذکر گردیده نخواهد گردید.

مادهٔ ۳ ـ رابطه بین کنوانسیون حاضر و مقررات مربوطه سازمانها یا کنفرانسهای بین‌المللی

مقررات کنوانسیون حاضر لطمه‌ای به مقررات مربوطه سازمان یا هرگونه مقررات مربوطه آئین‌نامه داخلی کنفرانس وارد نمی‌سازد.

مادهٔ ۴ ـ رابطه کنوانسیون حاضر با سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی

الف) مفاد کنوانسیون حاضر هیچگونه لطمه‌ای به سایر موافقتنامه‌های لازم‌الاجراء بین دولتها یا بین دولتها و سازمانهای بین‌المللی که دارای جنبه جهانی می‌باشند ـ وارد نخواهد ساخت.

ب) مفاد کنوانسیون حاضر مانع از انعقاد سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی راجع به نمایندگی دولتها در روابط خود با سازمانهای بین‌المللی که دارای جنبه جهانی می‌باشند یا نمایندگی آن دولتها در کنفرانسهائی که توسط اینگونه سازمانها تشکیل می‌گردد نخواهد بود.

بخش دوم

مأموریتها در سازمانهای بین‌المللی

مادهٔ ۵ ـ تأسیس مأموریت

۱ ـ دولت‌های عضو می‌توانند ـ درصورتی که مقررات سازمان اجازه دهد ـ مأموریت‌های دائمی را

برای اجرای وظایف مذکور در ماده ۶ در سازمان تأسیس نمایند.

۲ ـ دول غیر عضو می‌توانند ـ درصورتی که مقررات سازمان اجازه دهد ـ نسبت به تأسیس مأموریتهای دائم ناظر در سازمان برای اجرای وظایف مذکور در ماده ۷ اقدام نمایند.

۳ ـ سازمان امکان برقراری یک مأموریت را قبل از تأسیس آن به دولت پذیرنده اطلاع خواهد داد.

مادهٔ ٦ ـ وظایف مأموریت دائم

وظایف مأموریت دائم از جمله شامل موارد زیر خواهد بود:

الف) ـ تأمین انجام نمایندگی دولت فرستنده در سازمان.

ب) ـ حفظ ارتباط بین دولت فرستنده و سازمان.

ج) ـ مذاکره با سازمان و در سازمان.

د) ـ تعیین فعالیتهائی که باید در سازمان انجام شود و گزارش این فعالیتها به دولت کشور فرستنده.

ه) ـ تضمین شرکت دولت فرستنده در فعالیتهای سازمان.

و ـ حفظ منافع دولت فرستنده در رابطه با سازمان

ز) ـ پیشبرد تحقق اهداف و اصول سازمان از طریق همکاری با سازمان و در سازمان.

مادهٔ ۷ ـ وظائف مأموریت دائم ناظر

وظایف مأموریت دائم ناظر از جمله شامل موارد زیر خواهد بود:

الف) ـ تأمین انجام نمایندگی دولت فرستنده و حفظ منافع آن دولت در رابطه با سازمان و حفظ روابط با سازمان.

ب) ـ تعیین فعالیتهائی که باید در سازمان انجام شود و گزارش این فعالیتها به دولت فرستنمده.

ج) ـ پیشبرد همکاری با سازمان و مذاکره با ان.

مادهٔ ۸ ـ انتصاب چند گانه

۱ ـ دولت فرستنده می‌تواند شخص واحدی را بعنوان رئیس مأموریت در دو یا چند سازمان بین‌المللی انتصاب نماید یا می‌تواند رئیس مأموریتی رابه عنوان کارمند دیپلماتیک در یکی از نمایندگیهای خود مأمور نماید.

۲ ـ دولت فرستنده می‌تواند یکی از کارمندان دیپلماتیک مأموریت خود را بعنوان رئیس مأموریت در سایر سازمانهای بین‌المللی منصوب یا یکی از کارمندان مأموریت را بعنوان کارمند مأموریت دیگری تعیین کند.

۳ ـ دو یا چند دولت می‌توانند شخص واحدی را بعنوان رئیس مأموریت در سازمان بین‌المللی واحدی منصوب نماید.

مادهٔ ۹ ـ تعیین اعضای مأموریت

دولت فرستنده می‌تواند با رعایت مقررات مواد ۱۴ و ۷۳، اعضای مأموریت خود را آزادانه تعیین نماید.

مادهٔ ۱۰ ـ اعتبارنامه رئیس مأموریت

اعتبارنامه رئیس مأموریت توسط رئیس کشور، رئیس دولت، وزیر امورخارجه و یا در صورتی که مقررات سازمان اجازه دهد، توسط مقام ذیصلاح دیگری در کشور فرستنده صادر و برای سازمان ارسال خواهد گردید.

مادهٔ ۱۱ ـ انتصاب در ارگانهای سازمان

۱ ـ هر دولت عضو می‌تواند در اعتبارنامه صادره برای نماینده دائمی خود تصریح کند که وی مجاز است بعنوان نماینده آن دولت در یک یا چند ارگان سازمان عمل نماید.

۲ ـ جز در مواردی که دولت عضو بنحو دیگری مقرر کرده باشد، نماینده دائم می‌تواند در ارگانهائی که نمایندگی در آنها مستلزم احراز شرایط خاصی نمی‌باشد، بعنوان نماینده دولت متبوع خود عمل نماید.

۳ ـ هر دولت غیر عضو می‌تواند در اعتبارنامه صادره جهت ناظر دائم خود تصریح کند که درصورتی که مقررات سازمان یا ارگان مربوطه اجازه دهد، ناظر مذکور می‌تواند بعنوان نماینده ناظر در یک یا چند ارگان سازمان عمل نماید.

مادهٔ ۱۲ ـ اختیارنامه برای انعقاد عهدنامه با سازمان

۱ ـ رئیس مأموریت بواسطه وظایف خود و بدون ارائه اختیارنامه از لحاظ پذیرفتن متن عهدنامه بین دولت خود و سازمان ـ بعنوان نماینده دولت متبوع خود تلقی خواهد گردید.

۲ ـ رئیس مأموریت براساس وظایف خود از لحاظ امضای عهدنامه بین دولت متبوع خود و سازمان یا امضای عهدنامه به شرط تصویب دولت متبوع خود، بعنوان نماینده دولت خود تلقی نخواهد گردید، مگر آنکه رویه سازمان یا مقتضیات و شرایط دیگر نشان دهد که مقصود طرفین عهدنامه صرفنظر کردن از اختیارنامه بوده است.

مادهٔ ۱۳ ـ ترکیب مأموریت

مأموریت ممکن است علاوه بر رئیس، شامل کارمندان دیپلماتیک، کارمندان اداری و فنی و خدمه نیز باشد.

مادهٔ ۱۴ ـ تعداد افراد مأموریت:

تعداد افراد مأموریت، باتوجه به وظایف سازمان و نیازهای هرمأموریت خاص و شرایط و مقتضیات دولت پذیرنده از میزان معقول و ادی تجاوز نخواهد کرد.

مادهٔ ۱۵ ـ اطلاعیه‌ها

۱ ـ دولت فرستنده موارد زیر را به اطلاع سازمان خواهد رسانید:

الف) انتصاب، مقام، عنوان و درجه تقدم و تأخر اعضاء مأموریت و تاریخ ورود و عزیمت قطعی و یا خاتمه مأموریت آنها و هرگونه تغییرات دیگری که ممکن است در طول خدمت آنان رخ دهد و در وضع و موقعیت آنان مؤثر باشد.

ب) تاریخ ورود و عزیمت قطعی هر یک از افراد خانواده عضو مأموریت که اهل خانه او هستند و در صورت لزوم، ورود فرد جدید به خانواده عضو یا خروج فردی از عضویت خانواده.

ج) تاریخ ورود و عزیمت قطعی افرادی که بعنوان مستخدمین شخصی توسط اعضای مأموریت استخدام شده‌اند و تاریخ خاتمه استخدام آنها.

د) آغاز و خاتمه استخدام افراد مقیم در کشور پذیرنده بعنوان کارمندان مأموریت یا مستخدمین شخصی اعضای مأموریت.

هـ) موقعیت اماکن مأموریت و منازل خصوصی که به موجب مواد ۲۳ و ۲۹ مصون از تعرض می‌باشند و هرگونه اطلاع دیگری که ممکن است برای مشخص ساختن اماکن و منازل مذکور لازم باشد.

۲ ـ درصورت امکان، اعلام قبلی ورود و عزیمت قطعی نیز انجام خواهد گرفت.

۳ ـ سازمان اطلاعیه‌های مذکور در بندهای ۱ و ۲ ماده حاضر را به جهت دولت پذیرنده ارسال خواهد داشت.

۴ ـ دولت فرستنده نیز می‌تواند اطلاعیه‌های مذکور در بندهاب ۱ و ۲ ماده حاضر را جهت دولت پذیرنده ارسال دارد.

مادهٔ ۱٦ ـ کفیل مأموریت

هرگاه پست ریاست مأموریت بدون تصدی باشد یا رئیس مأموریت قادر به انجام وظایف خود نباشد، دولت فرستنده می‌تواند شخصی را بعنوان کفیل مأموریت منصوب نماید.نام فرد مذکور به اطلاع سازمان و سپس توسط سازمان به اطلاع دولت پذیرنده خواهد رسید.

مادهٔ ۱۷ ـ تقدم و تأخر

۱ ـ تقدم و تأخر نمایندگان دائمی به ترتیب حروف الفبا و از روی فهرست اسامی دول که در سازمان مورد استفاده است، تعیین خواهد شد.

۲ ـ تقدم و تأخر ناظران دائم به ترتیب حروف الفبا و از روی فهرست اسامی دول که در سازمان مورد استفاده است، تعیین خواهد شد.

مادهٔ ۱۸ ـ محل مأموریت

مأموریتها بایستی در حوالی محلی مستقر شوند که مقر سازمان درآنجاست مع‌الوصف چنانچه مقرارات سازمان اجازه دهد، دولت فرستنده می تواند مأموریت یا یک دفتر مأموریت رابا موافقت قبلی دولت پذیرنده درمحلی غیراز حوالی محل سازمان تأسیس نماید.

مادهٔ ۱۹ ـ استفاده از پرچم وآرم.

۱ ـ مأموریت حق خواهد داشت که از پرچم یا آرم دولت فرستنده بر روی اماکن خود استفاد نماید. رئیس مأموریت نیز چنین حقی رانسبت به محل اقامت و وسیله نقلیه خود خواهد داشت .

۲ ـ استفاده از حق مذکور در این ماده بایستی با رعایت قوانین و مقررات و عرف دولت پذیرنده صورت

گیرد.

مادۀ ۲۰ ـ تسهیلات عمومی

۱ ـ دولت پذیرنده کلیه تسهیلات لازم را برای اجرای وظایف مأموریت فراهم خواهد کرد.

۲ ـ سازمان مساعدت خواهد کرد که مأموریت از تسهیلات مذبور برخوردار شود وتسهیلات دیگری را نیز در حدود صلاحیت خود برای مأموریت فراهم خواهد ساخت .

مادۀ ۲۱ ـ تهیه مسکن

۱ ـ دولت پذیرنده وسازمان به دولت فرستنده مساعدت خواهند کرد تا اماکن لازم رابا شرایط مناسب برای استفاده مأموریت درخاك کشور پذیرنده بیابد. در مواقع لزوم دولت پذیرنده طبق قوانین خود تحصیل چنین اماکنی را تسهیل خواهد نمود.

۲ ـ دولت پذیرنده و سازمان همچنین در موارد لزوم، مأموریت را در یافتن مسکن مناسب باشرایط معقول برای کارمندان مأموریت مساعدت خواهند نمود.

مادۀ ۲۲ ـ مساعدت سازمان درمورد مزایا و مصونیتها

۱ ـ سازمان درموارد لزوم دولت فرستنده و مأموریت و کارمندان آن را از لحاظ برخورداری از مزایا و مصونیتهای مندرج درکنوانسیون حاضر مساعدت خواهد نمود.

۲ ـ سازمان در موارد لزوم، دولت پذیرنده را از لحاظ تأمین اجرای وظایف وتعهدات دولت فرستنده ومأموریت وکارمندان آن برحسب مزایا و مصونیتهای اعطایی تحت کنوانسیون حاضر، مساعدت خواهد نمود.

مادۀ ۲۳ ـ مصونیت اماکن

۱ ـ اماکن مأموریت مصونیت دارند و مأمورین دولت پذیرنده جز با رضایت رئیس مأموریت حق ورود به این اماکن را نخواهند داشت.

۲ ـ (الف) دولت پذیرنده وظیفه خاص دارد که کلیه تدابیر لازم را به منظور اینکه اماکن مأموریت مورد تجاوز و خسارت قرار نگرفته و آرامش و شئون آن متزلزل نگردد، اتخاذ نماید.

(ب) درصورتیکه اماکن مأموریت مورد حمله قرار گیرد، دولت پذیرنده کلیه تدابیر لازم را برای تعقیب و مجازات افرادی که مرتکب حمله شده‌اند، بعم خواهد آورد.

۳ ـ اماکن مأموریت و اسباب و اثاث و سایر اموال موجود در آن و وسایل نقلیه مأموریت، مصون از تفتیش و مصادره و توقیف یا اقدامات اجرائی خواهد بود.

مادۀ ۲۴ ـ معافیت اماکن مأموریت از پرداخت مالیات اماکن مأموریت که در مالکیت یا اجاره دولت فرستنده یا نماینده آن قراردارد:

۱ ـ از پرداخت هرنوع مالیات و عوارض ملی و منطقه‌ای یا شهری معاف خواهد بود مگر آنکه دریافت این مالیاتها و عوارض در ازاء انجام خدمات خاص باشد.

۲ ـ درصورتیکه طبق قوانین دولت پذیرنده، پرداخت این مالیاتها و عوارض بعهده شخصی باشد که با دولت فرستنده یا نماینده ان طرف معامله است، معافیت مالیاتی مذکور در این ماده منتفی خواهد بود.

مادهٔ ۲۵ ـ مصونیت بایگانی و اسناد مأموریت از تعرض

بایگانی اسناد مأموریت در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون خواهد بود.

مادهٔ ۲٦ ـ آزادی رفت و آمد

دولت پذیرنده آزادی رفت و آمد و مسافرت تمام اعضای مأموریت و افراد خانواده آنان را در قلمرو خود با رعایت قوانین و مقررات مربوط به مناطقی که ورود بدان از لحاظ امنیت ملی ممنوع بوده و یا تابع مقررات خاصی است، تأمین خواهد نمود.

مادهٔ ۲۷ ـ آزادی ارتباطات

دولت پذیرنده آزادی ارتباطات مأموریت را به منظورهای رسمی اجازه داده و حمایت خواهد نمود. مأموریت می‌تواند برای تماس با حکومت دولت فرستنده و نمایندگیهای سیاسی دائم و نمایندگیهای کنسولی و مأموریتهای دائم و مأموریتهای دائم ناظر و مأموریتهای ویژه و هیئتهای نمایندگی و هیئتهای نمایندگی ناظر آن، در هرجاکه واقع باشند، ازکلیه وسائل ارتباطی مناسب منجمله پیک و پیامهای «کد» و رمز استفاده نماید. معهذا مأموریت نمی‌تواند جز با رضایت دولت پذیرنده دستگاه فرستنده رادیوئی نصب نموده و مورد استفاده قراردهد.

۲ ـ مکاتبات رسمی مأموریت از تعرض مصون خواهد بود. اصطلاح مکاتبات رسمی به تمام مکاتبات مربوط به مأموریت و وظایف آن اطلاق می‌گردد.

۳ ـ کیسه‌های حاوی پست مأموریت نباید باز شده یا توقیف گردد.

۴ ـ بسته‌های جزء کیسه باید دارای علامات خارجی مشهود و مشخص کیفیت آن بوده و فقط حاوی اسناد یا اشیاء مورد استفاده رسمی مأموریت باشد.

۵ ـ پیک مأموریت که باید دارای مدرک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته‌های جزء کیسه باشد، در اجرای وظایف خود از حمایت دولت پذیرنده برخوردار خواهد بود. شخص پیک از مصونیت برخورداربوده و به هیچ عنوان توقیف یابازداشت نخواهد شد.

۶ ـ دولت فرستنده یا مأموریت می‌تواند پیکهای مخصوص برای مأموریت منصوب نماید که در این صورت مقررات بند ۵ این ماده حاکم خواهدبود لیکن مصونتهای مندرج در آن فقط تازمانی که پیک مزبور کیسه خود را به مقصد می‌رساند جاری است.

۷ ـ کیسه را می‌توان به فرمانده یک کشتی یا هواپیمای بازرگانی که باید در یک محل ورودی مجاز وارد گردد، سپرد. فرمانده مزبور که پیک مأموریت تلقی نخواهد شد باید دارای مدرک رسمی حاکی از تعداد بسته‌های جزء کیسه باشد. مأموریت می‌تواند طبق قرار قبلی با مقامات ذیصلاح دولت پذیرنده یکی از اعضاء خود را برای دریافت مستقم و آزادانه کیسه از فرمانده کشتی یا هواپیما اعزام دارد.

مادهٔ ۲۸ ـ مصونیت از تعرض

رؤسای مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت از تعرض مصون خواهند بود و بهیچ عنوان نمی‌توان آنها را توقیف یا بازداشت نمود. دولت پذیرنده با افراد مذکور رفتار محترمانه‌ای که در شأن آنهاست خواهد داشت و کلیه اقدامات لازم را برای ممانعت از هرگونه تعرض به شخص و آزادی یا حیثیت آنها بعمل خواهد آورد و اشخاص معترض را تحت تعقیب قرارداده و مجازات خواهند نمود.

مادهٔ ۲۹ ـ مصونیت محل اقامت و اموال

۱ ـ محل اقامت خصوصی رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت، مانند اماکن مأموریت مصون و مورد حمایت خواهد بود.

۲ ـ اسناد و مکاتبات رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت و همچنین با رعایت بند ۲ ماده ۳۰ اموال آنها مصون خواهد بود.

مادهٔ ۳۰ ـ مصونیت قضائی

رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک از مصونیت تعقیب جزائی در کشور پذیرنده برخوردار خواهند بود و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهند بود مگر در موارد زیر:

الف) دعاوی مربوط به اموال خصوصی غیر منقول که در خاک دولت پذیرنده واقع است، مگر آنکه این افراد اموال را به نمایندگی دولت فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشند.

ب) دعاوی مربوط به ماترکی که در آن افراد مزبور بطور خصوصی و نه بنام دولت فرستنده، وصی و امین‌ترکه و وارث یا موصی‌له واقع شده باشد.

ج) دعاوی راجع به فعالیتهای حرفه‌ای یا تجارتی از هرنوع که این افراد در خاک دولت پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به ان اشتغال دارند.

۲ ـ علیه رئیس مأموریت یا کارمندان دیپلماتیک مأموریت مبادرت بـه هـیچگونه عملیات اجـرائی نخواهد شد جز در موارد مذکور در بندهای الف، ب و ج قسمت اول این ماده و به شرط آن که این عملیات اجرائی به مصونیت شخصی یا محل اقامت او لطمه‌ای وارد نیاورد.

۳ ـ رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت مجبور به ادای شهادت نیستند.

۴ ـ مصونیت قضائی رئیس مأموریت و کارمندان دیپلمـاتیک مأمـوریت در دولت پـذیرنده آنهـا را از تعقیب قضائی دولت فرستنده معاف نخواهد نمود.

مادهٔ ۳۱ ـ سلب مصونیت

۱ ـ دولت فرستنده می‌تواند مصونیت قضائی رئیس مأمـوریت و کـارمندان دیپلمـاتیک مأمـوریت و اشخاصی راکه بر طبق ماده ۳۶ از مصونیت برخوردار می‌باشند سلب نماید.

۲ ـ سلب مصونیت بایستی همواره با صراحت بیان شود.

۳ ـ درصورت اقامه دعوی از طرف هر یک از افراد مذکور در بند ۱ این ماده استناد به مصونیت قضائی

در قبال دعاوی متقابل که مستقیماً با دعوای اصلی ارتباط دارد پذیرفته نخواهد بود.

۴ ـ سلب مصونیت قضائی نسبت به دعوای مدنی یا اداری متضمن سلب مصونیت نسبت به اجرای حکم نخواهد بود که برای اجرای آن اعلام سلب مصونیت جداگانه ضروری است.

۵ ـ چنانچه دولت فرستنده مصونیت هیچیک از افراد مذکور در بند ۱ این ماده را نسبت به اقدامات مدنی سلب ننماید، بایستی برای حل و فصل عادلانه دعوی نهایت سعی خود را بعمل آورد.

مادهٔ ۳۲ ـ معافیت از مقررات بیمه‌های اجتماعی

۱ ـ رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک با رعایت مقررات بند ۳ این ماده، نسبت به خدماتی که برای دولت فرستنده انجام می‌دهند از مقررات بیمه‌های اجتماعی که ممکن است در دولت پذیرنده لازم‌الاجراء باشد ـ معاف خواهند بود.

۲ ـ معافیت مذکور در بند ۱ این ماده همچنین شامل افرادی که منحصراً در استخدام خصوصی رئیس مأموریت یا کارمندان دیپلماتیک مأموریت میباشند خواهد بود، مشروط برآنکه افراد مذکور:

الف) تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نباشد ـ و

ب) مقررات بیمه‌های اجتماعی مجری در کشور فرستنده یا کشور ثالث در مورد آنان اعمال گردد.

۳ ـ رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت باید در مورد اشخاصی که در خدمت آنها هستند و مشمول معافیت مذکور در بند ۲ این ماده نمی‌باشند، تکالیف ناشی از مقررات بیمه‌های اجتماعی کشور پذیرنده را که به کارفرمایان تحمیل می‌گردد، رعایت نمایند.

۴ ـ معافیت مذکور در بندهای ۱ و ۲ این ماده مانع از قبول بالاختیار و استفاده از نظام بیمه‌های اجتماعی کشور پذیرنده تا حدودی که مورد قبول اینن کشور باشد نخواهد بود.

۵ ـ مقررات این ماده خللی به موافقتنامه‌های دوجانبه یا چندجانبه که در گذشته راجع به بیمه‌های اجتماعی منعقد گردیده وارد تیاورده و مانع از انعقاد اینگونه موافقتنامه‌ها درآینده نخواهد بود.

مادهٔ ۳۳ ـ معافیت از عوارض و مالیاتها

رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت از پرداخت کلیه عوارض و مالیاتهای شخصی یا مالی یا ملی یا منطقه‌ای یا شهری جز در موارد زیر معاف خواهند بود:

الف) مالیاتهای غیر مستقیم از نوعی که معمولاً جزء قیمت کالا یا خدمت منظور می‌گردد.

ب) عوارض و مالیاتهای وضع شده بر اموال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو دولت پذیرنده، جز در مواردی که فرد مذکور مال را به نمایندگی دولت فرستنده برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشد

ج) مالیات بر ارث که از طرف دولت پذیرنده دریافت می‌گردد، با رعایت مفاد بند ۴ ماده ۳۸ ـ

د) عوارض و مالیاتهای اخذ شده از درآمدهای شخصی حاصل در کشور پذیرنده و همچنین مالیات بر سرمایه‌های بکار افتاده در فعالیتهای تجارتی آن کشور ـ

ه) عوارضی که در برابر انجام خدمات خاص وصول می‌گردد.

و) هزینه‌های ثبت و دادرسی و رهن و تمبر در مورد اموال غیر منقول با رعایت مقررات ۲۴

مادهٔ ۳۴ ـ معافیت از خدمات شخصی

دولت پذیرنده، رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت را از انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی به هر شکل و صورت که باشد و همچنین از تعهدات نظامی از قبیل بیگاری و خدمات نظامی و اسکان افراد نظامی معاف خواهد داشت.

مادهٔ ۳۵ ـ معافیت از حقوق گمرکی و بازرسی

۱ ـ دولت پذیرنده طبق قوانین و مقرراتی که ممکن است وضع نماید ورود اشیاء زیر را با معافیت از کلیه حقوق گمرکی و مالیاتها و سایر هزینه‌های فرعی ـ جزء مخارج انبارداری و باربری و هزینه‌های ناشی از خدمات مشابه ـ اجازه خواهد داد:

الف) اشیاء مورد استفاده رسمی مأموریت

ب) اشیاء مورد استفاده شخصی رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت منجمله اثاثیه‌ای که که برای منزل خود لازم دارند.

۲ ـ توشه شخصی رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت از تفتیش معاف است مگر آنکه دلایل جدی دال بر وجود اشیائی در آن که مشمول معافیت‌های مندرج در بند ۱ این ماده نمی‌گردد، در دست بوده و یا ورود و صدور آن اشیاء به موجب قوانین یا مقررات قرنطینه دولت پذیرنده ممنوع باشد. در اینگونه موارد تفتیش فقط با حضور شخص برخوردار از این معافیت یا نماینده مجازش صورت خواهد گرفت.

مادهٔ ۳۶ ـ مزایا و مصونیتهای سایر اشخاص

۱ ـ اعضاء خانواده رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت که اهل خانه آنها هستند بشرط آنکه تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نباشند، از مزایا و مصونیتهای مصرحه در مواد ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴ و بندهای ۱ (ب) و ۲ ماده ۳۵ برخوردار خواهند بود.

۲ ـ کارمندان اداری و فنی مأموریت و اعضای خانواده آنها که اهل خانه آنها هستند بشرط آنکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم ان کشور نباشند، از مزایا و مصونیتهای مصرحه در مواد ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴ برخوردار خواهند بود. لیکن مصونیت از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی و اداری موضوع بند ۱ ماده ۳۰ شامل اعمالی که این افراد خارج از حدود وظایف خود انجام داده باشند ـ نخواهد گردید. افراد مذکور همچنین از مزایای مندرج در بند ۱ (ب) ماده ۳۵ در مورد اشیائی که برای استقرار اولیه وارد می‌کنند ـ استفاده خواهند نمود.

۳ ـ خدمه مأموریت به شرط آنکه تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نباشند نسبت به اعمالی که در محدوده وظایف خود انجام می‌دهند، مصونیت داشته و از پرداخت عوارض و مالیات بابت حقوقی که در قبال انجام کار دریافت می‌دارند معاف می‌باشند و نیز از معافیت مصرحه در ماده ۳۲ استفاده خواهند کرد.

۴ ـ خدمتکاران شخصی اعضای مأموریت بشرط آنکه تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نباشد، از پرداخت عوارض و مالیات بابت حقوقی که در قبال انجام وظیفه دریافت می‌دارند، معاف خواهند بود. استفاده آنان از مزایا و مصونیتهای دیگر فقط تا حدودی خواهد بود که مورد قبول دولت پذیرنده باشد.
معهذا دولت پذیرنده بایستی حق حاکمیت خود را نسبت به اشخاص مذکور طوری اعمال نماید که بنحو نامعقولی مانع اجرای وظایف مأموریت نگردد.

مادهٔ ۳۷ ـ اتباع دولت پذیرنده و کسانیکه در سرزمین آن دولت اقامت دائم دارند

۱ ـ رئیس مأموریت یا هریک از کارمندان دیپلماتیک مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم در آن کشور باشند، فقط در مورد اعمال رسمی مربوط به وظایف خود از مصونیت قضائی و مصونیت از تعرض برخوردار خواهند بود، مگر آنکه دولت پذیرنده مزایا و مصونیتهای بیشتری به آنها اعطا کرده باشد.

۲ ـ سایر کارمندان مأموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور می باشند فقط نسبت به اعمال رسمی مربوط به وظایف خود از مصونیت قضائی برخوردار خواهند بود. اعضای مذکور و مستخدمین شخصی که تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده باشند، فقط تا حدودی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد از سایر مزایا و مصونیتها برخوردار خواهند گردید. معهذا دولت پذیرنده بایستی حق حاکمیت خود را در مورد این افراد طوری اعمال نماید که به نحو نامناسبی مانع از اجرای وظایف مأموریت نگردد.

مادهٔ ۳۸ ـ مدت اعتبار مزایا و مصونیتها

۱ ـ افرادی که در استفاده از مزایا و مصونیتها ذیحق می‌باشند، به مجرد ورود به قلمرو دولت پذیرنده برای تصدی مأموریت خود، از این مزایا و مصونیتها برخوردار خواهند شد و اگر قبلا در قلمرو آن دولت باشند، استفاده از این مزایا و مصونیتها از تاریخی است که انتصاب آنها توسط سازمان یا توسط دولت فرستنده به دولت پذیرنده اعلام گردد.

۲ ـ هنگامیکه مأموریت شخصی که از مزایا و مصونیتها بهره‌مند است خاتمه یابد، این مزایا و مصونیتها معمولا بهنگام ترک خاک دولت پذیرنده یا در انقضای مهلت مناسبی که برای انجام این منظور به وی اعطا می‌شود، قطع می‌گردد. مع‌الوصف مصونیت نسبت به اعمالی که شخص مذکور در اجرای وظایف خود بعنوان عضو مأموریت انجام داده است، همچنان باقی خواهد ماند.

۳ ـ درصورت فوت یکی از اعضای مأموریت، اعضای خانواده او تا انقضای مهلت مناسبی که برای ترک خاک دولت پذیرنده به آنها اعطاء می‌شود کمافی السابق از مزایا و مصونیتهای خود برخوردار خواهند بود.

۴ ـ درصورت فوت یک عضو مأموریت که تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نمی‌باشد یا در صورت فوت یکی از افراد خانواده وی که اهل خانه اوست، دولت پذیرنده خروج اموال منقول متوفی را اجازه خواهد داد، به استثنای اموالی که در کشور پذیرنده تحصیل شده و در موقع فوت ممنوع الصدور باشد. از اموال منقول متوفی که صرفاً به دلیل حضور ـ متوفی بعنوان عضو مأموریت یا فرد خانواده او در کشور پذیرنده

قراردارد، مالیات بر ارث اخذ نخواهد شد.

مادهٔ ۳۹ ـ فعالیتهای حرفه‌ای و تجاری

۱ ـ رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت در دولت پذیرنده فعالیت حرفه‌ای یا تجارتی بقصد انتفاع شخصی نخواهند داشت.

۲ ـ کارمندان اداری و فنی مأموریت و افراد خانواده آنان که اهل خانه آنها هستند در مورد فعالیتهای حرفه‌ای یا تجاری خود که به قصد انتفاع شخصی انجام می‌دهند، از هیچگونه مزیت و مصونیتی بجز آنچه که ممکن است توسط دولت پذیرنده اعطاء گردد، برخوردار نخواهد بود.

مادهٔ ۴۰ ـ خاتمه مأموریت

وظایف رئیس مأموریت یاکارمندان دیپلماتیک مأموریت، از جمله در موارد زیر خاتمه می‌یابد:

الف) اعلام خاتمه مأموریت توسط دولت فرستنده به سازمان .

ب) فراخواندن قطعی یا موقتی مأموریت .

مادهٔ ۴۱ ـ حفاظت از اماکن، اموال و بایگانی

۱ ـ هنگامیکه مأموریت بطور موقتی یا قطعی فراخوانده می‌شود، دولت پذیرنده بایستی اماکن، اموال و بایگانی مأموریت را مورد حفاظت قرار دهد. دولت فرستنده کلیه اقدامات مقتضی را بعمل خواهد آورد تا وظیفه خاص دولت پذیرنده در این مورد، در اسرع وقت پایان یابد. دولت فرستنده می‌تواند حفاظت اماکن، اموال و بایگانی مأموریت را درصورت موافقت به سازمان یا دولت ثالثی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد، محول نماید.

۲ ـ دولت پذیرنده درصورت تقاضای دولت فرستنده، تسهیلات لازم را برای انتقال اموال و بایگانی مأموریت از قلمرو آن دولت فراهم خواهد ساخت.

بخش سوم
هیئتهای نمایندگی اعزامی به ارگانها و کنفرانسها

مادهٔ ۴۲ ـ اعزام هیئتهای نمایندگی

۱ ـ هردولت می‌تواند طبق مقررات سازمان یک هیئت نمایندگی را به یک ارگان یاکنفرانس اعزام دارد.

۲ ـ دو یاچند دولت می‌توانند طبق مقررات سازمان، مشترکاً هیئت نمایندگی واحدی را به یک ارگان یا کنفرانس اعزام نمایند.

مادهٔ ۴۳ ـ انتصاب اعضای هیئتهای نمایندگی

دولت فرستنده می‌تواند با رعایت مقررات مندرج در مواد ۴۶ و ۷۳ آزادانه اعضای هیئت نمایندگی خود را تعیین نماید.

مادهٔ ۴۴ ـ اعتبارنامه هیئتهای نمایندگی

اعتبارنامه رئیس هیئت نمایندگی و سایر اعضای آن، توسط رئیس دولت یا رئیس حکومت یا وزیر امورخارجه، یا اگر مقررات سازمان یا آئین‌نامه داخلی کنفرانس اجازه دهد توسط یک مقام ذیصلاحیت دیگر دولت فرستنده صادر خواهد شد اعتبارنامه‌های مذکور بر حسب مورد ـ جهت سازمان یا کنفرانس ارسال خواهد گردید.

مادهٔ ۴۵ ـ ترکیب هیئت نمایندگی

هیئت نمایندگی علاوه بر رئیس هیأت می‌تواند شامل نمایندگان دیگر و کارمندان دیپلماتیک و کارمندان اداری و فنی و نیز خدمه باشد.

مادهٔ ۴۶ ـ تعداد اعضای هیئت نمایندگی

اعضای هیئت نمایندگی برحسب مورد با توجه به وظایف ارگان یا هدف کنفرانس و نیز با در نظرگرفتن نیازهای یک هیئت نمایندگی خاص و همچنین شرایط و مقتضیات دولت پذیرنده از تعداد معقول و متعارفی تجاوز نخواهد کرد.

مادهٔ ۴۷ ـ اطلاعیه‌ها

۱ ـ دولت فرستنده موارد زیر را بر حسب مورد به اطلاع سازمان یا کنفرانس خواهد رسانید:

الف) ترکیب هیئت نمایندگی با تعیین سمت و عنوان و درجه تقدم و تأخر اعضای هیئت و هرگونه تغییرات بعدی

ب) ورود و عزیمت قطعی اعضای هیئت نمایندگی و خاتمه وظایف آنها نزد هیئت نمایندگی

ج) ورود و عزیمت قطعی هر یک از افرادی که اعضای هیئت نمایندگی را همراهی می‌کنند.

د) آغاز و خاتمه استخدام افرادی که در کشور پذیرنده بعنوان کارمندان هیئت یا خدمه اقامت دارند.

ه) محل و موقعیت اماکن هیئت نمایندگی و مسکن خصوصی اعضای هیئت که به موجب ماده ۵۹ از تعرض مصون می‌باشند و همچنین هرگونه اطلاع دیگری که ممکن است برای شناسائی این اماکن و مساکن لازم باشد.

۲ ـ هربار که ممکن باشد، ورود و عزیمت قطعی اشخاص نیز باید قبلاً اعلام گردد.

۳ ـ برحسب مورد سازمان یا کنفرانس، اطلاعیه‌های مذکور دربندهای ۱ و ۲ این ماده را جهت دولت پذیرنده ارسال خواهد داشت.

۴ ـ دولت فرستنده نیز می‌تواند اطلاعیه‌های مذکور در بندهای ۱ و ۲ این ماده را جهت دولت پذیرنده ارسال دارد.

مادهٔ ۴۸ ـ کفیل هیئت نمایندگی

۱ ـ چنانچه رئیس هیئت نمایندگی غایب باشد یا نتواند وظایف خود را انجام دهد، رئیس هیئت نمایندگی یا اگر وی معذور باشد فرد ذیصلاحیتی از طرف دولت فرستنده یکی از اعضای هیئت نمایندگی را بعنوان کفیل هیئت نمایندگی تعیین خواهند کرد. نام کفیل مذکور ـ برحسب مورد به اطلاع سازمان یا

کنفرانس خواهد رسید.

۲ - چنانچه در بین اعضای هیئت نمایندگی شخصی که به عنوان کفیل انتخاب شود، وجود نداشته باشد، ممکن است شخص دیگری را بدین منظور تعیین نمود. در اینگونه موارد بایستی طبق ماده ۴۴ اعتبارنامه مربوطه صادر و ارسال گردد.

مادهٔ ۴۹ - تقدم و تأخر

تقدم و تأخر هیئتهای نمایندگی به ترتیب حروف الفبا و از روی فهرست اسامی دول که در سازمان مورد استفاده قرار می‌گیرد، تعیین خواهد شد.

مادهٔ ۵۰ - وضعیت رئیس دولت و اشخاص عالیرتبه

۱ - رئیس دولت یا هر عضو هیئت حاکمه که تحت قانون اساسی دولت مربوطه وظایف او را انجام می‌دهد، هنگامی که ریاست هیئت نمایندگی را عهده‌دار است - در کشور پذیرنده یا در یک کشور ثالث علاوه بر مزایائی که طبق کنوانسیون حاضر به وی اعطاء می‌شود، از تسهیلات، مزایا و مصونیتهائی که تحت حقوق بین‌الملل به رؤسای دول اعطاء می‌گردد، برخوردار خواهد بود.

۲ - در صورتیکه رئیس حکومت، وزیر امورخارجه یا یک شخصیت عالیرتبه دیگر رئیس هیئت نمایندگی یا عضو آن باشد، دولت پذیرنده یا یک دولت ثالث علاوه بر مزایای اعطائی تحت کنوانسیون حاضر، از تسهیلات و مزایا و مصونیتهائی که تحت حقوق بین‌الملل به اینگونه اشخاص اعطا می‌گردد، برخوردار خواهد بود.

مادهٔ ۵۱ - تسهیلات عمومی

۱ - دولت پذیرنده کلیه تسهیلات لازم را برای هیئت نمایندگی به منظور اجرای وظایف آن فراهم خواهد ساخت.

۲ - برحسب مورد، سازمان یا کنفرانس هیئت نمایندگی را در بدست آوردن تسهیلات مذکور یاری خواهد نمود و نیز تسهیلاتی را در حدود صلاحیت خود به هیئت نمایندگی اعطاء خواهد نمود.

مادهٔ ۵۲ - اماکن و محل اقامت

دولت پذیرنده و عنداللزوم سازان یا کنفرانس، درصورت درخواست دولت فرستنده،آن دولت را در تحصیل اماکن لازم با شرایط معقول برای هیئت نمایندگی و محل اقامت مناسب برای اعضای آن یاری خواهد نمود.

مادهٔ ۵۳ - مساعدت در مورد مزایا و مصونیتها

۱ - سازمان یابرحسب مورد سازمان و کنفرانس عنداللزوم دولت فرستنده و هیئت نمایندگی و اعضای هیئت نمایندگی آن دولت را در تأمین برخورداری از مزایا و مصونیتهای پیش‌بینی شده درکنوانسیون حاضر مساعدت خواهند نمود.

۲ - سازمان یا برحسب مورد سازمان و کنفرانس عنداللزوم دولت پذیرنده را در تأمین انجام تعهدات

دولت فرستنده و هیئت نمایندگی و اعضای هیئت نمایندگی آن دولت در قبال مزایا و مصونیتهای پیش‌بینی شده در کنوانسیون حاضر، مساعدت خواهند نمود.

مادهٔ ۵۴ - معافیت اماکن از مالیات

۱ - دولت فرستنده یا هر یک از اعضای هیئت نمایندگی آن که از طرف هیئت عمل می‌کند، از پرداخت کلیه عوارض و مالیاتهای ملی و منطقه‌ای یا شهری مربوطه به اماکن هیئت نمایندگی بجز عوارضی که در ازاء انجام خدمات خاص اخذ می‌گردد، معاف خواهند بود.

۲ - درصورتیکه طبق قوانین دولت پذیرنده پرداخت این عوارض و مالیاتها بعهده شخصی باشد که با دولت فرستنده یا با یکی از اعضای هیئت نمایندگی آن دولت طرف معامله است - معافیت مالیاتی موضوع این مادهٔ منتفی خواهد بود.

مادهٔ ۵۵ - مصونیت بایگانی و اسناد

بایگانی و اسناد هیئت نمایندگی در هر زمان و مکان از مصونیت برخوردار است.

مادهٔ ۵۶ - آزادی رفت و آمد

با رعایت قوانین و مقررات مربوط به مناطقی که ورود بدان از لحاظ امنیت ملی ممنوع بوده یا تابع مقررات خاصی است - دولت پذیرنده آزادی رفت و آمد و مسافرت تمام اعضای هیئت نمایندگی را که برای انجام وظایف هیئت ضرورت دارد- تأمین خواهد نمود.

مادهٔ ۵۷ - آزادی ارتباطات

۱ - دولت پذیرنده آزادی ارتباطات هیئت نمایندگی را به منظورهای رسمی اجازه داده و حمایت خواهد نمود. هیئت نمایندگی می‌تواند به منظورتماس با حکومت دولت فرستنده و نمایندگی‌های دیپلماتیک دائم، پستهای کنسولی، مأموریت‌های دائم، مأموریتهای ناظر دائم، مأموریتهای مخصوص، سایر هیئتهای نمایندگی، و هیئتهای نمایندگی ناظر دولت فرستنده در هرکجاکه واقع شده باشند از کلیه وسایل ارتباطی مناسب منجمله پیک و پیامهای «کد» و رمز استفاده نماید. معهذا هیئت نمایندگی نمی‌توند جز با رضایت دولت پذیرنده دستگاه فرستنده رادیوئی نصب نموده و مورد استفاده قرار دهد.

۲ - مکاتبات رسمی هیئت نمایندگی مصون است. منظور از مکاتبات رسمی کلیه مکاتباتی است که به هیئت نمایندگی و وظایف آن مربوط می‌گردد.

۳ - درصورتی که امکان پذیر باشد، هیأت نمایندگی از وسایل ارتباطی منجمله کیسه و پیک نمایندگی دیپلماتیک دائم، پست کنسولی، مأموریت دائم یا مأموریت دائم ناظر دولت فرستنده استفاده خواهد نمود.

۴ - کیسه پستی هیأت نمایندگی نباید باز شده یا توقیف گردد.

۵ - بسته‌های جزء کیسه پستی هیأت نمایندگی بایستی دارای علائم خارجی مشهود و مشخص کننده کیفیت آن بوده و فقط حاوی اسناد یا اشیاء مورد استفاده رسمی هیأت نمایندگی باشد.

۶ - پیک هیأت نمایندگی که باید دارای مدرک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته‌های جزء کیسه

باشد، در اجرای وظایف خود از حمایت دولت پذیرنده برخوردار خواهد بود. شخص پیک مصونیت دارد و تحت هیچ عنوان بازداشت یا زندانی نخواهد شد.

۷ ـ دولت فرستنده یا هیأت نمایندگی می‌تواند پیکهای مخصوص منصوب نماید و در اینصورت مقررات بند ۶ این ماده و مصونیتهای مندرج در آن فقط تا زمانی که پیک مزبور کیسه خود را به مقصد می رساند جاری خواهد بود.

۸ ـ کیسه هیأت نمایندگی را می‌توان به فرمانده یک کشتی یا هواپیمای بازرگانی که باید به یک محل ورودی مجاز وارد گردد سپرد. فرمانده مزبور که پیک هیأت نمایندگی تلقی نخواهد شد باید دارای مدرک رسمی حاکی از تعداد بسته‌های جزء کیسه باشد.

هیأت نمایندگی می‌تواند طبق قرارداد قبلی با مقامات ذیصلاحیت دولت پذیرنده یکی از اعضا خود را برای دریافت مستقیم و آزادانه کیسه از فرمانده کشتی یا هواپیما اعزام دارد.

مادهٔ ۵۸ ـ مصونیت شخصی در برابر تعرض

رئیس هیأت نمایندگی و سایر اعضای هیأت نمایندگی و کارمندان دیپلماتیک آن از تعرض مصون هستند و از جمله بهیچ عنوان بازداشت یا زندانی نخواهند شد. دولت پذیرنده با آنها رفتار محترمانه‌ای که در شأن آنهاست خواهد داشت و کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از هرگونه تعرض به شخص و آزادی و حیثیت آنها بعمل آورده و افراد معترض را تعقیب و مجازات خواهد نمود.

مادهٔ ۵۹ ـ مصونیت محل اقامت خصوصی و اموال

۱ ـ محل اقامت خصوصی رئیس هیئت نمایندگی و سایر نمایندگان و کارمندان دیپلماتیک هیأت از مصونیت و حمایت برخوردار خواهد بود.

۲ ـ اوراق، مکاتبات و همچنین با رعایت موارد پیش‌بینی شده در بند ۲ ماده ۶۰ اموال رئیس هیأت نمایندگی و سایر نمایندگان یا کارمندان دیپلماتیک هیأت از مصونیت برخوردار است.

مادهٔ ۶۰ ـ مصونیت قضائی

۱ ـ رئیس هیأت نمایندگی و سایر نمایندگان و کارمندان دیپلماتیک هیأت نسبت به کلیه اعمالی که در اجرای وظایف خود انجام می‌دهند از مصونیت تعقیب جزائی و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری دولت پذیرنده برخوردار خواهند بود.

۲ ـ هیچگونه اقدامات اجرائی نسبت به اشخاص مذکور نمی‌توان به عمل آورد مگر آنکه اقدامات مذکور به حقوق این افراد به موجب مواد ۵۸ و ۵۹ لطمه‌ای وارد نیاورد.

۳ ـ افراد مذکور ملزم به ادای شهادت نخواهند بود.

۴ ـ هیچ یک از مقررات این ماده افراد مذکور را از صلاحیت مقامات دولت پذیرنده در امور مدنی و اداری درمورد اقدامات مربوط به خسارات ناشی از تصادفاتی که توسط اتومبیل، کشتی یا هواپیمای متعلق به اشخاص مذکور یا مورد استفاده آنها رخ دهد، معاف نخواهد نمود مشروط بر اینکه خسارات مذکور

توسط بیمه قابل پرداخت نباشد.

۵ - برخورداری اشخاص مذکور از مصونیت‌های قضائی دولت پذیرنده، آنان را از تعقیب قضائی دولت فرستنده معاف نخواهد داشت.

مادهٔ ۶۱ - سلب مصونیت

۱ - دولت فرستنده می‌تواند مصونیت قضائی رئیس هیأت نمایندگی و سایر نمایندگان و کارمندان دیپلماتیک هیأت و اشخاصی را که به موجب ماده ۶۶ از مصونیت برخوردارند، سلب نماید.

۲ - سلب مصونیت باید صراحتاً اعلام شود.

۳ - درصورت اقامه دعوی از طرف افراد مذکور در بند یک ماده حاضر، استناد به مصونیت قضائی در قبال دعاوی متقابل که مستقیماً با دعوای اصلی ارتباط دارد، پذیرفته نخواهد شد.

۴ - سلب مصونیت قضائی نسبت به دعاوی مدنی یا اداری متضمن سلب مصونیت نسبت به اجرای حکم نخواهد بود که برای اجرای آن سلب مصونیت جداگانه ضروری است .

۵ - چنانچه دولت فرستنده مصونیت افراد مذکور در بند یک این ماد را نسبت به یک دعوای اداری سلب ننماید - بایستی نهایت سعی خود را برای حل و فصل عادلانه موضوع بعمل آورد.

مادهٔ ۶۲ - معافیت از قوانین بیمه‌های اجتماعی

۱ - رئیس هیأت نمایندگی و سایر نمایندگان و کارمندان دیپلماتیک هیأت با رعایت مفاد بند ۳ ماده حاضر در مورد خدماتی که برای دولت فرستنده انجام می‌دهند، از مقررات بیمه‌های اجتماعی که ممکن است که ممکن است در کشور پذیرنده لازم‌الاجراء باشد معاف خواهند بود.

۲ - معافیت مندرج در بند ۱ این ماده همچنین شامل افرادی که منحصراً در استخدام خصوصی رئیس هیأت نمایندگی یا سایر نمایندگان یا کارمندان دیپلماتیک هیأت می‌باشند، خواهد بود- مشروط برآنکه اشخاص مذکور:

الف) تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نباشند - و

ب) مقررات بیمه‌های اجتماعی مجری در کشور فرستنده یا کشور ثالثی در مورد آنها اعمال می‌گردد.

۳ - رئیس هیأت نمایندگی و سایر نمایندگان و کارمندان دیپلماتیک هیأت بایستی در مورد اشخاصی که در استخدام آنها هستند و مشمول معافیت مندرج در بند ۲ این ماده نمی‌باشند - تکالیف ناشی از مقررات بیمه‌های اجتماعی دولت پذیرنده را که به کارفرمایان تحمیل می‌شود، رعایت نمایند.

۴ - معافیت پیش‌بینی شده در بندهای ۱ و ۲ این ماده مانع از قبول اختیاری و استفاده از نظام بیمه‌های اجتماعی دولت پذیرنده تا حدودی که مورد قبول این دولت باشد نخواهد بود .

۵ - مقررات این ماده خللی به موافقتنامه‌های دوجانبه یا چند جانبه که در گذشته راجع به بیمه‌های اجتماعی منعقد گردیده وارد نیاورده و مانع از انعقاد چنین موافقتنامه‌هائی در آینده نخواهد بود.

مادهٔ ۶۳ - معافیت از عوارض و مالیاتها

رئیس هیأت نمایندگی و سایر نمایندگان و کارمندان دیپلماتیک هیأت، تا حدودی که قابل اجرا باشد، از پرداخت کلیه عوارض و مالیاتهای شخصی یا مالی یا ملی یا منطقه‌ای یا شهری جز در موارد زیر معاف خواهند بود:

الف) مالیاتهای غیر مستقیم که معمولاً در قیمت کالاها یا خدمات منظور می‌شود.

ب) عوارض و مالیاتهای وضع شده بر اموال غیر منقول خصوصی واقع در قلمرو دولت پذیرنده جز در مواردی که فرد مذکور مال را به نمایندگی دولت فرستنده برای مقاصد هیأت نمایندگی در تصرف داشته باشد.

ج) مالیات برارث که از طرف دولت پذیرنده دریافت می‌گردد، با رعایت مفاد بند ۴ ماده ۶۸.

د) عوارض و مالیات اخذ شده از درآمدهای شخصی که درکشور پذیرنده بدست آید و همچنین مالیات بر سرمایه‌های بکار افتاده در فعالیتهای تجارتی آن کشور.

ه) عوارضی که در برابر انجام خدمات خاص وصول می‌شود.

و) هزینه‌های ثبت و دادرسی و رهن و تمبر در مورد اموال غیرمنقول با رعایت مفاد ماده ۵۴.

مادهٔ ٦٤ ـ معافیت از خدمات شخصی

دولت پذیرنده، رئیس هیأت نمایندگی و سایر نمایندگان و کارمندان دیپلماتیک هیأت را از انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی به هر شکل و صورت که باشد و همچنین از تعهدات نظامی از قبیل بیگاری و خدمات نظامی و اسکان افراد نظامی معاف خواهد داشت.

مادهٔ ٦٥ ـ معافیت از حقوق گمرکی و بازرسی

دولت پذیرنده طبق قوانین و مقراتی که ممکن است وضع نماید، ورود اشیاء زیر را با معافیت از کلیه حقوق گمرکی و مالیاتها و سایر هزینه‌های فرعی - جز مخارج انبارداری و باربری و هزینه‌های ناشی از خدمات مشابه اجازه خواهد داد:

الف) اشیاء مورد استفاده رسمی هیأت نمایندگی

ب) اشیاء مورد استفاده شخص رئیس هیأت نمایندگی و سایر نمایندگان و کارمندان دیپلماتیک هیأت که جز اثاثیه آنها هنگام ورود اولیه به کشور پذیرنده برای شرکت در یک ارگان یا کنفرانس می‌باشد.

۲ ـ توشه شخصی رئیس هیأت نمایندگی و سایر نمایندگان و کارمندان دیپلماتیک هیأت از تفتیش معاف خواهد بود، مگر آنکه دلایل جدی دال بر وجود اشیائی در آن که مشمول معافیتهای مندرج در بند یک این ماده نمی‌گردد، در دست بوده و یا ورود و صدور اشیاء به موجب قوانین یا مقررات قرنطینه دولت پذیرنده ممنوع باشد. در اینگونه موارد، تفتیش فقط با حضور شخص برخوردار از این معافیت یا نماینده مجازش صورت خواهد گرفت.

مادهٔ ٦٦ ـ مزایا و مصونیتهای سایر اشخاص

۱ ـ اعضای خانواده رئیس هیأت نمایندگی و سایر نمایندگان و کارمندان دیپلماتیک هیأت که آنها را

همراهی می‌کنند، به شرط آنکه تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نباشند، از مزایا و مصونیتهای مصرحه در مواد ۵۸ و ۶۰ و ۶۴ و بندهای ۱ (ب) و ۲ ماده ۶۵ و همچنین معافیت از الزامات مربوط به ثبت نام افراد بیگانه، برخوردار خواهند بود.

۲ ـ کارمندان اداری و فنی هیأت نمایندگی که تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نمی‌باشند، از مزایا و مصونیتهای مصرحه در مواد ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ برخوردار خواهند شد. افراد مذکور همچنین از مزایای مندرج در بند ۱ (ب) ماده ۶۵ نسبت به اشیائی که جزء اثاثیه شخصی آنها به هنگام ورود اولیه به خاک کشور پذیرنده به منظور شرکت در جلسات یک ارگان یا کنفرانس می‌باشد ـ بهره‌مند خواهند گردید. اعضای خانواده کارمندان اداری و فنی که آنها را همراهی می‌کنند مشروط برآنکه تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نباشند، از مزایا و ؤمصونیتهای مندرج در مواد ۵۸ و ۶۰ و ۶۴ و بند ۱ (ب) ماده ۶۵ تا حدودی که به این افراد اعطا می‌گردد، استفاده خواهند نمود.

۳ ـ خدمه هیأت نمایندگی، مشروط برآنکه تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نباشند نسبت به اعمالی که در اجرای وظایف خود انجام می‌دهند از همان مصونیتهای اعطائی به کارمندان اداری و فنی برخوردار می‌باشند و از پرداخت عوارض و مالیات بابت حقوقی که در قبال انجام کار دریافت می‌دارند معاف بوده و نیز از معافیت مندرج در ماده ۶۲ بهره‌مند خواهند بود.

۴ ـ خدمتکاران شخصی اعضای هیأت نمایندگی در صورتی که تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نباشند، از پرداخت عوارض و مالیات بابت حقوقی که در قبال انجام وظیفه دریافت می‌دارند، معاف خواهند بود. استفاده آنان از مزایا و مصونیتهای دیگر فقط تا حدودی خواهد بود که مورد قبول دولت پذیرنده باشد. معهذا دولت پذیرنده بایستی حق حاکمیت خود را نسبت به این افراد طوری اعمال نماید که بنحو نامعقولی مانع از اجرای وظایف هیأت نمایندگی نگردد.

مادهٔ ٦٧ ـ اتباع دولت پذیرنده و کسانیکه در سرزمین آن دولت اقانت دائم دارند

۱ ـ رئیس هیأت نمایندگی یا سایر نمایندگان یا کارمندان دیپلماتیک هیأت که تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده باشند، فقط در مورد اعمال رسمی مربوط به وظایف خود از مصونیت قضائی و مصونیت از تعرض برخوردار خواهند بود ـ مگر آنکه دولت پذیرنده مزایا و مصونیتهای بیشتری به آنها اعطا کرده باشد.

۲ ـ سایر کارمندان هیأت نمایندگی و مستخدمین شخصی که تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده باشند، از مزایا و مصونیتها فقط تا حدودی که مورد قبول دولت پذیرنده باشد، برخوردار خواهند بود. معهذا دولت پذیرنده بایستی حق حاکمیت خود را نسبت به این افراد بنحوی اعمال نماید که بطور نامعقولی مانع از اجرای وظایف هیأت نمایندگی نگردد.

مادهٔ ٦٨ ـ مدت اعتبار مزایا و مصونیتها

۱ ـ اشخاصی که در استفاده از مزایا و مصونیتها ذیحق می‌باشند، به مجرد ورود به قلمرو دولت پذیرنده برای شرکت در جلسات یک ارگان یا کنفرانس از این مزایا و مصونیتها برخوردار خواهند شد و چنانچه قبلاً

در قلمرو آن دولت باشند استفاده از این مزایا و مصونیتها از تاریخی است که انتصاب آنها توسط سازمان یا کنفرانس یا دولت پذیرنده اعلام گردد.

۲ ـ هنگامی که مأموریت شخصی که از مزایا و مصونیتها بهره‌مند است خاتمه یابد، این مزایا و مصونیتها معمولاً به هنگام ترک خاک دولت پذیرنده یا در انقضای مهلت مناسبی که برای انجام این منظور به وی اعطا می‌شود قطع می‌گردد. مع‌الوصف مصونیت نسبت به اعمالی که شخص مذکور در اجرای وظایف خود بعنوان عضو هیأت نمایندگی انجام داده است کماکان باقی خواهد ماند.

۳ ـ درصورت فوت یکی از اعضای هیأت نمایندگی، اعضای خانواده او تا انقضای مهلت مناسبی که برای ترک خاک دولت پذیرنده به آنها اعطا می‌شود، کما فی‌السابق از مزایا و مصونیتهای خود بهره‌مند خواهند بود.

۴ ـ درصورت فوت یک عضو هیأت نمایندگی که تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نمی‌باشند یا در صورت فوت یکی از افراد خانواده او که وی را همراهی می‌کند، دولت پذیرنده خروج اموال منقول متوفی را اجازه می‌دهد، به استثنای اموالی که در آن کشور تحصیل شده و در موقع فوت ممنوع‌الصدور باشد از اموال منقولی که صرفاً به سبب حضور متوفی به عنوان عضو هیأت نمایندگی یا بعنوان یکی از افراد خانواده عضو هیأت در کشور پذیرنده قراردارد مالیات بر ارث اخذ نمی‌گردد.

مادهٔ ۶۹ ـ خاتمه مأموریت

وظایف رئیس هیأت نمایندگی یا سایر نمایندگان یا کارمندان دیپلماتیک هیأت از جمله در موارد زیر خاتمه می‌یابد:

الف) اعلام خاتمه مأموریت توسط دولت فرستنده به سازمان یا کنفرانس

ب) پایان جلسات ارگان یا کنفرانس

مادهٔ ۷۰ ـ حفاظت از اماکن، اموال و بایگانی

۱ ـ هنگامیکه جلسات یک ارگان یا کنفرانس خاتمه می‌یابد، دولت پذیرنده موظف است اماکن هیئت نمایندگی را تا هنگامیکه در استفاده هیأت قرار دارد و نیز اموال و بایگانی هیأت نمایندگی را محترم داشته و مورد حمایت قراردهد. دولت فرستنده کلیه اقدامات مقتضی را بعمل خواهد آورد تا وظیفه خاص دولت پذیرنده در این مورد در اسرع وقت پایان یابد.

۲ ـ دولت پذیرنده در صورت تقاضای دولت فرستنده، تسهیلات لازم را برای انتقال اموال و بایگانی هیأت نمایندگی از خاک کشور خود فراهم خواهد کرد.

بخش چهارم
هیأتهای نمایندگی ناظر در ارگانها و کنفرانسها

مادهٔ ۷۱ ـ اعزام هیأتهای نمایندگی ناظر

هر دولت می‌تواند طبق مقررات سازمان یک هیأت نمایندگی ناظر را به یک ارگان یا کنفرانس اعزام دارد.

مادهٔ ۷۲ـ مقررات عمومی راجع به هیأتهای نمایندگی ناظر

کلیه مقررات مندرج در مواد ۴۳ تا ۷۰ کنوانسیون حاضر نسبت به هیأتهای نمایندگی ناظر مجری خواهد بود.

بخش پنجم
مقررات عمومی

مادهٔ ۷۳ـ تابعیت اعضاء مأموریت و هیأت نمایندگی ناظر

۱ ـ رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت، رئیس هیأت نمایندگی و سایر نمایندگان و کارمندان دیپلماتیک هیأت دیپلماتیک هیئت رئیس هیئت نمایندگی و سایر نمایندگان و کارمندان دیپلماتیک هیئت نمایندگی ناظر بایستی اصولاً دارای تابعیت دولت فرستنده باشند.

۲ ـ رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت را نمی توان از میان اشخاصیکه تابعیت دولت پذیرنده را دارند انتخاب نمود مگر با رضایت آن دولت که هر زمان قابل پس گرفتن است.

۳ ـ در مواردی که رئیس هیأت نمایندگی یا هریک از نمایندگان یا کارمندان دیپلماتیک هیئت یا رئیس هیأت نمایندگی ناظر یا هریک از نمایندگان یا کارمندان دیپلماتیک آن از بین اتباع دولت پذیرنده انتخاب می‌گردد چنانچه انتصاب فرد مذکور به اطلاع دولت پذیرنده رسیده باشدو اعتراضی از طرف آن دولت نشده باشد، رضایت دولت پذیرنده مسلم فرض خواهد شد.

مادهٔ ۷۴ـ قوانین مربوط به تحصیل تابعیت

اعضای مأموریت یا هیئت نمایندگی یا هیأت نمایندگی ناظر که دارای تابعیت کشور پذیرنده نیستند و اعضای خانواده افراد مذکور که بر حسب مورد اهل خانه آنها هستند یا آنان را همراهی می‌کنند ـ صرفاً به دلیل اعمال قوانین دولت پذیرنده، تابعیت آن کشور را تحصیل نخواهند کرد.

مادهٔ ۷۵ـ مزایا و مصونیتها در مورد وظایف چندگانه

هنگامیکه اعضای یک مأموریت دیپلماتیک دائم یا یک پست کنسولی در کشور پذیرنده جزء یک مأموریت یا هیئت نمایندگی یا هیأت نمایندگی ناظر باشند ـ علاوه بر مزایا و مصونیتهای اعطائی تحت کنوانسیون حاضر ـ از مزایا و مصونیتهای خود به عنوان عضو مأموریت دیپلماتیک دائم یا پست کنسولی، همچنان بهره‌مند خواهند بود.

مادهٔ ۷۶ـ همکاری بین دولت فرستنده و دولت پذیرنده

دولت فرستنده در موارد لزوم و تا حدودی که با اجرای مستقل وظایف مأموریت، هیأت نمایندگی یا هیأت نمایندگی ناظر مغایر نباشد ـ در زمینه انجام هر گونه تحقیق یا پیگرد که طبق مقررات مواد ۲۳ و ۲۸ و

۲۹ و ۵۸ بعمل می‌آید با دولت پذیرنده حتی‌الامکان همکاری خواهد نمود.

مادهٔ ۷۷ ـ احترام به قوانین و مقررات دولت پذیرنده

۱ ـ کلیه افرادی که از مزایا و مصونیتها برخوردار می‌باشند، بدون آنکه به مزایا و مصونیتهای آنها لطمه‌ای وارد آید ـ مکلفند قوانین و مقررات دولت پذیرنده را محترم شمرده و از مداخله در امور داخلی آن دولت خودداری نمایند.

۲ ـ در موردی که یک شخص دارای مصونیت قضائی، به نقض شدید و آشکار قوانین جزائی دولت پذیرنده مبادرت نماید، دولت فرستنده درصورتیکه مصونیت شخص مزبور را سلب ننماید، می‌تواند وی را احضار کرده، به وظایفش در مأموریت یا هیأت نمایندگی یا هیأت نمایندگی ناظر خاتمه دهد یا به نحو مقتضی او را به کشور خود باز گرداند. دولت فرستنده همین اقدام را در مورد شخص مذکور به دخالات شدید و آشکار در امور داخلی دولت پذیرنده مبادرت کرده باشد، بعمل خواهد آورد. مقررات این بند شامل اعمالی نمی‌شود که شخص مزبور در رابطه با وظایف مأموریت یا هیأت نمایندگی یا هیأت نمایندگی ناظر انجام داده است.

۳ ـ اماکن مأموریت و اماکن هیأت نمایندگی نبایستی به نحوی مورد استفاده قرار گیرد که مغایر با اجرای وظایف آنها باشد.

۴ ـ هیچیک از مقررات این ماده نبایستی به نحوی تفسیر شود که دولت پذیرنده را از انجام اقدامات لازم برای حمایت از خود بازدارد. در آن صورت دولت پذیرنده با رعایت مواد ۸۴ و ۸۵ بنحو مقتضی با دولت فرستنده مشورت خواهد نمود تا اطمینان حاصل شود که اقدامات مذکور مانع از اجرای وظایف عادی مأموریت، هیأت نمایندگی یا هیأت نمایندگی ناظر نخواهد گردید.

۵ ـ اقدامات مذکور در بند ۴ این ماده با موافقت وزیر امور خارجه یا هر وزیر ذیصلاحیت دیگر دولت پذیرنده و طبق مقررات قانون اساسی آن دولت انجام خواهد شد.

مادهٔ ۷۸ ـ خسارات وارده به شخص ثالث

اعضای مأموریت، هیئت نمایندگی یا هیئت نمایندگی ناظر بایستی کلیه الزامات قوانین و مقررات دولت پذیرنده را در خصوص بیمه خسارات وارده به شخص ثالث نسبت به اتومبیل، کشتی یا هواپیمای متعلق به وی یا مورد استفاده او رعایت نمایند.

مادهٔ ۷۹ ـ ورود به قلمرو دولت پذیرنده

۱ ـ دولت پذیرنده ورود افراد زیر را به قلمرو خود اجازه خواهد داد:

الف) اعضای مأموریت و اعضای خانواده‌شان که اهل خانه آنها می‌باشند.

ب) اعضای هیأت نمایندگی و افراد خانواده‌شان که آنها را همراهی می‌کنند ـ و

ج) اعضای هیأت نمایندگی ناظر و افراد خانواده‌شان که آنها را همراهی می‌کنند.

۲ ـ برای افراد مذکور در بند ۱ این ماده، در صورت درخواست در اسرع وقت ممکن روادید صادر

خواهد شد.

مادهٔ ۸۰ ـ تسهیلات برای عزیمت

دولت پذیرنده، درصورت تقاضا، تسهیلاتی فراهم خواهد کرد تا افراد برخوردار از مزایا و مصونیتها به استثنای افرادیکه تبعه کشور پذیرنده می‌باشند و اعضای خانواده افراد مذکور صرفنظر از تابعیت آنها، بتواند قلمرو دولت پذیرنده را ترک نماید.

مادهٔ ۸۱ ـ عبور از سرزمین دولت ثالث

۱ ـ درصورتیکه رئیس مأموریت یا یکی از کارمندان دیپلماتیک آن، رئیس هیأت نمایندگی، سایر نمایندگان یا کارمندان دیپلماتیک آن، رئیس هیأت نمایندگی ناظر، سایر نمایندگان یا کارمندان دیپلماتیک آن برای تصدی مأموریت یا از سر گرفتن آن یا در هنگام مراجعت به کشور خود، از سرزمین دولت ثالثی که در صورت لزوم برای فرد مذکور روادید صادر ننموده است عبور کند یا در آن سرزمین توقف نماید، دولت ثالث مصونیت از تعرض و سایر مصونیتهائی را که برای تأمین عبور او لازم است ـ به وی اعطاء خواهد نمود.

۲ ـ مقررات بند ۱ این ماده همچنین نسبت به موارد زیر مجری خواهد بود:

الف) افراد خانواده رئیس مأموریت یا کارمند دیپلماتیک مأموریت که اهل خانه وی هستند و از مزایا و مصونیتها برخوردار می‌باشند، اعم از آنکه به همراهی رئیس یا کارمند مذکور یا به تنهائی برای پیوستن به او یا بازگشت به میهن مسافرت می‌نمایند ـ

ب) افراد خانواده رئیس هیأت نمایندگی یا هریک از نمایندگان یا کارمندان دیپلماتیک هیأت که همراه وی بوده و از مزایا و مصونیتها برخوردار می‌باشند، اعم از اینکه در معیت او یا به تنهائی برای پیوستن به وی یا مراجعت به میهن مسافرت می‌نمایند.

ج) اعضای خانواده رئیس هیأت نمایندگی ناظر یا هر یک از نمایندگان ناظر یا کارمندان دیپلماتیک هیأت که همراه وی بوده و از مزایا و مصونیتها برخوردار هستند ـ خواه در معیت او یا به تنهائی برای پیوستن به وی یا مراجعت به میهن مسافرت می‌نمایند.

۳ ـ در شرایط مشابه آنچه در بندهای ۱ و ۲ این ماده ذکر گردیده ـ دولتهای ثالث مانع عبور کارمندان اداری و فنی و خدمه و اعضای خانواده‌های انها از سرزمینهای خود نخواهند گردید.

۴ ـ دولتهای ثالث نسبت به مکاتبات رسمی سایر ارتباطات رسمی از جمله پیامهای «کد» و رمز که از خاک آنها می‌گذرد، همان آزادی و حمایتی را اعطا خواهند کرد که دولت پذیرنده طبق کنوانسیون حاضر ملزم به رعایت آن است و همچنین نسبت به پیکهای مأموریت یا هیأت نمایندگی یا هیأت نمایندگی ناظر ـ که در صورت لزوم روادید تحصیل کرده‌اند ـ و نسبت به کیسه‌های پستی مأموریت یا هیأت نمایندگی یا هیأت نمایندگی ناظر که از سرزمین دولت ثالث می‌گذرد، همان مصونیت از تعرض و حمایتی را که دولت پذیرنده طبق کنوانسیون حاضر ملزم به رعایت آنست، اعطا خواهند کرد.

۵ ـ تکالیف دولتهای ثالث به موجب بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ ماده حاضر، همچنین نسبت به اشخاص مذکور در بندهای فوق و ارتباطات رسمی و کیسه‌های پستی مأموریت یا هیأت نمایندگی یا هیأت نمایندگی ناظر در مواقعیکه به علت «فورس ماژور» در سرزمین دولت ثالثی می‌باشند ـ مجری خواهد بود.

مادهٔ ۸۲ ـ عدم شناسائی دولتها یا حکومتها یا فقدان روابط سیاسی یا کنسولی

۱ ـ درصورتیکه دولت پذیرنده و دولت فرستنده یا حکومتهای آنها یکدیگر را به رسمیت نشناسند یا در صورت فقدان یا قطع روابط دیپلماتیک یا کنسولی بین آنها ـ به حقوق و تکالیف آنها طبق کنوانسیون حاضر لطمه‌ای وارد نخواهد آمد.

۲ ـ تأسیس یا ابقاء یک مأموریت، اعزام یا شرکت یک هیأت نمایندگی یا یک هیأت نمایندگی ناظر یا هر اقدامی در اجرای کنوانسیون حاضر، به خودی خود متضمن شناسائی دولت پذیرنده توسط دولت فرستنده یا حکومت آن یا بالعکس نخواهد بود.

مادهٔ ۸۳ ـ عدم تبعیض

در اجرای مقررات کنوانسیون حاضر هیچگونه تبعیضی بین دولتها بعمل نخواهد آمد.

مادهٔ ۸۴ ـ مشاوره

هرگاه درمورد اجراء یا تفسیر کنوانسیون حاضر بین دو یا جند دولت عضو اختلافی بروز نماید ـ بنا به تقاضای هریک بین آنها مشاوره بعمل خواهد آمد و بنا به درخواست هریک از طرفهای اختلاف از سازمان یا کنفرانس دعوت خواهد شد که در مشاورات شرکت نماید.

مادهٔ ۸۵ ـ سازش

۱ ـ چنانچه ظرف یکماه از آغاز مشاوره، اختلاف از طریق مشاوره به ترتیبی که در ماده ۸۴ ذکر شد برطرف نگردد، هر یک از دولتهای شرکت کننده در مشاوره، می‌تواند این اختلاف رابه یک کمیسیون سازش که طبق مقررات ماده حاضر و با دادن اطلاعیه کتبی به سازمان و سایر دولتهای شرکت کننده در مشاوره تشکیل می‌گردد ـ احاله نماید.

۲ ـ هر کمیسیون سازش مرکب از سه عضو خواهد بود که دو نفر آن به ترتیب توسط هر یک از طرفین اختلاف انتخاب خواهند شد و نفر سوم که رئیس کمیسیون خواهد بود، طبق بند ۳ ماده حاضر انتخاب می‌گردد. هریک از دولتهای طرف کنوانسیون حاضر قبلاً فردی را بعنوان عضو این کمیسیون معرفی و مراتب را به سازمان اعلام خواهند نمود و سازمان فهرستی از این افراد را تهیه خواهد کرد. چنانچه یکی از دول طرف این کنوانسیون عضو مربوطه را قبلاً معرفی نکند، می‌تواند در جریان حل اختلاف و تا هنگامی که کمیسیون به تهیه پیش‌نویس گزارش طبق بند ۷ این ماده می‌پردازد، عضو خود را معرفی نماید.

۳ ـ رئیس کمیسیون توسط دو عضو دیگر به این سمت انتخاب خواهد شد. چنانچه دو عضو مذکور نتوانند ظرف یکماه از تاریخ اطلاعیه مذکور در بند ۱ ماده حاضر به توافق برسند یا چنانچه یکی از طرفهای اختلاف از حق خود برای تعیین عضو کمیسیون استفاده ننماید ـ رئیس کمیسیون بنا به تقاضای یکی از

طرفهای اختلاف، توسط مقام اداری ارشد سازمان و ظرف یکماه از تاریخ تقاضا تعیین خواهد شد. مقام مذکور یک حقوقدان ذیصلاحیت را که مأمور سازمان یا تبعه هیچیک از دولتهای طرف اختلاف نباشد به عنوان رئیس کمیسیون سازش تعیین خواهد کرد.

۴ ـ احراز هر پست بلاتصدی به ترتیبی است که در مورد انتخاب نخست ذکر شده است.

۵ ـ کمیسیون حتی اگر ترکیب اعضای آن ناقص باشد ـ به مجرد انتصاب رئیس شروع به کار خواهد کرد.

۶ ـ کمیسیون آئینامه داخلی خود را رأساً تنظیم و تصمیمات و توصیه‌های خود را با اکثریت آراء اتخاذ خواهد نمود. کمیسیون می‌تواند به سازمان توصیه نماید که اگر بر طبق منشور ملل متحد مجاز به این امر باشد ـ از دیوان بین‌المللی دادگستری بخواهد که در رابطه با اجراء یا تفسیر کنوانسیون حاضرنظر مشورتی خود را اعلام نماید.

۷ ـ چنانچه کمیسیون نتواند ظرف دوماه از تاریخ انتصاب رئیس، نظر موافق طرفهای اختلاف را برای حل اختلاف جلب نماید، در اسرع وقت ممکن گزارشی از اقدامات خود را تهیه و آنرا به اطلاع طرفهای اختلاف خواهد رسانید. این گزارش متضمن نتایج حاصله در خصوص حقایق امر و مسایل حقوقی و توصیه‌هائی خواهد بود که کمیسیون به طرفهای اختلاف برای تسهیل حل و فصل اختلاف ارائه نموده است. مهلت مقرر دوماه را می‌توان بنابرتصمیم کمیسیون تمدید کرد.توصیه‌های مندرج در گزارش کمیسیون برای هیچیک از طرفهای اختلاف الزام‌آور نخواهد بود مگر آنکه کلیه طرفهای اختلاف توصیه‌های مزبور را پذیرفته باشند. مع‌الوصف هریک از طرفهای اختلاف می‌تواند بطور یکجانبه اعلام نماید که توصیه‌های مندرج درگزارش را تا آنجا که به طرف مذکور مربوط می‌گردد، اجرا خواهد نمود.

۸ ـ هیچیک از مقررات بندهای پیشین این ماده مانع از اتخاذ روش مناسب دیگری برای حل اختلافات ناشی از اجراء یا تفسیر کنوانسیون حاضر یا حصول توافق بین طرفهای اختلاف برای حل ان به طریقه پیشنهادی سازمان، یا هر طریق دیگر، نخواهد بود.

۹ ـ مفاد ماد حاضر خللی به مقررات مربوط به حل اختلافات ناشی مندرج در موافقتنامه‌های بین‌المللی لازم‌الاجراء بین دولتها و یا بین دولتها و سازمانهای بین‌المللی وارد نخواهد ساخت.

بخش ششم
مواد نهائی

مادهٔ ۸۶ ـ امضاء

کنوانسیون حاضر تا تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۵ در وزارت فدرال امورخارجه جمهوری اتریش و پس از آن تا تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۷۶ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برای امضاء کلیه دول مفتوح خواهد بود.

مادهٔ ۸۷ ـ تصویب

کنوانسیون حاضر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.

مادهٔ ۸۸ ـ الحاق

کنوانسیون حاضر برای الحاق کلیه دول مفتوح خواهد بود و اسناد الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

مادهٔ ۸۹ ـ لازم‌الاجراء شدن

۱ ـ کنوانسیون حاضر در سی‌امین روز پس از تسلیم سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق، لازم‌الاجراء خواهد گردید.

۲ ـ این کنوانسیون برای هر دولتی که پس از تسلیم سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق، آنرا تصویب نموده یا بدان ملحق گردد ـ در سی‌امین روز پس از تودیع سند تصویب یا الحاق توسط دولت مذکور لازم‌الاجراء خواهد گردید.

مادهٔ ۹۰ ـ اجرای کنوانسیون توسط سازمانها

پس از لازم‌الاجراء شدن کنوانسیون حاضر ـ ارگان ذیصلاحیت یک سازمان بین‌المللی که دارای جنبه جهانی باشد، می‌تواند تصمیمی را برای اجرای مقررات مربوطه این کنوانسیون اتخاذ نماید. سازمان این تصمیم را به دولت پذیرنده و به مرجع نگهدارنده کنوانسیون اطلاع خواهد داد.

مادهٔ ۹۱ ـ اطلاعیه‌های مرجع نگهدارنده

۱ ـ دبیر کل سازمان ملل متحد بعنوان مرجع نگهدارنده کنوانسیون حاضر، موارد زیر را به اطلاع کلیه دول خواهد رسانید:

الف) امضاء کنوانسیون و تودیع اسناد تصویب یا الحاق طبق مواد ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ ـ

ب) تاریخ لازم‌الاجراء شدن کنوانسیون حاضر طبق ماده ۸۹

ج) هرگونه تصمیمی که طبق ماده ۹۰ اعلام شده باشد.

۲ ـ دبیر کل سازمان ملل متحد عنداللزوم کلیه دول را از سایر اقدامات و اطلاعیه‌ها یا ابلاغیه‌های مربوط به کنوانسیون حاضر مطلع خواهد ساخت.

مادهٔ ۹۲ ـ متون معتبر

نسخه اصلی کنوانسیون حاضر که متون چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیائی آن متساویاً معتبر می‌باشد، به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد و دبیر کل رونوشتهای مطابق با اصل و گواهی شده آنرا برای کلیه دول ارسال خواهد داشت.

بنا به مراتب ـ نمایندگان تام‌الاختیار امضاء کننده زیر که از طرف دولتهای متبوع خود دارای اختیارات لازم می‌باشند، کنوانسیون حاضر را امضاء نمودند.

وین ـ چهاردهم مارس یکهزار و نهصد و هفتاد و پنج

۲۵:

کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمائی کشوری...

قانون الحاق دولت .....ایران به کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمائی کشوری[1] مصوب ۱۳۵۲/۳/۷

ماده واحده – کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمائی کشوری مشتمل بر یک مقدمه و شانزده ماده که در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ (اول مهرماه ۱۳۵۰) در مونترال منعقد گردیده است تصویب و اجازه تسلیم اسناد آن داده می‌شود.

کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمائی کشوری مصوب ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ مطابق با اول مهرماه ۱۳۵۰

دول طرفین کنوانسیون:

باتوجه به اینکه اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمائی کشوری امنیت افراد و اموال را بمخاطره انداخته و بهره‌برداری سرویسهای هوائی را شدیداً مختل و اعتماد مردم جهان را نسبت به امنیت هواپیمائی کشوری متزلزل می‌سازد ـ و

باتوجه باینکه وقوع این قبیل اعمال موجب نهایت نگرانی می‌باشد ـ و

با توجه به اینکه برای جلوگیری از این اعمال اتخاذ سریع تدابیر مقتضی جهت مجازات مرتکبین ضروری است.

---

۱ ـ ضمیمه شماره ۲۳۵ روزنامه رسمی

بشرح زیر توافق نمودند:

مادهٔ ۱:

۱ ـ هرکس برخلاف قانون و عامداً مرتکب اعمال زیر گردد مجرم شناخته می‌شود:

الف ـ علیه سرنشین هواپیمای در حال پرواز بعمل عنف‌آمیزی مبادرت کند که طبیعت آن عمل امنیت هواپیما را به مخاطره افکند.

ب ـ هواپیمای در حال خدمت را از بین ببرد یا به این هواپیما خساراتی وارد سازد که پرواز آن را غیرمقدور ساخته و یا طبیعت آن اعمال امنیت هواپیما را حین پرواز به مخاطره افکند.

ج ـ به نحوی از انحاء ـ دستگاه یا موادی در هواپیمای در حال خدمت قرار دهد یا وسیله قراردادن آن بشود ـ که موجب از بین رفتن هواپیما شده یا مسبب خساراتی گردد که پرواز آنرا غیرمقدور ساخته و یا طبیعت اعمال مزبور امنیت هواپیمای در حین پرواز را به مخاطره افکند.

د ـ تأسیسات یا سرویسهای هوانوردی را از بین برده یا آسیب برساند یا کار آنها را مختل سازد و یا طبیعت هریک از این اعمال امنیت هواپیمای در حال پرواز را به مخاطره اندازد.

هـ ـ با علم به مجعول بودن ـ اطلاعاتی را در دسترس بگذاردکه در اثر آن امنیت هواپیمای در حال پرواز به مخاطره افتد.

۲ ـ همچنین هر کس به اعمال زیر مبادرت کند مرتکب جرم می‌شود:

الف ـ ارتکاب هر یک از جرائم مذکور در بند ۱ ماده حاضر را شروع کند.

ب ـ شریک جرم شخصی باشد که این اعمال را مرتکب شود و یا ارتکاب آنها را شروع نماید.

مادهٔ ۲:

از لحاظ این کنوانسیون:

الف ـ هواپیما از زمانیکه درهای خروجی آن پس از سوار شدن مسافرین و بارگیری بسته شود ـ تا زمانیکه یکی از درهای مزبور به منظور پیاده شدن مسافرین یا تخلیه بار باز گردد ـ در حال پرواز تلقی می‌شود ـ در مورد فرود اجباری ـ حالت پرواز تا زمانیکه مقامات ذیصلاحیت مسئولیت هواپیما و مسافرین و اموال داخل هواپیما را بعهده گیرند ـ ادامه خواهد داشت.

ب ـ هواپیما از آغاز عملیات آماده سازی قبل از پرواز توسط مأموران زمینی یا کارکنان هواپیما برای یک پرواز معین تا ۲۴ ساعت بعد از هر فرود در حال خدمت تلقی می شود و بهر ترتیب زمان در حال خدمت شامل تمام مدت زمانی است که هواپیما به شرح بند الف ماده حاضر در حال پرواز می‌باشد.

مادهٔ ۳:

هر یک از دول متعاهد تعهد می‌نمایند برای جرائم مذکور در ماده ۱ کیفرهای شدید مقرر دارد.

مادهٔ ۴:

۱ ـ این کنوانسیون در مورد هواپیماهائیکه برای مقاصد نظامی یا گمرکی یا پلیس مورد استفاده قرار

می‌گیرد ـ اجرا نمی‌شود.

۲ ـ این کنوانسیون ـ در موارد پیش‌بینی شده در بندهای فرعی الف و ب و ج و هـ از بند ۱ ماده ۱ اعم از اینکه هواپیما در حال پرواز داخلی یا بین‌المللی باشد مجری خواهد بود به شرط آنکه:

الف ـ محل واقعی یا پیش‌بینی شده برخاست یا فرود هواپیما خارج از سرزمین دولت ثبت کننده هواپیما باشد.

ب ـ جرم در سرزمین دولتی غیر از دولت ثبت‌کننده هواپیما وقوع یافته باشد.

۳ ـ علاوه بر مفاد بند ۲ این ماده در موارد پیش‌بینی شده در بندهای فرعی الف ـ ب ـ ج و هـ بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون حاضر در صورت پیدا شدن مرتکب یا مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین دولتی غیر دولت ثبت کننده هواپیما نیز مجری خواهد بود.

۴ ـ در مورد دولتهائیکه مشمول ماده ۹ و موارد پیش‌بینی شده در بندهای فرعی الف ـ ب ـ ج ـ هـ بند ۱ ماده ۱ می‌باشند درصورتیکه محلهای مذکور در بند فرعی الف از بند ۲ این ماده فقط در سرزمین یکی از دول مذکور در ماده ۹ واقع باشد مجری نخواهد بود مگر آنکه جرم در سرزمین دولت دیگری ارتکاب یافته و عامل جرم یا مظنون بارتکاب جرم در سرزمین دولت دیگری کشف شده باشد.

۵ ـ در موارد پیش‌بینی شده در بند فرعی د از بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون حاضر مجری نخواهد بود مگر آنکه تأسیسات و سرویسهای هوانوردی در پروازهای بین‌المللی بکار برده شوند.

۶ ـ مفاد بندهای ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این ماده در موارد پیش‌بینی شده در بند ۲ ماده ۱ نیز مجری خواهد بود.

مادهٔ ۵ :

۱ ـ هریک از دول متعاهد تدابیر لازم جهت اعمال صلاحیت خود برای رسیدگی به جرائم در موارد زیر اتخاذ خواهد نمود:

الف ـ اگر جرم در سرزمین آن دولت ارتکاب یافته باشد.

ب ـ اگر جرم علیه هواپیما یا در هواپیمائیکه نزد آن دولت بثبت رسیده است ارتکاب یافته باشد.

ج ـ اگر هواپیمائی که جرم در آن ارتکاب یافته است در سرزمین آن دولت فرود آید و مظنون به ارتکاب جرم هنوز در هواپیما باشد.

د ـ چنانچه جرم در هواپیما یا علیه هواپیمائی ارتکاب یافته است که بدون خدمه پرواز بشخصی اجاره داده شده باشد که محل اصلی فعالیت او و یا درصورت نداشتن محل اصلی فعالیت محل اقامت دائمی او در سرزمین آن دولت باشد.

۲ ـ هریک از دول متعاهد نیز ـ برای اعمال صلاحیت خود جهت رسیدگی به جرائم مذکور در بند ۱ بندهای فرعی الف و ب و ج ماده ۱ و همچنین جرائم مذکور در بند ۲ ماده ۱ تا آنجاکه مربوط به این جرائم باشد ـ درمواردیکه مظنون بارتکاب جرم در سرزمین یکی از دول متعاهد باشد و این دولت طبق ماده ۸ او را به هیچیک از دول موضوع بند ۱ این ماده مسترد ندارد ـ تدابیر لازم اتخاذ خواهد نمود.

۳ ـ کنوانسیون حاضر سالب هیچیک از صلاحیت‌های کیفری که طبق قوانین ملی اعمال می‌گردد ـ نخواهد بود.

مادهٔ ٦ :

۱ ـ هریک از دول متعاهد که عامل یا مظنون بارتکاب جرم در سرزمین او باشد درصورتیکه اوضاع و احوال را موجه تشخیص دهد مشارالیه را توقیف یا اقدامات دیگری برای مراقبت و اطمینان از حضور او معمول می‌نماید.

توقیف یا اقدامات مذکور طبق قوانین آن دولت انجام خواهد گرفت و بیش از مدتیکه برای تعقیب کیفری یا انجام تشریفات استرداد لازم باشد ادامه نخواهد یافت.

۲ ـ دولت مذکور بلافاصله به منظور کشف واقعیات به تحقیقات مقدماتی خواهد پرداخت.

۳ ـ به شخص توقیف شده به موجب بند ۱ این ماده امکان داده خواهد.شد فوراً با نزدیکترین نماینده صلاحیت‌دار دولت متبوع خود تماس بگیرد.

۴ ـ هرگاه دولتی طبق مقررات این ماده شخصی را توقیف نماید بلافاصله مراتب توقیف و اوضاع و احوال موجهه را بدول مذکور در بند ۱ ماده ۵ - دولت متبوع شخص توقیف شده و در صورتیکه مقتضی بداند به هر دولت ذینفع دیگر اعلام خواهد نمود. دولتی که به موجب بند ۲ این ماده به تحقیقات مقدماتی می‌پردازد نتایج تحقیق و قصد خود را دایر باعمال یا عدم اعمال صلاحیت سریعاً بدول مذکور اعلام خواهد نمود.

مادهٔ ۷ :

دول متعاهدی که مظنون به ارتکاب جرم در سرزمین او باشد در صورت عدم استرداد مورد را اعم از اینکه جرم در سرزمین آن دولت ارتکاب یافته است یا نه برای تعقیب کیفری به مقامات صالحه خود ارجاع خواهد نمود.

این مقامات تصمیم خود را با همان شرایطی که در مورد جرائم مهمه عمومی طبق قوانین این دولت مقرراست ـ اتخاذ خواهند نمود.

مادهٔ ۸ :

۱ ـ جرائم مورد بحث در کلیه معاهدات استرداد موجود بین دول متعاهد بخودی خود از جمله جرائم قابل استرداد تلقی خواهد گردید.

دول متعاهد تعهد می‌نمایند در معاهدات استردادی که منعقد می‌نمایند این جرائم را از جمله جرائم قابل استرداد محسوب بدارند.

۲ ـ چنانچه دولت متعاهدی که استرداد را مشروط بوجود معاهده می‌کند از دولت متعاهد دیگری که با آن معاهده استرداد ندارد تقاضای استرداد مجرمی را دریافت دارد ـ مختار خواهد بود کنوانسیون حاضر را در مورد جرائم مورد بحث اساس قانون استرداد بشناسد.

استرداد تابع سایر شرایط مقرر در قوانین دولت متقاضی عنه خواهد بود.

۳ ـ دول متعاهدی که استرداد را منوط بوجود معاهده نمی‌داند درحدود شرایط پیش‌بینی شده در قانون دولت متقاضی عنه جرم را فیمابین خود قابل استرداد خواهند شناخت.

۴ ـ بین دول متعاهد از لحاظ استرداد ـ چنین تلقی خواهد گردید که جرائم نه تنها در محل ارتکاب آن ـ بلکه در سرزمین‌های دولیکه طبق بندهای فرعی ب و ج و د از بند ۱ ماده ۵ موظف باعمال صلاحیت می‌باشند نیز واقع شده است.

مادهٔ ۹ :

دول متعاهدی که سازمانهای بهره‌برداری حمل و نقل هوائی مشترک یا مؤسسات بهره‌برداری بین‌المللی تأسیس می‌نمایند و هواپیماهائیکه این سازمانها و مؤسسات بکار می‌برند دارای ثبت مشترک یا بین‌المللی باشند برای هر هواپیما طبق موازین مقرر دولتی راکه از لحاظ کنوانسیون اعمال صلاحیت می‌نماید و اختیارات دولت ثبت کننده را بعهده خواهد داشت از میان خود تعیین می‌کنند و به سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشوری اعلام می‌دارند و سازمان اخیر مراتب را به اطلاع کلیه دول طرف این کنوانسیون می‌رساند.

مادهٔ ۱۰ :

۱ ـ طرفین متعاهد ـ طبق مقررات حقوق بین‌الملل و قوانین ملی تعهد ـ خواهند نمود در اخذ تدابیر معقول برای جلوگیری از ارتکاب جرائم مذکور در ماده ۱ اهتمام نمایند.

۲ ـ هرگاه بعلت ارتکاب یکی از جرائم مذکور در ماده یک در پرواز تأخیر و یا وقفه‌ای روی دهد هر یک از دول متعاهد که هواپیما و مسافرین و خدمه پرواز در سرزمین او می‌باشد ـ هرچه زودتر ـ تسهیلات لازم را برای ادامه مسافرت سرنشینان و خدمه پرواز فراهم خواهد نمود و بلافاصله هواپیما و محمولات آن را به اشخاصی که قانوناً حق تصرف آنرا دارند ـ مسترد خواهد داشت.

مادهٔ ۱۱ :

۱ ـ دول متعاهد حداکثر معاضدات قضائی را در مورد رسیدگیهای کیفری مربوط به جرائم نسبت بیکدیگر معمول خواهند داشت.

قانون قابل اجرا در کلیه موارد ـ قانون دولت متقاضی عنه خواهد بود.

۲ ـ معهذا مقررات بند ۱ این ماده ـ در تعهدات ناشیه از سایر معاهدات دو یا چند جانبه فعلی یا آتی که کلا یا بعضاً ناظر بتعاون قضائی کیفری باشد مؤثر نخواهد بود.

مادهٔ ۱۲ :

هریک از دول متعاهد که به دلایلی معتقد باشد که یکی از جرائم مذکور در ماده ۱ در شرف وقوع است ـ طبق قوانین ملی خود کلیه اطلاعات مفیدی را که در دست دارد ـ در اختیار دولیکه به نظر او، بند ۱ ماده ۵ این کنوانسیون ناظر بر آنها است خواهد گذارد.

مادهٔ ۱۳:

هریک از دول متعاهد ـ طبق مقررات قانونی خود کلیه اطلاعات مفیدی را که در خصوص موارد مشروحه ذیل در دست دارد هرچه زودتر در اختیار شورای سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشوری خواهد گذارد:

الف ـ موارد جرم:

ب ـ تدابیر متخذه در اجرای بند ۲ ماده ۱۰

ج ـ تدابیری که علیه مرتکب جرم یا مظنون به ارتکاب آن اتخاذ شده و به خصوص نتیجه هر اقدام مربوط به تقاضای استرداد یا سایر اقدامات قضائی دیگر.

مادهٔ ۱۴ :

۱ ـ اختلافات بین دو یا چند دولت متعاهد مربوط به تفسیر یا اجرای کنوانسیون حاضر که از طریق مذاکره حل و فصل نشود ـ طبق تقاضای هریک از آن دول به داوری ارجاع خواهد شد و چنانچه ظرف ششماه از تاریخ تقاضای داوری طرفهای دعوی نتوانند در مورد ترتیب داوری توافق نمایند هریک از آنها می‌توانند دعوی را طبق اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی به آن دیوان ارجاع نمایند.

۲ ـ هریک از دول می‌تواند ـ در موقع امضاء یا تصویب این کنوانسیون یا الحاق به آن اعلام نماید که خود را در مورد بند فوق ملزم نمی‌داند. سایر دول متعاهد در برابر هر دولتی که چنین قیدی (رزرو) را قائل شده باشد ـ در مورد این مقررات الزامی نخواهد داشت.

۳ ـ هریک از دول متعاهد که طبق مفاد بند قبل ـ قید نموده باشد می‌تواند در هر موقع با اعلام امر بدولتهای نگهدارنده ـ این قید را مرتفع نمایند.

مادهٔ ۱۵ :

۱ ـ این کنوانسیون در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ در مونترال جهت امضای دول شرکت کننده در کنفرانس بین‌المللی حقوق هوائی که از هشتم تا ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ در مونترال تشکیل گردید و از این پس «کنفرانس مونترال» نامیده می‌شود ـ و بعد از تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۷۱ برای امضاء کلیه دول در لندن و مسکو و واشنگتن مفتوح خواهد بود.

هردولتی که این کنوانسیون را به موجب بند ۳ این ماده قبل ار لازم‌الاجراء شدن آن امضاء ننماید ـ می‌تواند در هر زمان به آن ملحق گردد.

۲ ـ کنوانسیون حاضر به تصویب دول امضاء کننده خواهد رسید اسناد تصویب و اسناد الحاق نزد دولتهای بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ممالک متحده آمریکا که بدینوسیله بعنوان دولتهای نگهدارنده اسناد تعیین می‌گردند ـ سپرده خواهد شد.

۳ ـ این کنوانسیون سی روز پس از تسلیم اسناد تصویب توسط ده دولت امضاء کننده که در کنفرانس لاهه شرکت کرده‌اند ـ به مرحله اجراء در خواهد آمد.

۴ ـ برای سایر دول این کنوانسیون طبق بند ۳ این ماده از تاریخ لازم‌الاجراء شدن آن یا سی روز پس از تسلیم اسناد تصویب یا الحاق ـ هرکدام مؤخر باشد. به مرحله اجرا در خواهد آمد.

۵ ـ دولتهای نگهدارنده اسناد ـ تاریخ امضاء یا تاریخ تسلیم اسناد تصویب یا الحاق ـ و تاریخ لازم‌الاجراء شدن این کنوانسیون و سایر اعلامات را سریعاً به اطلاع کلیه دول امضاءکننده یا ملحق شونده باین کنوانسیون خواهند رسانید.

۶ ـ این کنوانسیون ـ بلافاصله پس از لازم‌الاجراء شدن توسط دولتهای نگهدارنده ـ طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد و ماده ۸۳ کنوانسیون مربوط به هواپیمائی کشوری بین‌المللی (شیکاگو۱۹۴۴) به ثبت خواهد رسید.

مادهٔ ۱۶ :

۱ ـ هریک از دول متعاهد می‌تواند این کنوانسیون را با اعلام کتبی به دولتهای نگهدارنده ـ فسخ نماید.

۲ ـ شش ماه پس از وصول اعلام فسخ به دولتهای نگهدارنده فسخ نافذ خواهد بود.

بنا به مراتب فوق ـ نمایندگان مختار امضاء کننده زیر که دارای اجازه لازم می‌باشند ـ این کنوانسیون را امضاء نمودند.

این کنوانسیون در بیست و سوم سپتامبر یکهزار و نهصد و هفتاد و یک در شهر مونترال در سه نسخه اصلی هریک در چهار متن رسمی بزبانهای انگلیسی و اسپانیولی و فرانسه و روسی تنظیم شده است.

۲۶:

کنوانسیون راجع به جرائم و برخی اعمـال ارتکـابی

قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو راجع به جرائم و برخی اعمال ارتکابی دیگر در هواپیما[۱] مصوب ۱۳۵۵/۲/۲۱

ماده واحده ـ کنوانسیون توکیو راجع به جرائم و برخی اعمال ارتکابی دیگر در هواپیما مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ (۲۳ شهریور ۱۳۴۲) مشتمل بر یک مقدمه و بیست و شش ماده تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می‌شود.

کنوانسیون راجع به جرائم و برخی اعمال ارتکابی دیگر در هواپیما مصوب ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ مطابق با ۱۳۴۲/۶/۲۳

دول طرفین این قرارداد

در موارد ذیل موافقت نمودند:

فصل اول
قلمرو اجرای کنوانسیون

مادهٔ ۱ :

۱ ـ مقررات کنوانسیون حاضر در موارد زیر مجری خواهدبود:

---

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۹۱۶۷ ـ ۱۳۵۵/۳/۲۹

الف ـ در مورد جرائم موضوع قوانین جزائی.

ب ـ در مورد اعمالی که متضمن ارتکاب جرم بوده و یا نباشد ولی سلامت هواپیما و سرنشینان و محمولات آنرا به مخاطره اندازد و یا سبب اختلال نظم و آرامش داخلی هواپیما گردد.

۲ ـ باستثناء موارد مذکور در فصل سوم ـ مقررات کنوانسیون حاضر درمورد جرائم و اعمال ارتکابی توسط یک فرد در داخل یک هواپیما ثبت شده نزدیکی از دول متعاهد ـ هنگامی که هواپیما در پرواز بوده یا در سطح دریاهای آزاد و یا منطقه‌ای که متعلق به هیچیک از دول نباشد قرار گرفته باشد - مجری خواهد بود.

۳ ـ از لحاظ این کنوانسیون یک هواپیما از زمانی که نیروی موتوری آن به منظور پرواز بکار می‌افتد تا زمانی که عمل فرود آمدن آن پایان یابد در حال پرواز تلقی می‌شود.

۴ ـ این کنوانسیون در مورد هواپیماهائی که به منظورهای نظامی یا گمرکی یا پلیسی بکار می‌روند ـ مجری نخواهد بود.

مادهٔ ۲ :

با ملحوظ داشتن مقررات ماده ۴ و بجز مواردی که سلامت هواپیما و سرنشینان و محمولات آن ایجاب کند ـ هیچیک از مقررات این کنوانسیون بنحوی تفسیر نخواهد شد که به منزله اجازه یا تکلیف بانجام اقداماتی در مورد تخلف از قوانین جزائی ناظر بر جرائم سیاسی و یا بزه‌های مبتنی بر تبعیضات نژادی و یا مذهبی ـ تلقی گردد.

فصل دوم
صلاحیت

مادهٔ ۳:

۱ ـ دولت ثبت کننده هواپیما ـ برای رسیدگی به جرائم و اعمال ارتکابی در هواپیما صالح می‌باشد.

۲ ـ هریک از دول متعاهد ـ اقدامات لازم را برای احراز صلاحیت خود بعنوان دولت ثبت کننده در مورد رسیدگی به جرائم ارتکابی در هواپیمائی که نزد او به ثبت رسیده است معمول خواهد داشت.

۳ ـ این کنوانسیون به هیچیک از صلاحیتهای جزائی که به موجب قوانین داخلی اعمال می‌گردد خللی وارد نمی‌کند.

مادهٔ ۴ :

دولت متعاهدی که دولت ثبت کننده هواپیما نباشد نمی‌تواند به منظور اعمال صلاحیت جزائی خود در مورد جرم ارتکابی در داخل هواپیما در امر پرواز آن مداخله نماید مگر در موارد مشروحه ذیل:

الف ـ جرم در سرزمین آن دولت اثراتی ایجاد کند.

ب ـ جرم توسط یا علیه یکی از اتباع آن دولت یا مقیمین دائمی آن ارتکاب یافته باشد.

ج ـ جرم امنیت آن دولت را به مخاطره اندازد.

د ـ جرم ناقض قواعد یا مقررات جاری ان دولت ناظر به پرواز و یا مانور هواپیما باشد.

هـ ـ اعمال صلاحیت ـ برای رعایت تعهدات ناشی از یک موافقتنامه چند جانبه بین‌المللی برای آن دولت ضروری باشد.

فصل سوم
اختیارات فرمانده هواپیما

مادهٔ ۵:

۱ ـ مقررات این فصل در مورد جرائم و اعمالی که توسط شخصی در هواپیمای در حال پرواز ـ چه برفراز فضای هوائی دولت ثبت کننده چه برفراز دریاهای آزاد و یا برفراز منطقه‌ای که متعلق به هیچیک از دول نباشد ارتکاب یافته یا شروع به ارتکاب آن شده ـ جاری نخواهد بود. مگر اینکه آخرین نقطه برخاست یا اولین نقطه مورد نظر برای فرود بعدی در سرزمین دولتی غیر از دولت ثبت کننده باشد و یا هواپیما متعاقباً در فضای هوائی دولتی غیر از دولت ثبت کننده پرواز کند و شخص مذکور هنوز سوار هواپیما باشد.

۲ ـ علیرغم مفاد بند ۳ ماده ۱ از لحاظ این فصل هواپیما از زمانی که کلیه درهای خارجی آن پس از سوار شدن مسافرین بسته شد تا زمانی که مجدداً به منظور پیاده شدن مسافرین بازگردد ـ در حال پرواز تلقی می‌شود. در صورت فرود اجباری ـ مقررات این فصل همچنان در مورد جرائم و اعمال ارتکابی در هواپیما تا زمانیکه مقامات صالح یک دولت مسئولیت هواپیما و سرنشینان و محمولات آنرا بعهده بگیرند ـ جاری خواهد بود.

مادهٔ ٦:

۱ ـ هرگاه فرمانده هواپیما ـ با داشتن دلایل موجه ـ معتقد گردد که شخصی در هواپیما ـ مرتکب یکی از جرائم یا اعمال مندرج در بند ۱ ماده ۱ شده یا در شرف ارتکاب آن می‌باشد ـ می‌تواند بجهات زیر در مورد این شخص تدابیر لازم از جمله تدابیر تضییقی اتخاذ نماید:

الف ـ برای حفظ سلامت هواپیما و یا سرنشینان و یا محمولات آن.

ب ـ حفظ نظم و ترتیب در هواپیما.

ج ـ تسلیم کردن شخص مورد نظر به مقامات صالح یا پیاده کردن او طبق مقررات این فصل.

۲ ـ فرمانده هواپیما می‌تواند برای اجرای تدابیر تضییقی که مجاز به اتخاذ آن بوده در مورد هر شخص ـ همکاری سایر خدمه هواپیما را خواستار شده یا اجازه دهد همچنین بدون الزام مسافرین همکاری آنان را خواستار شده یا اجازه دهد. هریک از خدمه هواپیما یا مسافرین همچنین می‌تواند بدون داشتن چنین اجازه‌ای با داشتن دلایل موجه فوراًاقدامات احتیاطی معقولی راکه معتقد است برای حفظ سلامت هواپیما یا سرنشینان و یا محمولات آن ضروری است معمول دارد.

مادهٔ ۷:

۱ ـ تدابیر تضییقی که به موجب ماده ۶ درباره شخصی اتخاذ می‌گردد بعد از نقطه‌ای که هواپیما در آن فرود می‌آید ادامه نخواهد یافت ـ مگر انکه:

الف ـ این نقطه در سرزمین دولت غیر متعاهدی واقع باشد و مقامات آن دولت اجازه پیاده کردن شخص مذکور را ندهند و یا اینکه به موجب شق ج بند ۱ مادهٔ ۶ این تدابیر برای تحویل آن شخص به مقامات صالح اتخاذ شده باشد.

ب ـ هواپیما مجبور به فرود اجباری شود و فرمانده هواپیما قادر به تحویل شخص مذکور به مقامات صالحه نباشد.

ج ـ شخص مذکور با ادامه مسافرت با شرایط تضییقی موافقت نماید.

۲ ـ فرمانده هواپیما مکلف است درصورتیکه طبق مقررات ماده ۶ تدابیری تضییقی درباره شخصی اتخاذ نموده ـ درکمترین مدت و درصورت امکان قبل از فرود آمدن در سرزمین یک دولت ـ مراتب و دلایل تدابیر خود را به مقامات آن دولت اعلام دارد.

مادهٔ ۸:

۱ ـ فرمانده هواپیما می‌تواند ـ تا جائیکه برای اجرای مفاد شقوق الف و ب بند ۱ ماده ۶ لازم باشد ـ در سرزمین هر دولتی که هواپیما در آن فرود می‌آید هرشخصی را ـ که با داشتن دلایل موجه معتقد باشد ـ در هواپیما مرتکب یک عمل پیش‌بینی شده در شق ب بند ۱ ماده ۱ را گردیده یا در شرف ارتکاب آن بوده است ـ پیاده کند.

۲ ـ فرمانده هواپیما جریان و دلایل ابن پیاده کردن را به مقامات صالح دولتی که در آن شخصی را طبق مقررات این ماده پیاده می‌کند گزارش خواهد نمود.

مادهٔ ۹:

۱ ـ فرمانده هواپیما می‌تواند ـ هرشخصی راکه با داشتن دلایل موجه معتقد باشد ـ در هواپیما مرتکب جرمی شده که به نظر او طبق قوانین جزائی دولت ثبت کننده هواپیما از جرائم شدید بشمار می‌رود ـ به مقامات صالح هر دولت متعاهدی که هواپیما در سرزمین آن فرود می‌آید ـ تحویل دهد.

۲ ـ فرمانده هواپیما باید در اولین فرصت ممکن و درصورت امکان قبل از فرود آمدن هواپیما در سرزمین یکی از دول متعاهد ـ این مراتب راکه شخصی در هواپیما است که فرمانده قصد دارد او را به موجب بند قبلی تحویل دهد با ذکر دلایل به مقامات صالح دولت مزبور اعلام دارد.

۳ ـ فرمانده هواپیما مدارک و اطلاعاتی راکه به موجب قوانین دولت ثبت کنندهِ هواپیما صحیحاً در اختیار دارد ـ به مقامات صالح دولتی که شخص مظنون را به موجب مقررات این ماده تحویل می‌دهد ـ تسلیم خواهد نمود.

مادهٔ ۱۰ :

در مورد تدابیری که براساس این کنوانسیون اتخاذ می‌گردد در هیچیک از مراحل رسیدگی بدعوای خسارت شخصی که تدابیر متخذه متوجه او بوده مسئولیتی متوجه فرمانده هواپیما یا خدمه یا مسافرین یا مالک یا بهره‌بردار هواپیما و یا شخصی که به حساب او پرواز انجام شده است - نخواهد بود.

فصل چهارم
تصرف غیرقانونی هواپیما

مادهٔ ۱۱ :

۱ ـ هرگاه شخصی داخل هواپیما از طریق غیرقانونی و با توسل بزور یا تهدید به زور مرتکب عمل مداخله و تصرف و یا اعمال کنترل هواپیمای در حال پرواز بشود و یا هرگاه چنین عملی در شرف وقوع باشد دول متعاهد برای حفظ و یا بازگرداندن کنترل هواپیما به فرمانده قانونی آن کلیه تدابیر مقتضی را اتخاذ خواهند نمود.

۲ ـ در موارد مشروح در بند قبل ـ دولت متعاهدی که هواپیما در سرزمین او فرود می‌آید ـ به مسافرین و خدمه به محض امکان اجازه ادامه مسافرت خواهد داد و هواپیما و محمولات آنرا در اختیار اشخاصی که قانوناً حق تصرف آنرا دارند می‌گذارد.

فصل پنجم
اختیارات و وظایف دول

مادهٔ ۱۲ :

هریک از دول متعاهد به فرمانده هواپیمای به ثبت رسیده نزد دولت متعاهد دیگر اجازه خواهد داد که به موجب مفاد بند ۱ مادهٔ ۸ هرفردی راکه صلاح بداند پیاده کند.

مادهٔ ۱۳ :

۱ ـ طبق مقررات بند ۱ ماده ۹ هریک از دول متعاهد مکلف است شخصی را که فرمانده هواپیما تحویل می‌دهد ـ تحویل گیرد.

۲ ـ هرگاه اوضاع و احوال را مقتضی تشخیص دهد ـ هریک از دول متعاهد اشخاص مظنون به ارتکاب اعمال مذکور در بند ۱ ماده ۱۱ و هر شخص دیگری را که تحویل گرفته باشد به منظور تأمین حضور او ـ بازداشت خواهد نمود یا اقدامات دیگری را معمول خواهد داشت.

این بازداشت یا اقدامات باید منطبق با قوانین آن دولت بوده و نمی‌تواند بیش از زمانی که برای شروع تعقیب جزائی یا تشریفات استرداد لازم باشد ادامه یابد.

۳ ـ هر شخصی که در اجرای مقررات بند فوق بازداشت گردد می‌تواند بلافاصله با نزدیکترین نماینده

ذیصلاحیت دولت متبوع خود تماس حاصل نماید و برای این کار همه نوع تسهیلات درباره او معمول خواهد گردید.

۴ ـ هردولت متعاهد که شخصی را به موجب بند ۱ ماده ۹ تحویل می‌گیرد یا هواپیمائی که یکی از اعمال پیش‌بینی شده در بند ۱ ماده ۱۱ در آن واقع شده در سرزمین آن فرود می‌آید بلافاصله تحقیقات مقدماتی جهت روشن شدن جریان امر انجام خواهد داد.

۵ ـ وقتی که دولتی به موجب مفاد این ماده شخصی را بازداشت نمود بلافاصله مراتب بازداشت و اوضاع و احوال موجه را به دولت ثبت کننده و به دولت متبوع بازداشت شده و درصورت لزوم به هر دولت ذینفع دیگری اعلام خواهد کرد. دولتی که تحقیقات مقدماتی را به موجب بند ۴ این ماده بعمل می‌آورد نتیجه را به دول مذکور گزارش کرده و نظر خود را درباره اعمال صلاحیت اعلام خواهد نمود.

مادهٔ ۱۴ :

۱ ـ هرگاه شخصی که به استناد بند ۱ ماده ۸ پیاده و یا طبق بند ۱ ماده ۹ تحویل و یاپس از ارتکاب جرم موضوع بند ۱ ماده ۱۱ پیاده گردیده نتواند یا نخواهد مسافرت خود را ادامه دهد ـ دولتی که هواپیما به سرزمین آن فرود آمده ـ درصورتی که نخواهد به او اجازه ورود دهد ـ و این شخص جز اتباع و یا مقیم دائمی آن دولت نباشد ـ می‌تواند او را به سرزمین دولتی که تابع یا مقیم دائمی آن است و یا به دولتی که مسافرت هوائی از سرزمین آن آغاز شده است بازگرداند.

۳ ـ پیاده شدن یا تحویل گرفتن یا بازداشت کردن و سایر اقداماتی که در بند ۲ ماده ۱۳ پیش‌بینی شده و همچنین بازگردانیدن شخص مورد نظر از نظر قوانین مربوط به ورود و اقامت یک دولت متعاهد به منزله اجازه ورود یا پذیرش به سرزمین این دولت تلقی نخواهد شد و هیچیک از مواد این کنوانسیون ناقض قوانین دول متعاهد در مورد اخراج و طرد اشخاص نخواهد بود.

مادهٔ ۱۵ :

۱ ـ با وجود ماده ۱۴ اشخاصی که به موجب بند ۱ ماده ۸ پیاده یا طبق بند ۱ ماده ۹ تحویل و یا پس از ارتکاب جرم پیش‌بینی شده در بند ۱ ماده ۱۱ پیاده گردیده‌اند می‌توانند هرگاه مایل به ادامه سفر خود باشند در اولین فرصت ممکن به جانب مقصد مورد نظر خود حرکت نمایند ـ مگر اینکه حضور آنها طبق قوانین دولتی که هواپیما در سرزمین آن فرود آمده برای استرداد یا تعقیب جرائی ضروری باشد.

۲ ـ با وجود قوانین مربوط به ورود و پذیرش و استرداد و اخراج ـ هریک از دول متعاهد که در سرزمین آن ـ شخصی طبق مقررات بند ۱ ماده ۸ پیاده و یا طبق مقررات بند ۱ ماده ۹ تحویل و یا به علت ظن به ارتکاب یکی از جرائم موضوع بند ۱ ماده ۱۱ پیاده شده باشد ـ این شخص را از حقوقی که از حقوق اتباع خود برای تأمین و حمایت در موارد مشابه کمتر نباشد برخوردار خواهد نمود.

فصل ششم
سایر مقررات

مادهٔ ۱۶ :

۱ ـ جرائم ارتکابی در هواپیمای ثبت شده نزد یک دولت متعاهد از لحاظ استرداد در حکم این است که این جرائم هم درمحل وقوع آن و هم در سرزمین دولت ثبت کننده ارتکاب یافته‌اند.

۲ ـ هیچیک از مقررات این کنوانسیون نباید در حکم الزامی بودن استرداد تعبیر تلقی گردد.

مادهٔ ۱۷ :

به مناسبت اقدامات تحقیقی یا بازداشت یا هنگام اعمال صلاحیت به هر نحو دیگر در مورد جرمی که در داخل هواپیما ارتکاب یافته دول متعاهد سلامت و سایر مصالح هوانوردی را ملحوظ خواهند داشت و به نحوی اقدام خواهند نمود که از تأخیر غیرضروری برای هواپیما و مسافرین و خدمه و محمولات آن جلوگیری شود.

مادهٔ ۱۸ :

هرگاه دول متعاهد مشترکاً به برقراری سازمانهای حمل‌ونقل هوائی و یا نمایندگیهای عملیاتی بین‌المللی مبادرت نمایند که هواپیماهای مورد بهره‌برداری آن نزد دولت مشخصی به ثبت نرسیده باشد ـ دول مذکور در اجرای مفاد این کنوانسیون برحسب مورد ولدی‌الاقتضاء یکی از دولتهای شریک را بعنوان دولت ثبت کننده معرفی خواهند نمود و این مورد را به اطلاع سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشوری خواهند رسانید و این سازمان بنوبه خود مراتب را به اطلاع کلیه دول طرف این کنوانسیون خواهد رسانید.

فصل هفتم
مقررات نهائی

مادهٔ ۱۹ :

این کنوانسیون تا تاریخی که به موجب مقررات ماده ۲۱ لازم‌الاجراءگردد ـ برای امضای کلیه دولی که تا آن تاریخ به عضویت سازمان ملل متحد و یا یکی از سازمانهای تخصصی درآمده‌اند مفتوح خواهد بود.

مادهٔ ۲۰ :

۱ ـ این کنوانسیون طبق مقررات قانون اساسی هریک از دول امضاء کننده به تصویب خواهد رسید.

۲ ـ اسناد تصویب به سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشوری تسلیم خواهد شد.

مادهٔ ۲۱ :

۱ ـ پس از آنکه دوازده دولت اسناد تصویب خود را تسلیم نمودند ـ کنوانسیون نود روز پس از تاریخ تسلیم دوازدهمین سند تصویب ـ بین دول مذکور به مرحله اجرا در می‌آید. از آن پس در مورد دولی که آنرا تصویب می‌نمایند ـ کنوانسیون نودروز پس از تسلیم اسناد تصویب لازم‌الاجراء خواهد بود.

۲ ـ به محض لازم‌الاجراء شدن ـ کنوانسیون حاضر توسط سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشوری نزد دبیر کل سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسید.

مادهٔ ۲۲ :

۱ ـ کنوانسیون حاضر پس از لازم‌الاجراء شدن برای الحاق کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا عضو یکی از سازمانهای تخصصی مفتوح خواهد بود.

۲ ـ الحاق یا تسلیم سند الحاق به سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشوری انجام می‌گیرد و نودروز پس از تاریخ تسلیم اعتبار خواهد یافت.

مادهٔ ۲۳ :

۱ ـ هریک از دول عضو می‌تواند فسخ این کنوانسیون را کتباً به سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشوری اعلام نماید.

۲ ـ فسخ، شش‌ماه پس از وصول اعلامیه فسخ به سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشوری تحقق خواهد یافت.

مادهٔ ۲۴ :

۱ ـ اختلافات بین دول متعاهد در مورد تفسیر و اجرای این کنوانسیون که از طریق مذاکره حل نشود ـ بنابر تقاضا و پیشنهاد یکی از طرفین بداوری ارجاع خواهد گردید و هرگاه ظرف ششماه پس از تقاضای، داوری طرفها نتوانند نسبت به ترتیب داوری بتوافق برسند ـ هریک از طرفین می‌تواند اختلاف را از طریق دادخواستی که با رعایت اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری تنظیم شده باشد ـ به دیوان مذکور ـ ارجاع نماید.

۲ ـ هریک از دول می‌تواند در موقع امضاء یا تصویب یا الحاق باین کنوانسیون اعلام نماید که خود را نسبت به مقررات بند فوق متعهد نمی‌داند. سایر دول متعاهد ـ نسبت به هر دولت متعاهد دیگری که چنین قید را نسبت به مفاد بند فوق نموده باشد ـ متعهد نخواهد بود.

۳ ـ هریک از دول متعاهد که نسبت به رعایت مقررات بند فوق قید نموده باشد می‌تواند در هر موقع با ارسال اعلامیه‌ای به سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشوری قید خود را پس بگیرد.

مادهٔ ۲۵ :

بجز آنچه در ماده ۲۴ مقرر گردیده ـ قید دیگری به کنوانسیون حاضر پذیرفته نیست.

مادهٔ ۲۶ :

سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشوری مراتب زیر را به اطلاع عموم دول عضو سازمان ملل متحد یا هریک از سازمانهای تخصصی خواهد رسانید:

الف ـ امضاء کنوانسیون حاضر و تاریخ امضاء.

ب ـ تسلیم اسناد تصویب یا الحاق با ذکر تاریخ.

ج ـ تاریخ لازم‌الاجراء شدن کنوانسیون حاضر با توجه به مفاد بند ۱ ماده ۲۱

د ـ وصول اعلامیه فسخ با ذکر تاریخ.

هـ ـ وصول اعلامیه‌ها یا اخطاریه‌های موضوع ماده ۲۴ با قید تاریخ.

بنا به مراتب فوق امضاءکنندگان تام‌الاختیار زیر این کنوانسیون را امضاء نمودند.

این کنوانسیون در تاریخ چهاردهم ماه سپتامبرسال یکهزارونهصدوشصت وسه میلادی در شهر توکیو در سه متن اصلی به زبانهای انگلیسی و فرانسه و اسپانیولی تهیه و تنظیم گردیده است.

این کنوانسیون در سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشوری تودیع گردیده و برابر ماد ۱۹ برای امضاء مفتوح می‌باشد و سازمان رونوشت مصدق کنوانسیون را برای کلیه دول عضو سازمان ملل متحد و هریک از سازمانهای تخصصی ارسال خواهد داشت.

۲۷:

کنوانسیون سـازمان مـلل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مـخدر و داروهـای روان گردان...

قانون الحاق به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان[1]
مصوب ۱۳۷۰/۹/۳ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۷۰/۹/۱۷ شورای نگهبان

ماده واحده – به دولت اجازه داده می‌شود که به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب کنفرانس مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ برابر با ۲۹ آذر ۱۳۶۷ در ششمین جلسه عمومی، با توجه به بند (۱) «الف» ماده (۲۸) کنوانسیون، مشروط برآنکه مفاد کنوانسیون در مواردی که با قوانین داخلی و موازین اسلام معارض گردد از طرف جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد، ملحق و اسناد آن را مبادله نماید.

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب کنفرانس مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸

امضاء کنندگان این کنوانسیون

با نگرانی عمیق از حجم روند رو به افزایش تولید، تقاضا و قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و داروهای روانگردان که تهدیدی جدی برای سلامت و سعادت بشریت به شمار می‌رود و بنیادهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه را به مخاطره می‌افکند.

---

۱ - روزنامه رسمی شماره ۱۳۶۴۴ - ۱۳۷۰/۱۰/۱۶

با نگرانی عمیق از نفوذ دایم‌التزاید قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان بـه گروههـای مـختلف اجتماعی و به ویژه به لحاظ استفاده از کودکان در بسیاری از مناطق جهان در بازار مصرف قاچاق موادمخدر به منظور تولید، توزیع و تجارت مواد مخدر و داروهای روانگردان که خطراتی غیرقابل تقویم را به دنبال دارد.

با درک روابط بین قاچاق موادمخدر و سایر فعالیتهای سازمان یافته بزهکارانـه کـه نظـام اقتصـادی را تضعیف و ثبات، امنیت و حاکمیت دولتها را تهدید می‌نماید،

همچنین با درک این واقعیت که قاچاق موادمخدر جرمی بین‌المللی است که ریشه‌کن کردن آن مستلزم توجه فوری و از اولویت درجه یک برخوردار می‌باشد،

با آگاهی از اینکه قاچاق موادمخدر منافع و ثروتهای کلانی را برای سازمانهای جنایتکار برون‌مرزی به دنبال داشته و آنها را قادر می‌سازد تا در ساختار دولتها، فعالیتهای مشروع تجاری و مالی و کلیه سـطوح جامعه رخنه نمایند،

باتصمیم برای محروم نمودن دست‌اندرکاران قاچاق موادمخدر از عواید فعالیتهای بزهکارانه خود و از بین بردن انگیزه اصلی آنها برای مبادرت به چنین اقدامات،

با تمایل به ریشه‌کن کردن علل ریشه‌ای مسئله سوء استفاده از مـوادمـخدر و داروهـای روانگـردان، ازجمله تقاضای غیرقانونی برای اینگونه مواد و داروها و منافع کلان ناشی از قاچاق این مواد،

با توجه به لزوم اتخاذ تدابیری برای کنترل برخی مواد از قبیل مکمل‌ها، داروهای شیمیائی و حلال‌ها که در تولید موادمخدر و داروهای روانگردان کاربرد دارند و دسترسی آسان به آنها به افزایش در تولید پنهانی مواد و داروهای مزبور انجامیده است،

با تصمیم برای تقویت همکاریهای بین‌المللی در ریشه‌کن نمودن قاچاق موادمخدر از طریق دریا،

بادرک اینکه مبارزه با قاچاق موادمخدر مسئولیت جمعی کلیه دولتها بوده و نیل به این هدف اقدام هماهنگ درچهارچوب همکاریهای بین‌المللی را می‌طلبد،

با اذعان به صلاحیت سازمان ملل متحد درزمینه کنترل موادمخدر و داروهای روانگردان و با تمایل به یکپارچه شدن کلیه اقدامات موسسات بین‌المللی ذیربط درچهارچوب سازمان مزبور،

باتأکید مجدد براصول راهگشای موجود در معاهدات ناظر به مواد مخدر و داروهای روانگردان و روش کنترل مذکور در آنها،

با درک ضرورت تقویت و تکمیل تدابیر پیش‌بینی شده در «کنوانسیون واحد مربوط به مـوادمـخدر، مصوب ۱۹۶۱» و پروتکل اصلاحی آن مصوب ۱۹۷۲ و کنوانسیون مربوط به داروهای روانگردان مصوب ۱۹۷۱ به منظور رویارویی با حجم و ابعاد قاچاق مواد مخدر و تبعات وخیم آن،

همچنین با درک اهمیت تشدید و افزایش امکانات قانونی مؤثر برای همکاریهای جهانی در امور کیفری به منظور ریشه‌کن نمودن فعالیتهای بزهکارانه بین‌المللی در زمینه قاچاق مواد مخدر،

با تمایل به انعقاد یک کنوانسیون بین‌المللی جامع، مؤثر و کاراکه مبارزه با قاچاق موادمخدر را هدف مشخص خود قرار داده و به ابعاد گوناگون مشکل، بخصوص آنها که در معاهدات موجود ناظر به مواد مخدر و داروهای روانگردان پیش‌بینی نگردیده‌اند، توجه نماید.

بدینوسیله مراتب زیر را مورد موافقت قرار می‌دهند:

مادهٔ ۱ ـ تعاریف:

جز در مواردی که صریحاً به گونه‌ای دیگر مقرر گردیده و یا در مواردی که متن خلاف آن را ایجاب می‌کند، تعاریف زیر نسبت به کل این کنوانسیون اعمال می‌گردند:

الف ـ «هیأت» به معنای هیأت بین‌المللی کنترل مواد مخدر است که به موجب «کنوانسیون واحد درباره مواد مخدر» مصوب ۱۹۶۱ که توسط پروتکل اصلاحی مصوب ۱۹۷۲ اصلاح شده، تشکیل گردیده است.

ب ـ «گیاه شاهدانه» به معنای هرگونه گیاه از دسته شاهدانه می‌باشد.

پ ـ «بوته کوک» بمعنای هریک از گونه‌های دسته اری‌تروکسیلون می‌باشد.

ت ـ «متصدی حمل و نقل تجاری» به معنای هر شخص و یا هر واحد دولتی، خصوصی و یا غیره می‌باشد.که به منظور دریافت اجرت، کرایه یا هرگونه منفعت دیگری در امر حمل و نقل افراد، کالاها و یا محموله‌های پستی اشتغال دارد.

ث ـ «کمیسیون» بمعنای «کمیسیون مواد مخدر شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد» می‌باشد.

ج ـ «ضبط» که در موارد مقتضی شامل جریمه نیز می‌گردد، به معنای محرومیت دائم از مالکیت به موجب دستور صادره از یک دادگاه یا مرجع صالح دیگر می‌باشد.

چ ـ «محموله‌های تحت کنترل» به معنای روش تجویز عبور محموله‌های قاچاق و یا مشکوک موادمخدر و داروهای روانگردان، مواد مشروحه در جدول ۱ و ۲ منضم به این کنوانسیون از مجاورت و یا داخل سرزمین یک و یا چند کشور بااطلاع و تحت نظارت مقامات صالحه آن به منظور شناسائی دست‌اندرکاران ارتکاب جرائم مقرره حسب بند یک ماده ۳ کنوانسیون می‌باشد.

ح ـ «کنوانسیون ۱۹۶۱» بمعنای «کنوانسیون واحد موادمخدر ۱۹۶۱».

خ ـ «کنوانسیون اصلاحی ۱۹۶۱» به معنای کنوانسیون واحد موادمخدر که به موجب پروتکل ۱۹۷۲ اصلاح شده است.

د ـ «کنوانسیون ۱۹۷۱» به معنای «کنوانسیون داروهای روانگردان ۱۹۷۱».

ذ ـ «شورا» به معنای شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد می‌باشد.

ر ـ «انسداد» و یا «توقیف» به معنای ممنوعیت موقت انتقال، تبدیل، واگذاری و یا جابجا نمودن مال و یا تگهداری و یا کنترل موقتی مال بر مبنای دستور صادره از دادگاه و یا مرجع صالحه، می‌باشد.

ز ـ «قاچاق» به معنای جرائم مندرجه در بندهای ۱ و ۲ ماده ۳ این کنوانسیون می‌باشد.

س ـ «موادمخدر» به معنای هریک از مواد طبیعی و یا ترکیبی مشروحه در جداول ۱ و ۲ کنوانسیون واحد مربوط به مواد مخدر، ۱۹۶۱ و پروتکل اصلاحی آن مصوب ۱۹۷۲ می‌باشد.

ش ـ «خشخاش» به معنای گیاه نوع پاپاورسومنیفروم ـ ال است

ص ـ «عواید» به معنای کلیه وجوه و اموالی است که بنحوی مستقیم و یا غیرمستقیم از ارتکاب یکی از جرایم مندرج در بند ۱ ماده ۳ ناشی و یا حاصل شده باشد.

ض ـ «اموال» به معنای هرگونه دارائی مادی و یا معنوی، منقول و یا غیرمنقول، محسوس و یا غیرمحسوس، اوراق و یا اسناد قانونی دال بر داشتن مالکیت و یا سهم در دارائیهای مزبور می‌باشد.

ط ـ «داروهای روانگردان» به معنای هرگونه ماده طبیعی و یا ترکیبی و یا هرگونه ماده طبیعی مندرج در جداول ۱ و ۲ و ۳ و ۴ کنوانسیون داروهای روانگردان مصوب ۱۹۷۱ می‌باشد.

ظ ـ «دبیرکل» به معنای دبیرکل سازمان ملل متحد می‌باشد.

ع ـ «جدول ۱» و «جدول ۲» به معنای لیست‌های به ترتیب شماره گذارده شده مواد منضم به این کنوانسیون می‌باشد که بعضاً طبق ماده ۱۲ مورد اصلاح قرارگرفته‌اند.

غ ـ «کشور ترانزیت» به معنای کشوری است که موادمخدر قاچاق، داروهای روانگردان و مواد مندرج در جدول ۱ و ۲ از داخل آن کشور، که نه مرکز تولید و نه مقصد نهائی آنها می‌باشد، عبور داده می‌شود.

مادهٔ ۲ ـ حدود کنوانسیون:

۱ ـ هدف کنوانسیون حاضر عبارتست از بسط همکاری بین اعضای آن به نحوی که آنها بتوانند با کارائی و اثر بیشتر ابعاد گوناگون قاچاق موادمخدر و داروهای روانگردان را که دارای یک قلمرو بین‌المللی هستند مورد بررسی قرار دهند. اعضای کنوانسیون در مقام اجرای تعهدات خود تدابیر لازم از جمله اقدامات قانونگذاری و اجرائی را در چارچوب مقررات اساسی سیستمهای قانونگذاری داخلی خود معمول خواهند داشت.

۲ ـ اعضای کنوانسیون تعهدات خود تحت کنوانسیون را به شیوه‌ای هماهنگ با اصول تساوی حاکمیت و تمامیت ارضی دولتها و عدم مداخله در امور داخلی دولتهای دیگر ایفا خواهند نمود.

۳ ـ هیچیک از اعضاء به اعمال صلاحیت و اجرای وظایفی که قانوناً در حیطه اختیارات انحصاری عضو دیگر کنوانسیون قرار دارد، مبادرت نخواهند نمود.

مادهٔ ۳ ـ جرائم و مجازاتها:

۱ ـ هریک از اعضاء اقدامات ضروری را به منظور تثبیت جرائم کیفری تحت قوانین داخلی خود در صورت ارتکاب عمدی موارد زیر اتخاذ خواهند نمود.

الف ـ ۱ ـ تولید، ساخت، تقطیر، تهیه، عرضه، عرضه برای فروش، توزیع، فروش، تحویل طبق هرگونه شرایطی، واسطه‌گری، ارسال به صورت ترانزیت، حمل و نقل، ورود و یا صدور هرگونه موادمخدر، یا داروی روانگردان برخلاف مواد مندرج در کنوانسیون ۱۹۶۱ و اصلاحیه آن و یا کنوانسیون ۱۹۷۱ .

۲ ـ کشت خشخاش، بوته کوک و یا گیاه شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر برخلاف مواد مندرج در کنوانسیون ۱۹۶۱ و اصلاحیه آن.

۳ ـ در اختیار داشتن و یا خرید هرگونه ماده مخدر و یا داروی روانگردان به منظور ارتکاب هریک از فعالیتهای مندرج در بند (۱) فوق‌الذکر.

۴ ـ ساخت، حمل و یا توزیع تجهیزات، مواد و یا داروهای مذکور در جدول ۱ و ۲ با علم به اینکه احتمال دارد از آنها در امر و یا برای کشت غیرقانونی، تولید و یا ساخت موادمخدر و یا داروهای روانگردان استفاده گردد.

۵ ـ سازماندهی، مدیریت و یا تأمین بودجه برای ارتکاب هریک از جرائم مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) ویا (۴) فوق‌الذکر.

ب ـ ۱ ـ تبدیل و یا انتقال اموال با علم به اینکه اموال مزبور ناشی از ارتکاب جرم و یا جرائم موضوع بند فرعی (الف) این بند بوده و یا مشارکت در جرم و یا جرائم مزبور به منظور اخفاء و یاکتمان اصل نامشروع اموال ویا معاونت با هرشخصی که در ارتکاب چنین جرم و یا جرائمی دست داشته جهت فرار از عواقب قانونی اقدامات خود.

۲ ـ اخفاء و یاکتمان ماهیت واقعی، منبع، محل، واگذاری، جابجائی حقوق مربوط و یا مالکیت اموال مزبور، با علم به اینکه این اموال از جرم یا جرائم موضوع بند فرعی (الف) این بند و یا مشارکت در انجام چنین جرم و یا جرائمی ناشی گردیده‌اند.

ج ـ مشروط بر اصول و مفاهیم مذکور در قوانین اساسی و یا عادی هر یک از اعضاء.

۱ ـ تحصیل، تملک و یا استفاده از اموال مزبور با علم به اینکه این اموال از جرم یا جرائم موضوع بند فرعی (الف) این بند ویا مشارکت در انجام چنین جرم و یا جرائمی ناشی گردیده‌اند.

۲ ـ در اختیار داشتن تجهیزات و یا مواد و یا اشیاء مذکور در جدول ۱ و ۲ با علم به اینکه اقلام مزبور به منظور کشت غیرقانونی، تولید و یا ساخت موادمخدر و یا داروهای روانگردان مورد استفاده قرارگرفته و یا خواهند گرفت.

۳ ـ تشویق و یا ترغیب علنی دیگران به هر وسیله‌ای به منظور ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این ماده و یا استعمال غیرقانونی مواد مخدر و یا داروهای روانگردان.

۴ ـ شرکت، همکاری و یا تبانی در شروع به جرم و معاونت، مشارکت، تسهیل و تشویق ارتکاب هریک از جرائم موضوع این ماده

۲ ـ مشروط به اصول و مفاهیم مذکور در قوانین اساسی و عادی خود، هریک ار اعضاء کنوانسیون تدابیر لازم را به منظور جرم قلمداد کردن عمل در اختیار داشتن، خرید و یا کشت موادمخدر و یا داروهای روانگردان برای مصرف شخصی برخلاف مقررات کنوانسیون ۱۹۶۱، اصلاحیه آن و یا کنوانسیون ۱۹۷۱، چنانچه عمداً ارتکاب یافته باشند، معمول خواهد داشت.

۳ ـ علم، قصد و یا منظور مرتکب که بعنوان عنصر تشکیل دهنده جرم مشروحه در بند ۱ این مادهٔ مورد نیاز می‌باشد، از شرایط واقعی و عینی قابل کشف و احراز است.

۴ ـ الف ـ هریک از اعضاء، برای ارتکاب جرائم موضوع بند ۱ این ماده با توجه به شدت و ضعف آنها مجازاتهائی را از قبیل از زندان و یا انواع دیگر مجازاتهای سالب آزادی، جریمه‌های نقدی و ضبط اموال مقرر خواهند نمود.

ب ـ علاوه بر محکومیتهای یاد شده، اعضاء همچنین می‌توانند در مورد جرم ثابت شده طبق مفاد بند ۱ این ماده، مقرردارند که مجرم می‌بایستی پاره‌ای اقدامات دیگر از جمله درمان، آموزش، مراقبتهای بعدی، بازسازی و یا آزادی مشروط را تحمل نماید.

ج ـ صرفنظر از بندهای فرعی سابق‌الذکر، در موارد مقتضی که دارای طبعی خفیف باشد، اعضاء می‌توانند اقداماتی از قبیل آموزش بازسازی و یا آزادی مشروط در مواردی که مجرم خود معتاد به موادمخدر می‌باشد، معالجه و مراقبتهای بعدی را جانشین محکومیت‌ها و یا مجازاتهای اصلی نمایند.

د ـ اعضاء می‌توانند یا بعنوان اقدامات تبعی و یا بعنوان کیفرهای تکمیلی علاوه بر محکومیت و یا مجازات جرم احراز شده طبق بند ۲ این ماده، تدابیری را در جهت درمان، آموزش، مراقبتهای بعدی، بازسازی و یا اعاده حیثیت اجتماعی مجرم پیش‌بینی نمایند.

۵ ـ اعضاء مراقبت خواهند نمود که دادگاهها و سایر مراجع صالحه آنها بتوانند کیفیات واقعی مشدده در ارتکاب جرائم موضوع بند ۱ این ماده را ملحوظ نظر قرار دهند، کیفیاتی از قبیل:

الف ـ دخالت یک گروه سازمان یافته بزهکار در جرم که مجرم به آن گروه وابستگی دارد.

ب ـ دخالت مجرم در سایر فعالیتهای مجرمانه سازمان‌یافته بین‌المللی.

ج ـ دخالت مجرم در سایر فعالیت‌های غیرقانونی تسهیل شده به واسطه ارتکاب این جرم.

د ـ استفاده از عنف و یا اسلحه توسط مجرم.

هـ ـ این واقعیت که مجرم مأمور دولت بوده و جرم ارتکابی با سمت او در رابطه باشد.

و ـ اغوا و یا استفاد از کودکان.

ز ـ این واقعیت که جرم در یک نهاد جزائی، آموزشی، بنگاه خدمات اجتماعی و یا در مجاورت آنها و یا سایر امکنه‌ای ارتکاب یافته باشد که دانش‌آموزان به منظور انجام فعالیتهای آموزشی، ورزشی و اجتماعی به آنها مراجعه می‌نمایند.

ح ـ سابقه محکومیت قبلی بویژه برای همان جرائم، اعم از اینکه خارجی باشد و یا داخلی به میزانی که تحت حقوق داخلی هریک از اعضاء اجازه داده شده است.

۶ ـ به منظور حصول اطمینان، اعضاء کوشش خواهند نمود که هرگونه اختیارات قانونی آنها در رابطه با تعقیب مرتکبین جرائم موضوع این ماده به منظور به حداکثر رسانیدن اثر اقدامات اجرائی قانون در زمینه جرائم مزبور و یاتوجه کافی به نیاز برای جلوگیری از ارتکاب آنها به اجراء گذاشته شده باشند.

۷ ـ اعضاء مراقبت خواهند نمود که دادگاهها و سایر مراجع صالحه آنها، ماهیت سنگین جرائم مشروحه در بند ۱ و کیفیات مشدده مذکور در بند ۵ این ماده را در هنگام بررسی عواقب آزادی بیش از موعد و یا عفو مرتکبین این قبیل جرائم مدنظر داشته باشند.

۸ ـ هریک از اعضاء در صورت اقتضاء تحت حقوق داخلی خود یک دوره مرور زمان طولانی را برای شروع اقدامات قانونی نسبت به هر یک از جرائم موضوع بند ۱ این ماده و دوره طولانی‌تری را، در صورتی که متهم از چنگال عدالت گریخته باشد، مقرر خواهد نمود.

۹ ـ هر عضو تدابیر متناسب و سازگار با سیستم حقوقی خود را برای حصول اطمینان نسبت به این امر اتخاذ خواهند نمود که متهم و یا محکوم به یکی از جرائم موضوع بند ۱ این ماده که در قلمرو سرزمین آن عضو یافت شده است، در جلسات محاکمه حضور داشته باشند.

۱۰ ـ به منظور همکاری بین اعضای این کنوانسیون و از آن جمله خاصه همکاری تحت مواد ۵، ۶، ۷، ۹ جرایم موضوع این ماده بعنوان جرائم مالی و یا سیاسی و یا با انگیزه‌های سیاسی تلقی نخواهند گردید مشروط بر اینکه این همکاری به محدودیتهای مندرج در قانون اساسی و قوانین آمره داخلی اعضاء لطمه‌ای وارد ننماید.

۱۱ ـ هیچیک از مندرجات این ماده این اصل را مخدوش نخواهد نمود که حق بیان اوصاف و شرایط بزههای مورد اشاره و دفاعیات قانونی در برابر آنها برای قوانین داخلی هریک از اعضاء محفوظ نگهداشته شده و جرائم مزبور در چارچوب آن قوانین مورد تعقیب و مجازات قرار خواهند گرفت.

مادهٔ ۴ ـ صلاحیت:

۱ ـ هریک از اعضاء:

الف ـ تدابیر لازم برای احراز صلاحیت قضائی خود نسبت به جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ اتخاذ خواهد نمود مشروط بر اینکه:

۱ ـ جرم در قلمرو سرزمینی آن ارتکاب یافته باشد.

۲ ـ جرم بر روی عرشه کشتی حامل پرچم عضو و یا هواپیمای ثبت شده به موجب قوانین آن در زمان ارتکاب جرم ارتکاب گردیده باشد.

ب ـ به اقدامات لازم برای احراز صلاحیت قضایی خود نسبت به جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ توسل خواهد جست به شرط آنکه:

۱ ـ جرم توسط یکی از اتباع آن و یا شخصی ارتکاب شده باشد که محل سکونت عادی او در سرزمین آن قرارداشته باشد.

۲ ـ جرم بر روی عرشه کشتی‌ای ارتکاب یافته باشد که در رابطه با آن، عضو مزبور مجاز به اتخاذ اقدام مقتضی طبق ماده ۱۷ بوده مشروط بر اینکه چنین صلاحیتی فقط بر مبنای موافقت‌ها و ترتیبات مذکور در بندهای ۴ و ۹ آن ماده اعمال گردیده باشد.

۳ ـ جرم ارتکابی در عداد جرائم موضوع بند فرعی (ج) (۴)بند ۱ ماده ۳ بوده و به منظور ارتکاب یکی از بزههای مندرج در بند ۱ ماده ۳ در قلمرو آن عضو در خارج از سرزمین آن ارتکاب گردیده باشد.

۲ ـ هریک از اعضاء:

الف ـ همچنین تدابیر لازم را برای احراز صلاحیت خود نسبت به جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ اتخاذ خواهد نمود، هنگامی که مجرم ادعائی در قلمرو سرزمینی آن حاضر باشد و آن عضو به یکی از دلایل زیر از استرداد مجرم به عضو دیگر استنکاف می‌ورزد:

۱ ـ جرم در داخل قلمرو آن و یا بر روی عرشه کشتی حامل پرچم و یا هواپیمای ثبت شده تحت قوانین آن در زمان وقوع بزه ارتکاب گردیده باشد و یا،

۲ ـ اینکه جرم توسط یکی از اتباع آن ارتکاب یافته باشد.

ب ـ می‌تواند همچنین اقدامات لازم را برای احراز صلاحیت خود نسبت به جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ معمول نماید درصورتیکه مجرم ادعائی در قلمرو سرزمینی او حاضر بوده و عضو مزبور مجرم را به عضو دیگر مسترد نمی‌نماید.

۳ ـ کنوانسیون حاضر مانع از اجرای هرگونه صلاحیت جزائی در چارچوب حقوق داخلی هریک از اعضاء نخواهد گردید.

مادهٔ ۵:

۱ ـ هریک از اعضاء تدابیر لازم را برای امکان ضبط اقلام زیر اتخاذ خواهد نمود:

الف ـ عواید حاصله از جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ و یا اموالی که ارزش آنها معادل عواید مزبور باشد.

ب ـ موادمخدر و داروهای روانگردان، اجناس و تجهیزات و سایر ابزاری که به هر شکل ممکن در ارتکاب جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ مورد استفاده قرار گرفته و یا برای چنین استفاده‌ای در نظر گرفته شده‌اند.

۲ ـ هریک از اعضاء همچنین کلیه اقدامات لازم را برای قادر ساختن مراجع صالحه خود به تشخیص و رویارویی، انسداد و یا توقیف عواید، اموال، تجهیزات و یا سایر اقلام مذکور در بند ۱ این ماده به منظور ضبط نهائی آن معمول خواهد داشت.

۳ ـ به منظور انجام اقدامات مورد اشاره در این ماده، هر یک از اعضاء به محاکم و یا سایر مراجع صالحه خود اجازه خواهد داد تا دستور ارائه و یا ضبط سوابق بانکی، مالی و یا تجاری را صادر نماید. هیچیک از اعضاء از اقدام تحت مفاد این بند به دلیل حفظ اسرار بانکی امتناع نخواهند ورزید.

۴ ـ الف ـ متعاقب تقاضای انجام شده حسب این ماده توسط عضو دیگر واجد صلاحیت برای رسیدگی به یکی از جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳، عضوی که عواید، اموال، ابزار، یا سایر اقلام مذکور در بند ۱ این ماده در قلمرو سرزمینی او واقع می‌باشد.

۱ ـ تقاضا به منظور تحصیل دستور ضبط و در صورتیکه چنین دستوری صادر شده است، برای به

اجراء درآمدن آن، به مراجع صالحه خود تسلیم خواهد نمود، و یا

۲ ـ دستور ضبط صادره توسط عضو متقاضی را طبق بند ۱ این ماده به منظور اجرای آن به میزان تقاضا شده و تا حدودی که دستور به عواید، اموال، ابزار و یا سایر اقلام مذکور در بند ۱ واقع شده در سرزمین طرف مورد تقاضا مربوط می‌گردد، به مراجع ذیصلاح خود تسلیم خواهد نمود.

ب ـ متعاقب تقاضای انجام شده حسب این ماده توسط عضو دیگر واجد صلاحیت رسیدگی به یکی از جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳، عضو مورد تقاضا اقدامات مقتضی را جهت شناسائی ردیابی و انسداد و یا توقیف عواید، اموال، ابزار و یا سایر اقلام مذکور در بند ۱ این ماده به منظور صدور دستور ضبط نهائی توسط عضو متقاضی و یا عضو مورد تقاضا، طبق درخواست بعمل آمده تحت بند فرعی (الف) این بند، معمول خواهد داشت.

ج ـ تصمیمات و یا اقدامات پیش‌بینی شده در بندهای فرعی (الف) و (ب) این بند توسط عضو مورد تقاضا طبق و در چارچوب مقررات حقوق داخلی و آئین‌دادرسی خود و یا هرگونه معاهده دو جانبه و یا چند جانبه، قرارداد و یا ترتیباتی که احیاناً در برابر عضو متقاضی نسبت به آنها متعهد و ملزم می‌باشد، معمول خواهد شد.

د ـ مقررات مندرج در بند ۶ تا ۱۹ ماده ۷ با تغییرات ضروری قابل اعمال می‌باشند. علاوه بر اطلاعات مذکور در بند ۱۰ ماده ۷ تقاضاهای انجام شده طبق این ماده مشتمل بر موارد زیر خواهد بود:

۱ ـ درصورتیکه تقاضا به بند فرعی (الف) (۱) این بند مربوط گردد، شرحی از اموال مورد نظر برای ضبط و دلایل مورد استناد توسط عضو متقاضی که اقدام توسط عضو مورد تقاضابرای تحصیل دستور ضبط تحت حقوق داخلی خود را توجیه نماید.

۲ ـ درصورتیکه تقاضا به بند فرعی (الف) (۲) مربوط می‌گردد، نسخه قانوناً معتبری از دستور ضبط صادره توسط عضو متقاضی که تقاضا بر آن مبتنی است، شرحی از واقعیات و اطلاعات در مورد حدود مورد درخواست برای اجرای دستور مزبور.

۳ ـ درصورتیکه تقاضا به بند فرعی (ب) مربوط گردد، شرحی از واقعیات مورد استناد عضو متقاضی و نیز اقدامات مورد تقاضا.

هـ ـ هریک از اعضاء متن کلیه قوانین و مقررات خود راکه به این بند اعتبار و نفوذ بخشیده و متن کلیه تغییرات بعدی در این قوانین و مقررات را در اختیار دبیرکل خواهد گذاشت.

و ـ چنانچه یکی از اعضاء اتخاذ تدابیر مذکور در بندهای فرعی (الف) و (ب) این بند را مشروط بر وجود معاهده‌ای بداند، طرف مزبور کنوانسیون حاضر را بعنوان مبنا و مستند معاهده‌ای لازم و کافی تلقی خواهد کرد.

ز ـ اعضاء به منظور تقویت اثر همکاری بین‌المللی تحت این ماده در جهت انعقاد معاهدات دوجانبه و چند جانبه، قراردادها و ترتیبات لازم اقدام خواهند نمود.

۵ ـ الف ـ عواید و یا اموال ضبط شده توسط یکی از اعضاء طبق بند ۱ و یا بند ۴ این ماده، توسط آن عضو طبق قوانین داخلی و رویه‌های اجرائی آن به مصرف خواهد رسید.

ب ـ در مقام اقدام نسبت به تقاضای عضو دیگر طبق مفاد این ماده، یک عضو می‌تواند توجه خاص به انعقاد قراردادهائی در رابطه با مواردزیر مبذول دارد:

۱ ـ اختصاص ارزش عواید و اموال و با وجوه حاصله از فروش عواید و یا اموال مزبور و یا بخش عمده‌ای از آنها به ارگانهای بین‌الدولی متخصص در مبارزه علیه قاچاق و سوء استعمال موادمخدر و داروهای روانگردان.

۲ ـ تقسیم عواید و یا اموال و یا وجوه حاصله از فروش عواید و یا اموال مزبور با سایر اعضا بریک مبنای منظم و یا موقتی طبق حقوق داخلی خود و رویه‌های اجرائی و یا قراردادهای دوجانبه و یا چند جانبه منعقده برای این منظور.

۶ ـ الف ـ چنانچه عواید حاصله به اموال دیگری تبدیل و یا تغییر یافته باشد، اموال مزبور به عوض آن عواید در معرض اقدامات مورد اشاره در این ماده قرار خواهند گرفت.

ب ـ چنانچه عواید حاصله با اموال مکتسبه از منابع مشروع آمیخته گردیده باشد اموال مزبور بدون هیچگونه خدشه‌ای به اختیارات مربوط به توقیف و یا انسداد، به میزان ارزش تقویم شده عواید در هم آمیخته در معرض ضبط خواهد بود.

ج ـ درآمد و یا سایر منابع ناشی از:

۱ ـ عواید،

۲ ـ اموالی که عواید حاصله به آنها تبدیل و یا تغییر یافته‌اند و یا،

۳ ـ اموالی که عواید حاصله باآنها آمیخته گردیده‌اند،

نیز به همان ترتیب و میزان عواید، در معرض اقدامات مشروحه در این ماده خواهند بود.

۷ ـ هریک از اعضاء می‌تواند ترتیباتی فراهم نماید که بار اثبات دلیل در رابطه با منشاء قانونی عواید و یا سایر اموال ادعائی در معرض ضبط به میزانی، که چنین اقداماتی با اصول حقوق داخلی و طبع تشریفات قضائی و غیر آن در انطباق می‌باشد، معکوس گردد.

۸ ـ مقررات این ماده بگونه‌ای تفسیر نخواهد گردید که به حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت لطمه وارد نماید.

۹ ـ هیچیک از مندرجات این ماده این اصل را مخدوش نخواهدنمود که اقدامات و تدابیر مورد اشاره می‌بایستی طبق و در چارچوب مقررات حقوق داخلی هریک از اعضاء تحدید و اجرا گردند.

مادهٔ ٦ ـ استرداد مجرمین:

۱ ـ این ماده به جرائم موضوعه توسط اعضاء طبق بند ۱ ماده ۳ اعمال خواهد گردید.

۲ ـ هریک از جرائم موضوع این ماده به عنوان جرمی قابل استرداد درکلیه معاهدات استرداد مجرمین

که بین اعضاء موجود می‌باشد، مندرج و مضبوط تلقی خواهد شد.

۳ ـ چنانچه عضوی که استرداد مجرمین را منوط و مشروط به وجود معاهده‌ای اعلام نموده، تقاضای استرداد را از ناحیه عضو دیگری که با آن هیچگونه قرارداد استرداد را امضاء ننموده دریافت نماید، عضو مزبور می‌تواند این کنوانسیون را به عنوان مبنای قانونی استرداد مجرم در رابطه با کلیه جرائم مشمول این ماده تلقی نماید. اعضائی که برای استفاده از این کنوانسیون به عنوان مبنای قانونی استرداد مجرمین، وجود قانون خاصی را لازم می‌دانند، نسبت به تصویب قانون مزبور در حد ضرورت اقدام خواهند نمود.

۴ ـ اعضائی که استرداد مجرمین را منوط و مشروط به وجود معاهده‌ای نمی‌دانند، جرائم موضوع این ماده را بعنوان جرائم قابل استرداد بین دولتهای خود شناسائی خواهندنمود.

۵ ـ استرداد مجرمین تابع شرایط مقرره در قوانین عضو مورد تقاضا و یا معاهدات قابل اعمال استرداد و از جمله دلایلی خواهد بود که به استناد آنها عضو مورد تقاضا می‌تواند از استرداد مجرم استنکاف ورزد.

۶ ـ در بررسی تقاضاهای واصله به موجب این ماده، دولت مورد تقاضا می‌تواند درصورتیکه وجود دلایل اساسی مراجع قضائی و یا سایر مقامات صالحه آنرا متقاعد نماید که اجابت تقاضای مزبور تعقیب و یا مجازات فردی رابه لحاظ نژاد، مذهب، تابعیت و یا عقاید سیاسی او تسهیل نموده و یا به جهت هریک از دلایل یادشده لطماتی به شخص مورد تقاضای استرداد وارد می‌نماید، از قبول چنین تقاضائی استنکاف ورزد.

۷ ـ اعضاء کوششهای لازم را برای تسریع در انجام تشریفات استرداد و تسهیل در امر مدارک و مستندات مورد لزوم در رابطه با جرائم مشمول این ماده بعمل خواهند آورد.

۸ ـ مشروط بر مقررات حقوق داخلی و معاهدات استرداد مجرمین خود، عضو مورد تقاضا می‌تواند بنا به درخواست عضو متقاضی و درصورت احراز ضرورت و فوریت اوضاع و احوال، شخص موررد تقاضای استرداد را که در سرزمین او حضور دارد تحت بازداشت قرار داده و با جهت اطمینان از حضور او در رسیدگیهای قضائی متعاقب استرداد سایر تدابیر مقتضی را اتخاذ کند.

۹ ـ بدون خدشه به اعمال هرگونه صلاحیت کیفری تثبیت شده مطابق حقوق داخلی خود، عضوی که متهم در قلمرو سرزمینی آن دستگیر شده است می‌بایستی:

الف ـ چنانچه از استرداد متهم به ارتکاب یکی از جرائم مقرره حسب بند ۱ ماده ۳ به استناد موجبات مذکور در بند فرعی (الف) بند ۲ ماده ۴ خودداری می‌ورزد، پرونده امر را به منظور تعقیب به مراجع صالحه خود احاله نماید مگر اینکه با عضو متقاضی به شکلی دیگر توافق شده باشد.

ب ـ چنانچه از استرداد متهم در رابطه با این جرم امتناع و صلاحیت خود را طبق بند فرعی (ب) بند ۲ ماده ۴ احراز نموده باشد، پرونده امر را به منظور تعقیب به مراجع صالحه خود تسلیم نماید مگر اینکه عضو متقاضی برای محفوظ نگهداشتن صلاحیت قانونی خود به گونه‌ای دیگر تقاضا نموده باشد.

۱۰ ـ چنانچه عضو مورد تقاضا از پذیرش تقاضای استرداد مجرم به منظور اجرای حکم صادره به این

دلیل که فرد مورد تقاضا از اتباع آن می‌باشد، استنکاف ورزد، مشروط بر اجازه قوانین داخلی و در چارچوب الزامات قانونی خود بنا به تقاضای عضو متقاضی، اجرای حکم صادره از محاکم عضو متقاضی و یا باقیمانده آنرا مورد بررسی قرار خواهد داد.

۱۱ ـ اعضاء نسبت به انعقاد قراردادهای دوجانبه و چندجانبه و در جهت تحقق و یا تقویت اثر استرداد مجرمین اقدام خواهند نمود.

۱۲ ـ اعضاء می‌توانند در رابطه با انتقال محکومین به حبس و سایر مجازاتهای سالب آزادی بواسطه بزههای مشمول این ماده به کشور متبوع خود به منظور اتمام دوره محکومیت در آنجا عقد قراردادهای دوجانبه و یا چندجانبه، اعم از موردی و یا عام را مورد توجه قرار دهند.

مادهٔ ۷ ـ معاضدت قضائی:

۱ ـ مطابق مفاد این ماده، اعضاء گسترده‌ترین معاضدت قضائی مشترک را در امر تحقیقات، پیگردها و محاکمات در رابطه با جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ در اختیار یکدیگر قرار خواهند داد.

۲ ـ معاضدت قضائی مورد نظر این ماده می‌تواند برای هریک از مقاصد زیر درخواست گردد:

الف ـ اخذ شهادت و یا توضیحات از اشخاص.

ب ـ ابلاغ اوراق قضائی.

ج ـ انجام عملیات تجسسی و توقیف اموال.

د ـ بازرسی اقلام و اماکن مورد استفاده.

هـ ـ تأمین اطلاعات و اسناد.

و ـ تأمین اصول اسناد و یا نسخ مصدق اوراق، سوابق مربوطه از جمله سوابق بانکی، مالی، شرکتی و یا تجاری.

ز ـ تشخیص منشأ و یا ردیابی عواید، اموال، ابزار و یا اقلام دیگر برای استفاده در مقام اثبات جرائم ارتکابی.

۳ ـ اعضاء می‌توانند کلیه اشکال دیگر معاضدت قضائی راکه در حقوق داخلی عضو مورد تقاضا مجاز شناخته شده است در اختیار یکدیگر قرار دهند.

۴ ـ بمحض وصول تقاضا اعضا تا حدودی که با قوانین داخلی و رویه آنها سازگار می‌باشد، حضور و یا قابل دسترس بودن اشخاص از جمله اشخاص تحت بازداشت راکه مایل به همکاری در زمینه‌های تحقیقات و یا شرکت در جلسات دادرسی می‌باشند، تسهیل و یا تشویق خواهد نمود.

۵ ـ هیچ عضوی از تأمین معاضدت قضائی موضوع این ماده به استناد حفظ اسرار بانکی امتناع نخواهد ورزید.

۶ ـ مفاد این ماده به تعهدات پذیرفته شده تحت هرگونه معاهده دیگر اعم از دوجانبه و یا چندجانبه، که کلاً و یا بعضاً بر معاضدت قضائی در امور کیفری نظارت دارند، لطمه وارد نخواهد نمود.

۷ ـ درصورتیکه اعضاء ذیربط مأخوذ به معاهده‌ای درباره معاضدت قضائی مشترک نباشند، بندهای ۸ تا ۱۹ این ماده به تقاضاهای انجام شده طبق این ماده نظارت خواهند داشت و چنانچه مکلف به اجرای چنین معاهده‌ای باشند، مواد ذیربط در آن معاهده ناظر به مورد خواهد بود مگر اینکه اعضاء نسبت به اعمال بندهای ۸ تا ۱۹ این ماده به جای آن توافق نمایند.

۸ ـ اعضاء مرجع و در صورت لزوم مراجعی راکه مکلف و مجاز به اجرای تقاضای معاضدت قضائی و یا ارجاع آنها به مراجع صالحه می‌باشند، تعیین خواهند نمود و مراتب را به اطلاع دبیرکل خواهند رساند. ارجاع تقاضاهای معاضدت قضائی و هرگونه مکاتبات مربوط به آن بین مراجع تعیین شده توسط اعضاء به عمل خواهد آمد. بدون اینکه این شرط به حق هریک از اعضاء برای درخواست ارسال تقاضاها و مکاتبات مزبور به آن عضو از طریق مجرای سیاسی و در شرایط فوری و درصورت توافق اعضاء و امکان پذیر بودن از طریق مجاری سازمان پلیس کیفری بین‌المللی لطمه‌ای وارد نماید.

۹ ـ تقاضاها به طور کتبی و به زبان مورد قبول برای عضو مورد تقاضا بعمل خواهد آمد. زبان و یا زبانهای مورد قبول هریک از اعضاء به اطلاع دبیرکل خواهد رسید. در شرایط فوری و درصورت توافق طرفین، تقاضا شفاهاً انجام گرفته ولی می‌بایستی بلافاصله به صورت کتبی تأیید گردد.

۱۰ ـ تقاضا برای معاضدت قضائی مشتمل خواهد بود بر:

الف ـ هویت مرجع تقاضا کننده.

ب ـ موضوع و ماهیت تحقیق، تعقیب و یا پرونده‌ای که تقاضا به آن مربوط بوده و نام و عنوان مرجع متصدی تحقیق، تعقیب و یا پرونده.

ج ـ خلاصه‌ای از واقعیات امر باستثنای تقاضاهائی که موضوع آنها ابلاغ اوراق قضائی می‌باشد.

د ـ شرحی از معاضدت مورد تقاضا و جزئیات روش کار خاصی که عضو متقاضی مایل است ملاک عمل قرار گیرد.

هـ ـ هویت، محل تابعیت هر شخص ذیربط، در صورت امکان

و ـ هدف از تقاضای مدارک، اطلاعات و یا اقدام ذیربط

۱۱ ـ عضو مورد تقاضا می‌تواند برحسب اقتضاء اطلاعات دیگری را برای اجرای تقاضا طبق قوانین داخلی خود و یا درصورتیکه قادر به تسهیل جریان آن باشد، درخواست نماید.

۱۲ ـ تقاضا در چارچوب قوانین داخلی عضو مورد تقاضا و به میزانی که با قوانین مزبور مغایر نباشد.و امکاناً طبق روشهای مشروحه در تقاضا، اجرا خواهد شد.

۱۳ ـ عضو متقاضی اطلاعات و یا مدارک ارائه شده توسط عضو مورد تقاضا را برای تحقیقات، پیگیری‌ها و یا محاکماتی غیر از آنچه که در متن تقاضا مذکور گردیده، مورد استفاده قرار نخواهد داد مگر با اجازه قبلی عضو مورد تقاضا.

۱۴ ـ عضو متقاضی می‌تواند از عضو مورد تقاضا بخواهد که موضوع و محتوای تقاضا را، بجز به

میزانی که برای اجرای تقاضا ضرورت دارد، افشا ننماید. چنانچه عضو مورد تقاضا قادر به رعایت حفظ اسرار نباشد، می‌بایستی مراتب را فوراً به متقاضی اعلام نماید.

۱۵ ـ تقاضای معاضدت قضائی ممکن است در موارد زیر رد گردد:

الف ـ چنانچه تقاضا با رعایت مفاد این ماده تنظیم نگردیده باشد.

ب ـ چنانچه عض و مورد تقاضا بر این عقیده باشد که اجرای تقاضا احتمالاً به حق حاکمیت، امنیت، نظم عمومی و یا سایر مصالح عالیه آن لطمه وارد می‌نماید.

ج ـ چنانچه مراجع عضو مورد تقاضا تحت قوانین داخلی خود از مبادرت به اقدام مورد درخواست در رابطه با هر جرم مشابهی که احیاناً در قلمرو سرزمینی خود آنها در معرض تحقیق، تعقیب و یا دادرسی قرار می‌گرفت، ممنوع بوده باشند.

د ـ چنانچه قبول تقاضا با سیستم حقوقی عضو مورد تقاضا در رابطه با معاضدت قضائی مغایر باشد.

۱۶ ـ استنکاف از قبول معاضدت قضائی می‌بایستی مستدل باشد.

۱۷ ـ عضو مورد تقاضا می‌تواند به این دلیل که معاضدت قضائی با تحقیق، تعقیب و یا محاکمه در جریان تداخل می‌نماید، آنرا به تأخیر اندازد و در چنین صورتی با عضو متقاضی برای اخذ تصمیم در مورد اعطای معاضدت، مشروط به ضوابط و شرایطی که لازم می‌داند، مشورت خواهد نمود.

۱۸ ـ شاهد، کارشناس و یا شخص دیگری که آمادگی خود را برای ادای شهادت در یک پرونده و یا همکاری در تحقیق، تعقیب و یا رسیدگی قضائی در سرزمین عضو متقاضی اعلام می‌دارد، بلحاظ هیچگونه فعل، ترک فعل و یا محکومیت خود قبل از ترک سرزمین عضو مورد تقاضا، مورد تعقیب، بازداشت، مجازات و یا هرگونه محدودیت در آزادی شخصی قرار نحواهد گرفت. این مصونیت درصورتیکه شاهد، کارشناس و یا شخص دیگر مورد اشاره از تاریخی که رفع نیاز به حضور او توسط مراجع قضائی رسماً به اطلاع او رسیده است، به مدت پانزده روز متوالی و یا هر مدت مورد توافق اعضا به میل خود همچنان در آن سرزمین باقی مانده و یا درصورت ترک با اراده آزاد به آنجا مراجعت نموده باشد، منتفی خواهد گردید.

۱۹ ـ جز در مواردی که طرفهای ذیربط بگونه‌ای دیگر توافق نموده باشند، هزینه‌های متعارف اجرای تقاضای استرداد، توسط عضو مورد تقاضا پرداخت خواهد شد. چنانچه اجرای تقاضا متضمن مخارجی عمده و یا فوق‌العاده باشد، اعضاء به منظور تعیین شرایط و ضوابط اجرای تقاضا و نیز ترتیبات پرداخت هزینه‌ها با یکدیگر مشورت خواهند نمود.

۲۰ ـ اعضاء حسب اقتضاء امکان انعقاد قراردادها و یا ترتیبات دو جانبه یا چند جانبه را که در تأمین اهداف، اجرای عملی یا تقویت مفاد این ماده مؤثر می‌باشد منعقد خواهند نمود.

مادهٔ ۸ ـ نیابت قضائی:

اعضاء نسبت به امکان احاله امر تعقیب کیفری جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ به صلاحیتهای قضائی یکدیگر عطف توجه خواهند نمود مشروط بر اینکه اعطای چنین نیابتی متضمن اجرای دقیق عدالت تلقی

شود.

ماده ۹ ـ طرق دیگر همکاری و آموزش:

۱ ـ به منظور تقویت اثر اقدامات قانونی در جهت ریشه‌کن نمودن ارتکاب بزههای موضوع بند ۱ ماده ۳، اعضاء در چارچوب سیستمهای حقوقی و اداری داخلی خود با یکدیگر همکاری نزدیک داشته و بر مبنای قراردادها و ترتیبات دوجانبه و یا چندجانبه بویژه نسبت به موارد زیر اقدام خواهند نمود:

الف ـ برقراری و حفظ مجاری ارتباطی بین سازمانها و نهادهای صالحه برای تسهیل مبادله امن و سریع اطلاعات مربوط به کلیه جنبه‌های جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ و از جمله روابط با سایر فعالیتهای بزهکارانه عندالاقتضاء.

ب ـ همکاری با یکدیگر در انجام تحقیقات دررابطه با جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ که از ماهیتی بین‌المللی برخوردارند در رابطه با:

۱ ـ هویت، نشانی تقریبی و فعالیتهای افراد مظنون به دخالت در ارتکاب جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳.

۲ ـ انتقال عواید و یا اموال حاصله از ارتکاب جرائم مزبور.

۳ ـ جابجائی موادمخدر، داروهای روانگردان، اقلام مذکور در جدول ۱ و ۲ این کنوانسیون و اسباب و لوازمی که در ارتکاب این جرائم مورد استعمال قرار گرفته و یا قصد استفاده از آنها بوده است.

ج ـ در موارد مقتضی و چنانچه با قوانین داخلی مغایر نباشد، تشکیل گروههای مشترک به منظور اجرای مفاد این بند با توجه به ضرورت حفاظت از افراد و عملیات. مأمورینی که از جانب هریک از اعضاء در گروههای مزبور شرکت می‌نمایند، بعنوان افراد مجاز از طرف مراجع صالحه عضوی که قرار است عملیات در سرزمین آن واقع شود، شناخته خواهند شد. در کلیه چنین مواردی، اعضاء ذیربط مراقبت خواهند نمود که حاکمیت عضوی که قرار است عملیات در سرزمین آن انجام گردد، کاملاً محترم شناخته شود.

د ـ تأمین مقادیر لازمی از مواد مکشوفه برای تجزیه و تحقیق.

هـ ـ تسهیل همکاری موثر بین سازمانها و نهادهای صالحه آنها و توسعه تبادل مأمورین و سایر کارشناسان از جمله گماردن افسران رابط.

۲ ـ هریک از اعضاء برای مأمورین اجرا و سایر پرسنل خود، از جمله کارمندان گمرک که مسئولیت جلوگیری از وقوع جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ را بعهده دارند، دوره‌های آموزشی ویژه‌ای را در حد لازم افتتاح، تکمیل و یا تقویت خواهد نمود. در دوره‌های مزبور عمدتاً موضوعات زیر مورد مطالعه قرار خواهند گرفت:

الف ـ روش‌های مورد استفاده در کشف و جلوگیری از جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳.

ب ـ طرق و تکنیک‌های مورد استفاده اشخاص مظنون به شرکت در جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ بویژه در کشورهای ترانزیت و تدابیر متقابل شایسته.

ج ـ نظارت بر واردات و صادرات موادمخدر، داروهای روانگردان و اقلام مذکور در جدول ۱ و ۲.

د ـ کشف و کنترل جابجائی عواید و اموال حاصله از فروش موادنخدر و داروهای روانگردان و اقلام مذکور در جدول ۱ و ۲ و اسباب و لوازم استفاده شده و یا مورد نظر برای استفاده در ارتکاب جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳.

هـ ـ روشهای مورد استفاده برای انتقال، اخفاء و یا تبدیل عواید، اموال، اسباب و لوازم مزبور.

و ـ گردآوری ادله.

ز ـ کنترل روش‌های مورد استفاده در مناطق تجارت آزاد و بنادر آزاد.

ح ـ روشهای جدید اجرای قانون.

۳ ـ اعضاء در رابطه با برنامه‌ریزی و اجرای دوره‌های تحقیقاتی و آموزشی که به منظور مبادله تخصص در رشته‌های مذکور در بند ۲ این ماده تشکیل می‌گردند، با یکدیگر همیاری نموده و برای نیل به این هدف در موارد مقتضی از کنفرانسها و سمینارهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای بسط همکاری و رایزنی نسبت به مسائل واجد اهمیت مشترک، از جمله مشکلات و نیازهای کشورهای ترانزیت، بهره خواهند گرفت.

مادهٔ ۱۰ ـ تعاون و همکاری بین‌المللی برای کشورهای ترانزیت:

۱ ـ اعضاء برای همکاری و حمایت از کشورهای ترانزیت بویژه کشورهای در حال پیشرفت که نیازمند چنین همکاری و حمایتی می‌باشند، مستقیماً و یا توسط سازمانهای منطقه‌ای و یا بین‌المللی ذیصلاح از طریق برنامه‌های همکاری فنی در مورد بستن مرز و سایر فعالیتهای مربوطه دیگر اقدام خواهند نمود.

۲ ـ اعضاء می‌توانند تأمین کمک مالی به این کشورهای ترانزیت را به منظور افزایش و تقویت زیر ساخت مورد نیاز جهت کنترل و جلوگیری مؤثر از قاچاق موادمخدر، مستقیماً و یا توسط سازمانهای منطقه‌ای و یا بین‌المللی ذیصلاح تضمین نمایند.

۳ ـ به منظور تقویت کارائی همکاری بین‌المللی اعضاء می‌توانند قراردادها و یا ترتیبات دوجانبه و یا چندجانبه‌ای را تحت این ماده منعقد نموده و ترتیبات مالی لازم را در این زمینه مورد توجه قرار دهند.

ماده ۱۱ ـ محموله‌های تحت کنترل:

۱ ـ درصورتیکه اصول اساسی سیستمهای حقوق داخلی تجویز نمایند، اعضاء تدابیر لازم را در حدود امکانات خود برای امکان استفاده مناسب از محموله‌های تحت کنترل در سطح بین‌المللی برمبنای قراردادها و ترتیبات مرضی‌الاطراف، به منظور شناسائی دست‌اندرکاران جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ و انجام اقدامات قانونی علیه آنها، اتخاذ خواهند نمود.

۲ ـ تصمیمات برای استفاده از محموله‌های تحت کنترل به طور موردی اتخاذ شده و در صورت لزوم ترتیبات و تفاهمات مالی را در رابطه با اعمال صلاحیت توسط اعضای ذیربط مطمح نظر قرار خواهد داد.

۳ ـ محموله‌های قاچاق که اعمال کنترل و نظارت برآنها مورد توافق قرار گرفته است، ممکن است با توافق اعضای ذیربط بازداشت گردیده و بدون آنکه در موادمخدر یا داروهای روانگردان موجود در آنها

دخل و تصرفی شده باشد، به آنها اجازه ادامه عبور داده شود و یا آنکه مواد مزبور از آن کلاً و یا بعضاً منتقل و یا جایگزین گردند.

مادهٔ ۱۲ ـ موادی که غالباً در ساخت غیرقانونی موادمخدر و یا داروهای روانگردان استعمال می‌گردند:

۱ ـ اعضاء برای جلوگیری از تبدیل مواد مذکور در جدول ۱ و ۲ که به منظور ساخت غیرقانونی موادمخدر، داروهای روانگردان مورد استفاده قرار گرفته‌اند، تدابیر شایسته را اتخاذ و با یکدیگر برای نیل به این هدف همکاری خواهند نمود.

۲ ـ درصورتیکه عضوی و یا «هیأت» براساس اطلاعات خود معتقد به لزوم گنجانیدن ماده‌ای در جدول ۱ و یا ۲ باشد، مراتب را به اطلاع دبیرکل رسانیده و اطلاعات خود را در جهت تأیید این اقدام در اختیار وی قرار خواهد داد.

روش موصوف در بندهای ۲ تا ۷ این ماده همچنین در موردی که یکی از اعضاء و یا هیأت اطلاعاتی داشته باشد که خدف ماده‌ای را از جدول ۱ و یا ۲ و یا انتقال آن را به جدول دیگر توجه نماید، اعمال خواهد گردید.

۳ ـ دبیرکل اطلاعیه مزبور و نیز هرگونه اطلاعاتی راکه مربوط تشخیص می‌دهد به اعضاء کمیسیون، و چنانچه اطلاعیه توسط عضوی دیگر داده شده باشد، به هیأت منعکس خواهد نمود. اعضاء نظرات خود درباره اطلاعیه را همراه با کلیه اطلاعات تکمیلی که ممکن است به هیأت در احراز یک ارزیابی و به کمیسیون در نیل به یک تصمیم کمک نماید، به دبیرکل اعلام خواهند کرد.

۴ ـ چنانچه هیأت با توجه به میزان، اهمیت و تنوع موارد استفاده مشروع و مجاز از ماده و احتمال سهولت استعمال مواد جایگزین هم برای مقاصد مشروع و هم در جهت ساخت غیرقانونی موادمخدر و یا داروهای روانگردان، احراز نماید که:

الف ـ ماده مزبور غالباً در ساخت غیرقانونی که ماده مخدر و یا داروی روانگردان مورد استفاده واقع می‌شود.

ب ـ حجم و میزان ساخت غیرقانونی یک ماده‌مخدر و یا داروی روانگردان موجب بروز آنچنان مشکلات جدی اجتماعی و یا بهداشتی می‌گردد که اتخاذ یک اقدام بین‌المللی را ایجاب می‌کند، می‌بایستی ارزیابی از ماده از جمله اثر احتمالی افزودن آن به هریک از اقلام مذکور در جدول ۱ و ۲ را همراه با تدابیر ارشادی که با توجه به ارزیابی بعمل آمده متناسب و مقتضی می‌باشد، به کمیسیون اعلام نماید.

۵ ـ کمیسیون می‌تواند با توجه به نظریات ارائه شده توسط اعضاء و دیدگاهها و توصیه‌های هیأت که ارزیابی آن در مورد مسائل علمی، تعیین کننده و قطعی می‌باشد و نیز با توجه کافی به سایر عوامل ذیربط، باکثریت دوسوم اعضای خود ماده‌ای را در هریک از جداول ۱ و یا ۲ قرار دهد.

۶ ـ کلیه تصمیمات کمیسیون که براساس این ماده اتخاذ گردیده‌اند، توسط دبیرکل به کلیه دولتها، هیأت و نیز مؤسساتی که می‌توانند به عضویت کنوانسیون حاضر درآیند، ابلاغ خواهد گردید. تصمیمات مزبور

ظرف مدت ۱۸۰ روز پس از ابلاغ نسبت به هر یک از اعضاء کاملاً لازم‌الاجراء خواهد بود.

۷ ـ الف ـ تصمیمات متخذه توسط کمیسیون تحت این ماده، طبق تقاضای هریک از اعضاء که ظرف ۱۸۰ روز پس از تاریخ ابلاغ تصمیم ثبت شده باشد، قابل تجدیدنظر توسط شورا خواهد بود. تقاضای تجدیدنظر همراه باکلیه اطلاعاتی که تقاضا بر آنها مبتنی می‌باشد، جهت دبیرکل ارسال خواهد گردید.

ب ـ دبیرکل نسخه‌هائی از تقاضای تجدیدنظر و اطلاعات مربوطه را برای کمیسیون، هیأت و کلیه اعضاء ارسال و از آنها دعوت می‌نماید، نظرات خود را ظرف نودروز تسلیم کنند. کلیه نظرات واصله جهت بررسی به شورا منعکس خواهد گردید.

ج ـ شورا می‌تواند تصمیم کمیسیون را تأیید و یا نقض نماید. اطلاعیه تصمیم شورا به کلیه دولتها و سازمانهائی که عضو این کنوانسیون بوده و یا خواهند گردید و نیز به کمیسیون و هیأت ابلاغ خواهد شد.

۸ ـ الف ـ بدون اینکه به عموم و اطلاق مفاد مندرج در بند ۱ این ماده و مقررات کنوانسیون ۱۹۶۱، کنوانسیون اصلاح شده ۱۹۶۱ و نیز کنوانسیون ۱۹۷۱ خدشه‌ای وارد گردد، اعضاء اقدامات و تدابیر مقتضی را برای نظارت بر تولید و توزیع مواد مشروحه در جداول ۱ و ۲ که در محدوده سرزمین ایشان اجرامی‌گردد، معمول خواهند نمود.

ب ـ برای نیل به این هدف، اعضاء می‌توانند:

۱ ـ کلیه افراد و شرکتهای فعال در ساخت و توزیع مواد مزبور راکنترل نمایند.

۲ ـ تأسیسات و امکنهٔ محل ساخت و یا توزیع مواد یادشده را با داشتن اجازه کنترل کنند.

۳ ـ مقرر دارند که دارندگان پروانه برای اجرای فعالیتهای یادشده مجوزی دریافت دارند.

۴ ـ از تراکم چنین موادی در اختیار تولید کنندگان و توزیع کنندگان مازاد برمقادیر مورد نیاز برای جریان متعارف کار و شرایط حاکم بازار جلوگیری نمایند.

۹ ـ هریک از اعضاء در رابطه با مواد مذکور در جداول ۱ و ۲ اقدامات زیر را معمول خواهد داشت:

الف ـ ایجاد و حفظ سیستمی برای کنترل تجارت بین‌المللی مواد مذکور در جداول ۱ و ۲ به منظور تسهیل شناسائی، معاملات مشکوک، سیستم کنترلی مزبور با همکاری نزدیک با سازندگان، واردکنندگان، صادرکنندگان عمده‌فروشان و خرده‌فروشان که مراجع صالحه را در جریان سفارشات و معاملات مشکوک قرار خواهند داد، عمل خواهند نمود:

ب ـ فراهم نمودن امکان برای ضبط هریک از مواد مشروحه در جداول ۱ و ۲ در صورتیکه ادله کافی بر استفاده از آنها در تولید غیرقانونی موادمخدر و یا داروهای روانگردان وجود داشته باشد.

ج ـ مطلع نمودن هرچه زودتر مقامات و مراجع ذیصلاح اعضای ذیربط، چنانچه دلیلی بر این اعتقاد وجود داشته باشد که ورود، صدور و یا عبور یکی از مواد مذکور در جداول ۱ و ۲ به منظور ساخت غیرقانونی موادمخدر و یا داروهای روانگردان صورت می‌گیرد و از جمله بویژه ارائه اطلاعات راجع به منابع پرداخت و سایر مسائل اساسی دیگری که به اعتقاد مزبور منتهی گردیده باشد.

د ـ الزام به اینکه واردات و صادرات دقیقاً برچسب خورده و همراه با مدارک و اسناد باشند. اسناد بازرگانی از قبیل صورتحسابها، اظهارنامه محموله، مدرک گمرکی، حمل و نقل و غیره می‌بایستی شامل نام مواد وارده و یا صادره به شرحی که در جداول ۱ و ۲ مندرج می‌باشد، مقدار صادرات و یا واردات، نام و نشانی صادرکننده و واردکننده درصورت امکان دریافت‌کننده باشند.

هـ ـ حصول اطمینان از اینکه اسناد مورد اشاره در بند فرعی (د) این بند برای مدت حداقل دوسال نگهداری گردیده و در زمان بازرسی مقامات ذیصلاح قابل دسترسی می‌باشند.

۱۰ ـ الف ـ علاوه بر مقررات مذکور در بند ۹ براساس تقاضای طرف ذینفع از دبیرکل، هریک از اعضاء که قرار است یکی از مواد مذکور در در جدول ۱ از قلمرو سرزمین آن صادر گردد، مراقبت خواهد نمودکه قبل از صدور، اطلاعات زیر توسط مراجع ذیصلاح آن در اختیار مقامات قانونی کشور واردکننده قرارگرفته باشند:

۱ ـ نام و نشانی صادرکننده و واردکننده و درصورت امکان گیرنده.

۲ ـ نام ماده مذکور در جدول ۱.

۳ ـ مقدار ماده‌ای که قرار است صادر شود.

۴ ـ مرز ورودی و تاریخ ارسال پیش‌بینی شده و بالاخره.

۵ ـ هرگونه اطلاعات دیگری که طرفین نسبت به آنها توافق نمایند.

ب ـ هریک از اعضاء می‌تواند در صورت تشخیص مصلحت و ضرورت، تدابیر کنترل‌کننده شدیدتری را در مقایسه با آنچه که در این بند مقرر شده است، اتخاذ نماید.

۱۱ ـ هریک از اعضاء که اطلاعاتی را طبق بندهای ۹ و ۱۰ این ماده در اختیار عضو دیگری قرار می‌دهد، می‌تواند شرط کند که طرف دریافت کننده از افشای هرگونه اطلاعات مربوط به اسرار تجاری، معاملاتی، بازرگانی و یا حرفه‌ای و یا جریان تجاری خودداری نماید.

۱۲ ـ هریک از اعضاء هرساله اطلاعاتی را در خصوص موارد زیر مطابق شکل و روش پیش‌بینی شده و بر روی فرم‌های مخصوص در اختیار هیأت قرار خواهد داد:

الف ـ مقدار مواد ضبط شده در جداول ۱ و ۲ و منشأ آنها، در صورت معلوم بودن.

ب ـ هرگونه ماده غیر مذکور در جداول ۱ و ۲ که استفاده از آن در تولید غیرقانونی موادمخدر و یا داروهای روانگردان احراز گردیده و به نظر عضو از اهمیت کافی برای جلب توجه هیأت به آن برخوردار می‌باشد.

ج ـ روشهای انحراف و تولید غیرقانونی.

۱۳ ـ هیأت هرساله در رابطه با اجرای این ماده به کمیسیون گزارش نموده و کمیسیون نیز در فواصل زمانی معین کفایت و صحت جداول ۱ و ۲ را مورد بررسی قرار خواهد داد.

۱۴ ـ مفاد این ماده به فراورده‌های داروئی و نیز سایر مواد مشتمل بر مواد مذکور در جداول ۱ و یا ۲ که

به طریقی با یکدیگر ترکیب گردیده‌اند که تجزیه و استفاده آنان ازمواد مزبور یا به کمک ابزارهای مربوطه ممکن نمی‌باشد، اعمال نمی‌گردد.

مادهٔ ۱۳ ـ مواد و تجهیزات

اعضاء کلیه اقدامات شایسته را برای جلوگیری از خرید و فروش و انحراف مواد و تجهیزات به تولید و یا ساخت غیرقانونی موادمخدر و داروهای روانگردان معمول داشته و برای نیل به این هدف همکاری می‌نمایند.

ماده ۱۴ ـ اقدامات برای ریشه‌کن کردن کشت غیرقانونی گیاهان مخدر و از بین بردن تقاضا برای موادمخدر و داروهای روانگردان:

۱ ـ هرگونه اقدام متخذه براساس این کنوانسیون توسط اعضاء نمی‌بایستی از تدابیر معموله تحت مواد ناظر بر ریشه‌کن کردن کشت غیرقانونی گیاهان تخدیرکننده ویا مؤثر بر اعصاب و نیز مقررات مربوط به از بین بردن تقاضای غیرقانونی برای موادمخدر و داروهای روانگردان تحت کنوانسیون اصلاح شده ۱۹۶۱ و کنوانسیون ۱۹۷۱ خفیف‌تر باشد.

۲ ـ هریک از اعضاء اقدامات لازم را برای ممنوعیت کشت غیرقانونی و از بین بردن گیاهان تخدیرکننده و یا مؤثر بر اعصاب از قبیل خشخاش، بوته کوک و گیاهان شاهدانه که بنحو غیرقانونی در قلمرو سرزمینی آن کشت می‌گردد، معمول خواهد داشت. اقدامات مزبور حقوق انسانی اساسی افراد را محترم داشته و استفاده‌های مشروع سنتی، چنانچه مدارک تاریخی بر تأیید آن باشد، و نیز حفاظت از محیط زیست را مطمح نظر قرار خواهد داد.

۳ ـ الف ـ اعضاء می‌توانند برای افزایش کارائی تلاشهای خود در رابطه با ریشه‌کن کردن کشت غیرقانونی گیاهان مخدر همکاری نمایند. همکاری مزبور می‌تواند از جمله و عندالاقتضا حمایت از توسعه یکپارچگی روستائی را به منظور تأمین جانشینهای از نظر اقتصادی مؤثر برای کشت غیرقانونی مزبور شامل گردد. عواملی از قبیل دسترسی به بازار، قابلیت حصول منابع و شرایط اجتماعی ـ اقتصادی حاکم می‌بایستی قبل از اجرای این قبیل برنامه‌های توسعه روستائی مورد توجه قرار گیرند. اعضاء همچنین می‌توانند نسبت به هرگونه راههای دیگر همکاری که مناسب تشخیص می‌دهند، توافق کنند.

ب ـ اعضاء همچنین تبادل اطلاعات علمی و فنی و اجرای تحقیقات مربوط به ریشه‌کن کردن کشت گیاهان مزبور را تسهیل خواهند نمود.

ج ـ درصورت داشتن مرزهای مشترک، اعضاء همکاریهای لازم را در برنامه‌های ریشه‌کن سازی در مناطق تحت حاکمیت خود در طول مرزهای مزبور معمول خواهند داشت.

۴ ـ اعضاء اقدامات شایسته را با هدف ازبین بردن و یا کاهش تقاضای غیرقانونی برای موادمخدر و داروهای روانگردان با توجه به تقلیل ضایعات انسانی و امحاء انگیزه‌های مالی برای قاچاق موادمخدر بکار خواهد برد. اقدامات مزبور از جمله می‌تواند بر توصیه‌های سازمان ملل متحد، سازمانهای تخصصی

سازمان ملل از قبیل سازمان بهداشت جهانی و سایر ارگانهای صالح بین‌المللی و نیز بر «اصول جامع انضباطی» مصوب کنفرانس بین‌المللی مربوط به مصرف و قاچاق موادمخدر منعقده در ۱۹۸۷ در قسمت ناظر به سازمانهای دولتی و غیردولتی و تلاشهای خصوصی در زمینه ممنوعیت، معالجه و بازسازی معتادین، مبتنی باشد. اعضاء می‌توانند قراردادها و یا توافقهای دوجانبه و یا چندجانبه‌ای را به منظور از بین بردن و یا کاهش تقاضای غیرقانونی برای موادمخدر و یا داروهای روانگردان منعقد نمایند.

۵ ـ اعضاء همچنین می‌توانند اقدامات لازم را در جهت ریشه‌کن کردن سریع و یا استعمال قانونی موادمخدر، داروهای روانگردان و اقلام مذکور در جداول ۱ و ۲ که ضبط و یا مصادره گردیده‌اند و نیز قابلیت ارائه مقادیر لازم و مورد تأیید از مواد مزبور را بعنوان مدرک معمول دارند.

مادۀ ۱۵ ـ متصدیان حمل و نقل تجاری:

۱ ـ اعضاء اقدامات مقتضی را برای حصول اطمینان از عدم استفاده وسایط نقلیه توسط متصدیان حمل و نقل تجاری در جهت ارتکاب جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳، معمول خواهند داشت. اقدامات مزبور می‌تواند شامل انعقاد ترتیبات خاص با متصدیان حمل و نقل گردد.

۲ ـ هریک از اعضاء متصدیان حمل و نقل را ملزم خواهد نمود که اقدامات احتیاطی متعارف را برای ممنوعیت استفاده از وسایل نقلیه خود در جهت ارتکاب جرایم موضوع بند ۱ ماده ۳ به کار برند. احتیاطات مزبور ممکن است موارد زیر را شامل گردد:

الف ـ چنانچه مرکز اصلی فعالیت تجاری متصدی حمل و نقل در داخل قلمرو سرزمینی عضو قرار دارد.

۱ ـ آموزش پرسنل برای شناسایی محموله‌ها و یا افراد مظنون.

۲ ـ ارتقاء سطح درستی و صحت عمل پرسنل.

ب ـ چنانچه متصدی در داخل قلمرو سرزمینی عضو فعالیت می‌نماید.

۱ ـ تسلیم اظهارنامۀ محموله از قبل و هرموقع که امکان‌پذیر باشد.

۲ ـ استفاده از مهر و مومهای غیرقابل دستکاری و کاملاً مطمئن روی کانتینرها.

۳ ـ گزارش کلیه اوضاع و احوال مشکوکی که احیاناً با ارتکاب جرائم موضوع بند ۱ ماده ۳ مرتبط می‌باشد، به مقامات ذیربط در اولین فرصت.

۳ ـ هریک از اعضاء اطمینان حاصل خواهد نمود که متصدیان حمل و نقل و مقامات مربوطه در نقاط ورودی و خروجی و سایر مناطق کنترل گمرکی با هدف جلوگیری از دسترسی غیرمجاز به وسائط نقلیه و محموله و اجرای تدابیر حفاظتی مقتضی، با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

مادۀ ۱۶ ـ اسناد تجاری و برچسب زدن صادرات:

۱ ـ هریک از اعضاء مقرر خواهد داشت که صادرات قانونی موادمخدر و داروهای روانگردان با اسناد و مدارک صحیح انجام گیرد. علاوه بر الزامات مربوط به تهیه اسناد و مدارک تحت ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۱،

ماده ۳۱ کنوانسیون اصلاحی ۱۹۶۱ و ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۷۱، اسناد تجاری از قبیل صورتحسابها، اظهارنامه محموله، اوراق گمرکی حمل و نقل و غیره شامل نام موادمخدر و داروهای روانگردان صادرشده به شرح مندرج در جداول مربوطه درکنوانسیون ۱۹۶۱، کنوانسیون اصلاحی ۱۹۶۱ و کنوانسیون ۱۹۷۱ و نام و نشانی صادرکننده، واردکننده و در صورت امکان گیرنده خواهد بود.

۲ ـ هریک از اعضاء مقرر خواهد نمود که محموله‌های موادمخدر و داروهای روانگردان صادر شده دارای برچسب نادرست نباشد.

مادهٔ ۱۷ ـ قاچاق موادمخدر از طریق دریا:

۱ ـ اعضاء برای امحاء قاچاق موادمخدر از طریق دریا در چارچوب حقوق بین‌الملل دریاها حاکثر همکاری را با یکدیگر معمول خواهند داشت.

۲ ـ هریک از اعضاء که دلایل منطقی برای مظنونیت نسبت به فعالیت یک کشتی حامل پرچم خود یا بدون پرچم و یا علامت ثبت، در امر قاچاق موادمخدر در اختیار داشته باشد، می‌تواند از سایر اعضاء در جهت از بین‌بردن چنین استفاه‌ای استمداد نماید و اعضای مورد تقاضا در حدود امکانات خود همکاری لازم را معمول خواهند داشت.

۳ ـ هریک از اعضاء که دلایل منطقی برای مظنونیت نسبت به فعالیت یک کشتی در قاچاق موادمخدر با استفاده از آزادی کشتیرانی طبق حقوق بین‌الملل و یا نصب پرچم و یا علامت ثبت عضو دیگری در اختیار داشته باشد، می‌تواند مراتب را به دولت صاحب پرچم اطلاع داده ثبت کشتی را استعلام نماید و درصورت تأیید ثبت از دولت صاحب پرچم برای اتخاذ تدابیر لازم در رابطه با کشتی مزبور تقاضای مجوز کند.

۴ ـ طبق بند ۳ و یا در چارچوب معاهدات لازم‌الاجراء بین اعضاء و یا حسب هرگونه قرارداد و یا ترتیبی که فیمابین اعضاء توافق گردیده است، دولت صاحب پرچم می‌تواند به دولت متقاضی اجازه دهد که از جمله:

الف ـ وارد کشتی گردد.

ب ـ کشتی را مورد تفتیش قرار دهد.

ج ـ درصورت پیدا کردن مدارکی دال بر دخالت در قاچاق موادمخدر، اقدام مقتضی در رابطه با کشتی، افراد و محموله آن اتخاذ کند.

۵ ـ درصوت اتخاذ اقدام طبق این ماده، اعضای ذیربط به ضرورت به مخاطره نیفتادن سلامت افراد در دریا، امنیت کشتی و یا محموله و یا عدم لطمه به منافع تجاری و قانونی دولت صاحب پرچم و یا هردولت ذینفع دیگر توجه کافی مبذول خواهند داشت.

۶ ـ دولت صاحب پرچم می‌تواند در جهت تعهدات خود به شرح مندرج در بند ۱ ماده حاضر اجازه خود را به شرایطی که بین آن دولت و عضو متقاضی مورد توافق قرار خواهد گرفت از جمله شرایط مربوط

به مسئولیت، موکول و منوط نماید.

۷ ـ از نظر مفاد بندهای ۳ و ۴ ماده حاضر هریک از اعضاء سریعاً به تقاضای عضو دیگر برای اخذ تصمیم در مورد مجاز بودن کشتی حامل پرچم برای استفاده از آن پرچم و تقاضاها کسب مجوز حسب بند ۳ پاسخ خواهد داد. هریک از اعضا در زمان پذیرش عضویت در این کنوانسیون مرجع و یا در صورت لزوم مراجعی را برای دریافت پاسخگوئی به این تقاضاها تعیین نموده و مراتب را از طریق دبیرکل ظرف یکماه از تاریخ تعیین به اطلاع سایر اعضاء خواهد رسانید.

۸ ـ هریک از اعضاء که طبق مفاد این ماده به اقدامی مبادرت ورزیده است، سریعاً دولت صاحب پرچم مربوطه را از نتایج اقدام خود مطلع خواهند نمود.

۹ ـ اعضاء انعقاد قراردادها و یا ترتیبات دوجانبه و یا منطقه‌ای را برای اجراء و ازدیاد کارائی مفاد این ماده بررسی خواهند نمود.

۱۰ ـ مفاد بند ۴ این ماده فقط توسط کشتی‌های جنگی و یا هواپیماهای نظامی و یا سایر کشتیها و یا هواپیمائی که در خدمت دولت و مجاز به اقدام بودن آنها از علائم کاملاً روشن و قابل شناسائی احراز می‌گردد، عملی خواهد شد.

۱۱ ـ در اتخاذ هرگونه اقدام طبق این ماده، به ضرورت عدم مداخله و یا خدشه به حقوق و تعهدات و اعمال حاکمیت دولت‌های ساحلی مطابق اصول حقوق بین‌المللی دریائی توجه کافی مبذول خواهد گردید.

مادهٔ ۱۸ ـ منطقه‌های آزاد تجاری و بنادر آزاد:

۱ ـ به منظور از بین‌بردن قاچاق موادمخدر، داروهای روانگردان و اقلام مذکور در جداول ۱ و ۲ اعضاء اقداماتی را که از تدابیر متخذه در سایر بنادر سرزمینی آنها خفیف‌تر نخواهد بود، در مناطق آزاد تجاری و بنادر آزاد اعمال خواهند نمود.

۲ ـ اعضاء تلاش خواهند نمود تا:

الف ـ حرکت کالاها و اشخاص را در منطقه‌های آزاد تجاری و بنادر آزاد کنترل و نظارت نموده و برای این منظور به مقامات صالحه اجازه خواهند داد تا محموله‌ها و کشتی‌های وارده و خارجه از جمله کشتی‌های تفریحی و ماهیگیری و نیز هواپیماها و وسایط نقلیه و در صورت اقتضاء خدمهٔ، مسافران و بار آنها را تفتیش نمایند.

ب ـ برای کشف محموله‌های مشکوک به داشتن موادمخدر داروهای روانگردان و اقلام مذکور در جداول ۱ و ۲ که در منطقه‌های آزاد تجاری و بنادر آزاد تردد می‌نمایند، سیستمی را ایجاد و تثبیت نمایند.

پ ـ سیستمهای مراقبتی را در مناطق بندری باراندازها، فرودگاهها و پاسگاههای مرزی منطقه‌های آزاد تجاری و بنادر آزاد برقرار و تثبیت کنند.

ماده ۱۹ ـ استفاده از پست:

۱ ـ اعضاء در چارچوب تعهدات خود تحت کنوانسیون اتحادیه پستی جهانی و طبق اصول اساسی نظامهای حقوقی داخلی خود تدابیری را برای جلوگیری از قاچاق موادمخدر از طریق پست اتخاذ و با یکدیگر برای نیل به این هدف همکاری خواهند نمود.

۲ ـ تدابیر مذکور در بند ۱ این ماده به ویژه مشتمل بر موارد زیر می‌باشند:

الف ـ اقدام هماهنگ برای جلوگیری و منع استفاده از پست برای قاچاق موادمخدر.

ب ـ برقراری و حفظ روش‌های کنترل و مراقبت توسط مأموران اجرای قانون به منظور کشف محموله‌های قاچاق موادمخدر، داروهای روانگردان و اقلام مذکور در جداول ۱ و ۲ جاسازی شده در مراسلات پستی.

پ ـ تدابیر قانونی برای امکان استفاده از وسایل مقتضی برای تأمین دلیل مورد نیاز برای اقدامات قضائی.

مادهٔ ۲۰ ـ ارائه اطلاعات از طرف اعضاء:

۱ ـ اعضاء از طریق دبیرکل اطلاعاتی را در مورد عملکرد این کنوانسیون در سرزمین‌های خود به خصوص نسبت به موارد زیر در اختیار کمیسیون قرار خواهند داد:

الف ـ متن قوانین و مقررات منتشره به منظور اجرای کنوانسیون حاضر.

ب ـ مشخصات موارد قاچاق موادمخدر واقعه در سرزمین آنها که به نظر ایشان برای افشای جریانات جدید، حجم و کمیت مواد، منابع تأمین کننده آنها و یا روش‌های مورد استفاده توسط دست‌اندرکاران واجد اهمیت می‌باشد.

۲ ـ اعضاء اطلاعات مزبور را به طریق و در تاریخی که کمیسیون تقاضا می‌نماید، ارائه خواهند نمود.

مادهٔ ۲۱ ـ وظایف کمیسیون:

کمیسیون مجاز می‌باشد که کلیه مسائل مربوط به اهداف این کنوانسیون و به خصوص موارد زیر را مورد توجه قرار دهد:

الف ـ بررسی عملکرد کنوانسیون بر مبنای اطلاعات ارائه شده توسط اعضاء طبق ماده ۲۰.

ب ـ عرضه پیشنهادات و توصیه‌های کلی بر مبنای اطلاعات واصله از اعضاء.

ت ـ اتخاذ اقدام مناسب برای نسبت به هرگونه مسئله ارجاع شده توسط هیأت به موجب بند «ب» مادهٔ ۲۲:

ث ـ اصلاح جداول ۱ و ۲ طبق آئین مذکور در ماده ۱۲.

ج ـ جلب توجه دولت‌های غیرعضو به تصمیمات و توصیه‌های خود تحت این کنوانسیون به منظور ترغیب ایشان به اتخاذ اقدام مشابه.

مادهٔ ۲۲ ـ وظایف هیأت:

۱ ـ بدون لطمه به وظایف کمیسیون تحت ماده ۲۱ وظایف مشترک هیأت و کمیسیون تحت کنوانسیون

۱۹۶۱، کنوانسیون اصلاحی ۱۹۶۱ و کنوانسیون ۱۹۷۱.

الف ـ چنانچه هیأت براساس بررسی اطلاعات واصله به خود به دبیرکل و یا به کمیسیون و یا اطلاعاتی که از طرف ارگانهای مختلف سازمان ملل متحد دریافت نموده است، مستدلا به این نتیجه نائل گردد که اهداف کنوانسیون حاضر در مسایل مربوط به صلاحیت آن تحقق نیافته‌اند، می‌تواند یک و یا چند عضو را برای ارائه اطلاعات ذیربط دعوت نماید.

ب ـ در رابطه با مواد ۱۲ و ۱۳ و ۱۶.

۱ ـ پس از اقدام به موجب بند فرعی «الف» این ماده هیأت می‌تواند در صورت تشخیص ضرورت از عضو ذیربط تقاضا نماید تا تدابیر جبران کننده‌ای را که تحت آن شرایط برای اجرای مواد ۱۲ و ۱۳ و ۱۶ لازم به نظر می‌رسد، اتخاذ کند.

۲ ـ هیأت قبل از اقدام به موجب بند ۳ ذیل مکاتبات خود با عضو ذیربط تحت بندهای فرعی قبلی را محرمانه تلقی خواهد نمود.

۳ ـ چنانچه هیأت احراز نماید عضو ذیربط تدابیر جبرانی مورد تقاضا به موجب این بند فرعی را اتخاذ ننموده است، می‌تواند نظر اعضاء شورا و کمیسیون را به موضوع جلب نماید.

هرگونه گزارش منتشره توسط هیأت تحت این بند فرعی همچنین مشتمل بر نظریات عضو ذیربط خواهد بود، مشروط بر اینکه عضو مزبور چنین تقاضا نموده باشد.

۲ ـ از هریک از اعضاء دعوت خواهد شد تا نماینده‌ای رابه جلسه هیأت که قرار است به منظور بررسی مسئله‌ای که برای آنها دارای اهمیت مستقیم می‌باشد تشکیل گردد، اعزام دارند.

۳ ـ چنانچه تصمیم هیأت تحت این ماده به اتفاق آراء اتخاذ نشده باشد نظرات اقلیت ذکر خواهد گردید.

۴ ـ تصمیمات هیأت تحت این ماده با اکثریت دو سوم کلیه اعضای هیأت اتخاذ خواهد گردید.

۵ ـ هیأت در مقام اجرای وظایف خود طبق بند فرعی ۱ «الف» این ماده جنبه محرمانه کلیه اطلاعاتی راکه در اختیار آن قرار خواهد گرفت، خفظ خواهد نمود.

۶ ـ وظیفه هیأت تحت این ماده، به اجرای معاهدات و یا قراردادهای منعقده فیمابین اعضاء طبق مقررات کنوانسیون حاضر، ناظر نخواهد بود.

۷ ـ مفاد این ماده به اختلافات فیمابین اعضاء در چارچوب ماده ۳۲ قابل اعمال نخواهد بود.

ماده ۲۳ ـ گزارش‌های هیأت

۱ ـ هیأت هرساله گزارشی را در مورد فعالیتهای خود مشتمل بر تجزیه و تحلیل اطلاعات ارائه شده و در موارد مقتضی توضیحات تسلیم شده توسط اعضاء همراه با نقطه نظرات و توصیه‌هائیکه خود مایل به اظهار آنها می‌باشد، تنظیم خواهد نمو.

هیأت می‌تواند عنداللزوم گزارشهای تکمیلی نیز صادر نماید. گزارش‌های مزبور از طریق کمیسیون و

همراه با نظریاتی که کمیسیون مناسب تشخیص می‌دهد، به شورا تسلیم خواهد گردید.

۲ ـ گزارش‌های هیأت به اطلاع اعضاء رسیده و سپس توسط دبیرکل انتشار خواهد یافت. اعضاء توزیع نامحدود گزارش‌های مزبور را اجازه خواهند داد.

ماده ۲۴ ـ اعمال تدابیر شدیدتر از آنچه در این کنوانسیون مقرر گردیده است.

هریک از اعضاء می‌تواند تدابیر شدیدتر و سنگین‌تری از آنچه که در کنوانسیون حاضر پیش‌بینی شده است را در صورت اعتقاد به اینکه اقدامات مزبور برای جلوگیری و ریشه‌کن کردن قاچاق مواد مخدر مطلوب و یا ضروری می‌باشند، به اجراء گذارد.

ماده ۲۵ ـ عدم خدشه به حقوق و تعهدات ناشی از عهدنامه‌های قبلی

مقررات این کنوانسیون به هیچوجه به حقوق و تعهدات اعضاء که از کنوانسیون ۱۹۶۱، کنوانسیون اصلاح شده ۱۹۶۱، و کنوانسیون ۱۹۷۱ ناشی گردیده است، خدشه‌ای وارد نخواهد نمود.

ماده ۲۶ ـ امضاء

کنوانسیون حاضر از تاریخ بیستم دسامبر ۱۹۸۸ لغایت بیست و هشتم فوریه ۱۹۸۹ در دفتر سازمان ملل متحد در وین و پس از آن تا تاریخ بیستم دسامبر در مقر اصلی سازمان ملل متحد در نیویورک جهت امضای:

الف ـ کلیه دولتها

ب ـ نامیبیا نمایندگی شده توسط شورای سازمان ملل متحد برای نامیبیا.

پ ـ سازمان‌های منطقه‌ای یک‌پارچه‌سازی اقتصادی که برای مذاکره انعقاد و اجرای قراردادهای بین‌المللی در موضوعات مشمول این کنوانسیون صلاحیت دارند، مفتوح خواهد بود.

اشارات کنوانسیون حاضر به اعضاء، دولت‌ها و یا خدمات ملی به سازمانهای اخیرالذکر در چارچوب صلاحیت‌هایشان ناظر خواهد بود.

ماده ۲۷ ـ تصویب، قبول، تأیید و یا عمل حاکی از پذیرش رسمی

۱ ـ کنوانسیون حاضر توسط دولتها و نامیبیا با نمایندگی از طرف شورای سازمان ملل متحد برای نامیبیا قابل تصویب، قبول، تأیید و توسط سازمان‌های منطقه‌ای یک‌پارچه‌سازی اقتصادی مذکور در بند فرعی «ب» ماده ۲۶ قابل پذیرش عملی و رسمی می‌باشد. اسناد تصویب، قبول و یا تأیید و اوراق مربوط به اقدامات حاکی از پذیرش رسمی نزد دبیرکل تودیع خواهد گردید.

۲ ـ سازمان‌های منطقه‌ای یک‌پارچه‌سازی اقتصادی در اسناد حاکی از پذیرش رسمی خود حدود اختیارات و صلاحیت خود در رابطه با موضوعات مشمول این کنوانسیون را اعلام خواهند نمود.

سازمان‌های مزبور همچنین دبیرکل را در جریان هرگونه تغییر در حدود اختیارات و صلاحیت خود در رابطه با مسایل مشمول کنوانسیون قرار خواهند داد.

ماده ۲۸ ـ الحاق

۱ ـ این کنوانسیون برای الحاق از جانب هر دولت، نامیبیا نمایندگی شده از طرف شورای سازمان ملل متحد برای نامیبیا و سازمان‌های منطقه‌ای یک‌پارچه‌سازی اقتصادی مندرج در بند فرعی «ب» ماده ۲۶ مفتوح خواهد بود.

الحاق با تودیع سند الحاق نزد دبیرکل عملی خواهد گردید.

۲ ـ سازمانهای منطقه‌ای یک‌پارچه سازی اقتصادی در اسناد الحاق خود حدود اختیارات و صلاحیت خود در رابطه با موضوعات مشمول این کنوانسیون را اعلام داشته و نیز دبیرکل را از هرگونه تغییر در حدود اختیارات مزبور در رابطه با مسایل یادشده، مطلع خواهند کرد.

ماده ۲۹ ـ لازم‌الاجراء گردیدن

۱ ـ کنوانسیون حاضر در نوزدهمین روز پس از تاریخ تودیع بیستمین سند تصویب قبول، تأیید و یا الحاق توسط دولتها و یا نامیبیا، نمایندگی شده توسط شورای سازمان ملل برای نامیبیا لازم‌الاجراء خواهد گردید.

۲ ـ کنوانسیون حاضر نسبت به هریک از دولتها، نامیبیا نمایندگی شده از طرف شورای سازمان ملل برای نامیبیا که پس از تودیع بیستمین سند تصویب، قبول، تأیید و یا الحاق کنوانسیون حاضر را تصویب، قبول، تأیید نموده و یا به آن ملحق گردیده‌اند، در نوزدهمین روز پس از تاریخ تودیع سند تصویب، قبول، تأیید و یا الحاق لازم‌الاجراء خواهد شد.

۳ ـ کنوانسیون حاضر نسبت به هریک از سازمانهای منطقه‌ای یکپارچه‌سازی اقتصادی مذکور در بند فرعی «ب» ماده ۲۶ که سند حاکی از اقدام به پذیرش رسمی و یا سند الحاق را تودیع نموده‌اند، در نوزدهمین روز پس از تاریخ تودیع مزبور و یا در تاریخ لازم‌الاجراء گردیدن کنوانسیون طبق بند ۱ این ماده هرکدام که دیرتر باشد لازم‌الاجراء خواهد شد.

ماده ۳۰ ـ کناره‌گیری

۱ ـ هریک از اعضاء می‌تواند در هر زمان با ارسال یک اعلامیه کتبی به عنوان دبیرکل از این کنوانسیون کناره‌گیری نماید.

۲ ـ کناره‌گیری مزبور یکسال پس از تاریخ وصول اعلامیه به دبیرکل، نسبت به عضو ذیربط مؤثر خواهد گردید.

ماده ۳۱ ـ اصلاحات

۱ ـ هریک از اعضاء می‌تواند اصلاحاتی را به این کنوانسیون پیشنهاد نماید.

متن کلیه اصلاحات مزبور و دلایل آنها توسط پیشنهاد دهنده دبیرکل و از طریق او جهت اعلام نظر نسبت به اصلاح پیشنهادی برای سایر اعضاء ارسال خواهد گردید.

چنانچه پیشنهاد مزبور ظرف ۲۴ ماه پس از انتشار آن توسط هیچیک از اعضاء مورد مخالفت قرار نگیرد، قبول شده تلقی خواهد گردید. در رابطه با عضوی که سند حاکی از موافقت خود را به التزام و

رعایت آن اصلاحیه نزد دبیرکل تودیع نموده است اصلاحیه پس از نود روز از آن تاریخ لازم‌الاجراء خواهد گردید.

۲ ـ چنانچه اصلاحیه مورد پیشنهاد توسط یکی از اعضاء رد شده باشد، دبیرکل در صورت تقاضای اکثریت با اعضاء مشورت و موضوع را همراه باکلیه نظرات مطروحه توسط طرفین در شورا مطرح می‌نماید و شورا می‌تواند طبق بند ۴ ماده ۶۲ منشور ملل متحد تقاضای تشکیل جلسه کند.

هرگونه اصلاحیه مصوبه در جلسه مزبور در یک پروتکل اصلاحی درج خواهد گردید. موافقت به التزام و رعایت پروتکل مزبور میبایستی صریحاًبه دبیرکل اعلام گردد.

ماده ۳۲:

۱ ـ درصورت بروز اختلاف بین دو یا چند عضو در رابطه با تفسیر و یا اجرای کنوانسیون حاضر اعضاء به منظور حل و فصل اختلاف از طریق مذاکره، تحقیق، میانجیگری، سازش، داوری، توسل به سازمانهای منطقه‌ای اقدام قضائی و یا سایر طرق دوستانه که مایل باشند، رایزنی خواهند نمود.

۲ ـ هر اختلافی که به طریقه مذکور در بند ۱ این ماده قابل حل و فصل نباشد، به تقاضای یکی از دولتهای طرف اختلاف برای اخذ تصمیم به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع خواهد شد.

۳ ـ چنانچه یکی از سازمان‌های منطقه‌ای یک‌پارچه سازی اقتصادی مذکور در بند فرعی «ب» ماده ۲۶ طرف اختلافی باشد که به طریقه مذکور در بند ۱ این ماده قابل رفع نباشد، سازمان مزبور می‌تواند از مجرای یکی از دولتهای عضو سازمان ملل متحد از شورا تقاضا کند که طبق ماده ۶۵ اساسنامه دیوان نظر مشورتی دیوان دادگستری بین‌المللی را نسبت به مورد استعلام نماید. نظریه مزبور قطعی تلقی خواهد شد.

۴ ـ هردولت در زمان امضاء،تصویب قبول، یا تأیید کنوانسیون حاضر و یا الحاق به آن و یا هر سازمان منطقه‌ای یک‌پارچه سازی اقتصادی در زمان امضاء و یا تودیع سند حاکی از پذیرش رسمی خود می‌تواند اعلام دارد که خود را به بندهای ۲ و ۳ این ماده ملتزم و متعهد نمی‌داند در چنین صورتی اعضای دیگر نیز در رابطه با عضو مزبور به مفاد بندهای ۲ و ۳ مکلف و مأخوذ نخواهد بود.

۵ ـ هریک از اعضاء که طبق بند ۴ این ماده اعلامی نموده باشد، می‌تواند با اعلام رسمی به دبیرکل از اعلام مزبور انصراف نماید.

ماده ۳۳ ـ متون معتبر

متون عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی، اسپانیائی این کنوانسیون از اعتبار واحدی برخوردارند.

ماده ۳۴ ـ مرجع امانت‌دار

مرجع امانتدار این کنوانسیون دبیرکل خواهد بود.

در تأیید و تسجیل مراتب، امضاء کنندگان زیر با داشتن اختیارات کامل و قانونی، کنوانسیون حاضر را امضاء نموده‌اند:

این کنوانسیون در شهر وین در یک نسخه اصل در تاریخ (بیستم دسامبر یکهزار و نهصد و هشتاد و

هشت) تنظیم شده است.

جدول (۱)

اندرین

ارگومترین

ارگوتامین

اسید لیزرژیک

۱ ـ فنیل

۲ ـ پروپان

بسود وافدرین

نمکهای مواد مذکور در این جدول هرگاه امکان وجود آنها باشد.

جدول (۲)

انیدریداستیک

استون

اسید آنترانیلیک

اسید فنیل استیک

پیپریدین

نمکهای مواد مذکور در این جدول هرگاه امکان وجود آنها باشد.

قطعنامه‌های مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد برای تصویب یک کنوانسیون علیه قاچاق موادمخدر و داروهای روانگردان.

۱ ـ مبادله اطلاعات

۲ ـ اجرای موقت کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاق موادمخدر و داروهای روانگردان.

۳ ـ تدارک منابع لازم برای «واحد موادمخدر و دبیرخانه هیأت بین‌المللی کنترل موادمخدر» به منظور قادر ساختن آنها به ایفای وظایف محوله تحت معاهدات بین‌المللی کنترل موادمخدر.

قطعنامه (۱)

مبادله اطلاعات کنفرانس سازمان ملل متحد برای تصویب یک کنوانسیون علیه قاچاق موادمخدر و داروهای روانگردان

باجلب توجه به به قطعنامه شماره ۳ مصوبه توسط کنفرانس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۱ برای تصویب کنوانسیون واحده مربوط به موادمخدر که طی آن مراتب اهمیت پیشینه‌های فنی ناظر به

قاچاقچیان بین‌المللی موادمخدر موجود در سازمان پلیس جنائی بین‌المللی و استفاده از آنها توسط آن سازمان برای انتشار مشخصات قاچاقچیان مزبور تأکید گردیده بود.

با عنایت به ابزار و طرق ارائه شده توسط سازمان پلیس جنائی بین‌المللی به منظور مبادله به هنگام و مؤثر اطلاعات مربوط به تحقیقات جنائی فیمابین مقامات پلیس در یک سطح جهانی توصیه می‌نماید:
که مقامات پلیسی می‌بایستی از پیشینه‌ها و سیستم ارتباطی سازمان پلیسی جنائی بین‌المللی برای نیل به اهداف کمیسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان نهایت استفاد ممکن را بعمل آورند.

قطعنامه (۲)

اجرای موقت کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاقچیان موادمخدر و داروهای روانگردان

کنفرانس سازمان ملل متحد برای تصویب یک کنوانسیون علیه قاچاق موادمخدر و داروهای روانگردان

۱ ـ به دولت‌ها تأکید می‌نماید تا در حدود امکانات خود اقدامات مربوط به تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاق موادمخدر و داروهای روانگردان را سرعت بخشیده بنحوی که این کنوانسیون در اسرع وقت به مورد اجرا گذارده شود.

۲ ـ از دولتها دعوت می‌نماید تا در حدود امکانات خود تدابیر پیش‌بینی شده در کنوانسیون را مادام که کنوانسیون نسبت به هرکدام از آنها لازم‌الاجراء نگردیده است، بطور موقت به اجراء گذارند.

۳ ـ از دبیرکل تقاضا می‌نماید تا قطعنامه حاضر را برای شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی ارسال دارد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن کنوانسیون شامل یک مقدمه و سی و چهار ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سوم آذرماه یکهزار و سیصد و هفتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۱۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

رئیس مجلس شورای اسلامی

۲۸:

مقررات مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد دربارهٔ حداقل رفتار با زندانیان به منظور مبارزه با جرم و چگونگی رفتار با زندانیان...

مقررات مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد (ژنو ـ سال ۱۹۵۵)
درباره حداقل رفتار با زندانیان به منظور مبارزه با جرم و چگونگی رفتار با زندانیان [1]

قاعده ۱ : هدف از این مقررات، نشان دادن چیزی است که به عنوان پایه و اسلوب عملی شایسته، درباره رفتار با زندانیان مورد قبول واقع شده است

قاعده ۲ : این مبادی و اصول تأکید می‌کنند که در جائی که به علت نبودن زمینه، تطبیق زندانها با این مقررات امکان پذیر نباشد، نباید دست از کار کشید، بلکه لازم است تلاش بیشتری به خرج داد تا موانع از میان برداشته شود.

قاعده ۳ : یادآوری شده است که میدان این قواعد، تطور پذیر و قابل تغییر و تبدیل است. چنانچه تجارب جدیدی به دست بیاید، به شرط این که با اهداف این قواعد مخالفتی نداشته باشد، می‌توان آن‌ها را براین قواعد اضافه کرد و یا با رعایت همان شرط چیزی را از آنها کم نمود.

قاعده ۴ : این قواعد به دو قسمت تقسیم شده است، قسمت اول در تمامی زندانها قابل تطبیق و اجرااست، درصورتی که قسمت دوم در مورد گروههای مخصوصی از زندانیان قابل تطبیق است، و قواعد قسمت دوم درصورتی که به صلاح گروه اول تشخیص داده شود و با مقررات ویژه خودشان تعارضی

---

۱ ـ نقل از کتاب: احکام زندان در اسلام . تألیف دکتر شیخ احمد الوائلی . ترجمه و تلخیص محمد حسن بکائی . صفحات ۳۷۷-۳۵۷

نداشته باشد، می‌تواند با قسمت اول انسجام پیدا کند.

قاعده ۵ : مؤسساتی که اجراء کننده احکامند و با افراد کم سن و سال سرو کار دارند، و همچنین زندانیان جنحه‌ای، قواعد قسمت اول را برگزیده و تأکید کرده‌اند که افراد کم سن و سال باید در دادگاههای اطفال محاکمه شوند.

قواعد قسمت اول به شرح زیر است:

قاعده ٦ : تصریح می‌کند که لازم است دفتر مخصوصی برای زندانیان ترتیب داده شود که در آن، هویت آنان و مدرک حبس و انگیزه آن، و تاریخی که به زندان وارد شده‌اند، و تاریخی که باید از زندان بیرون بروند، ثبت گردد، و نباید هیچ کس را بدون این مقدمات به زندان پذیرفت.

قاعده ۷ و ۸ : در این دوقاعده تصریح شده است که باید گروه زندانیان از نظر سن و جنسیت و سابقهٔ بزهکاری و علت حبس و کیفیت رفتار با آنها به دسته‌های مشخصی تقسیم شوند[۱].

قاعده ۹ : ضروری می‌داند که برای هر زندانی اتاقی مخصوص تعیین شود که در حالات استثنائی، زندانی تحت مراقبت مسئولان زندان، از آن استفاده نماید.

قاعده ۱۰ : مقرر می‌دارد که در زندان شرایط بهداشتی از نظر وسعت مکان و هوای سالم و نور کافی برای زندانی فراهم باشد.

قاعده ۱۱ : آنچه را که به طور مجمل در قاعده ۱۰ در مورد شرایط بهداشتی بیان شده تفصیل داده است.

قاعده ۱۲ : لازم می‌داند که وسائل بهداشتی به اندازه احتیاج در اختیار زندانی قرار بگیرد.

قاعده ۱۳ : تأکید می‌کند که حمامهائی برای زندانیان ترتیب داده شود که میزان گرما و سرمادر فصول چهارگانه سال در آنها رعایت شده باشد و حداقل هفته‌ای یکبار زندانی بتواند از آن استفاده کند.

قاعده ۱۴ : می‌گوید که باید مکانهایی که برای زندانیها لازم است، خوب نگهداری شوند و نظافت کاملاً در آنها مراعات گردد.

قاعده ۱۵ و ١٦ : توصیه می‌کند که لزوماً تمامی زندانیان نظافت را رعایت کنند و صورت خود را مرتباً اصلاح کنند، و باید هرگونه وسایل و آب کافی در دسترس آنها باشد.

قاعده ۱۷ و ۱۸ : گوید، باید زندانیها به اندازه کافی پوشاک داشته باشند و لباس آنها کاملاً نظیف و تمیز باشد، و اجازه داشته باشند به مناسبتهای گوناگون لباسهاس مختلف بپوشند.

قاعده ۱۹ : باید هر زندانی تختخواب و رختخواب مخصوصی داشته باشد و مطابق عرف محلی نظافت در مورد آن مراعات شود، و درصورتی که چرک و کثیف شده بلافاصله عوض شود.

قاعده ۲۰ : براداره زندانیها لازم است که غذای کافی و آب سالم دائماً در اختیار زندانی قرار دهد.

قاعده ۲۱ : برای زندانیانی که شغلی ندارند، ترتیب دادن برنامه‌های ورزشی را لازم می‌شمارد که ضمن

---

۱ ـ مواد ۸ و ۷ و پاره‌ای مواد دیگر به وسیله مترجم تلخیص شده‌اند.

هواخوری اجرا گردد، و همچنین برای زندانیان خردسال نمرینات ورزشی در ساعتهای مخصوص معمول گردد.

قاعده ۲۲ : وجود حداقل یک نفر پزشک را در هر سازمان کیفری، ضروری می‌داند که برای او برنامه‌های ویژه‌ای ترتیب داده شود و بیماران درصورت نیاز به واحدهای درمانی اعزام گردند. و درصورتی که درخود مؤسسه بیمارستانی وجود دارد، لازم است از لحاظ کارمند اداری و فنی و ادوات طبی کاملاً مجهز باشد و خدمات دندانپزشکی نیز به زندانیان عرضه گردد.

قاعده ۲۳ : در زندانهای زنان مکانهای مخصوصی برای دوران بارداری و زمان وضع حمل و دوران بعد از آن برای آنها در نظر گرفته شود، و لزوماً در شناسنامه نوزاد اشاره‌ای به اینکه او در زندان تولد یافته است نشود، و با بزرگواری مادران را با بچه‌هایشان مرتبط سازند و برای پرستاری از آنها مکانهای مخصوصی تهیه نمایند.

قاعده ۲۴ : ضرورت دارد که هر زندانی که به زندان پذیرفته شد، تحت مراقبت قرار بگیرد تا چنانچه از نظر جسم و عقل، بیماری یا نارسایی داشته باشد، معلوم شود و تدابیر عملی در مورد آن اندیشیده شود، و نیز میزان استعداد او برای کار و شغل تعیین گردد.

قاعده ۲۵ و ۲٦ : لازم است که هر روز طبیب تمام زندانیان و یا حداقل کسی که خود تقاضا می‌کند معاینه کند و گزارش آن را به مدیر زندان ارائه نماید، و اصولاً پزشک باید مدام از حالات زندانیها باخبر باشد و گزارش آن را به مدیر زندان تسلیم کند، و سفارشات لازم را در مورد مقدار غذا و نوع آن و امور بهداشتی و نظافت مؤسسه و سرویس‌های بهداشتی و تمیز بودن لباس و رختخواب و مقررات سالم نگه داشتن بدن، به مدیر زندان بنماید و بر مدیر زندان واجب است که به گزارشها و سفارشات توجه کند و به اندازه مقدورات خودش به انها عمل نماید، و در صورتی که از صلاحیت او خارج باشد باید به اطلاع مقامات بالاتر برساند.

قاعده ۲۷ : ضروری می‌شمارد که باید نظم و انضباط در زندان محفوظ باشد و کیفرها مرتب انجام گیرد، و اداره زندان وحفظ نظم آن حتی‌الامکان با تدابیر عقلی معمول گردد و قیودات و محدودیتها بیشتر لز حد ضروری نباشد.

قاعده ۲۸ : هرگونه سلطه‌جوئی و تأدیب زندانی را در مورد هم بند خودش ممنوع می داند البته چنانچه خود زندانیها به قصد اصلاح افراد متخلف، مقرراتی را با رعایت و نظارت اداره کنندگان وضع و اجراء نمایند، منافاتی با این قاعده نخواهد داشت.

قاعده ۲۹ : باید در وضع آن مقررات، این شرایط منظور گردد : با هدف تأدیب مخالفتی نداشته باشد. نوع و مدت کیفر تعیین شده باشد، و مسئولان اجرائی آن نیز مشخص گردد.

قاعده ۳۰ : هرگونه مجازات زندانیان به جز بر طبق آن مقررات که اشاره شد ممنوع است، و نیز نباید زندانی برای یکبار کاز خلاف دو بار مجازات گردد. و لازم است زندانی را به جرمی که به او نسبت داده شده

است، آگاه ساخت و به او فرصت داد تا بتواند از خود دفاع نماید و درصورت نیاز باید مترجم آورد و تمامی این مقررات باید با دقت عملی شود.

قاعده ۳۱ : هرگونه مجازات غیرانسانی و قساوت‌بار مانند قراردادن زندانی در سلول تاریک ولو به قصد تأدیب قدغن است.

قاعده ۳۲ : انداختن زندانی به سلول انفرادی ممنوع است، و همچنین نباید از مقدار غذای زندانی کم شود، مگر اینکه پزشک بعد از معاینه، این کار را تجویز کند و نیز هرگونه اقدام جزائی که به بدن و عقل زندانی آسیب برساند جایز نیست مگر در صورتی که طبیب تجویز کند و بعلاوه باید با مضمون قاعده ۳۱ منافاتی نداشته باشد، و لزوماً هر روز پزشک، محبوسی را که اینگونه کیفرها در مورد او اعمال می‌گردد معاینه می‌کند و گزارش حالات او رادر اختیار مدیر زندان قرار می‌گذارد.

قاعده ۳۳ : استعمال هرگونه وسائل شکنجه مانند به زنجیر کشیدن و غیره برای مجبور کردن زندانی به یک نوع عمل، ممنوع است، مگر انکه به قصد تأدیب باشد، البته علاوه بر آن، موارد دیگری نیز به شرح زیر استثناء شده که در آن موارد، استعمال آنها مجاز است: هنگامی که بیم فرار هست که در ان موقع می‌توان او را به زنجیر کشید، و اگر نیازی احساس نشود، باید بلافاصله زنجیر باز گردد. به قصد معالجات طبی با دستور طبیب، می‌شود وسایل مجبور کننده را در مورد زندانی به کار برد. در صورتی که احتمال می‌رود زندانی به خودش آسیب برساند، جایز است او را با زنجیر و یا دیگر وسایل محدود کرد، که در تمامی این موارد دستور مدیر زندان و مشورت طبیب کمال ضرورت را دارد و گزارش همه آنها باید به مقامات بالا داده شود.

قاعده ۳۴ : نمونه‌های وسایل مجبور کننده را مشخص می‌کند و چگونگی به کار بردن آنها را شرح می‌دهد، و تأکید می‌کند که استعمال آنها منحصراً در صورت ضرورت جایز است.

قاعده ۳۵ : واجب می‌شمارد که زندانی را باید به مقررات زندان به طور کتبی آگاه ساخت، و چنانچه بی‌سواد باشد باید بطور شفاهی به اطلاع او رساند.

قاعده ۳۶ : لازم می‌داند که باید برای زندانی امکاناتی را فراهم کرد که بتواند خواسته‌ها و شکایتهای خودش را به مدیر زندان و یا بازرس، هنگامی که بازرسی می‌کند برساند و باید فرصتی داشته باشد که با بازرس خصوصی گفتگو نماید و نباید هیچ یک از مأموران زندان مراقب شکایت کردن او باشند، و کسی که شکایت را دریافت می‌کند باید به سرعت رسیدگی کند و نتیجه را به اطلاع شاکی برساند.

قاعده ۳۷ : لازم است که زندانیان از حال خانواده خودشان، یا از طریق مکاتبه، و یا ملاقات حضوری، با مراقبت مأموران زندان با خبر بشوند.

قاعده ۳۸ : درصورتی که اتباع بیگانه به زندان بیفتند، باید امکان داشته باشد که با نماینده کشور خودشان و یا با نمایندهٔ کشوری که حافظ منافع آنها در آن مملکت است، ارتباط برقرار کنند.

قاعده ۳۹ : واجب است زندانیان از اخبار مهم کشورشان به وسیله روزنامه و مجلات خبری و رادیو

اطلاع پیدا کنند.

قاعده ۴۰ : واجب می داند که برای زندانیان در هر زندان کتابخانه‌ای تأسیس شود و کتابهای مورد نیاز آنان در آنجا جمع آوری گردد و زندانیان را به مطالعه تشویق کنند.

قاعده ۴۱ : لازم است در هر زندان ـ در صورتی که از پیروان یک مذهب به اندازه کافی وجود داشته باشد ـ یک نفر نماینده مذهبی برای عرضه خدمات دینی وجود داشته باشد ـ که در مواقع مناسب به انجام مراسم مذهبی قیام کند، و حق قانونی هر زندانی است که با نماینده هر مذهبی که بخواهد ارتباط برقرار کند، و هر نماینده‌ای را که نمی‌خواهد با او قطع رابطه کند.

قاعده ۴۲ : باید به زندانی فرصت و امکان داد تا مراسم مذهبی مخصوص خود را برگزار کند و کتابهای مذهبی را با خود همراه داشته باشد.

قاعده ۴۳ : باید اموال زندانی از پول نقد و لباس و اشیای قیمتی با کمال دقت نگهداری شود، و صورت ریز آنها در کاغذی نوشته و امضا شود، و هنگامی که زندانی مرخص می‌شود، باید در مقابل رسید کتبی به او تحویل داده شود، اما چیزهائی که از بیرون برای او فرستاده می‌شود، در تحویل آنها به زندانی باید مقررات زندان رعایت گردد، و چنانچه به همراه زندانی موادمخدر و یا دواهای مخصوصی باشد، در مورد آنها لازم است با صلاحدید پزشک تصمیم گرفته شود.

قاعده ۴۴ ـ اگر زندانی بیمار شود و یا بمیرد و یا به زندان دیگری منتقل گردد، باید مراتب را به اطلاع خانواده او برسد. و نیز هر گاه یکی از نزدیکان زندانی بیمار شود و یا بمیرد، باید خود زندانی را آگاه کرد. و در صورتی که از خویشاوندان نزدیک او کسی مریض باشد، باید اجازه داد که از او عیادت کند. همانطور که لازم است موضوع محکومیت او را به حبس، به اطلاع خانواده‌اش برسانند.

قاعده ۴۵ : هنگامی که زندانی از جایی به جای دیگر انتقال می‌یابد، باید وسیله نقلیه راحتی در اختیار او قرار داد، و او را از محلی که در آنجا در معرض اهانت مردم قرار می‌گیرد دور ساخت، و البته هزینه آن کار به عهده اداره زندان خواهد بود، و در این مورد تمامی زندانیان یکسان هستند.

قاعده ۴۶ : باید افراد زندانبان از کسانی انتخاب شوند که دارای شایستگی و عواطف انسانی هستند، و لازم است توجه آنان و توجه کلیه مردم به وضع زندانها جلب گردد و وسایل لازم در اختیار زندانبانان قرار گیرد، و نیز ضرورت دارد که کارمندان زندان فقط به این کار مشغول شوند، و حقوق کافی هم داشته باشند و در مقابل وظایف سختی که دارند از مزایای قانونی برخوردار گردند.

قاعده ۴۷ : لازم است که کارمندان زندان از لحاظ فرهنگی و فراست طبیعی در سطح بالایی باشند و قبلاً آموزشهای عمومی را در مورد کارشان فراگرفته و تخصص لازم را داشته باشند، و در اثنای خدمت نیز در بالابردن سطح اطلاعات خودشان کوشش کنند.

قاعده ۴۸ : باید کارمندان زندان به قدری عاقلانه رفتار کنند که کیفیت معاشرت آنان الگوی خوبی برای زندانیان باشد.

قاعده ۴۹ : سفارش شده است که کارشناسان متخصص در علوم روانپزشکی و اجتماعی و صنایع و بیماریهای عقلی، به همراه سایر کارمندان همیشه و تمام روز در زندان مشغول فعالیت باشند.

قاعده ۵۰ و ۵۱ : لازم است مدیر مؤسسه دارای شایستگی کافی از لحاظ اخلاق و رفتار و نیز از نظر مدیریت باشد و تمرینات لازم را قبلاً دیده و دائم در مؤسسه مشغول کار باشد، و خانه مسکونی‌اش در نزدیکی مؤسسه باشد، و چنانچه مسئولیت دو مؤسسه را به عهده بگیرد، باید در دفعات مکرر هر روز امور دو موسسه تحت سرپرستی خود را بررسی کند و در هر مؤسسه از جانب خود نماینده‌ای را تعیین کند که در آنجا حضور دائم داشته باشد، و نیز ضرورت دارد که با زبانی سخن بگوید که زبان اکثر زندانیان باشد.

قاعده ۵۲ : در زندانهائی که به بیشتر از یک طبیب نیاز هست باید دائم یک نفر در خود زندان و یا در نزدیکی آن حضور داشته باشد، اما در موسسات دیگری که نیازی این چنین احساس نمی‌شود، پزشک باید هر روز از زندان دیدار کند و در مواقع لزوم فوراً حاضر گردد.

قاعده ۵۳ : در زندانهائی که هم زن و هم مرد پذیرفته می‌شوند، باید ضمن تعیین محل مخصوص برای هرکدام از آنان، در مکان ورودی زندان زنان باید مسئولی از جنس خودشان گمارده شود که رفت و امد را کنترل کند و چنانچه کارمند مرد بخواهد برای انجام دادن کاری به انجا داخل شود باید به همراه یکی از کارمندان زن داخل گردد، البته پزشکان مرد و مدرسان که جهت انجام دادن وظیفه مشخصی به آنجا می‌روند، از این قاعده مستثنی هستند.

قاعده ۵۴ : کارمندان زندان از بکاربردن هرکونه نیرو و زور ممنوع هستند، مگر اینکه مورد هجوم یکی از زندانیان قرار بگیرند که به عنوان دفاع از خود، اعمال نیروی بدنی اشکالی نخواهد داشت. و نیز زمانی که زندانی اقدام به فرار می‌کند، و یا از خود مقاومت نشان می‌دهد، در هر دو مورد استفاده از زور بازو بلامانع است، و لازم به تذکر است که در صورتی که به طور اضطراری اعمال زور می‌کند، باید به قدر ضرورت باشد، و گزارش کار بلافاصله به اطلاع مدیر مؤسسه برسد. همان‌طور که لازم است کارکنان زندان قبلاً تمرینات و آموزشهای مربوط را در این مورد دیده باشند تا بتوانند در مقابل زندانیان تجاوزکار مقاومت کنند، و همچنین بردن سلاح به داخل زندان به وسیله کارکنان به جز در شرایط خاص جایز نیست، و باید افراد مسلح قبلاً طرز استفاده از سلاح را یادگرفته باشند.

قاعده ۵۵ : در مورد بازرسی مقرر شده است که باید مؤسسات کیفری دائم و مرتب به وسیله بازرسان متخصص بازرسی شود، و سعی شود که مؤسسات طبق قوانین تعیین شده اداره شوند و به هدفهائی که از تأسیس مؤسسات کیفری در نظرگرفته شده است، تحقق بخشند.

قواعد قسمت دوم که درباره افراد مخصوصی قابل اجراست:

مبادی توجیه شده

قاعده ۵۶ : منظور از مبادی توجیه شده که در آینده ذکر خواهد شد ـ واضح کردن روح هدفی است که لازم است موسسات کیفری بر پایه ان هدف اداره شوند، و غایت و مقصود، تحقق بخشیدن به آن باشد.

برابر توضیحاتی که در قاعده شماره یک داده شده است.

قاعده ۵۷ : معتبر است که کیفر زندان دردآور باشد، و سفارش شده است که در این مورد از حد رنج زندانی بودن تجاوز نشود، مگر اینکه عاملی وجود داشته باشد که آن زیادی را تجویز نماید.

قاعده ۵۸ : اکیداً توصیه می‌شود که باید برای برگشت مجدد زندانی به جامعه در او اهلیت ایجاد گردد. زیرا هدف از زندان حمایت از جامعه است.

قاعده ۵۹ : و نیز سفارش می‌شود که برای تحقق بخشیدن به هدف زندان، باید در مورد یک یک زندانیان از وسایل مختلف تربیتی و اخلاقی و به طور انفرادی استفاده شود.

قاعده ٦٠ : در نظام مؤسسه‌های کیفری حتی‌المقدور باید سعی شود که تفاوت بین وضع زندگی در زندان و خارج از آن کم گردد، و زندانی پیش ازبه پایان رسیدن مدت محکومیت کاملاً توجیه شود و برای زندگانی اجتماعی شایسته، اهلیت پیدا کند، و باید از راههای مناسب او را به مراقبت از افراد جامعه در مورد اعمال و رفتارش متوجه ساخت و به تدریج از تحت مراقبت پلیس بیرون آورد.

قاعده ٦١ : باید در نظر داشت که یک نفر زندانی یکی از افراد جامعه است و رانده شده از آن نیست و باید با این اعتبار با او رفتار کرد، و نیز جامعه را مجهز کرد که با این چشم به او نگاه کند و کارشناسات اجتماعی باید سعی کنند که رابطه زندانی بااقوام و عشیره‌اش و با گروهی که با آنها همکاری خواهد کرد بریده نشود و در حدود قانون برای حفظ حقوق مدنی و اجتماعی او تلاش گردد.

قاعده ٦٢ : باید در معالجه امراض جسمی و عقلی زندانی که او رااز اهلیت پیدا کردن برای بازگشت مجدد به اجتماع باز می‌دارد، سعی کافی به عمل آید، و هرگونه خدمات ضروری در این مورد انجام گیرد.

قاعده ٦٣ : باید زندانیان را با در نظر گرفتن حالات آنها به گروههای مشخصی تقسیم نمود، و در زندان‌های جداگانه‌ای نگهداری کرد، و برای حفاظت از آنها و جلوگیری از فرارشان تدابیر خاصی اتخاذ کرد. البته این، در غیر زندانهای باز است، جون در آنجا برای جلوگیری از فرار، اقدامی به جای آورده نمی‌شود، و لازم است تعداد زندانیان آنقدر زیاد نباشد که اقدامات جداگانه انفرادی درباره انها با مشکل مواجه گردد، به این معنی که از پانصد نفر تجاوز ننماید (نادیده نباید گرفت که در زندانهای باز تعداد زندانیان باید به حداقل ممکن برسد) و نیز محل زندان نباید از نظر مساحت به قدری کوچک باشد که اجرای نظام در آنها دچار دشواری گردد.

قاعده ٦۴ : مقرر شده است که تکلیف جامعه در مقابل افراد زندانی تنها با آزادساختن آنها از زندان به پایان نمی‌رسد، بلکه لازم است هیئتهائی از طرف حکومت تعیین شوند و او را در این مرحله تحت نظر گیرند، و او را به سوی زندگی سالم سوق دهند و از هرگونه تحمیل و زورگویی خودداری ورزند.

قاعده ٦۵ : لازم شمرده شده است که با زندانیان طوری رفتار شود که اعتماد به نفس در آنها به وجود آید و برای زندگی کردن در سایه قانون در نهاد آنها اهلیت ایجاد شود، و باید احساس مسئولیت دروجود آنها بیدار شود و مراعات احترام نفس انسانی به آنها تلقین گردد.

قاعده ٦٦ : برای تحقق بخشیدن به مفاد قاعده ۶۵، باید تمامی وسائل مربوط مانند تبلیغات دینی و تمرینات صنعتی و خدمات اجتماعی، مطابق احتیاجات هر فرد زندانی به کار گرفته شود، با در نظر گرفتن گذشته اجتماعی و سابقه بزهکاری و استعدادات جسمی و عقلی و مزاجی او و این که مدت محکومیتش چقدر است، و بعد از بیرون آمدن از زندان چه برنامه‌هائی داشته است، و گزارش همه این اقدامات، فوری به اطلاع مدیر زندان برسد و به همراه گزارش معاینات پزشکی در پرونده مخصوصی نگهداری گردد.

تقسیم زندانیان

قاعده ٦٧ : مقررداشته است که رده‌بندی زندان باید روی موازین آتی انجام گیرد:

زندانیانی که از نظر اخلاق و سهولت اصلاح حال آنها بر دیگران برتری دارند، باید از دیگران جداشوند و برای برگشت مجدد به جامعه اهلیت پیدا کنند.

قاعده ٦٨ : باید به قدر امکان قسمتهای مستقلی برای گروه زندانیان ترتیب داده شود.

قاعده ٦٩ : باید برای زندانیانی که به کیفر معتدلی محکوم شده‌اند، در پرتو یک برنامه اصلاحی، مطالعات و تحقیقات ماهرانه‌ای ترتیب داد.

قاعده ۷۰ : باید در میان گروه زندانیان به منظور ایجاد رقابت امتیازهایی قایل شد که از این راه به اتخاذ زندگی سالم و احساس مسئولیت و خودسازی تشویق شوند.

قاعده ۷۱ : لازم است که هر زندانی را مطابق استعداد جسمی و عقلی خودش برابر تشخیص طبیب به کاری واداشت، و نباید این برنامه جنبه عذاب و اذیت داشته باشد، و ضمناً باید کاریابی برای زندانیان به اندازه کافی باشد که خوشحالی و نشاط زندانیان را تأمین کند، و بعد از آزادشدن از زندان، برای کسب روزی از راههای مشروع و شرافت‌بار کمکی به آنها باشد. مخصوصاً در مورد زندانیان کم سن و سال باید تمرینات حرفه‌ای و صنعتی برقرار گردد تا آنان در محدوده قواعد مربوط، خود شغلی را انتخاب کنند.

قاعده ۷۲ : ضرورت دارد که نظام اشتغال به کار در زندانها مانند بیرون زندان به سرعت و با نظم کامل حاکم باشد تا زندانی خود را برای حیات طبیعی آماده کند و در این مورد مصلحت زندانی بر سود زندان مقدم داشته شود.

قاعده ۷۳ : ترجیح داده می‌شود که کارگاههای زندانیان را خود زندان اداره کند و در اختیار متصدیان خصوصی قرار نگیرد، و چنانچه زندانی برای غیر زندان کارکند، باید زندان در آن مورد اشراف و نظارت کامل داشته باشد، و در صورتی که برای موسسات دولتی کارنمی‌کند، باید کارفرمایان خصوصی دستمزد او را به طور کامل به حکومت بپردازند و در تعیین دستمزد باید بازده کار زندانیان در نظر گرفته شود.

قاعده ۷۴ : برای کارگر زندانی ضرورت دارد که تدابیر لازم برای حفظ سلامت و تندرستی او مانند سایر کارگران منظور گردد، و مطابق قانون کار در خارج زندان برای کارگری که در حین کار دچار حادثه می‌شود حق استفاده از مزایای قانونی در نظر گرفته شود.

قاعده ۷۵ : باید ساعات کار کارگران زندانی، روزانه و هفتگی مطابق قانون هر کشور تعیین گردد و در

هر هفته یک روز برای استراحت او اختصاص داده شود. و نیز وقت کافی برای فعالیتهای دیگر او که درخور شأن یک زندانی است در نظر گرفته شود.

قاعده ۷۶ : باید در مقابل تلاش کارگر زندانی ـ برابر قانون ـ دستمزد عادلانه‌ای پرداخت گردد، و لازم است که قسمتی از ان را در اختیار خودش قرار دهند که برای رفع نیازهای غیر ممنوع خود صرف کند، و مقداری از ان را نیز برای عائله‌اش بفرستد، و همچنین باید قسمت دیگری از درآمد او را اداره زندان برای او ذخیره کند که هنگام خروج از زندان به او تسلیم نماید.

امر تعلیم و ترویج

قاعده ۷۷ : باید وسایل آموزشی، مخصوصاً آموزشهای دینی برای زندانی فراهم شود، و برای بی‌سوادان و افراد کم سن و سال، امر سوادآموزی به طور اجباری عملی گردد، به شرط اینکه نظام آموزشی زندان با نظام آموزشی دولت متبوع زندانی و به طورکلی با نظام خارج از زندان تطبیق کند، تا بتواند بعد از بیرون آمدن از زندان تحصیلات خود را دنبال کند.

قاعده ۷۸ : لازم است بهترین فعالیتهای متداول و فرهنگی در مؤسسات کیفری دائر گردد تا از این طریق سلامت عقلی و بدنی زندانی تأمین شود.

ارتباطات اجتماعی و ملاحظاتی که باید انجام گیرد:

قاعده ۷۹ : ایجاب می‌کند که در مورد حفظ روابط زندانی با خانواده‌اش و بهتر کردن آن روابط تا آنجا که مصلحتشان اقتضاء می‌کند باید اهتمام ورزید.

قاعده ۸۰ : باید به وضعیت آینده زندانی از نخستین روزی که وارد زندان می‌شود توجه کرد و اندیشید،و او را با گروههایی که به حال او سودمند هستند، و همچنین با خانواده‌اش مربوط ساخت، و از این راه برای او آمادگی اجتماعی فراهم کرد.

قاعده ۸۱ : بر ادارات و هیئت‌های دولتی و کسانی که در حمایت از زندانیان فعالیت می‌کنند وظیفه است که به یاری زندانیان بشتابند و آنان را برای زندگی بعد از خلاصی از زندان مجهز کنند. کارتهای مخصوصی برای اثبات هویت شخصی آنها تنظیم کنند و لباس لایق در شأن آنها تهیه، و خلاصه تا مدتی بعد از آزادشدن از زندان،انها را یاری کنند، و برای رسیدن به آنچه اراده نموده‌اند دست آنان را بگیرند. برای اجرای این مهم باید به نمایندگان ادارات و جمعیتهای یادشده اجازه‌داده شود که با زندانیان در زندان ارتباط برقرار کنند و هرگونه تلاشهایی را که به منظور تأمین آینده زندانیان عملی می‌شود هماهنگ نمایند تا بهره‌برداری کافی به عمل آید.

زندانیانی که به جنون و یا حالت غیر طبیعی از نظر عقلی مبتلا می‌شوند.

قاعده ۸۲ : از زندانی کردن افراد مجنون شدیداً منع شده و سفارش شده است که آنان را بلافاصله به تیمارستانها منتقل کنند و تحت مراقبت طبیب قرار دهند و به اندازه احتیاج در معالجه روانی زندانیان سعی گردد.

قاعده ۸۳ : مقرر شده است که این معالجه به وسیله گروههای مخصوصی حتی بعد از آزادشدن از زندان نیز ادامه پیدا کند.

بازداشتیها:

قاعده ۸۴ : باید کسانی که به وسیله پلیس و یا سایر مأموران انتظامی بازداشت می‌شوند، تا وقتی که محاکمه نشده‌اند و حکم قطعی در مورد آنها صادر نشده است، به نام «متهم» نامیده شوند، و فرض بر این باشد که او در دادگاه تبرئه می‌شود و بر این اساس با او رفتار گردد، و او باید از حمایت فردی برخوردار باشد و به ترتیبی که ذیلاً بیان می‌گردد به طور استثنائی از نظام خاصی استفاده کند.

قاعده ۸۵ : باید زندانیان بازداشتی از زندانیان محکوم جدا نگه‌داری شوند، همان طور خردسالان با افراد بالغ نباید در یک جا باشند، بلکه باید هرکدام در جای مستقلی اسکان داده شوند:

قاعده ۸۶ : واجب است زندانی بازداشتی، با مراعات عرف محلی در مورد آب و هوا و مراسم دینی، در اتاق مستقلی استراحت کند.

قاعده ۸۷ : به زندانی بازداشتی باید اجازه داده شود که غذایش با هزینه خودش و یا خانواده‌اش در صورت تمایل از خارج تهیه گردد و در غیر اینصورت از غذای زندان برابر مقررات استفاده خواهد کرد.

قاعده ۸۸ : باید زندانی بازداشتی اجازه داشته باشد که، از لباسهای معمولی خودش به شرط تمیز بودن استفاده کند و اگر لباسهای خودش تمیز نباشد باید به او لباسی داده شود که با لباس زندانیان محکوم فرق داشته باشد.

قاعده ۸۹ : زندانی بازداشتی حق اشتغال به کار دارد و می‌تواند دستمزد کارش را خود دریافت کند و ضمناً نباید در این مورد اجباری وجود داشته باشد.

قاعده ۹۰ : کسی که به خاطر اتهامی به طور موقت بازداشت شده‌است، حق دارد از کتاب و جراید و وسایل تحریر که با هزینه خودش و یا یکی از کسانش تهیه می‌شود، با مراعات امنیت زندان و مقررات آن استفاده کند.

قاعده ۹۱ : زندانی بازداشتی موقع بیماری، در صورتی که بخواهد و هزینه‌اش را بپردازد می‌تواند از پزشک مخصوص خودش استفاده کند.

قاعده ۹۲ : اگر کسی بخاطر اتهامی توقیف شود، باید بلافاصله خبر بازداشت او را به اطلاع خانواده‌اش رساند و برای تماس گرفتن او با کسانش تسهیلات فراهم نمود، و در صورتی که از نظر امنیتی ایرادی نداشته باشد، و به نظام مؤسسه صدمه‌ای نزند، و در میان زندانیها یک نوع تبعیض تلقی نشود، باید اجازه داد تا با خانواده‌اش ملاقات کند.

قاعده ۹۳ : به متهم بازداشت شده امکان داده می‌شود که برابر قانون برای خود وکیل مدافع تعیین کند و وکیل مجاز است به منظور آگاهی پیدا کردن از دفاعیات متهم به تنهائی با او دیدار کند. البته باید این کار با مراقبت مأموران زندان انجام بگیرد و مأموران باید به قدری از آنها فاصله بگیرند که سخنان آنان را نشنوند.

کسانی که به خاطر بدهی به زندان محکوم می‌شوند:

قاعده ۹۴ : در کشورهائی که افراد را بخاطر بدهی و یا به جهت ادعائی غیر جنائی حبس می‌کنند، باید از سخت‌گیری و رفتار شدید در مورد آنها با توجه به حفظ امنیت و نظام زندان خودداری گردد، و لازم است رفتار با این گونه افراد مانند رفتار با بازداشتیها باشد.

لزوماً یادآوری می‌شود که مطالب یادشده از مجموعه قوانین مربوط به زندان که در سال ۱۹۶۵ در مصر به چاپ رسیده، نقل شده است.

۲۹:

اساس‌نامه جامعه ملل یا میثاق...

اساس‌نامه جامعهٔ ملل یا میثاق[۱]

نظر به آنکه برای بسط و ترقی همکاری بین‌المللی وبرای تضمین صلح وامنیت رعایت اصول ذیل لازم است:

قبول التزاماتی برای احتراز از توسل به جنگ.

علنی کردن روابط بین‌المللی ومتبنی ساختن آن بر عدالت وشرافت .

رعایت کامل حقوق بین الملل که از این به بعد مدار حقیقی عملیات دول شناخته خواهد شد.

حکمفرما ساختن عدالت و رعایت کامل وظایفی که به موجب معاهدات بر عهده گرفته شده در روابط بین اممی که دارای تشکیلات هستند.

علیهذا متعاهدین معظم میثاق نامهٔ حاضره راکه اساس تشکیل جامعهٔ ملل خواهد بود میپذیرند.

مادهٔ اول:

۱ - اعضاء اصلی جامعهٔ ملل عبارتند از:

اولا - امضاء کنندگانی که اسامی آنها در ضمیمهٔ این اساس‌نامه ثبت گردیده است .

ثانیاً - دولی که اسامی آنها نیز در ضمیمه ذکر شده و بدون هیچگونه قید این اساس‌نامه را به پذیرند ودر ظرف دو ماه از تاریخ اعتبار یافتن آن قبولی خود را به موجب اظهار نامه که به دارالانشاء تقدیم خواهند نمود اعلام نمایند این اظهار نامه توسط دارالانشاء به استحضار اعضاء جامعه خواهد رسید.

---

۱ نقل از صفحات ۱۱۰ - ۱۰۰ حقوق بین‌الملل عمومی . جلد اول - محمد مظاهر (صدیق حضرت)

۲ - هر دولتی ونیز هر مستعمره ویا مستملکه‌ای که خود را آزادانه اداره می‌نماید و در ضمیمه اسم آن ثبت نگردیده در صورتی می تواند عضو جامعه به‌شود که دو ثلث اعضاء مجمع عمومی در قبول عضویت وی رأی دهند به شرط آنکه تضمینات اطمینان بخشی به‌دهد که بانیت خالص تعهدات بین‌المللی خود و قواعدی راکه جامعه در مورد قوای بری وبحری و هوائی مقرر میدارد انجام و اجرا خواهد نمود.

۳ - هر عضوی می‌تواند از جامعه خارج شود به شرط آنکه دو سال قبل این ارادهٔ خود را به جـامعه اخطار کرده و تمام تعهدات بین‌المللی و وظایف ناشیه از این اساس‌نامه را تا موقع خروج خود ایفاء نموده باشد.

ماده دوم:

عملیات جامعه که در این اساس‌نامه تحدید شده به وسیلهٔ یک مجمع عمومی ویک شوری با معاونت یک دارالانشاء دائمی به موقع اجراگذاشته خواهد شد.

مادهٔ سوم:

۱ - مجمع عمومی مرکب از نمایندگان اعضاء جامعه است .

۲ - مجمع در مواقع معینه یا هر موقع دیگری که مقتضیات ایجاب می‌نماید در مقر جامعه یا هر نقطهٔ دیگری که تعیین شود انعقاد خواهد یافت.

۳ - صلاحیت مجمع عمومی شامل جمیع اموری است که داخل در دائرهٔ فعالیت جامعهٔ ملل می‌باشد یا به صلح عمومی خلل وارد می‌آورد.

۴ - هر عضو جامعه بیش از سه نفر نماینده در مجمع عمومی نمی‌تواند داشته باشد وفقط دارای یک رأی خواهد بود.

ماده چهارم:

۱ - شوری مرکب است از نمایندگان اعضاء مهمترین دول متفقهٔ مشترک المنافع (مـقصود اتـازونی، امریکا، فرانسه، انگلیس، ایطالیا، و ژاپن است) و نمایندگان چهار عضو دیگر جامعه و این چهار عـضو را مجمع عمومی آزادانه و هر زمانی که مقتضی بداند انتخاب خواهد کرد.

نمایندگان بلژیک و برزیل واسپانی ویونان تا زمانیکه مجمع عمومی برگزیدگان خود را تعیین ننموده عضو شوری خواهند بود.

۲ - علاوه بر دولی که در شوری بطور دائم نماینده دارند شوری می‌تواند با تصویب اکثریت مجمع عمومی دول دیگری را از اعضاء جامعه معین کند که نمایندگی آنها نیز در شـوری بـطور دائـمی بـاشد و همچنین می‌تواند با تصویب اکثریت مجمع عمومی عدهٔ اعضائی راکه به موجب انتخاب مجمع عمومی تعیین میشوند بیفزاید. (به موجب این فقره دولت آلمان عضو دائمی شوری شد وعدهٔ اعضاء انتخابی به نه رسید.)

۲ مکرر - قواعد راجعه به انتخاب اعضاء غیر دائم شوری وبالخصوص مدت عضویت و شرایط تجدید

انتخاب آنها را مجمع عمومی به اکثریت دو ثلث آراء مقرر خواهد نمود.

۳ - شوری در مواقعی که اوضاع اقتضا نماید ولااقل سالی یک‌بار در مقر جامعه یا در جای دیگری که تعیین شود منعقد خواهد شد.

۴ - شوری برای رسیدگی به کلیهٔ اموری که در حدود عملیات جامعه ویامربوط به صلح عمومی باشد دارای صلاحیت است.

۵ - هر عضو جامعه که در شوری نماینده ندارد در مواردی که مسائلی در شوری مطرح است که آن دولت در آن مخصوصاً ذی نفع میباشد باید دعوت شود که نماینده به آنجا به فرستد.

۶ - هر عضو جامعه که عضو شوری می‌باشد در آنجا فقط دارای یک نماینده ویک رأی است.

ماده پنجم:

۱ - برای تصمیمات مجمع عمومی یا شوری جز در مواردی‌که در این اساس‌نامه یا در مواد عهدنامهٔ حاضر (یعنی عهدنامهٔ ورسای) تصریح شده اتفاق آراء حاضر در جلسه لازم است.

۲ - هر مسئله که مربوط به ترتیب جریان امور در جلسات مجمع عمومی یا شوری باشد و هم‌چنین تعیین کمیسیون‌های تحقیق در قضایای مخصوصه در مجمع عمومی یا شوری تصفیه شده وبه‌اکثریت آراء اعضاء جامعه که در آنجا حاضرند قطع می‌شود.

۳ - نخسیتن جلسهٔ مجمع عمومی و اولین جلسهٔ شوری بر حسب دعوت رئیس جمهور دول متحدهٔ آمریکا انعقاد خواهد یافت.

مادهٔ ششم:

۱ - دارالانشاء دائمی در مقر جامعه تشکیل می‌گردد و مرکب از یک رئیس ویک عده منشی واجزاء لازم خواهد بود.

۲ - اولین رئیس دارالانشاء در ضمیمهٔ این اساس‌نامه تعیین شده و بعد از این انتخاب آن منوط به تعیین شوری و تصویب اکثریت مجمع عمومی است.

۳ - منشی‌ها وسایر اجزاء دارالانشاء را رئیس با تصویب شوری تعیین خواهد نمود.

۴ - رئیس دارالانشاء جامعه حقا همین سمت را در مجمع عمومی ودر شوری دارا می‌باشد.

۵ - مخارج جامعه به میزانی که مجمع تعیین نماید بر عهدهٔ اعضاء جامعه است.

ماده هفتم:

۱ - مقر جامعه شهر ژنو است.

۲ - شوری میتواند در هر موقع در تغییر مقر مزبور تصمیم بگیرد.

۳ - کلیهٔ مشاغل جامعه یا ادارات مربوطه به آن و هم‌چنین مشاغل دارالانشاء ممکن است بدون تفاوت به عهدهٔ مرد یا زن محول گردد.

۴ - نمایندگان اعضاء جامعه وعمال آن در موقعی که مشغول انجام وظایف رسمی خود هستند دارای

امتیازات و معافیت‌های سیاسی می‌باشند.

۵ - ابنیه و اراضی که در تصرف جامعه یا ادارات آن است و یا محل انعقاد جلسات می‌باشد حق مصونیت دارد.

ماده هشتم:

۱ - اعضاء جامعه تصدیق می‌کنند که حفظ صلح تقلیل تجهیزات نظامی ملی را ایجاب می‌کند.

این تقلیل باید به حدی باشد که با امنیت ملی و تعهدات بین‌المللی که اجراء آنها عملیات مشترکه را الزام می‌نماید موافقت داشته باشد.

۲ - شوری با رعایت کیفیت جغرافیائی و احوال خصوصی هر مملکت نقشهٔ این تقلیل را برای مداقه و تصمیم دولت‌های مختلفه تهیه خواهد نمود.

۳ - این نقشه‌ها باید لااقل در هر ده سال یکبار مورد مداقهٔ جدید و در صورت لزوم موضوع تجدید نظر قرارگیرند.

۴ - پس از آنکه دول مختلفه محدود بودن تجهیزات زا به این ترتیب پذیرفتند تجاوز از حدود معینه بدون موافقت شوری جائز نخواهد بود.

۵ - چون تهیهٔ ذاخائر و مهمات جنگی در کارخانجات خصوصی مفاسدی دارد اعضاء جامعه به شوری مأموریت می‌دهند که وسایل لازمه برای جلوگیری از آن تهیه به‌نماید - باید احتیاجات اعضاء جامعه که خود نمی‌توانند ذخائر ومهمات جنگی ضروری را برای تأمین مملکتشان به‌سازند رعایت شود.

۶ - اعضاء جامعه تعهد می‌نمایند که کلیهٔ اطلاعات راجعه به میزان تجهیزات و پرگرام نظامی بری وبحری خود و کیفیت آن قسمت از صنایعی را که ممکن است برای جنگ مورد استفاده واقع شود کاملا و صریحاً به استحضار یک‌دیگر برسانند.

مادهٔ نهم:

یک کمیسیون دائمی تشکیل خواهد شد برای این‌که نظر خود را در طرز اجرای مندرجات مادهٔ اول و مادهٔ هشتم و بطور کلی در مسائل مربوطه به قشون بری وبحری وهوائی به شوری تقدیم نماید.

مادهٔ دهم:

اعضاء جامعه تعهد می‌نماید که تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کنونی همهٔ اعضاء جامعه را محترم شمرده و از هر گونه تجاوز خارجی آنرا محفوظ بدارند. در موقع تجاوز یا تهدید یا خطر چنین تجاوزی شوری وسائلی را تهیه خواهد کرد که این تعهد را تأمین کند.

مادهٔ یازدهم:

۱ - صریحاً اعلام می‌شود که در هر جنگ یا تهدید جنگی خواه مستقیماً مربوط به یکی از اعضاء جامعه باشد و خواه نباشد جامعه به‌التمام ذی نفع و مکلف است برای صیانت حقیقی صلح ملل اقدامات لازمه به‌عمل بیاورد.

در چنین موردی نظر به تقاضای هر یک از اعضاء جامعه رئیس‌دارالانشاء به فوریت شوری را دعوت به اجلاس می‌نماید.

۲ - ونیز اعلام میشود که نسبت به هر قضیه که مخل روابط بین‌الملل بوده وصلح یا مناسبات حسنهٔ ملل راکه صلح متوقف بر آن است تهدید کند هر یک از اعضاء جامعه حق دارد جلب توجه مجمع عمومی یا شوری را به‌نماید.

مادهٔ دوازدهم:

۱ - تمام اعضاء جامعه موافقت دارند که هر گاه فیمابین آنها اختلافی روی دهد که قطع روابط بواسطهٔ آن محتمل باشد اختلاف مزبور را به حکمیت یا تسویهٔ قضائی محول یا رجوع به شوری خواهند نمود و نیز موافقت دارند که در هیچ موردی قبل از انقضاء سه ماه بعد از صدور حکم حکمیت یا تسویهٔ قضائی یا راپرت شوری متوسل به جنگ نشوند.

۲ - در تمام مواردی که در این ماده پیش‌بینی شده است حکم قضیه باید در مدت مناسبی صادر شود وشوری نیز مکلف است در ظرف شش ماه از تاریخ شروع به رسیدگی به دعوی راپرت خود را تهیه نماید.

مادهٔ سیزدهم:

۱ - اعضاء جامعه موافقت دارند که هر گاه بین آنها اختلافی رخ دهد که به عقیدهٔ ایشان بوسیلهٔ حکمیت یا تسویهٔ قضائی قابل حل بوده و تصفیهٔ آن به‌طور رضایت بخش از طرق سیاسی ممکن نشود آن اختلاف را به‌التمام به حکمیت یا تسویهٔ قضائی رجوع نمایند.

۲ - مسائل مذکوره در ذیل از مسائلی شناخته شده که به‌طور کلی به‌وسیلهٔ حکمیت یا تسویهٔ قضائی قابل حل است: اختلافات راجعه، به تفسیر عهدنامه، به کلیهٔ مسائل مربوطه به حقوق بین‌الملل، به امری که اگر واقعیت آن محقق شود موجب نقض یکی از تعهدات بین‌المللی است، به کمیت یا نوع جبران خساراتی که به‌چنین نقض عهد تعلق می‌گیرد.

۳ - مرجع دعوی دیوان داوری دائمی بین‌المللی است یا هر محکمه و دیوانی که اصحاب دعوی اختیار کنند یا در قراردادهای سابقه پیش‌بینی کرده باشند.

۴ - اعضاء جامعه متعهد می‌شوند از روی کمال صمیمیت احکام صادره را اجرا نمایند وهر عضو جامعه که به‌احکام مزبوره تمکین کند بر او قیام به جنگ ننمایند. چنانچه احکام مذکور به‌موقع اجرا گذاشته نشود شوری اقدامات لازمه که اجراء حکم را تأمین می‌نماید پیشنهاد خواهد نمود.

مادهٔ چهاردهم:

۱ - شوری مأمور است لایحهٔ تأسیس دیوان دائمی داوری بین‌المللی را تهیه نموده وبه اعضاء جامعه عرضه بدارد. دیوان مزبور برای کلیهٔ اختلافات بین المللی که اصحاب دعوی به او رجوع نمایند صالح است به‌علاوه در هر اختلاف یا هر مطلبی که شوری یا مجمع عمومی به او مراجعه نمایند اظهار عقیده خواهد کرد ولی عقیدهٔ او مشورتی بوده و الزامی نیست .

ماده پانزدهم:

۱ - هرگاه مابین اعضاء جامعه اختلافی روی دهد که محتمل قطع روابط باشد و بر طبق مادهٔ ۱۳ به حکمیت یا تسویهٔ قضائی رجوع نشده باشد اعضاء جامعه موافقت دارند که آن را به شوری رجوع کنند بنابراین به مجرد آنکه یکی از اصحاب دعوی رئیس دارالانشاء را از حدوث اختلاف مطلع نمود رئیس مزبور اقدامات لازمه را برای تحقیقات و مداقهٔ کامل به عمل خواهد آورد.

۲ - طرفین اختلاف باید هر چه زودتر شرح دعوی خود را با دلایل و اسناد مثبته به شوری به فرستند و شوری می‌تواند حکم به انتشار فوری آن بدهد.

۳ - شوری ساعی خواهد بود که رفع اختلاف را بنماید.

اگر موفق شد احوال و توضیحات و مواد تصفیهٔ آن اختلاف را به اندازه‌ای که مفید می‌داند انتشار میدهد.

۴ - در صورت عدم موفقیت شوری به‌اتفاق یا به‌اکثریت آراء برای اعلام کیفیت اختلاف و راپرتی انتشار داده عادلانه‌ترین و مناسبترین راه حلی که به نظرش می‌رسد در آن راپرت توصیه می‌کند.

۵ - هر یک از اعضاء جامعه که نماینده در شوری دارد نیز می‌تواند شرح اختلاف و عقاید خود را در آن باب انتشار بدهد.

۶ - هرگاه راپرت شوری به‌اتفاق آراء صادر شود (صرف نظر از رأی نمایندگان اصحاب دعوی) اعضاء جامعه متعهدند که به هر کدام از طرفین دعوی که عقیدهٔ شوری را قبول نموده باشد اعلان جنگ ننماید.

۷ - در صورتیکه با صرف‌نظر از رأی نمایندگان متداعیین راپرت شوری به‌اتفاق آراء صادر نشود اعضاء جامعه حق خواهند داشت هر قسم که برای حفظ حق و عدالت لازم میدانند اقدام نمایند.

۸ - هرگاه یکی از طرفین مدعی باشد که موافق حقوق بین‌الملل قطع دعوی منحصراً مربوط به خود او است و شوری نیز این نظر را تصدیق نماید این فقره را در راپرت خود اظهار و از ارائه راه حل احتراز خواهد نمود.

۹ - شوری می‌تواند در تمام مواردی‌که در این ماده پیش‌بینی شده اختلاف را به مجمع عمومی عرضه دارد - تقاضای یکی از متداعیین نیز موجب احالهٔ آن اختلاف به مجمع عمومی می‌شود ولی تقاضای مزبور باید در ظرف چهارده روز بعد از طرح اختلاف در شوری به عمل آید.

۱۰ - در تمام مسائلی که در مجمع عمومی طرح می‌شود مقررات این ماده ومادهٔ ۱۲ که مربوط به عملیات و اختیارات شوری می‌باشد در مورد عملیات و اختیارات مجمع عمومی نیز مرعی است. هر راپرتی از مجمع عمومی که با تصدیق نمایندگان اعضاء جامعه که عضو شوری نیز هستند صادر شود و اکثریت نمایندگان اعضاء دیگر جامعه هم (صرف نظر از نمایندگان طرفین) تصدیق داشته باشند دارای همان اثر راپرت شوری است که به‌اتفاق آراء اعضاء آن (صرف نظر از نمایندگان طرفین) صادر شده باشد.

مادهٔ شانزدهم:

۱ - هرگاه یکی از اعضاء جامعه بر خلاف التزاماتی که مطابق مواد دوازده، سیزده وپانزده بر عهده گرفته است متوسل به جنگ شود مثل این است که نسبت به تمام اعضاء دیگر جامعه باب مخاصمه را باز کرده است و اعضاء جامعه ملزمند: اولا روابط تجاری واقتصادی را با وی به فوریت قطع نمایند، ثانیاً هر گونه رابطه را فیمابین اتباع خود و اتباع دولتی که نقض عهد نموده است منع کنند، ثالثاً تمام مراودات مالی یا تجاری یا شخصی بین اتباع این دولت و اتباع دول دیگر را خواه عضو جامعه باشند و خواه نباشند مقطوع نمایند.

۲ - دراین مورد شوری مکلف است که به‌دول مختلفهٔ ذی نفع تهیهٔ مقدار قوای نظامی بری وبحری را توصیه نماید تا بوسیلهٔ آن قوا اعضاء جامعه در قوای مسلحه‌ای که باید دولت متخلف را به رعایت تعهدات جامعه الزام کند شرکت نمایند.

۳ - بعلاوه اعضاء جامعه توافق می‌کند که در اجراء مقررات اقتصادی و مالی مقرره در این ماده به یکدیگر مساعدت بنمایند تا آنکه خسارات و زحمات حاصله از اقدامات مذکوره حتی‌الامکان قلیل باشد و هم چنین برای جلوگیری از هر اقدامی که دولت ناقض عهد برعلیه یکی از آنها به عمل آورد به‌یکدیگر معاضدت خواهند نمود - و نیز عبور قشون هر عضو جامعه راکه داخل در عملیات مشترکه برای محترم داشتن تعهدات جامعه است از خاک خود تسهیل خواهند کرد.

۴ - هر عضوی راکه بواسطهٔ نقض یکی از التزامات اساس‌نامه مقصر شده باشد میتوان از جامعه خارج نمود این اخراج به اتفاق آراء تمام اعضاء جامعه که در شوری نماینده دارند عملی خواهد گردید.

مادهٔ هفدم:

۱ - در مورد اختلاف بین دو مملکت که فقط یکی از آنها عضو جامعه است ویا در موردی‌که طرفین اختلاف هیچ کدام عضو جامعه نیستند آن مملکت یا ممالک خارج از جامعه را باید دعوت کرد که به‌همان تعهدات اعضاء جامعه راجع به تصفیهٔ اختلافات باشرایطی که شوری عادلانه بداند عمل کنند. هر گاه دعوت مزبور پذیرفته شود مدلول مادهٔ دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم با جرح و تعدیلاتی که شوری لازم بداند در مورد آنها اعمال خواهد گردید.

۲ - شوری به مجرد ارسال دعوت‌نامه مشغول تحقیق در اوضاع واحوال مربوطه به اختلاف می‌شود و اقداماتی راکه برای آن مورد مخصوص بهتر و مؤثرتر بداند پیشنهاد می‌کند.

۳ - چنانچه -مملکتی که برای رفع دعوی به‌قبول تعهدات جامعه دعوت شده است استنکاف نموده و نسبت به یک عضو جامعه متوسل به جنگ شود مدلول مادهٔ شانزدهم در مورد وی مجرا خواهد گشت.

۴ - درصورتیکه طرفین دعوی از قبول تعهدات جامعه برای تصفیهٔ اختلاف استنکاف نمایند شوری می‌تواند اقدامات لازمه و پیشنهادهای مقتضیه را به عمل آورد تا از مخاصمه جلوگیری شده و برای دعوی راه حلی یافت شود.

مادهٔ هجدهم:

از این به بعد هر عهدنامه و یا تعهد بین‌المللی که یکی از اعضاء جامعه منعقد نماید باید به فوریت به ثبت دارالانشاء رسیده وبه وسیلهٔ همان اداره به اسرع وسایل طبع و انتشار یابد. هیچ‌یک از این عهد نامه‌ها ویا تعهدات بین‌المللی قبل از ثبت گردیدن لازم‌الاجرا نخواهد شد.

مادهٔ نوزدهم:

مجمع عمومی می‌تواند گاهی اعضاء جامعه را دعوت کند که در عهدنامه‌هائی که غیر قابل اجرا شده وهم‌چنین در اوضاع بین‌المللی که ادامهٔ آن برای صلح عمومی دنیا موجب خطر شده است تجدید نظر نماید.

مادهٔ بیستم:

۱ - اعضاء جامعهٔ ملل این مقررات را ناسخ کلیهٔ تعهدات یا مقاولات ذات‌البینی خود که با مدلول این مقررات مخالفت دارد دانسته و تعهد رسمی می‌نمایند که از این به بعد هیچ‌گونه تعهدی را که با مفاد مقررات حاضره مخالف باشد تقبل ننمایند.

۲ - هریک از اعضاء که قبل از ورود در جامعه تعهداتی مخالف با مقررات این اساس‌نامه نموده باشد مکلف است اقدامات فوری برای آزاد شدن از آن تعهدات به عمل آورد.

ماده بیست ویکم:

از تعهدات بین‌المللی آنچه موجب استقرار صلح است از قبیل معاهدات راجع به حکمیت و قراردادهای اختصاصی محلی مانند اصل «مونروئهٔ» مخالف با هیچ‌کدام از مقررات این تعهدنامه شمرده نمی‌شود.

مادهٔ بیست ودوم:

۱ - در مورد اراضی یا مستعمراتی که در نتیجهٔ جنگ اخیر از تحت سلطنت ممالکی که قبلا بر آنها حکمروائی داشته‌اند خارج گردیده وسکنهٔ آن نقاط مردمانی میباشند که با اوضاع مشکلهٔ عصر حاضر هنوز توانائی اداره کردن خود را ندارند اصول ذیل مجری خواهد گشت. سعادت و ترقی این اقوام وظیفهٔ مقدس مد نیت است وشایسته است که در اساس‌نامه حاضر تضمیناتی برای اجراء این وظیفه پیش بینی شود.

۲ - بهترین طریقهٔ عملی اجرای اصل فوق آن است که قیمومت چنین اقوام به عهدهٔ ملل متمدنه‌ای واگذار شود که در پرتو قدرت و تجربه یا موقعیت جغرافیائی خود بهتر از سایر ملل به‌تواند عهده‌دار این مسئولیت شده و هم‌چنین قبول این وظیفه را به‌نمایند - این قیمومت را به سمت دولت قیم (مانداتر) و به نام جامعهٔ ملل اجراء خواهند نمود.

۳ - کیفیت قیمومت بر حسب میزان ترقی و موقع جغرافیائی و اوضاع اقتصادی و سایر خصائص قومیکه تحت قیمومت واقع می‌گردد متفاوت باید باشد.

۴ - پاره‌ای اقوام که سابقاً جزء سلطنت عثمانی بوده‌اند به درجه‌ای از ترقی نائل شده‌اند که می‌توان آنها

را موقتاً به سمت ملت مستقل شناخت به شرط آنکه نصایح و کمک یک دولت قیم راهنمای ادارهٔ آن‌ها گردد تا زمانی که خودشان لایق شوند که به تنهائی خود را اداره کنند - برای انتخاب دولت قیم تمایلات خود آن اقوام بدواً باید در نظر گرفته شود.

۵ - درجهٔ ترقی و ارتقاء اقوام دیگر خاصه اقوام افریقای مرکزی ایجاب می‌کند که دولت قیم تعهد ادارهٔ آن حدود را به‌نماید به شرط اینکه جلوگیری از عادات ردیه از قبیل برده فروشی و معاملهٔ اسلحه و الکل به عمل آمده آزادی وجدان و ادیان تضمین گردیده و هیچ‌گونه محدودیتی برای آنها نباشد به غیر از قیودیکه حفظ نظم وحسن اخلاق آن را الزام می‌نماید - و هم‌چنین بنای قلاع و مراکز نظامی بحری در آنجا ممنوع شده و باهل محل تعلیمات نظامی به غیر از آنچه لازمهٔ خدمت پلیس و دفاع حدود است داده نشود و موجبات شرایط تساوی معاملات و تجارت برای اعضاء دیگر جامعه تأمین شود.

۶ - بالاخره در قسمت های دیگر از قبیل افریقای جنوب غربی و پاره‌ای جزایر واقعه در جنوب اقیانوس کبیر به واسطهٔ قلت جمعیت یا محدود بودن مساحت یادوری از مراکز مد نیت یا همجوار بودن با حدود خود دولت قیم بهترین وسائل اداره شدن این است که جزء لایتجزای خاک دولت قیم محسوب شده و قوانین آن دولت در مورد آنها معمول و مجری گردد لیکن به شرط آنکه تأميناتيكه برای رعایت اهالی بومی فوقاً ذکر شده محرزباشد.

۷ - دولت قیم باید هر سال راپرتی راجع به مملکتی که در تحت قیمومت اوست به شوری تقدیم دارد.

۸ - هر گاه میزان تسلط یا نظارت یا کیفیت ادارهٔ دولت قیم نسبت به مملکتی که تحت قیمومت واقع می‌شود قبلا موضوع قراردادی بین اعضاء جامعه نشده باشد این مسائل بالخصوص باید به توسط شورای جامعه تشخیص شود.

۹ - یک کمیسیون دائمی تشکیل و مأمور خواهد شد راپرتهای سالیانهٔ دول قیم را دریافت و ملاحظه کرده نظر خود را در قضایای مربوطه به قیومت به شوری اشعار دارد.

ماده بیست وسوم:

با رعایت مقررات قراردادهای بین‌المللی موجودهٔ امروزه ویا قراردادهائیکه در آتیه منعقد به‌شوند و با موافقت آنها اعضاء جامعه تعهد می‌نمایند که:

اولا - سعی نمایند برای کار مردان و زنان و اطفال در حدود مملکت خودشان و ممالکی که روابط تجاری و صنعتی ایشان بر آنها بسط دارد شرایط منصفانه و نوع پروانه بر قرار ونگاهداری کنند و برای نیل باین مقصد مؤسسات بین‌المللی لازمه را تأسیس و حفظ نمایند.

ثانیاً - ملتزم می‌شوند سلوک منصفانه را نسبت به اهالی بومی اراضی که در تحت ادارهٔ آنها هستند تأمین نمایند.

ثالثاً - جامعه را مأموریت می‌دهند که در قراردادهای راجع به اغفال نسوان و اطفال و تجارت تریاک و سایر ادویهٔ مضره تفتیش عمومی برقرار دارد.

رابعاً - جامعه را مأموریت می‌دهند که در تجارت اسلحه و مهمات با ممالکی که نظارت این امور در آنجا مستلزم حفظ منافع عمومی است نظارت نماید.

خامساً - وسایل لازمه‌ای برای تأمین و حفظ آزادی خطوط ارتباط و ترانزیت و هم‌چنین معاملهٔ منصفانه نسبت به تجارت تمام اعضاء جامعه اتخاذ خواهند کرد و لیکن مسلم است که احتیاجات خاصهٔ نواحی ویران شدهٔ در جنگ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ رعایت خواهد شد.

سادساً - ساعی خواهند بود که برای جلوگیری و مدافعه از امراض اقدامات بین‌المللی را به‌عمل آورند.

ماده بیست وچهارم:

۱ - تمام دوایر بین‌المللی که قبلا به موجب عهد نامه‌های جمعی تأسیس شده‌اند در صورت قبول متعاهدین در تحت حکم جامعه قرار خواهند گرفت.

همین ترتیب برای تمام دوایر و کمیسون‌هائی که برای ترتیب امور بین‌المللی در آتیه تأسیس خواهد شد مجریست.

۲ - در مورد کلیهٔ مسائل بین‌المللی که بوسیلهٔ قراردادهای عمومی مقرر شده ولی در تحت نظارت کمیسیون‌ها یا دوایر بین‌المللی واقع نیستند دراالانشاء در صورت تقاضای طرفین و رضای شورای جامعه هر گونه اطلاعات مفیده باید جمع آوری نموده و بدول ابلاغ نماید و بعلاوه هر نوع مساعدتیکه لازم و مقتضی باشد به عمل آورد.

شوری می‌تواند تصمیم اتخاذ نماید که مصارف هر دایره یا کمیسیونی را که تحت اقتدار جامعه است جزء مخارج دارالانشاء قرار دهد.

ماده بیست و پنجم:

اعضاء جامعه ملتزم می‌شوند که تأسیس و همکاری تشکیلات داوطلبانهٔ صلیب احمر ملل را که به موجب قوانین مملکتی مجاز هستند و مقصودشان بهبودی حفظ صحت و جلوگیری امراض و تخفیف آلام مردم باشد تشویق و ترغیب نمایند.

مادهٔ بیست و ششم:

۱ - اصلاحاتیکه در این اساس‌نامه بشود باید به تصویب اعضاء جامعه که جزء شوری هستند و هم‌چنین به‌تصویب اکثریت دولی که در مجمع عضویت دارند برسد و پس از این تصویب معتبر خواهد بود وبه موقع اجراگذاشته خواهد شد.

۲ - هر یک از اعضاء جامعه حق دارد از قبول اصلاحاتی که دراین اساس‌نامه بعمل بیاید خودداری کند و دراین صورت از عضویت جامعه خارج می شود.

۳۰:

منشور سازمان ملل متحد...

منشور سازمان ملل متحد[۱] مصوب ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵

ما مردم ملل متحد با تصمیم به محفوظ داشتن نسلهای آینده از بلای جنگ که دو بار در مدت یک عمر انسانی افراد بشر را دچار مصائب غیر قابل بیان نموده و به اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق بین مرد و زن و هم‌چنین بین ملتها اعم از کوچک و بزرگ و به ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام الزامات ناشی از عهدنامه‌ها و سایر منابع حقوق بین‌المللی و کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر و برای نیل به این هدفها:

به رفق و مدارا کردن و زیستن در حال صلح با یکدیگر با یک روحیه حسن همجواری و به متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی و به قبول اصول و ایجاد روشهائی که عدم استعمال نیروی سلاحها را جز در راه منافع مشترک تضمین نماید و به توسل به وسایل و مجاری بین‌المللی برای پیشبرد ترقی اقتصادی و اجتماعی تمام ملل، مصمم شده‌ایم که برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی نماییم. و بالنتیجه دولتهای متبوع ما توسط نمایندگان خود که در شهر سانفرانسیسکو گرد آمده‌اند و اختیارات تامهٔ آنان ابراز شده و صحت و اعتبار آن محرز شده است نسبت به این منشور ملل متحد موافقت حاصل نموده‌اند و بدین وسیله یک سازمان بین‌المللی که موسوم به ملل متحد خواهد بود تأسیس می نمایند.

---

۱ - نقل از کتاب: سازمان ملل متحد - مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی. اثر ناصر ثقفی عامری. صفحات ۱۷۰ - ۱۳۵.

فصل اول
مقاصد و اصول
مادهٔ ۱

مقاصد ملل متحد به قرار زیر است:

۱ - حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور به‌عمل آوردن اقدامات دسته جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و تصفیهٔ اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با وسایل مسالمت آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل.

۲ - توسعهٔ روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی.

۳ - حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشر دوستی است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و یا مذهب و ...

۴ - بودن مرکزی برای همآهنگ کردن اقداماتی که ملل جهت حصول این هدفهای مشترک معمول می‌دارند.

مادهٔ ۲

سازمان و اعضای آن در تعقیب مقاصد مذکور در مادهٔ اول بر طبق اصول زیر عمل خواهند کرد:

۱ - سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیهٔ اعضای آن قرار دارد.

۲ - کلیهٔ اعضاء به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشیه از عضویت، تعهداتی راکه به موجب این منشور بر عهده گرفته‌اند با حسن نیت انجام خواهند داد.

۳ - کلیهٔ اعضاء اختلاف بین‌المللی خود را به وسایل مسالمت آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، تصفیه خواهند کرد.

۴ - کلیهٔ اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری، و یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مباینت داشته باشد، خودداری خواهند نمود.

۵ - کلیهٔ اعضاء در هر اقدامی که سازمان بر طبق این منشور به عمل آورد به سازمان همه گونه مساعدت خواهند کرد و از کمک به هر کشوری که سازمان ملل متحد علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به‌عمل می‌آورد، خودداری خواهندنمود.

۶ - سازمان مراقبت خواهد کرد کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند تا آنجا که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است بر طبق این اصول عمل نمایند.

۷ - هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور ملل متحد را مجاز نمی‌دارند در اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضاء را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قراردهند لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد.

فصل دوم
عضویت
مادهٔ ۳

اعضای اصلی ملل متحد کشورهایی هستند که در کنفرانس ملل متحد راجع به سازمان بین‌المللی در سانفرانسیسکو شرکت نموده و یا قبلا اعلامیهٔ ملل متحد مورخ اول ژانویهٔ ۱۹۴۲ را امضاء کرده و این منشور را امضاء و بر طبق مادهٔ ۱۱۰ تصویب نمایند.

مادهٔ ۴

۱ - سایر کشورهای شیفتهٔ صلح که تعهدات مندرج در این منشور را بپذیرند و به نظر و تشخیص سازمان قادر و مایل به اجرای آن باشند، می‌توانند به عضویت ملل متحد درآیند.
۲ - قبول هر کشوری که واجد شرایط مذکور باشد، به عضویت ملل متحد منوط به تصمیمی است که مجمع عمومی بنابر توصیهٔ شورای امنیت اتخاذ می‌نماید.

ماده ۵

هر عضو ملل متحد که از طرف شورای امنیت بر علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به عمل آمده است ممکن است به وسیلهٔ مجمع عمومی و بنابر توصیهٔ شورای امنیت از اعمال حقوق و مزایای عضویت معلق گردد. اعمال حقوق و مزایای مزبور ممکن است به وسیلهٔ شورای امنیت مجدداً برقرار شود.

ماده ٦

هرعضو ملل متحد که در تخطی از اصول مندرج دراین منشور اصرار ورزد ممکن است به وسیله مجمع عمومی بنابر توصیهٔ شورای امنیت از سازمان اخراج گردد.

فصل سوم:
ارکان
مادهٔ ۷

۱ - ارکان اصلی ملل متحد عبارت است از: یک مجمع عمومی، یک شورای امنیت، یک شورای اقتصادی و اجتماعی، یک شورای قیمومت، یک دیوان بین‌المللی دادگستری، و یک دبیرخانه.
۲ - ارکان فرعی که ضروری تشخیص داده شود ممکن است بر طبق این منشور تأسیس گردد.

ماده ۸

سازمان ملل متحد برای تصدی هر شغلی به هر عنوان تحت شرایط مساوی در ارکان اصلی و فرعی خود هیچ‌گونه محدودیتی در استخدام مردان و زنان برقرار نخواهد کرد.

فصل چهارم

مجمع عمومی

ترکیب

مادهٔ ۹

۱ - مجمع عمومی مرکب از کلیهٔ اعضای ملل متحد خواهد بود.

۲ - هر عضو بیش از پنج نماینده در مجمع عمومی نخواهد داشت.

وظایف و اختیارات

مادهٔ ۱۰

مجمع عمومی می‌تواند هر مسئله یا امری راکه در حدود این منشور و یا مربوط به اختیارات و وظایف هر یک از ارکان مقرر در این منشور باشد، مورد بحث قرار دهد و جز در مورد مذکور در مادهٔ ۱۲ ممکن است به اعضای سازمان ملل متحد یا به شورای امنیت و یا به هر دو در بارهٔ هر یک از این مسائل و امور توصیه‌هایی بنماید.

مادهٔ ۱۱

۱ - مجمع عمومی می‌تواند اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از جمله اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات را مور رسیدگی قرار دهد و ممکن است در مورد اصول مذکور به اعضاء و یا به شورای امنیت و یا به هر دو توصیه‌هایی بنماید.

۲ - مجمع عمومی می‌تواند هر مسئله مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی راکه توسط هر یک از اعضاء یا شورای امنیت و یا بر طبق بند دوم از مادهٔ ۳۵ توسط کشوری که عضو ملل متحد نیست بدان رجوع شده‌باشد، مورد بحث قرار دهد و جز در مورد مقرر در مادهٔ ۱۲ می‌تواند در مورد چنین مسائلی به کشور یاکشورهای مربوط یا به شورای امنیت یا به هر دو توصیه‌هایی بنماید.

هرمسئله‌ای از این قبیل که اقدام در مورد آن ضروری باشد توسط مجمع عمومی قبل و یا بعد از بحث به شورای امنیت ارجاع خواهدگردید.

۳ - مجمع عمومی می‌تواند توجه شورای امنیت را به وضعیتهایی که محتمل است صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد، جلب نماید.

۴ - اختیارات مجمع عمومی که در این ماده ذکر شده است حدکلی شمول مادهٔ ۱۰ را محدود نخواهد کرد.

مادهٔ ۱۲

۱ - تا زمانی که شورای امنیت در مورد هر اختلاف یا وضعیت، در حال انجام وظایفی است که در این منشور بدان محول شده است مجمع عمومی در مورد آن اختلاف یا وضعیت هیچ‌گونه توصیه‌ای نخواهد کرد مگر اینکه شورای امنیت چنین تقاضائی بکند.

۲ - دبیر کل ملل متحد با موافقت شورای امنیت مجمع عمومی را در هر دورهٔ اجلاسیه از امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که در شورای امنیت مطرح است، مطلع خواهد ساخت و به همین نحو بلافاصله پس از ختم رسیدگی شورای امنیت نسبت به امور مربوطه، مراتب را بـه مـجمع عـمومی و در صورتی که مجمع عمومی در حال اجلاس نباشد، به اطلاع خواهد داد.

مادهٔ ۱۳

۱ - مجمع عمومی نسبت به امور زیر موجبات انجام مطالعات و صدور توصیه‌هایی را فراهم می‌کند:

الف) ترویج همکاری بین‌المللی در امور سیاسی و تشویق توسعهٔ تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن.

ب) ترویج همکاری بین‌المللی در رشته‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، و بهداشـتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حـیث نـژاد، جـنس، زبـان، و مذهب.

۲ - سایر مسئولیت‌ها، وظایف و اختیارات مجمع عمومی در مورد امور مذکور در شق «ب» بند یک این ماده، در فصول نهم و دهم بیان شده است .

مادهٔ ۱۴

مجمع عمومی با رعایت مقررات مادهٔ ۱۲ می‌تواند برای تصفیهٔ مسالمت آمیز هر وضعیتی که به نظر می‌رسد احتمالاً به رفاه عمومی یا به روابط دوستانهٔ بین ملل لطمه زند و منشاء آن هر چه باشد، از جمله وضعیتهایی که ناشی از نقض مقاصد و اصول ملل متحد به شرح مذکور در این منشور است اقداماتی را توصیه نماید.

ماده ۱۵

۱ - مجمع عمومی گزارشهای سالانه و گزارشهای مخصوص شورای امنیت را دریافت می‌کند و مورد بررسی قرار می‌دهد. گزارشهای مذکور شامل مشروح اقدامات و تصمیماتی خواهد بود که شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به‌عمل آورده ویا اتخاذ کرده است .

۲ - مجمع عمومی گزارشهای سایر ارکان ملل متحد را دریافت می‌کند و مورد بررسی قرار می‌دهد.

مادهٔ ۱۶

مجمع عمومی وظایفی را که تحت فصول ۱۲ و۱۳ مـنشور بـدان مـحول شـده، از جـمله تـصویب

قراردادهای قیمومت مناطقی را که سوق‌الجیشی قلمداد نشده است با توجه به نظام قیمومت بین‌المللی انجام خواهد داد.

مادهٔ ۱۷

۱ - مجمع عمومی بودجهٔ سازمان را بررسی و تصویب خواهد کرد.

۲ - مخارج سازمان بر حسب تسهیم مقرر از طرف مجمع عمومی بر عهدهٔ اعضاء خواهد بود.

۳ - مجمع عمومی هر گونه ترتیبات مالی و بودجه‌ای را که با مؤسسات تخصصی منظور در مادهٔ ۵۷ داده شود، مورد بررسی و تصویب قرارخواهد داد و بودجهٔ اداری مؤسسات مذکور را به منظور صدور توصیه به آنها بررسی خواهد نمود.

رأی

مادهٔ ۱۸

۱ - هر عضو مجمع عمومی دارای یک رأی خواهد بود.

۲ - تصمیمات مجمع عمومی در مورد مسائل مهم با اکثریت دو ثلث از اعضای حاضر و رأی دهنده اتخاذ خواهد شد. موارد زیر از مسائل مهم محسوب می‌شود: توصیه‌های مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، انتخاب اعضای غیر دائم شورای امنیت، انتخاب اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی، انتخاب اعضای شورای قیومت بر طبق شق «ج» از بند یک مادهٔ ۸۶، قبول اعضای جدید در سازمان ملل متحد، تعلیق حقوق و مزایای عضویت و اخراج اعضاء، مسائل راجع به اجرای نظام قیمومت و مسائل مربوط به بودجه.

۳ - تصمیمات راجع به سایر مسائل از جمله تعیین انواع مسائل دیگری که اکثریت دو ثلث باید در آنها رعایت شود، به اکثریت اعضای حاضر و رأی دهنده اتخاذ خواهد گردید.

مادهٔ ۱۹

هر عضو ملل متحد که پرداخت سهمیهٔ مالی آن به سازمان به تأخیر افتاده باشد، در صورتی که سهمیهٔ عقب افتادهٔ عضو مزبور معادل و یا بیشتر از مبلغ سهمیهٔ مربوط برای دو سال قبل به طور کامل باشد، در مجمع عمومی حق رأی نخواهد داشت. مع‌ذالک اگر مجمع عمومی تشخیص دهد که قصور در پرداخت ناشی از شرایطی است که از حیطه اختیار عضو مزبور خارج است می‌تواند به چنین عضوی اجازه دهد که در رأی شرکت کند.

آئین کار

مادهٔ ۲۰

مجمع عمومی منظماً دوره‌های اجلاسیهٔ سالانه و در صورت اقتضا اجلاسیه‌های فوق العاده خواهد داشت. اجلاسیه‌های فوق‌العاده به دعوت دبیر کل بنابه درخواست شورای امنیت یا اکثریت اعضای ملل خواهد بود.

مادهٔ ۲۱

مجمع عمومی آئین نامهٔ داخلی خود را تنظیم می‌کند. مجمع مزبور برای هر دوره اجلاسیه رئیس خود را انتخاب می‌کند.

مادهٔ ۲۲

مجمع عمومی برای اجرای وظایف خود می‌تواند آن گونه ارکان فرعی را که ضروری تشخیص می‌دهد، تأسیس نماید.

فصل پنجم

شورای امنیت

ترکیب

مادهٔ ۲۳

۱ - شورای امنیت مرکب است از پانزده عضو سازمان ملل متحدد جمهوری چین، فرانسه، اتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی، بریتانیای کبیر، و ایرلند شمالی و ایالات متحدهٔ آمریکا اعضای دائم شورای امنیت می‌باشند. مجمع عمومی ده عضو دیگر سازمان را بالاخص با توجه به شرکت اعضای سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و سایر هدفهای سازمان در درجهٔ اول و هم‌چنین با توجه به تقسیم عادلانهٔ جغرافیایی به عنوان اعضای غیر دائم شورای امنیت انتخاب می‌نماید.

۲ - اعضای غیر دائم شورای امنیت برای یک دورهٔ دوساله انتخاب می‌گردند. مع‌ذالک در نخستین انتخاب اعضای غیر دائم پس از افزایش عدهٔ اعضای شورای امنیت از یازده به پانزده، دو عضو از چهار عضو اضافه شده برای یک دورهٔ یک ساله انتخاب می‌شوند.

عضوی که خارج می‌گردد بلافاصله قابل تجدید انتخاب نخواهدبود.

۳ - هر عضو شورای امنیت یک نماینده در آن شورا خواهد داشت.

وظایف و اختیارات

مادهٔ ۲۴

۱ - به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثراز طرف ملل متحد، اعضای آن مسئولیت اولیهٔ حفظ صلح و امنیت بین المللی را به شورای امنیت واگذار می‌نمایند و موافقت می‌کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت بر عهده دارد، از طرف آنها اقدام نماید.

۲ - شورای امنیت در اجرای این وظایف بر طبق مقاصد و اصول ملل متحد عمل می کند. اختیارات مخصوصی که برای انجام وظایف مذکور به شورای امنیت واگذار گردیده، در فصول ۶، ۷، ۸، و ۱۲ بیان شده است.

۳ - شورای امنیت گزارشهای سالانه و در صورت اقتضا گزارشهای مخصوص برای بررسی به مجمع

عمومی تقدیم می‌دارد.

مادهٔ ۲۵

اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را بر طبق این منشور قبول و اجرا نمایند.

مادهٔ ۲۶

به منظور کمک به استقرار و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به وسیلهٔ به کار بردن تدابیری جهت صرف حداقل منابع انسانی و اقتصادی جهان برای تسلیحات، شورای امنیت مکلف است با کمک کمیتهٔ ستاد نظامی مذکور در مادهٔ ۴۷ طرحهایی برای وضع اصول تنظیم تسلیحات تهیه و به اعضای ملل متحد تقدیم نماید.

رأی

مادهٔ ۲۷

۱ - هر عضو شورای امنیت دارای یک رأی می‌باشد.

۲ - تصمیمات شورای امنیت راجع به مسائل مربوط به آئین کار با رأی نه (۹) عضو اتخاذ می‌شود.

۳ - تصمیمات شورای امنیت راجع به سایر مسائل با رأی مثبت نه (۹) عضو که شامل آراء تمام اعضای دائم باشد اتخاذ می‌گردد به این شرط که در مورد تصمیماتی که به موجب مندرجات فصل ششم وبند سوم از مادهٔ ۵۲ اتخاذ می‌شود، طرف دعوی از دادن رأی خودداری نماید.

آئین کار

مادهٔ ۲۸

۱ - شورای امنیت به نحوی تشکیل خواهد شد که بتواند دائماً قادر به انجام وظایف خود باشد و بدین منظور هر یک از اعضای شورای امنیت در کلیهٔ اوقات نماینده‌ای در مقر سازمان خواهد داشت.

۲ - شورای امنیت جلساتی به فواصل معین خواهد داشت و هر یک از اعضای شورا در صورتی که مایل باشد می‌تواند توسط یکی از اعضای دولت خود یا نماینده‌ای که مخصوصاً بدین منظور تعیین گردیده است، در آن جلسات شرکت جوید.

۳ - شورای امنیت می‌تواند جلسات خود را در جاهایی غیر از مقر سازمان که برای تسهیل انجام وظایف خود مناسب بداند، تشکیل دهد.

مادهٔ ۲۹

شورای امنیت می تواند آن گونه ارکان فرعی را که برای انجام وظایف خود لازم بداند تأسیس نماید.

مادهٔ ۳۰

شورای امنیت آئین نامهٔ داخلی خود را که از جمله مشتمل بر ترتیب انتخاب شورا باشد، تنظیم می‌کند.

مادهٔ ۳۱

هر عضو ملل متحد که عضو شورای امنیت نیست می‌تواند بدون حق رأی در مذاکرات مربوط به هر مسئله‌ای که در شورای امنیت مطرح است در هر مورد که شورای امنیت مسائل مزبور را در منافع آن عضو مخصوصاً مؤثر بداند شرکت کند.

مادهٔ ۳۲

هر عضو ملل متحد که عضو شورای امنیت نیست یا هر کشوری که در ملل متحد عضویت ندارد، هر گاه طرف اختلافی باشد که در شورای امنیت تحت رسیدگی است دعوت خواهد شد که بدون حق رأی در مذاکرات مربوط به اختلاف مزبور شرکت نماید. شورای امنیت شرایطی را که برای شرکت کشوری که عضو ملل متحد نیست عادلانه می‌داند، وضع خواهد نمود.

فصل ششم
تصفیهٔ مسالمت آمیز اختلافات

مادهٔ ۳۲

۱ – طرفین هر اختلاف که ادامهٔ آن محتمل است حفظ صلح و امنیت بین المللی را به خطر اندازد باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل مسالمت آمیز بنا به انتخاب خود راه حل آن را جستجو نمایند.

۲ – شورای امنیت در صورت اقتضا از طرفین اختلاف خواهد خواست که اختلافات خود را به وسایل مزبور تصفیه نمایند.

مادهٔ ۳۴

شورای امنیت می‌تواند هر اختلاف یا وضعیتی را که ممکن است منجر به یک اصطکاک بین‌المللی گردد یا اختلافی ایجاد نماید مورد رسیدگی قراردهد. بدین منظور که تعیین نماید آیا محتمل است ادامهٔ اختلاف یا وضعیت مزبور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازد؟

مادهٔ ۳۵

۱ – هر عضو ملل متحد می‌تواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی را به هر اختلاف یا وضعیتی از آن گونه که در مادهٔ ۳۴ بدان اشاره شده‌است جلب نماید.

۲ – هر کشوری که عضو ملل متحد نیست می‌تواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی را به اختلافی که خود در آن طرف می‌باشد، جلب نماید مشروط بر اینکه در مورد اختلاف مزبور قبلا تعهدات مربوط به تصفیهٔ مسالمت آمیز مقرر دراین منشور را قبول نماید.

۳ – اقدامات مجمع عمومی در خصوص اموری که به موجب این ماده توجه مجمع بدان معطوف می‌گردد، تابع مقررات مواد ۱۱ و ۱۲ می باشد.

مادهٔ ۳٦

۱ - شورای امنیت می تواند در هر مرحله از اختلافی از آن گونه که در مادهٔ ۳۳ بدان اشاره شده است یا در هر وضعیت شبیه به آن، روشها یا ترتیبهای تصفیهٔ مناسب توصیه نماید.

۲ - شورای امنیت ملزم است روشهایی را که طرفین دعوی خود قبلا برای تصفیهٔ اختلاف قبول کرده‌اند مورد توجه قرار دهد.

۳ - شورای امنیت در توصیه‌هایی که به موجب این ماده می‌کند باید هم‌چنین در نظر داشته باشد که اختلافات قضایی باید به طور کلی توسط طرفین دعوی بر طبق مقررات اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری به دیوان مزبور رجوع گردد.

مادهٔ ۳۷

۱ - در صورتی که طرفهای اختلافی، از آن گونه که در مادهٔ ۳۴ بدان اشاره شده است، نتوانند آن را به وسایل مذکور در مادهٔ مزبور تصفیه کنند باید آن را به شورای امنیت ارجاع نمایند.

۲ - هر گاه شورای امنیت تشخیص دهد که دوام یک اختلاف در واقع محتمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد باید تصمیم بگیرد که بر طبق مادهٔ ۳۶ عمل کند یا شرایطی را که برای تصفیه مناسب تشخیص می‌دهد، توصیه نماید.

مادهٔ ۳۸

درصورتی که کلیهٔ طرفهای هر اختلاف در خواست نمایند شورای امنیت می‌تواند به منظور حل مسالمت آمیز اختلاف مزبور به طرفهای اختلاف توصیه‌هایی بنماید، بدون اینکه به این ترتیب به مقررات مواد ۳۳ الی ۳۷ لطمه‌ای وارد آید.

فصل هفتم

اقدام در موارد تهدید علیه صلح ـ نقض صلح و اعمال تجاوز

مادهٔ ۳۹

شورای امنیت وجود هر گونه تهدید بر علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز را احراز نموده و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعادهٔ صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود.

مادهٔ ۴۰

به منظور جلوگیری از وخامت وضعیت، شورای امنیت می‌تواند قبل از آنکه بر طبق مادهٔ ۳۹ توصیه‌هایی بنماید یا در بارهٔ اقداماتی که باید معمول گردد تصمیم بگیرد، از طرفهای ذینفع بخواهد اقدامات موقتی را که شورای امنیت ضروری یا مطلوب تشخیص می‌دهد انجام دهند. اقدامات موقتی مذکور به حقوق یا ادعاها یا موقعیت طرفهای ذینفع لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. شورای امنیت تخلف در اجرای

اقدامات موقتی را چنانکه باید و شاید در نظر خواهد گرفت.

مادهٔ ۴۱

شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن استعمال نیروی مسلح نباشد لازم است و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد.

مادهٔ ۴۲

در صورتی که شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در مادهٔ ۴۱ کافی نخواهد بود یا ثابت شده باشد که کافی نیست می‌تواند به وسیلهٔ نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی به اقدامی که برای حفظ یا اعادهٔ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است مبادرت ورزد. این اقدام ممکن است مشتمل بر تظاهرات و محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی اعضای ملل متحد باشد.

مادهٔ ۴۳

۱ - کلیهٔ اعضای ملل متحد به منظور شرکت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی متعهد می‌شوند که نیروهای مسلح، کمک و تسهیلات من‌جمله حق عبور لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بنابه درخواست شورای امنیت و بر طبق موافقتنامه یا موافقتهای خاص در اختیار آن شورا قرار دهند.

۲ - موافقتنامه یا موافقتنامه‌های فوق، تعداد و نوع نیروها، درجهٔ آمادگی و قرارگاه عمومی آنها و نحوهٔ تسهیلات و کمکهایی را که باید به عمل آید معین می‌نماید.

۳ - مذاکرات مربوط به موافقتنامه یا موافقتنامه‌های مزبور به ابتکار شورای امنیت هرچه زودتر صورت خواهد گرفت. این موافقتنامه‌ها بین شورای امنیت و اعضای شورای امنیت و گروههایی از اعضاء منعقد خواهد گردید و کشورهای امضاء کننده باید آن را بر طبق مقررات قوانین اساسی خود تصویب نمایند.

مادهٔ ۴۴

هرگاه شورای امنیت تصمیم به استعمال نیرو بگیرد قبل از آنکه از عضوی که در شورا نماینده ندارد درخواست تدارک نیروهای مسلح برای انجام تعهدات متقبله به موجب مادهٔ ۴۳ بنماید، باید عضو مزبور را در صورت تمایل خود آن عضو به شرکت در تصمیمات شورای امنیت مربوط به استفاده از قسمتهایی از نیروهای مسلح آن عضو دعوت نماید.

مادهٔ ۴۵

برای اینکه سازمان ملل متحد قادر به انجام اقدامات فوری نظامی باشد اعضاء باید قسمتهایی از نیروهای هوایی خود را به طوری که قابل استفادهٔ فوری برای عملیات اجرایی دسته جمعی بین‌المللی باشد

آماده نگاهدارند. مقدار و درجهٔ آمادگی این قسمتها و طرحهای عملیات دسته جمعی آنان در حدود مقرر در موافقتنامه یا موافقتنامه‌های ویژه اشاره شده و در مادهٔ ۴۳ توسط شورای امنیت و با کمک کمیتهٔ ستاد نظامی تعیین خواهد شد.

مادهٔ ۴۶

طرحهای استعمال نیروی مسلح را شورای امنیت با کمک کمیتهٔ ستاد نظامی تنظیم می‌کند.

مادهٔ ۴۷

۱ - برای راهنمایی و کمک به شورای امنیت در بارهٔ کلیهٔ مسائل مربوط به نیازمندی‌های نظامی شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و هم‌چنین برای استعمال و فرماندهی نیروهای مسلحی که در اختیار شورا قرار داده شده و نیز تنظیم تسلیحات و خلع سلاح احتمالی، یک کمیتهٔ ستاد نظامی تأسیس می‌شود.

۲ - کمیتهٔ ستاد نظامی مرکب خواهد بود از روسای ستاد اعضای دائم شورای امنیت یا نمایندگان آنها. هر گاه حسن اجرای وظایف کمیتهٔ ستاد نظامی، شرکت عضوی از اعضای ملل متحد را که در کمیته نمایندهٔ دائم ندارد ایجاب نماید، آن عضو از طرف کمیتهٔ ستاد نظامی برای شرکت در کارها دعوت خواهد شد.

۳ - کمیتهٔ ستاد نظامی تحت نظر شورای امنیت مسئول هدایت سوق‌الجیشی هر یک از نیروهای مسلحی که در اختیار شورا قرار داده شده خواهد بود. موضوعات مربوط به فرماندهی این گونه نیروها بعداً ترتیب داده خواهد شد.

۴ - کمیتهٔ ستاد نظامی می‌تواند با اجازهٔ شورای امنیت و پس از مشورت با سازمانهای منطقه‌ای مناسب کمیته‌های فرعی منطقه‌ای تأسیس نماید.

مادهٔ ۴۸

۱ - برای اجرای تصمیمات شورای امنیت جهت حفظ صلح و امنیت بین المللی، همه یا بعضی از اعضای ملل متحد به تشخیص شورای امنیت اقدام لازم معمول خواهند داشت.

۲ - اعضای ملل متحد مستقیماً و به وسیلهٔ اقدامات خود در سازمانهای بین‌المللی مربوط که عضو آن هستند تصمیمات مذکور را اجرا خواهند کرد.

مادهٔ ۴۹

اعضای ملل متحد در دادن کمک متقابل به یکدیگر برای اجرای تصمیمات متخذه از طرف شورای امنیت تشریک مساعی خواهند کرد.

مادهٔ ۵۰

هر گاه شورای امنیت اقدامات احتیاطی یا قهری علیه کشوری معمول دارد هر کشور دیگر که خود را مواجه با مشکلات اقتصادی خاص ناشی از اجرای آن اقدامات بیابد اعم از اینکه عضو ملل متحد باشد یا

نه، حق خواهد داشت در مورد حل آن مشکلات با شورای امنیت مشورت نماید.

مادهٔ ۵۱

در صورت وقوع حملهٔ مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعادهٔ صلح و امنیت بین‌المللی در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.

فصل هشتم

قراردادهای منطقه‌ای

مادهٔ ۵۲

۱ - هیچ‌یک از مقررات این منشور مانع وجود قراردادها یا مؤسسات منطقه‌ای برای انجام امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی که متناسب برای اقدامات منطقه‌ای باشد نیست مشروط براینکه این گونه قراردادها یا مؤسسات و فعالیتهای آنها با مقاصد و اصول متحد سازگار باشد.

۲ - اعضای ملل متحد که چنین قراردادهایی را منعقد می نمایند یا چنین مؤسساتی را تأسیس می‌کنند هر گونه کوششی را برای تصفیهٔ مسالمت آمیز اختلافات محلی از طریق این قراردادها یا مؤسسات منطقه‌ای قبل از مراجعه به شورای امنیت به کار خواهند برد.

۳ - شورای امنیت توسعهٔ تصفیهٔ مسالمت آمیز اختلافات محلی را از طریق چنین قراردادها یا مؤسسات منطقه‌ای چه به ابتکار کشورهای ذینفع و چه با ارجاع از طرف شورای امنیت تشویق می‌نماید.

۴ - این ماده به هیچ وجه لطمه‌ای به اجرای مواد ۳۴ و ۳۵ نخواهد زد.

مادهٔ ۵۳

۱ - شورای امنیت در موارد مقتضی از چنین قراردادها یا مؤسسات منطقه‌ای برای عملیات اجرایی تحت اختیار خود استفاده خواهد کرد. ولی هیچ‌گونه عملیات اجرایی به موجب قراردادهای منطقه‌ای یا توسط مؤسسات منطقه‌ای بدون اجازهٔ شورای امنیت صورت نخواهد گرفت. اقداماتی که در اجرای مادهٔ ۱۰۷ یا به موجب قراردادهای منطقه‌ای بر علیه هر کشور دشمن به شرحی که در بند دوم این ماده تعریف شده است - یا بر علیه تجدید سیاست تجاوز کارانه از طرف چنین کشوری انجام می شود، تا زمانی که سازمان ملل متحد بنابر درخواست کشورهای ذینفع مسئولیت جلوگیری از تجاوزات بیشتر چنین کشوری را به عهده گیرد، از این قاعده مستثنی است.

۲ - عبارت «کشور دشمن» که در بند اول این ماده استعمال شده است شامل هر کشوری می‌شود که در

طی جنگ جهانی دوم دشمن هر یک از امضاء کنندگان این منشور بوده است.

مادهٔ ۵۴

فعالیتهایی که به موجب قراردادهای منطقه‌ای یا به وسیلهٔ مؤسسات منطقه‌ای برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام می‌گیرد یا مورد نظر است باید در همهٔ مواقع به طور کامل به اطلاع شورای امنیت برسد.

فصل نهم
همکاری اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی

مادهٔ ۵۵

با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت آمیز و دوستانهٔ بین‌الملل بر اساس احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل، سازمان ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد:

الف) بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای همه و حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی.

ب) حل مسائل بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و مسائل مربوط به آنها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزشی.

پ) احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب .

مادهٔ ۵۶

کلیهٔ اعضاء متعهد می‌شوند که برای نیل به مقاصد مذکور در مادهٔ ۵۵ در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته جمعی معمول دارند.

مادهٔ ۵۷

۱ - مؤسسات تخصصی مختلف که به موجب موافقتنامه بین کشورها تأسیس و بر طبق اساسنامه‌های خود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سایر رشته‌های مرتبط دارای مسئولیتهای وسیع بین‌المللی می‌باشند، بر طبق مقررات مادهٔ ۶۳ وابسته به سازمان ملل متحد خواهند شد.

۲ - مؤسساتی که این گونه وابسته به ملل متحد می شوند از این پس به عنوان مؤسسات تخصصی ذکر خواهند شد.

مادهٔ ۵۸

سازمان برای هماهنگ کردن برنامه‌ها و فعالیتهای مؤسسات تخصصی توصیه‌هایی خواهد کرد.

مادهٔ ۵۹

سازمان در صورت اقتضاء موجبات مذاکرات بین کشورهای ذینفع را برای ایجاد هر گونه مؤسسات تخصصی جدیدی که برای نیل به مقاصد مذکور در مادهٔ ۵۵ ضروری باشد، فراهم می کند.

مادهٔ ٦۰

مسئولیت اجرای وظایف سازمان که در این فصل مقرراست بر عهدهٔ مجمع عمومی و تحت نظر مجمع عمومی به عهدهٔ شورای اقتصادی و اجتماعی است که بدین منظور دارای اختیارات مذکور در فصل ۱۰ می باشد.

فصل دهم

شورای اقتصادی و اجتماعی

مادهٔ ٦۱

۱ - شورای اقتصادی و اجتماعی مرکب از پنجاه و چهار عضو ملل متحد خواهد بود که توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند.

۲ - با رعایت مقررات بند سوم همه ساله هیجده (۱۸) عضو شورای اقتصادی و اجتماعی برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند. عضوی که خارج می‌گردد قابل انتخاب مجدد می‌باشد.

۳ - در نخستین انتخاب پس از افزایش عدهٔ اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی از ۲۷ به ۵۴ علاوه بر اعضایی که به جای نه (نه) عضوی که دورهٔ خدمتشان پایان یافته انتخاب می‌شوند، ۲۷ عضو جدید انتخاب خواهند شد. دورهٔ خدمت (۹) عضو از این ۲۷ عضو اضافی پس از یک سال و (۹) عضو دیگر در پایان سال دوم به نحوی که از طرف مجمع عمومی مقرر می‌شود خاتمه می‌یابد.

۴ - هر عضو شورای اقتصادی و اجتماعی یک نماینده در آن شورا خواهد داشت.

وظایف و اختیارات

مادهٔ ٦۲

۱ - شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند مطالعات و گزارشهایی در بارهٔ مسائل بین‌المللی مربوط به امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سایر امور مربوط انجام داده یا تهیه نماید یا موجبات انجام یا تهیهٔ آن را فراهم آورد و در مورد این گونه امور به مجمع عمومی و اعضای ملل متحد و مؤسسات تخصصی مربوط توصیه‌هایی بنماید.

۲ - شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند به منظور تشویق احترام واقعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه توصیه‌هایی بنماید.

۳ - شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند در خصوص اموری که در صلاحیت آن قراردارد طرح مقاوله نامه‌هایی برای تقدیم به مجمع عمومی تهیه نماید.

۴ - شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند در خصوص مسائلی که در صلاحیت آن قراردارد کنفرانسهای بین‌المللی بر طبق قواعد مقرر از طرف ملل متحد دعوت نماید.

مادهٔ ٦۳

۱ - شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند با هر یک از مؤسسات تخصصی مذکور در مادهٔ ۵۷ قراردادهایی منعقد کند و شرایطی را که به موجب آن مؤسسهٔ مربوط وابسته به ملل متحد خواهد گردید، معین نماید.
این گونه قراردادها باید به تصویب مجمع عمومی برسد.

۲ - شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند از طریق مشاوره با مؤسسات تخصصی و توصیه به آنها و توصیه به مجمع عمومی و اعضای ملل متحد فعالیتهای مؤسسات تخصصی را هماهنگ سازد.

مادهٔ ٦۴

۱ - شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای به‌دست آوردن گزارشهای مرتب مؤسسات تخصصی اقدامات مقتضی به‌عمل آورد.
شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند برای بدست آوردن گزارشهایی در خصوص اقداماتی که برای اجرای توصیه‌های خود و توصیه‌هایی که توسط مجمع عمومی راجع به امور داخل در صلاحیت شورا به‌عمل آمده است با اعضای ملل متحد و مؤسسات تخصصی ترتیباتی بدهد.

۲ - شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند ملاحظات خود را در بارهٔ این گزارشها به مجمع عمومی بفرستد.

مادهٔ ٦۵

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند اطلاعاتی در اختیار شورای امنیت قرار دهد و به درخواست شورای امنیت به آن شورا کمک می‌کند.

مادهٔ ٦٦

۱ - شورای اقتصادی و اجتماعی در اجرای توصیه‌های مجمع عمومی وظایفی را که داخل صلاحیت آن شورا است انجام می‌دهد.

۲ - شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند با تصویب مجمع عمومی خدماتی را که اعضای ملل متحد و مؤسسات تخصصی از آن شورا بخواهند انجام دهد.

۳ - شورای اقتصادی و اجتماعی وظایف دیگری را که در قسمتهای دیگر این منشور به عهدهٔ آن واگذار شده است یا ممکن است توسط مجمع عمومی بدان محول شود انجام می‌دهد.

رأی

مادهٔ ٦۷

۱ - هر عضو شورای اقتصادی و اجتماعی دارای یک رأی خواهد بود.

۲ - تصمیمات شورای اقتصادی و اجتماعی با اکثریت آرای اعضای حاضر و رأی دهنده گرفته می‌شود.

آئین کار

مادهٔ ٦٨

شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیونهایی برای مسائل اقتصادی و اجتماعی و ترویج حقوق بشر و هم‌چنین هر گونه کمیسیونهای دیگری که برای اجرای وظایفش ضروری باشد تأسیس می‌کند.

مادهٔ ٦٩

شورای اقتصادی و اجتماعی از هر یک از اعضای ملل متحد برای شرکت در مذاکرات مربوط به هر موضوعی که آن عضو به نحو خاصی در آن ذینفع است دعوت خواهد کرد، بدون آنکه عضو مزبور حق رأی داشته باشد.

مادهٔ ٧٠

شورای اقتصادی واجتماعی می‌تواند ترتیباتی بدهد که نمایندگان مؤسسات تخصصی بدون حق رأی در در مذاکرات شورا و کمیسیونهایی که توسط آن تأسیس می‌گردد و هم‌چنین نمایندگان خود شورا در مذاکرات مؤسسات تخصصی شرکت جویند.

مادهٔ ٧١

شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند برای مشاوره با سازمانهای غیر دولتی که به امور داخل در صلاحیت شورا اشتغال دارند هر گونه تدابیر مناسب اتخاذ نماید. این تدابیر ممکن است در بارهٔ سازمانهای بین‌المللی ولدی الاقتضا در بارهٔ سازمانهای ملی پس از مشورت با عضو ذینفع ملل متحد اعمال گردد.

مادهٔ ٧٢

۱ - شورای اقتصادی و اجتماعی آئین‌نامهٔ داخلی خود را تنظیم می‌نماید و در آن طرز انتخاب رئیس شورا را معین می‌کند.

۲ - شورای اقتصادی و اجتماعی در مواقع لازم بر طبق آئین‌نامهٔ داخلی خود تشکیل جلسه می‌دهد. آئین نامهٔ مزبور شامل مقررات مربوط به تشکیل جلسات به‌درخواست اکثریت اعضای شورا خواهد بود.

فصل یازدهم

مادهٔ ٧٣

اعضای ملل متحد که مسئولیت ادارهٔ سرزمینهایی را که مردم آن هنوز به درجهٔ کامل حکومت خودمختاری نایل نشده‌اند بر عهده دارند یا به عهده می‌گیرند، اصل اولویت منافع سکنهٔ این سرزمینها را به رسمیت می‌شناسد و تعهد پیشبرد رفاه سکنهٔ این سرزمینها را به منتهی درجه و در حدود اصول مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی به شرح مقرر در این منشور به عنوان یک مأموریت مقدس قبول نموده و برای این

منظور متقبل می‌شوند:

الف) با توجه به فرهنگ سکنهٔ مربوطه پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی آنان را تأمین نمایند. رفتارشان با سکنهٔ مزبور عادلانه بوده از آنان در مقابل اجحافات حمایت نمایند.

ب) حکومت خودمختاری را توسعه دهند و آمال سیاسی سکنه را رعایت نمایند و بر طبق اوضاع واحوال خاص هر سرزمین و مردم آن و بنابر مدارج مختلف پیشرفتشان آنان را در توسعهٔ تدریجی مؤسسات سیاسی آزاد یاری کنند.

پ) در تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی بکوشند.

ت) اقدامات سازندهٔ توسعه‌ای را ترویج نمایند و به منظور آنکه عملا به مقاصد اجتماعی، اقتصادی و علمی مذکور در این ماده نایل شوند پژوهشهای علمی را تشویق نمایند و با یکدیگر در مواقع و موارد مقتضی با سازمانهای بین‌المللی تخصصی همکاری کنند.

ث) جز در مواردی که مقتضیات امنیت و ملاحظات ناشی از قوانین اساسی ایجاب نماید آمار و سایر اطلاعاتی را که دارای جنبهٔ فنی و مربوط به شرایط اقتصادی، اجتماعی و آموزشی سرزمینهایی است که هر یک مسئول آن هستند، غیر از سرزمینهای مشمول مقررات فصول ۱۲ و ۱۳ جهت اطلاع مرتباً برای دبیر کل ملل متحد بفرستند.

مادهٔ ۷۴

اعضای سازمان ملل متحد همچنین موافقت می کنند که خط مشی آنها چه در سرزمینهای مشمول مقررات این فصل و چه در قلمرو خاک اصلی خود آنها در امور اجتماعی، اقتصادی و تجارتی با رعایت ملاحظات لازم از حیث منافع و رفاه سایر نقاط جهان بر اساس اصل کلی حسن هم‌جواری استوار باشد.

فصل دوازدهم
نظام قیمومت بین‌المللی

مادهٔ ۷۵

سازمان ملل متحد تحت نظر خود یک نظام بین‌المللی قیمومت برای اداره و سرپرستی سرزمینهایی که ممکن است به موجب موافقتنامه‌های خاص بعداً تحت ادارهٔ آن قرارگیرد برقرار می‌نماید. این سرزمینها از این پس به‌نام سرزمینهای تحت قیمومت خوانده خواهد شد.

مادهٔ ۷۶

هدفهای اساسی نظام قیمومت بر طبق مقاصد ملل متحد به شرح مندرج در مادهٔ یک این منشور عبارت است از:

الف) تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی

ب) کمک به پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی سکنهٔ سرزمینهای تحت قیمومت و

پیشرفت تدریجی آنان به سوی حکومت خودمختاری یا استقلال برحسب اقتضاء با توجه به اوضاع و احوال خاص هر سرزمین، مردم آن و تمایلات مردم مزبور که به نحو آزادانه ابراز شده باشد و بر طبق مقرراتی که ممکن است در هر قرارداد قیمومت پیش بینی شده باشد.

پ) تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد،جنس،زبان یا مذهب و تشویق شناسایی این معنی که ملل جهان به یکدیگر نیازمند می‌باشند.

ت) تأمین رفتار یکسان در امور اجتماعی، اقتصادی و تجاری برای تمام اعضای ملل متحد و اتباع آنها و همچنین رفتار یکسان در اجرای عدالت برای اتباع مزبور بدون آنکه به حصول هدفهای مذکور خللی وارد شود و با رعایت مقررات مادهٔ ۸۰.

مادهٔ ۷۷

۱ - نظام قیمومت شامل سرزمینهایی می‌شود که در ردیف‌های ذیل قرارداند و ممکن است به موجب قراردادهای قیمومت تحت این نظام در آیند:

الف)سرزمینهایی که اکنون تحت وصایت هستند.

ب)سرزمینهایی که ممکن است در نتیجهٔ جنگ جهانی دوم از کشورهای دشمن مجزا گردد.

۲ - سرزمینهایی که به میل و ارادهٔ کشورهای مسئول ادارهٔ آنها تحت این نظام قرارداده شود.

۳ - به موجب یک موافقتنامهٔ بعدی تعیین خواهد شد که چه سرزمینهایی از ردیفهای سابق‌الذکر با چه شرایطی تحت نظام قیمومت در خواهند آمد.

مادهٔ ۷۸

نظام قیمومت شامل سرزمینهایی که به عضویت ملل متحد در آمده‌اند نخواهد شد و روابط بین آنها بر اساس احترام به اصل تساوی حاکمیت می‌باشد.

مادهٔ ۷۹

شرایط قیمومت برای هر سرزمینی که تحت نظام قیمومت قرار می گیرد و همچنین تغییر و اصلاح شرایط مذکور موضوع موافقتنامه‌های منعقده بین کشورهایی که مستقیماً ذینفع هستند، از جمله کشورهای وصی در مورد سرزمینهای تحت وصایت یکی از اعضای ملل متحد خواهد بود و به ترتیب مقرر در مواد ۸۲ و ۸۵ به تصویب خواهد رسید.

مادهٔ ۸۰

۱ - به استثنای آنچه در هر یک از قراردادهای خاص قیمومت که بر طبق مواد ۷۷ و ۷۹ و ۸۱ منعقد می‌شود و سرزمینی را تحت نظام قیمومت درمی‌آورد ممکن است مورد موافقت قرار گیرد و تا زمان انعقاد چنین قراردادهایی هیچ‌یک از مقررات این فصل نباید طوری تعبیر شود که مستقیماً یا به طور غیرمستقیم (۱) به نحوی در حقوق هیچ کشوری یا مردمی یا درمقررات اسناد موجود بین المللی که اعضای ملل متحد ممکن است طرف آن باشند تغییری بدهد.

۲ - بند اول این ماده نباید طوری تفسیر گردد که موجبات تأخیر و تعویق مذاکره و عقد قراردادهای ناظر به تحت نظام قیمومت قرار دادن سرزمینهای تحت وصایت و سایر سرزمینها را به شرح مقرر در مادهٔ ۷۷ فراهم کند.

مادهٔ ۸۱

قرارداد قیمومت در هر مورد شامل شرایطی خواهد بود که بر طبق آن سرزمین تحت قیمومت اداره خواهد شد و مقامی راکه ادارهٔ سرزمین تحت قیمومت به عهده خواهد داشت تعیین می‌نماید.
این مقام که از این پس مقام اداره کننده نامیده می‌شود ممکن است یک یا چند دولت یا خود سازمان باشد.

مادهٔ ۸۲

درهر قرارداد قیمومت ممکن است یک یا چند منطقهٔ سوق‌الجیشی تعیین شود که شامل تمام یا قسمتی از سرزمین تحت قیمومت موضوع آن قرارداد باشد بدون اینکه به قرارداد یا قراردادهای خاص منعقده در اجرای ماده ۴۳ لطمه‌ای وارد شود.

مادهٔ ۸۳

۱ - کلیهٔ وظایف ملل متحد مربوط به مناطق سوق‌الجیشی از جمله تصویب شرایط قرارداد قیمومت و تغییر و اصلاح احتمالی آن توسط شورای امنیت انجام می‌شود.

۲ - هدفهای اساسی مذکور در مادهٔ ۷۶ در بارهٔ مردم هر منطقه سوق‌الجیشی لازم‌الرعایه خواهد بود.

۳ - شورای امنیت با رعایت قراردادهای قیمومت و بدون اینکه به مقتضیات امنیت لطمه‌ای وارد آید در اجرای وظایفی که ملل متحد بر طبق نظام قیمومت در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی مناطق سوق‌الجیشی عهده‌دار است از کمکهای شورای قیمومت استفاده خواهد کرد.

مادهٔ ۸۴

مقام اداره کننده مکلف است مراقبت نماید که سرزمین تحت قیمومت سهم خود را در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ایفا نماید. به این منظور مقام اداره کننده ممکن است در اجرای تعهداتی که در مقابل شورای امنیت برعهده گرفته‌است و همچنین برای دفاع محلی و حفظ نظم و قانون در داخل سرزمین تحت قیمومت استفاده نماید.

مادهٔ ۸۵

۱ - وظایف ملل متحد در مورد قراردادهای قیمومت کلیهٔ مناطقی که سوق‌الجیشی قلمداد نشده‌اند من جمله تصویب شرایط قرارداد قیمومت و تغییر و اصلاح آن توسط مجمع عمومی انجام می‌شود.

۲ - شورای قیمومت که تحت نظر مجمع عمومی عمل می‌نماید در اجرای این وظایف به مجمع عمومی کمک خواهد کرد.

فصل سیزدهم
شورای قیمومت
ترکیب
مادۀ ۸۶

۱ - شورای قیمومت مرکب از اعضای ملل متحد به شرح مذکور در ذیل خواهد بود:

الف) اعضای اداره کنندۀ سرزمینهای تحت قیمومت:

ب) آن عده از اعضایی که نامشان در مادۀ ۲۳ ذکر شده وادارۀ سرزمین تحت قیمومتی را عهده‌دار نیستند؛

پ) اعضای دیگری که به تعداد لازم از طرف مجمع عمومی برای یک دورۀ سه ساله انتخاب می‌شوند، به تعدادی که لازم است، برای اینکه مجموع عدۀ اعضای شورای قیمومت به طور تساوی بین اعضای اداره کنندۀ سرزمینهای تحت قیمومت و سایر اعضاء تقسیم گردد.

۲ - هر یک از اعضای شورای قیمومت شخص واجد صلاحیت خاصی را به سمت نمایندۀ خود در شورای قیمومت تعیین می نماید.

وظایف و اختیارات
مادۀ ۸۷

مجمع عمومی و تحت نظر آن، شورای قیمومت در انجام وظایف خود می‌توانند:

الف) گزارشهایی را که مقام اداره کننده تسلیم می‌دارد مورد بررسی قرار دهند.

ب) شکایات را قبول و آنها را با مشورت مقام اداره کننده رسیدگی نمایند.

پ) ترتیبی دهند که از سرزمینهای تحت قیمومت در اوقاتی که مورد موافقت مقام اداره کنندۀ مربوط است متناوباً بازدید به عمل آید.

ت) این اقدامات و اقدامات دیگر را بر طبق شرایط قرارداد قیمومت انجام دهند.

مادۀ ۸۸

شورای قیمومت پرسشنامه‌ای در بارۀ پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی سکنۀ هر سرزمین تحت قیمومت تهیه خواهد کرد و مقام اداره کنندۀ هر سرزمین تحت قیمومت داخل در صلاحیت مجمع عمومی بر اساس پرسشنامه‌ای از نوع مذکور گزارش سالانه به مجمع عمومی تقدیم خواهد کرد.

رأی
مادۀ ۸۹

۱ - هر عضو شورای قیمومت دارای یک رأی خواهد بود.

۲ - تصمیمات شورای قیمومت با رأی اکثریت اعضای حاضر و رأی دهنده اتخاذ خواهد شد.

آئین کار

مادهٔ ۹۰

۱ - شورای قیمومت آئین‌نامهٔ داخلی خود را تنظیم می‌نماید که ضمن آن ترتیب انتخاب رئیس شورا تعیین می‌شود.

۲ - شورای قیمومت بر حسب ضرورت بر طبق آئین‌نامهٔ داخلی خود تشکیل جلسه می‌دهد. آئین‌نامهٔ مزبور شامل مقررات مربوط به تشکیل جلسات به درخواست اکثریت اعضای شورا خواهد بود.

مادهٔ ۹۱

شورای قیمومت در صورت اقتضاء از کمک شورای اقتصادی و اجتماعی و مؤسسات تخصصی در مورد اموری که مربوط به هر یک از آنهاست استفاده خواهد کرد.

فصل چهاردهم

دیوان بین‌المللی دادگستری

مادهٔ ۹۲

دیوان بین‌المللی دادگستری رکن قضایی اصلی ملل متحد خواهد بود. دیوان مزبور بر طبق اساسنامهٔ پیوست که بر مبنای اساسنامهٔ دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تنظیم شده و جزء لاینفک این منشور است انجام وظیفه می‌کند.

مادهٔ ۹۳

۱ - تمام اعضای ملل متحد به خودی خود قبول کنندگان اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری هستند.

۲ - هر کشوری که عضو ملل متحد نیست می‌تواند با قبول شرایطی که در هر مورد بر حسب توصیهٔ شورای امنیت توسط مجمع معین می‌گردد اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی دادگستری را قبول نماید.

مادهٔ ۹۴

۱ - هر عضو ملل متحد متعهد است در هر دعوایی که او طرف آن است از تصمیم دیوان تبعیت نماید.

۲ - هرگاه طرف دعوایی از انجام تعهداتی که بر حسب رأی دیوان بر عهدهٔ او گذارده شده است تخلف کند طرف دیگر می‌تواند به شورای امنیت رجوع نماید و شورای مزبور ممکن است در صورتی که ضروری تشخیص دهد توصیه‌هایی نموده و یا برای اجرای رأی دیوان تصمیم به اقداماتی بگیرد.

مادهٔ ۹۵

هیچ‌یک از مقررات این منشور مانع اعضای ملل متحد نخواهد شد که حل اختلافات خود را به موجب قراردادهای موجود یا قراردادهایی که در آینده منعقد خواهد گردید به سایر دادگاهها واگذار نمایند.

مادهٔ ۹۶

۱ - مجمع عمومی یا شورای امنیت می‌توانند در بارهٔ هر مسألهٔ حقوقی از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست نظر مشورتی بنماید.

۲ - سایر ارکان ملل متحد و مؤسسات تخصصی که ممکن است احیاناً چنین اجازه‌ای از مجمع عمومی تحصیل کرده باشند نیز می‌توانند نظر مشورتی دادگاه را در مورد مسائل حقوقی مطروحه در حدود فعالیتهایشان بخواهند.

فصل پانزدهم
دبیرخانه

مادهٔ ۹۷

دبیرخانه مرکب خواهد بود از یک دبیرکل و کارمندان مورد احتیاج سازمان. دبیرکل توسط مجمع عمومی بنابر توصیهٔ شورای امنیت تعیین می‌گردد. دبیرکل عالیترین مقام اداری سازمان است.

مادهٔ ۹۸

دبیرکل در این سمت در تمام جلسات مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی و شورای قیمومت انجام وظیفه خواهد کرد و کلیهٔ وظایف دیگری راکه ارکان مذکور به او محول نمایند انجام خواهد داد. دبیرکل گزارش سالانه‌ای در بارهٔ کار سازمان به مجمع عمومی خواهد داد.

مادهٔ ۹۹

دبیر کل می‌تواند نظر شورای امنیت را به هر موضوعی که به عقیدهٔ او ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید نماید جلب کند.

مادهٔ ۱۰۰

۱ - دبیرکل و کارمندان ملل متحد در انجام وظایف خود از هیچ دولت یا مقام خارج از سازمان کسب دستور نخواهند کرد و دستوراتی نخواهند پذیرفت. آنان فقط مسئول سازمان هستند و از هر عملی که منافی موقعیتشان به‌عنوان مأمورین رسمی بین‌المللی باشد خودداری خواهند کرد.

۲ - هر عضو ملل متحد متعهد می‌شود که جنبهٔ منحصراً بین‌المللی مسئولیت‌های دبیرکل و کارمندان سازمان را محترم شمارد و در صدد برنیاید که آنان را دراجرای وظایفشان تحت نفوذ قراردهد.

مادهٔ ۱۰۱

۱ - کارمندان سازمان به‌وسیلهٔ دبیرکل بر طبق مقرراتی که توسط مجمع عمومی وضع می‌گردد انتخاب می‌شوند.

۲ - کارمندان مناسبی به طور دائم به شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومت و در صورت لزوم به سایر ارکان ملل متحد تخصیص داده خواهند شد. این کارمندان قسمتی از دبیرخانه را تشکیل خواهند

داد.

۳ - در استخدام کارمندان و تعیین شرایط خدمت آنان منظوری که بیش از هر چیز ملحوظ خواهد شد. تأمین عالیترین درجهٔ کارائی و صلاحیت و درستی می‌باشد. به اهمیت استخدام کارمندان بر اساس تقسیمات جغرافیایی هر چه وسیعتر توجه لازم مبذول خواهد گردید.

فصل شانزدهم
مقررات مختلفه
مادهٔ ۱۰۲

۱ - هر عهدنامه و هر موافقتنامهٔ بین‌المللی که پس از لازم‌اجرا شدن این منشور توسط هر یک از اعضای ملل متحد منعقد گردد باید هر چه زودتر در دبیرخانه ثبت و توسط آن منتشر گردد.

۲ - هیچ‌یک از طرفهای هر عهدنامه یا موافقتنامهٔ بین‌المللی که بر طبق مقررات بند اول این ماده به ثبت نرسیده باشد نمی‌توانند در مقابل ارکان ملل متحد به آن عهدنامه یا موافقتنامه استناد جویند.

مادهٔ ۱۰۳

درصورت تعارض بین تعهدات اعضای ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آنها بر طبق هر موافقتنامهٔ بین‌المللی دیگر تعهدات آنها به موجب این منشو رمقدم خواهد بود.

مادهٔ ۱۰۴

سازمان در خاک هر یک از اعضاء از اهلیت حقوقی که برای انجام وظایف و رسیدن به مقاصد آن ضروری است متمتع می‌گردد.

مادهٔ ۱۰۵

۱ - سازمان در خاک هر یک از اعضای خود از امتیازات و مصونیتهایی که برای رسیدن به مقاصد آن ضروری است برخوردار خواهد بود.

۲ - نمایندگان اعضای ملل متحد و مأمورین سازمان نیز به همین نحو از امتیازات و مصونیتهای لازم برای اینکه بتواند وظایفشان را که مربوط به سازمان است مستقلا انجام دهند برخوردار خواهند بود.

۳ - مجمع عمومی می‌تواند برای تعیین جزئیات اجرای بندهای اول و دوم این ماده توصیه‌هایی بنماید یا مقاوله نامه‌هایی بدین منظور به اعضاء پیشنهاد کند.

فصل هفدهم
ترتیبات موقتی راجع به امنیت
مادهٔ ۱۰۶

تازمان لازم‌الاجرا شدن قراردادهای خاص مذکور در مادهٔ ۴۳ که شورای امنیت به تشخیص خود قادر

باشد شروع به عهده‌دار شدن مسئولیت‌های مذکور در مادهٔ ۴۲ بنماید، امضاکنندگان «اعلامیهٔ چهارملت»، که در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ در مسکو به امضاء رسید، و فرانسه بر طبق مقررات بند پنجم اعلامیهٔ مذکور به منظور اقدام مشترک به‌نام ملل متحد به هر عملی که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری باشد با یکدیگر و در صورت لزوم با سایر اعضای ملل متحد مشورت و توافق خواهند کرد.

مادهٔ ۱۰۷

هیچ‌یک از مقررات این منشور به هر اقدامی که در بارهٔ کشوری که طی جنگ جهانی دوم دشمن یکی از امضاء کنندگان این منشور بوده، توسط حکومتهای مسئول آن اقدام بر اثر این جنگ اتخاذ یا تجویز شده خللی وارد نمی‌کند یا مانع انجام آن نمی‌شود.

فصل هیجدهم
اصلاحات

مادهٔ ۱۰۸

اصلاحاتی که در این منشور به‌عمل آید زمانی برای تمام اعضای ملل متحد لازم‌الاجرا خواهد شد که به موجب رأی دوسوم اعضای مجمع عمومی مورد قبول قرارگیرد و توسط دوسوم اعضای ملل متحد که شامل کلیهٔ اعضای دائم شورای امنیت باشد بر طبق قوانین اساسی آنها به تصویب رسیده باشد.

مادهٔ ۱۰۹

۱ - به منظور تجدید نظر در این منشور ممکن است در تاریخ و محلی که با آرای دوسوم از اعضای مجمع عمومی و آرای نه عضو شورای امنیت معین خواهد شد، یک کنفرانس عمومی از اعضاي ملل متحد تشکیل گردد. در کنفرانس مزبور هر عضو ملل متحد یک رأی خواهد داشت.

۲ - هر تغییری در این منشور که به موجب آرای دوسوم از اعضای کنفرانس توصیه شده باشد زمانی لازم‌الاجرا خواهد گردید که توسط دوسوم از اعضای ملل متحد که شامل تمام اعضای دائم شورای امنیت باشد بر طبق مقررات قوانین اساسی آنها به تصویب رسیده باشد.

۳ - هر گاه یک چنین کنفرانسی قبل از دهمین دورهٔ اجلاسیهٔ سالانهٔ مجمع عمومی پس از لازم‌الاجرا شدن این منشور تشکیل نشده باشد، پیشنهاد دعوت این کنفرانس باید در دستور جلسهٔ دورهٔ اجلاسیهٔ مذکور مجمع عمومی قرار گیرد و در صورتی که اعضاء مجمع عمومی با اکثریت آرا و رأی هر گونه هفت عضو شورای امنیت تصمیم به تشکیل آن بگیرد کنفرانس مزبور تشکیل خواهد شد.

فصل نوزدهم
تصویب و امضاء

مادهٔ ۱۱۰

۱ - این منشور به وسیلهٔ کشورهای امضاء کننده بر طبق قواعد قانون اساسی هر یک از آنها به تصویب

خواهد رسید.

۲ - اسناد تصویب باید به دولت ایالات متحدهٔ آمریکا تسلیم گردد و دولت مذکور کلیهٔ کشورهای امضاء کننده ودبیر کل را وقتی که انتخاب شد از وصول هر سند تصویبی مطلع خواهد ساخت.

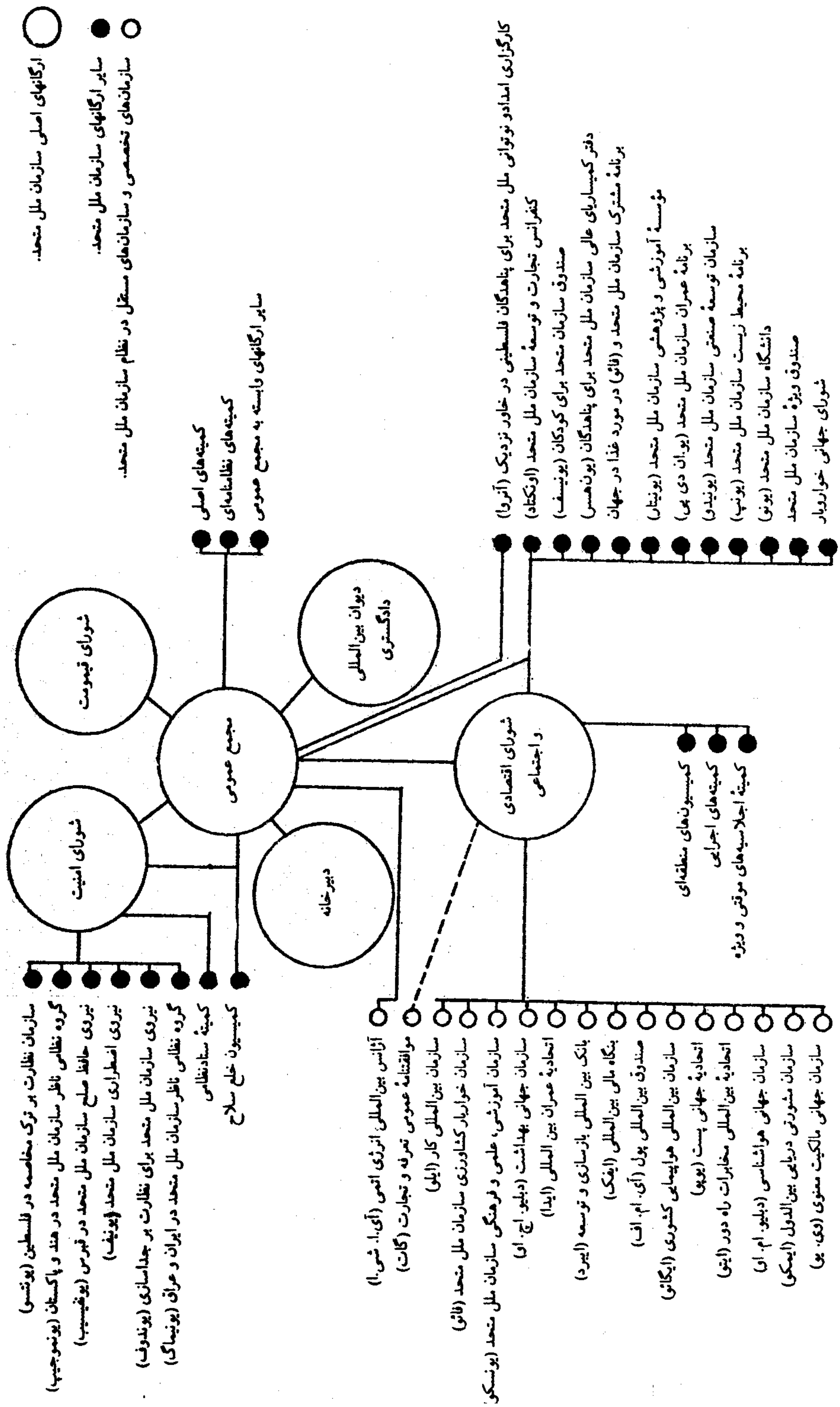
۳ - این منشور پس از آنکه اسناد تصویب آن را جمهوری چین، فرانسه، اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی، دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و ایالات متحدهٔ آمریکا و اکثریت سایر کشورهای امضاء کننده تسلیم کردند، لازم‌الاجراء خواهد شد. صورت مجلسی از اسناد تصویب که تسلیم شده است توسط دولت ایالات متحدهٔ آمریکا تنظیم و نسخ آن برای کلیهٔ کشورهای امضاء کننده فرستاده خواهد شد.

۴ - کشورهای امضاء کنندهٔ این منشور که آن را پس از لازم‌الاجراء شدن تصویب نمایند از تاریخ تسلیم سندتصویب، خود از اعضای اصلی ملل متحد خواهند شد.

مادهٔ ۱۱۱

این منشور که متنهای چینی، فرانسوی، روسی،انگلیسی و اسپانیایی آن داری اعتبار مساوی است در بایگانی دولت ایالات متحدهٔ آمریکا تودیع شده و رونوشت مصدق آن به موقع توسط دولت مزبور برای دولتهای سایر کشورهای امضاء کننده فرستاده خواهدشد.

بنابه مراتب مذکور نمایندگان دولتهای ملل متحد این منشور را امضاء نمودند؛ در شهر سانفرانسیسکو در روز بیست و ششم ژوئن یکهزار و نهصد و چهل و پنج به امضاء رسید.


ارکانهای اصلی سازمان ملل متحد.
سایر ارکانهای سازمان ملل متحد.
سازمانهای تخصصی و سازمانهای مستقل در نظام سازمان ملل متحد.
شورای امنیت
شورای قیمومت
مجمع عمومی
دیوان بین‌المللی دادگستری
دبیرخانه
شورای اقتصادی و اجتماعی
کمیته‌های اصلی
کمیته‌های نظامنامه‌ای
سایر ارکانهای وابسته به مجمع عمومی
کارگزاری امدادو نوآوی ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک (آنروا)
کنفرانس تجارت و توسعهٔ سازمان ملل متحد (آنکتاد)
صندوق سازمان ملل متحد برای کودکان (یونیسف)
دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان (یونهسر)
برنامهٔ مشترک سازمان ملل متحد و (فائو) در مورد غذا در جهان
مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی سازمان ملل متحد (یونیتار)
برنامهٔ عمران سازمان ملل متحد (یو.ان دی پی)
سازمان توسعهٔ صنعتی سازمان ملل متحد (یونیدو)
برنامهٔ محیط زیست سازمان ملل متحد (یونپ)
دانشگاه سازمان ملل متحد (یونو)
صندوق ویژهٔ سازمان ملل متحد
شورای جهانی خواروبار
کمیسیونهای منطقه‌ای
کمیته‌های اجرایی
کمیتهٔ اجلاسیه‌های موقتی و ویژه
سازمان نظارت بر ترک مخاصمه در فلسطین (یونتسو)
گروه نظامی ناظر سازمان ملل متحد در هند و پاکستان (یونموجیپ)
نیروی حافظ صلح سازمان ملل متحد در قبرس (یونفیسیپ)
نیروی اضطراری سازمان ملل متحد (یونیف)
نیروی سازمان ملل متحد برای نظارت بر جداسازی (یوندوف)
گروه نظامی ناظرسازمان ملل متحد در ایران و عراق (یونیماگ)
کمیتهٔ ستادنظامی
کمیسیون خلع سلاح
آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (آی.ا. ئی.ا)
موافقتنامهٔ عمومی تعرفه و تجارت (گات)
سازمان بین‌المللی کار (ایلو)
سازمان خواربار کشاورزی سازمان ملل متحد (فائو)
سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)
سازمان جهانی بهداشت (دبلیو. اچ. او)
اتحادیهٔ عمران بین المللی (ایدا)
بانک بین المللی بازسازی و توسعه (ایبرد)
بنگاه مالی بین‌المللی (ایفک)
صندوق بین‌المللی پول (آی. ام. اف)
سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو)
اتحادیهٔ جهانی پست (یوپو)
اتحادیهٔ بین‌المللی مخابرات راه دور (ایتو)
سازمان جهانی هواشناسی (دبلیو. ام. او)
سازمان مشورتی دریایی بین‌الدول (ایمکو)
سازمان جهانی مالکیت معنوی (دی. یو)

۳۱:

اســـاس‌نامه دیـــوان بین‌المللی دادگستری ...

اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری[1]

مادهٔ ۱:

دیوان بین‌المللی دادگستری که به موجب منشور ملل متحد به عنوان رکن مهم قضائی سازمان تأسیس شده بر طبق مقررات این اساس‌نامه تشکیل یافته و انجام وظیفه خواهد نمود.

فصل اول
در تشکیل دیوان

مادهٔ ۲:

دیوان بین‌المللی دادگستری عبارت است از یک هیئت قضات مستقل که بدون توجه بملیت آنها از میان کسانی انتخاب میگردند که عالی ترین مقام اخلاقی را دارا بوده و هر یک واجد شرایطی باشند که برای انجام مشاغل علی قضایی در کشور خودشان لازم میباشد ویا از جمله متبحرین در علم حقوق باشند که تخصص آنها در حقوق بین‌المللی شهرت بسزایی دارد.

مادهٔ ۳:

۱ - دیوان مزبور مرکب است ازپانزده عضو بدون اینکه درمیان آنهابیش از یکنفر تبعهٔ همان‌دولت باشد.

۲ - دراین مورد کسی که ممکن است تبعهٔ بیش از یکدولت محسوب گردد تبعهٔ کشوری محسوب

---

۱ - نقل از: حقوق بین‌الملل عمومی ج ۳. صفحات ۸۹۴ تا ۸۷۶ تألیف دکتر محمد صفدری.

خواهد شد که معمولا در آنجا حقوق مدنی و سیاسی خود را بموقع اجرامیگذارد.

مادهٔ ۴:

۱ - اعضای دیوان بین‌المللی دادگستری را مجمع و شورای امنیت از میان صورت اشخاصی که بوسیلهٔ دستجات‌ملی مربوط به دیوان دایمی داوری پیشنهاد میگردند بر طبق مقررات زیر انتخاب مینمایند.

۲ - در مورد اعضای ملل متحد که در دیوان دایمی داوری نماینده ندارند داوطلبان بوسیلهٔ دستجاب ملی پیشنهاد خواهند شد که دولتهای آن اعضاء برای این منظور و بر طبق شرایطی که بموجب مادهٔ ۴۴ قرارداد لاهه مورخ ۱۹۰۷ راجع به تسویه مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی برای اعضای دیوان دایمی داوری مقرر است معین میگردند.

مادهٔ ۵:

۱ - سه ماه قبل از تاریخ انتخابات رئیس کل دبیرخانه ملل متحد اعضای دیوان دایمی داوری راکه تبعهٔ دولتهای امضاء کننده این اساس‌نامه می‌باشند و همچنین اعضای دستجاب ملی راکه بر طبق فقرهٔ دوم مادهٔ ۴ معین شده‌اند کتباً دعوت می‌نماید تا در مدت معینی بمعرفی اشخاصی که موقعیت اشغال مقام عضویت دیوان بین‌المللی دادگستری را حائز میباشند مبادرت کنند.

۲ - هیچ دسته‌ای نمی‌تواند در هیچ مورد بیش از چهار نفر که منتها دو نفر آنها از ملیت خود آن دسته باشد معرفی کند و در هیچ موقع ممکن نیست بیش از دو برابر عدهٔ جاهای خالی پیشنهاد نمود.

مادهٔ ٦:

به هر دستهٔ ملی توصیه می‌شود که قبل از اقدام بتعیین داوطلبان از عالی ترین دیوان قضایی و از دانشکده‌های حقوق و فرهنگستانهای ملی و شعبات ملی فرهنگستانهای بین‌المللی که مخصوص مطالعات در علم حقوق میباشند استشاره نماید.

مادهٔ ۷:

۱ - رئیس کل دبیرخانه صورتی از اسامی کسانی راکه باین طریق معرفی شده‌اند بترتیب حروف تهجی تنظیم می‌نماید فقط این اشخاص قابل انتخاب خواهند بود مگر در موردیکه بموجب فقره دوم از مادهٔ ۱۲ پیش بینی شده است .

۲ - رئیس کل دبیرخانه اینصورت را به‌اطلاع مجمع عمومی و شورای امنیت می‌رساند.

مادهٔ ۹:

در هر انتحاب، انتخاب کنندگان باید در مد نظر بگیرند که اشخاصی که برای عضویت دیوان بین‌المللی دادگستری معین میشوند نه فقط باید شخصاً دارای شرایط مقرر باشند بلکه مجموعاً بتوانند نماینده اقسام بزرگ تمدنها و مهمترین اسلوبهای قضایی جهان نیز باشند.

مادهٔ ۱۰:

۱ -کسانی منتخب محسوب میگردند که هم در مجمع عمومی و هم در شورای امنیت دارای اکثریت

تام بوده‌اند.

۲ - در رأی شورای امنیت خواه برای انتخاب قضات و خواه برای تعیین اعضای کمیسیون مقرر در مادهٔ ۱۲ هیچ فرقی بین اعضای دایم و غیر دایم شورای امنیت گذاشته نخواهد شد.

۳ - هر گاه آرای مجمع عمومی و شورای امنیت به بیش از یکنفر از اتباع یک دولت داده شود فقط مسن ترین آنها انتخاب میگردد.

مادهٔ ۱۱:

هر گاه پس از جلسه اول انتخابات باز صندلیهای خالی باقی بماند به طریق مذکور فوق به انتخابات دوم و در صورت لزوم به انتخابات سوم نیز مبادرت میگردد.

مادهٔ ۱۲:

۱ - هر گاه پس از سومین جلسه انتخابات باز صندلی خالی بماند ممکن است در هر موقع خواه به درخواست مجمع عمومی خواه به درخواست شورای امنیت کمیسیون میانجی مرکب از شش عضو که سه نفر از آنها را مجمع عمومی و سه نفر دیگر را شورای امنیت معین می‌کند تشکیل شود تا برای هر صندلی خالی اسم یکنفر را به اکثریت تام معین و آن را بمنظور انتخاب جداگانه به‌مجمع عمومی و به‌شورای امنیت پیشنهاد کنند.

۲ - کمیسیون میانجی می‌تواند اسم هر شخصی را که دارای شرایط مقرر بوده و حائز اتفاق آرای اعضای کمیسیون باشد درصورت اسامی منظور دارد ولو اینکه اسم آن شخص در صورت اسامی اشخاصی که بموجب مادهٔ هفت معرفی شده‌اند موجود نباشد.

۳ - هر گاه کمیسیون میانجی تشخیص دهد که نمی‌تواند بتأمین انتخاب موفق گردد اعضای دیوان بین‌المللی دادگستری که قبلا معین شده‌اند جاهای خالی را در مدتی که از طرف شورای امنیت معین می‌شود و از میان اشخاصی که در مجمع عمومی و در شورای امنیت دارای رأی بوده‌اند پر می‌کنند.

۴ - هر گاه آرای قضات متساویاً تقسیم شود رأی مسن ترین آنها قاطع خواهد بود.

مادهٔ ۱۳:

۱ - اعضای دیوان بین‌المللی دادگستری برای مدت ۹ سال انتخاب شده وقابل تجدید انتخابات نیز خواهند بود. معذلک در مورد قضاتیکه در انتخابات اولی اعضای دیوان معین میگردند مأموریت ۵ نفر از آنها در انقضای ۳ سال و مأموریت پنج نفر دیگر در آخر شش سال خاتمه پذیر میشود.

۲ - قضاتی راکه مأموریت آنها باید در دوره اولی سه ساله و شش ساله خاتمه یابد رئیس کل دبیرخانه فوراً پس از ختم اولین انتخابات بوسیله قرعه معین می‌کند.

۳ - اعضای دیوان مادام که جانشین آنها معین نشده است در شغل خود باقی خواهند بود و پس از تعیین جانشین نیز بکارهاییکه قبلا بآنها رجوع شده است رسیدگی خواهند کرد.

۴ - در صورت استعفای یکی از اعضای دیوان بین‌المللی دادگستری آن استعفا به رئیس دیوان مزبور

داده میشود تا به رئیس کل دبیرخانه ابلاغ گردد. بمحض این ابلاغ صندلی ، عضو مستعفی خالی محسوب می‌شود.

مادهٔ ۱۴:

پر کردن صندلی‌های خالی باقید رعایت ترتیب ذیل بهمان طریقی بعمل میآید که برای انتخابات اولی مقرراست رئیس کل دبیرخانه باید در ظرف یکماه از تاریخ خالی شدن صندلی دعوتی را که به‌موجب مادهٔ مقرر شده به‌عمل آورد و تاریخ انتخابات بوسیله شورای امنیت معین خواهد شد.

مادهٔ ۱۵:

مدت مأموریت عضو منتخب بجای عضو دیگر که هنوز مدت مأموریت او تمام نشده است همان بقیه مدت سلف او خواهد بود.

مادهٔ ١٦:

۱ - اعضای دیوان نمی‌توانند هیچ مأموریت سیاسی یا اداری بعهده بگیرند و یا به شغلی مشتغل گردند که جنبه حرفه‌ای داشته باشد.

۲ - در صورت تردید حکم دیوان قطعی است.

مادهٔ ۱۷:

۱ - اعضای دیوان نمی‌توانند در هیچ کاری سمت نمایندگی یا مشاوری و یا وکالت داشته باشند.

۲ - آنها نمی‌توانند در تسویه هیچ کاری که سابقاً در آن کار بسمت نمایندگی یا مشاوری و یا وکالت یکی از طرفین و یا بسمت عضویت یک محکمه ملی و یا بین‌المللی و یا یک هیأت تحقیقی و یا بهر عنوان دیگری مداخله داشته‌اند شرکت کنند.

۳ - در صورت تردید حکم دیوان قاطع خواهد بود.

مادهٔ ۱۸:

۱ - اعضای دیوان را نمی‌توان از شغل خود منفصل نمود مگر در صورتیکه سایر اعضاء متفقاً رأی دهند که دیگر آن عضو واجد شرایط مقرر نمی‌باشد.

۲ - دفتردار دیوان مراتب را رسماً به‌رئیس کل دبیرخانه اطلاع می‌دهد.

۳ - بمحض این ابلاغ صندلی عضو منفصل خالی محسوب می‌شود.

مادهٔ ۱۹:

اعضای دیوان دراجرای وظایف خود دارای مزایا و مصونیت های سیاسی خواهند بود.

مادهٔ ۲۰:

هر عضو دیوان باید قبل از تصدی شغل خود در جلسه علنی رسماًتعهد نماید که مشاغل خود را در کمال بیطرفی و از روی نهایت و جدان انجام خواهد داد.

مادهٔ ۲۱:

۱ - دیوان بین‌المللی دادگستری رئیس و نایب رئیس خود را برای مدت سه سال معین می‌نماید تجدید انتخاب آنها جایز است.

۲ - دیوان دفتردار و هر کارمند دیگری را که لازم باشد معین می‌نماید.

مادهٔ ۲۲:

۱ - مقر دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه خواهد بود معذلک دیوان مزبور می‌تواند در صورتیکه مناسب بداند در جای دیگر منعقد گشته و اجرای وظیفه نماید.

۲ - رئیس و دفتردار دیوان بین‌المللی در مقر دیوان مقیم خواهند بود.

مادهٔ ۲۳:

۱ - دیوان بین‌المللی دادگستری همیشه در حال اشتغال خواهد بود مگر هنگام تعطیلات قضایی که اوقات و مدت آنرا خود دیوان معین می‌نماید.

۲ - اعضای دیوان حق گرفتن مرخصی‌های مرتب دارند تاریخ و مدت این مرخصی‌ها را خود دیوان با در نظر گرفتن مسافت بین لاهه و خانه اصلی اعضاء معین خواهد نمود.

۳ - جز در موارد مرخصی و یا عدم امکان حضور بعلت ناخوشی یا بهر علت مهم دیگری که صحت آنرا رئیس دیوان تشخیص میدهد اعضای دیوان بین‌المللی دادگستری باید همیشه تحت اختیار دیوان مزبور باشند.

مادهٔ ۲۴:

۱ - هرگاه نظر بعلت خاصی یکی از اعضای دیوان تشخیص دهد که نباید در رسیدگی بیک کار معینی شرکت نماید مراتب را به اطلاع رئیس می‌رساند.

۲ - هرگاه در چنین مواردی بین رئیس و عضو دیوان اختلاف نظر باشد رأی خود دیوان قاطع خواهد بود.

مادهٔ ۲۵:

۱ - دیوان بین‌المللی دادگستری باید اختیارات خود را در جلسه علنی انجام دهد مگر اینکه بموجب این اساس‌نامه استثنای صریح شده باشد.

۲ - با قید اینکه عده قضات حاضر برای تشکیل دیوان بین‌المللی دادگستری بکمتر از دوازده نرسد نظامنامه دیوان مزبور میتواند مقرر دارد که یک یا چند نفر از قضات بنوبت و برحسب اوضاع ممکن است از شرکت در جلسات معاف گردند.

۳ - برای اینکه دیوان بتواند تشکیل گردد حد نصاب نه نفر کافی خواهد بود.

مادهٔ ۲۶:

۱ - دیوان بین المللی دادگستری می‌تواند در هر موقع بنابه تشخیص خود یک یا چند شعبه که لااقل

مرکب از سه نفر باشد تشکیل دهد تا بدعاوی از یک طبقه معین مثلا بدعاوی راجع بکار و یا راجع به ترانزیت و ارتباطات رسیدگی نماید.

۲ - دیوان مزبور می‌تواند در هر موقع برای رسیدگی بیک کار معین شعبه‌ای تشکیل دهد عده قضات این شعبه را خود دیوان با رضایت طرفین دعوی معین می‌نماید.

۳ - شعبه‌های مذکور در این ماده در صورتی که طرفین تقاضا نمایند حکم خواهند داد.

مادهٔ ۲۷:

هر حکمی که بوسیلهٔ شعبه‌های مذکور در مادهٔ ۲۶ و ۲۹ داده شود بمنزلهٔ حکمی خواهد بود که خود دیوان داده باشد.

مادهٔ ۲۸:

شعبه‌های مذکور در مادهٔ ۲۶ و ۲۹ می‌توانند با رضایت طرفین در خارج از لاهه منعقد گشته و اجرای وظیفه نمایند.

مادهٔ ۲۹:

بمنظور پیشرفت سریع امور همه ساله دیوان بین‌المللی دادگستری یک شعبه مرکب از پنج قاضی تشکیل خواهد داد تا در صورت درخواست طرفین رسیدگی اختصاری نمایند. بعلاوه دو نفر قاضی نیز معین خواهند شد تا جای هر قاضی را که نتواند در محاکمه شرکت کند بگیرند.

مادهٔ ۳۰:

۱ - دیوان بین‌المللی دادگستری بموجب آئین‌نامه طرز انجام وظایف و اختیارات و مخصوصاً آئین دادرسی خود را معین مینماید.

۲ - آئین نامه دیوان مزبور میتواند وجود معاونینی را پیش بینی نماید که در خود دیوان یا در شعبه‌های آن بدون داشتن حق رأی حضور بهمرسانند.

مادهٔ ۳۱:

۱ - قضاتیکه ملیت هر یک از طرفین دعوی را دارند حق خواهند داشت در رسیدگی بدعوایی که در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح است شرکت نمایند.

۲ - اگر در دیوان مزبور یک قاضی از ملیت یکی از اطراف دعوی باشد هر طرف دیگر می‌تواند شخصی را به انتخاب خود معین نماید تا بعنوان قاضی شرکت در محاکمه کند.

این شخص باید حتی‌الامکان از میان کسانی انتخاب گردد که بر طبق مادهٔ ۴ و ۵ معرفی شده‌اند.

۳ - هر گاه در میان قضات دیوان هیچکس از ملیت اطراف دعوی وجود نداشته باشد هر یک از آنها میتواند یکنفر قاضی بطریقی که در فقره پیش مذکور است معین کند.

۴ - مفاد این ماده در مورد مادهٔ ۲۶ و ۲۹ نیز رعایت خواهد شد.

دراین مورد رئیس دیوان از یک و عندالاقتضا از ۲ نفر از اعضای دیوان که شعبه را تشکیل می‌دهند تمنا

خواهد کرد که جای خود را باعضائیکه ملیت اطراف ذینفع را دارند واگذار کنند و اگر در میان اعضاء عضوی از ملیت اطراف دعوی نباشد ویا در صورت بودن آن عضو نتواند در محاکمه شرکت کند جای خود را بقضاتی واگذار کنند که اطراف دعوی مخصوصاً معین کرده‌اند.

۵ - هر گاه در یک محاکمه چندین طرف مشترک المنفعه باشند تمام آنها از حیث اجرای مقررات فوق در حکم یک طرف خواهد بود. در صورت تردید حکم دیوان قاطع است.

۶ - قضاتی که بنحو مذکور در فقرهٔ ۲ و ۳ و ۴ این ماده معین می‌شوند باید مقررات مادهٔ ۲ و فقرهٔ دوم از مادهٔ ۱۷ و همچنین مقررات مادهٔ ۲۰ و ۲۴ این اساس‌نامه در باره آنها رعایت گردد قضات مزبور در پایه تساوی کامل با همقطاران خود شرکت در رأی خواهند کرد.

مادهٔ ۳۲:

۱ - اعضای دیوان مقرری سالیانه دریافت خواهند نمود.

۲ - به رئیس دیوان فوق‌العادهٔ مخصوص سالیانه پرداخت می‌شود.

۳ - نایب رئیس دیوان برای هر روزیکه شغل ریاست را انجام می‌دهد فوق‌العادهٔ مخصوص دریافت خواهد داشت.

۴ - قضات غیر از اعضای دیوان که بموجب مادهٔ ۳۱ معین می‌شوند برای هر روز که انجام وظیفه می‌نمایند حق‌الزحمه‌ای دریافت خواهند نمود.

۵ - مقرری و فوق‌العاده و حق‌الزحمه‌های مذکور در فوق را مجمع عمومی معین می‌نماید میزان آنها را نمی‌توان در مدت مأموریت قضات پائین آورد.

۶ - مقرری دفتردار را مجمع عمومی بنابه پیشنهاد دیوان تعیین خواهد کرد.

۷ - شرایطی راکه بموجب آن در بارهٔ قضات دیوان بین‌المللی دادگستری و دفتردار آن مبلغی به عنوان وظیفه برقرارمی‌گردد و همچنین شرایطی را که بر طبق آن باید مخارج سفر قضات و دفتردار بآنها مسترد گردد آئین‌نامه‌ای معین خواهد نمود که به تصویب مجمع عمومی می‌رسد.

۸ - مقرری و فوق‌العاده و حق‌الزحمه‌ها از هر مالیات معاف می‌باشند.

مادهٔ ۳۳:

مخارج دیوان بین المللی دادگستری بنحویکه از طرف مجمع عمومی معین می‌شود بعهدهٔ ملل متحد خواهد بود.

فصل دوم
در صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری

مادهٔ ۳۴:

۱ - فقط دولتها می‌توانند بدیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند.

۲ - دیوان مزبور می‌تواند بر طبق شرایط مقرر در آئین‌نامه خود در مورد دعاوی که بدیوان رجوع شده است از مؤسسه‌های بین‌المللی عمومی اطلاعات بخواهد و نیز اطلاعاتی را که این مؤسسات مبتکراً بدیوان میدهند دریافت خواهدداشت.

۳ - هر گاه در ضمن دعوایی که بدیوان رجوع گردیده تفسیر سند تأسیس یک مؤسسه بین‌المللی عمومی و یا تفسیر قراردادبین‌المللی که بموجب آن سند قبول شده است مطرح مباحثه گردد دفتر دیوان باید مراتب را با تمام قسمتهای کتبی محاکمه باطلاع آن مؤسسه برساند.

مادهٔ ۳۵:

۱ - دولتهای امضاء کنندهٔ این اساس‌نامه حق رجوع بدیوان بین‌المللی دادگستری دارند.

۲ - شرایطی که بموجب آن سایر دولتها می‌توانند با رعایت مقررات خاص عهدنامه‌های جاری بدیوان مزبور رجوع کنند از طرف شورای امنیت معین خواهد شد بدون اینکه در هیچ مورد در آن شرایط برای اطراف دعوی یک عدم تساوی در مقابل دیوان تولید گردد.

۳ - هر گاه دولتی که عضو ملل متحد نمی باشد طرف دعوی واقع گردد دیوان بین‌المللی دادگستری سهمیه‌ای را که باید آن دولت در مخارج دیوان متحمل گردد معین خواهد نمود. معذلک اگر آن دولت در مخارج دیوان شرکت داشته باشد دیگر اجرای این حکم مورد نخواهد داشت.

مادهٔ ۳۶

۱ - دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت بکلیه اموریکه اطراف دعوی باو رجوع می‌کنند و همچنین نسبت بموارد خاصی که بموجب منشور ملل متحد یا بموجب عهدنامه و قراردادهای جاری پیش‌بینی شده است صلاحیت رسیدگی دارد.

۲ - دولتهای امضاء کننده این اساس‌نامه می‌توانند در هر موقع اعلام دارند که قضاوت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را نسبت بتمام اختلافاتیکه جنبه قضایی داشته و مربوط بموضوعات ذیل باشد در مقابل هر دولت دیگری که این تعهد را متقبل گردد بخودی خود وبدون قرارداد خاصی قبول می‌نمایند:

الف - تفسیر یک عهدنامه.

ب - هر مسأله که موضوع حقوق بین‌المللی باشد.

ج - حقیقت هر امری که در صورت ثبوت نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب میگردد.

د - نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی داده شود.

۳ - اعلامیه مذکور در بالا ممکن است بدون هیچ قید و یا بشرط معامله متقابله با چند دولت و یا با بعضی از آنها و یا برای مدت معینی بعمل آید.

۴ - این اعلامیه‌ها به رئیس کل دبیرخانه ملل متحد تسلیم میگردد و مشارالیه رونوشت آنرا به امضاء کنندگان این اساس‌نامه و همچنین به دفتر دیوان بین‌المللی دادگستری ارسال می‌دارد.

۵ - اعلامیه‌هائیکه بموجب مادهٔ ۳۶ اساس‌نامه دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی برای مدت معینی

بعمل آمده و هنوز آن مدت منقضی نگشته است در روابط بین امضاء کنندگان این اساس‌نامه در حکم آن خواهد بود که قضاوت اجباری بین‌المللی دادگستری برای بقیه مدت مذکور در آن اعلامیه‌ها و بر طبق مقررات آنها قبول شده است.

۶ - درصورت اختلاف راجع به صلاحیت دیوان حکم دیوان قاطع است.

مادهٔ ۳۷:

هرگاه بموجب یک عهدنامه یا قراردادی که هنوز معتبر است ارجاع اختلاف به هیئت قضاتی پیش‌بینی شده باشد که بایستی از طرف جامعهٔ ملل یا دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی تشکیل گردد نسبت به امضاء کنندگان این اساس‌نامه آن هیئت قضات عبارت خواهد بود از دیوان بین‌المللی دادگستری.

مادهٔ ۳۸:

۱ - دیوان بین‌المللی دادگستری که مأموریت دارد اختلافاتی را که باو رجوع میشود بر طبق حقوق بین‌المللی قطع و فصل نماید موازین زیر را اجراء خواهد کرد.

الف - عهدنامه‌های بین‌المللی را اعم از عمومی و خصوصی که بموجب آن قواعدی معین شده است که طرفین اختلاف آن قواعد را صریحاً شناخته‌اند.

ب - رسوم بین‌المللی را بمنزله دلیل یک معمول به عمومی که مثل یک اصل حقوقی قبول شده است.

ج - اصول عمومی حقوقی که مقبول ملل متمدن است.

د - با رعایت حکم مادهٔ ۵۹ تصمیمات قضایی و عقاید برجسته ترین مؤلفین ملل مختلف را بمنزله وسایل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی.

۲ - مقررات این ماده به حقی که دیوان دادگستری بین‌المللی دارد و بموجب آن می‌تواند در صورت تقاضای طرفین در بارهٔ آنها بنحوی تساوی بر طبق قانون حکم دهد خللی وارد نمی‌آورد.

فصل سوم
در آئین دادرسی

مادهٔ ۳۹:

۱ - زبان‌های رسمی دیوان بین‌المللی دادگستری فرانسه و انگلیسی است. هرگاه اطراف دعوی موافقت نمایند که تمام جریان کار بزبان فرانسه بعمل آید حکم نیز بزبان فرانسه امضاء خواهد شد هرگاه اطراف دعوی توافق نمایند براینکه تمام جریان کار بزبان انگلیسی بعمل آید حکم نیز بزبان انگلیسی داده می‌شود.

۲ - در صورت نبودن موافقتی برای تعیین زبانی که باید استعمال شود اطراف دعوی می‌توانند در تقریرات خود هر یک از این دو زبان را که ترجیح میدهند بکار برند و حکم دیوان نیز بفرانسه و انگلیسی داده خواهد شد. در اینصورت خود دیوان معین می‌کند که کدامیک از این دونص معتبر خواهدبود.

۳ - دیوان بدرخواست هر طرفی اجازه خواهد داد که آن طرف زبانی غیر از فرانسه یا انگلیسی بکار برد.

مادهٔ ۴۰:

۱ - دعاوی به اقتضای مورد یا بوسیله ابلاغ توافق اطراف دعوی و یا بوسیله دادخواستی که بدفتردار داده می‌شود بدیوان رجوع می‌شود در هر دو صورت باید موضوع اختلاف و اطراف دعوی معین گردند.

۲ - دفتردار فوراً عرضحال را بهر ذینفعی ابلاغ می‌کند.

۳ - و نیز نامبرده موضوع را بوسیلهٔ رئیس کل دبیرخانه باطلاع اعضای ملل متحد و همچنین باطلاع دولتهائیکه حق رجوع بدیوان دارند می‌رساند.

مادهٔ ۴۱:

۱ - دیوان بین‌المللی دادگستری اختیار دارد در صورتیکه تشخیص دهد که اوضاع و احوال آنرا ایجاب می‌کند تعیین نماید که چه اقداماتی برای حفظ حقوق طرفین باید موقتاً بعمل آید.

۲ - تا صدور حکم قطعی تعیین این اقدامات باید فوراً بطرفین اختلاف و بشورای امنیت ابلاغ گردد.

مادهٔ ۴۲:

۱ - نمایندگی طرفین در دیوان بین‌المللی دادگستری بعهدهٔ کسانی است که از طرف آنها معین می‌شوند.

۲ - طرفین می‌توانند در محضر دیوان از مشاورین حقوقی و یا وکلای دادگستری کمک بگیرند.

۳ - نمایندگان و مشاورین و وکلای طرفین در محضر دیوان دارای مزایا و مصونیت‌هایی خواهند بود که برای انجام آزادانه وظایف آنها لازم می‌باشد.

مادهٔ ۴۳:

۱ - آئین رسیدگی دو مرحله دارد یکی کتبی و دیگری شفاهی.

۲ - آئین کتبی عبارت است از ابلاغ لوایح متقابل و عندالاقتضا جواب آنها بقاضی و بطرف و همچنین از ابلاغ اوراق و مدارک مربوط بدعوی.

۳ - ابلاغ بوسیله دفتردار و بترتیب در مدتی که از طرف دیوان معین می‌شود بعمل می‌آید.

۴ - رونوشت مصدق هر قسم اوراق که یکی از طرفین می‌دهد باید بطرف دیگر ابلاغ شود.

۵ - آئین شفاهی عبارتست از استماع اظهارات شهود و کارشناسان و نمایندگان و مشاورین حقوقی و وکلای دعوی.

مادهٔ ۴۴:

۱ - برای ابلاغ بهر کسی غیر از نمایندگان و مشاورین و وکلای طرفین دیوان بین‌المللی دادگستری باید مستقیماً بدولتی مراجعه کند که ابلاغ در خاک آن دولت تولید اثر خواهد کرد.

۲ - همین ترتیب در صورتی نیز مقرر است که امر راجع باشد باینکه در محل بجمع آوری هر گونه

وسایل اثبات اقدام گردد.

مادهٔ ۴۵:

رسیدگی در تحت ریاست رئیس و درصورت غیبت او تحت ریاست نایب رئیس بعمل می‌آید. در صورتیکه نه رئیس باشد و نه نایب رئیس ریاست بعهده قدیمی ترین قاضی ازمیان قضات حاضر خواهد بود.

مادهٔ ۴۶:

جلسه رسیدگی علنی است مگر اینکه خود دیوان تصمیم دیگری بگیرد یا اینکه طرفین در خواست نمایند که جلسه بدون حضور تماشاچی منعقد گردد.

مادهٔ ۴۷:

۱ – در هر جلسه صورت جلسه‌ای مرتب خواهد شد که بامضای رئیس و دفتردار می‌رسد.

۲ – فقط این صورتجلسه اعتبار سند رسمی خواهد داشت.

مادهٔ ۴۸:

دیوان بین‌المللی دادگستری برای اداره کردن جریان دعوی و تعیین ترتیبات و مهلت‌هایی که باید هر یک از طرفین بر طبق آن آخرین تقاضای خود را از دیوان بنماید قرارهایی صادر و هر اقدامی را که برای اقامهٔ ادله مقتضی باشد بعمل می‌آورد.

مادهٔ ۴۹:

دیوان بین‌المللی دادگستری می‌تواند حتی قبل از شروع به بیانات دفاع طرفین از نمایندگان آنها بخواهد که تمام مدارک را تقدیم و کلیه توضیحات خودشان را بدهند. در صورت امتناع این نکته را دیوان مزبور منظور نظر خواهد داشت.

مادهٔ ۵۰:

درهر موقع دیوان می‌تواند یک تحقق و یا یک کارشناسی را بهر شخص یا هیئت یا دفتر یا کمیسیون و یا مؤسسه‌ای که خود دیوان انتخاب می‌کند. رجوع نماید.

مادهٔ ۵۱:

در جریان محاکمه کلیه سئوالات مقتضی از شهود و کارشناسان بر طبق ترتیباتی بعمل می‌آید که دیوان بین‌المللی دادگستری در آئین‌نامه مذکور در مادهٔ ۳۰ مقرر خواهد داشت.

مادهٔ ۵۲:

پس از آنکه در مواعد مقرر اسناد و مدارک دریافت و اظهارات شهود استماع گردید دیوان می‌تواند هر شهادت و یا مدارک جدیدی را که یکی از طرفین بخواهد بدون رضایت طرف دیگر باو بدهد رد نماید.

مادهٔ ۵۳:

۱ – اگر یکی از طرفین در جلسه رسیدگی حاضر نشود یا از ابراز دلایل خودداری نماید طرف دیگر

می‌تواند از دیوان تقاضا نماید که بر طبق درخواستهای او حکم بدهد.

۲ - قبل از اینکه دیوان این تقاضا را بپذیرد باید مطمئن گردد که نه فقط بر طبق مادهٔ ۳۶ و ۳۷ صلاحیت رسیدگی دارد بلکه درخواست‌های مزبور هم از نقطه نظر حقوقی و هم از نقطه نظر عملی صحیح و با اساس می‌باشد.

مادهٔ ۵۴:

۱ - وقتی که نمایندگان و مشاورین و وکلای طرفین تمام وسایلی را که مفید می‌دانند تحت نظر دیوان بکار بردند رئیس ختم محتکمه را اعلام می‌نماید.

۲ - سپس هیئت دیوان برای مشورت باطاق مشاوره می‌رود.

۳ - مشاوره دیوان باید سری بعمل آمده و سری هم بماند.

مادهٔ ۵۵:

۱ - احکام دیوان با کثریت قضات حاضر صادر می‌شود.

۲ - درصورت تساوی آرا رأی رئیس و یا کسی که جانشین او می‌باشد قاطع خواهد بود.

مادهٔ ٥٦:

۱ - حکم باید موجه باشد.

۲ - اسامی قضاتی که در دادن حکم شرکت کرده‌اند باید در حکم قید گردد.

مادهٔ ۵۷:

هر گاه حکم کلا یا جزئاً باتفاق بآرای قضات صادر نشده باشد هر قاضی حق خواهد داشت شرح عقیده شخصی خود را ضمیمه حکم کند.

مادهٔ ۵۸:

حکم به امضای رئیس و دفتردار رسیده در جلسه علنی که نمایندگان دو طرف حسب‌المقرر بآنجا دعوت شده باشند خوانده می‌شود.

مادهٔ ۵۹:

احکام دیوان فقط در باره طرفین اختلاف و در موردی که موضوع حکم بوده است الزام آور است .

مادهٔ ٦۰:

احکام دیوان قطعی و غیر قابل شکایت است در صورت اختلاف راجع بمعنی و حدود حکم خود دیوان می‌تواند نظر بدرخواست هر طرفی آنرا تفسیرنماید.

مادهٔ ٦۱:

۱ - تجدید نظر از حکم را نمی‌توان از دیوان تقاضا نمود مگر در صورت کشف یک امریکه در قضیه اثر قطعی داشته و قبل از صدور حکم خود دیوان و طرفی که تقاضای تجدید نظر می‌نماید از وجود آن امر اطلاع نداشته‌اند و از ناحیه طرف مزبور هم تقصیری برای این عدم اطلاع نبوده است.

۲ - آئین تجدید نظر طبق حکمی شروع می‌شود که از طرف دیوان صادر شده و بموجب آن صراحتاً وجود امر جدیدی را که دارای کیفیات لازم برای امکان تجدید نظر می‌باشد اشهاد کرده و از این حیث در خواست تجدید نظر را قابل قبول اعلام می‌دارد.

۳ - دیوان می‌تواند شروع آئین تجدید نظر را به اجرای قبلی حِکم متوقف سازد.

۴ - درخواست تجدید نظر باید منتها در ظرف ۶ ماه از تاریخ کشف امر جدید بعمل آید.

۵ - پس از انقضای دهسال از تاریخ حکم هیچ درخواست تجدید نظر امکان پذیر نخواهد بود.

مادهٔ ٦٢:

۱ - هر گاه دولتی تشخیص دهد که در مورد اختلافی برای او یک منفعتی که جنبه قضایی دارد مورد بحث می‌باشد می‌تواند برای ورود بعنوان سوم شخص بدیوان عرضحال بدهد.

۲ - در مورد این تقاضا رأی دیوان قاطع است.

مادهٔ ٦٣:

۱ - هر گاه امر مربوط بتفسیر قراردادی باشد که در آن قرارداد دولتهای دیگر غیر از اطـراف اختلاف شرکت داشته‌اند دفتردار باید بدون درنگ مراتب را باطلاع آن دولتها برساند.

۲ - هر یک از آنها حق دارد که وارد محاکمه شود و در صورت اعمال این حق تفسیری که بموجب حکم دیوان بعمل می‌آید در بارهٔ او نیز الزام آور خواهد بود.

مادهٔ ٦٤:

هریک از اطراف دعوی مخارج محاکمه مربوط بخود را متحمل خواهد شد مگر اینکه دیوان ترتیب دیگری مقرر دارد.

فصل چهارم
در آرای مشورتی

مادهٔ ٦٥:

۱ - دیوان می‌تواند در هر مسألهٔ قضایی به تقاضای هر بنگاه یا مؤسسه‌ای که منشور ملل متحد به او اجازه چنین تقاضا را می‌دهد دو یا بر طبق مقررات آن منشور می‌تواند این اقدام را بعمل آورد رأی مشورتی بدهد.

۲ - مسایلی که در مورد آن رأی مشورتی دیوان خواسته می‌شود باید ضمن عرضحال کتبی بیان و در عرضحال مزبور آن مسایل باید با عبارات صریح شرح داده شود هر قسم مدارکی که ممکن است موجب روشن کردن مسأله باشد بعرضحال ضمیمه می‌گردد.

مادهٔ ٦٦:

۱ - دفتردار فوراً عرضحالی راکه بموجب آن درخواست رأی مشورتی می‌شود بتمام دولتهایی که حق

اقامه دعوی در دیوان دارند ابلاغ می‌نماید.

۲ - بعلاوه دفتردار باید بموجب ابلاغ مخصوص و مستقیم بهر دولتی که حق اقامه دعوی در دیوان دارد و بهر مؤسسه‌ای که بتشخیص دیوان و یا رئیس آن در صورتیکه دیوان نباشد می‌تواند در مورد مسألهٔ موضوع رأی مشورتی معلوماتی بدهد اطلاع دهد که دیوان حاضر است در موعدی که رئیس معین می‌نماید لوایح کتبی دریافت و یا بیانات شفاهی آنها را در جلسه علنی که برای این منظور تشکیل میبابد استماع کند.

۳ - هر گاه یکی از این دولتها که ابلاغ مخصوص منظور در فقرهٔ دوم این ماده نسبت باو بعمل نیامده است بدادن لایحه کتبی و یا به بیان توضیحات شفاهی اظهار میل کند در مورد این تقاضا رأی دیوان قاطع خواهد بود.

۴ - به‌دولتها یا مؤسسه‌هایی که لوایح کتبی یا توضیحات شفاهی داده‌اند اجازه داده می‌شود که لوایح و توضیحات دولتها یا مؤسسات دیگر را بطریق و در مدتی که در هر مورد به خصوص از طرف دیوان و درصورت دایر نبودن آن از طرف رئیس معین می‌شوند تحت مباحثه در آورند و برای این منظور دفتردار در موعد مقتضی لوایح کتبی را به‌دولتها و مؤسساتی که خود آنها نیز لوایحی تقدیم داشته‌اند ارسال می‌دارد.

مادهٔ ٦٧:

دیوان رأی مشورتی خود را در جلسه علنی اعلام می‌دارد مراتب قبلا به رئیس کل دبیرخانه و نمایندگان اعضای ملل متحد و دولتهای دیگر و به نمایندگان تأسیسات بین‌المللی که مستقیماً ذینفع می‌باشند اطلاع داده می‌شود.

مادهٔ ٦٨:

دیوان باید در حین اعمال وظایف مشورتی خود مقررات این منشور را نیز که در مورد اختلافات مطروحه قابل اجرا میباشند در حدودیکه آنها را در رأی مشورتی قابل اعمال بداند در مدنظر بگیرد.

فصل پنجم
اصلاحات

مادهٔ ٦٩:

اصلاحات این اساس‌نامه به همان طریقی بعمل می‌آید که برای اصلاحات منشور ملل متحد مقرراست ولی مقرراتی که مجمع عمومی بنا به توصیه شورای امنیت برای شرکت دولتهایی اتخاذ مینماید که این اساس‌نامه را امضاء کرده ولی عضو ملل متحد نمی‌باشند باید رعایت گردد.

مادهٔ ۷۰:

دیوان می‌تواند اصلاحاتی راکه به تشخیص او لازم است در این اساس‌نامه بعمل آید بوسیله ابلاغ کتبی به رئیس کل دبیرخانه پیشنهاد نماید تا طبق مقررات مادهٔ ۶۹ مورد رسیدگی واقع شود.

دفتر دوم
قراردادهای ژنو

۳۲:

قانون اجـازه الحـاق دولت ایـــران بـه قـراردادهـای معروف به قراردادهای ژنو...

قانون اجازهٔ الحاق دولت ایران به قراردادهای معروف به قرارداد ژنو[۱]
مصوب ۱۳۳۴/۹/۳۰

مادهٔ واحده – مجلس شورای ملی الحاق دولت ایران را به قراردادهای معروف بقرارداد ژنو بشرح زیر:

۱ – قرارداد راجع به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردوکشی.

۲ – قرارداد راجع به بهبود سرنوشت مجروحین و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا.

۳ – قرارداد راجع به معامله با اسیران جنگی.

۴ – قرارداد راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ.

که در تاریخ هفدهم آذر ماه یکهزارو سیصدوبیست‌وهشت مطابق هشتم دسامبر یکهزارونهصدو چهل‌و نه در ژنو امضاء شده است تصویب می‌نماید.

---

۱ – مجموعه قوانین دورهٔ هیجدهم قانونگذاری . صفحه ۳۰۷ –

۳۳:

قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخم‌داران و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردوکشی...

قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخمداران وبیماران در نیروهای مسلح هنگام اردوکشی مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ کنفرانس سیاسی ژنو

امضاء کنندگان زیر نمایندگان مختار دولتهای شرکت کننده در کنفرانس سیاسی که از ۲۱ آوریل تا ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در شهر ژنو به منظور تجدید نظر در قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردوکشی مورخ ۲۷ ژویه ۱۹۴۹ تشکیل یافته نسبت به مراتب مشروحهٔ زیر توافق حاصل نمودند:

فصل اول
مقررات عمومی

مادهٔ ۱:

دولتهای معظمهٔ متعاهد تقبل می‌نمایند که این قرارداد را در هر مورد رعایت نموده به موقع اجرا گذارند.

مادهٔ ۲:

علاوه بر مقرراتی که باید در زمان صلح بموقع اجراگذاشته شود این قرارداد در صورت جنگ رسمی یا هر گونه مخاصمهٔ مسلحانه که بین دو یا چند دولت از دول معظمه متعاهد روی دهد بموقع اجرا گذارده خواهد شد ولو آنکه یکی از آن دول وجود حالت جنگ را تصدیق نکرده باشد.

این قرارداد در هر مورد که تمام یا قسمتی از خاک یکی از دول معظمهٔ متعاهد اشغال شود نیز بموقع اجراگذاشته خواهد شد ولو آنکه اشغال مزبور با هیچگونه مقاومت نظامی مواجه نشده باشد.

هر گاه یکی از دول متخاصم عضو این قرارداد نباشد دولتهای متخاصم دیگر که در این قرارداد شرکت کرده اند در روابط متقابل خود تابع این قرارداد خواهند بود و چنانچه آن دولت مقررات این قرارداد را قبول و اجرا کند در مقابل او نیز ملزم باجرای این قرارداد خواهند بود.

مادهٔ ۳:

چنانچه نزاع مسلحانه جنبهٔ بین‌المللی نداشته باشد و در خاک یکی از دول معظمهٔ متعاهد روی دهد هر یک از متخاصمین مکلفند که لااقل مراتب ذیل را رعایت نمایند:

۱ - با کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند بانضام افراد نیروهای مسلحی که اسلحه بزمین گذاشته باشند یا کسانی که بعلت بیماری یا زخم یا اسارت یا هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند باید در همه احوال بدون هیچگونه تبعیضی که ناشی از نژاد. رنگ . عقیده. جنس. اصل و نسب یا ثروت یا هر علت مشابه آن باشد با اصول انسانیت رفتار شود.

اعمال ذیل در مورد اشخاص مذکور بالا در هر زمان و در هر مکان ممنوع است و خواهد بود:

الف - لطمه بحیات یا تمامیت بدنی منجمله قتل به تمام اشکال آن. زخم زدن. رفتار بیرحمانه. شکنجه و آزار.

ب - اخذ گروگان.

ج - لطمه بحیثیت اشخاص منجمله تحقیر و تخفیف.

د - محکومیت و اعدام بدون حکم دادگاهی که صحیحاً تشکیل شده و جامع تضمینات قضائی که ملل متمدن ضروری می‌دانند باشد.

۲ - زخمداران و بیماران باید جمع آوری و پرستاری شوند.

یک دستگاه نوعپروری بیطرف مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند خدمات خود را به متخاصمین عرضه دارد.

گذشته از مراتب فوق متخاصمین سعی خواهندکرد تمام یا قسمتی از سایر مقررات این قرارداد را نیز از طریق موافقت‌نامه‌های مخصوص به موقع اجراگذارند.

اجرای مقررات فوق اثری در وضع حقوقی متخاصمین نخواهد داشت.

مادهٔ ۴:

دولتهای بیطرف نیز مقررات این قرارداد را دربارهٔ زخمداران و بیماران و افراد کارکنان بهداری و مذهبی متعلق به نیروهای مسلح متخاصمین که در خاک کشورشان پذیرفته یا بازداشت می‌شوند و همچنین در بارهٔ مرگان به موقع اجرا خواهند گذاشت.

مادهٔ ۵:

در مورد اشخاص تحت حمایت این قرارداد که بدست دشمن بیفتند این قرارداد تا زمان اعادهٔ قطعی آنان به میهنشان اجرا خواهد شد.

مادهٔ ٦:

علاوه بر موافقت نامه‌هائی که صریحاً در مواد ۱۰ - ۱۵ - ۲۳ - ۲۸ - ۳۱ - ۳۶ و ۳۷ پیش‌بینی شده دولتهای معظمهٔ متعاهد می‌توانند موافقت‌نامه‌های اختصاصی دیگری نیز در باب هر مسئله که حل آنرا اختصاصاً مقتضی بدانند منعقد سازند. هیچ موافقتنامه اختصاصی نمی‌تواند بوضع زخمداران و بیماران و همچنین به وضع افراد کارکنان بهداری و مذهبی به نحوی که بموجب این قرارداد معلوم گردیده لطمه وارد آورد و یا حقوقی را که این قرارداد بآنان اعطا کرده تقلیل دهد.

زخمداران و بیماران و همچنین افراد کارکنان بهداری و مذهبی در تمام مدتی که این قرارداد شامل آنان می‌باشد از مزایای آن موافقت‌نامه‌ها برخوردار خواهند بود مگر آنکه در موافقتنامه‌های مزبور یا در موافقتنامه‌های بعدی صریحاً مقرراتی مغایر آن منظور شده باشد و یا اقدامات مساعدتری در بارهٔ آنان بتوسط یکی از دول متخاصم اتخاذ گردیده باشد.

مادهٔ ۷:

زخمداران و بیماران و همچنین افراد کارکنان بهداری و مذهبی نمی‌توانند در هیچ حالی از تمام یا قسمتی از حقوقی که این قرارداد یا احیاناً موافقتنامه‌های اختصاصی موضوع مادهٔ قبل در بارهٔ آنان تأمین نموده صرفنظر کنند.

مادهٔ ۸:

این قرارداد با معاضدت و تحت نظارت دول حامی که مأمور حفظ منافع دول متخاصمند اجرا خواهد شد. برای این منظور دول حامی می‌توانند علاوه بر مأمورین سیاسی یا کنسولی خود نمایندگانی از میان اتباع خود یا اتباع دول بیطرف دیگر تعیین نمایند.

تعیین نمایندگان مزبور باید مورد پذیرش دولتی قرار گیرد که نمایندگان نزد آن دولت انجام وظیفه خواهند کرد.

مأمورین یا نمایندگان دول حامی نباید در هیچ حال از حدود مأموریت خود بنحوی که ازین قرارداد مستفاد می‌شود تجاوز نمایند. مخصوصاً باید ضروریات عالیهٔ امنیت دولتی را که نزد آن انجام وظیفه می‌کنند رعایت نمایند. تنها مقتضیات عالیه نظامی ممکن است بطور استثناء و موقت مجوز محدود ساختن فعالیت آنان شود.

مادهٔ ۹:

مقررات این قرارداد با فعالیت‌های نوعپرورانه که کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ یا هر دستگاه بشر دوست بیطرف دیگری برای حمایت زخمداران و بیماران و همچنین افراد کارکنان بهداری و مذهبی و برای

کمک به آنان با موافقت دول متخاصم ذیربط بعمل آورد مانعةالجمع نخواهد بود.

مادهٔ ۱۰:

دول متعاهد می‌توانند در هر موقع بین خود ترتیبی دهند که وظائفی را که بموجب این قرارداد بعهدهٔ دول حامی محول است بدستگاهی که واجد تضمینات بیطرفی و کار آمدی باشد محول سازند.

هرگاه بعضی از زخمداران و بیماران یا افراد کارکنان بهداری و مذهبی بعلتی از علل از فعالیت یک دولت حامی یا دستگاهی که به موجب بند اول تعیین شده باشد برخوردار نباشند یا برخوردار بوده ولی دیگر برخوردار نشورند دولت نگاهدارندهٔ آنان باید از یک دولت بیطرف یا یکی از آن دستگاهها درخواست نماید که وظایفی راکه به موجب این قرارداد به عهدهٔ دول حامی که از طرف دول متخاصم تعیین می‌شوند محول است بر عهده گیرد.

چنانچه بدین طریق نتوان حمایت لازم را تأمین نمود دولت نگاهدارنده باید از یک دستگاه نوعپروری مانند کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ تقاضا نماید وظایف نوعپرورانه را که بموجب این قرارداد بعهدهٔ دول حامی محول است بر عهده گیرد و یا باید خدمات نوعپروانه‌ایرا که از طرف چنین دستگاهی عرضه می‌شود باقید و شرط مقررات این ماده قبول کند.

هر دولت بیطرف یا هر دستگاهی که توسط دولت ذیربط برای منظور فوق دعوت شود یا خدمات خود را عرضه دارد باید در فعالیت خود متوجهٔ مسئولیت خویش در قبال دولت متخاصم که افراد مورد حمایت این قرارداد وابسته آنند بوده و تضمینات کافی بدهد که قادر است وظایف مزبور را عهده‌دار گردد و بیطرفانه انجام دهد.

تخلف از مقررات فوق باتکای هیچ موافقتنامهٔ اختصاصی بین دولتها که یکی از آنها ولو بطور موقت در قبال دولت دیگر یا در قبال متحدین خود بعلت وقایع نظامی منجمله در صورت اشغال تمام یا قسمت مهمی از خاک آن از حیث آزادی مذاکرات محدود شده باشند مجاز نیست.

در هر جا که در این قرارداد عنوان دولت حامی ذکر می‌شود عنوان مزبور ناظر بر دستگاههائی که بر طبق منطوق این ماده جانشین دولت حامی است نیز می‌باشد.

مادهٔ ۱۱:

در هر موردی که دول حامی از لحاظ منافع اشخاص تحت‌الحمایه مفید بدانند منجمله در صورت بروز اختلاف بین دول متخاصم درباره اجرایا تفسیر مفاد این قرارداد، دول حامی برای حل اختلاف وساطت خواهند کرد.

برای این منظور هر یک از دول حامی می‌توانند بنابر دعوت یکی از دول عضو قرارداد یا رأساً بدول متخاصم پیشنهاد نمایند که جلسهٔ از نمایندگان خود وبالاخص از دولتهائی که عهده‌دار سرنوشت زخمداران و بیماران و افراد مأمورین بهداری و مذهبی می‌باشند عندالاقتضا در خاک بیطرفی که بمناسبت انتخاب شده باشد تشکیل دهند دول متخاصم مکلفند به پیشنهادهائی که در این زمینه می‌رسد ترتیب اثر دهند.

دول حامی می‌توانند در صورت اقتضا یکی از شخصیت‌های یک کشور بیطرف یا یک مأمور عالیمقام را که از طرف کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ مأموریت یافته باشد برای تصویب بدول متخاصم پیشنهاد نمایند که در جلسه مزبور شرکت کند.

فصل دوم
درباب زخمداران و بیماران

مادهٔ ۱۲:

اعضاء نیروهای مسلح و سایر اشخاص مذکور در مادهٔ ذیل که مجروح یا بیمار شوند در همه احوال مورد احترام و حمایت قرار گیرند.

دولت متخاصمی که آنان را در اختیار خود دارد باید بدون هیچگونه تمایز ناشیه از جنس و نژاد و ملیت و مذهب و عقاید سیاسی یا هیچ جهت دیگری آنها را مورد معالجه و پرستاری قرار دهد. هر گونه دست درازی بحیات شخص آنان منجمله قتل محتضران قتل عام و شکنجه و اجرای آزمایشهای بیولوژی در باره آنان و رها کردن آنان بدون کمک پزشکی یا پرستاری با سبق تصمیم و یا قراردادن آنان در معرض مخاطرات سرایت یا ابتلای امراض که آن مخاطرات عمداً برای همین منظور ایجاد شده باشد اکیداً ممنوع است.

تقدیم نوبت معالجه فقط بعلل طبی مجاز است.

بازنان با کلیهٔ احترامات خاصی که لازمه جنس آنان است رفتار خواهدشد.

دولت متخاصمی که مجبور شود زخمداران یا بیمارانی را برای طرف متخاصم خود رها کند باید تا حدی که مقتضیات نظامی اجازه دهد قسمتی از مأمورین بهداری و لوازم طبی خود را برای معالجه آنان باقی گذارد.

مادهٔ ۱۳:

این قرارداد در بارهٔ زخمداران و بیماران وابسته بطبقات ذیل مجری خواهدشد:

۱ - اعضاء نیروهای مسلح دولت داخل در جنگ و همچنین اعضاء قوای چریک و دسته‌های داوطلب که جزو نیروهای مسلح مزبور باشند.

۲ - اعضاء سایر چریک‌ها و اعضاء سایر دسته‌های داوطلب بانضمام نهضت‌های مقاومت متشکل متعلق به یک متخاصم که در خارج یا در داخل خاک خود مشغول عمل باشند ولو آنکه خاک مزبور اشغال شده باشد مشروط باینکه چریکها یا دسته‌های داوطلب بانضمام نهضت‌های مقاومت متشکل مزبور جامع شرایط زیر باشند:

الف - در رأس آنها شخصی باشد که مسئول اتباع خود باشد.

ب - دارای علامت مشخصه ثابتی باشند که از دور قابل تشخیص باشد.

ج - علناً حمل اسلحه نمایند.

د - در عملیات خود بر طبق قواعد و رسوم جنگ رفتار کنند.

۳ - اعضاء نیروهای مسلح منظم که خود را وابسته بدولت یا مقامی اعلام کرده باشند که توسط دولت دستگیر کننده شناخته نشده باشد.

۴ - اشخاصی که همراه نیروهای مسلح می‌باشند بی‌آنکه مستقیماً جزو آن نیروها باشند از قبیل اعضای کشوری طیارات نظامی - خبرنگاران جنگی - تهیه کنندگان اجناس - اعضای واحدهای کار یا خدمت که عهده‌دار رفاه نظامیانند مشروط بر اینکه از نیروهای مسلحی که همراهی می‌کنند کسب اجازه کرده باشند.

۵ - اعضاء بانضمام فرماندهان و ناخدایان و شاگردان بحریه بازرگانی و اعضاء هواپیمائی کشوری که بموجب مقررات حقوق بین‌المللی از معامله مساعدتری بهره‌مند نیستند.

۶ - نفوس اراضی اشغال نشده که هنگام نزدیک شدن دشمن بی‌آنکه فرصت متشکل شدن بصورت نیروهای مسلح منظم داشته باشند ارتجالاًاسلحه بدست می‌گیرند مشروط بر اینکه علناً حمل اسلحه نمایند و قوانین و رسوم جنگ را رعایت کنند.

مادهٔ ۱۴:

با توجه بمقررات مادهٔ فوق زخمداران و بیماران یک دولت متخاصم که بدست طرف می‌افتند اسیر جنگی بوده و قواعد حقوق بشر مربوط باسیران جنگی در بارهٔ آنان معتبر خواهد بود.

مادهٔ ۱۵:

دولتهای متخاصم در هر حال و مخصوصاً پس از شروع جنگ باید بدون فوت وقت تدابیر ممکنه را برای جستجو و جمع آوری زخمداران و بیماران اتخاذ نمایند و آنان را از چپاول و بدرفتاری حفظ کنند و پرستاری‌های لازم را برای آنان تأمین نمایند و همچنین مرده‌ها را پیدا کنند و نگذارند کسی اشیاء آنها را ببرد.

هر موقع که اوضاع اجازه دهد طرفین بین خود قرار متارکه یا وقفه آتش یا قرار محلی دیگری خواهند داد که زخمداران میدان جنگ جمع آوری و مبادله و حمل شوند.

همچنین بین دول متخاصم ممکن است قرار محلی داده شود که زخمداران و بیماران یک ناحیه محاصره شده تخلیه یا مبادله شوند و مأمورین بهداری یا مذهبی ولوازم بهداری به مقصد آن ناحیه عبور داده شوند.

مادهٔ ١٦:

دول متخاصم باید در اسرع اوقات ممکنه کلیهٔ عوامل تشخیص هویت زخمداران و بیماران و مردگان طرف متخاصم راکه بدستشان افتاده‌اند ثبت نمایند.

اطلاعات مزبور باید حاوی مطالب زیر باشد:

الف - تعیین دولت متبوع آنان.

ب - صنف نظامی یا شماره.

ج - نام خانوادگی.

د - نام یا نامهای کوچک.

هـ - تاریخ تولد.

و - هرگونه اطلاعات دیگری که در کارت یاپلاک هویت مندرج باشد.

ز - تاریخ و محل دستگیری یا وفات.

ح - اطلاعات مربوط بجراحات و بیماری یا علت فوت.

اطلاعات فوق باید در اسرع وقت بدفتر اطلاعات موضوع مادهٔ ۱۲۲ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع بمعامله با اسیران جنگی ابلاغ شود و دفتر نامبرده اطلاعات مزبور را بتوسط دولت حامی یا بتوسط آژانس مرکزی اسیران جنگی برای دولت متبوعه اشخاص مذکور ارسال خواهد داشت.

دولتهای متخاصم اسناد فوت یا صورتهای متوفیات را که رسماً گواهی شده باشد تنظیم و از مجرای مذکور در بند بالا برای یکدیگر ارسال خواهند داشت همچنین نصف پلاک دو برگه هویت و وصیت نامه یا هر سند دیگری که برای خانواده متوفی اهمیت داشته باشد و وجوه نقدی و بطور کلی تمام اشیائی را که بخودی خود یا باعتبار علائق محبت قیمتی باشد و روی اجساد مردگان یافت شود جمع‌آوری و از طریق همان دفتر برای یکدیگر ارسال خواهند داشت. این اشیاء و همچنین اشیاء مجهول‌المالک در بسته‌های ممهور بانضمام اظهارنامه که حاوی کلیهٔ توضیحات لازم جهت تشخیص هویت مالک متوفای آنها باشد ارسال خواهد گردید.

صورت کامل محتویات هر بسته باید به آن بسته ضمیمه شود.

مادهٔ ۱۷:

دولتهای متخاصم مراقبت خواهند کرد که تدفین یا سوزاندن اموات تا اکثر حدی که اوضاع اجازه می‌دهد انفراداً صورت یابد و قبلا جنازه‌ها مورد معاینه دقیق و در صورت امکان معاینهٔ طبی قرار گیرند که از وقوع فوت اطمینان حاصل و هویت آنها معلوم شود و بتوان گزارش آن را داد. نصف پلاک دو برگه هویت و یا عین پلاک (درصورتیکه پلاک ساده باشد) روی جنازه باقی خواهد ماند.

اجساد را نمی‌توان سوزاند مگر بعلت ضرورت بهداشت و یا بعللی که ناشی از قوانین مذهبی متوفی باشد. در صورتیکه جسدی سوزانده شود مراتب باید با ذکر جزئیات و تعیین علت آن روی سند فوت یا صورت مصدق متوفیات ذکر گردد.

بعلاوه دولتهای متخاصم مراقبت خواهند کرد که مردگان با احترام و در صورت امکان بر طبق اصول مذهبی خود دفن گردند و قبر آنها محترم شمرده شود و حتی‌الامکان افراد هر ملیت پهلوی هم دفن و قبرستان بطرز شایسته نگاهداری شود و قبرها علامت متمایزی داشته باشند تا بتوان هر قبری را پیدا کرد.

دولتهای متخاصم برای این منظور در بدو شروع مخاصمات رسماً یک ادارهٔ قبور تشکیل خواهند داد که عندالاقتضا قبرها را بشکافد و هویت اجساد را اعم از هر جائی که دفن شده باشند معلوم کند و احیاناً

آنها را به کشور اصلی خودشان انتقال دهد.

این مقررات در بارهٔ خاکستر اجساد نیز معتبر است و ادارهٔ قبور باید خاکسترها را نگاهداری کند تا زمانی که کشور اصلی اطلاع دهد چه اقدامی مایل است در بارهٔ آنها بعمل آید.

همینکه اوضاع اجازه دهد و منتهی تا هنگام ختم مخاصمات ادارات قبور بوسیلهٔ دفتر اطلاعات مذکور در بند دوم از مادهٔ ۱۶ صورت‌های متضمن محل تحقیقی و مشخصات قبور را با ذکر اطلاعات مربوط به مردگانی که در آنجا دفن شده اند با یکدیگر مبادله خواهند کرد.

مادهٔ ۱۸:

فرمانده نظامی می‌تواند از همت خیر خواهانه اهالی محل استمداد نماید که زخمداران و بیماران را جمع‌آوری و تحت نظارت وی داوطلبانه پرستاری کنند و باید به کسانی که باین استمداد پاسخ دهند حمایت و تسهیلات لازم اعطاء نماید طرف متخاصم نیز در صورتیکه آن ناحیه را تصرف کند یا بازپس گیرد همان حمایت و تسهیلات را در بارهٔ اشخاص مذکور مرعی خواهد داشت.

فرمانده نظامی باید باهالی و جمعیت‌های امداد ولو در نواحی اشغال شده اجازه دهد زخمداران و بیماران را از هر ملیتی که باشند ارتجالاً جمع‌آوری و پرستاری نمایند.

اهالی کشوری باید زخمداران و بیماران مزبور را محترم شمارند و مخصوصاً هیچگونه عمل خشونت آمیز بر علیه آنها مرتکب نشوند.

هرگز هیچکس نباید بعلت پرستاری از زخمداران و بیماران مورد مزاحمت قرارگیرد یا محکوم شود.

مقررات این ماده دولت اشغال کننده را از تکالیفی که در زمینهٔ بهداری و اخلاقی در باره زخمداران و بیماران را بر عهده دارد معاف نمی‌سازد.

فصل سوم
در تشکیلات و مؤسسات بهداری

مادهٔ ۱۹:

مؤسسات ثابت و تشکیلات سیار ادارهٔ بهداری نباید تحت هیچ عنوان مورد حمله قرارگیرند بلکه باید در همه احوال توسط دولتهای متخاصم محترم شمرده و حمایت شوند مؤسسات و تشکیلات مزبور چنانچه بدست طرف متخاصم افتد مادام که دولت دستگیر کننده و سائل پرستاری زخمداران و بیماران موجوده در مؤسسات و تشکیلات مزبور را تأمین نکرده باشد می‌توانند بکار خود ادامه دهند.

مقامات صلاحیت دار مراقبت خواهند کرد که مؤسسات و تشکیلات بهداری مذکور در بالا حتی‌الامکان در جائی قرارداده شوند که حملاتی که احیاناً به هدفهای نظامی می‌شود برای آنها ایجاد خطر ننماید.

مادهٔ ۲۰:

کشتی های بیمارستان که استحقاق حمایت قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران و غریقان نیروهای مسلح روی دریا را دارند نباید از زمین مورد حمله قرارگیرد.

مادهٔ ۲۱:

حمایت مؤسسات ثابت و تشکیلات سیار ادارهٔ بهداری نباید قطع شود مگر در صورتیکه مؤسسات و تشکیلات مزبور غیر از وظائف نوعپرورانه خود از حمایت مزبور جهت ارتکاب اعمالی که برای دشمن مضر باشد استفاده کرده باشند معهذا حمایت مزبور نباید سلب شود مگر پس از اخطاری که متضمن ضرب‌الاجل مناسبی باشد و بآن اخطار ترتیب اثر داده نشده باشد.

مادهٔ ۲۲:

مسائل ذیل موجب محرومیت یک مؤسسه یا دستگاه بهداری از حمایت مذکور در مادهٔ ۱۹ شمرده نمی‌شود:

۱ - اینکه کارکنان مؤسسه یا دستگاه مسلح باشند و برای دفاع خود یا دفاع زخمداران و بیماران خود استعمال اسلحه نمایند.

۲ - اینکه مؤسسه یا دستگاه سیار بعلت نداشتن پرستاران مسلح بتوسط یک دسته سرباز یا یکعده قراول یا اسکورت حفاظت شود.

۳ - اینکه در مؤسسه یا دستگاه سیار اسلحه قابل حمل و مهماتی یافت شود که از زخمداران و بیماران گرفته شده و هنوز بادارهٔ مربوطه تحویل نشده باشد.

۴ - اینکه در مؤسسه یا دستگاه سیار بعضی مأمورین دامپزشکی یا لوازم دامپزشکی موجود باشد بی‌آنکه جزء لاینفک آن باشد.

۵ - اینکه فعالیت نوعپرورانهٔ مؤسسات تشکیلات بهداری و کارکنان آنها در بارهٔ زخمداران و بیماران غیر نظامی نیز توسعه داده شده باشد.

مادهٔ ۲۳:

دولت های متعاهد در زمان صلح و دولت های متخاصم پس از شروع مخاصمات می‌توانند در خاک خود و در صورت لزوم در اراضی اشغال شده مناطق یا محل‌های بهداری متشکل ایجاد نمایند بطوری که زخمداران و بیماران و کارکنانی که مأمور سازمان و ادارهٔ مناطق یا محل‌های مزبور هستند یا مأمور پرستاری اشخاص متمرکز در آنجا می‌باشند از اثرات جنگ بر کنار بمانند.

بمحض شروع جنگ و در ضمن جریان جنگ دولتهای ذیربط می‌توانند بین خود موافقت‌نامه‌هائی برای شناسائی رسمی مناطق و محل‌های بهداری که دایر ساخته‌اند منعقد سازند. برای این منظور می‌توانند مقررات پیش‌بینی شده در طرح موافقت‌نامهٔ پیوست این قرارداد را با تغییراتی که احیاناً لازم بدانند بموقع اجرا گذارند.

دولت‌های حامی و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ دعوت می‌شوند که برای تسهیل در دایر شدن و شناسائی مناطق و محل‌های بهداری مزبور وساطت نمایند.

فصل چهارم
درباب کارکنان

مادهٔ ۲۴:

کارکنان بهداری که اختصاصاً مأمور جستجو و برداشتن و حمل یا معالجهٔ زخمداران و بیماران و یا مأمور جلوگیری از امراض می‌باشند و کارکنانی که اختصاصاً مأمور ادارهٔ تشکیلات و سازمان بهداری هستند و همچنین کشیشان وابسته به نیروهای مسلح در هر موقع مورد احترام و حمایت قرار خواهند گرفت.

مادهٔ ۲۵:

نظامیانی که تعلیمات مخصوصی یافته‌اند که عنداللزوم بعنوان کمک پرستار یا کمک متصدی تخت روان برای جستجو و برداشتن و حمل یا معالجه زخمداران و بیماران مورد استفاده قرار گیرند در صورتی که هنگام تماس با دشمن یا هنگام دستگیر شدن بتوسط دشمن وظایف مزبور را انجام می‌دهند نیز مورد احترام و حمایت قرار خواهند گرفت.

مادهٔ ۲۶:

کارکنان جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و جمعیت‌های داوطلب که توسط دولت خودشان رسماً شناخته شده و مجاز باشند و برای اجرای همان وظائف کارکنان مذکور در مادهٔ ۲۴ بالا مورد استفاده قرارگیرند در حکم کارکنان مذکور در مادهٔ مزبور شمرده خواهند شد با قید اینکه کارکنان جمعیت‌های مزبور مشمول قوانین و مقررات جنگ می‌باشند.

مادهٔ ۲۷:

جمعیت رسمی یک کشور بیطرف نمی‌تواند کارکنان و تشکیلات بهداری خود را بکمک دولت متخاصم بفرستد مگر با رضایت دولت متبوع خود و با موافقت آن دولت متخاصم. در این صورت باید کارکنان و تشکیلات مزبور تحت نظر دولت متخاصم قرار گیرند.

کشور بیطرف موافقت مزبور را بدولت طرف دولتی که این کمک را قبول نموده اعلام خواهد داشت دولت متخاصمی که کمک مزبور را قبول کرده قبل از استفاده از آن موضوع را بدولت طرف خود اطلاع خواهد داد.

این کمک در هیچ اوضاع و احوالی نباید به منزلهٔ دخالت در جنگ تلقی شود.

افراد کارکنان مذکور در بند اول باید قبل از ترک کشور بیطرف متبوع خود دارای اوراق هویت مندرجه در مادهٔ ۴۰ باشند.

مادهٔ ۲۸:

اگر کارکنان مذکور در مواد ۲۴ و ۲۶ بدست طرف متخاصم افتند نباید نگاهداشته شوند مگر تا میزانی که وضع بهداری یا احتیاجات روحانی و تعداد اسیران جنگی ایجاب کند.

افراد کارکنانی که بدینطریق نگاهداشته می‌شوند در حکم اسیر جنگی شمرده نخواهند شد. معهذا لااقل از کلیه مقررات قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع بمعامله با اسیران جنگی بهره مند خواهند شد. این اشخاص در حدود قوانین و مقررات نظامی دولت دستگیر کننده تحت امر ادارات مربوطه آن دولت و بر طبق وجدان حرفه‌ای خود بانجام وظائف بهداری یا روحانی خویش بنفع اسیران جنگی که مرجحاً متعلق به نیروهای مسلح متبوع خودشان باشد اقدام خواهند نمود.

از این گذشته برای انجام مأموریت بهداری یا روحانی خود از تسهیلات ذیل بهره مند خواهند بود:

الف - اجازه خواهند داشت در فواصل معین اسیران جنگی موجوده در دسته‌های کار یا در بیمارستان‌های واقعه در خارج بازداشتگاه را معاینه نمایند. دولت دستگیر کننده برای اجرای این منظور وسائط نقلیه لازم را در اختیار آنان خواهد گذاشت.

ب - در هر بازداشتگاه. پزشک نظامی که دارای درجهٔ ارشد باشد با رعایت مدت قدمت در درجهٔ مزبور در قبال مقامات نظامی بازداشتگاه مسئول اعمال کارکنان بهداری دستگیر شده خواهد بود. برای این منظور دولتهای متخاصم در بدو شروع مخاصمات قرارلازم را برای انطباق در جات کارکنان بهداری بانضمام کارکنان جمعیتهای موضع مادهٔ ۲۶ بین خود خواهند داد. پزشک مذکور و روحانیون در مورد کلیهٔ مسائل مربوطه بوظیفه خود حق مراجعهٔ مستقیم برؤسای مسئول بازداشتگاه خواهند داشت رؤسای مسئول همه گونه تسهیلات لازم را جهت مکاتبات مربوط به مسائل مذکور برای آنان فراهم ساخت.

ج - کارکنان دستگیر شده اگر چه تابع نظامات بازداشتگاه خود می‌باشند ولی نمیتوان آنها را بهیچ کار دیگری که خارج از مأموریت بهداری یا روحانی آنان باشد مجبور ساخت.

دولتهای متخاصم در ضمن جریان مخاصمات قرار لازم را بین خود خواهند داد که کارکنان بهداری در صورت اقتضا برای استراحت عوض شوند و ترتیبات اجرای این کار را معین خواهند کرد. هیچیک از مقررات فوق نمی‌تواند دولت بازداشت کننده را از تکالیفی که نسبت باسیران جنگی در امور بهداری و روحانی بر عهده دارد معاف سازد.

مادهٔ ۲۹:

کارکنان مذکور در مادهٔ ۲۶که بدست دشمن بیفتند در حکم اسیر جنگی تلقی خواهند گردید ولی انجام وظائف بهداری تا میزانی که احتیاج باشد بکار گماشته خواهند شد.

مادهٔ ۳۰:

افراد کارکنانی که نگاهداری آنان بموجب مقررات مادهٔ ۲۸ ضروری نباشد بمحض اینکه راه بازگشتشان باز شود و مقتضیات نظامی اجازه دهد به دولت متخاصم متبوع خود مسترد خواهند شد.

مادام که بازگشت داده نشده‌اند در حکم اسیر جنگی تلقی نخواهند گردید ولی لااقل از کلیهٔ مقررات قرارداد ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع بمعامله با اسیران جنگی برخوردار خواهند بود و وظائف خود را کماکان تحت نظارت طرف متخاصم ادامه خواهند داد و مرجحاً برای پرستاری زخمداران و بیماران دولت متخاصم متبوع خود اختصاص خواهند یافت.

هنگام رفتن، اسباب و اشیاء شخصی و نقود و اوراق بهادار و ادوات طبی را که متعلق بخودشان باشد با خود خواهند برد.

مادهٔ ۳۱:

انتخاب کارکنانی که اعادهٔ آنها بدولت متخاصم در مادهٔ ۳۰ پیش‌بینی شده بدون هیچگونه ملاحظهٔ نژادی و مذهبی و عقاید سیاسی و مرجحاً بترتیب تاریخ دستگیری و وضع مزاجی آنان صورت خواهد گرفت.

دولتهای متخاصم می‌توانند بمحض شروع مخاصمات بین خود بموجب موافقت‌نامه‌های مخصوص تناسب صدی چند از قبیل کارکنان را که بنسبت عدهٔ اسیران جنگی می‌توان نگاهداشت و همچنین طرز تقسیم آنان را در بازداشتگاه‌ها تعیین کنند.

مادهٔ ۳۲:

اشخاص مذکور در مادهٔ ۲۷ که بدست طرف متخاصم افتند قابل بازداشت نیستند. این اشخاص اجازه خواهند داشت بمحض اینکه راه بازگشتشان باز شود و مقتضیات نظامی اجازه دهد به کشور خود یا بخاک دولت متخاصمی که در خدمت آن بودند باز گردند مگر آنکه قرار دیگری در این باره داده شده باشد.

مادام که بازگشت نکرده‌اند کماکان بانجام وظایف خود تحت نظر طرف متخاصم ادامه خواهند داد و مرجحاً برای پرستاری زخمداران و بیماران دولت متخاصمی که در خدمت آن بوده‌اند مأمور خواهند شد.

هنگام رفتن اسباب و اشیاء شخصی و نقود و اوراق بهادار و اسبابهای طبی و اسلحه و در صورت امکان وسائل نقلیه متعلق بخود را با خود خواهند برد.

در مدتی که این اشخاص در اختیار دولت متخاصمند دولت مزبور باید همان اختیارات و همان نگاهداری و همان مسکن و همان دستمزد و مزایائی را که بکارکنان نظیر آنها در ارتش خود می‌دهد برای آنان تأمین نماید. غذای آنها در هر حال باید از حیث کم و کیف و تنوع کافی باشد بطوریکه تعادل عادی مزاج آنها را تأمین کند.

فصل پنجم
درابینه و لوازم

مادهٔ ۳۳:

لوازم تشکیلات بهداری سیار که بدست طرف مقابل بیفتد به زخمداران و بیماران تخصیص داده

خواهد شد.

ابنیه و لوازم و انبارهای مؤسسات ثابت بهداری مشمول حقوق جنگ خواهند بود ولی مادام که برای زخمداران و بیماران لازم باشند نباید بمصرف دیگری برسند معهذا فرماندهان نیروهای میدان جنگ می‌توانند در صورت ضرورت جنگی فوری آنها را مورد استفاده قرار دهند مشروط بر اینکه قبلا تدابیر لازم را برای آسایش بیماران و زخمدارانی که در آنجا پرستاری می‌شدند اتخاذ نمایند.

لوازم و انبارهای موضوع این ماده را نباید عمداً از بین برد.

مادهٔ ۳۴:

اموال منقول و غیر منقول جمعیت‌های امدادی مشمول قرارداد در حکم اموال شخصی شمرده می‌شوند.

حق مصادرهٔ اموال که بموجب قوانین و رسوم جنگ برای متخاصمین شناخته شده جز در صورت ضرورت فوری اعمال نخواهد شد آنهم پس از آنکه سرنوشت زخمداران و بیماران تأمین شده باشد.

فصل ششم
در محصولات بهداری

مادهٔ ۳۵:

وسائل حمل و نقل بیماران و زخمداران و لوازم بهداری بمثابه تشکیلات بهداری سیار مورد احترام و حمایت قرار خواهند گرفت.

هر گاه این قبیل وسائل و آلات ناقله بدست طرف متخاصم افتد مشمول قوانین جنگ خواهند بود، مشروط براینکه دولت متخاصمی که آنها را دستگیر کرده مسئولیت بیماران و زخمداران موجوده در آنها را در همه احوال بر عهده خود گیرد.

کارکنان غیر نظامی و کلیه وسائل نقلیه که بمصادره در آیند مشمول قواعد کلی حقوق بشر خواهند بود.

مادهٔ ۳٦:

ناوهای هوائی بهداری یعنی هواپیمائی که منحصراً برای تخلیه بیماران و زخمداران و همچنین برای حمل و نقل کارکنان و لوازم بهداری استعمال می‌شوند مورد حمله قرار نخواهند گرفت بلکه در حین پروازهائیکه در ارتفاعات و ساعات و مسیرهای مصرح و معین بین کلیهٔ متخاصمین ذیربط می‌نمایند توسط متخاصمین محترم شمرده خواهند شد.

علامت مشخصهٔ مذکور در مادهٔ ۳۸ روی سطوح فوقانی و تحتانی و طرفین آنها در کنار رنگهای پرچم ملی بطور وضوح نقش خواهد شد. بعلاوه باید هر گونه علائم یا وسائل تشخیص دیگری را که بموجب موافقتنامه بین متخاصمین خواه در بدو جنگ و خواه در حین مخاصمات معین گردد داشته باشند.

پرواز بر فراز خاک دشمن یا خاکی که دشمن اشغال کرده ممنوع است مگر آنکه قرار دیگری در این باب

داده شده باشد.

ناوهای هوائی بهداری باید بهر اخطاری که برای فرود آمدن بآنها دادن می‌شود اطاعت نمایند ناوهای هوائی که بدینطریق بر زمین نشینند می‌توانند پس از بازرسی که احیاناً در آنها بعمل آید با سرنشینان خود مجدداً پرواز کنند.

درصورتیکه هواپیما بیخبر روی خاک دشمن یا در اراضی اشغالی دشمن فرود آید زخمداران و بیماران و کارکنان هواپیما اسیر جنگی خواهند شد. با کارکنان بهداری آن بر طبق مادهٔ ۲۴ و مواد ما بعد آن رفتار خواهد گردید.

مادهٔ ۳۷:

ناوهای هوائی بهداری متعلق بدولتهای متخاصم می‌توانند با قید شروط -بند دوم از فراز خاک کشورهای بیطرف پرواز کنند و در صورت لزوم برای توقف آنی در خاک یا آبهای آنها فرود آیند.

برای این منظور باید قبلا عبور خود را از خاک آن کشورها به کشورهای مزبور اطلاع دهند و بهر گونه اخطار مبنی بر فرود آمدن روی خاک یا آب اطاعت کنند در طول پرواز خود فقط در صورتی از حمله مصون خواهند بود که در ارتفاعات و ساعات و طبق مسیری که قبلا بین دولت متخاصم با دولتهای بیطرف ذیربط قرارشده باشد پرواز نمایند.

معهذا دولتهای بیطرف می‌توانند شرایط یا تضییقاتی برای پرواز یا فرود آمدن ناوهای هوائی بهداری در خاک خود معین نمایند. شرایط یا تضییقات احتمالی مزبور نسبت بکلیهٔ دولتهای متخاصم علی‌السویه اجرا خواهد شد.

زخمداران و بیماران که با موافقت زمامداران محلی بوسیلهٔ هواپیمای بهداری در خاک بیطرف پیاده شوند باید توسط آن کشور بیطرف در مواردی که حقوق بین‌المللی مقرر میدارد نگاهداشته شوند تا نتوانند مجدداً در عملیات جنگی شرکت نمایند مگر آنکه در این خصوص قرار دیگری بین دولت بیطرف با دولتهای متخاصم داده شده باشد. هزینهٔ بیمارستان و نگاهداری این اشخاص بعهدهٔ دولت متبوع آنان خواهد بود.

فصل هفتم
درعلامت مشخصه

مادهٔ ۳۸:

باحترام کشور سویس علامت صلیب سرخ روی زمینهٔ سفید که معکوس رنگهای پرچم کشور متحد سویس است بعنوان علامت مشخصه بهداری ارتش‌ها حفظ می‌شود.

لیکن در مورد کشورهائی که از پیش هلال سرخ و هلال احمر را روی زمینهٔ سفید بجای صلیب سرخ بکار می‌برند علائم مزبور نیز در زمینه مفهوم این قرارداد بعنوان علامت مشخصه مقبول است.

مادهٔ ۳۹:

علامت مذکور تحت نظارت مقامات نظامی صلاحیتدار روی پرچمها و بازوبندها و همچنین روی کلیهٔ لوازم مربوط به ادارهٔ بهداری نصب خواهد شد.

مادهٔ ۴۰:

کارکنان مذکور در مواد ۲۴ و ۲۶ و ۲۷ باید ببازوی چپ خود بازوبندی داشته باشند که رطوبت در آن اثر نکند و دارای علامت مشخصه باشد. این بازوبند باید توسط مقام نظامی تسلیم و مهر شده باشد.

کارکنان مذکور علاوه بر پلاک هویت مندرج در مادهٔ ۱۶ باید دارای کارت هویت مخوصی باشند که حاوی علامت مشخصه باشد. این کارت باید طوری باشد که رطوبت در آن اثر نکند و قطع آن باندازه‌ای باشد که بتوان در جیب گذاشت کارت مزبور باید بزبان کشور صادرکننده نوشته شود و باید لااقل حاوی نام و نام خانوادگی و تاریخ تولد و درجه و شمارهٔ صاحب کارت باشد. درکارت ذکر خواهد شد که با چه سمتی حق استفاده از حمایت این قرارداد دارد. عکس صاحب کارت باید بآن الصاق شود و صاحب کارت باید آنرا امضاء کند یا اثر انگشت خود را روی آن بگذارد و یا هم امضاء و هم اثر انگشت بنهد. کارت باید با مهر منگنه مقام نظامی ممهور شود در هر ارتش کارت هویت باید متحدالشکل بوده و در ارتش‌های دولتهای متعاهد حتی‌الامکان از حیث نوع یکسان باشد. دولت‌های متخاصم می‌توانند کارت پیوست این قرارداد را نمونه قرار دهند. و باید در بدو شروع مخاصمات نمونه‌هائی را که مورد استعمال قرار می‌دهند بیکدیگرابلاغ کنند: هر کارت باید لااقل در دو نسخه صادر شود که یک نسخهٔ آن نزد دولت صادر کننده بماند.

کارکنان مذکور فوق نباید در هیچ موردی از علائم و کارت هویت و حق حمل بازوبند خود محروم شوند و در صورت فقدان حق خواهند داشت المثنای کارت و علائم جدیدی دریافت دارند.

مادهٔ ۴۱:

کارکنان مذکور در مادهٔ ۲۵ فقط در حینی که وظائف بهداری خود را انجام می‌دهند بازوبند سفیدی به ابعاد کوچکتر که در وسط علامت مشخصه داشته و توسط مقام نظامی ممهور و تسلیم شده باشد ببازو خواهند بست.

در اسناد هویت نظامی کارکنان مذکور باید تعلیمات بهداشتی که صاحب آن فراگرفته و جنبهٔ موقتی مأموریت او و حقی که بحمل بازوبند دارد قید شود.

مادهٔ ۴۲:

پرچم مشخص قرارداد را فقط بر فراز تشکیلات و مؤسسات بهداری که بموجب این قرارداد باید محترم شمرده شوند می‌توان برافراشت و فقط با موافقت مقام نظامی باید بدان اقدام کرد.

در دستگاههای سیار و مؤسسات ثابت می‌توان پرچم ملی دولت متخاصم متبوع دستگاه و مؤسسه را نیز پهلوی پرچم قرارداد نصب نمود ولی دستگاههای بهداری که بدست دشمن بیفتد باید فقط پرچم قرارداد

را برافرازند.

دولتهای متخاصم تا حدودی که مقتضیات نظامی اجازه دهد تدابیر لازم را بعمل خواهند آورد که علائم مشخصهٔ دستگاهها و مؤسسات بهداری بطور وضوح برای نیروهای زمینی و هوائی و دریائی دشمن مرئی باشد تا احتمال هر گونه عمل تهاجمی رفع گردد.

مادهٔ ۴۳:

تشکیلات بهداری کشورهای بیطرف که با شرایط مندرجه در مادهٔ ۲۷ اجازه یابند بیک دولت متخاصم کمک کنند باید در صورتیکه دولت متخاصم مزبور از حق خود طبق ماده ۴۲ استفاده کند پرچم ملّی دولت متخاصم را علاوه بر پرچم قرارداد برافرازند. تشکیلات مزبور می‌توانند در صورتیکه از طرف مقام نظامی مربوطه دستور مخالفی صادر نشده باشد در همه احوال پرچم ملّی خود را برافرازند حتی در موقعی که بدست طرف متخاصم گرفتار شوند.

مادهٔ ۴۴:

علامت صلیب سرخ روی زمینهٔ سفید و لفظ «صلیب سرخ» یا «صلیب ژنو» را نمی‌توان خواه در زمان صلح و خواه در زمان جنگ (باستثناء موارد مذکور در بندهای ذیل این ماده) مورد استعمال قراردادمگر برای تشخیص یا حمایت تشکیلات و مؤسسات بهداری و کارکنان و لوازمی که بموجب این قرارداد و سایر قراردادهای بین‌المللی مربوط بنظائر این امور حمایت می‌شوند. همچنین است علامات مذکور در بنددوم از مادهٔ ۳۸ برای کشورهائی که علائم مزبور را استعمال می‌کنند جمعیت‌های صلیب سرخ و سایر جمعیت‌های موضوع مادهٔ ۳۶ جز در حدود مقررات این بند حق استعمال علامت مشخصه را که مورد حمایت این قرارداد است ندارند.

بعلاوه جمعیت‌های ملّی صلیب سرخ (هلال سرخ - هلال احمر می‌توانند در زمان صلح طبق قوانین ملی خود از نام و علامت صلیب سرخ در مورد سایر فعالیتهای خویش بر طبق اصولی که بموجب کنفرانسهای بین‌المللی صلیب سرخ مقرر شده استفاده نمایند.

هنگامی که فعالیتهای مزبور در زمان جنگ ادامه یابد وضع استعمال علامت باید طوری نباشد که بعنوان جلب حمایت قرارداد تلقی گردد. علامت مزبور باید نسبتاً بابعاد کوچک باشد و نمی‌توان آنرا روی بازوبند یا روی بام نقش نمود.

مؤسسات بین‌المللی صلیب سرخ و کارکنان رسمی آنها مجازند که در همه احوال علامت صلیب سرخ را روی زمینهٔ سفید استعمال نمایند.

بطور استثناء می‌توان بر طبق قوانین ملّی و با اجازه صریح یکی از جمعیت‌های ملّی صلیب سرخ (هلال سرخ - هلال احمر علامت قرارداد را در زمان صلح برای تمیز وسائط نقلیه که بعنوان آمبولانس بکار میرود و برای تعیین محل پستهای امدادی که مخصوص پرستاری مجانی زخمداران و بیماران باشد مورد استفاده قرارداد.

فصل هشتم
در اجرای قرارداد

مادهٔ ۴۵:

هر دولت داخل در جنگ باید بوسیلهٔ سرفرماندهان خود لوازم اجرای مواد بالا و همچنین موارد پیش‌بینی نشده رابر طبق اصول کلی این قرارداد فرام آورد.

مادهٔ ۴۶:

اقدامات قصاصی بر علیه زخمداران و بیماران و کارکنان و ابنیه و لوازمی که تحت حمایت این قراردادند ممنوع است.

مادهٔ ۴۷:

دولتهای معظمهٔ متعاهد تعهد می‌نمایند که در زمان صلح و جنگ متن این قرارداد را هر چه بیشتر در کشور خود اشاعه دهند و مخصوصاً تدریس آنرا در برنامه‌های تعلیمات نظامی و در صورت امکان در برنامهٔ تعلیمات کشوری بگنجانند بطوری که عامهٔ مردم خصوصاً نیروهای مسلح داخل در جنگ و کارکنان بهداری و کشیشان عسکر بر اصول آن واقف باشند.

مادهٔ ۴۸:

دولتهای معظمهٔ متعاهد ترجمهٔ رسمی این قرارداد و قواعد و مقرراتی راکه برای تأمین اجرای آن وضع کرده باشند بوسیلهٔ شورای متحدهٔ سویس و در زمان جنگ بوسیلهٔ دولت حامی بیکدیگر ابلاغ خواهندکرد.

فصل نهم
در منع سوء استفاده و تخلفات

مادهٔ ۴۹:

دول معظمهٔ متعاهد تعهد می‌نمایند که کلیهٔ اقدامات قضائی لازم را برای تعیین مجازات مرتکبین یا آمرین ارتکاب هر یک از تخلفات عمده از این قرارداد راکه در مادهٔ بعد ذکر شده است بعمل آورند.

هر دولت متعاهد مکلّف است کسانی را که متهم بارتکاب یا آمر بارتکاب هر یک از تخلفات عمده باشند جستجو و آنها را از هر ملیتی که باشند تسلیم محاکم خود نماید همچنین می‌تواند در صورتیکه مایل باشد آنها را بر طبق شرایط مقرّره در قوانین خود برای دادرسی بیک کشور متعاهد دیگر که علاقمند بتعقیب آنها باشد تسلیم نماید مشروط باینکه آن کشور متعاهد دلائل و امارات کافی بر علیه آن اشخاص جمع‌آوری کرده باشد.

هردولت متعاهد اقدامات لازم را بعمل خواهد آورد که از هر گونه اعمال خلاف مقرّرات این قرارداد قطع نظر از تخلفات عمده که شرح آن در مادهٔ بعد خواهد آمد جلوگیری شود.

متهمین در همه احوال از تضمینات دادرسی و دفاع آزاد بمیزانی که کمتر از تضمینات مندرجه در مادهٔ

۱۰۵ و مواد مابعد پیمان ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۱ راجع بمعامله با اسیران جنگی نباشد بهره‌مند خواهند شد.

مادهٔ ۵۰:

تخلفات عمده که در مادهٔ بالا مورد نظر است عبارتند از هر یک از اعمال ذیل که بر علیه افراد یا اموالی که تحت حمایت قرارداد می‌باشند ارتکاب شده باشد:

آدم‌کشی عمدی - شکنجه یا رفتار خلاف انسانیت بانضمام آزمایشهای بیولوژی ایراد درد شدید بطور عمدی یا لطمهٔ شدید بتمامیت جسمی یا بسلامتی - انهدام و تصرف اموال که متکی بضروریات جنگی نباشد و بمقدار کلی بطور غیر مشروع و بدلخواه شخص صورت گیرد.

مادهٔ ۵۱:

هیچیک از دول متعاهد نمی‌تواند خود یا یک دولت متعاهد دیگر را از مسئولیت‌هائی که بعلت تخلفات مذکور در مادهٔ فوق متوجه خود او یا آن دولت دیگر می‌شود معاف سازد.

مادهٔ ۵۲:

هر گونه ادعای نقض قرارداد بر حسب تقاضای یکی از دول متخاصم بر طبق ترتیبی که بین طرفین ذیعلاقه معین خواهد شد مورد تحقیق و رسیدگی قرار خواهند گرفت.

چنانچه راجع بطرز تحقیق توافق حاصل نشود طرفین یکنفر داور تعیین خواهند کرد که طرز اقدام را معلوم نماید.

پس از آنکه نقض قرارداد محرز گردید دولتهای متخاصم در اسرع وقت بدان خاتمه خواهند داد و از آن جلوگیری خواهند کرد.

مادهٔ ۵۳:

استعمال علامت یا نام «صلیب سرخ» «یا صلیب ژنو» و همچنین استعمال هر گونه علامت یا نام تقلیدی برای افراد و شرکتها و تجارتخانه‌های دولتی یا شخصی باستثناء آنها که بموجب این قرارداد ذیحق می‌باشند در هر زمان اعم از هر منظوری که از استعمال آن در نظر باشد ممنوع خواهد بود ولو آنکه تاریخ استعمال آن مقدّم بر این قرارداد باشد.

نظر باحترامی که با تبدیل رنگهای پرچم کشور سویس باین کشور گذاشته شده و نظر بانیکه علامت کشور سویس ممکن است با علامت مشخصه این قرارداد مشتبه شود استعمال علامت دولت متحده سویس یا هر گونه علامت تقلیدی آن توسط اشخاص و شرکتها و تجارتجانه‌ها خواه بعنوان علامت کارخانه یا علامت تجارتی یا زمینهٔ علامت مزبور خواه برای هر منظور مخالف امانت تجارتی و خواه بوضعی که احساسات ملی سویس را جریحه‌دار سازد ممنوع است.

منع مقرّر در بند اول این ماده در عین اینکه نسبت بحقوق مکتبسه استعمال کنندگان سابق بلا اثر است شامل علامات و اسامی مذکور در بند دوم مادهٔ ۳۸ نیز خواهد بود.

مادهٔ ۵۴:

دولتهای معظم متعاهد که قوانین کنونی آنها نارسا باشد اقدامات لازم بعمل خواهند آورد که از سوء استفاده‌های مذکور در مادهٔ ۵۳ در همه احوال جلوگیری شود.

مقررات نهائی

مادهٔ ۵۵:

این قرارداد بفرانسه و انگلیسی تحریر شده و هر دو متن متساویاً معتبرند.

شورای متحده سویس ترجمه رسمی قرارداد را به روسی و اسپانیولی تهیه خواهد کرد.

مادهٔ ٥٦:

این قرارداد که بتاریخ امروز مورخ است ممکن است تا تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۵۰ بنام دولتهائی که در کنفرانس مورخ ۲۱ آوریل ۱۹۴۹ منعقد در ژنو شرکت داشته‌اند و همچنین بنام دولتهائی که در این کنفرانس شرکت نکرده ولی در قرادادهای ژنو سال ۱۸۶۴ و سال ۱۹۰۶ و سال ۱۹۲۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران تیروها هنگام اردوکشی عضویت دارند امضاء شود.

مادهٔ ۵۷:

این قرارداد هر چه زودتر تصویب و اسناد تصویب آن به برن تسلیم خواهد شد.

هنگام تسلیم هر سند تصویب. صورت مجلس تنظیم خواهد گردید و یک نسخهٔ مصدق صورتمجلس مزبور توسط شورای متحدهٔ سویس برای کلیه دولتهائی که قرارداد بنام آنها امضاء شده یا الحاق خود را به قرارداد اعلام داشته باشند فرستاده خواهد شد.

مادهٔ ۵۸:

این قرارداد ششماه پس از آنکه لااقل دوسند تصویب تسلیم گردد اعتبار خواهد یافت و بعداً برای هر یک از دولتهای معظمهٔ متعاهد پس از ششماه از تاریخی که سند تصویب خود را تسلیم نماید معتبر خواهد بود.

مادهٔ ۵۹:

این قرارداد در روابط بین دول معظمهٔ متعاهد جانشین قراردادهای مورخ ۲۲ اوت ۱۸۶۴ و ۶ ژوئیه ۱۹۰۶ و ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ خواهد بود.

مادهٔ ٦٠:

این قرارداد بمحض اینکه اعتبار یافت برای الحاق هر دولتی که آنرا امضاء نکرده باشد مفتوح خواهد بود.

مادهٔ ٦١:

الحاق باید کتباً بشورای متحدهٔ سویس ابلاغ شود وششماه پس از تاریخ وصول ابلاغ اعتبار خواهد یافت.

شورای متحدهٔ سویس هر الحاق جدیدی را بکلیهٔ دولتهای امضاء کننده یا دول ملحق شده اطلاع خواهد داد.

مادهٔ ۶۲:

به محض اینکه موقعیتهای مذکور در مواد ۲ و ۳ پیش آید بلافاصله تصویبها و الحاقهائی که از طرف دولتهای متخاصم قبل یا بعد از شروع مخاصمات یا اشغال تسلیم یا اعلام شده باشد رسمیت خواهند یافت. ابلاغ تصویب‌هایا الحاق‌های واصله از دولت‌های متخاصم بتوسط شورای متحدهٔ سویس به اسرع طرق صورت خواهد گرفت.

مادهٔ ۶۳:

هریک از دول معظمهٔ متعاهد حق فسخ این قرارداد را دارد.

فسخ آن باید کتباً بشورای متحدهٔ سویس اطلاع داده شود و شورای نامبرده مراتب را بکلیه دول معظمه متعاهد ابلاغ خواهد کرد.

فسخ پس از یکسال از تاریخ ابلاغ آن بشورای متحدهٔ سویس رسمیت خواهد یافت ولی چنانچه دولت فسخ کننده در جنگی وارد باشد مادام که عهدنامهٔ صلح منعقد نشده و در هر حال مادام که عملیات استخلاص و معاودت اشخاص مورد حمایت این قرارداد پایان نیافته فسخ او رسمیت نخواهد یافت.

فسخ فقط در بارهٔ دولت فسخ کننده معتبر است و نسبت بتعهداتی که دولت‌های متخاصم مکلفند بموجب اصول حقوق بشر ناشیه از رسوم مقرّره بین ملل متمدن و قوانین انسانیت و مقتضیات وجدان عمومی اجرا نمایند بلا اثر خواهد بود.

مادهٔ ۶۴:

شورای متحدهٔ سویس این پیمان را در دبیرخانهٔ سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسانید. همچنین هر تصویب یا الحاق یا فسخی که در مورد این قرارداد دریافت نماید مراتب را بدبیرخانهٔ سازمان نامبرده اطلاع خواهد داد.

درتصدیق مراتب بالا امضاء کنندگان زیر که اعتبار نامه‌های خود را تسلیم نموده‌اند این قرارداد را امضاء کردند.

در شهر ژنو به تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به زبانهای فرانسه و انگلیسی تحریر شد.

نسخهٔ اصل در بایگانی کشور متحدهٔ سویس ضبط می‌شود. شورای متحدهٔ سویس یک رونوشت مصدق قرارداد را به هر یک از دولتهای امضاء کننده و همچنین به دولی که به این قرارداد ملحق شوند ارسال خواهد داشت.

پیوست شمارهٔ ۱
طرح موافقتنامه مربوط به مناطق و محلهای بهداری

مادهٔ ۱:

مناطق بهداری منحصراً به اشخاص مذکور در مادهٔ ۲۳ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی و همچنین به کارکنان مأمور تشکیلات و ادارهٔ نواحی و نقاط مزبور و مأمور پرستاری اشخاصی که در آنجاها تمرکز داشته باشند اختصاص خواهد داشت.

کسانیکه اقامتگاه دائمی آنان در داخل مناطق مزبور است حق دارند در آنجا اقامت نمایند.

مادهٔ ۲:

اشخاصی که بهر عنوان در یک منطقهٔ بهداری اقامت دارند نباید نه در داخل و نه در خارج آن منطقه به هیچ کاری که با عملیات جنگی یا تهیهٔ لوازم جنگی ارتباط مستقیم داشته باشد اشتغال ورزند.

مادهٔ ۳:

دولتی که یک منطقه بهداری دایر می‌کند کلیه اقدامات مقتضی را بعمل خواهد آورد که تمام کسانی که حق ورود یا وجود در آن مناطق را ندارند از ورود به آن ممنوع گردند.

مادهٔ ۴:

مناطق بهداری باید جامع شرایط زیر باشند:

الف - مناطق مزبور باید قسمت مختصری از خاک تحت نظارت دولت ایجاد کننده منطقه باشد.

ب - ساکنین آن به نسبت امکان سکونت آن قلیل باشد.

ج - از هر گونه هدف نظامی ومؤسسات صنعتی یا اداری مهم دور باشد و در خود آن منطقه هم این قبیل هدفها و مؤسسات وجود نداشته باشند.

د - در نواحی که باحتمال قوی ممکن است برای جریان جنگ اهمیتی داشته باشند واقع نباشد.

مادهٔ ۵:

مناطق نظامی باید تابع مقررات ذیل باشند:

الف - خطوط ارتباط و وسائط نقلیه موجوده در آنها برای حمل و نقل کارکنان و لوازم جنگی ولو عبوراً مورد استفاده واقع نشود.

ب - در هیچ موردی دفاع نظامی از آنها به عمل نیاید.

مادهٔ ٦:

مناطق بهداری به وسیلهٔ صلیب سرخ (هلال سرخ - هلال احمر) روی زمینهٔ سفید که در محیط منطقه و روی ابنیه نصب شود معلوم خواهد بود.

شبها نیز ممکن است به وسیلهٔ روشنائی متناسب معلوم باشد.

مادهٔ ۷:

هردولتی در زمان صلح یا هنگام شروع جنگ صورت مناطق بهداری را که در اراضی تحت نظارت خود دایر نموده به کلیه دول متعاهد اطلاع خواهد داد.

هر منطقه بهداری، بهداری جدیدی را هم که در دورهٔ جنگ دایر نماید به دول نامبرده اعلام خواهد داشت.

به محض اینکه اطلاع مذکور فوق بطرف مقابل برسد منطقهٔ مزبور رسمیت خواهد یافت ولی در صورتیکه طرف مقابل معتقد باشد که هر یک از شرایط مقرّره در این موافقتنامه علناً اجرا نشده حق دارد که از شناسائی آن منطقهٔ خودداری و بلافاصله امتناع خود را به طرفی که منطقه مزبور تابع اوست ابلاغ نماید و یا شناسائی آن منطقه را مشروط به برقراری رسیدگی مذکور در مادهٔ ۸ نماید.

مادهٔ ۸:

هر دولتی که یک یا چند منطقهٔ بهداری طرف را به رسمیت شناسد حق دارد تقاضا نماید که یک یا چند کمیسیون مخصوص رسیدگی نمایند که آیا مناطق مزبور مطابق شرایط و تکالیف مندرجه در این موافقتنامه می‌باشد یا نه.

اعضاء کمیسیونهای مخصوص مزبور در هر موقع حق ورود آزاد به مناطق مختلفه داشته و حتی می‌توانند به طور دائم در آن مناطق اقامت نمایند و همه گونه تسهیلات برای اجرای وظیفهٔ رسیدگی باید برای آنان فراهم گردد.

مادهٔ ۹:

در صورتیکه کمیسیونهای مخصوص اوضاعی مشاهده نمایند که به نظرشان مخالف با مقررات این موافقتنامه باشد باید بلافاصله دولت متبوع منطقه را مطلع و منتها پنج روز ضرب‌الاجل برای اصلاح آن اوضاع معین نمایند. همچنین مراتب را بدولتی که منطقه را به رسمیت شناخته اطلاع خواهند داد.

چنانچه در پایان ضرب‌الاجل مذکور دولت متبوع منطقه به اخطار دریافتی ترتیب اثر نداده باشد طرف او می‌تواند اعلام نماید که دیگر نسبت به منطقهٔ مزبور از حیث موافقتنامه حاضر تعهدی ندارد.

مادهٔ ۱۰:

دولتی که یک یا چند منطقه یا محل بهداری دایر نموده و همچنین دولی که وجود مناطق و محل‌های مزبور به آنها اعلام گردیده مستقلا و یا به وسیلهٔ دولتهای بیطرف اشخاصی را که می‌توانند در کمیسیونهای مخصوص مذکور در مواد ۸ و ۹ شرکت کنند تعیین خواهند نمود.

مادهٔ ۱۱:

مناطق بهداری در هیچ حالی نباید مورد حمله قرارگیرند بلکه باید توسط دولتهای متخاصم حمایت و محترم شمرده شوند.

مادهٔ ۱۲:

درصورت اشغال اراضی که شامل مناطق بهداری باشد مناطق مزبور باید کماکان محترم شمرده شوند و به همان عنوان بکار روند.

مادهٔ ۱۳:

این موافقتنامه در مورد محلهائی که دولتها به همان منظور و مقصود مناطق بهداری اختصاص دهند نیز معتبر خواهد بود.

پیوست شماره ۲

روی کارت

این قسمت مخصوص ذکر
نام کشور و مقام صادرکننده کارت است

کارت هویت
اعضاء بهداری و مذهبی وابسته بارتش

نام ....

نام خانوادگی ....

تاریخ تولد ....

درجه ....

شماره ....

دارندهٔ این کارت با سمت ذیل تحت حمایت
پیمان ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود
سرنوشت زخمدان و بیماران نیروهای مسلح در
حال اردوکشی می‌باشد

تاریخ صدور کارت　　شمارهٔ کارت

....

پشت کارت

عکس

صاحب کارت

مهرمقام

نظامی صادر کننده

مو　　چشم　　قد

....

سایرمشخصات ....

....

....

۳۴:

قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخم‌داران و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا...

قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ کنفرانس ژنو

امضاء کنندگان ذیل نمایندگان مختار کشورهای عضو کنفرانس سیاسی که از تاریخ ۲۱ آوریل تا ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در شهر ژنو بمنظور تجدید نظر در دهمین قرارداد لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ راجع به انطباق اصول قرارداد ۱۹۰۶ ژنو بجنگ دریائی تشکیل گردیده نسبت بمراتب مشروحهٔ زیر توافق نمودند:

فصل اول
مقررات عمومی

مادهٔ ۱:

دول معظمهٔ متعاهد تقبل می‌نمایند که این قرارداد رادر هر مورد رعایت نمایند و اتباع خود را به رعایت آن وادارند.

مادهٔ ۲:

علاوه بر مقرراتی که باید در زمان صلح به موقع اجراء گذارده شود،این قرارداد در صورت جنگ رسمی یا هر گونه مخاصمه مسلحانه که بین دو یا چند دولت از دول معظمهٔ متعاهد به موقع اجرا گذاشته خواهد شد ولو آنکه یکی از آن دول وجود حالت جنگ را تصدیق نکرده باشد.

این قرارداد در هر مورد که تمام یا قسمتی از خاک یکی از دول معظمهٔ متعاهد اشغال شود نیز اجراء

خواهد گردید ولو آنکه اشغال مزبور با هیچ مقاومت نظامی مواجه نشده باشد.

هرگاه یکی از دول متخاصم عضو این قرارداد نباشد دول متخاصم دیگر که در این قرارداد شرکت دارند در روابط متقابل خود تابع این قرارداد خواهند بود و چنانچه آن دولت مقررات این قرارداد را قبول و اجراء کند در مقابل او نیز ملزم باجرای این قرارداد خواهند بود.

مادهٔ ۳:

در صورت بروز نزاع مسلحانه که جنبهٔ بین‌المللی نداشته باشد و در خاک یکی از دول معظمه روی دهد هر یک از متخاصمین مکلفند که لااقل مراتب زیر را رعایت نمایند:

۱ - با کسانیکه مستقیماً در جنگ شرکت ندارند به انضمام افراد نیروهای مسلحی که اسلحه بزمین گذاشته باشند یا کسانیکه بعلت بیماری یا زخم یا اسارت یا هر علت دیگری قادر بجنگ نباشند در همه احوال بدون هیچگونه تبعیض نامطلوب ناشیه از نژاد. رنگ. مذهب. عقیده. جنس. اصل و نسب یا ثروت یا هر علت مشابه آن با اصول انسانیت رفتار خواهد شد.

اعمال ذیل در مورد اشخاص مذکور بالا در هر زمان و در هر مکان ممنوع است و خواهد بود:

الف - لطمه به حیات یا تمامیت بدنی منجمله قتل به تمام اشکال آن. زخم زدن رفتار بیرحمانه. شکنجه و آزار.

ب - اخذ گروگان.

ج - لطمه بحیثیت اشخاص منجمله تحقیر و تخفیف.

د - محکومیت و اعدام بدون حکم دادگاهی که صحیحاً تشکیل شده و جامع تضمینات قضائی که ملل متمدن ضروری می‌دانند باشد.

۲ - زخمداران و بیماران جمع آوری و پرستاری خواهند شد.

یکدستگاه نوعپروری بیطرف مانند کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند خدمات خود را به متخاصمین عرضه دارد.

گذشته از مراتب فوق دول متخاصم سعی خواهند کرد تمام یا قسمتی از سایر مقررات این قرارداد را نیز از طریق موافقت‌نامه‌های اختصاصی به موقع اجراء گذارند.

اجرای مقررات فوق اثری در وضع حقوقی دول متخاصم نخواهد داشت.

مادهٔ ۴:

در صورت وقوع عملیات جنگی بین نیروهای زمینی و دریائی دول متخاصم مقررات این قرارداد فقط دربارهٔ نیروهای کشتی‌نشین اجرا خواهد شد.

نیروهائی که از کشتی پیاده شوند بلافاصله مشمول مقررات قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی خواهند بود.

مادهٔ ۵:

دولتهای بیطرف نیز مقرّرات این قرارداد را دربارهٔ زخمداران و بیماران و غریقان و افراد کارکنان بهداری و مذهبی متعلق به نیروهای مسلح دول متخاصم که در خاک کشورشان پذیرفته یا بازداشت می‌شوند و همچنین در بارهٔ مردگان بموقع اجرا خواهند گذاشت.

مادهٔ ٦:

علاوه بر موافقت‌نامه‌هائی که صریحاً در مواد ۱۰ و ۱۸ و ۳۱ و ۳۸ و ۴۳ پیش‌بینی شده دول معظمه متعاهد می‌توانند موافقت‌نامه‌های اختصاصی دیگری نیز در باب هر مسئله که حل آنرا اختصاصاً مقتضی بدانند منعقد سازند. هیچ موافقت‌نامه اختصاصی نمی‌تواند بوضع زخمداران و بیماران و غریقان و افراد کارکنان بهداری و مذهبی به نحوی که به موجب این قرارداد معلوم گردیده لطمه وارد آورد و یا حقوقی را که این قرارداد به آنان اعطا کرده نقصان دهد.

زخمداران و بیماران و غریقان و همچنین افراد کارکنان بهداری و مذهبی در تمام مدتی که این قرارداد شامل آنان می‌باشد از مزایای آن موافقت‌نامه ها برخوردار خواهند بود مگر آنکه در موافقت‌نامه‌های مزبور یا موافقت‌نامه‌های بعدی صریحاً مقرراتی مغایر آن منظور شده باشد و یا اقدامات مساعدتری در بارهٔ آنان توسط یکی از دول متخاصم اتخاذ شده باشد.

مادهٔ ۷:

زخمداران و بیماران و همچنین افراد کارکنان بهداری و مذهبی نمی‌توانند در هیچ حالی از تمام یا قسمتی از حقوقی که این قرارداد یا احیاناً موافقت‌نامه‌های اختصاصی موضوع مادهٔ قبل در حق آنان تأمین نموده صرفنظر کنند.

مادهٔ ۸:

این قرارداد با معاضدت و تحت نظارت دول حامی که مأمور حفظ منافع دول متخاصمند اجرا خواهد شد. دول حامی می‌توانند علاوه بر مأمورین سیاسی یا کنسولی خود نمایندگانی از میان اتباع خود یا اتباع دول بیطرف دیگر تعیین نمایند تعیین نمایندگان مزبور باید مورد پذیرش دولتی قرار گیرد که نمایندگان نزد آن دولت انجام وظیفه خواهند کرد.

دول متخاصم به وسیعترین وجهی در انجام وظائف مأمورین با نمایندگان دولت حامی مساعدت خواهند کرد.

مأمورین یا نمایندگان دول حامی نباید در هیچ حال از حدود مأموریت خود بنحوی که از این قرارداد مستفاد می‌شود تجاوز نمایند مخصوصاً باید ضروریات عالیهٔ امنیت دولتی را که نزد آن انجام وظیفه می‌کنند رعایت کنند. تنها مقتضیات عالیهٔ نظامی ممکن است بطور استثناء و موقت مجوز محدودیت فعالیت آنان شود.

مادهٔ ۹:

مقررات این قرارداد با فعالیت‌های نوعپرورانه که کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ یا هر دستگاه بشر دوست بیطرف دیگری برای حمایت زخمداران و بیماران و غریقان و همچنین افراد کارکنان بهداری و مذهبی و برای کمک بآنان با موافقت دولت متخاصم ذیربط بعمل آورند مانعةالجمع نخواهد بود.

مادهٔ ۱۰:

دول متعاهد می‌توانند در هر موقع بین خود ترتیبی دهند که وظائفی را که بموجب این قرارداد بعهدهٔ دول حامی است بدستگاهی که واجد تمام تضمینات بیطرفی و کارآمدی باشد محول سازند.

هر گاه بعضی از زخمداران و بیماران و غریقان یا افراد کارکنان بهداری و مذهبی بعلتی از علل از فعالیت یک دولت حامی یا دستگاهی که بموجب بند اول تعیین شده باشد برخوردار نباشند یا برخوردار بوده ولی دیگر برخوردار نشوند دولت بازداشت کننده باید از یک دولت بیطرف یا از یکی از آن دستگاهها درخواست نماید که وظائفی را که بموجب این قرارداد بعهدهٔ دول حامی که از طرف دول متخاصم تعیین می‌شوند محول است بر عهده گیرند.

چنانچه نتوان بدینطریق حمایت لازم را تأمین نمود دولت بازداشت کننده باید از یکدستگاه نوعپروری مانند کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ تقاضا نماید وظائف نوعپرورانه‌ایرا که از طرف چنین دستگاهی عرضه میشود باقید و شرط مقرّرات این ماده قبول کند.

هر دولت بیطرف یا هر دستگاهی که توسط دولت ذیربط برای منظور فوق دعوت شود یا خدمات خود را عرضه دارد باید در فعالیت خود متوجه مسئولیت خویش در قبال دولت متخاصمی که افراد مورد حمایت این قرارداد وابسته آنند بوده و باید تضمینات کافی بدهد که قادر است وظائف مزبور را عهده‌دار گردد و بیطرفانه انجام دهد.

تخلف ازمقرّرات فوق باتکای هیچ موافقتنامهٔ اختصاصی منعقد بین دولت ها که یکی از آنها ولو بطور موقت در قبال دولت دیگر یا در قبال متحدین خود بعلت وقایع نظامی منجمله در صورت اشغال تمام یا قسمت مهمی از خاک آن از حیث آزادی مذاکرات محدود شده باشد مجاز نیست.

در هر جا که در این قرارداد عنوان دولت حامی ذکر می‌شود عنوان مزبور ناظر بر دستگاههائی که طبق منطوق این ماده جانشین دولت حامی است نیز می‌باشد.

مادهٔ ۱۱:

در هر موردی که دول حامی از لحاظ منافع اشخاص تحت الحمایه مفید بدانند منجمله در صورت بروز اختلاف بین دول متخاصم در موضوع اجرا یا تفسیر مفاد این قرارداد برای حل اختلاف وساطت خواهند کرد.

برای این منظور هر یک از دول حامی می‌تواند بنابه دعوت یکی از دول عضو قرارداد یا رأساً بدول متخاصم پیشنهاد نماید جلسه‌ای از نمایندگان خود و بالاخص از دولت‌هائی که عهده‌دار سرنوشت

زخمداران و بیماران و غریقان و افراد کارکنان بهداری و مذهبی می‌باشند عندالاقتضاء در خاک بیطرفی که بمناسبت انتخاب شده باشد تشکیل دهند. دول متخاصم مکلفند به پیشنهادهائی که در این زمینه میرسد ترتیب اثر دهند دول حامی می‌توانند در صورت اقتضاء یکی از شخصیت‌های یک کشور بیطرف یا یکی از شخصیت‌هائی را که از طرف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مأموریت یافته باشد برای تصویب بدول متخاصم پیشنهاد نمایند که در جلسهٔ مزبور شرکت کند.

فصل دوم
درباب زخمداران و بیماران و غریقان

مادهٔ ۱۲:

اعضاء نیروهای مسلح و سایر اشخاص مذکور در مادهٔ ذیل که مجروح یا بیمار یا غرقه شوند باید در همه احوال مورد احترام و حمایت قرارگیرند و این نکته محرز است که عنوان غرق در مورد هر گونه غرقی اعم از هر نوع کیفیّات وقوع آن منجمله فرود آمدن اجباری هواپیما در دریا یا سقوط در دریا معتبر خواهد بود.

دولت متخاصمی که اشخاص مذکور را در اختیار دارد بدون هیچگونه تبعیض ناشیه از جنس و نژاد و ملیت و مذهب و عقاید سیاسی یا هیچ جهت دیگری با آنها بانسانیت رفتار و از آنها پرستاری خواهد کرد.

هر گونه دست درازی بحیات و شخص آنان منجمله قتل محتضران قتل عام و شکنجه و اجرای آزمایشهای بیولوژی در باره آنان و رها کردن آنان بدون کمک پزشکی یا پرستاری باسبق تصمیم و یا قرار دادن آنان در معرض مخاطرات سرایت یا ابتلای امراض که آن مخاطرات عمداً برای این منظور ایجاد شده باشد اکیداً ممنوع است.

تقدیم نوبت معالجه فقط بعلل فوریت طبی مجاز است.

بازنان با کلیهٔ احترامات خاصی که لازمه جنس آنانست رفتار خواهد شد.

مادهٔ ۱۳:

این قرارداد در بارهٔ غریقان و زخمداران و بیماران در دریا که متعلق بطبقات ذیل باشند مجری خواهد شد.

۱ - اعضای نیروهای مسلح دولت داخل در جنگ و همچنین اعضاء قوای چریک و دسته‌های داوطلب که جزو نیروی مسلح مزبور باشند.

۲ - اعضاء سایر چریکها و اعضاء سایر دسته‌های داوطلب بانضمام نهضتهای مقاومت متشکل متعلق بیک دولت متخاصم که در خارج یا در داخل خاک خود مشغول عمل باشند ولو آنکه خاک مزبور اشغال شده باشد مشروط باینکه چریکها یا دسته‌های داوطلب بانضمام نهضتهای مقاومت متشکل مزبور جامع شرایط زیر باشند.

الف - در رأس آنها شخصی باشد که مسئول اتباع شرایط زیر باشند.

ب - دارای علامت مشخصه ثابتی باشند که از دور قابل تشخیص باشند.

ج - علناً حمل اسلحه نمایند.

د - در عملیات خود بر طبق قوانین و رسوم جنگ رفتار کنند.

۳ - اعضای نیروهای مسلح که خود را وابسته بدولت یا مقامی اعلام کرده باشند که توسط دولت دستگیر کننده شناخته شده باشد.

۴ - اشخاصیکه همراه نیروهای مسلح می‌باشند بی‌آنکه مستقیماً جزو آن نیروها باشند از قبیل اعضاء کشوری هواپیماهای نظامی - خبرنگاران جنگی - تهیه کنندگان اجناس - اعضای واحدهای کار یا خدمت که عهده‌دار رفاه نظامیانند مشروط باینکه از نیروهای مسلحی که همراهی می‌کنند کسب اجازه کرده باشند.

۵ - اعضاء بانضمام فرماندهان و ناخدایان و شاگردان بحریه بازرگانی و اعضاء هواپیمائی کشوری که بموجب مقررات حقوق بین‌المللی از معامله مساعدتری بهره‌مند نیستند.

۶ - نفوس اراضی اشغال نشده که هنگام نزدیک شدن دشمن بی‌آنکه فرصت متشکل شدن بصورت نیروهای مسلح منظم داشته باشند ارتجالا اسلحه بدست می‌گیرند مشروط باینکه علناً حمل اسلحه نمایند و قواعد و رسوم جنگ را رعایت کنند.

مادهٔ ۱۴:

هر کشتی جنگی یک دولت متخاصم می‌تواند تسلیم زخمداران و بیماران و غریقانی را که در ناوهای بیماربر و کشتی‌های بیمار بر جمعیت‌های امدادی یا شخصی باشند و همچنین در کشتیهای بازرگانی وزورق و جهازات دیگر از هر ملتی باشند خواستار شود مشروط باینکه حال مزاجی زخمداران و بیماران اجازهٔ تسلیم آنان را بدهد و کشتی جنگی مزبور دارای تأسیساتی باشد که معالجهٔ کافی برای آنان تأمین کند.

مادهٔ ۱۵:

چنانچه زخمداران و بیماران و غریقان در یک کشتی جنگی بی‌طرف یا توسط یک ناو هوائی نظامی بی‌طرف پذیرفته شوند باید ترتیبی داده شود که در مواردی که حقوق بین‌المللی مقرر میدارد اشخاص مذکور نتوانند مجدداً در عملیات جنگی شرکت نمایند.

مادهٔ ۱۶:

باتوجه به مقررات مادهٔ ۱۲ زخمداران و بیماران و غریقان یک دولت متخاصم که بدست طرف می‌افتند اسیر جنگی بوده و قواعد حقوق بشر مربوط باسیران جنگی در بارهٔ آنان معتبر خواهد بود. دستگیر کننده مختار است بر حسب مورد تصمیم بگیرد که آنانرا نگاهدارد یا بیک بندر کشور خود یا بیک بندر بیطرف و یا حتی بیک بندر خصم بفرستد. در صورت اخیر اسیران جنگی که بدینطریق بکشور خود مسترد می‌شوند نخواهند توانست در تمام مدت جنگ خدمت کنند.

مادهٔ ۱۷:

زخمداران و بیماران و غریقانی که در بندر بیطرف با موافقت مقامات محلی پیاده شوند باید در مواردی که حقوق بین‌المللی مقرر می دارد توسط دولت بیطرف نگاهداشته شوند بطوریکه نتوانند مجدداً در عملیات جنگی شرکت کنند مگر آنکه بین دولت بیطرف و دول متخاصم قرار دیگری داده شده باشد.

هزینهٔ بیمارستان وبازداشت زخمداران و بیماران و غریقان بعهدهٔ دولت متبوع آنان خواهد بود.

مادهٔ ۱۸:

پس از هر مصافی دول متخاصم کلیهٔ اقدامات ممکنه را برای جمع‌آوری و جستجوی غریقان و بیماران و زخمداران و حفظ آنان از غارت و بدرفتاری و تأمین پرستاری لازم برای آنان و همچنین برای جستجوی متوفیات و جلوگیری از سرقت اشیاء آنان بعمل خواهند آورد.

هر موقع که اوضاع اجازه دهد دول متخاصم بین خود قرارهای محلی برای تخلیهٔ بیماران و زخمداران یک منطقه محصور از راه دریا یا برای عبور کارکنان بهداری و مذهبی و لوازم بهداری بمقصد منطقه خواهند داد.

مادهٔ ۱۹:

دول متخاصم باید در اسرع اوقات ممکنه کلیهٔ عوامل تشخیص هویت غریقان و زخمداران و بیماران و مردگان طرف متخاصم راکه بدستشان افتاده اند ثبت نمایند. اطلاعات مزبور باید در صورت امکان شامل مطالب زیر باشد:

الف - تعیین دولت متبوع آنان.

ب - نوع خدمت یا شماره.

ج - نام خانوادگی.

د - نام یا نامهای کوچک.

ه - تاریخ تولد.

و - هر گونه اطلاعات دیگری که در کارت یا پلاک هویت مندرج است.

ز - تاریخ و محل دستگیری.

ح - اطلاعات مربوط به جراحات و بیماری یا علت فوت.

اطلاعات فوق باید در اسرع وقت بدفتر اطلاعات موضوع مادهٔ ۱۲۲ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع بمعامله با اسیران جنگی ابلاغ شود و دفتر نامبرده اطلاعات مزبور را بتوسط دولت حامی یا بتوسط آژانس مرکزی اسیران جنگی برای دولت متبوعه اشخاص مذکور ارسال خواهد داشت.

دول متخاصم اسناد فوت یا صورت‌های متوفیات راکه رسماً گواهی شده باشد تنظیم و از مجرای مذکور در بند بالا برای یکدیگر ارسال خواهند داشت همچنین نصف پلاک دولای هویت و یا در صورتی که پلاک هویت ساده باشد عین پلاک را با وصیتنامه یا هر سند دیگری که برای خانواده‌های متوفیات دارای

اهمیت باشد و وجوه نقدی و بطور کلی تمام اشیائی را که بخودی خود یا باعتبار علائق محبت قیمتی باشد و روی اجساد مردگان یافت شود جمع‌آوری و از طریق همان دفتر برای یکدیگر ارسال خواهند داشت. این اشیاء و همچنین اشیاء مجهول‌المالک در بسته‌های ممهور بانضمام اظهار نامه‌ای حاوی کلیهٔ توضیحات لازم جهت تشخیص هویت مالک متوفای آنها ارسال خواهد گردید.

صورت کامل محتویات هر بسته باید بآن بسته ضمیمه شود.

مادهٔ ۲۰:

دول متخاصم مراقبت خواهند کرد که اموات تا حداکثری که اوضاع اجازه می‌دهد انفراداً بدریا افکنده شوند و قبلا جنازه‌ها مورد معاینه دقیق و در صورت امکان مورد معاینه طبی قرار گیرند تا از فوت اطمینان حاصل و هویت آنها معلوم شود و بتوان گزارش آنرا داد. در صورتیکه متوفی دارای پلاک هویت دولا باشد نصف آن روی جنازه باقی خواهد ماند.

درصورتیکه متوفیات بخشکی پیاده شوند مقررات قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع ببهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی در بارهٔ آنان مجری خواهد شد.

مادهٔ ۲۱:

دول متخاصم می‌توانند از همت نوعپرورانهٔ فرماندهان کشتی‌های بازرگانی یا زورقهای تفریحی یا جهازات بیطرف استمداد نمایند که بیماران و زخمداران و غریقان را در کشتی خود بپذیرند و تحت معالجه قرار دهند و همچنین اجساد متوفیات را بگیرند.

جهازاتی که از هر قبیل به این استمداد پاسخ دهند و آنها که مرتجلاً زخمداران و بیماران و غریقان را جمع آوری کرده باشند از حمایت مخصوص و تسهیلات جهت اجرای وظیفهٔ تعاون خود بهره‌مند خواهند شد.

در هیچ موردی نمی‌توان آنها را بعلت حمل این قبیل اشخاص دستگیر کرد ولی نسبت به نقض بیطرفی که احتمالاً مرتکب شوند در معرض دستگیری باقی خواهند ماند مگر آنکه وعده‌های عکس آن به آنان داده شده باشد.

فصل سوم
درباب ناوهای بیماربر

مادهٔ ۲۲:

ناوهای بیماربر یعنی کشتی‌هائی که توسط دول اختصاصاً برای کمک به زخمداران وبیماران و غریقان و معالجه و حمل آنان ساخته شده نباید در هیچ حال مورد حمله قرار گیرند و دستگیر شوند بلکه در هر زمان باید محترم شمرده و حمایت شوند مشروط باینکه نام و مشخصات آنها ده روز قبل از استفاده بدول متخاصم اطلاع داده شود.

مشخصاتی که باید در ابلاغ استفاده ذکر شود شامل ظرفیت غیر خالص ثبت شده و طول کشتی از دماغه تا انتها و تعداد دکلها و دودکشها خواهد بود.

مادهٔ ۲۳:

مؤسسات واقعه در ساحل که به حمایت قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی ذیحق می‌باشند نباید از دریا نه مورد حمله نه هدف بمباران قرار گیرند.

مادهٔ ۲۴:

ناوهای بیماربر که توسط جمعیت‌های ملی صلیب سرخ یا جمعیتهای خیریه که رسماً شناخته شده باشند یا توسط اشخاص مورد استفاده قرار می‌گیرند از همان حمایتی که برای ناوهای بیماربر نظامی مقرر است بهره‌مند خواهند شد و از دستگیری معاف خواهند بود مشروط براینکه دول متخاصم متبوع آنها مأموریت رسمی به آنها داده باشند و مقررات مادهٔ ۲۲ راجع باعلام استفاده رعایت شده باشد. کشتی‌های مزبور باید حامل سندی از مقام ذی‌صلاحیت باشند که تصدیق کرده باشند که هنگام جهازگیری و حرکت تحت نظارت آن مقام بوده‌اند.

مادهٔ ۲۵:

ناوهای بیماربر که توسط جمعیت‌های ملی صلیب سرخ یا جمعیت‌های خیریه که رسماً شناخته شده باشند یا توسط اشخاص مورد استفاده قرار می‌گیرند از همان حمایتی که برای ناوهای بیماربر نظامی مقرراست بهره‌مند خواهند شد و از دستگیری معاف خواهند بود مشروط باینکه خود را با موافقت قبلی دولت خود و با اجازهٔ یکی از دول متخاصم در اختیار آن دولت متخاصم گذاشته باشند و مشروط به اینکه مقررات مادهٔ ۲۲ راجع به اعلام استفاده رعایت شده باشد.

مادهٔ ۲۶:

حمایت مذکور در مواد ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ شامل ناوهای بیماربر به هر ظرفیت و قایقهای نجات آنها در هر کجا که عمل کنند خواهد بود. معهذا محض تأمین حداکثر راحتی و امنیت دول متخاصم سعی خواهند کرد برای حمل زخمداران و بیماران و غریقان در مسافات طولانی و در وسط دریا فقط ناوهای بیماربری را که بیش از ۲۰۰۰ تن غیر خالص ظرفیت داشته باشند مورد استعمال قرار دهند.

مادهٔ ۲۷:

جهازاتی که توسط دولت یا جمعیت‌های امدادی رسمی برای عملیات نجات ساحلی مورد استفاده قرار می‌گیرند بهمان شرایط مذکور در مواد ۲۲ و ۲۴ نیز در حدودی که ضروریات عملیات اجازه دهد محترم شمرده و حمایت خواهند شد.

نسبت به تأسیسات ساحلی ثابت که منحصراً توسط جهازات مزبور به منظور وظایف نوعپرورانه مورد استفاده قرار می‌گیرند نیز در حدود امکان بهمین قرار رفتار خواهد شد.

مادهٔ ۲۸:

در صورت وقوع مصاف بین کشتی های جنگی درمانگاهها حتی‌الامکان محترم شمرده خواهند شد و از تعرض مصون خواهند بود. درمانگاههای مزبور و لوازم آنها تابع قوانین جنگ خواهند بود ولی نمی‌توان آنها را مادام که برای زخمداران و بیماران مورد حاجتند از مصرف اصلی منحرف ساخت. معهذا فرماندهی که آنها را در اختیار خود دارد اختیار خواهد داشت که در مورد ضروریات نظامی فوری از آنها استفاده کند مشروط باینکه سرنوشت زخمداران و بیمارانی راکه درآنها تحت معالجه‌اند قبلاً تأمین کرده باشد.

مادهٔ ۲۹:

هر ناو بیماربر که هنگام تصرف بندری توسط دشمن در آن بندر باشد اجازه خواهد داشت که از آنجا خارج شود.

مادهٔ ۳۰:

ناوها و جهازات مذکور در مواد ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۷ به‌زخمداران و بیماران و غریقان بدون تفاوت ملیت آنها کمک و مساعدت خواهند کرد.

دول معظمه متعاهد تعهد می‌کنند که ناوها و جهازات مزبور را برای هیچ منظور نظامی مورد استفاده قرار ندهند.

ناوها و جهازات مزبور نباید به هیچوجه مزاحم حرکات متخاصمین باشند.

در حین مصاف و پس از مصاف به مسئولیت و خطر خود عمل خواهند کرد.

مادهٔ ۳۱:

دول متخاصم حق بازرسی و معاینه ناوها وجهازات مذکور در مواد ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۷ را خواهند داشت و می‌توانند مساعدت ناوها و جهازات مزبور را رد کنند - به‌آنها اخطار نمایند که دور شوند خط سیر معینی را به‌آنها تحمیل کنند - قاعده‌ای برای استعمال بی‌سیم و هرگونه وسائل مخابراتی دیگر آنها معین کنند و حتی در صورتیکه وخامت اوضاع ایجاب نماید آنها را بمدت حداکثر هفت روز بازداشت کنند. شروع مدت مزبور از لحظه توقیف محسوب می‌شود.

دول متخاصم می‌توانند یکنفر کمیسر در ناوها و جهازات مزبور بگمارند که وظیفه‌اش منحصراً مراقبت در اجرای او امر صادره طبق بند قبل خواهد بود.

دول متخاصم او امری راکه به ناوهای بیماربر می‌دهند در دفتر روزانه ناوهای مزبور حتی‌الامکان بزبانی که برای فرمانده ناو مفهوم باشد ثبت خواهند کرد.

دول متخاصم می‌توانند خواه بطور یکطرفی و خواه بموجب موافقت‌نامهٔ اختصاصی ناظرین بیطرفی در ناوهای بیماربر خود بگذارند تا ناظرین مزبور شاهد رعایت کامل مقرّرات این قرارداد باشند.

مادهٔ ۳۲:

ناوها و جهازات مذکور در مواد ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۷ از حیث اقامت در بندر بیطرف نظیر ناوهای

جنگی شمرده نخواهند شد.

مادهٔ ۳۳:

کشتیهای بازرگانی که تبدیل به ناوهای بیماربر شوند در تمام طول مدت مخاصمات نباید از صورت ناو بیماربر خارج شوند.

مادهٔ ۳۴:

حمایت ناوهای بیماربر و درمانگاههای کشتی ها قطع نتواند شد مگر در صورتیکه از حمایت مزبور خارج از وظائف نوعپرورانه آنها برای ارتکاب اعمالی که بحال دشمن مضر باشد استفاده شده باشد. معهذا حمایت مزبور سلب نمی‌شود مگر پس از اخطاری که در کلیهٔ موارد مقتضیه همراه با ضرب‌الاجل مناسبی باشد و باخطار مزبور ترتیب اثر داده نشود.

ناوهای بیماربر بخصوص نمی‌توانند برای انتشارات بیسیم خود یا برای هر وسیلهٔ مخابراتی دیگر رمز محرمانه داشته باشند و استعمال کنند.

مادهٔ ۳۵:

مسائل ذیل باعث سلب حمایت از ناوهای بیماربر یا درمانگاههای کشتی ها شمرده نخواهد شد:

۱ - اینکه کارکنان ناوها یا درمانگاههای مزبور مسلح باشند و برای حفظ نظم یا دفاع خود یا دفاع زخمداران وبیماران خود استعمال اسلحه نمایند.

۲ - اینکه در کشتی آلاتی موجود باشد که منحصراً دریانوردی یا مخابرات را تأمین کند.

۳ - اینکه در ناوهای بیماربر یا درمانگاههای کشتی اسلحهٔ دستی و مهماتی یافت شود که از زخمداران و بیماران و غریقان گرفته شده و هنوز به‌اداره مربوطه تحویل نشده باشد.

۴ - اینکه فعالیت نوعپرورانه ناوهای بیماربر و درمانگاههای کشتی یا کارکنان آنها در بارهٔ زخمداران و بیماران و غریقان غیر نظامی نیز بسط داده شده باشد.

۵ - اینکه ناوهای بیماربر حامل لوازم و کارکنان مخصوص امور بهداری به مقداری بیش از آنچه که معمولاً لازم است باشند.

فصل چهارم
درباب کارکنان

مادهٔ ۳۶:

کارکنان مذهبی و بهداری و بیمارستانی ناوهای بیمار و کارکنان خود ناوهای مزبور محترم شمرده و حمایت خواهند شد. در مدتیکه در خدمت ناوهای مزبور هستند اعم از اینکه در ناوها بیمار زخمدار باشد یا نباشد نمی‌توان آنها را دستگیر کرد.

مادهٔ ۳۷:

کارکنان مذهبی و بهداری و بیمارستانی که بخدمت بهداری یا روحانی اشخاص مذکور در مادهٔ ۱۲ و ۱۳ اختصاص دارند اگر بدست دشمن افتند محترم شمرده خواهند شد و مورد حمایت قرار خواهند گرفت. مادام که خدمات آنها برای پرستاری و کمک زخمداران و بیماران لازم است خواهند توانست وظائف خود را انجام دهند سپس همینکه فرمانده کلی که آنها را در اختیار خود دارد امکان پذیر بداند آنها را بازپس خواهد فرستاد. کارکنان مزبور هنگام ترک کشتی می‌توانند اشیائی را که ملک شخصی خودشان است با خود ببرند.

معهذا چنانچه بواسطهٔ احتیاجات بهداری یا روحانی اسیران جنگی نگاهداشتن قسمتی از کارکنان مزبور لازم تشخیص شود همه گونه اقدامات بعمل خواهد آمد که هر چه زودتر در خشکی پیاده شوند.

کارکنانی که نگاهداشته شده اند هنگام پیاده شدن مشمول مقررات قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع ببهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی خواهند بود.

فصل پنجم
درباب محمولات بهداری

مادهٔ ۳۸:

کشتی هائی که برای این منظور اجاره می‌شوند مجاز خواهند بود لوازمی را که منحصراً برای معالجه زخمداران و بیماران نیروهای مسلح یا برای پیش‌گیری بیماریها اختصاص دارد حمل نمایند مشروط باینکه کیفیات سفر خود را بدولت خصم اطلاع دهند و مورد موافقت دولت نامبرده قرارگیرد دولت خصم حق تفتیش آنها را حفظ خواهد کرد ولی نمی‌تواند آنها را دستگیر یا لوازم محموله را ضبط کند.

ممکن است ناظرین بیطرفی با موافقت دول متخاصم در کشتیهای مزبور بمنظور نظارت لوازم محموله گماشته شوند و برای این منظور باید دسترسی به‌لوازم مزبور آسان باشد.

مادهٔ ۳۹:

ناوهای هوائی بهداری یعنی ناوهای هوائی که منحصراً برای تخلیه زخمداران و بیماران و غریقان و همچنین برای حمل کارکنان و لوازم بهداری استعمال می‌شوند مورد حمله واقع نخواهند شد بلکه هنگام پرواز در ارتفاعات و ساعات و مسیرهائی که بین کلیهٔ دول متخاصم ذیربط معین شده باشد توسط دول مزبور محترم شمرده خواهند شد.

علامت مشخص مذکور در مادهٔ ۴۱ روی سطوح فوقانی و تحتانی وجبین آنها درکنار رنگهای پرچم ملی بطور مشهود نقش خواهد شد. بعلاوه هر گونه علامت یا وسیلهٔ تشخیص دیگری را که بموجب موافقت‌نامه بین دول متخاصم خواه در بدو جنگ و خواه در جریان جنگ معین شده باشد خواهند داشت.

پرواز بر فراز خاک دشمن یا اراضی اشغالی دشمن ممنوع خواهد بود مگر آنکه قرار دیگری در این باب

داده شده باشد.

ناوهای هوائی بهداری باید بهرگونه اخطار مبنی بر فرود آمدن درخشکی یا دریا اطاعت کنند در موردی که ناو هوائی بهداری بدینطریق مجبور بنشستن در خشکی یا در دریا شود خود آن و سرنشینان آن می‌توانند پس از بازرسی که احیاناً صورت گیرد دوباره پرواز نمایند.

درصورتیکه بی خبر در خاک دشمن یا در اراضی اشغالی دشمن فرود آید بیماران و زخمداران و غریقان و کارکنان ناو هوائی اسیر جنگی خواهند شد. با کارکنان بهداری بر طبق مادهٔ (۳۶)و مواد مابعد آن رفتار خواهد گردید.

مادهٔ ۴۰:

ناوهای هوائی دولت‌های متخاصم می‌توانند با قید شروط بند دوم از فراز خاک کشورهای بیطرف عبور کنند و در صورت لزوم یا برای توقف آنی در خاک یا آبهای آنها فرود آیند. برای این منظور باید قبلاً عبور خود را از خاک آن کشورها بکشورهای مزبور اطلاع دهند و بهرگونه اخطار مبنی بر فرود آمدن روی خاک یا آب اطاعت کنند. در طول پرواز خود فقط در صورتی از حمله مصون خواهند بود که در ارتفاعات و ساعات و طبق مسیری که قبلاً بین دول متخاصم با دول بیطرف ذیربط قرار شده باشد پرواز نمایند.

معهذا دول بیطرف می‌توانند شرایط یا تضییقاتی برای پرواز یا فرود آمدن هواپیماهای بهداری در خاک خود معین نمایند. شرایط یا تضییقات احتمالی مزبور نسبت بکلیهٔ دول متخاصم علی‌السویه اجرا خواهند شد.

زخمداران و بیماران و غریقانی که با موافقت زمامداران محلی بوسیلهٔ ناوهائی در خاک بیطرف پیاده شوند باید توسط آن کشور بیطرف در مواردی که حقوق بین‌المللی مقرّر می‌دارد نگاهداشته شوند تا بتوانند مجدداً در عملیات جنگی شرکت کنند مگر آنکه در این خصوص قرار دیگری بین دولت بیطرف مزبور با دول متخاصم داده شده باشد. هزینهٔ بیمارستان و نگاهداری این اشخاص بعهدهٔ دولت متبوع آنان خواهد بود.

فصل ششم
درعلامت مشخصه

مادهٔ ۴۱:

علامت صلیب سرخ روی زمینهٔ سفید تحت نظارت مقام ذیصلاحیت نظامی روی پرچمها و بازوبندها و همه گونه لوازم مربوط به اداره بهداری نقش خواهد شد.

لیکن در مورد کشورهائی که از پیش هلال سرخ یا هلال احمر را روی زمینهٔ سفید بجای علامت صلیب سرخ بکار می‌برند علائم مزبور نیز بمفهوم این قرارداد بعنوان علامت مشخصه مقبول است.

مادۀ ۴۲:

کارکنان مذکور در مواد ۳۶ و ۳۷ باید ببازوی چپ خود بازوبندی داشته باشند که رطوبت در آن اثر نکند و دارای علامت مشخصه باشد. این بازوبند باید توسط مقام نظامی تسلیم و مهر شده باشد.

کارکنان مزبور علاوه بر پلاک هویت مندرج در مادۀ ۱۹ باید دارای کارت هویت مخصوصی باشند که حاوی علامت مشخصه باشد. این کارت باید طوری باشد که رطوبت در آن اثر نکند و قطع آن باندازه‌ای باشد که بتوان در جیب گذاشت کارت مزبور باید بزبان کشور صادر کننده نوشته شود و لااقل حاوی نام ونام خانوادگی و تاریخ تولد و درجه و شمارۀ صاحب کارت باشد. در کارت ذکر خواهد شد که با چه سمتی حق استفاده از این قرارداد دارد. عکس صاحب کارت باید به آن الصاق شود و صاحب کارت باید آنرا امضاء کند یا اثر انگشت خود را روی آن بگذارد و یا هم امضاء و هم اثر انگشت نهد. کارت باید با مهر منگنه مقام نظامی ممهور شود.

درهر ارتش کارت هویت باید متحدالشکل بوده و در ارتشهای دولت‌های متعاهد حتی‌الامکان از حیث نوع یکسان باشد. دول متخاصم می‌توانند کارت پیوست این قرارداد را نمونه قرار دهند.و در بدو شروع مخاصمات نمونه‌هائی راکه بکار خواهند برد بیکدیگر ابلاغ خواهند کرد.

هر کارت هویت در صورت امکان لااقل در دو نسخه صادر خواهد شد که یک نسخۀ آن نزد دولت صادر کننده بماند.

کارکنان مذکور فوق نباید در هیچ موردی از علائم و کارت هویت و حق حمل بازوبند خود محروم شوند و در صورت فقدان حق خواهند داشت که المثنای کارت و علائم جدیدی دریافت دارند.

مادۀ ۴۳:

ناوها و جهازات مذکور در مواد ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۷ بطریق ذیل متمایز خواهند شد:

الف - کلیه سطوح خارجی آنها سفید خواهد بود.

ب - یک یا چند صلیب سرخ پررنگ هر چه بزرگتر در هر طرف بدنه و روی سطوح افقی نقش خواهد شد بطوریکه از هوا و دریا بهترین دید را تأمین نماید.

کلیه ناوهای بیماربر با افراشتن پرچم ملی خود ویا در صورتیکه تابع کشور بیطرفی باشند با برافراشتن پرچم دولت متخاصمی که تحت امر آن قرار دارند خود را معرفی خواهند کرد. یک پرچم سفید با نقش صلیب سرخ باید هر چه بالاتر روی دکل بزرگ در اهتزاز باشد.

قایقهای نجات ناوهای بیماربر وقایقهای نجات ساحلی و کلیۀ جهازات کوچکی که توسط ادارۀ بهداری مورد استفاده‌اند به رنگ سفید با نقش صلیب سرخ پر رنگ که به طور وضوح مرئی باشد رنگ خواهند شد وبطور کلی طریق تعیین هویتی که در بالا در بارۀ ناوهای بیماربر ذکر شده در بارۀ آنها نیز مجری خواهد بود.

ناوها و جهازات مذکور فوق که بخواهند حمایت حقه خود را هنگام شب یا در مواقع کمی دید تأمین کنند باید با موافقت دولت متخاصمی که آنها را در اختیار خود دارد اقدامات لازم بعمل آورند که رنگ و

علائم مشخصه خود را بقدر کافی مشهود مرئی سازند.

ناوهای بیماربر که بموجب مادهٔ ۳۱ موقتاً توسط دشمن نگاهداشته شوند باید پرچم دولت متخاصمی راکه در خدمتش کار می‌کنند یا فرمانش را قبول کرده اند فرود آورند.

قایقهای نجات ساحلی در صورتیکه با موافقت دولت اشغال کننده عملیات خود را در یک پایگاه اشغال شده ادامه دهند ممکن است مجاز شوند که در مواقعی که از پایگاه خود دور می‌گردند پرچم ملی خود را بانضمام پرچم صلیب سرخ برافرازند مشروط باینکه مراتب قبلا بکلیهٔ دول متخاصم ذی ربط اطلاع داده شده باشد.

کلیهٔ مقررات این ماده راجع بعلامت صلیب سرخ نسبت به سایر علائم مذکور در مادهٔ ۴۱ نیز معتبر خواهند بود.

دول متخاصم باید در هر حال سعی در حصول موافقت‌نامه‌هائی نمایند که بموجب آن جدیدترین اصول موجوده در اختیار خود را برای تسهیل تشخیص ناوها و جهازات مذکور در این ماده بکار برند.

مادهٔ ۴۴:

علائم مشخصه مذکور در مادهٔ ۴۳ را در زمان صلح و در زمان جنگ جز برای تشخیص یا حمایت ناوهای مذکور در مادهٔ مزبور نمی‌توان مورد استفاده قرار داد باستثنای مواردی که در قرارداد بین‌المللی دیگری یا در موافقت‌نامهٔ بین کلیهٔ دول متخاصم ذیربط پیش بینی شده باشد.

مادهٔ ۴۵:

دول معظمهٔ متعاهدی که قوانین کنونی آنها نارسا باشد اقدامات لازم برای منع و جلوگیری از هرگونه سوء استفاده از علائم مذکور در مادهٔ ۴۳ را در هر زمان بعمل خواهند آورد.

فصل هفتم
در اجرای قرارداد

مادهٔ ۴۶:

هر دولت داخل در جنگ باید بوسیلهٔ سر ماندهان خود لوازم اجرای مواد بالا و همچنین موارد پیش بینی نشده را بر طبق اصول کلی این قرارداد فراهم آورد.

مادهٔ ۴۷:

اقدامات قصاصی علیه زخمداران و بیماران و غریقان و کارکنان و ناوها یا لوازمی که تحت حمایت این قراردادند ممنوع است.

مادهٔ ۴۸:

دول معظمهٔ متعاهد تعهد می‌نمایند که در زمان صلح و جنگ متن این قرارداد را هر چه بیشتر در کشور خود اشاعه دهند و مخصوصاً تدریس آنرا در برنامه‌های تعلیمات نظامی و در صورت امکان در برنامهٔ

تعلیمات کشوری به گنجانند به طوریکه عامهٔ مردم خصوصاً نیروهای مسلح داخل در جنگ و کارکنان بهداری و کشیشان عسکر بر اصول آن واقف باشند.

مادهٔ ۴۹:

دول معظمهٔ متعاهد ترجمهٔ رسمی این قرارداد و قواعد و مقرراتی را که برای تأمین اجرای آن وضع کرده باشند به وسیلهٔ شورای متحدهٔ سویس و در زمان جنگ به وسیلهٔ دول حامی به یکدیگر ابلاغ خواهند کرد.

فصل هشتم

در منع سوء استفاده و تخلفات

مادهٔ ۵۰:

دول معظمهٔ متعاهد تعهد می‌نمایند که کلیهٔ اقدامات قضائی لازم برای تعیین مجازات مرتکبین یا آمرین ارتکاب هر یک از تخلفات عمده از این قرارداد را که در مادهٔ بعد ذکر شده است به عمل آورند.

هر دولت متعاهد مکلّف است کسانی را که متهم به ارتکاب یا آمر به ارتکاب هر یک از تخلفات عمده باشند جستجو و آنها را از هر ملیتی که باشند تسلیم دادگاههای خود نماید. همچنین می‌تواند در صورتیکه مایل باشد آنها را بر طبق شرایط مقرره در قوانین خود برای دادرسی یک کشور متعاهد دیگر که علاقمند به تعقیب آنان باشد تسلیم نماید مشروط به اینکه آن کشور متعاهد دلائل کافی بر علیه آن اشخاص جمع آوری کرده باشد.

هر دولت متعاهد اقدامات لازم را به عمل خواهد آورد که از هر گونه اعمال خلاف مقررات این قرارداد قطع نظر از تخلفات عمده که شرح آن در مادهٔ بعد خواهد آمد جلوگیری شود.

متهمین در همه احوال از تضمینات دادرسی و دفاع آزاد به میزانی که کمتر از تضمینات مندرجه در مادهٔ ۱۰۵ و مواد مابعد قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به معامله با اسیران جنگی نباشد بهره مند خواهند شد.

مادهٔ ۵۱:

تخلفات عمده که در مادهٔ بالا مورد نظر است عبارتند از هر یک از اعمال ذیل که بر علیه افراد یا اموالی که تحت حمایت این قرارداد می‌باشند ارتکاب شده باشد:

آدم کشی عمدی - شکنجه یا رفتار خلاف انسانیت بانضمام آزمایشهای بیولوژی ایراد درد شدید بطور عمدی یا لطمه شدید به تمامیت جسمی یا به سلامتی - انهدام و تصرف اموال که متکی بضروریات جنگی نباشد و بمقدار کلی بطور غیر مشروع و بدلخواه شخصی صورت گیرد.

مادهٔ ۵۲:

هیچیک از دول متعاهد نمی‌تواند خود یا یک دولت متعاهد دیگر را از مسئولیت هائی که بعلت

تخلفات مذکور در مادهٔ فوق متوجه خود او یا آن دولت دیگر می‌شود معاف سازد.

مادهٔ ۵۳:

هر گونه ادعای نقض قرارداد بر حسب تقاضای یکی از دول متخاصم طبق ترتیبی که بین طرفین ذیعلاقه معین خواهد شد مورد تحقیق و رسیدگی قرار خواهد گرفت.

چنانچه را جع بطرز تحقیق توافق حاصل نشود طرفین یکنفر داور تعیین خواهند کرد که طرز اقدام را معلوم نماید.

پس از آنکه نقض قرارداد محرز گردید دول متخاصم در اسرع وقت بدان خاتمه خواهند داد و از آن جلوگیری خواهند کرد.

مقررات نهائی

مادهٔ ۵۴:

این قرارداد به فرانسه و انگلیسی تحریر شده و هر دو متن متساویاً معتبرند. شورای متحدهٔ سویس ترجمهٔ رسمی این قرارداد را به روسی و اسپانیولی تهیه خواهد کرد.

مادهٔ ۵۵:

این قرارداد که به تاریخ امروز مورخ است ممکن است تا تاریخ ۱۲ فوریهٔ ۱۹۵۰ به نام دولت هائی که در کنفرانس مورخ ۲۱ آوریل ۱۹۴۹ منعقد در ژنو شرکت داشته‌اند و همچنین توسط دولی که در کنفرانس مزبور شرکت نکرده ولی در دهمین قرارداد لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ راجع به انطباق اصول قرارداد ژنو سال ۱۹۰۶ به جنگ دریائی و در قراردادهای ژنو سال ۱۸۶۴ یا ۱۹۰۶ یا ۱۹۲۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح شرکت داشته‌اند امضاء شود.

مادهٔ ۵۶:

این قرارداد هر چه زودتر تصویب و اسناد تصویب آن به برن تسلیم خواهد شد.

هنگام تسلیم هر سند صورت مجلسی تنظیم خواهد گردید و یک نسخه رونوشت مصدق صورت مجلس مزبور بتوسط شورای متحدهٔ سویس برای کلیهٔ دولی که قرارداد بنام آنها امضاء شده یا الحاق خود را به قرارداد اعلام داشته‌اند فرستاده خواهد شد.

مادهٔ ۵۷:

این قرارداد شش ماه پس از آنکه لااقل دو سند تصویب تسلیم گردد اعتبار خواهد یافت و بعداً برای هر یک از دول معظمهٔ متعاهد پس از ششماه از تاریخی که سند تصویب خود را تسلیم نماید معتبر خواهد بود.

مادهٔ ۵۸:

این قرارداد در روابط بین دول معظمهٔ متعاهد جانشین دهمین قرارداد لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷

راجع به انطباق اصول قرارداد ژنو سال ۱۹۰۶ به جنگ دریائی می‌باشد.

مادهٔ ۵۹:

این قرارداد به محض اینکه اعتبار یافت برای الحاق هر دولتی که آنرا امضاء نکرده باشد مفتوح خواهد بود.

مادهٔ ٦۰:

الحاق باید کتباً به شورای متحدهٔ سویس ابلاغ شود و ششماه پس از تاریخ وصول ابلاغ اعتبار خواهد یافت.

شورای متحدهٔ سویس هر الحاق جدیدی را به کلیهٔ دول امضاء کننده یا دول ملحق شده اطلاع خواهد داد.

مادهٔ ٦١:

به محض اینکه موقعیت‌های مذکور در مواد ۲ و ۳ پیش آید بلافاصله تصویب‌ها و الحاق‌هائی که از طرف دولت‌های متخاصم قبل یا بعد از شروع مخاصمات. یا اشغال تسلیم یا اعلام شده باشد رسمیت خواهد یافت ابلاغ تصویب‌ها یا الحاق‌های واصله از دول متخاصم به توسط شورای متحدهٔ سویس باسرع طرق صورت خواهد گرفت.

مادهٔ ٦٢:

هر یک از دول معظمهٔ متعاهد حق فسخ این قرارداد را دارند.

فسخ آن باید کتباً به شورای متحدهٔ سویس اطلاع داده شود و شورای نامبرده مراتب را بکلیهٔ دول معظمه متعاهد ابلاغ خواهد کرد.

فسخ پس از یکسال از تاریخ ابلاغ آن به شورای متحدهٔ سویس رسمیت خواهد یافت ولی چنانچه دولت فسخ کننده در جنگی وارد باشد مادام که عهدنامهٔ صلح منعقد نشده و در هر حال مادام که عملیات آزادی و معاودت اشخاص مورد حمایت این قرارداد پایان نیافته فسخ او رسمیت نخواهد یافت.

فسخ فقط دربارهٔ دولت فسخ کننده معتبر است و نسبت به تعهداتی که دولتهای متخاصم مکلفند بموجب اصول حقوق بشر ناشیه از رسوم مقرره بین دول متمدن و قوانین انسانیت و مقتضیات وجدان عمومی اجرا نمایند بلااثر خواهد بود.

مادهٔ ٦٣:

شورای متحدهٔ سویس این قرارداد را در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسانید همچنین هر تصویب یا الحاق یا فسخی که در مورد این قرارداد دریافت نماید مراتب را به دبیرخانه سازمان نامبرده اطلاع خواهد داد.

درتصدیق مراتب بالا امضاء کنندگان زیر که اعتبارنامه‌های خود را تسلیم نموده‌اند این قرارداد را امضاء کردند.

درشهر ژنو به تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به زبانهای فرانسه و انگلیسی تحریر شد نسخه اصلی در بایگانی کشور متحدهٔ سویس ضبط می‌شود. شورای متحدهٔ سویس یک رونوشت مصدق قرارداد را به هر یک از دول امضاء کننده و همچنین به دولی که به این قرارداد ملحق شوند ارسال خواهد داشت.

پیوست:

محل مخصوص ذکر نام کشور و مقام نظامی

صادر کنندهٔ کارت

کارت هویت

مخصوص اعضاء بهداری و مذهبی وابسته به

نیروهای مسلح در دریا

نام خانوادگی..

نام شخصی ....

تاریخ تولد ....

درجه ....

شماره ....

دارنده این کارت بسمت ....

تحت حمایت قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا می‌باشد.

تاریخ صدور کارت .... شمارهٔ کارت.....................................

محل امضاء یا اثر انگشت یا هر دو	عکس صاحب کارت مهرمنگنه مقام نظامی صادر کنندهٔ کارت

قد.............................. چشم.............................. مو..............................

سایر مشخصات

....

....

۳۵:

قرارداد ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی...

قرارداد ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی
مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ کنفرانس سیاسی ژنو

امضاء کنندگان ذیل نمایندگان مختار دولت‌های شرکت کننده در کنفرانس سیاسی که در شهر ژنو از تاریخ ۲۱ آوریل تا تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به منظور تجدید نظر در قرارداد ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ راجع به معامله با اسیران جنگی تشکیل گردیده نسبت به مراتب ذیل موافقت حاصل نمودند:

باب اول
مقررات عمومی

مادهٔ ۱:

دولت‌های معظمهٔ متعاهد تعهد می‌نمایند که این قرارداد را در همهٔ احوال محترم شمارند و اتباع خود را به احترام آن وا دارند.

مادهٔ ۲:

علاوه بر مقرراتی که باید در زمان صلح به موقع اجراء گذاشته شود این قرارداد در صورت وقوع جنگی که رسماً اعلان شده باشد یا هر گونه نزاع مسلحانه که بین دو یا چند دولت معظم متعاهد بروز کند اجرا خواهد شد ولو آنکه یکی از دول مزبور وجود وضع جنگی را تصدیق نکند.

این قرارداد در باره هرگونه موارد اشغال تمام یا قسمتی از خاک یکی از دول معظمهٔ متعاهد نیز معتبر است ولو آنکه اشغال مزبور با هیچ گونه مقاومت نظامی مواجه نشده باشد.

چنانچه یکی از دول داخل در جنگ عضو این قرارداد نباشد دولت‌های عضو معذلک در روابط متقابل خود تابع این قرارداد خواهند بود و چنانچه آن دولت این قرارداد را قبول و مقررات آنرا اجرا کند در مقابل او نیز ملزم باجرای این قرارداد خواهند بود.

مادهٔ ۳:

چنانچه نزاع مسلحانه جنبهٔ بین‌المللی نداشته و در خاک یکی از دول معظمهٔ متعاهد روی دهد هر یک از دول داخل در جنگ مکلفند لااقل مقررات زیر را اجرا نمایند.

۱ - با کسانیکه مستقیماً در جنگ شرکت ندارند بانضمام افراد نیروهای مسلحی که اسلحه بزمین گذاشته باشند یا کسانی که بعلت بیماری یا زخم یا بازداشت و یا هر علت دیگری قادر بجنگ نباشند باید در همه احوال بدون هیچگونه تبعیض ناشیه از نژاد. رنگ. مذهب. عقیده. جنس. اصل و نسب یا ثروت یا هر علت متشابه آن با اصول انسانیت رفتار شود.

اعمال ذیل در مورد اشخاص مذکور بالا در هر زمان و در هر مکان ممنوع است و خواهد بود:

الف - لطمه بحیات و تمامیت بدنی منجمله قتل بتمام اشکال آن. زخم زدن. رفتار بیرحمانه. شکنجه و آزار.

ب - اخذ گروگان.

ج - لطمه به حیثیت اشخاص منجمله تحقیر و تخفیف.

د - محکومیت و اعدام بدون حکم قبلی دادگاهی که صحیحاً تشکیل شده و جامع تضمینات قضائی که ملل متمدن ضروری می‌دانند باشد.

۲ - بیماران و زخمداران جمع آوری و تحت معالجه قرار خواهند گرفت.

یک دستگاه نوعپروری بیطرف مانند کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند خدمات خود را به متخاصمین عرضه دارد.

گذشته از مراتب فوق دول متخاصم سعی خواهند کرد تمام یا قسمتی از سایر مقررات این قرارداد را از طریق موافقت‌نامه‌های اختصاصی بموقع اجراء گذارند.

اجرای مقررات فوق اثری در وضع حقوقی متخاصمین نخواهد داشت.

مادهٔ ۴:

الف - اشخاص ذیل متعلق بیکی از طبقات مشروحهٔ پائین که بدست دشمن افتند اسیر جنگی بدانگونه که مفهوم این قرارداد است شمرده می‌شوند:

۱ - اعضاء نیروهای مسلح یکی از متخاصمین و همچنین اعضاء چریک و دسته‌های داوطلب که جزء نیروهای مسلح مزبور باشند.

۲ - اعضاء سایر چریکها و اعضاء سایر دسته‌های داوطلب بانضمام اعضاء نهضت‌های مقاومت متشکل متعلق به یک دولت متخاصم که در داخل یا خارج خاک خود مشغول عملیات باشند ولو آنکه

خاک مزبور اشغال شده باشد مشروط باینکه چریکها یا دسته‌های داوطلب و نهضت‌های مقاومت متشکل مذکور جامع شرایط زیر باشند:

الف - یک نفر رئیس در رأس آنها باشد که مسئول اتباع خود باشد.

ب - دارای علامت مشخصهٔ ثابتی باشند که از دور قابل تشخیص باشد.

ج - علناً حمل اسلحه نمایند.

د - در عملیات خود مطابق قوانین و رسوم جنگ رفتار نمایند.

۳ - اعضاء نیروهای مسلح منظم که خود را وابسته بدولت یا مقامی معرفی نمایند که از طرف دولت دستگیر کنندّه برسمیت شناخته نشده باشد.

۴ - کسانی که همراه نیروهای مسلح هستند بی آنکه مستقیماً جزو آن نیروها باشند از قبیل اعضاء غیر نظامی کارکنان هواپیماهای جنگی - خبرنگاران جنگی - تهیه کنندگان اجناس - اعضاء واحدهای کار یا خدمت که عهده‌دار آسایش نیروهای مسلحند مشروط باینکه از طرف نیروهای مسلحی که همراهی می‌کنند مجاز باشند برای این منظور نیروهای مسلح مزبور مکلفند کارت هویتی مطابق نمونه پیوست باین قبیل اشخاص تسلیم نمایند.

۵ - کارکنان نیروهای بحریه بازرگانی منجمله فرماندهان و ناخداها شاگردان و کارکنان هواپیمائی کشوری دولت‌های متخاصم که بموجب این مقررات حقوق بین‌الملل از معاملهٔ مساعدتری برخوردار نیستند.

۶ - الف - اهالی اراضی اشغال نشده که موقع نزدیک شدن دشمن بی آنکه فرصت تشکیل نیروهای منظم داشته باشند ارتجالاً برای مبارزه با دشمن اسلحه بدست می‌گیرند مشروط باینکه علناً حمل اسلحه نمایند و قوانین و رسوم جنگ را محترم شمارند.

ب - اشخاص ذیل از معامله‌ای که به موجب این قرارداد برای اسیران جنگی تعیین گردیده برخوردار خواهند شد:

۱ - اشخاصی که به نیروهای مسلح کشور اشغال شده متعلق‌اند یا متعلق بوده‌اند در صورتیکه دولت اشغال کننده به علت همین تعلق اقدام به بازداشت آنها را لازم بداند ولو آنکه آنها را قبلاً در زمانیکه جنگ در خارج خاک اشغالی ادامه داشته آزاد کرده بوده

خصوصاً در مواردیکه اشخاص مزبور در صدد الحاق به نیروهای مسلح اصلی خود که در جنگ داخل باشد بر آمده و توفیق نیافته باشد یا در موردیکه اشخاص مذکور به اخطاری که به منظور بازداشت بآنان بشود اطاعت ننمایند.

۲ - اشخاص متعلق بیکی از طبقات مشروحه در این ماده که دولتهای بیطرف یا غیر متخاصم آنها در خاک خود پذیرفته و طبق حقوق بین‌الملل مکلف به بازداشت آنان می‌باشند با قید و شرط هر گونه معامله مساعدتری که دولتهای مذکور بخواهند درباره آنان قائل شوند به استثناء مقررات مواد ۸ - ۱۰ - ۱۵ بند ۵

از مادهٔ ۳۰ مواد ۵۸ لغایت ۶۷ و مادهٔ ۹۲ و ۱۲۶ و به استثنای مقررات مربوطه به دولت‌های حامی در موقعیکه بین دول متخاصم با دولت‌های بیطرف و یا غیر متخاصم روابط سیاسی موجود باشد. در موقعیکه روابط سیاسی مزبور موجود باشد دول متخاصم متبوع اشخاص مذکور مجاز خواهند بود وظائفی راکه به موجب این قرارداد به عهدهٔ دول حامی محول است نسبت به آن اشخاص اجراء نمایند بدون آنکه این عمل از وظائفی که دول مزبور معمولا به موجب رسوم و عهود سیاسی و کنسولی اجراء می‌نمایند چیزی بکاهند.

ج - این ماده اساسنامهٔ کارکنان بهداری و مذهبی را بنحوی که در ماده ۳۳ این قرارداد پیش بینی شده محفوظ می‌دارد.

مادهٔ ۵:

این قرارداد در بارهٔ اشخاص مذکور در مادهٔ ۴ از لحظه‌ای که بدست دشمن افتند تا آزادی و اعاده قطعی آنها به کشورشان اجراء خواهد شد.

اگر شک باشد که اشخاصیکه عمل مخاصمت‌آمیز مرتکب شده و بدست دشمن افتاده‌اند متعلق به کدامیک از طبقات مذکور در مادهٔ ۴ می‌باشند اشخاص مزبور تا وضعشان به توسط دادگاه صالح معلوم نگردیده از حمایت این قرارداد برخوردار خواهند بود.

مادهٔ ٦:

علاوه بر موافقت‌نامه‌هائی که در مواد ۱۰ - ۲۳ - ۲۸ - ۳۳ - ۶۰ - ۶۵ - ۶۶ - ۶۷ - ۷۲ - ۷۳ - ۷۵ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۸ - ۱۱۹ - ۱۲۲ این قرارداد بالصراحه پیش‌بینی شده دولتهای معظمهٔ متعاهد می‌توانند موافقت‌نامه‌های اختصاصی دیگری راجع بهر مسئله که حل آنرا اختصاصاً مقتضی بدانند منعقد سازند. هیچ موافقت‌نامه اختصاصی نمی‌تواند بوضع اسیران جنگی به نحویکه به موجب این قرارداد معین شده لطمهٔ بزند یا حقوقی راکه بر طبق این قرارداد برای آنها مقرر است تقلیل دهد.

اسیران جنگی در تمام مدتی که مشمول قراردادند از مزایای موافقت‌نامه‌های مزبور برخوردار خواهند شد مگر آنکه در آن موافقت‌نامه‌ها یا موافقت‌نامه‌های بعدی صریحاً خلاف آن مقرر شده باشد و یا یکی از دول متخاصم اقدامات مساعدتری دربارهٔ آن اتخاذ کرده باشد.

مادهٔ ۷:

اسیران جنگی نمی‌توانند در هیچ حالی از تمام یا قسمتی از حقوقی که به موجب این قرارداد یا احیاناً به موجب موافقت‌نامه‌های اختصاصی مذکور در مادهٔ قبل در بارهٔ آنان تأمین شده صرفنظر نمایند.

مادهٔ ۸:

این قرارداد با معاضدت و تحت نظر دولتهای حامی که عهده‌دار حفظ منافع دول متخاصمند بموقع اجراء گذارده خواهد شد، برای این منظور دولت‌های حامی می‌توانند علاوه بر مأمورین سیاسی و کنسولی خود نمایندگانی از میان اتباع خود یا از میان اتباع دولتهای بیطرف دیگر تعیین نمایند.

نمایندگان مزبور باید مورد پذیرش دولتی که نزد آن انجام وظیفه خواهند کرد قرار گیرند.

دولت‌های متخاصم به وسیعترین وجهی در انجام وظیفهٔ مأمورین یا نمایندگان دولت‌های بیطرف تسهیل خواهند کرد.

مأمورین یا نمایندگان دول حامی نباید در هیچ مورد از حدود وظیفهٔ خود بنحوی که از این قرارداد مستفاد می‌شود تجاوز کنند و مخصوصاً باید ضروریات عالیهٔ امنیت دولتی را که نزد آن انجام وظیفه می‌نمایند رعایت نمایند.

مادهٔ ۹:

مقررات این قرارداد با فعالیت‌های نوعپرورانه که کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ یا هر دستگاه بشر دوست بیطرف دیگر برای حمایت اسیران جنگی و کمک به آنان با موافقت دولت‌های متخاصم مربوطه به عمل آورد مانعةالجمع نخواهد بود.

مادهٔ ۱۰:

دولت‌های متعاهد می‌توانند در هر موقع بین خود توافق نمایند که وظائفی را که بموجب این قرارداد بدول حامی محول است بیک دستگاه بین‌المللی که جامع کلیهٔ تضمینات بیطرفی و کارآمدی باشد محول سازند.

چنانچه بعضی از اسیران جنگی به علتی از فعالیت یک دولت حامی یا یکدستگاه که در بند اول این ماده تعریف شده بهره‌مند نباشد یا بهره‌مند بوده و دیگر استفاده نکنند دولت بازداشت‌کننده باید خواه از یک دولت بیطرف و خواه از یکی از دستگاه‌های بیطرف تقاضا کند وظائفی را که به موجب این قرارداد به عهدهٔ دول حامی که از طرف دولت‌های متخاصم تعیین می‌شوند محول است بر عهده گیرند.

چنانچه تأمین حمایت بدین‌طریق مقدور نباشد دولت بازداشت‌کننده باید از یکدستگاه نوعپروری مانند کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ تقاضا کند وظائف نوعپرورانه را که به موجب این قرارداد بدول حامی محول است عهده‌دار گردد و باید با قید مقررات این ماده خدماتی را که از طرف چنین دستگاهی عرضه می‌شود بپذیرد.

هر دولت بیطرف یا هر دستگاهی که برای مقاصد بالا توسط دولت ذیربط دعوت می‌شود یا خود را عرضه می‌کند باید در فعالیت خود متوجهٔ مسئولیت خویش در قبال دولت متخاصم متبوع افراد مورد حمایت این قرارداد بوده و تضمینات کافی بدهد که قادر است وظایف مزبور را تأمین نماید و بیطرفانه انجام دهد.

تخلف از مقررات فوق به اتکاء هیچ موافقت نامهٔ اختصاصی بین دولت‌ها که یکی از آنها ولو بطور موقت بعلت وقایع نظامی منجمله در صورت اشغال تمام یا قسمت مهمی از خاک خود در قبال دولت دیگر یا در قبال متحدین خود از حیث آزادی مذاکرات محدود باشد مجاز نیست.

در هر جا که در این قرارداد عنوان دولت حامی ذکر شده عنوان مزبور شامل دستگاههائی که بمنطوق

این ماده جانشین دولت حامی هستند نیز می‌باشد.

مادهٔ ۱۱:

دولت‌های حامی در کلیهٔ مواردی که از لحاظ منافع اشخاص مورد حمایت مفید بدانند منجمله در صورت بروز اختلاف بین دول متخاصم در باب اجرا یا تفسیر مقررات این قرارداد در حل اختلاف وساطت خواهند کرد.

برای این منظور هر یک از دول حامی می‌تواند بنابر دعوت یک طرف متخاصم یا رأساً بدولت‌های متخاصم پیشنهاد کند که جلسه‌ای از نمایندگان خود و مخصوصاً از مقامات مسئول سرنوشت اسیران جنگی احیاناً در خاک بیطرفی که به مناسبت انتخاب شده باشد تشکیل دهند. دولت‌های متخاصم مکلفند به پیشنهادهائی که در این زمینه دریافت می‌دارند ترتیب اثر دهند.

دول حامی می‌توانند عندالاقتضا یکی از شخصیت‌های یک دولت بیطرف یا شخصیتی راکه از طرف کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ به نمایندگی معین شده باشد برای شرکت در جلسهٔ مزبور جهت تصویب دولت‌های متخاصم پیشنهاد نمایند.

باب دوم
حمایت کلی اسیران جنگی

مادهٔ ۱۲:

اسیران جنگی در اختیار دولت دشمن می‌باشند نه در اختیار اشخاص یا نیروهائی که آنها را اسیر کرده‌اند قطع نظر از مسئولیت‌های شخصی که ممکن است موجود باشد دولت بازداشت‌کننده مسئول معامله‌ایست که با اسیران مزبور می‌شود.

دولت بازداشت‌کننده نمی‌تواند اسیران جنگی را بدولت دیگری انتقال دهد مگر آنکه آن دولت عضو قرارداد باشد آنهم پس از آنکه مطمئن شود که دولت مزبور مایل و قادر باجرای قرارداد است.

وقتی که اسیران بدینطریق انتقال یابند مسئولیت اجرای قرارداد در تمام مدتی که اسیران سپرده به دولت مزبورند به عهدهٔ آن دولت خواهد بود.

معهذا در صورتیکه دولت مزبور از تعهد خود در اجرای مقررات قرارداد در هر قسمت مهم آن تخلف کند دولتی که اسیران جنگی را انتقال داده باید به وصول اخطار دولت حامی اقدامات مؤثری برای اصلاح وضع به عمل آورد و یا اعاده اسیران جنگی را تقاضا کند. چنین تقاضائی حتمی‌الاجر است .

مادهٔ ۱۳:

با اسیران جنگی باید در هر زمان با انسانیت رفتار شود. هر عمل یا غفلت غیر موجه از طرف دولت بازداشت‌کننده که موجب فوت یک اسیر جنگی شود یا سلامت او را شدیداًدر خطر اندازد ممنوع است و در حکم تخلف مهم از این قرارداد شمرده خواهد شد. مخصوصاً هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان مورد جرح

جسمانی یا آزمایش طبی یا علمی از هر قبیل که مجوز آن معالجهٔ طبی اسیر مزبور نبوده و بنفع وی نباشد قرارداد.

همچنین اسیران جنگی باید در هر زمان بالاخص در مقابل هر گونه عمل خشونت‌آمیز یا تهدید و در مقابل ناسزا و کنجکاوی مردم حمایت شوند.

اقدامات قصاصی بر علیه آنان ممنوع است.

مادهٔ ۱۴:

اسیران جنگی در همه احوال ذیحق بحرمت شخص و شرافت خویش می‌باشند.

با زنان باید با کلیه احتراماتی که لازمهٔ جنس آنانست رفتار شود و در هر حال باید از همان معاملهٔ مساعدی که در حق مردان اعطاء می‌شود برخوردار گردند.

اسیران جنگی استعداد کشوری خود را بنحوی که هنگام اسارت موجود بوده حفظ می‌کنند و دولت بازداشت‌کننده نباید اعمال استعداد مزبور را در خاک خود یا در خارج محدود سازد مگر در حدودی که اسارت اقتضا کند.

مادهٔ ۱۵:

دولت بازداشت‌کننده اسیران جنگی مکلف است نگاهداری آنان را به رایگان فراهم آورد و معالجات طبی را که وضع مزاجی آنها اقتضا دارد مجاناً تأمین کند.

مادهٔ ۱۶:

با رعایت مقررات این قرارداد راجع به درجه و جنس اسیران و با قید هر گونه معاملهٔ ممتازه که در حق اسیران جنگی بعلت وضع مزاجی و سن و استعداد حرفه‌ای آنها اعطاء می‌شود دولت بازداشت‌کننده باید با اسیران جنگی عموماً به یک نحو و بدون هیچگونه تفاوت ناشیه از نژاد ملیت. مذهب. عقیدهٔ‌سیاسی یا هر تفاوت دیگری که مبنی بر نظائر علل مزبور باشد رفتار کند.

باب سوم
اسارت
بخش اول
شروع اسارت

مادهٔ ۱۷:

اسیر جنگی در موقع تحقیق مکلف نیست جزنام و نام خانوادگی و تاریخ تولد و شمارهٔ خود (و در صورتیکه شماره نداشته باشد مطلبی نظیر آن) موضوع دیگری اظهار دارد.

در صورتیکه قاصداً ازین قاعده تخلف کند ممکن است از حیث امتیازاتی که به اسیران هم درجه یا هم وضع او داده می‌شود مورد تضییقاتی واقع گردد.

هر یک از دولت‌های متخاصم مکلف است به هر شخصی که در قلمرو وی واقع و ممکن است به اسارت جنگی در آید یک کارت هویت حاوی نام - نام خانوادگی درجه - شماره یا مشخصات نظیر آن و تاریخ تولد بدهد. بعلاوه کارت مزبور ممکن است حاوی امضاء یا اثر انگشت یا هر دو و هر گونه مشخصات دیگری که دولت‌های متخاصم مایل باشند در بارهٔ اشخاص متعلق به نیروهای نظامی خود بآن اضافه کنند باشد.

ابعاد کارت باید حتی‌الامکان ۶/۵×۱۰ سانتی متر بوده و در دو نسخه تنظم شود.

اسیر جنگی باید این کارت را هر موقع مطالبه شود ارائه دهد ولی در هیچ مورد نباید کارت را از او گرفت.

هیچگونه شکنجه بدنی یا روحی و هیچگونه فشاری نباید باسیران جنگی وارد آید تا از آنان اطلاعاتی از هر قبیل کسب گردد. اسیرانی که از دادن اطلاع خودداری کنند نباید مورد تهدید یا دشنام قرار گیرند یا در معرض ناراحتی و سلب مزایا از هر قبیل واقع گردند.

اسیران جنگی که بعلل جسمانی یا فکری قادر بابراز هویت خود نباشند به ادارهٔ بهداری تسلیم خواهند شد. هویت این قبیل اسیران به هر وسیله که ممکن باشد بارعایت قیود و شرایط بند بالا معلوم خواهد گردید.

بازجوئی از اسیران جنگی باید بزبانی که بفهمند بعمل آید.

مادهٔ ۱۸:

کلیهٔ اشیاء و لوازم مصرف شخصی (به استثنای اسلحه - اسب - تجهیزات نظامی و اسناد نظامی) در تصرف اسیران جنگی باقی خواهد ماند همچنین کلاه‌خودهای فلزی و ماسک‌های ضد گاز و کلیه اشیاء دیگری که به منظور حفاظت شخصی به آنان داده شده نزد خود آنها خواهد ماند. و نیز اشیاء و لوازم مربوط به ملبوس یا تغذیه آنان در اختیار خودشان خواهد ماند ولو آنکه اشیاء و لوازم مزبور جزو تجهیزات نظامی رسمی آنان باشد.

اسیران جنگی در هیچ موقعی نباید بی‌سند هویت بمانند. بکسانی که فاقد سند هویت باشند دولت بازداشت‌کننده سند هویت تسلیم خواهد نمود.

علائم درجه و ملیت و نشان‌ها و اشیائی را که بالاخص ارزش شخصی یا احساساتی دارند نباید از اسیران جنگی گرفت.

وجوه نقدی اسیران جنگی را نمی‌توان از آنان گرفت مگر بر حسب دستور یکنفر افسر آن هم پس از آنکه مبلغ آن با مشخصات صاحب آن در دفتر مخصوصی ثبت و رسید کاملی که بنا به تقاضای اسیر به پول آن کشور تبدیل شده طبق مادهٔ ۶۴ به بستانکار حساب اسیر منظور خواهد شد.

دولت بازداشت‌کننده نمی‌تواند اشیاء قیمتی اسیران جنگی را جز به علل امنیت ضبط کند. در این صورت طریق عمل همانست که دربارهٔ وجوه نقدی ذکر گردید.

اشیاء مزبور و وجوه نقدی که بپولی غیر از پول دولت بازداشت‌کننده بوده و صاحب آن تقاضای تبدیل آنرا به پول آن دولت نکرده باشد باید توسط دولت بازداشت‌کننده نگاهداری و در پایان اسارت به همان شکل اصلی باسیر مسترد گردد.

مادهٔ ۱۹:

اسیران جنگی دراسرع وقت پس از آنکه دستگیر شوند باید به بازداشتگاه‌هائی که نسبتاً از منطقه جنگ دور باشند اعزام شوند تا از خطر بر کنار باشند.

فقط اسیرانی را می توان موقتاً در یک منطقه خطرناک نگاهداشت که به علت جراحات یا بیماری اعزام آنها به جای دیگر خطرناکتر از اقامت در محل باشد.

اسیران جنگی را نباید در زمانی که منتظر تخلیه از منطقهٔ جنگند بی‌جهت در معرض خطر قرارداد.

مادهٔ ۲۰:

تخلیه اسیران جنگی باید همیشه با انسانیت و در شرایطی نظیر شرایط نقل و انتقال قوای دولت بازداشت‌کننده صورت گیرد.

دولت بازداشت‌کننده برای اسیران جنگی که تخلیه می‌شوند آب مشروب و غذا به مقدار کافی و همچنین ملبوس و پرستاری طبی لازم را تأمین خواهد کرد. بعلاوه کلیه احتیاطات مفیده را بعمل خواهد آورد که در حین تخلیه امنیت داشته باشند و هر چه زودتر صورت اسیران تخلیه شده را تنظیم خواهد نمود.

اگر لازم باشد که اسیران جنگی در مدت تخلیه از بازداشتگاههای موقت عبور کنند مدت اقامت آنها در این قبیل بازداشتگاهها حتی‌الامکان کوتاه خواهد بود.

بخش دوم
بازداشت اسیران جنگی
فصل اول
کلیات

مادهٔ ۲۱:

دولت بازداشت‌کننده می‌تواند اسیران جنگی را بازداشت کند و می‌تواند به آنها قدغن کند که از حدود معینی از بازداشتگاه خود دورتر نروند و یا در صورتیکه بازداشتگاه محصور باشد از حصار آن عبور نکنند. سوای مقررات این قرارداد راجع به مجازاتهای جزائی و انتظامی نمی‌توان اسیران مزبور را زندانی کرد یا تحت نظر قرارداد مگر آنکه این اقدام برای حفظ سلامت آنها ضرورت داشته باشد. و در هر حال این وضع نباید بیش از طول مدت وجود موجباتی که آن وضع را ایجاب کرده طول بکشد.

اسیران جنگی را می‌توان بعضاً یا تماماً به قید قول یا تعهد در صورتیکه قوانین کشور متبوعه آنان اجازه دهد آزاد ساخت. این اقدام خصوصاً در مواردیکه در بهبود وضع مزاجی آنان دخیل باشد بعمل خواهد آمد

ولی هیچ اسیری را نمی‌توان مجبور کرد به قید قول یا تعهد قبول آزادی نماید.

هر دولت متخاصم به محض شروع مخاصمات قوانین و مقرراتی را که به موجب آن اتباع وی می‌توانند به قید قول یا تعهد قبول آزادی نمایند به دولت طرف خود ابلاغ خواهد کرد. اسیرانی که به موجب این قوانین و مقررات به قید قول یا تعهد آزاد می‌شوند مکلفند به قید شرافت شخصی خویش تعهداتی را که چه در قبال دولت متبوع خود و چه در قبال دولت بازداشت‌کننده تقبل کرده‌اند کاملاً ایفا نمایند. در این قبیل موارد دولت متبوع آنها نباید از آنان هیچ خدمتی را که بر خلاف قول یا تعهد آنان باشد بخواهد یا قبول کند.

مادهٔ ۲۲:

اسیران جنگی را نمی‌توان جز روی زمین محکم که جامع کلیه تضمینات بهداشتی و سلامتی باشد بازداشت نمود. جز در موارد مخصوص که نفع خود اسیران در آن باشد نباید آنها را در توقیف‌گاههای نظامی بازداشت کرد.

اسیران جنگی که در نواحی غیر سالم یا در نواحی که آب و هوای آن برای آنان مضر باشد بازداشت شده باشند باید هر چه زودتر بمحل دیگری که آب و هوای مناسب‌تر باشدانتقال یابند.

دولت بازداشت‌کننده اسیران جنگی را با رعایت ملیت و زبان و عادت آنان در بازداشتگاهها یا تقسیمات بازداشتگاهها مجتمع خواهد ساخت. اسیران مزبور را نباید از اسیران جنگی متعلق بنیروهای مسلحی که هنگام دستگیری در آن نیروها خدمت می‌کردند مجزا ساخت مگر آنکه خودشان باینکار رضا دهند.

مادهٔ ۲۳:

هیچ اسیر جنگی را در هیچ موقع نمی‌توان بناحیه‌ای فرستاد یا در ناحیه‌ای بازداشت کرد که در معرض آتش منطقه جنگ باشد و همچنین نمی‌توان بوسیلهٔ وجود او بعضی نواحی را از عملیات نظامی مصون ساخت.

اسیران جنگی به همان میزان اهالی کشوری محل پناهگاههای ضد بمباران هوائی و هر نوع خطر جنگی دیگر در اختیار خود خواهد داشت. به استثنای کسانیکه از میان آنها در حفظ محوطه خود از خطرات مزبور شرکت دارند سایرین باید بتوانند در اسرع وقت به محض آژیر خود را به پناهگاه برسانند. هر گونه اقدام حفاظتی دیگر که در بارهٔ اهالی بعمل می‌آید در بارهٔ آنان نیز بعمل آید.

دولتهای بازداشت‌کننده متقابلاً کلیهٔ اطلاعات مفید را دربارهٔ موقع جغرافیائی بازداشتگاههای اسیران جنگی بتوسط دولتهای حامی به یکدیگرابلاغ خواهند کرد.

هر موقع که مقتضیات نظامی اجازه دهد بازداشتگاههای اسیران جنگی به وسیلهٔ حروف P.D یا P W که بطور مشخص و مشهود از آسمان معلوم باشد در روز نشان داده خواهد شد. معهذا دولت‌های ذی ربط می‌توانند وسیله دیگری برای نشان دادن بین خودشان قرار بگذارند. فقط بازداشتگاههای اسیران جنگی را بدینوسیله می‌توان نشان داد.

مادهٔ ۲۴:

بازداشتگاههای عبوری یا بازداشتگاههای طبقه‌بندی اسیران جنگی که جنبهٔ دائمی دارند باید با شرایطی نظیر آنچه که در این بخش پیش‌بینی شده احداث گردند و اسیران جنگی موجوده در آنها از همان ترتیباتیکه در سایر بازداشتگاهها مقرر است برخوردار خواهند بود.

فصل دوم
مسکن و غذا و ملبوس اسیران جنگی

مادهٔ ۲۵:

وضع مسکن اسیران جنگی باید بخوبی وضع مسکن نیروهای کشور بازداشت‌کننده که در همان ناحیه اقامت دارند باشد. در وضع مسکن اسیران جنگی باید اخلاق و عادات آنان را مورد رعایت قرارداده ودر هیچ حالی نباید وضع مسکن مضر بسلامت آنان باشد.

مقررات فوق مخصوصاً دربارهٔ خوابگاه اسیران جنگی چه از حیث مساحت کلی و حداقل حجم هوا و چه از حیث اثاث و لوازم خواب منجمله روپوش به موقع اجراء گذارده خواهد شد.

محل‌هائی که برای مصرف شخصی یا جمعی از اسیران جنگی تخصیص داده می‌شود باید کاملاً غیر مرطوب بوده و بحد کافی گرم شود و نور داشته باشد خصوصاً در فاصله بین غروب و ساعتی که چراغها خاموش می‌شود همه گونه احتیاط در مقابل خطر آتش سوزی باید بعمل آید.

در کلیهٔ بازداشگاههائی که اسیران جنگی مرد وزن با هم نگاهداری می‌شوند باید خوابگاههای مجزا برای زنان تخصیص داده شود.

مادهٔ ۲۶:

جیرهٔ اساسی یومیه باید از حیث کم و کیف و تنوع کافی باشد به طوریکه اسیران جنگی را در حال سلامت کامل نگاهدارد و از تقلیل وزن آنها یا عوارض کم غذائی جلوگیری کند. در تخلیه اسیران جنگی باید رژیم غذائی عادی آنها رعایت شود.

دولت بازداشت‌کننده برای اسیران جنگی که کار می‌کنند غذای اضافی لازم تهیه خواهد کرد که بتوانند کار محوله را انجام دهند.

آب مشروب کافی برای اسیران جنگی تهیه خواهد شد. استعمال دخانیات مجاز خواهد بود.

باید در حدود امکان اسیران جنگی را در تهیه غذای معمولی شرکت داد و برای این منظور ممکن است در آشپزخانه از آنان استفاده کرد. بعلاوه باید وسائل لازم به آنها داده شود تا اضافه غذائی را که در اختیار دارند خودشان درست کنند.

محل های متناسبی برای غذا خوری افراد و افسران پیش‌بینی خواهد شد.

هر گونه مجازات انتظامی دسته جمعی که از حیث غذا صورت گیرد ممنوع است.

مادهٔ ۲۷:

ملبوس - لباس زیر و کفش توسط دولت بازداشت‌کننده با توجه به آب و هوای محل اسیران جنگی به مقدار کافی برای آنان تهیه خواهد شد.

اونیفورم نیروهای دشمن که بدست دولت بازداشت‌کننده افتد در صورتیکه باآب و هوای محل مناسب باشد برای ملبوس اسیران جنگی مصرف خواهد شد.

تعویض و اصلاح این اشیاء به طور منظم توسط دولت بازداشت‌کننده صورت خواهد گرفت. ازین گذشته اسیران جنگی که کار می‌کنند در هر جا که نوع کار لباس مخصوص را ایجاب کند لباس مخصوص آن کار را دریافت خواهند کرد.

مادهٔ ۲۸:

در کلیهٔ بازداشتگاهها فروشگاهی دایر خواهد شد که اسیران جنگی خواربار و اشیاء عادی و صابون و دخانیات از آنجا برای خود تهیه کنند و بهای فروش آن نباید در هیچ موردی از بهای کسب محلی تجاوز کند.

سود فروشگاه‌ها به نفع اسیران جنگی به مصرف خواهد رسید. برای این منظور حساب مخصوصی دایر خواهد شد. معتمد بازداشتگاه حق خواهد داشت در ادارهٔ امور فروشگاه و ادارهٔ سرمایه آن شرکت نماید.

در موقع انحلال بازداشتگاه موجودی بستانکار حساب مخصوص مزبور بیک دستگاه نوعپروری بین‌المللی تسلیم خواهد شد که به نفع اسیران جنگی همان ملیتی که در تشکیل حساب مزبور شرکت داشته‌اند مصرف شود. در صورت اعادهٔ عمومی اسیران به میهن خودشان سود مزبور توسط دولت بازداشت‌کننده نگاهداشته خواهد شد مگر آنکه قرار دیگری بین دول ذیربط در بارهٔ آن داده شده باشد.

بهداشت و پرستاری طبی

مادهٔ ۲۹:

دولت بازداشت‌کننده مکلف است کلیهٔ اقدامات بهداشتی لازم را به منظورتأمین نظافت و سلامت بازداشتگاهها و جلو گیری از بیماریهای واگیردار بعمل آورد.

اسیران جنگی روز و شب تأسیساتی مطابق قواعد بهداشت که در حال نظافت دائمی نگاهداشته شود در اختیار خود خواهند داشت.

ازین گذشته غیر از حمامها و دوشهائیکه در بازداشتگاه موجود خواهد بود برای اسیران جنگی آب و صابون به مقدار کافی به منظور نظافت بدنی روزانه و شت‌وشوی لباس زیر جهت آنان تهیه خواهد شد. برای این منظور تأسیسات و تسهیلات و وقت لازم به آنها اعطاء خواهد شد.

مادهٔ ۳۰:

هر بازداشتگاه یک درمانگاه متناسب خواهد داشت که اسیران جنگی در آنجا پرستاری شوند همچنین

دارای یک رژیم غذائی متناسب خواهد بود. در صورت لزوم باید اماکن مجزا برای بیماران مبتلا به بیماریهای واگیردار و اختلالات دماغی تخصیص داده شود.

اسیران جنگی که مبتلا به بیماری شدید باشند و یا کسانیکه وضع مزاجی آنها معالجات مخصوص یا عمل جراحی یا بستری شدن در بیمارستان را ایجاب کند باید در هر دستگاه نظامی یا کشوری که برای معالجه آنها صلاحیت دارد پذیرفته شوند ولو آنکه بنا باشد در آتیهٔ نزدیکی به میهن خود اعاده گردند.

برای پرستاری معلولین دائمی و مخصوصاً برای نابینایان و تجدید تعلیم آنان تا زمانی که به میهن خودشان اعاده نشده‌اند تسهیلات خاصی فراهم خواهد گردید.

اسیران جنگی مرجحاً توسط کارکنان بهداری دولت متبوع خود و در صورت امکان توسط کارکنان بهداری هم میهن خود تحت معالجه قرار خواهند گرفت.

اسیران جنگی را نمی‌توان از مراجعهٔ به مقامات بهداری به منظور معاینه ممنوع ساخت مقامات بازداشت‌کننده باید به هر اسیر جنگی که مورد معالجه قرار گرفته در صورت تقاضای او گواهینامه رسمی حاوی نوع جراحات یا بیماری و مدت معالجه و معالجاتی که شده تسلیم نمایند.

المثنای گواهی‌نامهٔ مزبور به آژانس مرکزی اسیران جنگی ارسال خواهد شد هزینهٔ معالجه بانضمام هزینهٔ کلیهٔ اشیاء لازمه جهت حفظ سلامت اسیران جنگی منجمله اعضاء مصنوعی (دندان و غیره) و عینک به عهدهٔ دولت بازداشت‌کننده خواهد بود.

مادهٔ ۳۱:

لااقل ماهی یک‌بار بازرسی طبی از اسیران جنگی بعمل خواهدآمد. این کار شامل بررسی و ثبت وزن هراسیر خواهد بود و منظور از آن بالاخص رسیدگی بوضع عمومی سلامت و تغذیه و نظافت و کشف بیماریهای واگیردار منجمله سل ومالاریا و ابتلائات زهر وی خواهدبود. برای این منظور باید از مؤثرترین اصول ممکنه مانند رادیوگرافی منظم بطور سری روی میکروفیلم جهت کشف سل در ابتدای ابتلا استفاده نمود.

مادهٔ ۳۲:

اسیران جنگی که جزو ادارهٔ بهداری نیروهای مسلح خود نبوده ولی طبیب یا دندانساز یا پرستار باشند ممکن است دولت بازداشت‌کننده از آنها بخواهند که فنون طبی خود را به نفع اسیران جنگی تابع دولت خودشان بکار برند ولی در اینصورت باید با این اشخاص همان معامله بشود که با اعضاء بهداری مشابه که در بازداشت دولت بازداشت‌کننده هستند می‌شود.

این اشخاص از هر کاری که به موجب مادهٔ ۴۹ ممکن است به آنها تحمیل شود معاف خواهند بود.

فصل چهارم
کارکنان بهداری و مذهبی که برای کمک به اسیران جنگی نگاهداشته می‌شوند

مادهٔ ۳۳:

اعضاء کارکنان بهداری و مذهبی که به منظور کمک به اسیران جنگی در اختیار دولت بازداشت کننده نگاهداشته می‌شوند اسیر جنگی شمرده نخواهند شد ولی باید لااقل از کلیهٔ مزایا و حمایت این قرارداد برخوردار شوند و همچنین کلیهٔ تسهیلات لازم برای آنان فراهم گردد که بتوانند به اسیران جنگی کمک طبی یا معاونت مذهبی نمایند.

این اشخاص در حدود قوانین و مقررات نظامی دولت بازداشت‌کننده و تحت امر ادارات مربوطه باجرای وظائف طبی یا روحانی خود بنفع اسیران جنگی که مرجحاً متعلق به نیروهای مسلح متبوع خودشان باشد بر طبق وجدان حرفه‌ای خود ادامه خواهند داد. بعلاوه در اجرای مأموریت طبی یا روحانی خود از تسهیلات زیر برخوردار خواهند بود.

الف - مجاز خواهند بود که اسیران جنگی موجود در دسته‌های کار یا در بیمارستانهای واقعه در خارج بازداشتگاه را در فواصل معین معاینه نمایند. دولت بازداشت‌کننده وسائل نقلیه لازم را برای این منظور در اختیار آنان خواهد گذاشت.

ب - در هر بازداشتگاهی ارشد پزشکان نظامی با رعایت قدمت توقف در درجه نظامی در قبال مقامات نظامی بازداشگاهها مسئول کلیهٔ عملیات کارکنان بهداری بازداشت شده خواهد بود. برای این منظور دولت‌های متخاصم در بدو شروع مخاصمات قرار لازم را جهت انطباق درجات کارکنان بهداری خود به انضمام کارکنان جمعیت‌های مذکور در مادهٔ ۲۶ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی بین خود خواهند داد. پزشک مزبور و کشیشان عسکر در مورد کلیهٔ مسائل مربوط به وظیفهٔ خود حق مراجعه مستقیم به فرماندهان مسئول بازداشتگاه خواهند داشت و مقامات مزبور باید همه گونه تسهیلات لازم را برای مکاتبات مربوط به این مسائل جهت آنان فراهم آورند.

ج - کارکنانیکه نگاهداشته شده‌اند اگر چه تابع انتظامات بازداشتگاه خود می‌باشند ولی نباید بانجام هیچ کاری که خارج از وظیفهٔ طبی یا مذهبی آنان باشد مجبور شوند.

دولت های متخاصم در مدت مخاصمات قراری بین خود برای تعویض این قبیل کارکنان خواهند داد و طرز آن را معین خواهند نمود.

هیچیک از مقررات بالا دولت بازداشت‌کننده را از تعهداتی که در زمینهٔ بهداری و روحانی دربارهٔ اسیران جنگی به عهده دارد معاف نمی‌سازد.

فصل پنجم
مذهب و فعالیتهای فکری و بدنی

مادهٔ ۳۴:

به اسیران جنگی برای اجرای مذهب خود و حضور در مراسم مذهبی خود آزادی کامل داده خواهد شد مشروط به اینکه از مقررات انتظامی جاری که توسط مقام نظامی وضع شده اطاعت نمایند.

اماکن مناسب برای مراسم مذهبی آنان اختصاص داده خواهد شد.

مادهٔ ۳۵:

کشیشان عسگر که بدست نیروی دشمن بیفتند و برای کمک به اسیران جنگی به مانند یا نگاهداشته شوند مجاز خواهند بود به اسیران جنگی کمک کنند و موافق وجدان مذهبی خود آزادانه در میان هم‌کیشان خویش مراسم مذهبی را اجرا نمایند. کشیشان مزبور بین بازداشتگاهها و دسته‌های کار اسیران جنگی متعلق به یک نیروی مسلح و متکلم به یک زبان یا متدین به یک دیانت تقسیم خواهند شد.

از تسهیلات لازم خصوصاً از وسائل نقلیهٔ مذکور در مادهٔ ۳۳ برای دیدار اسیران جنگی خارج بازداشتگاه بهره‌مند خواهند بود. از آزادی مکاتبات جهت امور مذهبی خود با رؤسای دیانتی کشور محل بازداشت و سازمانهای مذهبی بین‌المللی با قید و شرط سانسور برخوردار خواهند بود. نامه‌ها و کارتهائیکه برای این منظور میفرستند به سهمیهٔ مذکور در مادهٔ ۷۱ علاوه خواهد شد.

مادهٔ ۳۶:

اسیران جنگی که کشیش مذهبی هستند ولی در ارتش خود کشیش عسگر نبوده‌اند مجاز خواهند شد که در مذهبی که هستند مراسم مذهبی خود را تماماً بین هم‌کیشان خود اجرا نمایند و برای این منظور با آنها مانند کشیشان عسگر که توسط دولت بازداشت‌کننده نگاهداشته شده باشند معامله خواهد شد. این اشخاص را نباید به هیچ کار دیگری مجبور ساخت.

مادهٔ ۳۷:

در موردیکه اسیران جنگی به کیشش عسگر یا به کشیش اسیری از کیش خود دسترسی نداشته باشند یکنفر کشیش که متعلق به مذهب اصلی آنها یا متعلق به مذهبی نظیر آن باشد و یا در صورت فقدان هر دو یکنفر غیر کشیش صلاحیت‌دار در صورتیکه از لحاظ مذهبی امکان‌پذیر باشد برحسب تقاضای اسیران به منظور اجرای مراسم مذهبی تعیین خواهد شد.

این انتصاب که منوط به تصویب دولت بازداشت‌کننده است با موافقت عامهٔ اسیران ذینفع بعمل خواهد آمد و در مواردی که لازم باشد با تصویب مقام مذهبی محلی متعلق به همان دیانت صورت خواهد گرفت. کسیکه بدین‌طریق تعیین می‌شود باید بر طبق کلیه آئین‌نامه‌هائی که دولت بازداشت‌کننده بمنظور انتظام و امنیت نظامی وضع کرده است رفتار نماید.

مادهٔ ۳۸:

دولت بازداشت‌کننده در عین اینکه تمایلات شخصی هر اسیر را محترم می‌شمارد فعالیت‌های فکری و تربیتی و تفریحی و ورزشی و اسیران جنگی را تشویق خواهد کرد و با واگذاری اماکن متناسب وادوات لازمه در اختیار اسیران جنگی اقدامات لازم برای تأمین اجرای فعالیت های مزبور بعمل خواهد آورد.

اسیران جنگی باید بتوانند به‌ورزشهای بدنی منجمله بازی و اسپرت اشتغال ورزند و از هوای آزاد استفاده کنند. برای این منظور در کلیهٔ بازداشتگاهها فضاهای آزاد کافی تخصیص داده خواهد شد.

فصل ششم
انتظامات

مادهٔ ۳۹:

هر بازداشتگاه اسیران جنگی تحت امر مستقیم یک افسر مسئول متعلق به نیروهای مسلح منظم دولت بازداشت‌کننده قرار خواهد گرفت. افسر مزبور متن این قرارداد را خواهد داشت و مراقبت خواهد کرد که مقررات آن معروف مأمورینی که زیر دست وی کار می‌کنند باشد. افسر مزبور تحت نظارت دولت خود مسئول اجرای این قرارداد خواهد بود.

اسیران جنگی به استثنای افسران مکلفند به کلیه افسران دولت دستگیر کننده اعم از هر درجه که داشته باشند سلام بدهند و مراسم احترامات ظاهری را که در ارتش خودشان مرسوم است دربارهٔ آنان بجای آورند.

افسران اسیر جنگی فقط مکلفند به افسران دولت بازداشت‌کننده که از حیث درجه ارشد بر خودشان باشند سلام بدهند ولی در هر حال باید بفرمانده بازداشتگاه اعم از هر درجه که داشته باشد سلام بدهند.

مادهٔ ۴۰:

نصب علائم درجه و ملیت و همچنین نصب نشانها مجاز خواهد بود.

مادهٔ ۴۱:

درهر بازداشتگاه متن این قرارداد و مضمون کلیه موافقت‌نامه‌های اختصاصی که در مادهٔ ۶ پیش‌بینی شده به زبان اسیران جنگی در محل‌هائی که اسیران بتوانند به آنها مراجعه کنند نصب و اعلان خواهد شد. درصورتیکه بعضی از اسیران جنگی قادر نباشند به متن اعلان مراجعه کنند به محض تقاضای آنان باید متن آنها به ایشان ابلاغ شود.

آئین‌نامه‌ها و اوامر و اخطارها و آگهی‌ها از هر قبیل مربوط به ادارهٔ امور اسیران جنگی باید بزبانی که بفهمند به آنان ابلاغ گردد و به وضع مذکور در بند بالا اعلان و الصاق شود و یک عده از نسخ آن به معتمد اسیران جنگی تسلیم گردد.

کلیه احکام و اوامری که انفراداً به اسیران داده می‌شود نیز باید بزبانی که بفهمند صادر گردد.

مادهٔ ۴۲:

استعمال اسلحه بر علیه اسیران جنگی خصوصاً بر علیه کسانی که فرار می‌کنند یا اقدام بفرار می‌نمایند فقط باید بعنوان آخرین وسیله بکار رود آنهم پس از اخطارهای قبلی که متناسب با اوضاع و احوال باشد.

فصل هفتم
درجات اسیران جنگی

مادهٔ ۴۳:

دول متخاصم به محض شروع مخاصمات متقابلاً عناوین و درجات کلیهٔ اشخاص مذکور در مادهٔ ۴ این قرارداد را بیکدیگر اطلاع خواهند داد تا تساوی معامله بین اسیران صاحب درجه متساوی تأمین گردد. چنانچه عناوین یا درجاتی بعداً برقرار شود به همین ترتیب در اعلام آنها اقدام خواهد گردید.

دولت بازداشت‌کننده ترفیعاتی را که به اسیران جنگی داده شود و رسماً توسط دولت متبوع آنان بوی اعلام گردد به رسمیت خواهد شناخت.

مادهٔ ۴۴:

با افسران و همردیفان که اسیر جنگی شوند با احتراماتی که مربوط به درجه و سن آنهاست رفتار خواهد شد.

برای خدمت بازداشتگاههای افسران عده کافی سرباز اسیر جنگی از همان نیروهای مسلح و حتی‌الامکان سربازانی که همزبان افسران مزبور باشند با رعایت درجهٔ افسران و همردیفان گماشته خواهند شد.

این قبیل سربازان به هیچ کار دیگری موظف نخواهند گردید.

برای ادارهٔ امور غذائی عادی افسران بدست خودشان همه گونه مساعدت خواهد شد.

مادهٔ ۴۵:

گذشته از افسران و همردیفان با سایر اسیران جنگی با احترامات مربوط به درجه و سن آنها رفتار خواهد شد.

برای اداره امور غذائی عادی اسیران بدست خودشان همه گونه مساعدت به عمل خواهد آمد.

فصل هشتم
انتقال اسیران جنگی پس از ورود به بازداشتگاه

مادهٔ ۴۶:

دولت بازداشت‌کننده هنگامیکه تصمیم بانتقال اسیران جنگی می‌گیرد باید منافع خود اسیران را مورد توجه قرار دهد خصوصاً از این نظر که تناسب برقرار شود مشکلات اعاده آنها باوطانشان مزید نشود.

انتقال اسیران جنگی همواره با انسانیت و با وضعی صورت خواهد گرفت که بدتر از وضع انتقال سربازان دولت بازداشت‌کننده نباشد. همواره وضع آب و هوای معتاد اسیران جنگی در نظر گرفته خواهد شد و در هیچ موردی شرایط انتقال نباید برای سلامت اسیران جنگی مضر باشد.

دولت بازداشت‌کننده برای اسیران جنگی در حین انتقال آب مشروب و غذای کافی جهت حفظ سلامت آنان و همچنین ملبوس و منزل و پرستاری‌های طبی لازم را تهیه خواهد کرد. کلیه احتیاطات مفید را خصوصاً در صورت مسافرت باکشتی یا با هواپیما به منظور امنیت آنان در حین انتقال بعمل خواهد آورد و صورت کامل اسیران انتقالی را قبل از حرکت آنها تنظیم خواهد نمود.

مادهٔ ۴۷:

اسیران جنگی بیمار یا مجروح مادام‌که معالجهٔ آنها به واسطهٔ مسافرت لطمه می‌بیند نباید انتقال یابند مگر آنکه انتقال آنها از لحاظ رعایت امنیت آنها ضرورت حتمی داشته باشد.

چنانچه جبههٔ جنگ به بازداشتگاهی نزدیک شود اسیران جنگی آن بازداشتگاه را فقط در صورتی می‌توان به محل دیگر انتقال داد که انتقال آنها با امنیت کامل انجام گیرد و یا در صورتیکه خطر توقف آنها در بازداشتگاه بیش از خطر انتقال باشد.

مادهٔ ۴۸:

اسیران جنگی در صورت انتقال باید رسماً از حرکت خود و همچنین از نشانی جدید پستی خود مطلع شوند. این اطلاع باید قبلاً با فرصت کافی به آنها داده شود که بتوانند اثاث خود را جمع کنند و خانواده خود را مطلع سازند.

اسیران جنگی اجازه خواهند داشت که اشیاء شخصی و مکاتبات و بسته‌هائی را که به نشانی ایشان وارد شده با خود ببرند. وزن این اشیاء را ممکن است در صورتیکه اوضاع و احوال انتقال ایجاب کند به مقداری عادلانه که یکنفر اسیر می‌تواند با خود حمل کند محدود ساخت ولی در هیچ حال وزن مجاز بیش از بیست وپنج کیلو نخواهد بود.

مکاتبات و بسته‌هائی که به نشانی بازداشتگاه سابق برای اسیران جنگی فرستاده شود بدون تأخیر به محل جدید آنان فرستاده خواهد شد. فرماندهٔ بازداشتگاه با موافقت معتمد میتواند ترتیب لازم را برای حمل اموال مشترک اسیران جنگی اثاثی که اسیران مزبور نتوانند بعلت محدویت مذکور در بند دوم این ماده با خود ببرند بدهد.

هزینه این انتقالها به عهده دولت بازداشت‌کننده خواهد بود.

بخش سوم
کار اسیران جنگی

مادهٔ ۴۹:

دولت بازداشت‌کننده می‌تواند اسیران جنگی سالم را با رعایت سن و جنس و درجه و استعداد

جسمانی آنها بعنوان کارگر بکار گمارد مخصوصاً از لحاظ اینکه آنها را در حال سلامت جسمانی و روحانی نگاهدارد.

افسران جزء را که اسیر جنگی باشند نمی‌توان جز بکارهای نظارتی بکارهای دیگر مجبور ساخت. کسانی که بکارهای نظارتی گماشته نشوند می‌توانند کار دیگری که مناسب حالشان باشد بخواهند و آنکار تا حدود امکان برای آنان تهیه خواهد شد.

چنانچه افسران و همردیفان کاری مناسب حال خود بخواهند آن کار تا حدود امکان برای آنـان تـهیه خواهد شد ولی در هیچ حالی نمی‌توان آنها را بکار وادار کرد.

مادهٔ ۵۰:

اسیران جنگی گذشته از کارهای مربوط به اداره و تنظیم و نگاهداری بازداشتگاه خودشان نباید بکار دیگری جز کارهای مربوط به انواع مشروحهٔ زیر وادار شوند.

الف - کشاورزی.

ب - صنایع استحصالی یا استخراجی یا کارخانه‌ای به استثنای صنایع فلزی و مکانیکی و شیمیائی و کارهای فوائد عامه و ساختمان ابینه که جنبهٔ نظامی داشته باشد یا برای مقاصد نظامی ساخته شود.

ج - حمل‌ونقل و بارگیری و باراندازی که جنبه یا مقصد نظامی نداشته باشد.

د - فعالیت‌های بازرگانی یا هنری.

هـ - خدمات خانگی.

و - خدمات عمومی که جنبه یا مقصد نظامی نداشته باشد.

درصورت تخلف از مقررات بالا اسیران جنگی مجاز خواهند بود از حق شکایتی که طبق مـادهٔ ۷۸ دارند استفاده نمایند.

مادهٔ ۵۱:

اسیران جنگی باید از شرایط کار مناسب خصوصاً از حیث غذا و منزل و پوشاک و لوازم کاره بهره‌مند شوند. شرایط مزبور نباید کمتر از شرایطی باشد که در بارهٔ اتباع دولت بازداشت کننده‌ای که به همان کارها اشتغال دارند معمول است. بعلاوه وضع آب و هوا نیز باید رعایت شود.

دولت بازداشت‌کننده که کار اسیران جنگی را مورد استفاده قرار می‌دهد مراقبت خـواهـد کـرد کـه در نواحی که اسیران مزبور کار می‌کنند قوانین ملی مربوط بحمایت کار و مخصوصاً آئین‌نامه‌های مربوطه به تأمین کارگران اجرا گردد.

به اسیران جنگی باید تعلیمات و وسایل حفاظی مربوط به کاری که باید انجام دهند داده شود و نظیر همان تعلیمات و وسایل حفاظی باشد که به اتباع دولت بازداشت‌کننده داده می‌شود.

با قید شروط مقررات مذکور در مادهٔ ۵۲ اسیران جنگی را ممکن است مشمول خطرات عادی کارگران کشوری قرار داد.

درهیچ موردی نباید شرایط کار را به وسیلهٔ اقدامات انتظامی سخت‌تراز معمول ساخت.

مادهٔ ۵۲:

هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان در کارهائیکه جنبهٔ ناسالم یا خطرناک دارند به خدمت گماشت مگر آنکه اسیری داوطلبانه حاضر شود.

هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان به کاری که برای یک فرد نیروهای مسلح دولت بازداشت‌کننده تحقیرآمیز باشد گماشت.

جمع‌آوری مین یا آلات دیگر نظیر آن جزو کارهای خطرناک محسوب است.

مادهٔ ۵۳:

مدت کار روانه اسیران جنگی به اضافهٔ مدت ایاب‌وذهاب به محل کار نباید زیاد باشد و در هر حال نباید از مدت کار کارگران غیر نظامی اتباع دولت بازداشت‌کننده که در همان محل و به همان کار اشتغال دارند زیادتر باشد.

در وسط کار روزانه باید اجباراً لااقل یکساعت استراحت به کارگران داده شود.

چنانچه مدت استراحت کارگران تبعهٔ دولت بازداشت‌کننده بیشتر باشد اسیران جنگی نیز همان مدت استراحت خواهند داشت. بعلاوه در هر هفته بیست‌وچهار ساعت متوالی تعطیلی خواهند داشت. و تعطیل هفتگی مرجحاً روز یکشنبه یا هر روز تعطیل دیگری که در کشور اسیران جنگی معمول است خواهد بود همچنین هر کارگری که یکسال کار کرده باشد هشت روز متوالی مرخصی خواهد داشت و فوق‌العادهٔ او در این مدت پرداخت خواهد شد.

اگر طرز کار معموله از نوع کار قطعات معینهٔ ماشین آلات باشد طرز مزبور نباید موجب افزایش مدت کار گردد.

مادهٔ ۵۴:

فوق‌العادهٔ کار که به اسیران جنگی تعلق می‌گیرد بر طبق مقررات ماده ۶۲ این قرارداد معین خواهد شد.

اسیران جنگی که دچار سوانح کار شوند و یا در حین کار یا به علت کار بیمار گردند تحت معالجات لازم قرار خواهند گرفت. بعلاوه دولت بازداشت‌کننده یک گواهی نامه پزشکی بـه آنـان خـواهـد داد تـا بـرای استیفای حقوق خود به دولت متبوع خویش ارائه نمایند. دولت بازداشت‌کننده یک نسـخه از گـواهینـامهٔ مزبور را به آژانس مرکزی اسیران جنگی مذکور در مادهٔ ۱۲۲ ارسال خواهد داشت.

مادهٔ ۵۵:

در فواصل معین و یا لااقل ماهی یک بار استعداد کار اسیران جنگی به وسیلهٔ معاینه های طبی بررسی خواهد شد. در معاینه‌های مزبور باید بالاخص نوع کاری که اسیران جنگی باید انجام دهند در نظر گـرفته شود.

چنانچه یک اسیر جنگی خود را قادر بکار نداند مجاز خواهد بود برای معاینه به مقامات پزشکی بازداشتگاه خود مراجعه کند و پزشکان می‌توانند توصیه نمایند که اسیرانی که به عقیدهٔ ایشان قادر بکار نیستند از کار معاف شوند.

مادهٔ ٥٦:

طرز تشکیلات دسته‌های کار نظیر تشکیلات بازداشتگاههای اسیران جنگی خواهد بود.

هر دسته تحت نظر یک بازداشتگاه اسیران جنگی بوده و از نظر اداری تابع آن خواهد بود. مقامات نظامی و فرمانده بازداشتگاه مزبور تحت نظارت دولت خود مسئول رعایت مقررات این قرارداد در دسته کار خواهند بود.

فرمانده بازداشتگاه صورت دسته‌های کار بازداشتگاه خود را منظماً تهیه و به نمایندگان دولت حامی و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ یا به سایر دستگاههای کمک باسیران جنگی که بازداشتگاه را معاینه نمایند تسلیم خواهد کرد.

مادهٔ ۵۷:

معامله با اسیران جنگی که بحساب اشخاص عادی کار کنند ولو آنکه این اشخاص حفاظت و حمایت آنانرا به مسئولیت خود تأمین نموده باشند باید لااقل مساوی با معامله‌ای باشد که به موجب این قرارداد پیش‌بینی شده است. دولت بازداشت‌کننده و مقامات نظامی و فرماندهٔ بازداشتگاه این قبیل اسیران جنگی عهده دار مسئولیت کامل نگاهداری و پرستاری و پرداخت فوق‌العادهٔ کار و معامله با اسیران جنگی مزبور خواهند بود.

اسیران جنگی مذکور حق خواهند داشت تماس خود را با معتمدین بازداشتگاه خود حفظ کنند.

بخش چهارم
منابع مالی اسیران جنگی

مادهٔ ۵۸:

دولت بازداشت‌کننده بمحض شروع مخاصمات و تا زمانیکه قرار لازم در این باب با دولت حامی بدهد می‌تواند حداکثر وجهی راکه اسیران جنگی می‌توانند نقداً یا شبیه به نقد با خود داشته باشند معین کند. هر مقدار مازادی که مشروعاً در تملک آنان باشد و مأخوذ یا ضبط شده و همچنین هر پولی که خودشان بسپارند به حساب آنان سپرده خواهد شد و نباید بدون موافقت خود آنها بپول دیگری تبدیل شود.

موقعی که اسیران جنگی اجازه یابند از خارج بازداشتگاه خرید کنند یا مزد خدمتی بدهند پرداختهای مربوطه به توسط خود اسیران جنگی یا به وسیلهٔ ادارهٔ بازداشتگاهها صورت خواهد گرفت و ادارهٔ نامبرده وجوه پرداختی را به بدهکار حساب اسیران ذینفع منظور خواهد داشت. دولت بازداشت‌کننده مقررات

مربوط به این موضوع را وضع خواهد کرد.

مادهٔ ۵۹:

وجوهی که به پول دولت بازداشت‌کننده طبق مادهٔ ۱۸ از اسیران جنگی در موقع دستگیری آنان مأخوذ شود طبق مفاد مادهٔ ۶۴ این قرارداد به بستانکار حساب هرکدام منظور خواهد شد.

همچنین وجوه حاصله از تسعیر سایر نقودی که در همان موقع از اسیران جنگی اخذ شود نیز به بستانکار حساب منظور خواهد شد.

مادهٔ ۶۰:

دولت بازداشت‌کننده به کلیهٔ اسیران جنگی پیش پرداختی بابت حقوق ماهانه خواهد کرد که میزان آن عبارت از مبالغ مشروحهٔ ذیل تسعیراً به پول کشور بازداشت‌کننده خواهد بود.

طبقهٔ ۱ - اسیرانی که درجهٔ آنها کمتر از سرجوخه باشد: هشت فرانک سویس.

طبقهٔ ۲ - سرجوخه و افسران جزء دیگر یا اسیران همدرجهٔ آنان: دوازده فرانک سویس.

طبقهٔ ۳ - افسر تا درجهٔ سروان یا اسیران همدرجهٔ آنان: پنجاه فرانک سویس.

طبقهٔ ۴ - سرگرد وسرهنگ ۱ و ۲ یا اسیران همدرجهٔ آنان: شصت فرانک سویس.

طبقهٔ ۵ - افسران ارشد یا اسیران همدرجهٔ آنان: هفتاد و پنج فرانک سویس.

معهذا دولت‌های متخاصم ذینفع می‌توانند رقم پیش پرداختهای حقوق اسیران جنگی طبقات مختلف راکه در بالا شرح داده شده به موجب موافقت‌نامه‌های اختصاصی تغییر دهند.

بعلاوه در صورتیکه مبالغ مذکور در بند بالا نسبت به حقوق پرداختی به اعضای نیروهای مسلح دولت بازداشت‌کننده زیاد باشد یا در صورتیکه بهر علت دیگری موجب زحمت مهمی برای دولت مزبور گردد دولت بازداشت‌کننده می‌تواند تا زمان عقد موافقت‌نامهٔ مخصوص با دولت متبوع اسیران جنگی در بارهٔ تغییر مبالغ فوق اقدامات ذیل را بعمل آورد:

الف - حساب اسیران جنگی راکماکان با مبالغ بالا بستانکار نماید.

ب - مبالغ برداشتی از پیش پرداخت حقوق راکه برای مصرف اسیران جنگی به اختیار آنان گذاشته می‌شود موقتاً به ارقام معتدلی محدود سازد ولی در مورد اسیران طبقهٔ اول مبالغ مزبور نباید هیچوقت از مبالغی که دولت بازداشت‌کننده به اعضاء نیروهای مسلح خود می‌پردازد کمتر باشد.

علل این محدودیت باید بلافاصله به دولت حامی اطلاع داده شود.

مادهٔ ۶۱:

دولت بازداشت‌کننده وجوهی راکه دولت متبوع اسیران جنگی بعنوان متمم حقوق برای آنان بفرستد قبول خواهد کرد مشروط به اینکه مبالغ مزبور برای کلیه اسیران جنگی یک طبقه متساوی باشد و به کلیهٔ اسیران متبوع آن دولت از آن طبقه داده شود و به محض امکان به بستانکار حساب شخصی اسیران جنگی

طبق مفاد مادهٔ ۶۴ منظور گردد. ارسال وجوه متمم مزبور هیچیک از تعهداتی را که به موجب این قرارداد بر عهدهٔ دولت بازداشت‌کننده است اسقاط نخواهد کرد.

مادهٔ ٦٢:

اسیران جنگی مستقیماً از مقامات بازداشت‌کننده فوق‌العاده عادلانه‌ای بابت کار دریافت خواهند داشت و میزان آن توسط دولت مزبور تعیین خواهد شد ولی در هر حال از ربع فرانک سویس بابت هر روز کامل کار کمتر نخواهد بود. دولت بازداشت‌کننده میزان فوق‌العادهٔ کار روزانه را که تعیین می‌کند به اسیران جنگی و همچنین بتوسط دولت حامی به دولت متبوع آنان اطلاع خواهد داد.

فوق‌العادهٔ کار توسط مقامات بازداشت‌کننده به اسیران جنگی که بطور دائم به مشاغل یا کارهای دستی مربوط به اداره و تنظیمات داخلی و نگاهداری بازداشتگاه و همچنین باسیران جنگی که برای اجرای وظایف روحانی یا بهداری به نفع همقطاران خود گماشته می‌شوند نیز تأدیه خواهد گردید.

فوق‌العادهٔ کار معتمد و معاونین و احیاناً مشاورین او از صندوق سود فروشگاه برداشت خواهد شد. میزان آن توسط معتمد مزبور معلوم و بتصویب فرمانده بازداشتگاه خواهد رسید چنانچه چنین صندوقی موجود نباشد مقامات بازداشت‌کننده فوق‌العادهٔ کار عادلانه‌ای باسیران مزبور تأدیه خواهد کرد.

مادهٔ ٦٣:

اسیران جنگی مجازند وجوهی را که انفراداً یا اجتماعاً بر ایشان می‌رسد دریافت دارند.

هر اسیر جنگی حق دارد از موجودی بستانکار حساب خود به ترتیب مذکور در مادهٔ ذیل در حدودی که دولت بازداشت‌کننده معین نموده استفاده کند و دولت مزبور باید درخواست‌های پرداختی را که بدین‌طریق می‌شود اجراء نماید. اسیران جنگی اجازه خواهند داشت با رعایت محدودیت‌های مالی یا پولی که ضروریات اساسی آنرا دولت بازداشت‌کننده لازم بداند حواله‌هائی‌به خارجه بدهند. در اینصورت دولت بازداشت‌کننده بالاخص با حوالجاتی که اسیران جنگی برای اشخاص تحت تکفل خود می‌فرستند موافقت خواهد کرد.

در هر حال اسیران جنگی می‌توانند با موافقت دولت متبوع خود پرداختهائی در کشور خود به ترتیب ذیل بنمایند:

دولت بازداشت‌کننده به توسط دولت حامی اعلامیه‌ای حاوی کلیهٔ اطلاعات مفیده در بارهٔ صادر کنندهٔ حواله و گیرندهٔ آن با ذکر مبلغ بپول دولت بازداشت‌کننده برای دولت متبوع اسیر جنگی ارسال خواهد داشت. اعلامیهٔ مزبور باید بامضای اسیر ذیربط و امضای فرمانده بازداشتگاه باشد. دولت بازداشت‌کننده آن مبلغ را به مدیون حساب اسیر جنگی خواهد برد. مبالغی که بدین طریق حواله می‌شود توسط دولت بازداشت‌کننده به بستانکار حساب دولت متبوع اسیران جنگی منظور خواهد شد.

دولت بازداشت‌کننده می‌تواند برای اجرای مقررات بالا به آئین‌نامهٔ نمونه که در پیوست شماره ۵ این

قرارداد نوشته شده مراجعه نماید.

مادهٔ ۶۴:

دولت بازداشت‌کننده برای هر اسیر جنگی حسابی که لااقل دارای مندرجات ذیل باشد نگاه خواهد داشت:

۱ - مطالبات اسیر جنگی و مبالغی که بابت پیش پرداخت حقوق و فوق‌العادهٔ کار یا هر عنوان دیگری دریافت نموده مبالغی که از اسیر جنگی به پول دولت بازداشت‌کننده مأخوذ شده مبالغی که از اسیر جنگی مأخوذ و برحسب تقاضای خود او بپول دولت بازداشت‌کننده تسعیر شده است.

۲ - مبالغی که نقداً یا نظیر نقدی به اسیر جنگی پرداخت شده - پرداختهائی که بر حسب تقاضای او بحساب او به عمل آمده - مبالغی که طبق بند سوم مادهٔ قبل به خارج حواله شده.

مادهٔ ۶۵:

هر رقمی که به حساب یک اسیر جنگی درج می‌شود باید توسط خود او یا توسط معتمدی که بنام او عمل و اقدام می‌نماید امضاء یا پاراف شود.

اسیران جنگی در هر زمان تسهیلات کافی خواهند داشت که به حساب خود مراجعه کنند و رونوشتی از آن دریافت نمایند. حساب ممکن است توسط نمایندگان دولت حامی در مواقعی که به بازداشتگاه سرکشی می‌کنند رسیدگی شود.

موقعی که اسیران جنگی از بازداشتگاهی به بازداشتگاه دیگر انتقال می‌یابند حساب آنان نیز باید به بازداشتگاه جدید منتقل شود. موقعی که اسیران جنگی از یک دولت بازداشت‌کننده به دولت دیگری انتقال می‌یابند آن قسمت از وجوه آنان که به پول دولت بازداشت‌کننده نباشد نیز منتقل خواهد شد ونسبت به سایر مبالغی که در بستانکار حسابشان مانده باشد گواهی‌نامه‌ای به آنان تسلیم خواهد گردید.

دولت‌های متخاصم ذیربط می‌توانند بین خود ترتیبی بدهند که در فواصل معین صورت حسابهای اسیران جنگی را به وسیلهٔ دولت حامی برای یکدیگر ارسال دارند.

مادهٔ ۶۶:

وقتی که اسارت اسیر جنگی از طریق آزادی یا اعادهٔ به میهن خاتمه یابد دولت بازداشت‌کننده گواهی‌نامه‌ای به امضای یکنفر افسر مسئول مبنی بر تصدیق موجودی بستانکار او در پایان اسارت به او تسلیم خواهد کرد. بعلاوه دولت بازداشت‌کننده صورتهائی حاوی کلیهٔ اطلاعات مربوط باسیرانی که اسارت آنان بواسطه اعاده به میهن - آزادی - فرار - فوت یا به هر نحو دیگر خاتمه یافته یا گواهی موجودیهای بستانکار حساب آنان بوسیلهٔ دولت حامی برای دولت متبوع آنان خواهد فرستاد.

هربرگ از صورت‌های مزبور باید توسط یکنفر نمایندهٔ مجاز دولت بازداشت‌کننده گواهی شده باشد.

دولتهای ذیربط می‌توانند تمام یا قسمتی از مقررات بالا را بموجب موافقت‌نامه مخصوصی تغییر دهند.

دولت متبوع اسیر جنگی مسئول اقدام در تصفیه موجودی بستانکاری خواهد بود که دولت بازداشت‌کننده در پایان اسارت بوی بدهکار است.

مادهٔ ٦٧:

پیش پرداختهائیکه طبق مادهٔ ۶۰ از محل حقوق به اسیران جنگی پرداخت می‌شود در حکم آن تلقی خواهد شد که توسط دولت متبوعه اسیران مزبور تأدیه شده است. نسبت به پیش پرداختهای مزبور به انضمام کلیه پرداختهائی که توسط آن دولت بموجب بند سوم از مادهٔ ۶۳ و مادهٔ ۶۸ بعمل می‌آید در پایان جنگ بین دولتهای مربوطه قرارهای لازم داده خواهد شد.

مادهٔ ٦٨:

هر گونه درخواست فوق‌العادهٔ غرامت که توسط یکی از اسیران جنگی بعلت سانحه یا معلولیت دیگری ناشی از کار به عمل آید به توسط دولت حامی به دولت متبوع او ابلاغ خواهد شد.

در هر حال دولت بازداشت‌کننده بر طبق مادهٔ ۵۴ گواهی‌نامه‌ای مبنی بر گواهی نوع زخم یا معلولیت و اوضاع و احوال وقوع آن و اطلاعات مربوط به پرستاریهای طبی یا بستری شدن در بیمارستان که دربارهٔ آن اسیر به عمل آمده است به وی خواهد داد.

این گواهی‌نامه باید به‌امضای افسر مسئول دولت بازداشت‌کننده برسد و توضیحات طبی باید توسط طبیب بهداری ارتش گواهی شود.

دولت بازداشت‌کننده هر گونه درخواست غرامتی را که از یک نفر اسیر جنگی بابت لوازم شخصی و نقدینه یا اشیاء قیمتی که به موجب مادهٔ ۱۸ از وی اخذ شده و هنگام اعاده او به میهن خویش بوی مسترد نگردیده باشد و همچنین هرگونه در خواست غرامت مربوط به فقدان چیزی که اسیر تقصیر آنرا منسوب به دولت بازداشت‌کننده یا یکی از عمال آن بداند به دولت متبوع او ابلاغ خواهد کرد. بالعکس دولت بازداشت‌کننده باید لوازم شخصی را که اسیر جنگی در مدت اسارت لازم دارد به هزینه خود تعویض نماید در هر حال دولت بازداشت‌کننده گواهینامه‌ای به امضای افسر مسئول حاوی کلیه اطلاعات مفیده به‌اسیر جنگی خواهد داد که معلوم نماید به چه جهت لوازم و نقدینه یا اشیاء قیمتی مزبور به‌او مسترد نشده است نسخه ثانی این گواهینامه بتوسط آژانس مرکزی-اسیران جنگی مذکور در مادهٔ ۱۲۳ برای دولت متبوع اسیر ارسال خواهد شد.

بخش پنجم
روابط اسیران جنگی با خارج

مادهٔ ٦٩:

دولت بازداشت‌کننده به محض اینکه اسیران جنگی به دستش افتند باید اقداماتی را که برای اجرای این

قرارداد پیش بینی کرده به اسیران جنگی اطلاع دهد و به وسیلهٔ دولت حامی به اطلاع دولت متبوع آنان نیز برساند. همچنین هر تغییری راکه در اقدامات مزبور داده شود اطلاع خواهد داد.

مادهٔ ۷۰:

هر اسیر جنگی به محض اینکه به‌اسارت درآمد یا منتهی یک هفته بعد از ورود به بازداشتگاه ولو بازداشتگاه عبوری و همچنین در صورت بیماری یا انتقال به بیمارستان یا بازداشتگاه دیگری باید بتواند کارتی که در صورت امکان مطابق نمونه پیوست این قرارداد باشد مستقیماً به خانواده خود و همچنین به آژانس مرکزی اسیران جنگی مذکور در مادهٔ ۱۲۳ ارسال و آنها را از اسارت و نشانی و وضع سلامت خود مستحضر سازد.

این کارتها باکمال سرعت ممکنه ارسال خواهد شد و نباید دچار هیچگونه تأخیری شوند.

مادهٔ ۷۱:

اسیران جنگی مجازند که کارت و نامه دریافت و ارسال کنند. چنانچه دولت بازداشت‌کننده معتقد باشد که لازمست مکاتبات مزبور محدود شود لااقل باید هر ماه اجازهٔ ارسال دو نامه و چهار کارت که حتی‌المقدور طبق نمونه‌های پیوست این قرارداد باشد بدهد (کارتهای مذکور در مادهٔ ۷۰ جزو این تعداد نیست). محدویت‌های دیگری نمی‌توان بر قرارساخت مگر آنکه دولت حامی بملاحظه مشکلاتی که برای دولت دستگیر کننده در استخدام عده کافی مترجم خوب جهت اجرای سانسور موجود باشد محدودیت‌های مزبور را بخیر و صلاح خود اسیران تشخیص دهد.

درصورتیکه بنا باشد نامه‌های وارده بعنوان اسیران جنگی محدود شود تصمیم آنرا فقط دولت متبوع آنان احیاناً بنابر تقاضای دولت بازداشت‌کننده باید اتخاذ نماید کارتها و نامه‌ها باید توسط سریعترین وسائلی که دولت بازداشت‌کننده دارد حمل شود و نباید آنها را برای مقاصد انضباطی نگاهداشت یا بتأخیر انداخت.

اسیران جنگی که مدتی از خانوادهٔ خود بی خبر مانده باشند یا وصول و ارسال خبر برای آنها از طریق عادی غیر مقدور باشد و آنهائی که با خانوادهٔ خود بعد مسافت فوق‌العاده دارند اجازه خواهند یافت تلگرافاتی بکسان خود بفرستند. وجه این قبیل تلگرافات به بدهکار حساب آنان نزد دولت بازداشت‌کننده منظور یا از محل پولی که موجود دارند پرداخت خواهد شد همچنین اسیران در مقام فوریت می‌توانند ازین قاعده استفاده کنند.

بطور کلی مکاتبات اسیران جنگی بزبان مادری خودشان تحریر خواهد یافت و دولتهای متخاصم می‌توانند السنه دیگری را هم مجاز نمایند.

کیسه‌های حاوی پست اسیران جنگی به دقت مهروموم خواهد شد و برچسبی خواهد خورد که محتویات آنها را به طور وضوح معلوم کند آنوقت به دفاتر پست مقصد ارسال خواهد گردید.

مادهٔ ۷۲:

اسیران جنگی اجازه خواهند داشت که به وسیلهٔ پست یا هر وسیلهٔ دیگری امانات انفرادی یا دسته‌جمعی دریافت دارند که منجمله حاوی مواد غذائی لباس دارو و اشیاء مخصوص رفع احتیاجات مذهبی و مطالعاتی و اوقات بیکاری آنان از قبیل کتاب و لوازم مذهبی ادوات علمی و فرمول امتحانات و آلات موسیقی و لوازم ورزش و اشیائی باشد که اسیران به وسیلهٔ آن بتوانند مطالعات خود را ادامه دهند یا فعالیت هنری نمایند.

این قبیل مرسولات به هیچوجه دولت بازداشت‌کننده را از تعهداتیکه به موجب این قرارداد بر عهده دارد معاف نخواهد ساخت.

تنها محدویتی که ممکن است در مورد این قبیل مرسولات قائل شد محدودیتهائی است که دولت حامی برای خیروصلاح خود اسیران جنگی پیشنهاد کند و یا کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و هر دستگاه دیگری که به اسیران جنگی کمک می‌کند بعلت تراکم وسائط نقلیه و ارتباطات فقط از لحاظ حمل امانات محدودیت‌هائی پیشنهاد نماید.

طرز ارسال امانات شخصی یا دسته‌جمعی در صورت لزوم به موجب موافقتنامه‌های مخصوص بین دول ذیربط معلوم خواهد شد و این موافقت‌نامه‌ها نباید در هیچ حال موجب تأخیر توزیع امانات امدادی اسیران جنگی گردد. امانات خواروبار و ملبوس نباید محتوی کتاب باشد. اعانات بهداری باید عموماً در بسته‌های دسته جمعی ارسال شود.

مادهٔ ۷۳:

چنانچه موافقتنامه‌های مخصوصی بین دول ذیربط راجع به طرز دریافت و توزیع امانات حاوی اعانات دسته‌جمعی موجود نباشد آئین‌نامهٔ مربوط به اعانات دسته‌جمعی پیوست این قرارداد به موقع اجراء گذاشته خواهد شد.

موافقت نامه‌های مخصوص مذکور در فوق به هیچوجه نباید حق معتمد را از حیث تحویل گرفتن اعانات دسته جمعی اسیران جنگی و تقسیم و صرف آنها بخیروصلاح اسیران محدود سازد.

همچنین موافقتنامه‌های مزبور نباید حقی راکه نمایندگان دول حامی و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ یا هر دستگاه دیگر کمک به اسیران جنگی از حیث عهده‌داری ایصال امانات دسته جمعی و بررسی در تقسیم آن بین گیرندگان دارند محدود سازد.

مادهٔ ۷۴:

کلیهٔ امانات حاوی اعانات جهت اسیران جنگی از هر گونه حقوق ورودی و گمرک و غیره معاف خواهند بود.

مکاتبات و امانات حاوی اعانات و امانات نقدی مجاز که بعنوان اسیران جنگی فرستاده شود یا توسط

آنها به وسیلهٔ پست خواه مستقیماً و خواه به توسط دفاتر اطلاعات مذکور در مادهٔ ۱۲۳ ارسال گردد از هر گونه عوارض پستی چه در کشورهای مبدأ و مقصد و چه کشورهای عرض راه معاف خواهد بود.

کرایهٔ حمل امانات حاوی اعانت به مقصد اسیران جنگی که حمل آن به علت وزن یا هر علت دیگری به وسیلهٔ پست مقدور نباشد در تمام اراضی که تحت نظارت دولت بازداشت‌کننده است به عهده آن دولت خواهد بود. دولتهای عضو این قرارداد هزینه‌های مزبور را در قلمرو خود تحمل خواهند کرد.

در صورت فقدان موافقت‌نامه‌های مخصوص بین دولتهای ذی‌ربط هزینه‌های ناشیه از حمل این قبیل امانت که مشمول معافیت‌های مذکور در فوق نباشد بعهدهٔ فرستنده خواهد بود.

دولتهای معظمه متعاهد سعی خواهند کرد مخارج تلگرافاتی که اسیران جنگی مخابره می‌کنند یا در یافت می‌نمایند حتی‌الامکان تخفیف یابد.

مادهٔ ۷۵:

درصورتیکه عملیات جنگی مانع از آن باشد که دول ذیربط تعهداتی راکه از حیث تأمین حمل‌ونقل امانات مذکور در مواد ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۷ بر عهده دارند ایفا نمایند دول حامی مربوطه و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ یا هر دستگاه دیگری که مورد قبول متخاصمین باشد می‌توانند حمل امانات را با وسائل مناسب (واگن - کامیون - کشتی - هواپیما و غیره) عهده دار گردند.

مادهٔ ۷۶:

سانسورنامه‌های واصله جهت اسیران جنگی یا نامه‌های صادره آنان باید در کوتاهترین مدت ممکنه بعمل آید و فقط باید توسط دولت فرستنده و دولت گیرنده صورت گیرد هر یک از این دو دولت نمی‌توانند یک نامه را بیش از یکبار سانسور کنند.

بازرسی امانات اسیران جنگی نباید طوری صورت گیرد که حفظ و نگاهداری مواد غذائی محتوی آنها را مشکل سازد. این بازرسی در غیر مورد کتاب یا نوشته در حضور گیرنده امانت یا یکی از رفقای او که رسماً نمایندگی او را داشته باشد صورت خواهد گرفت. تسلیم امانات انفرادی یا دسته‌جمعی به‌اسیران نباید به بهانه مشکلات سانسور به تأخیر افتد.

هر گونه قدغن ارسال مراسلات که توسط دولت‌های متخاصم بعلل نظامی یا سیاسی مقرر شود فقط جنبهٔ موقتی خواهد داشت و مدت آن حتی‌الامکان کوتاه خواهد بود.

مادهٔ ۷۷:

دولتهای بازداشت‌کننده همه گونه تسهیلات فراهم خواهند آورد که اوراق و اسناد وارده بعنوان اسیران جنگی یا صادره توسط آنان خصوصاً وکالتنامه و وصیت‌نامه به توسط دولت حامی یا آژانس مرکزی اسیران جنگی مذکور در ماده ۱۲۳ به مقصد برسد.

در همه احوال دول بازداشت‌کننده در تنظیم این قبیل اسناد برای اسیران جنگی تسهیلات لازم فراهم

خواهند کرد وبالاخص به آنان اجازه خواهند داد که با یکنفر حقوقدان مشورت نمایند و اقدامات لازم بعمل خواهند آورد که صحت امضای اسیران به‌گواهی برسد.

بخش ششم
روابط اسیران جنگی با مقامات رسمی
فصل اول
شکایت اسیران جنگی بعلت کیفیات اسارت

مادهٔ ۷۸:

اسیران جنگی حق دارند نسبت به کیفیات اسارت که در حق آنان معمول است به مقامات نظامی که آنها را اسیر کرده‌اند عرضحال بدهند.

همچنین بدون هیچگونه محدویتی حق دارند خواه به وسیله معتمد خود و خواه چنانچه لازم بدانند مستقیماً به نمایندگان دول حامی مراجعه و موارد شکایت خود را نسبت به کیفیات اسارت خویش ابراز نمایند.

عرضحال‌ها و شکایات مزبور را نباید محدود کرد ویا جزو سهمیه مکاتبات موضوع ماده ۷۱ شمرد.

عرضحال‌ها و شکایات باید فوراً به مقصد برسد و نباید موجب هیچگونه تنبیه شاکی شود ولو آنکه بی اساسی آن معلوم گردد.

معتمدین می‌توانند در فواصل معین گزارشهائی راجع به وضع بازداشتگاه‌ها و احتیاجات اسیران جنگی به نمایندگان دول حامی ارسال دارند.

فصل دوم
نمایندگان اسیران جنگی

مادهٔ ۷۹:

در کلیهٔ اماکنی که اسیران جنگی اقامت دارند به استثنای اماکن افسران هر ششماه یک مرتبه اسیران جنگی آزادانه و یا رأی مخفی معتمدینی انتخاب خواهند کرد که نمایندگی آنان را نزد مقامات نظامی و دولت‌های حامی و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ و هر دستگاه تعاونی دیگری داشته باشد. معتمدین پس از ششماه قابل تجدید انتخابند.

دربازداشتگاه‌های افسران و همردیفان یا در بازداشتگاه‌های مختلط ارشد افسران اسیر با رعایت قدمت توقف در درجه معتمد بازداشتگاه خواهد بود. در بازداشتگاه‌های افسران یک یا چند نفر مشاور که از بین افسران انتخاب می‌شوند او را معاونت خواهند کرد در بازداشتگاه‌های مختلط معاونین توسط اسیران جنگی غیر افسر و از بین خودشان انتخاب خواهد شد.

در اردوگاههای کار اسیران جنگی افسران اسیر جنگی که از همان ملیت اسیران مزبور باشند برای انجام آن قسمت از وظایف اداری اردوگاه که به عهده اسیران جنگی است منصوب خواهند شد.

این افسران ممکن است علاوه بر آن به سمت معتمد اسیران جنگی نیز طبق مفاد بند اول این ماده تعیین شوند. در اینصورت معاونین معتمد از بین اسیران جنگی غیر افسر انتخاب خواهند شد.

هر معتمدی که انتخاب می‌شود باید قبل از شروع بکار مورد تصویب دولت بازداشت‌کننده قرارگیرد. چنانچه دولت بازداشت‌کننده از قبول یکنفر اسیر جنگی که بتوسط رفیقان اسارت خویش بسمت معتمد انتخاب شده امتناع ورزد باید علل امتناع خود را به دولت حامی اطلاع دهد.

در همه احوال معتمد باید با اسیران جنگی که نمایندگی آنان را به عهده دارد دارای یک ملیت و یک زبان و رسوم و عادات واحد باشند. بنابر این اسیران جنگی که در قسمت‌های مختلفه یک بازداشتگاه بر حسب ملیت و زبان و عادادت خود تقسیم شده‌اند به نسبت هر قسمت معتمد جداگانه طبق مفاد بند سابق خواهند داشت.

مادهٔ ۸۰:

معتمدین باید به آسایش جسمانی و روحانی و فکری اسیران جنگی کمک کنند.

مخصوصاً در صورتیکه اسیران جنگی بخواهند بین خود تعاون متقابل تشکیل دهند تشکیلات مزبور قطع نظر از وظایف خاصی که بموجب سایر مقررات به معتمدین سپرده شده در صلاحیت معتمدین خواهد بود.

معتمدین را نمی‌توان صرفاً به علت وظیفهٔ سرپرستی که به عهده دارند مسئول تخلفات اسیران جنگی قرارداد.

مادهٔ ۸۱:

در صورتیکه عهده‌داری کار دیگری مزاحم انجام وظیفهٔ معتمدین باشد نباید آنها را بهیچ کاری دیگر مجبور ساخت.

معتمدین نمی‌توانند معاونینی را که لازم دارند از بین اسیران انتخاب کنند. همه گونه تسهیلات مادی خصوصاً تا حدی آزادی آمدوشد که برای انجام وظیفهٔ آنان ضروری است (معاینهٔ دسته‌های کار - دریافت امانات حاوی اعانات و غیره) برای آنان فراهم خواهد گردید.

معتمدین مجاز خواهند بود اماکنی را که محل بازداشت اسیران جنگی است معاینه کنند و اسیران جنگی حق خواهند داشت آزادانه با معتمد خود مشورت نمایند.

برای مکاتبات تگرافی و پستی با مقامات بازداشت‌کننده و دول حامی و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ و نمایندگان آنها و همچنین با کمیسیونهای مختلط پزشکی و دستگاههای تعاونی دیگری که بکمک اسیران جنگی آمده باشند همه گونه تسهیلات برای معتمدین فراهم خواهد گردید.

معتمدین دسته‌های کار نیز در مورد مکاتبه با معتمد اصلی بازداشتگاهها از همین تسهیلات برخوردار

خواهند بود. مکاتبات مزبور محدود نبوده و جزو سهمیهٔ مذکور در مادهٔ ۷۱ شمرده نخواهد شد.

هیچ معتمدی را نباید به جای دیگر منتقل ساخت مگر آنکه فرصت کافی به او داده شود که جانشین خود را به امور جاری واقف سازد.

در صورت عزل یکنفر معتمد باید علل این تصمیم بدولت حامی اطلاع داده شود.

فصل سوم
تنبیهات جزائی و انتظامی
۱ - مقررات عمومی

مادهٔ ۸۲:

اسیران جنگی مشمول قوانین و آئین نامه‌ها و احکام عمومی خواهند بود که در نیروهای مسلح دولت بازداشت‌کننده مجری است. دولت بازداشت‌کننده مجاز خواهد بود نسبت به هر اسیر جنگی که از قوانین و آئین نامه‌ها و احکام عمومی مزبور تخلف نموده باشد تصمیمات قضائی یا انتظامی اتخاذ نماید ولی هیچگونه تعقیب یا تنبیهی که مخالف مفاد این ماده باشد مجاز نخواهد بود.

چنانچه قوانین و آئین‌نامه‌ها و احکام عمومی دولت بازداشت‌کننده ارتکاب اعمالی را توسط اسیر جنگی قابل مجازات بداند که آن اعمال در صورت ارتکاب اعضای نیروهای مسلح همان دولت قابل مجازات نباشد این قبیل اعمال فقط ممکن است موجب تنبیهات انتظامی گردد.

مادهٔ ۸۳:

در صورتیکه تردید حاصل شود که عمل ارتکابی اسیر جنگی مشمول مجازات انتظامی یا مجازات قضائی است دولت بازداشت‌کننده مراقبت خواهد کرد که مقامات مربوطه کمال اغماض را در قضاوت امر مرعی دارند و تا جائی که ممکن است تصمیمات انتظامی را بر تعقیب قضائی مرجح دارند.

مادهٔ ۸۴:

تنها دادگاههای نظامی می‌توانند اسیر جنگی را دادرسی کنند مگر آنکه قوانین دولت بازداشت‌کننده مصرحاً به دادگاههای کشوری اجازه داده باشد افراد نیروهای مسلح خود آن دولت راکه مرتکب همان عمل خلاف اسیر جنگی شده باشند دادرسی کند.

در هیچ موردی اسیر جنگی نباید در دادگاهی که متضمن تضمینات معمولهٔ استقلال و بیطرفی نباشد و بالاخص در دادگاهی که جریان دادرسی آن حقوق و وسائل دفاع را طبق مادهٔ ۱۰۵ تأمین نکند دادرسی شود.

در هیچ موردی اسیر جنگی نباید در دادگاهی که متضمن تضمینات معمولهٔ استقلال و بیطرفی نباشد و بالاخص در دادگاهی که جریان دادرسی آن حقوق و وسائل دفاع را طبق مادهٔ ۱۰۵ تأمین نکند دادرسی شود.

مادهٔ ۸۵:

اسیران جنگی که به موجب قوانین دولت بازداشت‌کننده به علت اعمالی که قبل از دستگیری خود مرتکب شده‌اند تحت تعقیب قرار گیرند مشمول مزایای این قرارداد خواهند بود ولو آنکه محکوم شوند.

مادهٔ ۸٦:

هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان به علت یک اتهام بیش از یک‌بار مجازات کرد.

مادهٔ ۸۷:

اسیران جنگی را نمی‌توان توسط مقامات نظامی یا دادگاههای دولت بازداشت‌کننده جز به‌مجازاتهائیکه برای همان اعمال مورد اتهام دربارهٔ اعضای نیروهای مسلح همان دولت پیش‌بینی شده به‌مجازات‌های دیگری محکوم ساخت.

دادگاهها و مقامات دولت بازداشت‌کننده در موقع تعیین مجازات باید این نکته را به‌وسیعترین وجهی در نظر بگیرند که چون متهم تبعهٔ دولت بازداشت‌کننده نیست هیچگونه وظیفه وفاداری در قبال آن دولت ندارد و اینکه در اختیار آن دولت است فقط بر اثر اوضاع و احوالی است که خارج از اختیار شخص او بوده است.

دادگاهها و مقامات نامبرده مختار خواهند بود که آزادانه مجازاتی را که جهت تخلف اسیر معین است تخفیف دهند و مکلف نخواهند بود حداقل مجازات معینه جهت تخلف مزبور را اجرا نمایند.

هر گونه مجازات دسته‌جمعی برای اعمال انفرادی و هر گونه تنبیه‌بدنی و هر گونه حبس در اماکنی که از روشنائی روز محروم باشد و بطور کلی هر گونه شکنجه و قساوت ممنوع است. از این گذشته دولت بازداشت‌کننده نمی‌تواند هیچ اسیر جنگی را از درجهٔ خود محروم سازد و یا از حمل علامات آن ممانعت نماید.

مادهٔ ۸۸:

افسران و افسران جزء و سربازان جنگی که مجازات انتظامی یا قضاتی می‌شوند نباید معامله‌ای که با آنها می‌شود سخت تر از معامله‌ای باشد که با افراد نیروهای مسلح دولت بازداشت‌کننده که دارای همان درجه و محکوم به همان مجازات شده باشند می‌شود.

اسیران جنگی از جنس اناث نباید در موقع تعیین مجازات به محکومیتی شدیدتر از محکومیت زنان وابسته به نیروهای دولت بازداشت‌کننده که مرتکب همان جرم شده باشند محکوم شوند یا در دورهٔ اجرای مجازات رفتاری که با آنهامی‌شود شدیدتر از رفتاری باشد که با زنان وابسته به نیروهای آن دولت می‌شود.

در هیچ حالی اسیران جنگی از جنس اناث نباید در موقع تعیین مجازات به محکومیتی شدیدتر از محکومیت مردان عضو نیروهای جنگی دولت بازداشت‌کننده که مرتکب همان جرم شده باشند محکوم گردند یا در موقع اجرای مجازات معاملهٔ شدیدتری با آنها بشود.

پس از انجام مجازاتهای انتظامی یا قضائی دربارهٔ اسیر جنگی که محکومیت یافته باشد نباید رفتاری که با او می‌شود با رفتاری که با سایرین می‌شود متفاوت باشد.

۲ - مجازاتهای انتظامی

مادهٔ ۸۹:

مجازاتهای انتظامی که در بارهٔ اسیران جنگی ممکن است اجراء شود بقرارذیل است:

۱ - جریمه تا میزان پنجاه در صد از مساعدهٔ حقوق و فوق‌العادهٔ کار مذکور در مواد ۶۰ و ۶۲ در مدتی که زیاده بر سی روز نباشد.

۲ - حذف مزایائی که علاوه بر مقررات این قرارداد داده می‌شود.

۳ - بیگاریهائی که از دو ساعت در روز تجاوز نکند.

۴ - توقیف.

مجازات بند ۳ را نمی‌توان در بارهٔ افسران معمول داشت.

در هیچ موردی مجازاتهای انتظامی نباید خلاف انسانیت و توأم با خشونت یا متضمن خطر برای سلامت اسیران جنگی باشد.

مادهٔ ۹۰:

مدت یک تنبیه واحد هیچگاه از ۳۰ روز متجاوز نخواهد بود. در موارد جرم انتظامی مدت توقیف احتیاطی که متهم قبل از دادرسی و اعلام مجازات تحمل نموده از مدت محکومیت کسر خواهد شد.

حداکثر سی روز فوق نباید تجاوز شود ولو آنکه یکنفر اسیر جنگی بایستی نسبت به چند قضیه اعم از اینکه با هم ارتباط داشته یا بی ارتباط باشند از جنبهٔ انتظامی جواب دهد.

بین رأی انتظامی و اجرای آن نباید بیش از یکماه فاصله شود.

چنانچه یک نفر اسیر جنگی محکوم مجدداً به مجازات انتظامی جدیدی محکوم شود در صورتیکه مدت یکی از دو محکومیت مزبور ده روز یا بیشتر باشد باید بین اجرای دو مجازات لااقل سه روز فاصله قائل گردید.

مادهٔ ۹۱:

فرار یک اسیر جنگی در موارد ذیل مقرون به موفقیت شناخته خواهد شد.

۱ - در صورتیکه به نیروهای مسلح دولت متبوع خود یا به نیروهای مسلح یک دولت متحد آن ملحق شود.

۲ - در صورتیکه از اراضی تحت اختیار دولت بازداشت‌کننده یا دولت متفق آن خارج شود.

۳ - در صورتیکه به یک کشتی تحت پرچم دولت متبوع خود یا یک دولت متحد آن که در آبهای ساحلی دولت بازداشت‌کننده باشد ملحق شود مشروط به اینکه کشتی مزبور تحت امر دولت بازداشت‌کننده واقع نباشد.

اسیران جنگی که به مصداق این ماده موفق به فرار شوند اگر مجدداً اسیر گردند مشمول هیچگونه مجازاتی برای فرار سابق خود نخواهند بود.

مادهٔ ۹۲:

اسیر جنگی که اقدام به فرار کند و قبل از توفیق یافتن به مصداق مادهٔ ۹۱ دستگیر شود نسبت به عمل مزبور ولو در صورت تکرار فقط مشمول یک مجازات انتظامی خواهد بود.

فراری دستگیر شده هر چه زودتر به مقامات نظامی مربوطه تسلیم خواهد گردید.

اسیران جنگی که بر اثر فرار مقرون با عدم موفقیت مجازات شده باشند ممکن است علی رغم بند چهارم از مادهٔ ۸۸ تحت مراقبت مخصوص قرارداده شوند ولی مشروط باینکه مراقبت مزبور بسلامت مزاج آنها صدمه نزند و در بازداشتگاه اسیران جنگی صورت گیرد و متضمن حذف هیچیک از تضمیناتی که بموجب این قرارداد به آنان اعطاء شده نباشد.

مادهٔ ۹۳:

فرار یا اقدام به فرار ولو در صورت تکرار در مورد اسیر جنگی که به علت تخلف ارتکابی در حین فرار یا اقدام به فرار بدادگاه احاله شده باشد در حکم علل مشدده شمرده نخواهد شد.

مطابق مدلول مادهٔ ۸۳ تخلفاتی که اسیران جنگی منحصراً بمنظور تسهیل فرار خود مرتکب شوند و متضمن هیچگونه اعمال خشونت بر علیه اشخاص نباشد خواه تخلف از مقررات مالکیت عمومی یا سرقت بدون قصد تمول و خواه تهیه یا استعمال اوراق جعلی یا پوشیدن لباس کشوری باشد فقط مشمول مجازات‌های انتظامی خواهند بود.

اسیران جنگی که در فرار یا اقدام بفرار معاونت کرده باشند ازین بابت فقط مشمول یک مجازات انتظامی خواهند بود.

مادهٔ ۹۴:

چنانچه یک اسیر جنگی فراری دستگیر شود مراتب بر طبق ترتیب مذکور در مادهٔ ۱۲۲ فقط بمنظور اطلاع به دولت متبوع او اعلام خواهد گشت.

مادهٔ ۹۵:

اسیران جنگی که به‌خلاف‌های انتظامی متهمند به انتظار رأی نباید در توقیف احتیاطی نگاهداشته شوند مگر آنکه همین عمل دربارهٔ اعضای نیروهای مسلح دولت بازداشت‌کننده در مورد خلاف‌های نظیر آن مجری باشد و یا آنکه منافع عالیهٔ حفظ نظم و انتظام بازداشتگاه چنین توقیفی را ایجاب کند.

در مورد کلیهٔ اسیران جنگی توقیف احتیاطی که در صورت خلاف‌های انتظامی به عمل می‌آید به حداقل تقلیل خواهد یافت و از چهارده روز تجاوز نخواهد کرد.

مقررات مواد ۹۷ و ۹۸ این فصل در بارهٔ اسیرانی که بعلت خلاف انتظامی در توقیف احتیاطی هستند اجرا خواهد گردید.

مادهٔ ۹۶:

اعمال خلاف انتظام مورد بازجوئی فوری قرار خواهد گرفت.

مجازاتهای انتظامی در عین حفظ صلاحیت دادگاه‌ها و مقامات عالیهٔ نظامی فقط توسط افسری که به سمت فرماندهٔ بازداشتگاه دارای اختیارات انتظامی باشد یا توسط یک افسر مسئول که جانشین او باشد و یا افسری که فرماندهٔ مزبور اختیارات انتظامی خود را بوی تفویض کرده باشد معلوم خواهد شد.

این اختیارات در هیچ حالی نباید به یک اسیر جنگی تفویض یا توسط یک اسیر جنگی اعمال شود.

قبل از صدور حکم مجازات انتظامی باید موارد اتهام بطور دقیق به اسیر جنگی متهم اطلاع و به او اجازه داده شود که عمل خود را توضیح دهد و از خود دفاع نماید. بوی اجاه داده خواهد شد که شهادت شهود خود را با صغا برساند و در صورت لزوم به یک نفر مترجم ذیصلاحیت متوسل گردد - حکم صادره به اسیر جنگی و معتمد اعلام خواهد شد.

فرماندهٔ بازداشتگاه باید دفتری برای ثبت مجازات‌های انتظامی صادره نگاه دارد. دفتر مزبور در اختیار نمایندگان دولت حامی نگاهداشته خواهد شد.

مادهٔ ۹۷:

اسیران جنگی را در هیچ موردی نباید برای اجرای مجازاتهای انتظامی به مؤسسات تأدیبی (زندان - توقیف‌گاه نظامی - زندان محکومیت اعمال شاقه و غیره) انتقال داد.

کلیهٔ اماکن مجازاتهای انتظامی باید مطابق شرایط بهداشتی مذکور در مادهٔ ۲۵ باشد. اسیران جنگی که در دورهٔ مجازات بسر می‌برند باید قادر باشند که خود را در حال نظافت طبق مفاد مادهٔ ۲۹ نگاهدارند توقیف‌گاه افسران و همردیفان از توقیف‌گاه افسران جزء و افراد جدا خواهد بود.

اسیران جنگی از جنس اناث که در دورهٔ مجازات انتظامی بسر می‌برند باید در اماکنی متمایز از اماکن مردان توقیف شوند و مستقیماً تحت مراقبت زنان باشند.

مادهٔ ۹۸:

اسیران جنگی که بر اثر مجازات انتظامی در توقیفند کماکان از مقررات این قرارداد بهره مند خواهند بود مگر در حدودیکه نفس توقیف مقررات مزبور را غیر قابل اجراء سازد. معهذا مزایای مواد ۷۸ و ۱۲۶ نباید در هیچ حالی از آنان سلب گردد.

اسیران جنگی را که مجازات انتظامی می‌یابند نباید از مزایای وابسته بدرجهٔ آنان محروم ساخت. اسیران جنگی که مجازات انتظامی می‌یابند حق خواهند داشت که ورزش بدنی کنند و لااقل دو ساعت در هوای آزاد بسر برند.

در صورتیکه تقاضا کنند حق خواهند داشت در معاینهٔ طبی روزانه حاضر شوند.

پرستاریهائی راکه وضع مزاج آنان ایجاب می‌کند دریافت خواهند داشت و در صورت لزوم به درمانگاه بازداشتگاه یا به بیمارستان منتقل خواهند شد.

همچنین حق خواهند داشت بنویسند و بخوانند و نامه دریافت و ارسال دارند ولی امانات و پولی که برای آنان می‌رسد پس از پایان مجازات به آنها تسلیم خواهد شد. این قبیل امانات و مرسولات تا پایان مجازات آنان به معتمد بازداشتگاه سپرده خواهد شد و معتمد مزبور مواد غذائی فاسد شدنی موجود در امانات را به درمانگاه تسلیم خواهد کرد.

۳ - تعقیب قضائی

مادهٔ ۹۹:

هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان بواسطهٔ عملی تعقیب یا محکوم کرد که آن عمل به موجب قوانین دولت بازداشت‌کننده یا به موجب حقوق بین‌المللی که در تاریخ ارتکاب آن عمل معتبر است مصرحاً ممنوع نباشد.

هیچ فشار روحی یا بدنی نباید به منظور اعتراف به عمل مورد اتهام به اسیر جنگی وارد آید.

هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان محکوم نمود مگر آنکه وسیله دفاع داشته باشد و یکنفر مدافع ذیصلاحیت به او معاونت کند.

مادهٔ ۱۰۰:

در مورد تخلفاتی که طبق قوانین دولت بازداشت‌کننده مشمول حکم اعدام است باید مراتب هر چه زودتر به اسیران جنگی و دولت‌های حامی اطلاع داده شود.

بعد هم هیچگونه تخلفی را نمی‌توان بدون موافقت دولت متبوع اسیران با حکم اعدام مجازات کرد.

دربارهٔ اسیر جنگی نمی‌توان حکم اعدام صادر کرد مگر پس از آنکه توجه دادگاه طبق بند دوم از مادهٔ ۸۷ مخصوصاً به این نکته جلب شده باشد که چون متهم تبعهٔ دولت بازداشت‌کننده نیست هیچگونه وظیفه وفاداری در قبال آن دولت ندارد و فقط بواسطهٔ عللی خارج از اختیار خود اوست که بدست دولت بازداشت‌کننده افتاده است.

مادهٔ ۱۰۱:

چنانچه در بارهٔ یک اسیر جنگی حکم اعدام صادر گردد حکم مزبور از تاریخی که شرح جزئیات آن طبق مادهٔ ۱۰۷ به دولت حامی به نشانی معین برسد تا انقضای لااقل ششماه نباید به موقع اجراء گذاشته شود.

مادهٔ ۱۰۲:

حکم صادره بر علیه اسیر جنگی در صورتی معتبر است که توسط همان محاکم و مطابق همان اصول دادرسی که دربارهٔ اشخاص متعلق به نیروهای دولت بازداشت‌کننده معمول است صادر شده باشد. از آن گذشته اعتبار آن در صورتی است که مفاد این فصل رعایت گردیده باشد.

مادهٔ ۱۰۳:

هر بازپرسی قضائی بر علیه اسیر جنگی باید در کمال سرعتی که اوضاع و احوال اجازه می‌دهد جریان

یابد بطوریکه دادرسی هر چه زودتر به عمل آید. هیچ اسیر جنگی را نمی‌توان در توقیف احتیاطی نگاهداشت مگر به میزانی که دربارهٔ اعضای نیروهای مسلح دولت بازداشت‌کننده برای نظیر همان تخلفات مجری است و یا در صورتیکه امنیت کشور توقیف اسیر را ایجاب کند ولی در هیچ حالی توقیف احتیاطی مزبور نباید از سه ماه تجاوز کند.

مدت توقیف احتیاطی اسیر جنگی از مدت مجازات محرومیت از آزادی اسیر محکوم کسر خواهد گردید از این گذشته در موقع تعیین مجازات هم مدت مزبور در نظر گرفته خواهد شد.

اسیران جنگی در مدت توقیف احتیاطی از مقررات مواد ۹۷ و ۹۸ این فصل بهره‌مند خواهند بود.

مادهٔ ۱۰۴:

در هر موردیکه دولت بازداشت‌کننده تصمیم به تعقیب قضائی یک اسیر جنگی بگیرد مراتب را هر چه زودتر و لااقل سه هفته قبل از شروع دادرسی به دولت حامی اطلاع خواهد داد. مهلت سه هفته مزبور از تاریخی شروع می‌شود که اطلاع‌نامه به دولت حامی به نشانی که دولت مزبور قبلاً به دولت بازداشت‌کننده اطلاع داده برسد.

اطلاع‌نامهٔ مزبور حاوی مطالب زیر خواهد بود:

۱ - نام ونام خانوادگی اسیر جنگی با ذکر درجه و شماره و تاریخ تولد او و در صورتیکه شغلی داشته باشد با تعیین شغل و حرفه او.

۲ - محل توقیف یا بازداشت.

۳ - شرح اتهام یا اتهامات با ذکر مقررات قانونی که دربارهٔ آن اتهامات قابل اجرا است.

۴ - تعیین دادگاهی که قضیه را دادرسی خواهد کرد با ذکر تاریخ و محلی که برای شروع دادرسی در نظر گرفته شده.

عین این اطلاع‌نامه توسط دولت بازداشت‌کننده به معتمد اسیر جنگی تسلیم خواهد شد.

چنانچه در موقع شروع دادرسی با ارائهٔ سند مدلل نشود که دولت حامی و اسیر جنگی و معتمد ذیربط اطلاع‌نامهٔ فوق را لااقل سه هفته قبل از شروع دادرسی دریافت داشته‌اند دادرسی به عمل نخواهد آمد و موکول به بعد خواهد گردید.

مادهٔ ۱۰۵:

اسیر جنگی حق خواهد داشت توسط یکی از رفقای خود معاونت شود و بوسیلهٔ یک نفر وکیل که خود انتخاب می‌کند دفاع گردد شاهد به دادگاه بیاورد و در صورت لزوم یک نفر مترجم ذیصلاحیت بخواهد. دولت بازداشت‌کننده به موقع قبل از دادرسی به او اطلاع خواهد داد که این حقوق را دارد:

چنانچه اسیر جنگی مدافع تعیین نکرده باشد دولت حامی یک نفر مدافع برای او تهیه خواهد کرد. دولت حامی برای اینکار لااقل یک هفته فرصت خواهد داشت و دولت بازداشت‌کننده بر حسب تقاضای آن دولت صورتی از کسانی که برای تأمین دفاع صلاحیت دارند جهت او ارسال خواهد داشت. در صورتیکه

مدافع توسط اسیر جنگی یا دولت حامی هیچکدام انتخاب نشده باشند دولت بازداشت‌کننده رأساً یک نفر وکیل ذیصلاحیت برای دفاع متهم تعیین خواهد کرد.

وکیل مدافع برای تهیهٔ مقدمات دفاع متهم لااقل دو هفته قبل از شروع دادرسی وقت خواهد داشت و نیز از تسهیلات لازم برخوردار خواهد بود من‌جمله می‌تواند آزادانه با متهم ملاقات و بدون حضور کسی با او صحبت کند. همچنین می‌تواند با کلیهٔ شهود متهم من‌جمله اسیران جنگی گفتگو کند. وکیل نامبرده تا پایان مواعد استینافی ازین تسهیلات بهره‌مند خواهد بود.

ادعانامه و مدارکی که بطور کلی طبق قوانین جاریهٔ ارتش دولت بازداشت‌کننده به متهمین ابلاغ می‌شود با فرصت کافی قبل از شروع دادرسی بزبانی که متهم بفهمد به اسیر متهم تسلیم خواهد شد. ادعانامه و مدارک مزبور بهمین کیفیت به مدافع متهم نیز تسلیم خواهد گردید.

نمایندگان دولت حامی حق خواهند داشت در جلسات دادرسی حضور یابند مگر آنکه دادرسی از لحاظ مصالح تأمینی کشور در جلسهٔ غیر علنی به عمل آید.در این صورت دولت بازداشت‌کننده این موضوع را به دولت حامی اطلاع خواهد داد.

مادهٔ ۱۰۶:

هر اسیر جنگی حق خواهد داشت طبق کیفیات معموله در مورد اعضای نیروهای مسلح دولت بازداشت‌کننده در مورد هر حکمی که در باره‌اش صادر شده تقاضای پژوهش یا فرجام یا تجدید نظر نماید. حقوق واخواهی او وهمچنین مهلت‌های اعمال حقوق مزبور بتفصیل به او اطلاع داده خواهد شد.

مادهٔ ۱۰۷:

حکمی که دربارهٔ یک نفر اسیر جنگی صادر شود بلافاصله به صورت اطلاع‌نامهٔ اجمالی با ذکر اینکه آیا اسیر حق پژوهش یا فرجام یا تجدید نظر دارد به استحضار دولت حامی خواهد رسید.

اطلاع‌نامهٔ مزبور به معتمد ذیربط نیز تسلیم خواهد شد. همچنین در صورتیکه رأی محکمه در حضور متهم صادر نشده باشد بزبانی که بفمد به او ابلاغ خواهد گردید بعلاوه دولت بازداشت‌کننده بلافاصله تصمیم اسیر جنگی را دربارهٔ استفاده از حقوق واخواهی که دارد به دولت حامی اطلاع خواهد داد.

ازین گذشته در صورتیکه محکومیت قطعی شود و یا در صورتیکه در دادگاه بدوی حکم اعدام صادر شده باشد دولت بازداشت‌کننده اطلاع‌نامهٔ مبسوطی که حاوی مطالب ذیل باشد هر چه زودتر برای دولت حامی ارسال خواهد داشت:

۱ - متن صحیح حکم.

۲ - گزارش اجمالی بازپرسی و دادرسی با ذکر رئوس مسائل اتهام و دفاع.

۳ - عندالاقتضاء ذکر محلی که محکومیت در آنجا انجام خواهد شد.

ابلاغ اطلاعات مذکور در بندهای بالا به دولت حامی به نشانی که دولت مزبور قبلاً بدولت بازداشت‌کننده اطلاع داده صورت خواهد گرفت.

مادهٔ ۱۰۸:

مجازات‌هائی که طبق احکام صادره بر علیه اسیران جنگی قطعیت می‌یابد در همان مؤسسات و به همان کیفیاتی که برای اعضاء نیروهای دولت بازداشت‌کننده معمول است اجراء خواهد گردید. کیفیات مزبور باید در همه احوال مطابق مقتضیات بهداشت و انسانیت باشد.

اسیر جنگی از جنس اناث که بدین طریق محکومیت یابد در اماکن مجزا و تحت نظارت زنان قرار خواهد گرفت.

در هر حال اسیران جنگی که محکوم به مجازات محرومیت از آزادی شوند از مفاد مواد ۷۸ و ۱۲۶ این قرارداد برخوردار خواهند بود. از این گذشته اجازه خواهند داشت که نامه دریافت و ارسال دارند و لااقل ماهی یک بسته امانت دریافت و منظماً در هوای آزاد ورزش کنند.

پرستاریهای بهداری که مستلزم وضع سلامت آنان است و همچنین در صورتیکه مایل باشند کمک روحانی نیز دریافت خواهند داشت. مجازات‌هائی که دربارهٔ آنها اجراء می‌شود منطبق با مفاد بند سوم از مادهٔ ۸۷ خواهد بود.

باب چهارم
پایان اسارت
بخش اول
بازگشت مستقیم به میهن و بستری شدن در کشور بیطرف

مادهٔ ۱۰۹:

دولت‌های متخاصم با قیدو شرط بند سوم این ماده مکلفند اسیران جنگی راکه شدیداً بیمار یا شدیداً مجروحند بدون ملاحظهٔ تعداد یا درجهٔ آنان طبق بند اول از مادهٔ بعد پس از آنکه قادر به حمل و نقل شدند به میهن خودشان عودت دهند.

در تمام مدت مخاصمات دولت‌های متخاصم سعی خواهند کرد که با معاضدت دولت‌های بیطرف ترتیبات لازم بدهند که اسیران بیمار یا زخمدار مذکور در بند دوم از مادهٔ بعد در کشوری بیطرف در بیمارستان بستری شوند. بعلاوه ممکن است موافقت‌نامه‌هائی بین خود به منظور اعادهٔ مستقیم اسیرانی که مدت طولانی در اسارت به سر برده‌اند به میهن خودشان یا بازداشت آنها در یک کشور بیطرف منعقد سازند.

هیچ اسیر جنگی که به موجب بند اول این ماده برای بازگشت به کشور خود در نظر گرفته شده نباید در دورهٔ مخاصمات بر خلاف میل خود او بازگشت داده شود.

مادهٔ ۱۱۰:

اشخاص ذیل مستقیماً به میهن خود بازگشت داده خواهند شد:

۱ – بیماران و زخمداران غیر قابل علاج که استعداد فکری یا جسمانی آنان تقلیل کلی یافته باشد.

۲ - بیماران و زخمدارانی که به موجب پیش‌بینی‌های طبی در ظرف مدت یکسال قابل علاج نبوده و وضع مزاجی آنها مستلزم معالجه باشد و استعداد فکری یا جسمانی آنان تقلیل کلی یافته باشد.

۳ - زخمداران و بیمارانی که معالجه شده اند ولی استعداد فکری یا جسمانی آنان تقلیل کلی و دائمی یافته باشد.

اشخاص ذیل را ممکن است در کشور بیطرف در بیمارستان بستری کرد:

۱ - زخمداران و بیمارانی که علاج آنان در ظرف یکسال از تاریخ وقوع جراحت یا شروع بیماری تصور می‌شود مشروط به اینکه با معالجه در کشور بیطرف علاج سریعتر و مطمئن‌تری پیش‌بینی شود.

۲ - اسیران جنگی که سلامت فکری یا جسمانی آنان طبق پیش‌بینی‌های طبی با ادامهٔ اسارت در معرض مخاطرهٔ جدی است ولی بستری شدن در بیمارستان کشور بیطرف ممکن باشد آنها را از این خطر بر کنار سازد.

دول ذیربط به موجب موافقت‌نامه‌های مخصوص بین‌خود تعیین خواهند کرد که برای بستری شدن در بیمارستان در دولت بیطرف چه شرایطی باید در اسیر جنگی جمع باشد و همچنین طرز اقدام را بین خود معلوم خواهند کرد. بطور کلی اسیران جنگی که در کشور بیطرف بستری شده‌اند در صورتیکه جزو یکی از تقسیمات ذیل باشند به کشور خودشان اعاده خواهند شد:

۱ - کسانی که وضع مزاجشان شدت یافته به طوری که جامع شرایط بازگشت مستقیم به میهن شده‌اند.

۲ - کسانی که استعداد جسمانی یا فکری آنان بعد از معالجه کماکان در حال نقصان فوق‌العاده باقی مانده باشد.

چنانچه بین دول متخاصم موافقت‌نامه‌های خاصی در باب تعیین موارد معلولیت یابیماری که مستلزم بازگشت مستقیم یا بستری شدن در کشور بیطرف است منعقد نشده باشد موارد مذکور بر طبق اصول مندرج در موافقت‌نامه نمونه مربوط به بازگشت مستقیم اسیران جنگی زخمدار و بیمار و بستری شدن آنها در کشور بیطرف و اصول مندرج در آئین‌نامهٔ کمیسیون‌های پزشکی مختلط که هر دو پیوست این قرارداد است معین خواهد گردید.

مادهٔ ۱۱۱:

دولت بازداشت‌کننده و دولت متبوع اسیران جنگی و یک دولت بیطرف که مورد قبول طرفین باشد سعی خواهند کرد موافقت‌نامه هائی منعقد نمایند که به موجب آن بتوان اسیران جنگی را تا پایان مخاصمات در خاک آن کشور بیطرف در بازداشت نگاه داشت.

مادهٔ ۱۱۲:

بمحض شروع مخاصمات کمیسیون‌های مختلط پزشکی تعیین خواهند شد که بیماران و زخمداران را معاینه کنند و دربارهٔ آنان همه گونه تصمیمات مفید بگیرند. طرز تعیین و وظائف و ترتیب عمل کمیسیون‌های مزبور بر طبق مفاد آئین‌نامه پیوست این قرارداد خواهد بود.

معهذا اسیرانی که طبق نظر مقامات پزشکی دولت بازداشت‌کننده بطور وضوح زخمدار شدید یا بیمار شدید باشند می‌توانند به میهن خود اعاده شوند بی آنکه محتاج معاینهٔ کمیسیون پزشکی مختلط باشند.

مادهٔ ۱۱۳:

علاوه بر کسانی که توسط مقامات پزشکی دولت بازداشت‌کننده معلوم می‌شود اسیران زخمدار و بیماری که جزو طبقات ذیل باشند حق خواهند داشت برای معاینه به کمیسیون‌های پزشکی که در مادهٔ بعد پیش‌بینی شده مراجعه نمایند:

۱ - زخمداران و بیمارانی که توسط یک پزشک هم میهن یا تابع دولت متحد دولت متبوع آنان که در بازداشتگاه به حرفهٔ طبابت اشتغال دارد پیشنهاد شوند.

۲ - زخمداران و بیمارانی که توسط معتمد خودشان پیشنهاد شوند.

۳ - زخمداران و بیمارانی که توسط دولت متبوع خود یا توسط یک دستگاه مورد قبول مزبور که به کمک اسیران آمده پیشنهاد شوند.

معهذا اسیرانی که به هیچ‌یک از طبقات فوق تعلق ندارند نیز می‌توانند برای معاینه به کمیسیون پزشکی مختلط مراجعه نمایند ولی بعد از طبقات فوق معاینه خواهند شد.

پزشک هم میهن اسیران جنگی که برای معاینه به کمیسیون پزشکی مختلط مراجعه می‌کنند و همچنین معتمد آنان مجاز خواهند بود که در موقع معاینه حضور داشته باشند.

مادهٔ ۱۱۴:

اسیران جنگی که دچار سوانح شده باشند باستثنای کسانی که عمداً خود را مجروح می‌سازند از حیث اعاده به میهن یا بستری شدن در بیمارستان کشور بیطرف از مزایای این قرارداد برخوردار خواهند بود.

مادهٔ ۱۱۵:

هیچ اسیر جنگی که محکوم به مجازات انتظامی شده باشد و جامع شرایطی باشد که برای اعاده به میهن یا بستری شدن در کشور بیطرف پیش‌بینی شده نباید به علت اینکه به مجازات مزبور نرسیده نگاه داشته شود.

اسیران جنگی که تحت تعقیب قضائی بوده یا محکومیت قضائی یافته باشند در صورتیکه برای اعاده به میهن یا بستری شدن درکشور بیطرف معین شده باشند نیز می‌توانند در صورت موافقت دولت بازداشت کننده قبل از پایان دادرسی یا قبل از پایان مجازات ازین ماده استفاده کنند.

دول متخاصم اسامی کسانی راکه تا پایان دادرسی یا تا پایان اجرای مجازات نگاه‌داشته خواهند شد به یکدیگر ابلاغ خواهند کرد.

مادهٔ ۱۱۶:

هزینهٔ بازگشت اسیران جنگی به میهن یا هزینهٔ حمل آنان به کشور بیطرف از مرز کشور بازداشت‌کننده به‌بعد به عهدهٔ دولت متبوع آنان خواهد بود.

مادهٔ ۱۱۷:

هیچ اسیری را که به میهن اعاده شده نمی‌توان به خدمت نظامی فعال گماشت.

بخش دوم
آزادی و بازگشت اسیران جنگی در پایان مخاصمات

مادهٔ ۱۱۸:

اسیران جنگی بلافاصله پس از ختم مخاصمات عملی آزاد و به کشور خود اعاده خواهند شد.

در صورتیکه در قرارداد ختم جنگ بین طرفین قرار مخصوصی در این باب داده نشده باشد و یا اصلاً چنین قراردادی بین طرفین منعقد نشده باشد هر یک از دول بازداشت‌کننده طرحی برای اعادهٔ اسیران طبق اصول مذکور در بند فوق تنظیم و بلافاصله به موقع اجراء خواهد گذاشت.

در هر یک از موارد بالا اقداماتی که در نظر گرفته شده به اطلاع اسیران جنگی خواهد رسید.

هزینهٔ بازگشت اسیران جنگی در هر حال بطور عادلانه بین دولت بازداشت‌کننده و دولت متبوع اسیران تقسیم خواهد شد. در تقسیم هزینه‌های مزبور اصول ذیل مورد رعایت قرار خواهد گرفت:

الف - در صورتیکه دو دولت هم مرز باشند دولت متبوع اسیران جنگی هزینهٔ بازگشت آنان را از مرز دولت بازداشت‌کننده به بعد عهده‌دار خواهد شد.

ب - در صورتیکه دو دولت هم مرز نباشند دولت بازداشت‌کننده هزینهٔ حمل اسیران را تا مرز یا بندری که به دولت متبوع اسیران نزدیکتر باشد بر عهده خواهد گرفت نسبت به بقیهٔ هزینهٔ بازگشت اسیران دولت‌های مربوطه قراری با هم برای تقسیم عادلانه آن بین خود خواهند داد. انعقاد این قرار در هیچ حالی نباید موجب جزئی‌ترین تأخیری در اعادهٔ اسیران جنگی بشود.

مادهٔ ۱۱۹:

بازگشت‌ها با کیفیاتی نظیر آنچه که در مواد ۴۶ لغایت ۴۸ این قرارداد برای انتقال جنگی پیش بینی شده با توجه به مفاد مادهٔ ۱۱۸ و مواد مابعد صورت خواهد گرفت.

هنگام بازگشت باید اشیاء قیمتی که از اسیران جنگی طبق مفاد مادهٔ ۱۸ مأخوذ شده و وجوه نقدی به پول خارجی که به پول دولت بازداشت‌کننده تسعیر نگردیده به آنها مسترد شود.

اشیاء قیمتی یا وجوه نقدی به پول خارجی که در موقع بازگشت اسیران جنگی به علتی به آنان مسترد نشده باشد به دفتر اطلاعات مذکور در مادهٔ ۱۲۲ تسلیم خواهد شد.

اسیران جنگی اجازه خواهند یافت اشیاء شخصی و نامه‌ها و امانات وارده به عنوان خود را با خود ببرند. وزن آنها ممکن است در صورتیکه اوضاع بازگشت ایجاب کند به میزانی که اسیر جنگی می‌تواند با خود حمل کند محدود گردد ولی در هر حال هر اسیری مجاز خواهد بود لااقل ۲۵ کیلو با خود ببرد.

سایر لوازم شخصی اسیر جنگی توسط دولت بازداشت‌کننده نگاه‌داشته خواهد شد و به محض آنکه

بین آن دولت با دولت متبوع اسیر جنگی موافقت‌نامه‌ای دربارهٔ طرز حمل و پرداخت هزینه‌های مربوطه منعقد گردد برای صاحب آن ارسال خواهد گردید.

اسیران جنگی که به علت جنایت یا جنحه مربوط به حقوق جزا تحت تعقیب قضائی باشند ممکن است تا پایان دادرسی و در صورت اقتضاء تا پایان مجازات نگاه‌داشته شوند.هم‌چنین کسانی که به علت جنایت یا جنحهٔ مربوطه به حقوق جزا محکوم شده باشند.

دولت‌های متخاصم اسامی اسیران جنگی را که تا ختم دادرسی یا ختم مجازات نگاه خواهند داشت به‌یکدیگر اطلاع خواهند داد.

دولت‌های متخاصم بین خود ترتیبی خواهند داد که کمیسیون‌هائی برای جستجوی اسیران متواری و تأمین بازگشت آنان در اسرع وقت تشکیل شوند.

بخش سوم
فوت اسیران جنگی

مادهٔ ۱۲۰:

وصیت‌نامه‌های اسیران جنگی طوری تنظیم خواهد شد که جامع شرایطی باشند که به موجب قوانین کشور اصلی آنان برای اعتبار وصیت‌نامه لازم است کشور مزبور اقدامات لازم به عمل خواهد آورد که شرایط مذکوره به اطلاع دولت بازداشت‌کننده برسد. در صورت تقاضای اسیر جنگی و در هر حال پس از فوت او وصیت‌نامه بدون فوت وقت به دولت حامی و یک نسخه رونوشت گواهی شدهٔ آن به آژانس مرکزی اطلاعات تسلیم خواهد شد.

گواهینامه‌های فوت طبق نمونه پیوست این قرارداد با صورت‌های کلیهٔ اسیران جنگی که در اسارت فوت کرده‌اند با تصدیق یک نفر افسر مسئول در اسرع وقت به دفتر اطلاعات اسیران جنگی که به موجب مادهٔ ۱۱۲ تشکیل می‌شود ارسال خواهد گردید. اطلاعات مربوطه به هویت متوفیات که فهرست آن در بند سوم مادهٔ ۱۷ ذکر شده هم‌چنین محل و تاریخ فوت و علت فوت و محل و تاریخ دفن به انضمام کلیهٔ اطلاعات لازم جهت تشخیص قبور باید در گواهینامه‌ها یا صورت‌های مزبور قید گردد.

قبل از دفن یا سوزاندن باید جنازه مورد معاینه پزشکی قرار گیرد تا وقوع فوت مسلم و تنظیم گزارش فوت میسر و در صورت اقتضا هویت متوفی معین گردد.

مقامات بازداشت‌کننده مراقبت خواهند کرد که اسیران جنگی که در اسارت فوت می‌کنند با احترام و در صورت امکان بر طبق اصول مذهبی خود به‌خاک سپرده شوند و قبور آنان محترم شمرده شود و به طرز آبرومند نگاهداری گردد و علائمی داشته باشد که پیدا کردن آن همیشه مقدور باشد. درصورت امکان اسیران جنگی متوفی که متعلق به یک دولتند در یک محل دفن خواهند شد.

اسیران جنگی متوفی انفراداً دفن خواهند شد مگر در صورت وجود قوه قاهره که دفن آنها را در یک قبر

مشترک اضطراراً ضروری سازد. اجساد را نباید سوزاند مگر در صورتیکه ضرورت بهداشت ایجاب کند یا مذهب متوفی دستور سوزاندن داده باشد یا خود متوفی خواسته باشد. در صورت سوزاندن مراتب با ذکر علل آن در سند فوت ذکر خواهد شد.

برای آنکه بتوان قبور را همیشه بازیافت کلیهٔ اطلاعات مربوطه به دفن و قبور باید توسط یک اداره قبور که دولت بازداشت‌کننده تأسیس می‌نماید ثبت گردد صورت قبور و اطلاعات مربوط به اسیران جنگی مدفون در قبرستان‌ها یا در جاهای دیگر برای دولت متبوع اسیران جنگی مزبور ارسال خواهد شد. دولتی که زمین قبرستان را متصرف است در صورتیکه عضو این قرارداد باشد مکلف است قبرها را توجه کند و هر جسدی که بعداً در جای دیگر انتقال می‌یابد ثبت نماید. این مقررات در مورد خاکسترهائی که ادارهٔ قبور تا وصول تصمیم قطعی دولت اصلی صاحبان آن نگاه می‌دارد نیز معتبر خواهد بود.

مادهٔ ۱۲۱:

هر فوت یا جراحت شدید یک اسیر جنگی که توسط یک نفر قراول یا یک اسیر دیگر و یا هر شخص دیگری وقوع یابد یا مظنون به وقوع بدست این اشخاص باشد و هم‌چنین هر فوتی که به علت غیر معلوم واقع شود فوراً توسط دولت بازداشت‌کننده مورد تحقیق رسمی قرار خواهد گرفت.

بلافاصله ابلاغیه‌ای در این موضوع به دولت حامی ارسال خواهد شد. شهادت شهود خصوصاً شهادت اسیران جنگی جمع‌آوری خواهد شد و گزارشی حاوی این اطلاعات برای دولت مزبور ارسال خواهد گردید.

چنانچه نتیجهٔ تحقیق به مجرمیت یک یا چند نفر منجر شود دولت بازداشت‌کننده همه‌گونه اقدامات را برای تعقیب قضائی مسئول یا مسئولین به عمل خواهد آورد:

باب پنجم
دفتر اطلاعات و جمعیتهای تعاونی مربوط به اسیران جنگی

مادهٔ ۱۲۲:

به محض شروع جنگ و در کلیهٔ موارد اشغال هر یک از دولتهای متخاصم یک دفتر رسمی اطلاعات درباب اسیران جنگی که در اختیار خود دارد تأسیس خواهد کرد. دولتهای بیطرف یا غیر متخاصم که در خاک خود اشخاصی متعلق به یکی از طبقات مذکور در مادهٔ ۴ را پذیرفته باشند نیز در مورد اشخاص مزبور به همین قرار رفتار خواهند کرد. دولت ذیربط مراقبت خواهد کرد که دفتر اطلاعات اماکن و لوازم و کارمند کافی در اختیار داشته باشد تا بتواند بطرز مؤثری کار بکند.

دولت مزبور مختار خواهد بود که در دفتر مزبور اسیران جنگی را مورد استفاده قرار دهد مشروط بر اینکه شرایط مقرره در بخش مربوط بکار اسیران جنگی مندرج در این قرارداد را محترم شمارد.

هر یک از دول متخاصم در کوتاهترین مدت ممکنه اطلاعات مندرج در بندهای چهارم و پنجم و ششم

این قرارداد را در باب هر فرد دشمن که متعلق به یکی از طبقات مذکور در مادهٔ ۴ باشد و بدست او افتد برای دفتر نامبرده ارسال خواهد داشت دول بیطرف یا غیر متخاصم نیز در مورد اشخاص متعلق به طبقات مذکور که در خاک خود پذیرفته باشند به همین قرار رفتار خواهند کرد.

دفتر اطلاعات با سریعترین وسائل اطلاعات مزبور را از یک طرف به وسیلهٔ دول حامی و از طرف دیگر به وسیلهٔ آژانس مرکزی موضوع مادهٔ ۱۲۳ برای دولتهای ذیعلاقه خواهد فرستاد.

اطلاعات مزبور باید طوری باشد که بتوان خانواده‌های ذینفع را سریعاً مستحضر ساخت. اطلاعات مزبور تا آنجا که مربوط به دفتر اطلاعات است باید در مورد هر اسیر جنگی با قید مقررات مادهٔ ۱۷ مشتمل برنام و نام خانوادگی و درجه و شماره و محل و تاریخ کامل تولد و تعیین دولت متبوع و نام پدر و مادر و نام و نشان شخصی که باید اسارت اسیر به او اطلاع داده شود و نشانی نامه نویسی به عنوان اسیر باشد.

دفتر اطلاعات از دوایر مختلفه مربوطه اطلاعات مربوط به‌نقل و انتقال و آزادی و بازگشت به میهن و فرار و بستری شدن در بیمارستان و فوت را دریافت و به طریق مذکور در بند سوم بالا به دولت ذینفع اطلاع خواهد داد.

هم‌چنین اطلاعات مربوط به حال مزاجی اسیران جنگی که شدیداً بیمار و زخمدارند منظماً و در صورت امکان هفته‌ای یک‌بار فرستاده خواهد شد.

و نیز دفتر اطلاعات عهده‌دار پاسخ هر گونه سئوالاتی خواهد بود که دربارهٔ اسیران جنگی به انضمام کسانی که در اسارت وفات یافته باشند از او بشود. چنانچه اطلاعات مطلوبه را نداشته باشد مبادرت به تحقیقات لازم خواهد نمود تا جواب سئوالات رابدهد.

کلیهٔ اطلاعات کتبی که دفتر اطلاعات می‌دهد باید با امضاء یا مهر رسمیت یابد.

بعلاوه دفتر اطلاعات مأمور خواهد شد که کلیهٔ اشیاء شخصی قیمتی که هنگام بازگشت به میهن یا آزادی یا فوت اسیر جنگی از او باقی مانده باشد به انضمام وجوه نقدی به پول غیر از پول دولت بازداشت‌کننده و اسنادی را که برای نزدیکان دارای اهمیت باشد جمع آوری و به دولت‌های ذینفع ارسال دارد. اشیاء مزبور در بسته‌هائی که توسط دفتر اطلاعات ممهور شده باشد ارسال خواهد شد، به بسته‌های مزبور ورقه ای حاوی اطلاعات دقیق راجع به هویت مالک اشیاء و هم‌چنین صورت کامل محتویات بسته منضم خواهد شد. سایر اشیاء شخصی اسیران مذکور بر طبق قرارهائی که بین دول متخاصم ذینفع داده شود ارسال خواهد گردید.

مادهٔ ۱۲۳:

یک آژانس مرکزی اطلاعات راجع به اسیران جنگی در کشور بیطرف تأسیس خواهد یافت. کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ در صورتیکه لازم بداند تشکیل چنین آژانس را به دولت‌های ذینفع پیشنهاد خواهد کرد.

آژانس مزبور مأمور تمرکز دادن اطلاعات مربوط به اسیران جنگی خواهد بود که خواه از طریق رسمی

و خواه به طور خصوصی تحصیل نماید. آژانس مزبور این اطلاعات را در اسرع وقت به دولت اصلی اسیران جنگی یا به دولت متبوع آنان ارسال خواهد داشت دولت‌های متخاصم همه گونه تسهیلات را به‌منظور ارسال این اطلاعات برای آژانس مرکزی فراهم خواهند آورد.

دولت‌های معظمهٔ متعاهد بالاخص دولتهائی که اتباعشان از خدمات آژانس مرکزی بهره‌مند می‌گردند دعوت می‌شوند که کمک مالی راکه آژانس مزبور لازم دارد با آن بنمایند.

مقررات فوق نباید چنین تلقی شود که فعالیت نوعپرورانهٔ کمیتهٔ بین‌المللی سرخ و جمعیت‌های تعاونی مذکور در مادهٔ ۱۲۵ را محدود می‌سازد.

مادهٔ ۱۲۴:

دفاتر ملی اطلاعات و آژانس مرکزی اطلاعات از معافیت پستی و کلیهٔ معافیت‌های مذکور در مادهٔ ۷۴ و در حدود امکان از فعالیت مخابرات تلگرافی یا لااقل از تخفیف‌های عمده نسبت به هزینهٔ تلگرافی بهره‌مند خواهند بود.

مادهٔ ۱۲۵:

دولت‌های بازداشت‌کننده با حفظ حق اقداماتی که برای تضمین امنیت یا مواجهه با هر گونه ضرورت عادله دیگر لازم می‌دانند سازمانهای مذهبی و جمعیت‌های تعاونی یا هر سازمان دیگری را که به کمک اسیران جنگی بیاید با حسن قبول تلقی خواهد کرد و کلیهٔ تسهیلات را برای آنها و نمایندگان رسمی آنها به منظور ملاقات اسیران و تقسیم اعانات و لوازم از هر مبدأ که برای مقاصد مذهبی و تعلیمی و تفریحی و کمک در ایجاد تشکیلاتی برای اوقات بیکاری در داخل بازداشتگاه اختصاصی داشته باشد فراهم خواهند آورد.

جمعیت‌ها و سازمان‌های فوق ممکن است خواه در خاک دولت بازداشت‌کننده یا در کشور دیگری تشکیل شوند و خواه جنبهٔ بین‌المللی داشته باشند.

دولت بازداشت‌کننده می‌تواند عده جمعیتها و سازمان‌هائی راکه نمایندگان آنها اجازهٔ فعالیت در خاک او تحت‌نظر او دارند محدود سازد مشروط براینکه این محدویت طوری نباشد که مانع شود از اینکه به کلیه اسیران جنگی کمک مؤثر و کافی برسد.

در هر زمان موقعیت مخصوص کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ در این مرحله به رسمیت شناخته و محترم شمرده خواهد شد.

هنگامی که اعانات یا لوازمی برای مقاصد مذکور فوق به اسیران جنگی تسلیم می‌شود و یا لااقل در اسرع وقت رسیدهائی به امضای معتمد اسیران مزبور مربوط به هر مرسوله به عنوان جمعیت تعاونی یا سازمانی که امانت را فرستاده تنظم خواهد شد. در همان حال رسیدهائی برای امانات مزبور توسط مقامات اداری که عهده‌دار حراست اسیران جنگی‌اند تسلیم خواهد گردید.

باب ششم
اجرای قرارداد
بخش اول
مقررات عمومی

مادهٔ ۱۲۶:

نمایندگان یا مأمورین دول حامی مجاز خواهند بود به کلیهٔ اماکن اقامت اسیران جنگی خصوصاً به محل‌های توقیف و بازداشت و کاربروند و به کلیهٔ اماکنی که مورد استفادهٔ اسیران جنگی است حق ورود خواهند داشت. همچنین اجازه خواهند داشت به محل‌های حرکت و عبور و ورود اسیران انتقالی بروند. می‌توانند بدون حضور شاهد با اسیران و خصوصاً با معتمد آنها و در صورت لزوم بوسیلهٔ مترجم صحبت کنند.

به نمایندگان و مأمورین دول حامی آزادی کامل داده خواهد شد که به هر محلی که بخواهند سرکشی کنند. مدت سرکشی‌های مزبور و تعداد آنها محدود نخواهد شد فقط در صورتی می‌توان این سرکشی‌ها را ممنوع ساخت که مقتضیات عالیه نظامی ضرورت آن را ایجاب نماید آن هم فقط به طور استثناء و موقت خواهد بود.

دولت بازداشت‌کننده و دولت متبوع اسیران جنگی که باید مورد سرکشی قرار گیرند می‌توانند در صورت اقتضاء بین خود ترتیبی دهند که بعضی از هم میهنان اسیران مذکور در سرکشی‌ها شرکت کنند.

نمایندگان کمیته بین‌المللی سرخ نیز از همین امتیازات بهره‌مند خواهند بود. تعیین نمایندگان مزبور باید مورد پذیرش دولتی قرار گیرد که اسیران موضوع سرکشی دراختیار او هستند.

مادهٔ ۱۲۷:

دول معظمهٔ متعاهد تعهد می‌نمایند که در زمان صلح و در زمان جنگ متن این قرارداد رادر کشور خود به وسیعترین میزان ممکنه اشاعه دهند و مخصوصاً تدریس آنرا در برنامه‌های تعلیمات نظامی و در صورت امکان تعلیمات کشوری بگنجانند بطوری که اصول آن معروف جامعه نیروهای مسلح و نفوس آنان باشد.

مقامات نظامی یا غیر نظامی که در زمان جنگ مسئولیتهائی نسبت به اسیران جنگی بر عهده دارند باید متن این قرارداد را موجود داشته و مقررات آن مخصوصاً به آنان تعلیم شده باشد.

مادهٔ ۱۲۸:

دول معظمهٔ متعاهد ترجمهٔ این قرارداد را با قوانین و آئین‌نامه‌هائی که ممکن است برای تأمین اجرای آن وضع نمایند به وسیلهٔ شورای متحدهٔ سویس و در حین جنگ به وسیلهٔ دول حامی به یکدیگر ابلاغ خواهند کرد.

مادهٔ ۱۲۹:

دول معظمهٔ متعاهد تعهد می‌نمایند که کلیهٔ اقدامات تقنینیه لازم را برای تعیین مجازات‌های مناسب

دربارهٔ کسانی که مرتکب یا آمر هر یک از تخلفات عمدهٔ مقررات این قرارداد به شرح مادهٔ آتی باشند به عمل آورند.

هر دولت متعاهد مکلف است اشخاصی را که متهم به ارتکاب یا آمر به ارتکاب یکی از تخلفات عمده هستند جستجو کند و آنها را اعم از هر سمتی که دارند تسلیم دادگاههای خود نماید.

دولت مزبور اگر بخواهد می‌تواند طبق شرایط مقرره در قوانین خود اشخاص مزبور را برای دادرسی به یک دولت متعاهد دیگر که به تعقیب آنها ذیعلاقه باشد تسلیم نماید ولی مشروط به اینکه آن دولت دلائل اتهامی کافی بر علیه آن اشخاص داشته باشد.

هر دولت متعاهد اقدامات لازم به عمل خواهد آورد که قطع‌نظر از تخلفات عمده که در مادهٔ آتی بیان شده سایر اعمال مخالف مقررات این قرارداد قطع شود.

در هر حال متهمین از تضمینات دادرسی و دفاع آزاد که از تضمینات مذکور در مادهٔ ۱۰۵ این قرارداد و مواد مابعد آن کمتر نباشد برخوردار خواهند بود.

مادهٔ ۱۳۰:

تخلفات عمده که منظور مادهٔ بالاست عبارت از تخلفاتی است که متضمن ارتکاب یکی از اعمال ذیل بر علیه اشخاص یا اموال مورد حمایت این قرارداد باشد.

قتل عمدی - شکنجه و رفتار خلاف انسانیت به انضمام آزمایشهای بیولوژی ایراد تألمات شدید بعمد یا لطمه به تمامیت جسمانی یا سلامت - وادار ساختن اسیر جنگی به خدمت در نیروهای مسلح دولت خصم یا محروم ساختن او از حق دادرسی منظم و بیطرفانه طبق مفاد این قرارداد.

مادهٔ ۱۳۱:

هیچ دولت متعاهدی نمی‌تواند خود یا دولت متعاهد دیگری را از مسئولیت‌هائی که به علت تخلفات مذکور در مادهٔ بالا به خود او یا به دولت متعاهد دیگر متوجه است معاف سازد.

مادهٔ ۱۳۲:

در مورد هر گونه ادعای نقض قرارداد بر حسب تقاضای یک دولت متخاصم تحقیقاتی بر طبق ترتیبی که بین دولتهای ذینفع داده خواهد شد به عمل خواهد آمد.

چنانچه بین دولت‌های مزبور نسبت به طرز تحقیق توافق حاصل نشود دول مزبور یک نفر داور انتخاب خواهند کرد که طرز اقدام را معین نماید.

پس از آنکه نقض قرارداد محرز شود دولتهای متخاصم هر چه زودتر به آن پایان خواهند داد و از آن جلوگیری خواهند کرد.

بخش دوم
مقررات نهائی

مادهٔ ۱۳۳:

این قرارداد به فرانسه و انگلیسی تحریر شده و هر دو متن متساویاً معتبرند.

شورای متحدهٔ سویس ترجمهٔ رسمی آن را به زبان روسی و اسپانیولی تهیه خواهد کرد.

مادهٔ ۱۳۴:

این قرارداد در روابط بین دولتهای معظمهٔ متعاهد جانشین قرارداد مورخ بیست و هفتم ژوئیه ۱۹۲۹ خواهد بود.

مادهٔ ۱۳۵:

در روابط بین دولتهائی که به موجب قرارداد لاهه راجع به قوانین و رسوم جنگ زمینی متعهد و ملتزم می‌باشند خواه تعهد مزبور طبق قرارداد ۲۹ ژویه ۱۸۹۹ و خواه طبق قرارداد مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ باشد در صورتیکه دولتهای مزبور در این قرارداد شرکت کنند این قرارداد مکمل فصل دوم آئین‌نامهٔ پیوست قراردادهای مذکور لاهه خواهد بود.

مادهٔ ۱۳۶:

این قرارداد که به تاریخ امروز است ممکن است تا ۱۲ فوریه ۱۹۵۰ به نام دولت‌های عضو کنفرانس که در تاریخ ۲۱ آوریل ۱۹۴۹ در شهر ژنو شروع شده و هم‌چنین توسط دولی که در کنفرانس مزبور شرکت نکرده‌اند ولی در قرارداد مورخ ۲۷ ژویه ۱۹۲۹ شرکت دارند امضاء شود.

مادهٔ ۱۳۷:

این قرارداد هر چه زودتر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب آن به برن تسلیم خواهد شد.

در موقع تسلیم هر سند تصویب صورت مجلس تنظیم خواهد شد که یک نسخه مصدق آن توسط شورای متحدهٔ سویس به کلیهٔ دولی که قرارداد امضاء کرده یا الحاق خود را به آن اعلام نموده‌اند ارسال خواهد شد.

مادهٔ ۱۳۸:

این قرارداد ششماه پس از آنکه لااقل دو سند تصویب تسلیم شود اعتبار خواهد یافت.

بعداً برای هر دولت معظم متعاهد پس از ششماه از تاریخی که سند تصویب خود را تسلیم کند معتبر خواهد بود.

مادهٔ ۱۳۹:

این قرارداد به محض اینکه اعتبار یافت برای الحاق هر دولتی که آنرا امضاء نکرده باشد مفتوح خواهد بود.

مادهٔ ۱۴۰:

هر الحاق باید کتباً به شورای متحده سویس ابلاغ شود و ششماه پس از تاریخ وصول ابلاغ اعتبار خواهد یافت.

شورای متحدهٔ سویس الحاق‌ها را به دولی که قرارداد را امضاء یا الحاق خود را اعلام کرده‌اند اطلاع خواهد داد.

مادهٔ ۱۴۱:

به محض اینکه موقعیتهای مذکور در مواد ۲ و۳ پیش آید بلافاصله تصویبها و الحاقهائی که از طرف دول متخاصم قبل یا بعد از شروع مخاصمات یا اشغال تسلیم یا ابلاغ شده باشد رسمیت خواهد یافت. ابلاغ تصویب‌ها یا الحاق‌های واصله از دولت‌های متخاصم به توسط شورای متحدهٔ سویس به اسرع طرق صورت خواهد گرفت.

مادهٔ ۱۴۲:

هر یک از دول معظمهٔ متعاهد حق فسخ این قرارداد را دارد.

فسخ آن باید کتباً به شورای متحدهٔ سویس اطلاع داده شود و شورای نامبرده مراتب را به کلیهٔ دول معظمهٔ متعاهد ابلاغ خواهد کرد.

فسخ پس از یکسال از تاریخ ابلاغ آن به شورای متحده سویس رسمیت خواهد یافت ولی چنانچه دولت فسخ کننده در جنگی وارد باشد مادام که عهدنامه صلح منعقد نشده و در هر حال مادام که عملیات استخلاص و بازگشت اشخاص مورد حمایت این قرارداد پایان نیافته رسمیت نخواهد یافت.

فسخ فقط در بارهٔ فسخ کننده معتبر است و نسبت به تعهداتی که دولتهای متخاصم مکلفند به موجب اصول حقوق بشر ناشیه از رسوم مقرره بین ملل متمدن و قوانین انسانیت و مقتضیات وجدان عمومی اجرا نمایند بلااثر خواهد بود.

مادهٔ ۱۴۳:

شورای متحدهٔ سویس این قرارداد را در دبیرخانهٔ سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسانید. هم‌چنین هر تصویب یا الحاق یا فسخی که در مورد این قرارداد دریافت نماید به دبیرخانهٔ سازمان نامبرده اطلاع خواهد داد.

درتصدیق مراتب بالا امضاء کنندگان زیر که اعتبار نامه‌های خود را تسلیم نموده‌اند این قرارداد را امضاء کردند.

در شهر ژنو به تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به زبانهای فرانسه و انگلیسی تحریر شد. نسخهٔ اصلی در بایگانی کشور متحدهٔ سویس ضبط می‌شود شورای متحدهٔ سویس یک رونوشت مصدق قرارداد را به هریک از دولت‌های امضاء کننده و هم‌چنین به دولی که به این قرارداد ملحق شوند ارسال خواهند داشت.

۳۶:

موافقت‌نامه نمونه راجع به بازگشت مستقیم اسیران جنگی و بستری شدن آنان در بیمارستان‌های کشور بی‌طرف...

پیوست شمارهٔ ۱
موافقت‌نامهٔ نمونه راجع به بازگشت مستقیم اسیران جنگی و بستری شدن آنان در بیمارستان‌های کشور بیطرف[۱]

۱ - اصول مربوط به بازگشت مستقیم و بستری شدن در کشور بیطرف.

الف - بازگشت مستقیم به میهن

اشخاص ذیل مستقیماً به میهن خود اعاده خواهند شد:

۱ - کلیه اسیران جنگی که بر اثر جراحت دچار معلولیت‌های ذیل شوند:

فقدان یک عضو - فلج - ناتوانی مفاصل یا غیر مشروط به اینکه ناتوانی مزبور لااقل عبارت از فقدان یک‌دست یا یک‌پا و یا معادل فقدان یک‌دست یا یک‌پا باشد.

موارد ذیل معادل با فقدان یک‌دست یا یک‌پا تلقی می‌شود ولی ذکر این موارد نباید سبب شود که بر تعبیر و تفسیر وسیعتری درباره بند بالا لطمه وارد آید.

الف - فقدان دست - فقدان کلیه انگشتان - فقدان شست و سبابه یک‌دست - فقدان پا یا فقدان کلیه انگشتان و استخوانهای متارزین *Mêtarsiens* یک پا.

ب - اعوجاج استخوان - فقدان نسخ استخوانی - جمع شدن پوست بر اثر جراحت که موجب سلب عمل یکی از مفاصل عمده یا کلیه مفاصل یک دست شود.

---

۱ - به مادهٔ ۱۱۰ همین قرارداد مراجعه شود.

ج - پسودارتورز *Pseudarthrose* استخوان‌های بلند.

د - تغییر شکل ناشیه از شکستگی استخوان یا سانحهٔ دیگر که در نتیجه آن فعالیت یا استعداد حمل اشیاء سنگین فوق‌العاده تقلیل یافته باشد.

۲ - کلیه اسیران جنگی مجروح که وضع جراحت آنها طوری مزمن شده باشد که پیش‌بینی شود که مجروح مزبور با وجود معالجه در ظرف یکسال پس از تاریخ جراحت بهبودی نیابد. مثلاً مانند موارد ذیل:

الف - وجود قطعات گلوله در قلب ولو آنکه کمیسیون پزشکی مختلط در موقع معاینه اختلال مهمی مشاهده نکرده باشد.

ب - قطعات فلز در مغز یا ریه ولو آنکه کمیسیون پزشکی مختلط در موقع معاینه نتواند عکس‌العمل محلی یا عمومی مشاهده کند.

ج - استومینلیت *Ostéomynelite* که علاج آن در ظرف یکسال از تاریخ جراحت پیش بینی نشود و ظاهراً چنین معلوم باشد که به انکیلوز *Ankylose* یک مفصل باید اختلالات دیگری کـه معـادل فـقدان یک‌دست یا یک پا باشد منتهی خواهد شد.

د - جراحت نافذ و چرکین مفاصل بزرگ.

ه - جراحت جمجمه با فقدان یا تغییر مکان نسخ استخوانی.

و - جراحت یا سوختگی صورت با فقدان نسج و جراحات مربوطه به وظائف‌الاعضاء.

ز - جراحت نخاع شوکی.

ح - جراحت اعصاب محیطی که عواقب آن معادل فقدان یکدست یا یک‌پا باشد و علاج آن بیش از یکسال از تاریخ وقوع جراحت طول بکشد مانند جراحت *Plexusdrachiel* یا *Lombo Sacré* اعصاب وسطی یا سفاتیک و جراحت مشترک اعصاب ساعد و بازو و اعصاب مشترک ساق یـا فـخذ و غـیره = جراحت مجزای اعصاب ساعد * بازو ساق یا فخذ موجب بازگشت به میهن نخواهد بود مگر در صورت انقباضات یا اختلالات نوروتروفیک *Neurotrophique* مهم.

ط - جراحت جهات میز راه که عمل آن را شدیداً لطمه زده باشد.

۳ - کلیه اسیران جنگی بیمار که بیماری آنها طوری مزمن شده باشد که علاج آنها با وجود معالجه در ظرف یکسال از تاریخ شروع بیماری پیش‌بینی نشود مثلاً در موارد ذیل:

الف - سل متحول هر عضوی از بدن که طبق پیش‌بینی طبی نتوان به وسیلهٔ درمان در کشور بیطرف معالجه کرد یا لااقل بهبودی مهمی به آن بخشید.

ب - ذات الجنب چرکی.

ج - بیماریهای شدیدآلات تنفسی که ناشی از سل نبوده و غیر قابل علاج تصور شود مانند اتساع شدید مجاری ریه (با یا بدون برونشیت) تنگ نفس مزمن * برونشیت مزمن * که بیش از مدت یکسال اسارت طول بکشد - برونکتازی و غیره.

(* رأی کمسیون پزشکی مختلط بیشتر متکی به ملاحظات پزشک بازداشتگاه و پزشکان هم میهن اسیران جنگی و متکی به‌معاینه پزشکان متخصص متعلق به دولت بازداشت‌کننده خواهد بود).

د - بیماریهای مزمن و شدید دستگاه جریان خون از قبیل عوارض دریچه‌ها ومیوکارد * که در دوره اسارت علائم عدم جبران بروز داده باشد ولو آنکه کمیسیون مختلط در موقع معاینه علائم مزبور را نبیند - عوارض پریکارد و عروق (بیماری - بورگر *Bueruger* آنوریسم *Anévrisme* عروق بزرگ) و غیره.

هـ - عوارض مزمن شدید جهاز هاضمه از قبیل زخم معده یا قرحه اثنی عشره عواقب عمل جراحی معده که در دوره اسارت صورت گرفته باشد - گاستریت *Gastrite* آنتریت *Entérite* یا کولیت *Colite* مزمن که بیش از یکسال طول به کشد و وضع عمومی مزاج را قویاً مختل سازد - استسقای کبد - کله‌سیستوپاتی مزمن *Cholécystopathie* وغیره.

و - عوارض مزمن شدیدآلات تناسلی و میز راه از قبیل بیماریهای مزمن کلیه یا اختلالات ناشیه از آن - نفرکتومی *Néphrectomie* به علت سل یکی از کلیه‌ها - پیلیت *Pyélite* مزمن یا ضیق مجرای مزمن - هیدرویا پیونفروز *Hydro ou pyonéphrose* عوارض تناسلی شدید مزمن - بارداری و عوارض زایمان هنگامیکه بستری شدن درکشور بیطرف غیر مقدور باشد وغیره.

ز - بیماریهای مزمن و شدید دستگاه اعصاب مرکزی و محیطی از قبیل پسیکوزها یا پسیکونوروزهای مشهود.

Psyshoses ou Psychonévrosesma nifestes مانند صرع شدید و پسیکونوروز اسارت شدید و غیره که رسماً توسط یکنفر متخصص مشاهده شده باشد - هرگونه اپی لپسی *Epilepste* که رسماً توسط پزشک بازداشتگاه مشاهده شده باشد x - تصلب شرائین مغز - نوریت *Névrite* مزمن که بیش از یکسال طول بکشد و غیره.

ح - بیماریهای مزمن شدید دستگاه نوروژ تاتیف *Neurovégétatif* همراه با تقلیل عمده استعداد فکری یا جسمانی: تقلیل عمده وزن و تقلیل فعالیت عمومی.

ط - نابینائی دوچشم یا نابینائی یک چشم در حالی که دید چشم دیگر باوجود استعمال عینک اصلاحی کمتر از یک باشد - تقلیل دید که اصلاح آن لااقل در مورد یک چشم بقرار $\frac{۱}{۲}$ میسر نباشد * - سایر عوارض مهم چشم از قبیل گلوکوم، ایریتیس *Glaucome Iritis* و کلوروئیدیت *Chloroïdite* و تراخم و غیره.

ک - بیماریهای شدید متابولیسم از قبیل دیابت که مستلزم معالجه با انسولین باشد و غیره.

ل - عوارض شدید غدد ترشحی داخلی از قبیل تیرئوتوکسیکوز *Thyréotexicose* هیپوتیرئوز *Hypothiréose* - بیماری آدین *Addison* کارشکسی سیموندز *Cachexie de Simmonds* - تتانی *Tétanie* و غیره.

م - بیماریهای شدید و مزمن جهاز هماتوپویه‌تیک *Hématopoïétique*

س - بیماریهای شدید و مزمن از قبیل ساتورنیسم *Saturnisme* و هیدرار ژیریسم *Hydrargyrisme* و مسمومیت مرفین و کوکائین و الکلیسم و مسمومیت با گاز یا تشعشع و غیره.

ع - عوارض مزمن اعضاء محرکه با اختلالات عملی مشهود از قبیل آرتروزهای *Arthroses* تغییر شکل دهنده - پولیاتریت متحول مزمن درجهٔ اول و دوم *Polyerthrite* رماتیسم با مظاهر کلینیکی شدید وغیره.

ف - عوارض جلدی مزمن و شدید که در مقابل معالجه مقاومت کند.

ص - هرگونه نئوپلاسم خبیثه *Néoplasmemelin*

ق - بیماریهای عفونی مزمن شدید که پس از شروع تا مدت یکسال باقی می‌ماند از قبیل مالاریا با اختلالات عضوی بارز - اسهال خونی آمیبی یا باسیلی یا اختلالات عمده سیفلیس درجهٔ ۳ اعضاء حفره‌ای که در مقابل معالجه مقاومت کند - جذام و غیره.

ر- کمی ویتامین شدید یاکم بینه‌گی شدید.

ب - بستری شدن در بیمارستان درکشور بیطرف

اشخاص ذیل برای بستری شدن در بیمارستان درکشور بیطرف معرفی خواهند شد:

۱ - کلیهٔ اسیران جنگی مجروح که در اسارت قابل علاج نباشند ولی در صورت بستری شدن درکشور بیطرف بتوان آنها را معالجه نمود یا بهبودی مهمی به‌حالشان بخشید.

۲ - اسیران جنگی که مبتلا به هر نوع سل در هر عضو بدن باشند و معالجهٔ آنها درکشور بیطرف احتمالاً موجب علاج آنان خواهد شد به استثنای سل درجهٔ اول که قبل از اسارت معالجه شده باشد.

۳ - اسیران جنگی که مبتلا به هرگونه بیماری باشند که مستلزم معالجه یکی از اعضای جهاز تنفسی - دوران دم - هاضمه - اعصاب - احساس - تناسلی و میزراه - جلدی - محرکه و غیره باشد و معالجه آن ظاهراً درکشور بیطرف مؤثرتر از حالت اسارت باشد.

۴ - اسیران جنگی که در اسارت به علت درد کلیهٔ غیر سلی کلیهٔ آنها برداشته شده و یا مبتلا به اوستومیلیت *Ostéomyélitn* در حال علاج یا در حال کمون و یا مبتلا به دیابت قندی باشند که مستلزم معالجه با انسولین نباشد و غیره.

۵ - اسیران جنگی مبتلا به نوروز *Névrose* که بر اثر جنگ یا بر اثر اسارت پیدا شده باشد.

نوروزهای اسارتی که پس از سه ماه بستری شدن در بیمارستان کشور بیطرف معالجه نشود یا بعداز سه ماه بطور وضوح رو به بهبودی قطعی نرود مبتلایان آن به میهن خود اعاده خواهند شد.

۶ - کلیهٔ اسیران جنگی که مبتلا به مسمومیت مزمن شده باشند (گازها - فلزات - مواد غلیائی و غیره) و احتمال معالجهٔ آنها درکشور بیشتر باشد.

۷ - کلیهٔ اسیران جنگی از طائفهٔ نسوان که حامله یا تازه‌زا باشند به اتفاق کودکان شیرخوار و اطفال کوچک آنها.

اشخاص ذیل از بستری شدن در کشور بیطرف مستثنی خواهند بود:

۱ - کلیهٔ موارد پسیکوز *Psychose* که رسماً تشخیص شده باشد.

۲ - کلیهٔ بیماریهای عصبی عضوی یا حرکتی که عرفاً لاعلاج‌اند.

۳ - کلیهٔ بیماریهای واگیردار در دورهٔ واگیری به استثنای سل.

۲ - ملاحظات عمومی

۱ - شرایط معینه فوق باید بطور کلی در کمال سعه‌نظر تفسیر و اجرا شود.

حالات نوروپاتی وپسیکوپاتی *Etats névropathiques et psychopathiques* که بر اثر جنگ یا اسارت ظاهر شود باید مخصوصاً از این سعه‌نظر برخوردار شوند اسیران جنگی که چندین زخم برداشته‌اند و هیچ‌یک از آنها جداگانه مجوز اعاده به میهن نیست با توجه به حالت روحی آنها که ناشی از تعدد زخمهاست با همان سعه‌نظر مورد معاینه قرار خواهند گرفت.

۲ - کلیهٔ موارد غیر قابل تردیدی که حق اعادهٔ مستقیم به میهن می‌دهد (قطع یکی از اعضاء - نابینائی یا کری کامل - سل ریوی مفتوح - بیماری دماغی - نئوپلاسم خبیث و غیره) هرچه زودتر توسط پزشکان بازداشتگاه و کمیسیونهای اطبای نظامی که توسط دولت بازداشت کننده تعیین می‌شوند معاینه و به‌کشور خود بازگشت داده خواهند شد.

۳ - بیماریها یا زخمهای مربوط به قبل از جنگ که شدت نیافته باشند و همچنین زخمهای جنگ که مانع عودت به خدمت نظام نشده باشد سبب حق بازگشت به میهن نخواهد گردید.

۴ - مقررات حاضر در کلیهٔ دول متخاصم به‌یک نحو تفسیر و اجرا خواهد شد دولت‌ها و مقامات ذیربط کلیهٔ تسهیلات لازم را برای کمیسیونهای پزشکی مختلط در اجرای وظیفه خود فراهم خواهند ساخت.

۵ - مثالهای مذکور در قسمت (۱) فوق فقط به عنوان مورد نمونه ذکر گردیده است. کسانی که وضعشان کاملاً با این مقررات تطبیق نکند با روح مفاد مادهٔ ۱۱۰ این قرارداد و با اصول مندرج در این موافقت‌نامه مورد قضاوت قرار خواهند گرفت.

۳۷:
آئین‌نامهٔ کمیسیون‌های مختلط...

پیوست شمارهٔ ۲
آئین نامهٔ کمیسیون‌های پزشکی مختلط [1]

مادهٔ ۱:

کمیسیون‌های پزشکی مختلط مذکور در مادهٔ ۱۱۲ قرارداد مرکب از سه عضو خواهند بود که دو نفر از آنها متعلق به یک کشور بیطرف بوده و نفر سوم توسط دولت بازداشت‌کننده معین خواهد شد. ریاست کمیسیون با یکی از اعضای بیطرف خواهد بود.

مادهٔ ۲:

دو عضو بیطرف بر حسب تقاضای دولت بازداشت‌کننده توسط کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ با موافقت دولت حامی تعیین خواهند شد. محل اقامت آنها خواه در کشور خودشان خواه در کشور بیطرف دیگر و خواه در کشور بازداشت‌کننده باشد علی‌السویه است.

مادهٔ ۳:

اعضای بیطرف باید توسط دولت‌های متخاصم مورد پذیرش واقع شوند و دولتهای نامبرده موافقت خود را به کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ و دولت حامی اعلام خواهند داشت. به محض اعلام این موافقت انتصاب اعضای مزبور رسمیت خواهد یافت.

---

۱ - به مادهٔ ۱۱۲ همین قرارداد مراجعه شود.

مادهٔ ۴:

یک عده اعضای علی‌البدل نیز به تعداد کافی معلوم خواهند شد که در صورت لزوم جانشین اعضاء اصلی شوند. تعیین آنها با اعضاء اصلی یکجا و یالامحاله در اسرع وقت صورت خواهد گرفت.

مادهٔ ۵:

چنانچه کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ به علتی قادر به تعیین اعضاء بیطرف نباشد اعضاء مزبور توسط دولت حامی تعیین خواهند شد.

مادهٔ ٦:

حتی‌الامکان یکی از دو عضو بیطرف پزشک و دیگری جراح خواهد بود.

مادهٔ ۷:

اعضاء بیطرف در قبال دولت متخاصم از استقلال کامل برخوردار خواهندبود و دول مزبور باید همه گونه تسهیلات را برای اجرای وظیفهٔ آنان فراهم آورند.

مادهٔ ۸:

کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ با موافقت دولت بازداشت‌کننده در موقع انتصابات مذکور در مواد ۲ و ۴ این آئین‌نامه شرایط خدمت اشخاص ذینفع را تعیین خواهد نمود.

مادهٔ ۹:

همینکه پذیرش اعضاء بیطرف برسد کمیسیون‌های پزشکی مختلط هرچه زودتر و در هر حال در ظرف سه ماه از تاریخ پذیرش شروع بکار خواهند کرد.

مادهٔ ۱۰:

کمیسیون‌های پزشکی مختلط کلیهٔ اسیران موضوع مادهٔ ۱۱۳ قرارداد را معاینه و بازگشت آنها را به میهن یا استثناء از بازگشت و یا تعلیق بازگشت آنها را به معاینه ثانوی پیشنهاد خواهند کرد. رأی کمیسیون‌ها به اکثریت آراء خواهد بود.

مادهٔ ۱۱:

رأی کمیسیون در هر مورد به‌خصوص در ظرف یکماه از تاریخ معاینه به دولت بازداشت‌کننده و دولت حامی و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ ابلاغ خواهد شد بعلاوه کمیسیون پزشکی مختلط رأی متخذه در بارهٔ هر اسیری راکه معاینه نموده بخود او ابلاغ خواهد نمود و به کسانی که برای بازگشت به میهن پیشنهاد کرده گواهینامه طبق نمونه پیوست تسلیم خواهد کرد.

مادهٔ ۱۲:

دولت بازداشت‌کننده مکلف است آراء کمیسیون پزشکی مختلط را در ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ به موقع اجراء گذارد.

مادهٔ ۱۳:

در کشوری که فعالیت یک کمیسیون پزشکی مختلط مورد ضرورت است اگر پزشک بیطرف وجود نداشته باشد و اگر به علتی پزشکان بیطرف مقیم کشور دیگر میسر نباشد دولت بازداشت‌کننده با موافقت دولت حامی یک کمیسیون پزشکی تشکیل خواهد داد که همان وظایف کمیسیون پزشکی مختلط رابه‌استثنای مفاد مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۸ این آئین‌نامه انجام خواهد داد.

مادهٔ ۱۴:

کمیسیون‌های پزشکی مختلط به‌طور دائم انجام وظیفه خواهند کرد و هر بازداشتگاه را در فواصلی که کمتر از ششماه نباشد سرکشی خواهند کرد.

۳۸:
آئین‌نامهٔ اعانات دسته‌جمعی به اسیران جنگی...

پیوست شمارهٔ ۳

آئین نامه اعانات دسته جمعی به اسیران جنگی[۱]

مادهٔ ۱:

معتمدین اجازه خواهند داشت امانات محتوی اعانات دسته‌جمعی راکه ابوابجمع آنها می‌شود به کلیهٔ اسیرانی که از نظر اداری جزو بازداشتگاه آنها باشند به‌انضمام کسانی که در بیمارستان‌ها یا در زندان‌ها یا در سایر دارالتأدیب‌ها اقامت دارند تقسیم نمایند.

مادهٔ ۲:

تقسیم امانات محتوی اعانات دسته‌جمعی طبق دستور اهداکنندگان و موافق نقشه‌ای که معتمدین ترتیب خواهند داد صورت خواهد گرفت. لیکن تقسیم کمک‌های طبی مرجحاً با موافقت سرپزشکان انجام خواهد شد و سرپزشکان می‌توانند در بیمارستان‌ها و نقاهتخانه‌ها از دستور اهداءکنندگان تا حدی که حوائج بیماران ایجاب می‌نمایند تجاوز کنند. در حدودی که بدینطریق تعیین می‌شود تقسیم هدایا همواره به طرزی عادلانه صورت خواهد گرفت.

مادهٔ ۳:

برای رسیدگی کم وکیف کالاهای رسیده و تهیهٔ گزارش مبسوطی دربارهٔ آن جهت اهداءکنندگان معتمدین و معاونین آنها اجازه خواهند یافت به‌محل‌های ورود امانات که نزدیک به بازداشتگاه باشد بروند.

---

۱ - به مادهٔ ۷۳ همین قرارداد مراجعه شود.

مادهٔ ۴:

به معتمدین تسهیلات لازم داده خواهد شد که رسیدگی و معلوم نمایند آیا تقسیم اعانات دسته‌جمعی در کلیهٔ تقسیمات و ملحقات بازداشتگاه طبق دستورشان انجام گرفته یا خیر.

مادهٔ ۵:

معتمدین اجازه خواهند داشت نمونه‌ها یا پرسشنامه‌هائی مربوط به اعانات دسته‌جمعی (تقسیم - احتیاجات - مقادیر وغیره) برای ارسال به اهداءکنندگان پر کنند یا به توسط معتمدین دسته‌های کار یا توسط سرپزشکان بیمارستان‌ها و نقاهتخانه‌ها پر کنند. این نمونه‌ها یا پرسش‌نامه‌ها بدون فوت وقت برای اهداءکنندگان ارسال خواهد شد.

مادهٔ ٦:

محض تأمین تقسیم منظم اعانات دسته‌جمعی بین اسیران جنگی بازداشتگاه و احیاناً به منظور تأمین احتیاجاتی که با ورود دسته‌های جدید اسیران جنگی پیش خواهد آمد معتمدین می‌توانند از اعانات دسته‌جمعی مقدار ذخیره ترتیب دهند و نگاهدارند - برای این منظور انبارهای متناسب در اختیار آنان گذاشته خواهد شد. هر انباری دو قفل خواهد داشت که کلید یکی نزد معتمد و کلید دیگری نزد فرمانده بازداشتگاه خواهد بود.

مادهٔ ۷:

در صورت وصول ملبوس، هر اسیر جنگی لااقل مالکیت یک‌دست لباس کامل را حفظ خواهد کرد. چنانچه یک‌نفر اسیر بیش از یک‌دست لباس داشته باشد معتمد بازداشتگاه مجاز خواهد بود از کسانی که سهم بیشتری دارند ملبوس زیادی یا بعضی قطعات را که تعداد آن اضافه بر واحد باشد بگیرد و این در صورتی است که چنین اقداماتی برای رفع احتیاجات اسیران جنگی محروم‌تر ضروری باشد.

معهذا زیرپوش و جوراب و کفش اضافی را که مازاد آن منحصر به یک‌دست یا یک جفت اضافی باشد نمی‌توان گرفت مگر در صورتیکه هیچ وسیلهٔ دیگری برای تهیهٔ این اشیاء جهت اسیر محروم دیگری موجود نباشد.

مادهٔ ۸:

دول معظمهٔ متعاهد و بالاخص دول بازداشت‌کننده هر نوع خریداری را به حداکثر امکان و یا به میزان مقررات مربوط به‌خواربار عمومی در خاک خود به منظور تقسیم اعانات مشترک به اسیران جنگی اجازه خواهند داد. هم‌چنین انتقال وجوه و اقدامات مالی و فنی و اداری را که برای خریدهای مزبور می‌شود تسهیل خواهند کرد.

مادهٔ ۹:

مقررات فوق با حق اسیران جنگی نسبت به دریافت اعانات دسته‌جمعی قبل از ورود به‌بازداشتگاه یا در حین انتقال و هم‌چنین با حق نمایندگان دول حامی و نمایندگان کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ یا هر دستگاه

تعاونی دیگر که ایصال این اعانات و تقسیم آنها را بین ذوی‌الحقوق به هر طریق مقتضی عهده‌دار گردند مانعةالجمع نیست.

پیوست شمارهٔ ۴

الف ـ کارت هویت[1]

اثر انگشتان (اختیاری): سبابهٔ راست — سبابهٔ چپ

قد	وزن	چشم	مو

نوع خون ....
مذهب ....

مهر مقام صادر کنندهٔ کارت

اخطار

این کارت هویت به اشخاصی داده می‌شود که همراه نیروهای مسلح .... اند بی آنکه مستقیماً جزو آن باشند:
باید در هر موقع نزد صاحب آن باشد. چنانچه صاحب آن اسیر جنگی شود این کارت را به مقامات دستگیر کننده ارائه خواهد داد تا هویتش معلوم گردد.

تعیین کشور و مقام نظامی صادر کنندهٔ کارت

کارت هویت

عکس
صاحب کارت

برای اشخاصیکه همراه نیروهای مسلحند

نام ....

نام خانوادگی ....

تاریخ و محل تولد..

با سمت ....همراه نیروهای مسلح است

امضای گیرنده .... تاریخ صدور کارت ....

تبصره – بهتر است این کارت به دو یا سه زبان که یکی از آنها بین‌المللی باشد تهیه گردد. این کارت از وسط از محلی‌که نقطه چین شده تا می‌شود و اندازهٔ قطعی آن ۱۳×۱۰ سانتی متر است.

---

۱ – به مادهٔ ۴ همین قرارداد مراجعه شود

پیوست شمارهٔ ۴

ب ـ کارت اسارت[۱]

باحروف درشت و خوانا نوشته شود ۱ - دولت متبوع اسیر..........................

۲ - نام خانوادگی ۳ - نام کوچک (بتمام حروف) ۴ - نام کوچک پدر

....

۵ - تاریخ تولد .... ۶ - محل تولد ....

۷ - درجه ....

۸ - شماره ....

۹ - آدرس خانواده ....

۱۰ - تاریخ اسارت (یا) از (بازداشتگاه شمارهٔ - بیمارستان وغیره) محلی که آمده ....

۱۱ - الف - سلامت کامل. ب - مجروح نیست. ج - معالجه شده. د - درحال نقاهت

هـ - بیمار. و - جراحت مختصر. ز - جراحت شدید.

۱۲ - آدرس فعلی اینجانب: شمارهٔ اسیری ....

نام بازداشتگاه ....

۱۳ - تاریخ .... ۱۴ - امضاء ....

قسمت‌های زائد حذف شود. به این مطالب نباید چیزی اضافه کرد. رجوع شود به توضیحات ظهر ورقه

پست اسیران جنگی **کارت دستگیری اسیران جنگی** پست مجانی

آژانس مرکزی
اسیران جنگی
کمیتهٔ بین‌المللی
صلیب سرخ

توضیح مهم

این کارت باید بلافاصله پس از دستگیری هر اسیر جنگی یا هر وقت که آدرسش عوض می‌شود و به بیمارستان یا بازداشتگاه دیگری انتقال می‌یابد توسط اسیر جنگی پر شود این کارت غیر از کارت مخصوصی است که اسیر جنگی حق دارد برای خانواده خود بفرستد.

تبصره - این نمونه باید به دو یا سه زبان منجمله به زبان اسیر جنگی و زبان دولت بازداشت‌کننده تهیه شود قطع حقیقی آن ۱۵×۱۰/۵ سانتی‌متر است.

---

۱ - به مادهٔ ۷۰ همین قرارداد مراجعه شود.

پیوست شمارهٔ ۴

ج - کارت و نامهٔ مخصوص مکاتبات[1]

۱ - کارت

کارت پستال — **مکاتبات اسیران جنگی** — پست مجانی

فرستنده

نام و نام خانوادگی

....

تاریخ و محل تولد

....

شمارهٔ اسیر

....

نام بازداشتگاه

....

کشور مبدأ

....

گیرنده

....

....

مقصد

....

خیابان..

کشور..

استان..

تاریخ:

....

....

....

....

....

....

....

....

فقط روی سطور و خیلی خوانا نوشته شود.

تبصره - این نمونه باید به دو یا سه زبان منجمله به زبان مادری اسیر جنگی و زبان کشور بازداشت‌کننده تهیه شود. قطع واقعی آن ۱۵×۱۰ سانتی‌متر است.

---

۱ - به مادهٔ ۷۱ همین قرارداد مراجعه شود.

پیوست شماره ۴

ج - کارت و نامهٔ مخصوص مکاتبات[1]

۲ - نامه

مکاتبات اسیران جنگی

پست مجانی

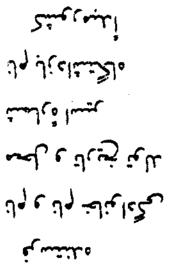
عنوان ....

مقصد ....

خیابان ....

کشور ....

استان ....



....

....

....

....

++++++++++++++++++++++

....

تبصره – این نمونه باید به دو یا سه زبان منجمله زبان مادری اسیر و زبان کشور بازداشت‌کننده تهیه شود. از محل نقطه چین تا می‌شود و زبانه آن در شکاف (++++++) وارد می‌گردد.

آنوقت تمام ورقه بصورت پاکتی در می‌آید. ظهر این ورقه که مثل کارت پستال خط‌کشی شده (رجوع شود بشمارهٔ ۱ قسمت ج پیوست شمارهٔ ۴) مخصوص مکاتبات اسیر جنگی است و محتوی تقریباً در حدود ۲۵۰ کلمه خواهد بود. قطع واقعی این برگ بی‌آنکه تا شده باشد ۲۵×۱۵ سانتی‌متر است.

---

۱ - به مادهٔ ۷۱ همین قرارداد مراجعه شود.

پیوست شمارهٔ ۴

د ـ آگهی فوت [1]

آگهی فوت	دولت متبوع اسیر متوفی
(نام مقام ذیصلاحیت)	....
نام ونام خانوادگی	....
نام کوچک پدر	....
محل و تاریخ تولد	....
محل و تاریخ فوت	....
درجه و شماره (شماره پلاک هویت)	....
آدرس خانواده	....
کجا وکی اسیر شده	....
علت و کیفات فوت	....
محل دفن	....
آیا قبر علامت دارد و خانوادهٔ متوفی می‌توانند بعداً آنرا پیدا کنند؟ اشیاء متوفی توسط دولت بازداشت‌کننده نگاهداری شده یا به انضمام این آگهی ارسال شده. اگر ارسال شده به چه وسیله بوده؟. آیا شخصی که هنگام بیماری متوفی یا دم آخر حاضر بوده (پزشک - کشیش - رفیق اسارت) می‌تواند در این ورقه یا پیوست توضیحاتی در باب دم آخر و دفن متوفی بدهد.	....
تاریخ و مهر و امضاء مقام ذیصلاحیت	امضاء و نشانی دو نفر شاهد
....	....

تبصره - این نمونه آگهی باید به دو یا سه زبان من‌جمله بزبان مادری اسیر جنگی و زبان دولت بازداشت‌کننده تهیه می‌شود. قطع واقعی آن ۲۱×۳۰ سانتی‌متر است.

---

۱ - به مادهٔ ۱۲ همین قرارداد مراجعه شود.

پیوست شمارهٔ ۴
هـ- گواهی بازگشت به میهن [۱]
گواهینامهٔ بازگشت به میهن

تاریخ:

بازداشتگاه.

بیمارستان.

نام:

نام خانوادگی:

تاریخ تولد:

درجه:

شمارهٔ نظامی:

شمارهٔ اسیر:

جراحت - بیماری:

رأی کمیسیون:

رئیس کمیسیون پزشکی مختلط:

الف - بازگشت مستقیم به میهن.

ب - بستری شدن در کشور بیطرف.

ک - ب - معاینهٔ مجدد در کمیسیون بعدی.

---

۱ - به پیوست ۲ مراجعه شود.

۳۹:

آئین‌نامه نمونه راجع به حواله‌های ارسالی توسط اسیران جنگی به کشور خودشان...

پیوست شمارهٔ ۵
آئین‌نامهٔ نمونه راجع به حواله‌های ارسالی توسط اسیران جنگی به کشور خودشان[1]

۱ - آگهی مذکور در بند سوم از مادهٔ ۶۳ حاوی اطلاعات ذیل خواهد بود:

الف - شمارهٔ نظامی مذکور در مادهٔ ۱۷ - درجه - نام و نام خانوادگی اسیر جنگی فرستنده. حواله.

ب - نام و نشانی گیرندهٔ حواله در کشور مقصد.

ج - ذکر مبلغی که باید پرداخت شود به پول کشور بازداشت‌کننده.

۲ - این آگهی به امضای اسیر جنگی خواهد رسید. چنانچه بی‌سواد باشد علامتی در این ورقه خواهد گذاشت و علامت مزبور توسط یک‌نفر شاهد گواهی خواهد شد. معتمد نیز این آگهی را امضاء خواهد کرد.

۳ - فرمانده بازداشتگاه گواهینامه‌ای به این آگهی پیوست و گواهی خواهد کرد که موجودی بستانکار حساب اسیر جنگی ذیربط کمتر از مبلغ حواله نیست.

۴ - این آگهی‌ها ممکن است به صورت فهرست هم تنظیم شود و هر برگ فهرست‌های مزبور توسط معتمد گواهی و امضاء و صحت آن توسط فرماندهٔ بازداشتگاه تصدیق خواهد شد.

---

۱ - به مادهٔ ۶۳ همین قرارداد مراجعه شود.

٤٠:

قرارداد ژنو راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ...

قرارداد راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ
مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹

امضاء کنندگان زیر نمایندگان مختار دولت‌های شرکت کننده در کنفرانس سیاسی که در شهر ژنو از تاریخ ۲۱ آوریل تا ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به منظور تهیهٔ قراردادی برای حمایت افراد کشوری در زمان جنگ تشکیل گردیده نسبت به مسائل ذیل موافقت حاصل نمودند:

باب اول
مقررات عمومی

مادهٔ ۱:

دولت‌های معظمهٔ متعاهد تعهد می‌نمایند که این قرارداد را در همهٔ احوال محترم شمرده و اتباع خود را به احترام آن وادارند.

مادهٔ ۲:

علاوه بر مقرراتی که باید در زمان صلح به موقع اجرا گذاشته شود این قرارداد در صورت وقوع جنگی که رسماً اعلان شده باشد یا هر گونه نزاع مسلحانه که بین دو یا چند دولت معظم متعاهد بروز کند اجرا خواهد شد ولو آنکه یکی از دول مزبور وجود وضع جنگی را تصدیق نکند.

این قرارداد دربارهٔ هر گونه موارد اشغال تمام یا قسمتی از خاک یکی از دول معظمهٔ متعاهد نیز معتبر است ولو آنکه اشغال مزبور با هیچگونه مقاومت نظامی مواجه نشده باشد.

چنانچه یکی از دول داخل در جنگ عضو این قرارداد نباشد دولت‌های عضو معذلک در روابط متقابل خود تابع این قرارداد خواهند بود و اگر آن دولت این قرارداد را قبول و مقررات آن را اجرا کند در مقابل او نیز ملزم به اجرای این قرارداد خواهند بود.

مادهٔ ۳:

چنانچه نزاع مسلحانه جنبهٔ بین‌المللی نداشته باشد و در خاک یکی از دول معظمهٔ متعاهد روی دهد هر یک از دول داخل در جنگ مکلفند لااقل مقررات زیر را اجرا نمایند:

۱ - با کسانیکه مستقیماً در جنگ شرکت ندارند به انضمام افراد نیروهای مسلحی که اسلحه به زمین گذاشته باشند یا کسانیکه بعلت بیماری یا زخم یا بازداشت و یا به هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند باید در همه احوال بدون هیچ‌گونه تبعیض نامساعد ناشیه از نژاد - رنگ - مذهب - عقیده - جنس - اصل و نسب و یا ثروت یا هر علت مشابه آن با اصول انسانیت رفتار شود.

اعمال ذیل در مورد اشخاص بالا در هر زمان و در هر مکان ممنوع است و خواهد بود:

الف - لطمه به حیات و تمامیت بدنی منجمله قتل به تمام اشکال آن - زخم زدن رفتار بیرحمانه - شکنجه و آزار.

ب - اخذ گروگان.

ج - لطمه به حیثیت اشخاص منجمله تحقیر و تخفیف.

د - محکومیت و اعدام بدون حکم قبلی دادگاهی که صحیحاً تشکل شده و جامع تضمینات قضائی که ملل متمدن ضروری می‌دانند باشد.

۲ - زخمداران و بیماران جمع آوری و تحت معالجه قرار خواهند گرفت.

یکدستگاه نوعپروری بیطرف مانند کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند خدمات خود را بدولت‌های داخل در جنگ عرضه دارد.

دولت‌های داخل در جنگ نیز در سهم خود سعی خواهند کرد تمام یا قسمتی از سایر مقررات این قرارداد را به موجب موافقت‌نامه‌های اختصاصی به موقع اجرا گذارند اجرای مقررات فوق اثری در وضع حقوقی متخاصمین نخواهد داشت.

مادهٔ ۴:

اشخاصی که در هر موقع و به هر شکل در موقع جنگ یا اشغال به دست دولت داخل در جنگ یا دولت اشغال کننده غیر از دولت متبوع خود می‌افتند تحت حمایت این قراردادند.

اتباع دولتی که وابسته به این قرارداد نباشد تحت حمایت این قرارداد نیستند اتباع یک دولت بیطرف که در خاک یک دولت داخل در جنگ باشند و اتباع یک دولت هم‌صف در جنگ مادام که دولت متبوع آنان نمایندگی سیاسی عادی نزد دولت بازداشت‌کننده آنان دارد مشمول حمایت این قرارداد شمرده نخواهند شد.

معهذا مقررات باب اول میدان اجرای وسیعتری دارند که در مادهٔ ۱۳ تشریح شده است.

اشخاص مورد حمایت قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ درباب معامله با اسیران جنگی به مفهوم این قرارداد مورد حمایت شمرده نمی‌شوند.

مادهٔ ۵:

چنانچه یک دولت داخل در جنگ دلایل جدی داشته باشد که شخصی که تحت حمایت این قرارداد است در خاک آن دولت انفراداً مورد سوء ظن قانونی است که به فعالیت‌های مضر به امنیت دولت دست می‌زند و یا در صورتیکه مسلم شود که واقعاً به این نوع فعالیت مشغول است شخص مزبور نمی‌تواند به حقوق و امتیازات حاصله از این قرارداد که در صورت اجرا درباره او ممکن است به امنیت دولت لطمه وارد آورد متشبث گردد.

چنانچه در یک خاک اشغال شده شخصی که مورد حمایت این قرارداد است به عنوان جاسوس یا خرابکار یا به علت اینکه انفراداً مورد سوء ظن قانونی از حیث اعمال فعالیت مضر به امنیت دولت اشغال کننده است دستگیر شود شخص مزبور را ممکن است در صورتیکه امنیت نظامی قطعاً ایجاب کند از حقوق ارتباط که به موجب این قرارداد پیش‌بینی شده است محروم ساخت.

معهذا در هر یک از این موارد با اشخاص موضوع بندهای سابق با انسانیت رفتار خواهد شد و از حق دادرسی عادلانه و منظم به نحوی که در این قرارداد پیش‌بینی شده محروم نخواهند گردید.

بعلاوه در نزدیکترین تاریخ ممکنه که امنیت مملکت یا امنیت دولت اشغال کننده بر حسب مورد اجازه دهد استفاده از کلیه حقوق و مزایای اشخاص مورد حمایت را به مفهوم این قرارداد باز خواهند یافت.

مادهٔ ٦:

این قرارداد از بدو هر جنگ یا اشغال مذکور در مادهٔ ۲ به موقع اجراء گذاشته خواهد شد.

اجرای این قرارداد در خاک دول متخاصم هنگام ختم عمومی عملیات نظامی قطع خواهد شد.

در اراضی اشغالی اجرای این قرارداد یک سال پس از ختم عمومی عملیات نظامی قطع خواهد گردید معهذا دولت اشغال کننده در تمام مدت اشغال تا میزانی که دولت مزبور وظایف حکومت را در اراضی مزبور انجام می‌دهد وابسته به مواد مشروحهٔ ذیل از این قرارداد خواهد بود:

مواد ۱ تا ۱۲ - ۲۷ - ۲۹ - تا ۳۴ - ۴۷ - ۴۹ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ - ۵۹ - ۶۱ تا ۷۷ و ۱۴۳.

اشخاص مورد حمایت که استخلاص یا بازگشت آنها به میهن یا استقرار آنها بعد از مواعد مذکور صورت گیرد در مدت فاصلهٔ فیمابین مشمول مزایای این قرارداد خواهند بود.

مادهٔ ۷:

علاوه بر موافقتنامه‌هائی که بالصراحه در مواد ۱۱ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۷ و ۳۶ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۳۲ و ۱۳۳ پیش‌بینی شده دولت‌های معظمه متعاهد می‌توانندموافقت‌نامه‌های اختصاصی راجع به کلیهٔ مسائلی که حل آن را اختصاصاً مقتضی بدانند منعقد سازند. هیچیک از موافقت‌نامه‌های اختصاصی مزبور نمی‌تواند به

وضع اشخاص مورد حمایت به نحوی که به موجب این قرارداد معین شده لطمه بزند یا حقوقی را که این قرارداد به آنان اعطاء نموده تقلیل دهد. اشخاص مورد حمایت در تمام مدتی که مشمول این قراردادند از مزایای موافقت‌نامه‌های مزبور برخوردار خواهند شد مگر آنکه در آن موافقتنامه‌ها یا موافقت‌نامه‌های بعدی صریحاً خلاف آن مقرر شده باشد و یا در صورتیکه یکی از دول متخاصم اقدامات مساعدتری دربارهٔ آنان اتخاذ کرده باشد.

مادهٔ ۸:

اشخاص مورد حمایت نمی‌توانند در هیچ موردی از یک قسمت یا از تمام حقوقی که این قرارداد یا احیاناً موافقت‌نامه‌های مخصوص مذکور در مادهٔ قبل به آنان اعطا کرده صرفنظر نمایند.

مادهٔ ۹:

این قرارداد با معاضدت و تحت نظارت دول حامی که عهده‌دار حفظ منافع دول متخاصمند به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. برای این منظور دول حامی می‌توانند علاوه بر مأمورین سیاسی یا کنسولی خود نمایندگانی از بین اتباع خود یا از بین اتباع دول بیطرف دیگر تعیین نمایند. نمایندگان مذکور باید مورد پذیرش دولتی که نزد آن انجام وظیفه خواهند کرد واقع شوند.

دول متخاصم به وسیعترین وجهی در انجام وظیفه مأمورین یا نمایندگان دول حامی تسهیل خواهند کرد.

مأمورین یا نمایندگان دول حامی نباید در هیچ موردی از حدود وظائف خود به نحوی که از این قرارداد مستفاد می‌شود تجاوز کنند و مخصوصاً باید ضروریات عالیهٔ امنیت دولتی را که نزد آن انجام وظیفه می‌کنند رعایت نمایند.

مادهٔ ۱۰:

مقررات این قرارداد با فعالیت‌های نوعپرورانه‌ای که کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ یا هر دستگاه بشردوست بیطرف دیگر برای حمایت اسیران جنگی و کمک به آنان با موافقت دولت‌های متخاصم مربوطه به عمل آورد مانعةالجمع نخواهد بود.

مادهٔ ۱۱:

دولت‌های متعاهد می‌توانند در هر موقع بین خود توافق نمایند که وظائفی را که به موجب این قرارداد به دول حامی محول است به یک دستگاه بین‌المللی که جامع کلیهٔ تضمینات بیطرفی و کارآمدی باشد محول سازند.

چنانچه بعضی از اشخاص مورد حمایت به علتی از فعالیت یک دولت حامی یا یک دستگاه که در بند اول این ماده تعریف شده بهره‌مند نباشند یا بهره‌مند بوده و دیگر استفاده نکنند دولت بازداشت‌کننده باید خواه از یک دولت بیطرف و خواه از یکی از دستگاه‌های مذکور تقاضا کند وظائفی را که به موجب این قرارداد به عهدهٔ دول حامی که از طرف دولت‌های متخاصم تعیین می‌شوند محول است بر عهده گیرند.

چنانچه تأمین حمایت بدین طریق مقدور نباشد دولت بازداشت‌کننده باید از یکدستگاه نوعپروری مانند کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ تقاضا کند وظائف نوع پرورانه را که به موجب این قرارداد به عهدهٔ دول حامی محول است عهده‌دار گردد و باید با قید مقررات این ماده خدماتی را که از طرف چنین دستگاهی عرضه می‌شود بپذیرد.

هر دولت بیطرف یا هر دستگاهی که برای مقاصد بالا توسط دول ذیربط دعوت می‌شود یا خدمات خود را عرضه می‌دارد باید در فعالیت خود متوجهٔ مسئولیت خویش در قبال دولت متخاصم متبوع اشخاص مورد حمایت این قرارداد بوده و تضمینات کافی بدهد که قادر است وظایف مزبور را تأمین نماید و بیطرفانه انجام دهد.

تخلف از مقررات فوق به اتکاء هیچ موافقت‌نامه اختصاصی بین دولت‌ها که یکی از آنها ولو به طور موقت به علت وقایع نظامی منجمله در صورت اشغال تمام یا قسمت مهمی از خاک خود در قبال دولت دیگر یا در قبال متحدین خود از حیث آزادی مذاکرات محدود شده باشد مجاز نیست.

در هر جا که در این قرارداد عنوان دولت حامی ذکر شده عنوان مزبور شامل دستگاههائی که به منطوق این ماده جانشین دولت حامی هستند نیز می‌باشد.

مقررات این ماده دربارهٔ اتباع دولت بیطرفی که در خاک اشغالی باشند یا در خاک دولت متخاصمی باشند که دولت متبوع آنان نمایندگی سیاسی عادی نزد آن دولت نداشته باشد نیز بسط خواهد یافت و شامل آنان نیز خواهد بود.

مادهٔ ۱۲:

دولت‌های حامی در کلیهٔ مواردی که از لحاظ منافع اشخاص مورد حمایت مفید بدانند منجمله در صورت بروز اختلاف بین دول متخاصم در باب اجرا یا تفسیر مقررات این قرارداد در حل اختلاف وساطت خواهند کرد.

برای این منظور هر یک از دول حامی می‌تواند بنابر دعوت یک طرف متخاصم یا رأساً به دولت‌های متخاصم پیشنهاد کند که مجلسی از نمایندگان خود و مخصوصاً از مقامات مسئول سرنوشت اشخاص مورد حمایت احیاناً در خاک بیطرفی که به مناسبت انتخاب شده باشد تشکیل دهند. دولت‌های متخاصم مکلفند به پیشنهادهائی که در این زمینه دریافت می‌دارند ترتیب اثر دهند. دول حامی می‌توانند عندالاقتضاء یکی از شخصیت‌های یک دولت بیطرف یا شخصیتی را که طرف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به نمایندگی معین شده باشد برای شرکت در مجلس مزبور جهت تصویب دول متخاصم پیشنهاد نمایند.

باب دوم
حمایت کلی اهالی در مقابل بعضی اثرات جنگ

مادهٔ ۱۳:

مقررات این ماده ناظر بر مجموع اهالی کشورهای داخل در جنگ است بدون هیچ تبعیض نامساعد منجمله از حیث‌نژاد و ملیت و مذهب و عقیدهٔ‌سیاسی و منظور از آن تخفیف مصائبی است که از جنگ تولید می‌شود.

مادهٔ ۱۴:

دول متعاهد در زمان صلح و دول متخاصم پس از شروع جنگ می‌توانند در خاک خود و در صورت لزوم در اراضی اشغالی نواحی و نقاط بهداری و امینت ایجاد و تشکیلات آن را طوری بدهند که زخمداران و بیماران و معلولین و پیران و اطفال کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار و ماداران اطفال کمتر از هفت سال را از اثرات جنگ پناه دهند.

دول ذیربط می‌توانند به محض شروع جنگ و در حین جنگ بین خود موافقتنامه‌هائی برای شناسائی نقاط و مناطقی که دایر ساخته‌اند منعقد نمایند برای این منظور ممکن است طرح موافقت‌نامه پیوست این قرارداد را با تغییراتی که لازم بدانند به موقع اجراء گذارند.

از دول حامی و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ دعوت می‌شود که برای تسهیل ایجاد و شناسائی نقاط و نواحی مزبور وساطت و کمک نمایند.

مادهٔ ۱۵:

هر دولت داخل در جنگ می‌تواند خواه مستقیماً خواه به توسط یک دولت بیطرف یا یک دستگاه نوعپروری بطرف مقابل خود پیشنهاد نماید در نواحی که جنگ در جریان است نواحی بیطرفی دایر گردد که اشخاص ذیل را بدون هیچگونه تفاوتی از مخاطرات جنگ پناه دهد.

الف - زخمداران و بیماران جنگ‌جو یا غیر جنگ‌جو.

ب - اشخاص کشوری که در جنگ شرکت ندارند و در مدت اقامت خود در نواحی مزبور به هیچ کاری که جنبهٔ نظامی داشته باشد اشتغال نمی‌ورزند.

به محض اینکه دول متخاصم نسبت به موقعیت جغرافیائی و طرز اداره و تهیه خوار بار و نظارت منطقهٔ بیطرف به منظور فوق توافق نمودند موافقتنامه‌ای کتباً تنظیم و به امضای نمایندگان متخاصمین خواهد رسید.

در موافقت‌نامه مزبور تاریخ شروع بیطرفی منطقه و مدت بیطرفی معین خواهد شد.

مادهٔ ۱۶:

زخمداران و بیماران و همچنین معلولین و زنان باردار مورد حمایت و احترام خاص قرار خواهند گرفت.

تا میزانی که مقتضیات نظامی اجازه دهد هر دولت داخل در جنگ در اقدامات مربوط به جستجوی مقتولین و زخمداران و کمک به غریقان و سایر اشخاصی که در معرض خطر مهمی هستند و همچنین در اقدامات مربوط به حفظ آنان از غارت و بدرفتاری تسهیل خواهند کرد.

مادهٔ ۱۷:

دول متخاصم سعی خواهند کرد که برای تخلیهٔ بیماران و زخمداران و معلولین و پیران و زنان تازه‌زا از نواحی محاصره و همچنین برای عبور روحانیون همه مذاهب و کارکنان و لوازم بهداری به مقصد آن نواحی قرارنامه‌های محلی بین خود منعقد سازند.

مادهٔ ۱۸:

بیمارستانهای کشوری که برای پرستاری زخمداران و بیماران و معلولین و زنان تازه‌زا تشکیل می‌شوند در هیچ موردی نباید طرف حمله قرار گیرند بلکه در هر زمان باید توسط دول متخاصم محترم شمرده و حمایت شوند.

دولت‌های داخل در جنگ باید به کلیهٔ بیمارستانهای کشوری سندی بدهند که جنبهٔ آنها از حیث بیمارستان کشوری گواهی کند و معلوم نماید که ابنیهٔ محل بیمارستانهای مزبور برای مقاصدی که به مفهوم مادهٔ ۱۹ ممکن است آنها را از حمایت محروم سازد مورد استفاده نیست.

بیمارستانهای کشوری در صورتیکه اجازهٔ استعمال علامت از دولت داشته باشند به وسیلهٔ علامت مذکور در مادهٔ ۳۸ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران هنگام اردوکشی نشان داده خواهند شد.

دول متخاصم تا حدی که مقتضیات نظامی اجازه دهد اقدامات لازم به عمل خواهند آورد که علائم مشخصهٔ بیمارستانهای کشوری برای نیروهای زمینی و هوائی و دریائی دشمن به طور وضوح مرئی باشند تا امکان هر گونه حمله‌ای رفع شود.

نظر به خطراتی که ممکن است مجاورت با هدف‌های نظامی متوجه بیمارستانها نماید اقتضاء خواهد داشت مراقبت شود که بیمارستانها حتی‌الامکان از هدفهای نظامی دور باشند.

مادهٔ ۱۹:

حمایت بیمارستانها نباید قطع شود مگر در صورتیکه از حمایت مزبور گذشته از مقاصد نوعپرورانه برای ارتکاب اعمالی که جهت دشمن مضر باشد استفاده شود. معهذا این حمایت قطع نخواهد شد مگر پس از آنکه اخطاری با ضرب‌الاجل در کلیهٔ موارد مقتضی شده باشد و به آن ترتیب اثر نداده باشند.

اینکه در بیمارستانهای مزبور زخمداران و بیماران نظامی معالجه شوند و یا اسلحه دستی و مهماتی که از آنان گرفته شده و هنوز به ادارهٔ مربوطه تحویل نشده در آنجا یافت شود در حکم اعمال مضره شمرده نخواهد شد.

مادهٔ ۲۰:

کارکنانیکه منظماً و منحصراً مأمور امور و ادارهٔ بیمارستانهای کشوری می‌شوند به انضمام کسانی که مأمور جستجو و برداشتن و حمل و معالجهٔ زخمداران و بیماران کشوری و معلولین و زنان تازه‌زا می‌باشند محترم شمرده و حمایت خواهند شد.

کارکنان مزبور در اراضی اشغالی و مناطق عملیات نظامی به وسیلهٔ کارت هویتی که سمت صاحب کارت را تصدیق کند و دارای عکس صاحب کارت و مهر منگنهٔ مقام مسئول باشد معرفی خواهند گردید و در موقع خدمت به وسیلهٔ بازوبندی که مهر شده و رطوبت در آن اثر نکند و به بازوی چپ نصب گردد شناخته خواهند شد. بازوبند مزبور توسط دولت داده خواهد شد و دارای علامت مذکور در مادهٔ ۳۸ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی خواهد بود.

هر نوع کارمند دیگر که مأمور اداره و امور بیمارستانهای کشوری باشند محترم شمرده خواهند شد و در حین انجام وظیفه حق حمل بازوبند مذکور در بالا را تحت شرایط این ماده خواهند داشت وظیفهٔ محوله به این اشخاص در کارت هویت آنان قید خواهد شد.

ریاست هر بیمارستان کشوری در هر زمان صورت صحیح کارکنان خود را با ختیار مقمات صلاحیتدار دولت متبوع خود یا دولت اشغال کننده نگاه خواهد داشت.

مادهٔ ۲۱:

حمل و نقل زخمداران و بیماران کشوری و معلولین و زنان تازه‌زا که در روی زمین به وسیلهٔ کاروانهای وسائط نقلیه یا قطارهای بیماربر و یا در روی دریا به وسیلهٔ کشتی‌های مخصوص حمل ونقل مزبور صورت می‌گیرد مانند بیمارستانها به شرح مادهٔ ۱۸ محترم شمرده و حمایت خواهند شد وبا اجازهٔ دولت به وسیلهٔ علامت مشخصهٔ مذکور در مادهٔ ۳۸ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی خود را نشان خواهند داد.

مادهٔ ۲۲:

ناوهای هوائی که منحصراً مخصوص حمل زخمداران و بیماری کشوری و معلولین زنان تازه‌زا یا مخصوص حمل کارکنان و لوازم بهداری است مورد حمله قرار نخواهند گرفت بالعکس در صورت پرواز در ارتفاعات و ساعات و مسیرهائیکه مخصوصاً با موافقت مشترک بین کلیهٔ دولتهای متخاصم ذینفع معین شده محترم شمرده خواهند شد.

ناوهای هوائی مزبور ممکن است با علامت مشخصهٔ مذکور در مادهٔ ۳۸ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی نمایانده شوند.

پرواز از فراز اراضی دشمن یا اراضی تحت اشغال دشمن ممنوع است مگر آنکه خلاف آن قرار شده باشد.

ناوهای هوائی مزبور به هر فرمان فرود آمدن اطاعت خواهند کرد. در مواردی که ناو هوائی بدین‌طریق

اجباراً فرود آید ناو مزبور و سرنشینان آن می‌توانند پس از معاینه که احیاناً صورت گیرد پرواز خود را ادامه دهند.

مادهٔ ۲۳:

هر دولت متعاهد به کلیهٔ محمولات دارو و لوازم بهداری و اشیاء لازمه جهت مراسم مذهبی که منحصراً برای نفوس کشوری دولت متعاهد دیگر ولو دشمن فرستاده شود آزادی عبور اعطا خواهد کرد. همچنین به هر گونه محمولات خواربار ضروری و ملبوس و مواد مقوی مخصوص اطفال کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار یا تازه‌زا آزادی عبور خواهد داد.

الزام دولت متعاهد در اعطای آزادی عبور محمولات مذکور در بند بالا منوط به این شرط است که دولت مزبور مطمئن باشد که هیچ علت جدی موجود نیست که بیم آن رود که:

الف - محمولات مزبور از مقصد خود منحرف شوند یا.

ب - بازرسی آن شاید مؤثر نباشد یا.

ج - دشمن بتواند از محمولات مزبور استفاده مشهودی جهت مساعی نظامی یا جهت اقتصاد خود کند بدین طریق که محمولات مزبور جای کالاهائی را که دولت در غیر اینصورت می‌بایست خود تهیه یا استحصال کند بگیرد یا مواد و محصولات یا کارکنانی که در غیر اینصورت می‌بایست برای تهیهٔ کالاهای مزبور اختصاص دهد آزاد شود.

دولتی که عبور محمولات مذکور در بند اول این ماده را اجازه می‌دهد می‌تواند اجازهٔ خود را مقید به این شرط کند که تقسیم آن بین گیرندگان در محل تحت نظارت دول حامی صورت گیرد.

محمولات مذکور باید با اسرع امکان حمل گردد و دولتی که عبور آزاد آنها را اجازه می‌دهد حق خواهد داشت شرایط فنی را که اجازه تحت آن شرایط داده می‌شود معین کند.

مادهٔ ۲۴:

دول متخاصم اقدامات لازم به عمل خواهند آورد که اطفال کمتر از ۱۵ سال که به علت جنگ یتیم یا از خانواده خود جدا شده‌اند به حال خود رها نگردند و در هر صورت در نگاهداری و اجرای مذهب و آموزش آنان تسهیل شود آموزش آنان در صورت امکان به اشخاصی سپرده خواهد شد که دارای آئین آموزش واحد باشند.

دول متخاصم با پذیرائی این اطفال در کشور بیطرف در دورهٔ جنگ با موافقت دولت حامی (در صورتی که دولت حامی موجود باشد) و در صورتی که دول مزبور تضمین داشته باشند که اصول مذکور در بند اول رعایت خواهد شد موافقت خواهند کرد.

بعلاوه سعی خواهند کرد اقدامات لازم به عمل آورند که تشخیص هویت کلیه اطفال کمتر از ۱۲ سال به وسیلهٔ حمل یک پلاک هویت یا به هر وسیلهٔ دیگری مقدور باشد.

مادهٔ ۲۵:

هر شخصی که در خاک یک دولت متخاصم یا در اراضی اشغالی آن دولت باشد خواهد توانست اخباری راکه صرفاً جنبهٔ خانوادگی داشته باشد به اعضای خانواده خود در هر کجاکه باشند بدهد یا از آنها دریافت نماید. این قبیل مکاتبات به سرعت و بدون هیچگونه تأخیر غیر موجه حمل خواهد شد.

چنانچه تبادل مکاتبات خانوادگی به وسیلهٔ پست عادی به عللی مشکل یا غیر مقدور شده باشد دول متخاصم ذیربط به یک واسطهٔ بیطرف از قبیل آژانس مرکزی مذکور در مادهٔ ۱۴۰ مراجعه و به اتفاق آن وسائل تأمین تعهدات خود را به احسن وجه منجمله باکمک جمعیت‌های ملی صلیب سرخ (هلال سرخ - خلال احمر) معین خواهند نمود.

در صورتیکه دول متخاصم لازم بدانند که مکاتبات خانوادگی محدود شود منتها کاریکه می‌توانند کرد این است که استعمال نمونه‌هائی راکه حاوی ۲۵ کلمه باشد و کلمات مزبور آزادانه انتخاب شود فرمان دهند و ارسال آن را به ماهی یک برگ محدود سازند.

مادهٔ ٢٦:

هر دولت متخاصم تجسساتی راکه اعضای خانواده‌های متلاشی شده از جنگ برای برقراری تماس با همدیگر و در صورت امکان برای مجتمع شدن به عمل می‌آورند تسهیل خواهد کرد. منجمله با عمل سازمانهائی که خود را وقف اینکار می‌کنند موافقت خواهد نمود مشروط به اینکه سازمانهای مزبور مورد قبول آن دولت بوده و بر طبق مقررات تأمینی که آن دولت وضع نموده رفتار کنند.

باب سوم
وضع اشخاص مورد حمایت و معامله با آنان
بخش اول
مقرر مشترک بین اراضی دول متخاصم و اراضی اشغالی

مادهٔ ۲۷:

اشخاص مورد حمایت در هر مورد ذیحق به احترام شخص خود و شرافت خود و حقوق خانوادگی خود و اعتقادات و اعمال مذهبی خود و عادات و رسوم خود می‌باشند. در هر زمان با آنان به انسانیت رفتار خواهد شد و منجمله در مقابل همه گونه عمل خشونت‌آمیز یا تخویف و در مقابل دشنام و کنجکاوی عامه حمایت خواهند گردید.

زنان مخصوصاً در مقابل هر گونه تخطی به شرافت منجمله مقاربت بعنف و اجباربه فحشا و هرگونه تجاوز به عفت حمایت خواهند شد.

دولت متخاصمی که اشخاص مورد حمایت را در اختیار خود دارد با رعایت مقررات مربوط به وضع مزاج و سن و جنس آنان با همگی با توجهات متساوی بدون هیچگونه تبعیض نامساعد منجمله از لحاظ

نژاد یا مذهب یا عقاید سیاسی رفتار خواهد کرد.

معهذا دول متخاصم می‌توانند در بارهٔ اشخاص مورد حمایت اقدامات نظارت یا امنیتی را که بواسطهٔ جنگ لازم باشد به عمل آورند.

مادهٔ ۲۸:

هیچ شخص مورد حمایتی را نباید به منظور اینکه برای خاطر وجودش بعضی نقاط یا بعضی از عملیات جنگی معاف شوند مورد استفاده قرار داد.

مادهٔ ۲۹:

دولت متخاصمی که اشخاص مورد حمایت را در اختیار خود دارد مسئول رفتاری است که عمال وی با آنان می‌کنند بی‌آنکه این موضوع از مسئولیت انفرادی که ممکن است متوجه آن عمال شود بکاهد.

مادهٔ ۳۰:

به اشخاص مورد حمایت همه گونه تسهیلات داده خواهد شد که به دول حامی و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ و جمعیت‌های ملی صلیب سرخ (هلال سرخ - هلال احمر) کشوری که در آنجا هستند و به هر سازمان دیگری که ممکن است به آنها کمک کند مراجعه نمایند.

برای سازمان‌های مختلف مزبور جهت این منظور همه گونه تسهیلات در حدودی که ضروریات نظامی یا امنیت معلوم می‌دارد از طرف زمامداران فراهم خواهد گردید.

علاوه بر بازدیدهای نمایندگان دول حامی و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ که در مادهٔ ۱۴۳ پیش‌بینی شده دول بازداشت‌کننده یا اشغال کننده حتی‌المقدور در مورد بازدیدهائی که نمایندگان سایر مؤسسات به منظور کمک معنوی یا مادی بخواهند از اشخاص مورد حمایت به کنند تسهیل خواهد کرد.

مادهٔ ۳۱:

هیچگونه فشار جسمانی یا معنوی در بارهٔ اشخاص مورد حمایت منجمله به منظور تحصیل اطلاعات از آنان یا از اشخاص ثالث نمی‌توان وارد آورد.

مادهٔ ۳۲:

دول معظمهٔ متعاهد هر گونه اقدامی را که خواه موجب آلام جسمانی اشخاص مورد حمایت موجوده در اختیار ایشان و خواه موجب قتل آنان گردد صریحاً برخود ممنوع می‌سازند.

این ممنوعیت نه تنها ناظر بر قتل و شکنجه و صدمات جسمانی و بریدن اعضای اشخاص مورد حمایت و آزمایشهای پزشکی یا علمی است که برای معالجهٔ طبی آنان ضرورت نداشته باشد بلکه شامل هر گونه خشونت‌های دیگر که عامل آن اعم از مأمورین کشوری یا نظامی باشد نیز می‌باشد.

مادهٔ ۳۳:

هیچ شخص مورد حمایت را نمی‌توان برای خلافی که شخصاً مرتکب نشده باشد تنبیه کرد. تنبیهات دسته‌جمعی و همچنین هر گونه عمل تخویف یا تروریسم ممنوع است.

غارت ممنوع است.
اقدامات قصاصی در بارهٔ اشخاص مورد حمایت و اموال آن ممنوع است.

مادهٔ ۳۴:

اخذ گروگان ممنوع است.

بخش دوم
درباب خارجیان در خاک یک دولت متخاصم

مادهٔ ۳۵:

هر شخص مورد حمایت که بخواهد در بدو جنگ یا در دورهٔ جنگ از خاک کشور خارج شود حق خروج خواهد داشت مگر آنکه رفتن او مخالف منافع ملی دولت باشد. در خواست خروج او طبق ترتیب منظمی مورد رسیدگی قرارخواهد گرفت و تصمیم مقتضی در اسرع وقت گرفته خواهد شد. پس از کسب اجازهٔ خروج می‌تواند وجه لازم جهت مسافرت را بردارد و مقدار عادلانه اسباب و لوازم مصرف شخصی با خود ببرد.

اشخاصی که اجازهٔ خروج به ایشان داده نشود حق خواهند داشت از یک دادگاه یا یک هیئت اداری ذیصلاحیت که مخصوصاً جهت این کار توسط دولت بازداشت‌کننده تأسیس شده باشد تقاضا نمایند در اسرع وقت در تصمیم منع خروج تجدید نظر کند.

نمایندگان دولت حامی می‌توانند در صورت تقاضا علل عدم صدور اجازهٔ خروج این قبیل اشخاص را بدانند و هر چه زودتر صورت اسامی کلیه کسانی راکه در همان وضع‌اند دریافت نمایند. مگر آنکه دادن این اطلاعات بعلل امنیت غیر مقدور باشدیا خود اشخاص ذینفع با اعلام اینگونه اطلاعات مخالف باشند.

مادهٔ ۳۶:

مسافرت‌های خروجی که بر طبق مفاد مادهٔ قبل اجازه داده می‌شود با کیفیات رضایت بخش از حیث امنیت و بهداشت و سلامتی و تغذیه صورت خواهد گرفت. کلیه هزینه که از بدو خروج از خاک دولت بازداشت‌کننده متوجه شود به عهدهٔ کشور مقصد است و یا در صورت اقامت در کشور بیطرف به عهدهٔ دولت متبوع اشخاص ذینفع خواهد بود. طرق عملی نقل و انتقالات مزبور عندالحاجه به موجب موافقت‌نامه‌های اختصاصی بین دول ذینفع معلوم خواهد شد.

موافقت‌نامه‌های اختصاصی که ممکن است بین دول متخاصم دربارهٔ مبادله یا بازگشت اتباع دستگیر شدهٔ آنها بدست دشمن منعقد شده باشد محفوظند.

مادهٔ ۳۷:

با اشخاص مورد حمایت که در بازداشت موقت یا در دورهٔ اجرای مجازاتی شامل محرومیت از آزادی باشند در مدت بازداشت با انسانیت رفتار خواهد شد. اشخاص مذکور می‌توانند به محض استخلاص بر

طبق مواد قبل تقاضای خروج از کشور نمایند.

مادهٔ ۳۸:

به استثنای اقدامات خاصی که ممکن است به موجب این قرارداد منجمله طبق مواد ۲۷ و ۴۱ اتخاذ شود وضع اشخاص مورد حمایت اصولاً به موجب مقررات مربوط به رفتار با خارجیان در زمان صلح اداره خواهند شد. علی ایحال حقوق ذیل به آنان اعطاء خواهد گردید:

۱ - می‌توانند کمکهای انفرادی یا دسته جمعی راکه بعنوان آنان فرستاده می‌شود دریافت نمایند.

۲ - چنانچه وضع مزاجی آنها تقاضا کند طبی و پرستاری در بیمارستان به میزانی که اتباع دولت مربوطه استفاده می‌کنند بهره‌مند خواهند شد.

۳ - می‌توانند اعمال مذهبی خود را اجرا و کمک روحانی از روحانیون کیش خود دریافت نمایند.

۴ - چنانچه محل اقامت آنها در منطقه‌ای باشد که خصوصاً در معرض مخاطرات جنگ باشد اجازه خواهند یافت به میزانی که در باره اتباع دولت مربوطه معمول است تغییر مکان دهند.

۵ - اطفال کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار و مادران اطفال کمتر از ۷ سال از هر گونه معامله ممتازه به میزانی که دربارهٔ اتباع دولت مربوطه می‌شود برخوردار خواهند شد.

مادهٔ ۳۹:

به اشخاص مورد حمایت که به علت جنگ از فعالیت انتفاعی خود محروم شده باشند آزادی عمل داده خواهد شد که کار درآمد داری پیدا کنند و برای این منظور با قید ملاحظات امنیت و مقررات مادهٔ ۴۰ از همان مزایائی که دربارهٔ اتباع دولت محل اقامت آنان معمول است بهره‌مند خواهند شد.

چنانچه یک دولت متخاصم شخص مورد حمایت را تحت مقررات نظارتی قرار داده باشد که بالنتیجه قادر به تأمین معاش خود نباشد منجمله در صورتیکه نتواند به علل امنیت کار درآمدداری با شرایط عادلانه به دست آورد دولت مزبور احتیاجات او و اشخاص تحت تکفل او را رفع خواهد کرد.

اشخاص مورد حمایت می‌توانند در همه احوال از کشور خود یا از دولت حامی و یا جمعیت‌های خیریه مذکور در مادهٔ ۳۰ کمک دریافت کنند.

مادهٔ ۴۰:

اشخاص مورد حمایت را نمی‌توان وادار به‌کار کرد مگر تا میزانی که دربارهٔ اتباع دولت متخاصم محل اقامت آنان معمول است.

در صورتیکه اشخاص مورد حمایت تبعه دشمن باشند نمی‌توان آنها را به کار واداشت مگر به کارهائی که معمولاً برای تأمین تغذیه و مسکن و پوشاک و حمل‌ونقل و سلامت افراد بشر لازم بوده و با ادارهٔ عملیات جنگی مستقیماً ارتباط نداشته باشد.

در مورد مذکور در بندهای بالا اشخاص مورد حمایت که به کار واداشته می‌شوند از همان شرایط و همان اقدامات حفاظتی کارگران محل خصوصاً از حیث مزد و مدت کار و وسائل کار و تعلیمات مقدماتی و

جبران سوانح کار و بیماریهای حرفه‌ای بهره‌مند خواهند شد.

درصورت نقض مقررات بالا اشخاص مورد حمایت مجاز خواهند بود که حق شکایت خود را بر طبق مادهٔ ۳۰ اعمال نمایند.

مادهٔ ۴۱:

دولتی که اشخاص مورد حمایت را در اختیار خود دارد اگر سایر اقدامات نظارتی مذکور در این قرارداد را کافی نداند اقدامات نظارتی شدیدتری که ممکن است بدان متوسل شود عبارت از اقامت اجباری بازداشت بر طبق مقررات مواد ۴۲ و ۴۳ خواهد بود.

دولت بازداشت‌کننده در موقع اجرای مفاد بند دوم از مادهٔ ۳۹ در بارهٔ کسانی که به موجب حکم اقامت اجباری در محل دیگر غیر از اقامت‌گاه عادی خود مجبور به ترک اقامت‌گاه خود می‌شوند رفتار خود را با نهایت دقت ممکنه با قواعد مربوط به معامله با بازداشت شدگان (بخش چهارم از فصل سوم این قرارداد) منطبق خواهد ساخت.

مادهٔ ۴۲:

بازداشت یا اقامت اجباری اشخاص مورد حمایت فقط در صورتی ممکن است که امنیت دولتی که اشخاص مزبور را به اختیار خود دارد این عمل را قطعاً ضروری ساخته باشد.

چنانچه شخصی به وسیلهٔ نمایندگان دولت حامی داوطلبانه تقاضای بازداشت خود را نماید در صورتیکه وضع شخصی او این عمل را ایجاب کند دولتی که آن شخص را در اختیار خود دارد در بازداشت او اقدام خواهد کرد.

مادهٔ ۴۳:

هر شخص مورد حمایت که بازداشت یا مجبور به اقامت اجباری شود حق خواهد داشت از یک دادگاه یا یک هیئت اداری که توسط دولت بازداشت‌کننده تأسیس شده باشد تقاضا نماید که در اسرع وقت نسبت به تصمیمی که درباره‌اش گرفته شده تجدید نظر کند. در صورتیکه بازداشت یا اقامت اجباری ابرام شود دادگاه یا هیئت اداری متناوباً و لااقل سالی دوبار وضع او را رسیدگی خواهد کر تا چنانچه اجازه دهد تصمیم بدوی را به نفع او اصلاح نماید.

دولت بازداشت‌کننده هر چه زودتر اسامی اشخاص مورد حمایت را که بازداشت یا مجبور به توقف اجباری شده‌اند و همچنین اسامی اشخاصی راکه از بازداشت یا توقف اجباری مستخلص شده‌اند به اطلاع دولت حامی خواهد رساند مگر آنکه خود آن اشخاص مایل نباشند. و نیز با قید همین شرط تصمیمات دادگاه یا هیئت‌های اداری مذکور در بند اول این ماده هر چه زودتر به دولت حامی اعلام خواهد شد.

مادهٔ ۴۴:

دولت بازداشت‌کننده در موقع اخذ تصمیمات نظارتی پناهندگانی را که عملاً از حمایت هیچ دولتی بهره‌مند نیستند صرفاً به اعتبار اینکه از نظر حقوقی به دولت دشمن تعلق دارند مشمول معامله با خارجیان

دشمن قرار نخواهد داد.

مادهٔ ۴۵:

اشخاص مورد حمایت را نمی‌توان به دولتی که عضو این قرارداد نباشد منتقل ساخت.

این وضع مانع اعاده اشخاص مورد حمایت به میهن خود یا مانع بازگشت آنها به کشور اقامت‌گاه خود پس از ختم جنگ نخواهد بود.

دولت بازداشت‌کننده نمی‌تواند اشخاص مورد حمایت را به یک دولت عضو قرارداد انتقال دهد مگر پس از آنکه اطمینان حاصل کند که دولت مزبور قادر و مایل به اجرای این قرارداد می‌باشد. وقتیکه اشخاص مورد حمایت بدین‌طریق انتقال یافتند مسئولیت اجرای این قرارداد در تمام مدتی که اشخاص مذکور به آن دولت سپرده‌اند بر عهدهٔ آن دولت خواهد بود. معهذا در صورتیکه دولت مزبور مقررات این قرارداد را در هر مورد مهم اجرا ننماید دولتی که اشخاص مورد حمایت را منتقل ساخته بایدپس از وصول اخطار دولت حامی اقدامات مؤثری برای اصلاح وضع به عمل آورد یا اعادهٔ اشخاص مورد حمایت را تقاضا کند. این تقاضا باید اپجاب شود.

شخص مورد حمایت را در هیچ موردی نباید به کشوری انتقال داد که در آنجا بیم از آن داشته باشد که به علت افکار سیاسی یا عقیدهٔ مذهبی خود مورد آزار قرار گیرد.

مقررات این ماده مانع از آن نخواهد بود که اشخاص مورد حمایتی که متهم به جنایات مربوط به حقوق عمومی شده باشند به موجب عهدنامه‌های نفی‌بلد که قبل از شروع مخاصمات منعقد شده باشد نفی‌بلد شوند.

مادهٔ ۴۶:

اقدامات تضییقی که دربارهٔ اشخاص مورد حمایت اتخاذ شده باشد هر چه زودتر پس از پایان مخاصمات خاتمه خواهند یافت مگر آنکه قبلاً ملغی شده باشد.

اقدامات تضییقی که دربارهٔ اموال آنان اتخاذ شده هر چه زودتر پس از پایان مخاصمات بر طبق قوانین دولت بازداشت کننده خاتمه خواهد یافت.

بخش سوم
اراضی اشغال شده

مادهٔ ۴۷:

اشخاص مورد حمایت که در اراضی اشغال شده باشند در هیچ مورد یا به هیچ نحو از مزایای این قرارداد خواه به موجب هر تغییری که به علت اشغال در سازمان یا در حکومت اراضی مزبور داده شده باشد خواه به موجب موافقت‌نامه‌ای که بین مقامات اراضی اشغال شده و دولت اشغال شده منعقد شده باشد و خواه به علت اینکه دولت اشغال کننده تمام یا قسمتی از اراضی اشغال شده را به خاک خود الحاق کرده

باشد محروم نخواهند گردید.

مادهٔ ۴۸:

اشخاص مورد حمایت که تبعهٔ دولتی که خاکش اشغال شده باشد می‌توانند به شرایط مذکور در مادهٔ ۳۵ به حق ترک اراضی اشغال شده توسل جویند و تصمیمات مربوط به این موضوع بر طبق ترتیبی که دولت اشغال کننده باید به موجب مادهٔ مزبور وضع کند اتخاذ خواهد شد.

مادهٔ ۴۹:

انتقال اجباری دسته‌جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص مورد حمایت از اراضی اشغال شده به خاک دولت اشغال کننده یا به خاک هر دولت دیگری اعم از اینکه اشغال شده یا نشده باشد به هر علتی ممنوع است.

معهذا دولت اشغال کننده می‌تواند در صورتیکه امنیت اهالی یا موجبات عالیهٔ نظامی ایجاب کند به تخلیهٔ تمام یا قسمتی از یک ناحیه اشغال شده معین مبادرت کند.

تخلیه نواحی نباید موجب نقل مکان اشخاص مورد حمایت جز به داخل خاک اشغال شده گردد مگر در صورت عدم امکان مادی. نفوسی که بدین طریق تخلیه می‌شوند به محض اینکه مخاصمات آن ناحیه پایان یافت به کانون خود عودت داده خواهند شد.

دولت اشغال کننده انتقالات یا تخلیه‌های مذکور باید به ترتیبی اقدام کند که اشخاص مورد حمایت حتی‌الامکان در مؤسسات مناسب پذیرفته شوند و نقل مکان آنها با شرایطی که از حیث سلامت و بهداشت و امنیت و تغذیه رضایت بخش باشد صورت گیرد و اعضای یک خانواده از همدیگر جدا نباشند.

انتقال‌ها و تخلیه‌های مزبور به محض وقوع به دولت حامی اطلاع داده خواهد شد دولت اشغال کننده نمی‌تواند اشخاص مورد حمایت را در منطقه‌ای که مخصوصاً در معرض مخاطرات جنگ است نگاهدارد مگر آنکه امنیت اهالی یا موجبات عالیهٔ نظامی این عمل را ایجاب کند.

دولت اشغال کننده نمی‌تواند به نقل مکان یا انتقال قسمتی از نفوس کشوری خود به اراضی که اشغال کرده است مبادرت نماید.

مادهٔ ۵۰:

دولت اشغال کننده با معاضدت مقامات ملی و محلی حسن ادارهٔ مؤسسات مخصوص پرستاری و تربیت اطفال را تسهیل خواهد کرد.

همه گونه اقدامات لازم برای تعیین هویت اطفال و ثبت نسب آنها به عمل خواهد آورد.

در هیچ حالی نمی‌تواند به تغییر وضع شخصی آنها مبادرت کند یا آنها را در تشکیلات و سازمانهای تابعه خود وارد نماید.

چنانچه مؤسسات محلی قادر نباشند اطفالی را که به علت جنگ یتیم شده یا از خانواده خود جدا مانده‌اند نگاهداری و تربیت کنند دولت اشغال کننده باید در صورت فقد خویشاوند نزدیک یا دولتی که

بتواند این کار را تأمین نماید اقدامات لازم جهت تأمین نگاهداری و تربیت اطفال مذکور به وسیلهٔ اشخاصی که در صورت امکان هم ملیت و هم زبان و هم مذهب آنان باشند به عمل آورد.

یک قسمت مخصوص از دفتری که به موجب مقررات ماده ۱۳۶ تأسیس شده مأموریت خواهد یافت که اقدامات لازم را برای تشخیص هویت اطفالی که هویتشان مسلم نیست به عمل آورد. اطلاعاتی که در باب پدر و مادر یا سایر خویشان نزدیک آنها در دست باشد در هر حال ثبت خواهد گردید.

دولت اشغال کننده نباید از اجرای اقدامات ممتازه‌ای که ممکن بود قبل از اشغال به نفع کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار و مادران اطفال کمتر از هفت سال از حیث غذا و پرستاریهای طبی و حفاظت از اثرات جنگ اتخاذ شود ممانعت نماید.

مادهٔ ۵۱:

دولت اشغال کننده نمی‌تواند اشخاص مورد حمایت را مجبور به خدمت در نیروهای مسلح یا نیروهای کمکی خود کند. هر فشار یا تبلیغی به منظور استخدام داوطلب ممنوع است.

دولت اشغال کننده نمی‌تواند اشخاص مورد حمایت را مجبور به کار کند مگر آنکه سن آنها متجاوز از ۱۸ سال باشد آنهم فقط در کارهائی که خواه برای احتیاجات نیروی اشغال کننده یا برای خدمات مربوط به منافع عامه و تغذیه و مسکن و پوشاک و حمل ونقل یا سلامت نفوس کشور اشغال شده لازم باشد. اشخاص مورد حمایت را نمی‌توان به هیچ کاری که مستلزم شرکت در عملیات جنگی باشد وادار ساخت.

دولت اشغال کننده نمی‌تواند اشخاص مورد حمایت را مجبور نماید که امنیت تأسیساتی را که در آنجا کار تحمیلی انجام می‌دهند به وسیلهٔ نیروی قهریه تأمین نمایند.

کار فقط در داخل اراضی اشغال شده‌ای که محل اشخاص است اجرا خواهد شد. هر شخصی که به کار وارد می‌شود باید حتی‌الامکان در محل عادی کارش نگاهداشته شود. مزد کار عادلانه پرداخته خواهد شد و نوع کار متناسب با استعداد فکری و بدنی کارگران خواهد بود. قوانینی که در کشور اشغال شده راجع به شرایط کار و اقدامات حفاظتی منجمله از حیث مزد و مدت کار و وسائل و تعلیم مقدماتی و جبران حوادث کار و بیماریهای حرفه‌ای مجری است دربارهٔ اشخاص مورد حمایت که به کارهای مذکور در این مادهٔ گماشته می‌شوند نیز اجرا خواهد گردید.

علی‌ای نحوکان مصادره کارگر نباید هرگز منجر به بسیج کارگران تحت اصول نظامی یا نیمه نظامی گردد.

مادهٔ ۵۲:

هیچ قرارداد یا موافقت‌نامه یا آئین‌نامه نمی‌تواند به حقی که هر کارگر داوطلب یا غیر داوطلب در هر کجا نسبت به مراجعه به نمایندگان دولت حامی برای درخواست مداخله آنان دارد لطمه بزند.

در عملی به منظور ایجاد بیکاری یا تحدید امکان کارگران کشور اشغال شده و بالنتیجه ناگزیر ساختن آنان به کار کردن برای دولت اشغال کننده ممنوع است.

مادهٔ ۵۳:

انهدام اموال منقول یا غیر منقولی که انفراداً یا اشتراکاً متعلق به اشخاص یا دولت یا شرکتهای عمومی یا سازمانهای اجتماعی یا تعاونی باشد توسط دولت اشغال کننده ممنوع است مگر در مواردی که انهدام آنها به واسطه عملیات جنگی ضرورت حتمی یابد.

مادهٔ ۵۴:

تغییر وضع کارمندان یا قضات اراضی اشغال شده یا اعمال مجازات دربارهٔ آنان یا هر نوع اقدام به منظور مجبور ساختن یا بازجوئی کردن از آنان به علت اینکه به ملاحظات وجدانی از اجرای وظیفه خودداری کرده باشند برای دولت اشغال کننده ممنوع است.

ممنوعیت اخیر مانع اجرای بند دوم از مادهٔ ۵۱ نخواهد بود و حق دولت اشغال کننده در برکنار ساختن صاحبان مشاغل دولتی از شغل خود محفوظ است.

مادهٔ ۵۵:

دولت اشغال کننده در حدود وسائل خود مکلف است احتیاجات اهالی را از حیث خواروبار و مواد طبی تأمین کند منجمله باید خواربار و مایحتاج طبی و هرگونه لوازم دیگر را در موقعیکه منابع اراضی اشغال شده کافی نباشد از خارج وارد نماید.

دولت اشغال کننده نمی‌تواند خواربار و اشیاء و لوازم طبی موجوده در اراضی اشغالی را مصادره کند مگر برای نیروها و دستگاه اداری اشغال کننده. دولت مزبورباید احتیاجات نفوس کشوری را مورد توجه قرار دهد.

دولت اشغال کننده با قید و شرط مقررات سایر قراردادهای بین‌المللی باید ترتیبات لازم بدهد که غرامت هرگونه مصادره‌ای به بهای واقعی آن پرداخته شود.

دول حامی می‌تواند در هر موقع بدون هیچ مانعی وضع ذخیره خواربار دارو را در اراضی اشغال شده با توجه به تضییقات موقعی که به علت حوائج عالیه نظامی ایجاب شده باشد مورد رسیدگی قراردهند.

مادهٔ ٥٦:

دولت اشغال کننده در حدود کلیهٔ وسائل خود موظف است با معاضدت مقامات ملی و محلی تأسیسات و خدمات طبی و بیمارستانی و سلامت و بهداشت عمومی را در اراضی اشغال شده منجمله با اتخاذ و اجرای تدابیر دفاعی و پیش‌گیری لازم جهت مبارزه با توسعه بیماریهای واگیردار و امراض ساریه تأمین و نگاهداری نماید. کارکنان بهداری از هر طبقه مجاز خواهند بود که وظایف خود را اجرا کنند.

چنانچه بیمارستانهای جدیدی در اراضی اشغال شده دایر گردد و چنانچه مؤسسات ذیصلاحیت دولت اشغال شده دیگر در اراضی مزبور مشغول کار باشند مقامات اشغال کننده در صورت لزوم به شناسائی مذکور در مادهٔ ۱۸ مبادرت خواهند کرد. در نظیر این کیفیات مقامات اشغال کننده باید به شناسائی کارکنان بیمارستانها و وسائط نقلیه طبق مواد ۲۰ و ۲۱ نیز مبادرت نمایند.

دولت اشغال کننده در موقع اتخاذ تدابیر سلامتی و بهداشتی و در موقع اجرای آنها مقتضیات معنوی و اخلاقی اهالی اراضی اشغال شده را مورد رعایت قرار خواهد داد.

مادهٔ ۵۷:

دولت اشغال کننده نمی‌تواند بیمارستانهای کشوری را برای معالجه زخمداران و بیماران نظامی مورد استفاده قرار دهد مگر به طور موقت و در موارد ضرورت فوری آنهم مشروط به اینکه اقدامات مقتضی به موقع به عمل آید که پرستاری و معالجه اشخاص بستری در بیمارستانها تأمین و جواب احتیاجات نفوس کشوری داده شود.

لوازم و انبارهای بیمارستانهای کشوری را مادام که برای احتیاجات نفوس کشوری مورد لزوم است نمی‌توان مصادره کرد.

مادهٔ ۵۸:

دولت اشغال کننده به روحانیون مذاهب اجازه خواهد داد که کمک روحانی هم کیشان خود را تأمین نمایند.

همچنین مرسولات کتاب و اشیاء لازمه جهت احتیاجات مذهبی را قبول و در توزیع آن در اراضی اشغال شده تسهیل خواهد کرد.

مادهٔ ۵۹:

هر گاه ذخیره اهالی اراضی اشغال شده یا قسمتی از اراضی مزبور غیر کافی باشد دولت اشغال کننده اقدامات کمکی را که در حق اهالی مزبور به عمل می‌آید قبول و در حدود کلیهٔ وسایل خود تسهیل خواهد کرد.

اقدامات مزبور که ممکن است خواه از طرف دولتها و خواه از طرف یک دستگاه نوعپروری بیطرف مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به عمل آید بیشتر عبارت از ارسال خواروبار و مواد طبی و ملبوس خواهد بود.

کلیه دول متعاهد باید عبور آزاد این محمولات را اجازه دهند و حمایت کنند. معهذا دولتی که به محمولات ارسالی از طرف دولت خصم به مقصد اراضی اشغالی اجازه عبور آزاد می‌دهد حق خواهد داشت محمولات مزبور را بازرسی و مقرراتی برای عبور آنها طبق ساعات و مسیرهای معین وضع نماید و از دولت حامی تضمین کافی بخواهد که محمولات مزبور مخصوص کمک به نفوس محتاج است و به نفع دولت اشغال کننده مصرف نخواهد شد.

مادهٔ ۶۰:

ارسال کمک دولت اشغال کننده را از مسئولیت‌های ناشیه از مواد ۵۵ و ۵۶ و ۵۹ که بر عهدهٔ اوست معاف نخواهد ساخت. دولت نامبرده حق ندارد مرسولات کمکی را به هیچ وجه از مصرف معینه منحرف سازد مگر درصورت ضرورت فوری که به نفع نفوس اراضی اشغال شده و باموافقت دولت حامی صورت گیرد.

مادهٔ ٦١:

تقسیم مرسولات کمکی مذکور در موارد بالا با معاضدت و تحت نظارت دولت حامی انجام خواهد شد این وظیفه ممکن است بر اثر موافقت‌نامه بین دولت اشغال کننده و دولت حامی به یک کشور بیطرف یا به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ یا به هر سازمان نوعپروری بیطرف محول گردد.

از مرسولات کمکی مزبور هیچگونه حقوق و مالیات و عوارض در اراضی اشغال شده دریافت نخواهد شد مگر آنکه اخذ آن به نفع اقتصاد اراضی مزبور ضرورت داشته باشد. دولت اشغال کننده باید در تقسیم سریع مرسولات مزبور تسهیل نماید.

کلیه دول متعاهد سعی خواهند کرد که اجازه دهند ترانزیت و حمل مرسولات کمکی به مقصد اراضی اشغالی به رایگان صورت گیرد.

مادهٔ ٦٢:

در صورتیکه ملاحظات عالیه امنیت اجازه دهد اشخاص مورد حمایت مقیم اراضی اشغال شده می‌توانند مرسولات کمکی انفرادی راکه به عنوان ایشان فرستاده می‌شود دریافت نمایند.

مادهٔ ٦٣:

به استثنای مقررات موقتی که به طور استثناء به علت ملاحظات عالیهٔ امنیت توسط دولت اشغال کننده وضع شود:

الف - جمعیت‌های ملی صلیب سرخ (هلال سرخ هلال احمر) که به رسمیت شناخته شده باشند می‌توانند فعالیت‌های خود را بر طبق اصول صلیب سرخ به نحوی که در کنفرانس‌های بین‌المللی صلیب سرخ توصیف شده ادامه دهند. سایر جمعت‌های تعاونی نیز باید بتوانند فعالیت‌های نوعپرورانه خود را در همین شرایط تعقیب کنند.

ب - دولت اشغال کننده نمی‌تواند هیچگونه تغییری راکه به فعالیت‌های فوق لطمه زند در اعضاء یا در سازمان جمیعتهای مزبور خواستار شود.

عین این اصول در مورد فعالیت و کارکنان سازمان‌های مخصوصی که جنبهٔ غیر نظامی داشته و به منظور تأمین شرایط حیات نفوس کشوری از طریق نگاهداری مؤسسات اساسی منافع عامه و تقسیم کمک و سازمان نجات از سابق موجود بوده یا بعداً ایجاد شود نیز مجری خواهد گردید.

مادهٔ ٦۴:

قوانین جزائی اراضی اشغال شده به قوت خود باقی خواهند ماند مگر در حدودی که قوانین مزبور به علت اینکه ایجاد خطر برای امنیت دولت اشغال کننده می‌نماید و یا مانع اجرایِ این قرارداد است توسط دولت مذکور لغو و یا موقوف‌الاجرا گردد. با قید ملاحظهٔ اخیر و با قید ضرورت تأمین اجرای مؤثر عدالت. دادگاههای اراضی اشغال شده در مورد کلیه تخلفاتی که در قوانین مذکور پیش‌بینی شده کماکان به وظائف خود ادامه خواهند داد.

معهذا دولت اشغال کننده می‌تواند اهالی اراضی اشغال شده را تابع مقرراتی نماید که برای انجام تعهدات دولت مزبور ناشیه از این قرارداد و برای تأمین ادارهٔ منظم اراضی مزبور و برای امنیت دولت اشغال کننده خواه امنیت اعضاء و خواه امنیت اموال نیروها و ادارهٔ اشغال کننده و همچنین برای امنیت مؤسسات و خطوط ارتباطی دولت مزبور ضرورت دارد.

مادهٔ ٦٥:

مقررات جزائی که توسط دولت اشغال کننده وضع می‌شود معتبر نخواهد بود مگر پس از آنکه به زبان اهل محل آگهی و به اطلاع آنان برسد. مقررات مزبور عطف به ماسبق نخواهد شد.

مادهٔ ٦٦:

دولت اشغال کننده می‌تواند در صورت نقض مقررات جزائی که به موجب بند دوم از مادهٔ ۶۴ وضع نمود متهمین رابه دادگاههای نظامی غیر سیاسی خودکه به طور منظم تشکیل شده باشد احاله دهد مشروط به اینکه محل دادگاههای مزبور در کشور اشغال شده باشد. محل دادگاههای استینافی مرجحاً در کشور اشغال شده خواهد بود.

مادهٔ ٦٧:

دادگاهها فقط می‌توانند مقررات قانونی را که قبل از وقوع تخلف مجری بوده طبق اصول کلی حقوق خصوصاً از حیث تناسب مجازات به موقع اجراگذارند و این نکته را باید در نظر بگیرند که متهم تبعهٔ دولت اشغال کننده نیست.

مادهٔ ٦٨:

چنانچه یک شخص مورد حمایت مرتکب تخلفی منحصراً به منظور اضرار به دولت اشغال کننده شود و تخلف مزبور به جان یا تمامیت جسمانی اعضای نیرو یا اداره اشغال کننده لطمه وارد نیاورد و خطر دسته‌جمعی مهمی نباشد و به اموال نیرو یا ادارهٔ اشغال کننده و تأسیسات مورد استفاده آنها صدمه مهمی نزند شخص مزبور مشمول توقیف یا زندان است و مدت توقیف یا زندان او متناسب با تخلف ارتکابی خواهد بود. از این گذشته توقیف یا زندان برای این قبیل تخلفات یگانه اقدام محرومیت از آزادی خواهد بود که ممکن است دربارهٔ اشخاص مورد حمایت اتخاذ گردد. دادگاههای مذکور در مادهٔ ۶۶ این قرارداد می‌توانند مجازات زندان را آزادانه به توقیفی که به همان مدت باشد تبدیل نمایند.

مقررات جزائی که توسط دولت اشغال کننده به موجب مواد ۶۴ و ۶۵ وضع می‌شود نمی‌توانند مشتمل بر مجازات اعدام دربارهٔ اشخاص مورد حمایت باشد مگر در صورتیکه جرم اشخاص مذکور جاسوسی و عملیات مهم خراب‌کاری در تأسیسات نظامی دولت اشغال کننده یا تخلفات عمدی باشد که موجب مرگ یک یا چند نفر شده باشد آن هم مشروط به اینکه قوانینی که در اراضی اشغال شده قبل از شروع اشغال جاری بوده برای این قبیل موارد مجازات اعدام پیش‌بینی کرده باشد.

حکم مجازات اعدام دربارهٔ یک شخص مورد حمایت قابل صدور نیست مگر در صورتیکه توجه دادگاه

مخصوصاً به این نکته جلب شده باشد که چون متهم تبعهٔ دولت اشغال کننده نیست هیچگونه وظیفه وفاداری نسبت به دولت مزبور ندارد.

در هیچ حالی دربارهٔ شخص مورد حمایتی که سنش در موقع ارتکاب جرم کمتر از هیجده سال باشد حکم اعدام نمی‌توان صادر کرد.

مادهٔ ٦٩:

در کلیهٔ موارد دورهٔ بازداشت موقت از هر گونه مجازات زندانی که شخص مورد حمایت محکوم شود کسر خواهد گردید.

مادهٔ ۷۰:

دولت اشغال کننده نمی‌تواند اشخاص مورد حمایت را بعلت اعمالی که قبل از اشغال یا در موقع وقفهٔ موقتی اشغال مرتکب شده‌اند و یا به علت عقایدی که در مواقع مذکور اظهار داشته‌اند دستگیر و تعقیب یا محاکمه کند مگر در صورت تخلف از قوانین و رسوم جنگ.

اتباع دولت اشغال کننده را که قبل از شروع جنگ به خاک اشغال شده پناه برده باشد نمی‌توان دستگیر و تعقیب و محاکمه و یا به خارج از خاک اشغال شده نفی کرد مگر به علت تخلفاتی که پس از شروع مخاصمات مرتکب شده و یا به علت جرمهای مربوط به حقوق عمومی که قبل از شروع جنگ مرتکب شده باشند و جرمهای مزبور به موجب قوانین دولتی که خاکش اشغال شده در زمان صلح مستلزم مجازات نفی‌بلد می‌بود.

مادهٔ ۷۱:

دادگاههای صالحهٔ دولت اشغال کننده نمی‌توانند هیچگونه حکم محکومیتی صادر کند مگر آنکه دادرسی منظمی قبلاً انجام شده باشد.

هر متهمی که توسط دولت اشغال کننده تعقیب می‌شود جزئیات موارد اتهام بدون تأخیر کتباً به زبانی که بفهمد به او اطلاع داده خواهد شد و بازجوئی او هر چه زودتر به عمل خواهد آمد. هر گاه تعقیب شخص مورد حمایت به علت اتهامی باشد که احتمالاً منجر به محکومیت اعدام یا زندان از دو سال به بالا گردد دولت اشغال کننده مراتب را در مورد هر تعقیب به دولت حامی اطلاع خواهد داد و دولت حامی می‌تواند در هر موقع جریان دادرسی را جویا شود. بعلاوه دولت حامی حق خواهد داشت در صورت تقاضا هر گونه اطلاعاتی دربارهٔ این قبیل دادرسی‌ها و هر تعقیب دیگری که توسط دولت اشغال کننده بر علیه اشخاص مورد حمایت به عمل آید کسب کند.

اطلاع مذکور در بند دوم این ماده که باید به دولت حامی داده شود هر چه زودتر صورت خواهد گرفت و در هر حال باید سه هفته قبل از تاریخ اولین جلسه دادرسی به دولت حامی واصل گردد.

چنانچه در موقع افتتاح جلسهٔ دادرسی اثبات نشود که مقررات این ماده کاملاً رعایت گردیده دادرسی نباید صورت گیرد. اطلاع مزبور خصوصاً شامل عوامل زیر خواهد بود:

الف - هویت متهم.
ب - محل اقامت یا بازداشت.
ج - شرح مورد یا موارد اتهام (با تعیین مقررات جزائی که مبنای اتهام است).
د - ذکر دادگاهی که مأمور قضاوت قضیه است.
هـ- محل و تاریخ نخستین جلسهٔ دادرسی.

مادهٔ ۷۲:

هر متهمی حق دارد وسائل استدلال لازم جهت دفاع خود را ابراز دارد منجمله می‌تواند گواه آورد و نیز حق دارد از یک نفر مدافع ذیصلاحیت که خود انتخاب کند استعانت جوید. مدافع مزبور می‌تواند آزادانه با متهم ملاقات نماید. و تسهیلات لازم را برای تهیهٔ مدافعات خود دریافت خواهد داشت.

چنانچه متهم مدافعی انتخاب نکند دولت حامی یک نفر مدافع برای او تهیه خواهد کرد. در صورتیکه متهم باید جواب اتهام مهمی را بدهد و در صورتیکه دولت حامی وجود نداشته باشد دولت اشغال کننده باید با رضایت متهم یک نفر مدافع برایش تهیه کند.

هر متهمی چه در موقع بازجوئی و چه در موقع دادرسی در دادگاه یکنفر مترجم خواهد داشت مگر آنکه خود متهم از مترجم صرفنظر کند. متهم در هر موقع می‌تواند مترجم را عزل کند یا تعویض او را خواستار شود.

مادهٔ ۷۳:

هر محکومی حق دارد از طرق استینافی که در قوانین جاریه دادگاه پیش‌بینی شده استفاده کند، حقوق استینافی او و همچنین مواعد مقرره جهت اعمال حقوق مزبور کاملاً به وی اطلاع داده خواهد شد.

اصول دادرسی مذکور در این بخش در مراحل استینافی نیز مجری خواهد شد چنانچه قانونی که توسط دادگاه اجرا می‌شود امکان استیناف را پیش‌بینی نکرده باشد محکوم حق خواهد داشت بر علیه حکم و محکومیت به مقام ذیصلاحیت دولت اشغال کننده مراجعه نماید.

مادهٔ ۷۴:

نمایندگان دولت حامی حق خواهند داشت در جلسات دادرسی هر دادگاهی که یک نفر شخص مورد حمایت را دادرسی می‌کند حضور یابند مگر در صورتیکه دادرسی از لحاظ مصالح امنیت دولت اشغال کننده بایستی به طور استثناء در جلسهٔ غیر علنی صورت گیرد. در این صورت دولت اشغال کننده مراتب را قبلاً به دولت حامی اطلاع خواهد داد. اطلاع‌نامه‌ای حاوی محل و تاریخ شروع دادرسی باید به دولت حامی فرستاده شود.

کلیهٔ احکام صادره که مشتمل بر مجازات اعدام یا زندان از دو سال به بالا باشد با ذکر دلائل هر چه زودتر به دولت حامی ابلاغ خواهد شد. در احکام مزبور اطلاعی که طبق مادهٔ ۷۱ داده شده ذکر و در صورتیکه حکم مبنی بر مجازات محرومیت از آزادی باشد محل اجرای مجازات مزبور نیز قید خواهد

گردید. سایر احکام در صورت مجلس‌های دادگاه ثبت خواهد شد و ممکن است توسط نمایندگان دولت حامی ملاحظه شود. در صورت محکومیت اعدام یا محرومیت از آزادی به مدت دو سال یا بیشتر مواعد استینافی از تاریخی شروع خواهد شد که ابلاغ حکم به دولت حامی واصل شده باشد.

مادهٔ ۷۵:

در هیچ حالی محکومین به اعدام از حق تقاضای عفو محروم نخواهند شد.

هیچ حکم اعدامی اجرا نخواهد شد مگر پس از انقضای لااقل ششماه از تاریخی که ابلاغ حکم قطعی مبنی بر ابرام حکم اعدام یا تصمیم رد تقاضای عفو به دولت حامی واصل شده باشد.

مهلت ششماه مزبور را در بعضی موارد معین در موقعی که بر اثر اوضاع سخت و وخیم امنیت دولت اشغال کننده با نیروهای مسلح آن در معرض خطر متشکلی باشد می‌توان کوتاه کرد.

در هر حال دولت حامی اطلاع‌نامه‌ای دربارهٔ تقلیل مهلت مزبور دریافت خواهد نمود و آن دولت همواره می‌تواند ملاحظات و نظریات خود را در باب احکام اعدام مزبور به موقع برای مقامات صلاحیتدار اشغال کننده ارسال دارد.

مادهٔ ۷۶:

اشخاص مورد حمایت که تحت اتهام در آیند در کشور اشغال شده بازداشت و در صورت محکومیت مجازات خود را در همان کشور خواهند دید در صورت امکان از سایر بازداشتی‌ها مجزا خواهند بود و تابع رژیم غذائی و بهداشتی کافی خواهند بود به طوری که آنها را در حال سلامت کامل نگاه دارد و لااقل مطابق با رژیم مؤسسات تأدیبی کشور اشغال شده باشد.

پرستاری‌های طبی که مورد حاجت وضع مزاجی آنان باشد دریافت خواهند داشت.

همچنین اجازه خواهند داشت کمک روحانی را که بخواهند دریافت نمایند.

زنان در جاهای مجزا و تحت مراقبت مستقیم زنان قرارداده خواهند شد.

رژیم مخصوصی که برای صغار پیش‌بینی شده رعایت خواهد گردید.

اشخاص مورد حمایت که بازداشت شده باشند حق خواهند داشت توسط نمایندگان دولت حامی و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ بر طبق مفاد مادهٔ ۱۴۳ بازدید شوند.

بعلاوه حق خواهند داشت ماهی لااقل یک بسته امانت در یافت دارند.

مادهٔ ۷۷:

اشخاص مورد حمایت که توسط دادگاههای موجوده در اراضی اشغال شده متهم یا محکوم شده باشند در موقع پایان اشغال با پرونده خود به مقامات اراضی آزاد شده تسلیم خواهند گردید.

مادهٔ ۷۸:

دولت اشغال‌کننده در صورتیکه به علت موجبات عالیهٔ امنیت اتخاذ بعضی اقدامات تأمینی را دربارهٔ اشخاص مورد حمایت لازم بداند می‌تواند منتهی اقامت اجباری برای آنان تعیین یا مبادرت به بازداشت آنها

نماید.

تصمیمات مربوط به اقامت اجباری یا بازداشت طبق مقررات منظمی که باید توسط دولت اشغال کننده موافق مفاد این قرارداد تعیین شود صورت خواهد گرفت در مقررات مزبور باید حق تجدید نظر برای اشخاص ذیعلاقه پیش‌بینی شود و به تقاضاهای تجدید نظر در اسرع وقت رسیدگی خواهد شد. چنانچه تصمیمات متخذه ابرام شود در فواصل معین و در صورت امکان هر شش ماه به شش ماه توسط دستگاه ذیصلاحیتی که از طرف دولت مزبور تأسیس می‌شود در تصمیمات مزبور تجدیدنظر خواهد گردید.

اشخاص مورد حمایتی که مشمول اقامت اجباری و بالنتیجه مجبور به ترک اقامتگاه خود می‌شوند از مقررات مادهٔ ۳۹ این قرارداد بدون هیچگونه محدویتی بهره مند خواهند شد.

بخش چهارم
قواعد مربوط به رفتار با بازداشتیان
فصل اول
مقررات عمومی

مادهٔ ۷۹:

دولت‌های متخاصم نمی‌توانند اشخاص مورد حمایت را بازداشت‌کننده، مگر بر طبق مفاد مواد ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۶۸ و ۷۸.

مادهٔ ۸۰:

بازداشتیان استعداد کشوری خود را کاملاً حفظ خواهند کرد و حقوق ناشیه از آن را تا میزانی که با وضع بازداشت بودن آنان مانعةالجمع نباشد اعمال خواهند کرد.

مادهٔ ۸۱:

دول متخاصم که اشخاص مورد حمایت را بازداشت کنند مکلفند وسائل نگاهداری آنان را مجاناً فراهم و پرستاریهای طبی را که وضع مزاجی آنها لازم دارد به آنها اعطا نمایند.

از بابت استرداد این قبیل مصارف به هیچوجه چیزی از فوق‌العاده یا مزد یا مطالبات بازداشتیان کسر نخواهد شد.

دولت بازداشت‌کننده باید حوائج اشخاص تحت تکفل بازداشتیان را در صورتیکه فاقد وسائل کافی معاش باشند یا شخصاً قادر به تأمین زندگانی خود نباشند رفع نماید.

مادهٔ ۸۲:

دولت بازداشت‌کننده در حدود امکان بازداشتیان را بر حسب ملیت و زبان و رسوم آنان دسته‌بندی خواهد کرد. بازداشتیان تبعهٔ یک دولت صرفاًبه علت اختلاف زبان از همدیگر جدا نخواهند شد.

اعضاء یک خانواده در مدت بازداشت خصوصاً پدر و مادر و اطفالشان در یک محل بازداشت با هم

مجتمع خواهند شد به استثنای مواردی که به علت مقتضیات کار یا سلامت مزاج یا اجرای مقررات مذکور در فصل نهم بخش حاضر جدائی موقتی ضرورت یابد بازداشتیان می‌توانند تقاضا کنند اطفالشان که بدون سرپرستی اقوام رها شده‌اند با خود آنها بازداشت شوند.

تا حداکثر امکان اعضاء بازداشتی یک خانواده در یک محل مجتمع و مجزا از سایر بازداشتیان سکونت داده خواهند شد. بعلاوه باید تسهیلات لازم به آنها داده شود که بتوانند زندگی خانوادگی کنند.

فصل دوم
اماکن بازداشت

مادهٔ ۸۳:

دولت بازداشت‌کننده نمی‌تواند اماکن بازداشت را در نواحی قرار دهد که خصوصاً در معرض خطرات جنگ باشد.

دولت بازداشت‌کننده به وسیلهٔ دول حامی کلیهٔ اطلاعات مفیده را در باب وضع جغرافیائی اماکن بازداشت به دولت‌های خصم اطلاع خواهد داد.

هر وقت که ملاحظات نظامی اجازه دهد بازداشتگاهها به وسیله حروف IC نشان داده خواهد شد و حروف مزبور باید طوری قرارداده شود که هنگام روز از فراز آسمان به طور وضوح مشهود باشد. معهذا دولت‌های ذیربط می‌توانند وسیلهٔ دیگری برای علامت گذاری بین خود معلوم و توافق نمایند. هیچ محل دیگری غیر از بازداشتگاه نباید به این طریق علامتگذاری شود.

مادهٔ ۸۴:

بازداشتیان باید از حیث مسکن و ادارهٔ امور از اسیران جنگی و اشخاصی که به هر علتی از آزادی محروم شده‌اند مجزا باشند.

مادهٔ ۸۵:

دولت بازداشت‌کننده مکلف است همه نوع اقدامات لازم و ممکن را به عمل آورد که اشخاص مورد حمایت از بدو بازداشت در ابینه یا اماکنی سکونت داده شوند که متضمن همه گونه تضمینات بهداشتی و سلامتی بوده و حفاظت در مقابل سرما و اثرات جنگی را به طور مؤثر تأمین نمایند. در هیچ حالی محل بازداشت دائمی نباید در نواحی غیر سالم یا در نقاطی که آب و هوای آن برای بازداشتیان مضر باشد واقع شود. اشخاص مورد حمایت در کلیهٔ مواردی که موقتاً در ناحیهٔ غیر سالم یا در نقطه‌ای که آب و هوای آن برای سلامت مزاج مضر باشد بازداشت شوند باید در نزدیکترین وقتی که اوضاع اجازه دهد به بازداشتگاهی که بیم خطرات مزبور نرود انتقال یابند.

اماکن مزبور باید به کلی از رطوبت محفوظ و به اندازه کافی گرم و روشن شود خصوصاً در فاصله بین غروب وساعت خاموشی محلهای خواب باید وسعت کافی داشته باشد و خوب تهویه شود. به بازداشتیان

با توجه به آب و هوا و سن و جنس و وضع سلامت آنان لوازم خواب متناسب و روپوش به تعداد کافی داده خواهد شد.

بازداشتیان شب و روز تأسیسات بهداری طبق مقتضیات بهداشت که دائماً در حال نظافت نگاهداشته شود در اختیار خود خواهند داشت. مقدار کافی آب و صابون برای احتیاجات نظافت روزانهٔ بدن و برای شستشوی لباس به آنان داده خواهد شد. برای این کار تأسیسات و تسهیلات لازم به آنان اعطا خواهد گردید. بعلاوه حمام و دوش در اختیار خود خواهند داشت. وقت کافی به آنان داده خواهد شد که به بهداشت شخصی و امور تنظیفی بپردازند.

هر وقت که به طور استثناء و موقت لازم شود زنان بازداشتی که متعلق به یک دسته خانوادگی نیستند با مردان در یک بازداشتگاه اقامت داده شوند باید حتماً محل خواب و تأسیسات بهداری جداگانه برای آنان تهیه شود.

مادهٔ ۸۶:

دولت بازداشت‌کننده اماکن لازم را برای اجرای اعمال مذهبی در اختیار بازداشتیان اعم از هر مذهبی که داشته باشند خواهد گذاشت.

مادهٔ ۸۷:

در کلیهٔ محلهای بازداشت فروشگاههائی ایجاد خواهد شد (مگر آنکه تسهیلاتی نظیر آن در اختیار بازداشتیان باشد) تا بازداشتیان بتوانند مواد غذائی و اشیاء مصرف عادی منجمله صابون و توتون که موجب مزید راحت و آسایش شخصی آنان باشد به بهائی که هیچگاه از قیمتهای بازرگانی محلی تجاوز نکند برای خود تهیه کنند.

سود فروشگاههای مزبور به بستانکار یک حساب مخصوص تعاونی که در هر محل بازداشت دایر و به نفع بازداشتیان آن محل اداره می‌گردد منظور خواهد شد. کمیتهٔ بازداشتیان که در مادهٔ ۱۰۲ پیش‌بینی شده حق نظارت در ادارهٔ فروشگاهها و نگاهداری حساب مزبور خواهد داشت.

هنگام انحلال یک بازداشتگاه موجودی بستانکار حساب تعاونی به حساب تعاونی بازداشتگاه دیگری که افراد آن دارای همان ملیت باشند و در صورت فقد چنین بازداشتگاهی به حساب مرکزی تعاونی که به نفع کلیهٔ بازداشتیان موجود در اختیار دولت بازداشت‌کننده اداره می‌شود انتقال خواهد یافت. در صورت استخلاص عمومی بازداشتیان سود مزبور نزد دولت بازداشت‌کننده خواهد ماند مگر آنکه قرار دیگری بین دول ذیتفع در این باره منعقد شود.

مادهٔ ۸۸:

در کلیهٔ اماکن بازداشت که در معرض بمباران هوائی و سایر مخاطرات جنگ واقع باشند پناهگاههای متناسب به عدهٔ کافی جهت تأمین حفاظت لازمه دایر خواهد شد. بازداشتیان باید بتوانند در موقع آژیر خود را در اسرع وقت به پناهگاه برسانند مگر کسانی که در حفظ اقامتگاه خود در مقابل مخاطرات مزبور شرکت

دارند. کلیهٔ اقدامات حفاظتی که دربارهٔ اهالی به عمل می‌آید دربارهٔ بازداشتیان نیز به عمل خواهد آمد.

در بازداشتگاهها احتیاطات کافی در مقابل خطر آتش سوزی به عمل خواهد آمد.

فصل سوم
غذا و پوشاک

مادهٔ ۸۹:

جیرهٔ روزانهٔ بازداشتیان از حیث کم وکیف و تنوع به اندازهٔ کافی خواهد بود تا تعادل عادی سلامت آنان را حفظ و از عوارض کم غذائی جلو گیری کند همچنین رژیم غذائی عادی بازداشتیان نیز رعایت خواهد شد.

بعلاوه وسائل لازم به بازداشتیان داده خواهد شد تا اضافه غذائی را که در اختیار خود داشته باشند شخصاً مهیا کنند.

آب مشروب کافی برای آنان تهیه خواهد شد و استعمال دخانیات مجاز خواهد بود.

کارگران اضافه غذائی که متناسب با نوع کارشان باشد دریافت خواهند داشت.

زنان باردار و تازه‌زا و اطفال کمتر از پانزده سال اضافه غذائی متناسب با احتیاجات جسمانی خود دریافت خواهند کرد.

مادهٔ ۹۰:

کلیهٔ تسهیلات لازم به بازداشتیان داده خواهد شد که در موقع بازداشت لباس و کفش و لباس زیر عوضی با خود بردارند و بعداً هم در صورت احتیاج تهیه کنند چنانچه بازداشتیان ملبوس کافی به اقتضای هوای محل نداشته باشند و نتوانند تهیه کنند دولت بازداشت‌کننده لباس کافی مجاناً به آنها خواهد داد.

لباسی که دولت بازداشت‌کننده برای بازداشتیان تهیه می‌نماید و علائم خارجی که ممکن است به البسه مزبور نهد نباید نه جنبهٔ تخفیف داشته باشد و نه باعث مضحکه گردد.

کارگران لباس کار منجمله البسه حفاظتی در مواردی که نوع کار مستلزم آنست دریافت خواهند کرد.

فصل چهارم
بهداشت و پرستاری‌های طبی

مادهٔ ۹۱:

در هر محل بازداشت یک درمانگاه متناسب تحت نظر یک پزشک ذیصلاحیت دائر خواهد شد که در آنجا بازداشتیان از پرستاری‌های طبی که احتیاج داشته باشند و همچنین از رژیم غذائی متناسب بهره‌مند گردند. برای بیماران مبتلی به بیماریهای واگیردار وبیماریهای دماغی اماکن مجزا اختصاص داده خواهد شد.

زنان در دوران وضع حمل و بازداشتیانی که مبتلی به بیماری شدیدی باشند یا حالشان مستلزم عمل

جراحی یا بستری شدن در بیمارستان باشد در هر بنگاه مناسب پذیرفته خواهند شد تا تحت معالجه و پرستاری واقع شوند و پرستاری و معالجهٔ آنان نباید کمتر از آنچه در مورد عامه اهالی معمول است باشد.

بازداشتیان مرجحاً توسط کارکنان طبی که هموطن خودشان باشند تحت معالجه قرار خواهند گرفت.

بازداشتیان را نمی‌توان از مراجعه به مقامات پزشکی جهت معاینه ممنوع ساخت مقامات پزشکی دولت بازداشت‌کننده به هر بازداشتی که مورد معالجه قرار گرفته باشد در صورت تقاضا گواهینامهٔ رسمی حاکی از نوع بیماری یا جراحات و مدت معالجه و معالجاتی که شده تسلیم خواهند نمود.

المثنای گواهی مزبور به آژانس مرکزی مذکور در مادهٔ ۱۴۰ ارسال خواهد شد.

معالجه و تهیهٔ کلیهٔ آلاتی که برای حفظ بازداشتیان در حال سلامت کامل لازمست منجمله اعضای مصنوعی از قبیل دندان مصنوعی و غیره و عینک مجاناً به آنها داده نخواهد شد.

مادهٔ ۹۲:

لااقل ماهی یک دفعه بازرسی پزشکی از بازداشتیان خواهد شد. منظور از بازرسی مزبور مخصوصاً رسیدگی به وضع سلامت عمومی و تغذیه و نظافت و پیدا کردن بیماریهای واگیردار منجمله سل و بیماری‌های مقاربتی و مالاریا خواهد بود. بازرسی‌های مزبور منجمله مشتمل بر رسیدگی به وزن هر بازداشتی و لااقل سالی یک بار امتحان رادیوسکپی خواهد بود.

فصل پنجم
مذهب و فعالیت‌های فکری و جسمانی

مادهٔ ۹۳:

به بازداشتیان برای اجرای مذهب خود به انضمام حضور در مراسم مذهبی آزادی کامل داده خواهد شد مشروط به اینکه مطابق مقررات انتظامی جاری که توسط مقامات بازداشت‌کننده وضع شده رفتار کنند.

بازداشتیانی که کشیش مذهبی باشند مجاز خواهند بود مراسم مذهبی خود را بین هم کیشان خود به جای آورند. برای این منظور دولت بازداشت‌کننده مراقبت خواهد کرد که کشیشان مزبور به طور متساوی بین محل‌های بازداشت مختلف که اقامتگاه بازداشتیان همزبان و هم کیش باشد تقسیم شوند. چنانچه عدهٔ آنها کافی نباشد دولت بازداشت‌کننده تسهیلات کافی منجمله وسائط نقلیه به آنها خواهد داد تا از یک محل بازداشت به محل دیگر روند و به آنها اجازه خواهد داد که بازداشتیان موجوده در بیمارستانها را بـه‌بینند. کشیشان هر مذهب برای اعمال مذهبی خود از آزادی مکاتبه با مقامات مذهبی کشور محل بازداشت و در حدود امکان با سازمانهای مذهبی بین‌المللی کیش خود بهره‌مند خواهند بود. مکاتبات مزبور جزو سهمیه مذکور در مادهٔ ۱۰۷ شمرده نخواهد شد بلکه مشمول مقررات مادهٔ ۱۱۲ خواهد بود.

در مواقعی که بازداشتیان کمک روحانیون مذهب خود را در اختیار نداشته باشند یا عدهٔ روحانیون مزبور کافی نباشد مقام روحانی همان مذهب در محل می‌تواند با موافقت دولت بازداشت‌کننده یک نفر

روحانی از کیش بازداشتیان یا در صورتیکه از نظر مذهبی امکان پذیر باشد یک نفر روحانی کیش نظیر آن و یا یک نفر غیر روحانی ذیصلاحیت را تعیین نماید. این شخص از مزایای وابسته به وظیفه‌ای که عهده‌دار می‌شده برخوردار خواهد گردید. اشخاصی که بدین طریق تعیین می‌شوند باید بر طبق کلیهٔ آئین‌نامه‌هائی که توسط دولت بازداشت‌کننده از لحاظ انتظام و امنیت وضع می‌شود رفتار نمایند.

مادهٔ ۹۴:

دولت بازداشت‌کننده فعالیت‌های فکری و تعلیمی و تفریحی و ورزشی بازداشتیان را تشویق خواهد کرد و در عین حال بازداشتیان را آزاد خواهد گذاشت که در فعالیت‌های مزبور شرکت کنند یا نه. برای تأمین این قبیل فعالیت‌ها اقدامات لازم به عمل خواهد آورد و مخصوصاً اماکن مناسب در اختیار آنان خواهد گذاشت.

کلیهٔ تسهیلات ممکنه به بازداشتیان اعطاء خواهد شد که تحصیلات خود را تعقیب یا تحصیلات جدیدی را شروع نمایند. تعلیم کودکان و جوانان تأمین خواهد شد. کودکان و جوانان خواهند توانست خواه در داخل و خواه در خارج محل بازداشت به مدرسه بروند.

بازداشتیان باید بتوانند به ورزش‌های بدنی مبادرت نمایند و در ورزشها دسته‌جمعی و بازی در هوای آزاد شرکت کنند. برای این کار فضاهای آزاد کافی در کلیهٔ محل‌های بازداشت اختصاص داده خواهد شد. برای کودکان و جوانان محل‌های مخصوص تخصیص خواهد یافت.

مادهٔ ۹۵:

دولت بازداشت‌کننده نمی‌تواند بازداشتیان را به عنوان کارگر به کار گمارد مگر آنکه خودشان مایل باشند. در هر حال کارهای ذیل ممنوع است: کاری که اگر به یک شخص مورد حمایت غیر بازداشتی تحمیل شود به منزلهٔ تخلف از مواد ۴۰ یا ۵۱ این قرارداد باشد و همچنین کارهائی که جنبهٔ تحقیر یا تخفیف داشته باشد.

بازداشتیان پس از یک دوره کار شش هفته می‌توانند در هر موقع با هشت روز پیش آگهی از کار کردن صرف‌نظر نمایند.

این مقررات مانع از حق دولت بازداشت‌کننده نخواهد بود که پزشکان و دندان پزشکان و سایر کارکنان بهداری موجود در بازداشت را وادار نماید که خود را به نفع بازداشتیانی که در همان بازداشتگاهند به موقع اجرا گذارند یا بازداشتیان را به کارهای اداره و نگاهداری محل بازداشت وادار یا اشخاص مزبور را به تصدی کارهای آشپزخانه یا سایر کارهای خانه‌داری به‌گمارد و یا بالاخره آنها را به کارهای مربوط به حفظ بازداشتیان از بمباران‌های هوائی یا سایر خطرات ناشیه از جنگ را دارد. معهذا هیچ بازداشتی را نمی‌توان به کاری گماشت که طبیب اداره عدم استعداد جسمانی او را برای آن کار اعلام داشته باشد.

دولت بازداشت‌کننده عهده‌دار مسئولیت کامل کلیهٔ شرایط کار و پرستاری‌های طبی و پرداخت مزد و جبران غرامت سوانح کار و بیماریهای حرفه‌ای خواهد بود. شرایط کار و غرامت سوانح کار و بیماریهای

حرفه‌ای بر طبق قوانین ملی و رسوم معموله خواهد بود ودر هیچ حال کمتر از شرایط و غراماتی نخواهد بود که در همان ناحیه برای همان نوع کار مجری است. مزدها به طور عادلانه با توافق بین دولت بازداشت‌کننده و بازداشتیان یا در صورت اقتضاء با توافق کارفرمایانی غیر از دولت بازداشت‌کننده و با توجه به این نکته که دولت بازداشت‌کننده مکلف است نگاهداری بازداشتی و معالجات طبی لازمهٔ حال مزاجی او را مجاناً تأمین کند تعیین خواهد شد. بازداشتیانی که به طور دائم به کارهای مذکور در بند سوم گماشته می‌شوند مزد عادلانه‌ای از دولت بازداشت‌کننده دریافت خواهند داشت. شرایط کار وغرامت سوانح کار و بیماریهای حرفه‌ای کمتر از آنچه که در مورد همان کار در همان ناحیه مجری است نخواهد بود.

مادهٔ ۹۶:

هر دسته کار تابع یک محل بازداشت خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولت بازداشت‌کننده و فرمانده آن محل بازداشت مسئول رعایت مقررات این قرارداد در دسته‌های کار خواهند بود. فرمانده صورت منظمی از دسته‌های کار تابع خود نگاه خواهد داشت و به نمایندگان دولت حامی یا کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ یا سایر سازمانهای نوعپروری که محل‌های بازداشت را بازدید کنند تسلیم خواهند نمود.

فصل ششم
اموال شخصی و منابع مالی

مادهٔ ۹۷:

بازداشتیان مجاز خواهند بود اشیاء و لوازم مصرف شخصی خود را نگاهدارند. وجوه نقدی و چک‌ها و اوراق بهادار و غیره و همچنین اشیاء قیمتی که داشته باشند نمی‌توان از آنها گرفت مگر بر طبق ترتیبات معین و در مقابل آنها رسیدی به آنان داده خواهد شد.

وجوه نقدی به بستانکار حساب هر بازداشتی به شرحی که در مادهٔ ۹۸ پیش‌بینی شده منظور خواهد گردید. وجوه مزبور را نمی‌توان به پول دیگری تسعیر کرد مگر آنکه قوانین کشوری که بازداشتی در آنجا بازداشت شده چنین مقرر داشته باشد یا خود او رضا دهد.

اشیائی را که بیشتر ارزش شخصی یا ارزش احساساتی داشته باشد نمی‌توان از بازداشتیان گرفت.

زن بازداشتی را جز به وسیلهٔ زنان نمی‌توان بازرسی بدنی کرد.

بازداشتیان هنگام آزادی یا اعاده به میهن موجودی حساب خود موضوع ماده ۹۸ را نقداً دریافت خواهند کرد و همچنین کلیه اشیاء و وجوه نقدی و چکها و اوراق بهادار و غیره که در حین بازداشت از آنها گرفته شده عیناً به آنان مسترد خواهد شد به استثنای اشیاء قیمتی که دولت بازداشت‌کننده طبق قوانین جاریه خود باید نگاهدارد در صورتی که مالی متعلق به یک نفر بازداشتی بر طبق قوانین مزبور نگاه‌داشته شود یک قبض رسید تفصیلی به شخص ذینفع داده خواهد شد.

اسناد خانوادگی و اوراق هویت موجوده نزد بازداشتیان را نمی‌توان از آنان گرفت مگر با دادن رسید. در

هیچ حالی بازداشتیان نباید بدون اوراق هویت بمانند چنانچه اوراق هویت نداشته باشند اوراق مخصوصی توسط دولت بازداشت‌کننده تهیه و به آنها داده خواهد شد که تا پایان بازداشت به جای اوراق هویت به کار رود.

بازداشتیان می‌توانند برای انجام خریدهای خود مبلغی پول نقداً یا به شکل بیجکهای خرید نزد خود داشته باشند.

مادهٔ ۹۸:

کلیه بازداشتیان منظماً فوق‌العاده‌هائی برای خرید خواربار و اشیائی از قبیل توتون و لوازم آرایش و غیره دریافت خواهند داشت. این فوق‌العاده‌ها ممکن است به صورت اعتبار یا بیجکهای خرید باشد.

بعلاوه بازداشتیان می‌توانند کمک هزینه‌هائی از دول متبوع خود یا دول حامی یا از هر گونه سازمانی که به آنها کمک کند یا از خانواده‌های خود دریافت نمایند و همچنین در آمد اموال خود را طبق قوانین دولت بازداشت‌کننده دریافت کنند. مبالغ کمک هزینه‌هائی که توسط دولت مطبوعه اعطاء می‌شود برای هر طبقه از بازداشتیان (معلولین - بیماران زنان باردار و غیره) به یک میزان خواهد بود و دولت اخیر نمی‌تواند میزان آن را بر اساس تمایزهائی که به موجب مادهٔ ۲۷ این قرارداد ممنوع است تعیین کند و دولت بازداشت کننده هم نمی‌تواند آنها را بر آن اساس تقسیم نماید.

دولت بازداشت‌کننده برای هر فرد بازداشتی حساب منظمی نگاه خواهد داشت و فوق‌العاده‌های مذکور در این ماده و مزدهائی را که آن فرد دریافت می‌دارد و کلیه وجوه ارسالی را که برای او واصل گردیده به بستانکاران حساب منظور خواهد کرد همچنین وجوهی که از او اخذ شده و بر طبق قوانین جاریه در کشور محل بازداشت قابل استفاده است به بستانکاران حساب منظور خواهد شد. به بازداشتیان همه گونه تسهیلات که با قوانین جاریه در کشور ذیربط مطابق باشد داده خواهد شد که برای خانواده خود و کسانی که از جنبهٔ اقتصادی تحت تکفل آنان می‌باشند کمک هزینه بفرستند. بازداشتیان می‌توانند وجوه لازم جهت هزینه‌های شخصی خود را در حدودی که دولت بازداشت‌کننده معین نموده از این حساب برداشت نمایند. تسهیلات عادلانه به آنها داده خواهد شد که در هر موقع حساب خود را رسیدگی کنند و خلاصه‌هائی از آن به دست آورند. حساب مزبور در صورت تقاضا به دولت حامی ابلاغ خواهد شد و در صورتیکه شخص بازداشتی به جای دیگر انتقال یابد حسابش نیز به دنبالش فرستاده خواهد شد.

فصل هفتم
اداره و انتظامات

مادهٔ ۹۹:

هر محل بازداشت تحت امر یک افسر یا کارمند مسئول که از بین نیروهای نظامی منظم یا از کادر اداری کشوری منظم دولت بازداشت‌کننده انتخاب شده باشد قرارداده خواهد شد. افسر یا کارمند فرمانده محل

بازداشت متن این قرارداد را به زبان یا به یکی از زبان‌های رسمی نزد خود خواهد داشت و مسئول اجرای آن خواهد بود. مقررات این قرارداد و آئین‌نامه‌های اجرائی آن به مأمورین مراقبت آموخته خواهد شد.

متن این قرارداد و متن موافقت‌نامه‌های اختصاصی که بر طبق این قرارداد منعقد می‌شود در داخل محل بازداشت به زبانی که بازداشتیان به‌فهمند اعلان خواهد شد و یا به کمیتهٔ بازداشتیان تسلیم خواهد گردید.

آئین‌نامه‌ها و امریه‌ها و اخطارها و آگهی‌ها از هر قبیل باید به زبانی که بازداشتیان به‌فهمند به آنان ابلاغ و در داخل محل بازداشت اعلان شود.

کلیهٔ اوامر و دستورهائی که انفراداً به بازداشتیان داده می‌شود نیز باید به زبانی باشد که به‌فهمند.

مادهٔ ۱۰۰:

انتظامات محل بازداشت باید مقرون به اصول انسانیت بوده و در هیچ مورد مشتمل بر مقرراتی نخواهد بود که خستگی‌های جسمانی خطر ناک جهت سلامت مزاج یا صدمات بدنی یا روحی برای بازداشتیان ایجاد نماید. خالکوبی و گذاشتن علائم یا نشان‌های جسمانی جهت تعیین هویت ممنوع است.

بالاخص ایست و حاضر و غایب ممتد ورزشهای بدنی از جنبهٔ تنبیهی و ورزشهای مانور نظامی و تضییقات غذائی ممنوع است.

مادهٔ ۱۰۱:

بازداشتیان حق دارند درباب رژیمی که دربارهٔ آنان اعمال می‌شود به مقاماتی که آنها را در اختیار خود دارد عرضحال بدهند.

همچنین حق بلاحصر خواهند داشت که خواه به وسیلهٔ کمیتهٔ بازداشتیان و خواه در صورتیکه لازم بدانند به طور مستقیم به نمایندگان دولت حامی مراجعه و موارد شکایاتی را که به رژیم بازداشت دارند تعیین نمایند.

عرضحال‌ها و شکایات مزبور باید به فوریت بدون تغییر به مقامات مربوطه فرستاده شود. شکایت حتی اگر معلوم شود که بی اساس است نمی‌تواند موجب تنبیه شود.

کمیته‌های بازداشتیان می‌توانند گزارشهای متناوب راجع به محل بازداشت و احتیاجات بازداشتیان به نمایندگان دولت حامی بدهند.

مادهٔ ۱۰۲:

در هر محل بازداشت بازداشتیان هر ششماه یک بار آزادانه به رأی مخفی اعضای کمیتهٔ بازداشتیان را انتخاب خواهند کرد و کمیتهٔ مزبور نمایندگی بازداشتیان را در قبال دول حامی و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و هر دستگاه دیگری که به کمک بازداشتیان بیابد خواهد داشت. اعضای این کمیته ممکن است پس از پایان ششماه مجدداً انتخاب شوند.

بازداشتیان منتخب پس از آنکه انتخابشان به تصویب مقام بازداشت‌کننده رسید رسمیت خواهند یافت. علل امتناع از تصویب یا عزل که احیاناً صورت گیرد به دولت‌های ذیربط اطلاع داده خواهد شد.

مادهٔ ۱۰۳:

کمیته‌های بازداشتیان باید در آسایش جسمانی و معنوی و فکری بازداشتیان مشارکت نمایند.

مخصوصاً در صورتیکه بازداشتیان تصمیم بگیرند که بین خود تعاون متقابل تشکیل دهند تشکیل آن علاوه بر تکالیف مخصوصی که به موجب سایر مقررات این قرارداد به عهدهٔ کمیته‌های بازداشتیان محول است در صلاحیت کمیته‌های مزبور خواهد بود.

مادهٔ ۱۰۴:

در صورتیکه رجوع کار دیگری به اعضاء کمیته‌های بازداشتیان انجام وظیفه آنها را دشوار سازد اعضاء مزبور به اجرای کار دیگری وادار نخواهند شد.

اعضای کمیته‌ها می‌توانند دستیارانی را که لازم دارند از بین بازداشتیان تعیین کنند.

همه گونه تسهیلاتی مادی به آنان داده خواهد شد منجمله تا حدی آزادی حرکت که برای اجرای وظائف آنان لازم است (بازدید دسته‌های کار - تحویل گرفتن کالا و غیره).

همچنین برای مکاتبات پستی و تلگرافی اعضاء کمیته‌ها با مقامات بازداشت کننده و دول حامی و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و نمایندگان آن و سازمانهائی که به بازداشتیان کمک می‌نمایند همه گونه تسهیلات به اعضای کمیته‌ها داده خواهد شد. اعضاء کمیته‌ها که در دسته‌های کار هستند از همین تسهیلات برای مکاتبه با کمیته اصلی محل بازداشت بهره‌مند خواهند بود. مکاتبات مزبور محدود نخواهد بود و جزو سهمیه مذکور در مادهٔ ۱۰۷ شمرده نخواهد شد.

هیچ عضو کمیته را نمی‌توان به محل دیگر منتقل ساخت مگر آن که فرصت لازم به او داده شود که جانشین خود را در جریان امور جاری گذارد.

فصل هفتم
روابط با خارج

مادهٔ ۱۰۵:

دول بازداشت‌کننده به محض اینکه مبادرت به بازداشت اشخاص مورد حمایت نمایند اقداماتی را که برای اجرای مقررات این ماده پیش‌بینی کرده‌اند به اطلاع اشخاص مزبور و دولت متبوع آنان و دولت حامی آنان خواهند رسانید و هر تغییری را که در اقدامات مزبور بعداً بدهند به همین طریق ابلاغ خواهند کرد.

مادهٔ ۱۰۶:

هر بازداشتی به محض بازداشت یا منتهی یک هفته پس از ورود به محل بازداشت و همچنین در صورت بیماری یا در صورت انتقال به محل بازداشت دیگر یا به بیمارستان خواهد توانست مستقیماً از یک

طرف به خانواده خود و از طرف دیگر به آژانس مرکزی مذکور در مادهٔ ۱۴۰ یک کارت بازداشت که در صورت امکان طبق نمونه پیوست این قرارداد خواهد بود بفرستند و آنها راا ز بازداشت و نشانی و وضع سلامت خود مستحضر سازد. کارت‌های مزبور با حداکثر سرعت ممکنه ارسال خواهد شد و نباید به هیچ وجه به تأخیر افتد.

مادهٔ ۱۰۷:

بازداشتیان اجازه خواهند داشت که نامه و کارت ارسال و دریافت دارند چنانچه دولت بازداشت کننده لازم بداند که عدهٔ نامه‌ها و کارت‌های ارسالی هر بازداشتی را محدود سازد عدهٔ مزبور نباید از ماهی دو نامه و چهار کارت که حتی‌الامکان طبق نمونهٔ ضمیمهٔ این قرارداد تنظیم خواهد شد کمتر باشد. در صورتیکه لازم باشد دربارهٔ مکاتبات ارسالی به عنوان بازداشتیان محدودیت‌هائی برقرار شود دستور آن فقط باید توسط کشور مبدأ احیاناً بر حسب تقاضای دولت بازداشت‌کننده داده شود. نامه‌ها و کارت‌های مزبور باید در ظرف مدت معتدلی حمل شود و نمی‌توان آنها را به جهات انضباطی به تأخیر انداخت یا نگاهداشت.

بازداشتیانی که مدتی از خانواده خود بی خبر مانده یا قادر نباشند از طریق عادی خبری از خانواده خود کسب کنند یا بفرستند مجاز خواهند شد که تلگرافاتی مخابره نمایند و باید نرخ تلگرافات را به پولی که در اختیار خود دارند به پردازند.

به طور کلی مکاتبات بازداشتیان به زبان مادری خودشان تحریر خواهد شد. دولت‌های متخاصم می‌توانند مکاتبه به سایر زبانها را اجازه دهند.

مادهٔ ۱۰۸:

بازداشتیان مجاز خواهند بود که بوسیلهٔ پست یا هر وسیلهٔ دیگری امانات شخصی یا دسته‌جمعی که منجمله محتوی مواد غذائی و ملبوس و دارو و کتاب و اشیائی که احتیاجات آنان را در مسائل مذهبی و مطالعه و اوقات بیکاری رفع کند دریافت دارند. این قبیل مرسولات به هیچوجه دولت بازداشت‌کننده را از تعهداتی که به موجب این قرارداد بر عهده دارد معاف نخواهد ساخت.

در صورتیکه به علل نظامی لازم شود مقدار مرسولات مزبور محدود گردد مراتب باید رسماً به دولت حامی و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ یا هر سازمان دیگری که به کمک بازداشتیان آمده اطلاع داده شود.

ترتیبات ارسال امانات شخصی یا دسته‌جمعی در صورت لزوم موضوع موافقت‌نامه‌های مخصوصی بین دولت‌های ذیربط قرار خواهد گرفت و موافقت‌نامه‌های مزبور نباید به هیچ وجه وصول امانات کمکی را به دست بازداشتیان به تأخیر اندازد. در امانات محتوی خواروبار و ملبوس نباید کتاب گذاشته شود. کمک‌های طبی به طور کلی در مرسولات دسته‌جمعی ارسال خواهد شد.

مادهٔ ۱۰۹:

در صورتی که بین دولت‌های متخاصم موافقت‌نامه‌های مخصوصی برای دریافت و تقسیم مرسولات کمکی دسته‌جمعی موجود نباشد آئین‌نامهٔ مرسولات دسته‌جمعی که پیوست این قرارداد است به موقع

اجرا گذاشته خواهد شد.

موافقت‌نامه‌های مخصوص مذکور فوق نباید در هیچ موردی حق کمیتهٔ بازداشتیان را نسبت به تحویل گرفتن مرسولات دسته‌جمعی جهت بازداشتیان و اقدام در تقسیم آن‌ها و مبادرت به تصرفات در آن‌ها به نفع بازداشتیان محدود سازد.

همچنین نباید حق نمایندگان دولت حامی و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ و هر مؤسسه تعاونی دیگر را که مأمور انتقال مرسولات دسته‌جمعی مزبور و نظارت در تقسیم آن بین گیرندگان می‌شوند محدود نماید.

مادهٔ ۱۱۰:

کلیهٔ مرسولات کمکی که برای بازداشتیان فرستاده می‌شود. از هر گونه حقوق ورودی و گمرکی و غیره معاف خواهند بود.

کلیهٔ مرسولات به انضمام امانات پستی کمکی و ارسال وجه که از کشورهای دیگر به عنوان بازداشتیان فرستاده شود یا از طرف بازداشتیان توسط پست خواه مستقیماً و خواه به وسیلهٔ دفاتر اطلاعات مذکور در مادهٔ ۱۳۶ و آژانس مرکزی اطلاعات مذکور در مادهٔ ۱۴۰ ارسال گردد از هر گونه عوارض پستی چه در کشورهای مبدأ و مقصد و چه در کشورهای عرض راه معاف خواهند بود. برای این منظور خصوصاً معافیت‌هائی که در قرارداد پستی جهانی مورخ ۱۹۴۷ و در قرارنامه‌های اتحادیه پستی جهانی دربارهٔ افراد غیر نظامی تبعهٔ دشمن بازداشتی در بازداشتگاهها یا در زندان‌های کشوری پیش‌بینی شده شامل سایر اشخاص مورد حمایت که به موجب این قرارداد در بازداشت باشند نیز خواهد بود. دولی که در قرارنامه‌های مزبور شرکت ندارند مکلفند معافیت‌های مذکور را به همان شرایط اعطاء نمایند.

مرسولات کمکی ارسالی جهت بازداشتیان در صورتیکه حمل آنها بعلت زیادی وزن یا هر علت دیگری به وسیلهٔ پست میسر نباشد کرایه حمل آنها در تمام قلمرو دولت بازداشت کننده به عهدهٔ آن دولت خواهد بود. سایر دول عضو این قرارداد کرایه حمل آنها را هر کدام در خاک خود بر عهده‌خواهند گرفت.

هزینه‌های ناشیه از حمل مرسولات مزبور که طبق بندهای بالا تأمین نشود بر عهده فرستنده خواهد بود.

دول معظمهٔ متعاهد سعی خواهند کرد در نرخ تلگرافاتی که توسط بازداشتیان مخابره یا به عنوان آنها فرستاده می‌شود حتی‌الامکان تخفیف داده شود.

مادهٔ ۱۱۱:

در صورتیکه عملیات نظامی مانع از آن شود که دول ذیربط تعهدات خود را از حیث تأمین حمل مرسولات مذکور در مواد ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۱۳ ایفا کنند دول حامی ذیربط یا کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ یا هر سازمان مورد قبول دول متخاصم می‌توانند با وسائل متناسب (واگن - کامیون - کشتی - هواپیما و غیره) مبادرت به تأمین حمل آن نمایند. برای این منظور دول معظمهٔ متعاهد سعی خواهند کرد

وسائل حمل ونقل مزبور را بدهند و اجازهٔ عبور آنها را منجمله با صدور پروانه‌های عبور لازم اعطا نمایند.

وسائط نقلیهٔ مزبور برای حمل اشیاء ذیل نیز ممکن است مورد استفاده قرار گیرد.

الف - مکاتبات و صورت‌ها و گزارشهای متبادله بین آژانس مرکزی اطلاعات مذکور در مادهٔ ۱۴۰ و دفاتر ملی مذکور در مادهٔ ۱۳۶.

ب - مکاتبات و گزارش‌های مربوط به بازداشتیان که دول حامی یا کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ یا هر سازمان کمک به بازداشتیان خواه با نمایندگان خود و خواه با دول متخاصم مبادله می‌نمایند.

مقررات حاضر به هیچ وجه این حق هر دولت متخاصم را محدود نمی‌سازد که اگر بهتر دانست وسائل نقلیهٔ دیگری ترتیب دهد و پروانه‌های حمل به شرایطی که مورد توافق واقع شود اعطا نماید.

هزینه ناشیه از استعمال وسائط نقلیهٔ مزبور به تناسب اهمیت مرسولات به عهدهٔ دول متخاصمی خواهد بود که اتباعشان از این خدمات بهره‌مند می‌شوند.

مادهٔ ۱۱۲:

سانسور مکاتبات واصله به عنوان بازداشتیان یا صادره توسط آنان باید در اسرع وقت صورت گیرد.

بازرسی مرسولات واصله به عنوان بازداشتیان نباید طوری انجام شود که حفظ مواد غذائی محتوی آنها را بخطر اندازد و باید در حضور صاحب امانت یا رفیقی که از طرف او وکالت داشته باشد صورت گیرد.

تسلیم مرسولات شخصی یا دسته‌جمعی به بازداشتیان نباید به بهانه مشکلات سانسور به تعویق افتد.

هر گونه قدغن مکاتبات که به علل نظامی یا سیاسی توسط دول متخاصم وضع شود فقط جنبه موقتی خواهد داشت و مدت آن هر چه کوتاهتر خواهد بود.

مادهٔ ۱۱۳:

دول بازداشت‌کننده کلیهٔ تسهیلات عادلانه را فراهم خواهند آورد که وصیت‌نامه‌ها و وکالت‌نامه‌ها یا هر نوع اسناد دیگری که برای بازداشتیان فرستاده می‌شود یا بازداشتیان ارسال می‌دارند به وسیلهٔ دولت حامی یا آژانس مرکزی مذکور در مادهٔ ۱۴۰ یا به وسیلهٔ مطلوب دیگر به مقصد برسد.

در همه احوال دول بازداشت‌کننده در تنظیم و ثبت رسمی این قبیل اسناد تسهیلات لازم برای بازداشتیان فراهم خواهند آورد و مخصوصاً به بازداشتیان اجازه خواهند داد که با مشاورین حقوقی مشورت نمایند.

مادهٔ ۱۱۴:

دولت بازداشت‌کننده همه گونه تسهیلات را که با رویهٔ بازداشت و قوانین جاریه مباینت نداشته باشد برای بازداشتیان فراهم خواهد آورد که اموال خود را اداره کنند. برای این منظور ممکن است در موارد فوری و در صورتیکه اوضاع اقتضاء کند به آنها اجازه دهد که از محل بازداشت خارج شود.

مادهٔ ۱۱۵:

در کلیهٔ مواردیکه یک بازداشتی در هر دادگاهی از هر قبیل طرف دعوی باشد دولت بازداشت‌کننده باید

بنابر تقاضای ذینفع به دادگاه اطلاع دهد که شخص مزبور در بازداشت است و باید در حدود قانون مراقبت نماید که کلیه تدابیر لازم اتخاذ شود که در مراحل مقدماتی و جریان دادرسی و اجرای هر رأی صادره از دادگاه هیچگونه خسارتی به علت وجود در بازداشت متوجه او نگردد.

مادهٔ ۱۱۶:

هر بازداشتی اجازه خواهد داشت که در فواصل معین و هر چه بیشتر اشخاص و در مرحله اول نزدیکان خود را بپذیرد.

در موارد فوری و در حدود امکان منجمله در صورت فوت یا بیماری شدید یکی از نزدیکان به بازداشتی اجازه داده خواهد شد که نزد خانواده خود رود.

فصل نهم
مجازات‌های جزائی و انتظامی

مادهٔ ۱۱۷:

تحت قید و شرط مقررات این فصل قوانین جاریه در اراضی که محل بازداشتیان است کماکان در مورد بازداشتیانی که مرتکب جرائمی شوند اجزا خواهد گردید.

چنانچه قوانین یا آئین‌نامه‌ها یا احکام عمومی اعمالی را در صورت ارتکاب از ناحیه بازداشتیان قابل مجازات اعلام نمایند که همان اعمال در صورت ارتکاب از ناحیهٔ اشخاص غیر بازداشتی قابل مجازات شناخته نشود اعمال مزبور فقط مشمول مجازات‌های انتظامی خواهد بود.

یک نفر بازداشتی نمی‌تواند به علت یک عمل یا یک اتهام بیش از یک بار مجازات شود.

مادهٔ ۱۱۸:

محاکم و مقامات حاکمه در موقع تعیین مجازات این نکته را به وسیعترین وجهی در نظر خواهند گرفت که متهم تبعهٔ دولت بازداشت‌کننده نیست محاکم و مقامات مزبور آزاد خواهند بود مجازاتی را که برای جرم ارتکابی بازداشتی متهم پیش‌بینی شده تخفیف دهند و ملزم نخواهند بود که حداقل مجازات را رعایت نمایند.

توقیف در اماکنی که از روشنائی روز محروم باشد و به طور کلی هر نوع قساوت از هر قبیل ممنوع است.

بازداشتیانی که مجازات شوند پس از تحمل مجازاتی که از جنبهٔ انتظامی یا قضائی دربارهٔ آنان مقرر گردیده نباید رفتاری که با آنها می‌شود با رفتاری که با سایر بازداشتیان می‌شود فرق داشته باشد.

مدت توقیف موقتی متهم از هر گونه مجازات محرومیت از آزادی که از لحاظ انتظامی یا قضائی دربارهٔ او معین شود کسر خواهد گردید.

کمیته‌های بازداشتیان از کلیهٔ محاکمات قضائی که بر علیه بازداشتیان موکل آنان اقامه شود مسحضر

خواهند گردید و همچنین نتایج آن به ایشان اطلاع داده خواهد شد.

مادهٔ ۱۱۹:

مجازات‌های انتظامی که دربارهٔ بازداشتیان قابل اجراست به قرار ذیل است:

۱ - جریمه تا میزان ۵۰ درصد از مزد مذکور در مادهٔ ۹۵ به مدتی که از سی روز تجاوز نکند.

۲ - حذف مزایائی که علاوه بر معاملهٔ مقرره به موجب این قرارداد اعطا شده.

۳ - بیگاری که از روزی دو ساعت متجاوز نباشد و به منظور نگاهداری محل بازداشت اجرا شود.

۴ - توقیف.

درهیچ حالی مجازات‌های انتظامی نباید خلاف انسانیت یا توأم با خشونت یا خطرناک جهت سلامت بازداشتیان باشد و باید در موقع تعیین مجازات سن و جنس و وضع مزاج بازداشتیان در نظر گرفته شود.

مدت یک مجازات واحد هیچ وقت نباید از سی روز متوالی تجاوز کند ولو آنکه یکنفر بازداشتی هنگامی که درباره‌اش رسیدگی می شود بایستی از نظر انتظامی جواب چندین عمل را بدهد خواه اعمال مزبور با هم تقارن داشته باشد یا نه.

مادهٔ ۱۲۰:

بازداشتیان فراری یا آنها که اقدام به فرار کنند و دستگیر شوند برای این عمل ولو در صورت تکرار فقط مشمول مجازات‌های انتظامی خواهند بود.

علی رغم بند سوم مادهٔ ۱۱۸ بازداشتیانی که بر اثر فرار یا اقدام به فرار محکوم شوند ممکن است تحت مراقبت قرار داده شوند مشروط به اینکه در نتیجهٔ این عمل سلامت مزاج آنان در خطر نیفتد و عمل مزبور در یک بازداشتگاه انجام و شامل حذف هیچیک از تضمیناتی که به موجب این قرارداد به آنها اعطا گردیده نباشد.

بازداشتیانی که در فرار یا اقدام به فرار معاونت کرده باشند از این باب فقط مشمول مجازات انتظامی خواهند بود.

مادهٔ ۱۲۱:

فرار یا اقدام به فرار ولو در صورت تکرار در موردی که بازداشتی برای جرائم ارتکابی در حین فرار به دادگاه احاله شود در حکم علل مشدده شمرده نخواهد شد.

دول متخاصم مراقبت خواهند کرد که مقامات مربوطه در موقع تشخیص اینکه جرم ارتکابی یک نفر بازداشتی مشمول مجازات‌های انتظامی یا قضائی است خصوصاً در مورد اعمال مقارن یا فرار یا اقدام به فرار اغماض و گذشت را وجهه نظر قرار دهند.

مادهٔ ۱۲۲:

اعمالی که در حکم تخلف از انتظامات باشد مورد تحقیق فوری قرار خواهد گرفت. منجمله در مورد فرار یا اقدام به فرار به همین قرار عمل خواهد شد بازداشتی فراری که دستگیر شود هر چه زودتر به مقامات

صلاحیت‌دار تسلیم خواهد گردید.

مدت توقیف موقت در صورت خلاف انتظامی دربارهٔ کلیهٔ بازداشتیان به حداقل امکان تقلیل خواهد یافت و از ۱۴ روز تجاوز نخواهد کرد. در هر حال مدت آن از مدت مجازات محرومیت از آزادی که دربارهٔ متخلف مقرر شود کسر خواهد شد.

مقررات مواد ۱۲۴ و ۱۲۵ دربارهٔ بازداشتیانی که بعلت خلاف انتظامی در توقیف موقت باشند اجرا خواهد گردید.

مادهٔ ۱۲۳:

با حفظ صلاحیت دادگاهها و مقامات عالیه مجازات‌های انتظامی فقط توسط فرمانده محل بازداشت یا توسط افسر یا کارمند مسئولی که فرمانده محل قدرت انتظامی خود را به او واگذار کرده باشد معین خواهد شد.

قبل از صدور حکم انتظامی کلیه موارد ایراد دقیقاً به متهم اطلاع داده خواهد شد و او مجاز خواهد بود علت رفتار خود را توجیه کند و از خود دفاع نماید و گواه بیاورد و در صورت لزوم از یک نفر مترجم ذیصلاحیت استفاده کند. حکم در حضور متهم و یک نفر عضو کمیته بازداشتیان صادر خواهد شد.

بین صدور حکم انتظامی و تاریخ اجرای آن نباید بیش از یک ماه فاصله شود.

هر گاه یک نفر محکوم مجدداً محکوم به مجازات انتظامی دیگری شود چنانچه مدت یکی از محکومیت‌های مزبور ده روز یا بیشتر باشد لااقل بین اجرای دو محکومیت سه روز فاصله خواهد شد.

فرمانده محل بازداشت باید دفتری از احکام مجازات‌های انتظامی نگاهدارد و دفتر مزبور به اختیار نمایندگان دولت حامی گذاشته خواهد شد.

مادهٔ ۱۲۴:

در هیچ حالی بازداشتیان را نباید به مؤسسات تأدیبی (زندان - دارالتأدیب - محبس - اعمال شاقه و غیره) انتقال داد که مجازات‌های انتظامی خود را در آنجا تحمیل نمایند.

اماکنی که محل اجرای مجازات‌های انتظامی است باید موافق اصول بهداشت باشد منجمله شامل لوازم خواب کافی باشد و بازداشتیان محکوم بتوانند خود را در حال نظافت نگاهدارند.

زنان بازداشتی که محکوم به مجازات انتظامی شوند در اماکنی که از اماکن مردان مجزا باشد بازداشت خواهند شد و تحت مراقبت مستقیم زنان قرار خواهند گرفت.

مادهٔ ۱۲۵:

بازداشتیان محکوم به مجازات انتظامی حق خواهند داشت هر روز ورزش کنند و لااقل دو ساعت در هوای آزاد باشند.

در صورتی که تقاضا کنند به آنها اجازه داده خواهد شد که در معاینهٔ طبی روزانه حضور یابند. معالجاتی که لازمه وضع مزاج آنهاست دربارهٔ آنان به عمل خواهد آمد و در صورت اقتضاء به درمانگاه محل بازداشت

یا به یک بیمارستان انتقال خواهند یافت.

اجازهٔ خواندن و نوشتن و ارسال و دریافت نامه خواهند داشت ولی امانات و وجوه ارسالی فقط در پایان مدت مجازات به آن‌ها تسلیم خواهد شد و تا آن وقت امانات و وجوه مزبور به کمیتهٔ بازداشتیان سپرده خواهد شد و کمیته مزبور مواد غذائی فاسد شدنی موجوده در امانات را به درمانگاه تسلیم خواهد کرد.

هیچ بازداشتی که محکومیت انتظامی یابد نباید از مزایای مقررات مواد ۱۰۷ و ۱۴۳ محروم گردد.

مادهٔ ۱۲٦:

مواد ۷۱ لغایت ۷۶ در مورد محاکماتی که بر علیه بازداشتیان موجوده در اراضی ملی دولت بازداشت‌کننده اقامه می‌شود نیز مجری خواهد بود.

فصل دهم
انتقال بازداشتیان

مادهٔ ۱۲۷:

انتقال بازداشتیان همواره با اصول انسانیت صورت خواهد گرفت و به طور کلی با راه‌آهن یا با وسائط نقلیه دیگر به کیفیاتی که لااقل نظیر کیفیات حمل و نقل نیروهای دولت بازداشت‌کننده باشد انجام خواهد شد. چنانچه استثنائاً بنا شود که انتقال بازداشتیان پیاده صورت گیرد این کار فقط در صورتی ممکن خواهد بود که وضع مزاجی آنان اجازه دهد و در هر حال نباید خستگی فوق‌العاده به بازداشتیان تحمیل گردد.

دولت بازداشت‌کننده در حین انتقال بازداشتیان آب مشروب و اغذیه که از حیث کم وکیف و تنوع برای حفظ سلامت آنان کافی باشد و همچنین ملبوس و پناهگاه‌های متناسب و پرستاری‌های طبی لازم را برای آنان تهیه خواهد کرد. بعلاوه همه گونه احتیاجات مفید به عمل خواهد آورد که امنیت آنها در حین انتقال تأمین شود و قبل از حرکت صورت کامل بازداشتیان انتقالی را تنظیم خواهد نمود.

بازداشتیان بیمار و زخمدار و علیل و زنان تازه‌زا را مادام که سلامت مزاجشان ممکن است بر اثر مسافرت به خطر افتد انتقال نخواهند یافت مگر آنکه امنیت آنها قویاً انتقالشان را ایجاب کند.

در صورتیکه جبههٔ جنگ به یک محل بازداشت نزدیک شود بازداشتیان آن محل فقط در صورتی ممکن است به جای دیگر انتقال یابند که انتقال آنان در شرایط امنیت کافی امکان پذیر باشد یا آنکه خطر اقامت آنان در محل بیشتر از مخاطرات انتقال باشد.

دولت بازداشت‌کننده هنگامیکه تصمیم به انتقال بازداشتیان می‌گیرد باید منافع آنان را در نظر گیرد منجمله از این حیث که مشکلات بازگشت آنان به میهن یا اعادهٔ آنان به اقامتگاهشان فزونی نیابد.

مادهٔ ۱۲۸:

بازداشتیان در صورت انتقال رسماً از حرکت و آدرس جدید خو مستحضر خواهند شد و این اطلاع باید

زودتر به آنها داده شود تا اثاث سفر را حاضر کنند و خانوادهٔ خود را مطلع سازند.

به بازداشتیان اجازه داده خواهد شد لوازم شخصی و مکاتبات و بسته‌های وارده به عنوان خود را همراه ببرند وزن آن در صورتیکه اوضاع ایجاب کند ممکن است محدود شود ولی در هر حال از نفری ۲۵ کیلو کمتر نخواهد بود.

مکاتبات و بسته‌هائیکه به نشانی محل سابق بازداشت برسد بدون فوت وقت برای بازداشتیان فرستاده خواهد شد.

فرمانده محل بازداشت با توافق کمیتهٔ بازداشتیان اقدامات لازم را برای انتقال اموال مشترک بازداشتیان و اثاثیکه بازداشتیان به علت محدودیت مقرره طبق بند دوم این ماده نتوانسته باشند با خود ببرند به عمل خواهد آورد.

فصل یازدهم
فوت

مادهٔ ۱۲۹:

بازداشتیان می‌توانند وصیت‌نامه‌های خود را به مقامات مسئول تسلیم نمایند و مقامات مزبور باید وصیت‌نامه‌ها را حفظ کنند. در صورت فوت بازداشتیان وصیت‌نامه‌ها سریعاً برای اشخاصیکه بازداشتیان تعیین نموده اند فرستاده خواهد شد.

فوت هر بازداشتی توسط یک نفر پزشک معاینه و گواهی‌نامه‌ای تنظیم خواهد شد که در آن علل فوت و اوضاع و احوال وقوع آن درج خواهد گردید.

یک سند فوت رسمی که رسماً ثبت شده باشد مطابق مقررات جاریه در خاک محل بازداشت تنظیم و رونوشت گواهی شده آن سریعاً برای دولت حامی و آژانس مرکزی مذکور در مادهٔ ۴۰ فرستاده خواهد شد.

مادهٔ ۱۳۰:

مقامات بازداشت‌کننده مراقبت خواهند کرد که بازداشتیانی که در اسارت می‌میرند محترمانه و در صورت امکان طبق اصول مذهبی خودشان دفن شوند و قبر آنان محترم شمرده و به طور مناسبی نگاهداری شود و علامتی داشته باشد که همه وقت بتوان آن را پیدا کرد.

بازداشتیان متوفی انفراداً دفن خواهند شد مگر در صورتیکه به علت قوهٔ قاهره دفن آنها در یک قبر مشترک اضطراراً ضرورت یابد و اجساد را نمی‌توان سوزاند مگر به جهات ضرورت بهداشت و یا به علت کیش متوفی و یا در صورتیکه خود متوفی خواسته باشد. در صورت سوزاندن جسد مراتب با ذکر علل در گواهی فوت متوفی درج خواهد شد.

خاکستر آن توسط مقامات بازداشت‌کننده نگاهداشته می‌شود و در اسرع وقت برای نزدیکان متوفی در صورتیکه تقاضا کنند تسلیم خواهد گردید.

همینکه اوضاع اجازه دهد و منتهی در پایان مخاصمات دولت بازداشت‌کننده صورت قبور بازداشتیان متوفی را به توسط دفتر اطلاعات مذکور در مادهٔ ۱۳۶ به دولتهای متبوعه بازداشتیان متوفی ارسال خواهد داشت صورت‌های مزبور حاوی کلیه اطلاعات لازم جهت تعین هویت بازداشتیان متوفی و محل تحقیقی قبور آنان خواهد بود.

مادهٔ ۱۳۱:

هر گونه فوت یا زخم شدید یک نفر بازداشتی که وقوع آن یا ظن وقوع آن از ناحیه یک نفر قراول یا یک بازداشتی دیگر یا هر شخص دیگر باشد و همچنین هر فوتی که به علت نامعلوم اتفاق افتد بلافاصله از طرف دولت بازداشت‌کننده مورد تحقیق رسمی قرار خواهد گرفت.

بلافاصله وقوع قضیه به دولت حامی اطلاع داده خواهد شد. اظهارات شهود جمع‌آوری و گزارشی حاوی اظهارات مزبور تنظیم و برای دولت مزبور ارسال خواهد گردید چنانچه در نتیجهٔ تحقیق مجرمیت یک یا چند نفر معلوم شود دولت بازداشت‌کننده کلیه اقدامات لازم را برای تعقیب قضائی مسئول یا مسئولین به عمل خواهد آورد.

فصل دوازدهم

آزادی - اعاده به میهن و بستری شدن در بیمارستانهای کشور بیطرف

مادهٔ ۱۳۲:

هر شخص بازداشتی به محض اینکه علل بازداشت مرتفع شود توسط دولت بازداشت‌کننده آزاد خواهد شد.

ازاین گذشته دول متخاصم سعی خواهند کرد در دورهٔ مخاصمات موافقت‌نامه‌هائی برای آزادی و اعاده به میهن و بازگشت به محل اقامت یا بستری شدن در بیمارستان در یک کشور بیطرف نسبت به بعضی طبقات بازداشتیان خصوصاً اطفال و زنان باردار و مادران اطفال شیر خوار و اطفال کوچک و زخمداران و بیماران و بازداشتیانی که مدت مدیدی در اسارت بوده اند منعقد سازند.

مادهٔ ۱۳۳:

بازداشت در اسرع وقت پس از ختم مخاصمات رفع خواهد گردید.

معهذا بازداشتیانی که در خاک یک دولت متخاصم به علت جرمهائی که منحصراً مشمول مجازات‌های انتظامی نیست تحت تعقیب باشند ممکن است تا پایان دادرسی و در صورت اقتضاء تا پایان مجازات نگاهداشته شوند دربارهٔ کسانی که قبلاً به مجازات محرومیت از آزادی محکوم شده باشند نیز به همین قرار رفتار خواهد شد.

به موجب موافقت‌نامه منعقد بین دولت بازداشت‌کننده و دولت‌های ذینفع باید کمیسیون‌هائی پس از ختم مخاصمات یا اشغال اراضی منعقد شود که بازداشتیان متواری را پیدا کنند.

مادهٔ ۱۳۴:

دول معظمهٔ متعاهد سعی خواهند کرد که در پایان مخاصمات یا اشغال بازگشت کلیهٔ بازداشتیان را به آخرین محل اقامت آنان تأمین و یا اعادهٔ آنها را به میهن خودشان تسهیل نمایند.

مادهٔ ۱۳۵:

کلیهٔ هزینه‌های بازگشت بازداشتیان به محلی که هنگام بازداشت اقامت داشته‌اند و یا در صورتی که در حین سفر یا در دریا بازداشت شده باشند هزینهٔ اولیه مسافرت یا بازگشت آنان به محل مبدأ حرکتشان به عهدهٔ دولت بازداشت‌کننده خواهد بود.

چنانچه دولت بازداشت‌کننده به یک نفر بازداشتی آزاد شده که سابقاً محل اقامت عادی‌اش در خاک آن دولت بوده اجازهٔ اقامت در خاک خود ندهد هزینهٔ بازگشت او را به میهن خود خواهد پرداخت ولی در صورتیکه شخص بازداشتی به مسئولیت خود و یا از لحاظ اطاعت امر دولتی که وظیفه وفاداری نسبت به آن دارد بازگشت به کشورخود را ترجیح دهد دولت بازداشت‌کننده مکلف به پرداخت هزینه او از حدود خاک خود به بعد نخواهد بود. دولت بازداشت‌کننده موظف به پرداخت هزینه بازگشت بازداشتیان که بنا به تقاضای خود بازداشت شده‌اند نخواهد بود.

چنانچه بازداشتیان مطابق مادهٔ ۴۵ انتقال یابند دولت انتقال دهنده و دولتی که آنها را می‌پذیرد بین خود قرار سهمی از مخارج را که به عهدهٔ هر یک از آنان است خواهند داد.

مقررات فوق نباید به قرارهای مخصوصی که ممکن است بین دول متخاصم در باب مبادله و بازگشت اتباع گرفتار آنها در دست دشمن منعقد گردد لطمه وارد آورد.

بخش پنجم
دفاتر و آژانس مرکزی اطلاعات

مادهٔ ۱۳۶:

هر یک از دول متخاصم به محض شروع جنگ و در کلیه موارد اشغال یک دفتر رسمی اطلاعات تشکیل خواهد داد که مأمور وصول و ایصال اطلاعات دربارهٔ اشخاص مورد حمایت موجوده در اختیار آن دولت خواهد بود.

هر یک از دول متخاصم در اسرع اوقات ممکنه اطلاعاتی در باب اقدامات متخذه بر علیه هر شخص مورد حمایت که از دو هفته پیش دستگیر شده یا به اقامت اجباری ملزم گشته و یا بازداشت شده است به دفتر اطلاعات مزبور خواهد داد. بعلاوه دوایر مختلفهٔ مربوطهٔ خود را مأمور خواهد کرد که هر گونه تغییراتی که در وضع اشخاص مورد حمایت حاصل شود از قبیل انتقال و آزادی و بازگشت به میهن و فرار و بستری شدن در بیمارستان تولد و فوت اطلاعات مربوط به آن را سریعاً به دفتر مذکور بدهند.

مادهٔ ۱۳۷:

دفتر ملی اطلاعات به فوریت و با اسرع وسائل اطلاعات مربوط به اشخاص مورد حمایت را از طرفی به وسیلهٔ دول حامی و از طرف دیگر به وسیلهٔ آژانس مرکزی مذکور در مادهٔ ۱۴۰ به دولت متبوع اشخاص مزبور یا به دولتی که این اشخاص در خاک آن اقامت داشته‌اند ارسال خواهد داشت. دفاتر به کلیهٔ سؤالاتی که درباب اشخاص مورد حمایت بشود نیز جواب خواهند داد.

دفاتر اطلاعات کلیهٔ اطلاعات مربوط به شخص مورد حمایت را خواهند داد مگر آنکه ارسال اطلاعات مزبور به زیان شخص ذینفع یا خانواده او باشد. حتی در مورد اخیر نیز نمی‌توان از ارسال اطلاع به آژانس مرکزی خودداری کرد و آژانس مزبور پس از وقوف بر اوضاع و احوال احتیاطات لازم را به شرح مادهٔ ۱۴۰ به عمل خواهد آورد.

کلیهٔ اطلاعات کتبی که از طرف یک دفتر اطلاعات داده می‌شود باید به وسیلهٔ امضاء یا مهر رسمیت یابد.

مادهٔ ۱۳۸:

اطلاعاتی که دفتر ملی اطلاعات دریافت و ارسال می‌دارد طوری خواهد بود که بتوان هویت تحقیقی شخص مورد حمایت را معلوم و خانوادهٔ او را سریعاً مطلع ساخت. اطلاعات مزبور در مورد هر شخص باید لااقل مشتمل مراتب ذیل باشد:

نام خانوادگی. نام‌های شخصی. محل و تاریخ کامل تولد. ملیت. نام آخرین اقامتگاه. علائم اختصاصی. نام کوچک پدر. نام خانوادگی مادر. تاریخ و نوع اقدامی که دربارهٔ آن شخص اتخاذ شده. محل اقدام. نشانی برای ارسال مکاتبات به عنوان او و نام ونشانی شخصی که باید مراتب به او اطلاع داده شود.

همچنین اطلاعاتی دربارهٔ وضع مزاجی بازداشتیان بیمار یا مجروحین شدید منظماً و در صورت امکان هر هفته ارسال خواهد شد.

مادهٔ ۱۳۹:

گذشته از مراتب بالا دفتر ملی اطلاعات مأمور جمع‌آوری کلیهٔ اشیاء قیمتی شخص که از اشخاص مورد حمایت مذکور در مادهٔ ۱۳۶ در موقع اعاده به میهن - آزادی - فرار یا فوت به جا مانده باشد و ارسال آنها به اشخاص ذینفع خواه به طور مستقیم و خواه به وسیلهٔ آژانس مرکزی نیز خواهد بود. این اشیاء در بسته‌هائی که به مهر دفتر اطلاعات ممهور باشد فرستاده خواهد شد. به هر بسته‌ای اظهارنامه‌ای که هویت صاحب اشیاء را دقیقاً معلوم دارد و همچنین صورت ریز کامل اشیاء محتوی هر بسته ضمیمه خواهد گردید. دریافت و ارسال کلیهٔ اشیاء قیمتی از این قبیل به طور مشروح ثبت دفاتر خواهد شد.

مادهٔ ۱۴۰:

یک آژانس مرکزی اطلاعات در یک کشور بیطرف برای اطلاعات مربوط به اشخاص مورد حمایت منجمله بازداشتیان ایجاد خواهد شد کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ در صورتیکه لازم بداند تأسیس این

آژانس را به دول ذینفع پیشنهاد خواهد کرد و این آژانس ممکن است همان باشد که در مادهٔ ۱۲۳ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به معامله با اسیران جنگی پیش‌بینی شده است.

آژانس مزبور مأمور تمرکز کلیهٔ اطلاعاتی است که در زمینهٔ مذکور در مادهٔ ۱۳۶ ممکن است از طرق رسمی یا خصوصی بدست آورد. آژانس مرکزی اطلاعات مزبور را به اسرع اوقات ممکنه به کشور اصلی یا کشور محل اقامت اشخاص ذینفع ارسال خواهد داشت جز در مواردیکه ارسال اطلاعات مزبور به حال اشخاصی که آن اطلاعات مربوط به آنهاست یا به حال خانوادهٔ آنها مضر باشد. آژانس مذکور همه گونه تسهیلات عادلانه برای ارسال اطلاعات از دول متخاصم خواهد یافت.

دول معظمهٔ متعاهد خصوصاً دولی که اتباع آنها از خدمات آژانس مرکزی مستفید می‌شوند دعوت خواهند شد که کمک مالی راکه آژانس مزبور احتیاج داشته باشد به او بدهند.

مقررات فوق نباید طوری تفسیر شود که فعالیت نوعپرورانهٔ کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ و جمعیت‌های تعاونی مذکور در مادهٔ ۱۴۲ را محدود سازد.

مادهٔ ۱۴۱:

دفاتر ملی اطلاعات و آژانس مرکزی اطلاعات در کلیهٔ مسائل پستی از معافیت پستی و از معافیت‌های مذکور در مادهٔ ۱۱۰ و همچنین در کلیهٔ حدود امکان از معافیت تلگرافی یا لااقل از تخفیفات مهمی در تعرفه‌ها بهره‌مند خواهند بود.

باب چهارم
اجرای قرارداد
بخش اول
مقررات عمومی

مادهٔ ۱۴۲:

دول بازداشت‌کننده با حفظ حق اقداماتی که برای تأمین امنیت خود یا برای مواجهه با هر ضرورت عادله دیگر لازم بدانند کمال حسن قبول را دربارهٔ سازمانهای مذهبی و جمعیت‌های تعاونی یا هر سازمان دیگری که به کمک اشخاص مورد حمایت آیند مرعی خواهند داشت. به این مؤسسات و نمایندگان آنها همه گونه تسهیلات اعطاء خواهند کرد که اشخاص مورد حمایت را ببینند و اعانات و لوازم از هر مبدئی که باشد برای مقاصد تعلیمی و تفریحی و مذهبی آنها تقسیم نمایند و یا به آنها کمک کنند که برای اوقات بیکاری خود در محل‌های بازداشت تشکیلاتی بدهند. جمعیت‌ها و سازمانهای مذکور فوق ممکن است خواه در خاک کشور بازداشت‌کننده و خواه در کشور دیگر تشکیل شوند یا جنبه بین‌المللی داشته باشند.

دولت بازداشت‌کننده می‌تواند عدهٔ جمعیت‌ها و سازمانهائی را که نمایندگانشان مجاز به انجام فعالیت در خاک او و تحت نظارت او هستند محدود سازد مشروط به اینکه این محدودیت مانع از آن نباشد که به

کلیهٔ اشخاص مورد حمایت کمک مؤثر و کافی برسد.

موقعیت مخصوص کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ در این مرحله در هر حال به رسمیت شناخته و محترم شمرده خواهد شد.

مادهٔ ۱۴۳:

نمایندگان یا مأمورین دول حامی اجازه خواهند داشت به کلیهٔ نقاطی که اشخاص مورد حمایت در آنجا قرار دارند خصوصاً به محل‌های بازداشت و توقیف و کار بروند.

به کلیهٔ اماکنی که محل استفاده اشخاص مورد حمایت است حق ورود خواهند داشت و می‌توانند با اشخاص مزبور بدون حضور شاهد و در صورت لزوم به وسیلهٔ مترجم گفتگو کنند.

سرکشی‌های مزبور را نمی‌توان محدود ساخت مگر به علت ضروریات عالیهٔ نظامی که آن هم به طور استثناء و موقت خواهد بود. مدت و تعداد این سرکشی‌ها را نمی‌توان محدود کرد.

به نمایندگان و مأمورین دول حامی آزادی کامل داده خواهد شد که نقاطی را که می‌خواهند به بینند انتخاب کنند. دولت بازداشت‌کننده یا اشغال کننده و دولت حامی و عندالاقتضاء دولت اصلی اشخاصی که باید بازدید شوند می‌توانند بین خود قراری بدهند که بعضی از هم میهنان بازداشتیان در موقع سرکشی حضور داشته باشند.

نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز از همین مزایا بهره‌مند خواهند بود تعیین نمایندگان مزبور منوط به موافقت دولتی خواهد بود که اراضی محل فعالیت نمایندگان تحت امر اوست.

مادهٔ ۱۴۴:

دول معظمهٔ متعاهد تعهد می‌نمایند که متن این قرارداد را در زمان صلح و در زمان جنگ هر چه بیشتر در کشور خود اشاعه دهند و مخصوصاً تدریس آن را در برنامه‌های تعلیمات نظامی و در صورت امکان در برنامهٔ تعلیمات کشوری بگنجانند به طوری که عامهٔ مردم بر اصول آن واقف باشند.

مقامات کشوری و لشگری و شهربانی و غیره که در زمان جنگ عهده‌دار مسئولیت‌هائی دربارهٔ اشخاص مورد حمایت می‌باشند باید متن این قرارداد را داشته باشند و مقررات آن مخصوصاً به ایشان تعلیم شود.

مادهٔ ۱۴۵:

دول معظمهٔ متعاهد ترجمهٔ رسمی این قرارداد و قوانین و آئین‌نامه‌هائی را که برای تأمین اجرای آن وضع کرده باشند به وسیلهٔ شورای متحده سویس و در زمان جنگ به وسیلهٔ دول حامی به همدیگر ابلاغ خواهند کرد.

مادهٔ ۱۴۶:

دول معظمهٔ متعاهد تعهد می‌نمایند که کلیهٔ اقدامات قضائی را برای تعیین مجازاتهای جزائی متناسب دربارهٔ مرتکبین یا آمرین به ارتکاب هر یک از تخلفات عمده از این قرارداد را که در مادهٔ بعد ذکر شده است به عمل آورند.

هر دولت متعاهد مکلف است کسانی را که متهم به ارتکاب یا آمر به ارتکاب هر یک از تخلفات عمده باشند جستجو و آنها را از هر ملیتی که باشند به دادگاههای خود تسلیم نماید. همچنین می‌تواند در صورتی که مایل باشند آنها را بر طبق قوانین خود برای دادرسی به یک کشور متعاهد دیگر که علاقمند به تعقیب آنان باشد تسلیم نماید مشروط بر اینکه آن کشور متعاهد دلائل و امارات کافی بر علیه آن اشخاص جمع آورده باشد.

هر دولت متعاهد اقدامات لازم را به عمل خواهد آورد که از هر گونه اعمال خلاف مقررات این قرارداد قطع نظر از تخلفات عمده که شرح آن در مادهٔ بعد خواهد آمد جلوگیری شود.

متهمین در همهٔ احوال از تضمینات دادرسی و دفاع آزاد به میزانی که کمتر از تضمینات مندرجه در مادهٔ ۱۰۵ و مواد مابعد قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به معامله با اسیران جنگی نباشد بهره‌مند خواهند شد.

مادهٔ ۱۴۷:

تخلفات عمده که در مادهٔ بالا مورد نظر است عبارتند از هر یک از اعمال ذیل که بر علیه اشخاص یا اموالی که مورد حمایت این قرارداد می‌باشند ارتکاب شده باشد:

آدم‌کشی عمدی - شکنجه یا رفتار خلاف انسانیت به انضمام آزمایش‌های بیولوژی ایراد دردهای شدید به طور عمدی یا لطمه به تمامیت جسمی یا به سلامتی - نفی‌بلد یا انتقال غیر قانونی - توقیف غیر قانونی - وادار کردن شخص مورد حمایت به خدمت در نیروهای مسلح دولت خصم یا محرومیت او از حق دادرسی منظم و بیطرف طبق مقررات این قرارداد گرفتن گروگان - تخریب یا تصرف اموال که متکی به ضرورت نظامی نباشد و به مقدار کلی به طور غیر قانونی به دلخواه اجرا شود.

مادهٔ ۱۴۸:

هیچ یک از دول متعاهد نمی‌تواند خود یا یک دولت متعاهد دیگر را از مسئولیت‌هائی که به علت تخلفات مذکور در مادهٔ فوق متوجهٔ خود او یا آن دولت دیگر می‌شود معاف سازد.

مادهٔ ۱۴۹:

هر گونه ادعای نقض قرارداد بر حسب تقاضای یکی از دول متخاصم طبق ترتیبی که بین دولت‌های ذیعلاقه معین خواهد شد مورد تحقیق و رسیدگی قرار خواهد گرفت.

چنانچه راجع به طرز تحقیق توافق حاصل نشود دولت‌های ذیعلاقه یک نفر داور تعیین خواهند کرد که طرز اقدام را معلوم نماید.

پس از آنکه نقض قرارداد محرز گردید دولت‌های متخاصم در اسرع وقت بدان خاتمه خواهند داد و از آن جلوگیری خواهند کرد.

بخش دوم
مقررات نهائی

مادهٔ ۱۵۰:

این قرارداد به فرانسه و انگلیسی تحریر شده و هر دو متن متساویاً معتبرند.

شواری متحدهٔ سویس ترجمهٔ رسمیِ قرارداد را به روسی و اسپانیولی تهیه خواهد کرد.

مادهٔ ۱۵۱:

این قرارداد که به تاریخ امروز مورخ است ممکن است تا تاریخ ۱۲ فوریهٔ ۱۹۵۰ به نام دولت‌هائی که در کنفرانس مورخ ۲۱ آوریل ۱۹۴۹ منعقد در ژنو شرکت داشته‌اند امضاء شود.

مادهٔ ۱۵۲:

این قرارداد هر چه زودتر تصویب و اسناد تصویب آن به برن تسلیم خواهد گردید.

هنگام تسلیم هر سند تصویب صورت مجلسی تنظیم خواهد گردید و یک نسخهٔ رونوشت مصدق صورت مجلس مزبور توسط شورای متحدهٔ سویس برای کلیهٔ دولت‌هائی که قرارداد به نام آنها امضاء شده یا الحاق خود را به قرارداد اعلام داشته باشند فرستاده خواهد شد.

مادهٔ ۱۵۳:

این قرارداد شش ماه پس از آنکه لااقل دو سند تصویب تسلیم گردد اعتبار خواهد یافت و بعداً برای هر یک از دول معظمهٔ متعاهد پس از شش ماه از تاریخی که سند تصویب خود را تسلیم نمایند معتبر خواهد بود.

مادهٔ ۱۵۴:

این قرارداد در روابط بین دول وابسته به قرارداد لاهه راجع به قوانین و رسوم جنگ‌بری خواه قرارداد مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ یا قرارداد مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ در صورتیکه دول مزبور در این قرارداد شرکت کنند مکمل بخش‌های ۲ و ۳ آئین‌نامه پیوست قراردادهای مزبور خواهد بود.

مادهٔ ۱۵۵:

این قرارداد به محض اینکه اعتبار یافت برای الحاق هر دولتی که آن را امضاء نکرده باشد مفتوح خواهد بود.

مادهٔ ۱۵۶:

الحاق باید کتباً به شورای متحدهٔ سویس ابلاغ شود و شش ماه پس از تاریخ وصول ابلاغ اعتبار خواهد یافت.

شورای متحدهٔ سویس هر الحاق جدیدی را به کلیه دولت‌هائی که قرارداد بنام آنها امضاء شده یا الحاق خود را ابلاغ کرده باشند اطلاع خواهد داد.

مادهٔ ۱۵۷:

به محض اینکه موقعیت‌های مذکور در مواد ۲ و ۳ پیش آید بلافاصله تصویب‌ها و الحاقهائی که از طرف دول متخاصم قبل یا بعد از شروع مخاصمات یا اشغال تسلیم یا اعلام شده باشد رسمیت خواهد یافت. ابلاغ تصویب‌ها یا الحاق‌های واصله از دولت‌های متخاصم توسط شورای متحده سویس به اسرع طرق صورت خواهد گرفت.

مادهٔ ۱۵۸:

هر یک از دول معظمهٔ متعاهد حق فسخ این قرارداد را خواهد داشت.

فسخ آن کتباً به شورای متحده سویس اطلاع داده خواهد شد و شورای نامبرده مراتب را به کلیه دول معظمهٔ متعاهد ابلاغ خواهد کرد.

فسخ پس از یک سال از تاریخ ابلاغ آن به شورای متحده سویس رسمیت خواهد یافت ولی چنانچه دولت فسخ کننده در جنگی وارد باشد مادام که عهدنامهٔ صلح منعقد نشده و در هر حال مادام که عملیات استخلاص و بازگشت به میهن و استقرار اشخاص مورد حمایت این قرارداد پایان نیافته فسخ او رسمیت نخواهد یافت.

فسخ فقط دربارهٔ دولت فسخ کننده معتبر است و نسبت به تعهداتی که دول متخاصم مکلفند به موجب اصول حقوق بشر ناشیه از رسوم مقررهٔ بین ملل متمدن و قوانین انسانیت و مقتضیات وجدان عمومی اجرا نمایند بلااثر خواهد بود.

مادهٔ ۱۵۹:

شورای متحده سویس این قرارداد را دردبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسانید همچنین هر تصویب یا الحاق یا فسخی که در مورد این قرارداد دریافت نماید مراتب را به دبیرخانهٔ سازمان نامبرده اطلاع خواهد داد.

در تصدیق مراتب بالا امضاء کنندگان زیر که اعتبارنامه‌های خود را تسلیم نموده‌اند این قرارداد را امضاء کردند.

در شهر ژنو در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به زبانهای فرانسه و انگلیسی تحریر شد نسخه اصلی در بایگانی کشور متحدهٔ سویس ضبط میشود. شورای متحده سویس یک رونوشت مصدق قرارداد را به هر یک از دولت‌های امضاء کننده و همچنین به دولی که به این قرارداد ملحق شوند ارسال خواهد داشت.

پیوست شمارهٔ (۱)

طرح موافقت‌نامه راجع به مناطق و نقاط بهداری و امنیت

مادهٔ ۱:

مناطق بهداری و امنیت منحصراً به اشخاص مذکور در مادهٔ ۲۳ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت بیماران و زخمداران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی و مادهٔ ۱۴ قرارداد ژنو مورخ ۱۲

اوت ۱۹۴۹ راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ و کارکنان مأمور سازمان و اداره امور مناطق و نقاط مذکور و کارکنان مأمور پرستاری اشخاص موجوده در این مناطق و نقاط اختصاص خواهد داشت.

معهذا کسانیکه در داخله مناطق مزبور اقامت دائمی دارند حق خواهند داشت که در آن مناطق باقی بمانند.

مادهٔ ۲:

کسانیکه تحت هر عنوان در یک منطقه بهداری و امنیت اقامت دارندنباید به هیچ کاری که مستقیماً با عملیات نظامی و استحصال لوازم جنگ چه در داخل و چه در خارج آن منطقه ارتباط داشته باشند اشتغال ورزند.

مادهٔ ۳:

دولتی که یک منطقهٔ بهداری و امینت تأسیس می‌نماید کلیهٔ اقدامات مقتضی را به عمل خواهد آورد که از وروداشخاصی که حق ورود یا حق وجود در آن منطقه ندارند جلوگیری شود.

مادهٔ ۴:

مناطق بهداری و امنیت باید جامع شرایط ذیل باشد:

الف – فقط قسمت مختصری از خاک تحت نظر دولتی که آنها را ایجاد می‌کند باشد.

ب – ساکین آن بالنسبه به امکان سکونت آن کم باشد.

ج – از هر گونه هدف نظامی و تأسیسات صنعتی یا اداری مهم دور باشد و در خود آن منطقه هم از این قبیل هدفها و تأسیسات موجود نباشد.

د – در ناحیه‌ای واقع نباشد که بنا به احتمال کلی ممکن است برای جریان جنگ اهمیتی پیدا کند.

مادهٔ ۵:

مناطق بهداری و امنیت مشمول تعهدات ذیل خواهند بود:

الف – طرق ارتباط و وسائط نقلیهٔ موجوده در آنها برای حمل و نقل کارکنان و لوازم نظامی ولو به طور عبور مورد استفاده قرار نخواهند گرفت.

ب – در هیچ موردی دفاع نظامی از آنها به عمل نخواهد آمد.

مادهٔ ٦:

مناطق بهداری و امنیت به وسیلهٔ نوارهای اریب قرمز روی زمینه سفید که در محیط منطقه و روی ابنیه نصب شود نشان داده خواهد شد.

مناطقی که منحصراً مخصوص زخمداران و بیماران است ممکن است به وسیلهٔ صلیب سرخ (هلال سرخ – هلال احمر) روی زمینه سفید نشان داده شود.

شب‌ها نیز به وسیلهٔ روشنائی متناسبی نشان داده خواهد شد.

مادهٔ ۷:

هر دولتی در زمان صلح و یا در بدو شروع مخاصمات صورت مناطق بهداری و امنیت را که در خاک تحت‌نظر او دایر شده به اطلاع دول متعاهد خواهد رسانید. بعلاوه هر منطقه جدید دیگری را هم که در حین جنگ دایر شود اطلاع خواهد داد.

به محض اینکه اطلاع فوق به دولت خصم واصل گردد منطقهٔ مذکور رسمیت خواهد یافت.

معهذا چنانچه دولت خصم معتقد باشد که یکی از شرایط این موافقت‌نامه علناً رعایت نشده می‌توانند از شناسائی منطقه خودداری و امتناع خود را به دولتی که منطقه مزبور تابع آنست ابلاغ کند و یا شناسائی خود را موکول به ایجاد نظارت مذکور در مادهٔ ۸ نماید.

مادهٔ ۸:

هر دولتی که یک یا چند منطقه بهداری و امنیت را در خاک دشمن خود به رسمیت شناخته باشد حق خواهد داشت از یک یا چند کمیسیون مخصوص تقاضا کند که رسیدگی نمایند که آیا مناطق مزبور مطابق شرایط و تعهدات مندرجه در این موافقت‌نامه هستند یا نه.

برای این منظور اعضای کمیسیون‌های مخصوص در هر موقع حق ورود آزاد به مناطق مختلفه خواهند داشت و حتی می‌توانند در مناطق مزبور به طور دائم اقامت نمایند هر گونه تسهیلات به آنان اعطاء خواهد شد که وظیفهٔ نظارت خود را اجراء نمایند.

مادهٔ ۹:

در صورتی که کمیسیون‌های مخصوص چیزی بر خلاف مقررات این موافقت‌نامه مشاهده نمایند فوراً موضوع را به اطلاع دولت متبوع منطقه خواهند رسانید و حداکثر پنج روز ضرب‌الاجل برای رفع آن معین خواهند کرد و مراتب را به دولتی که منطقهٔ مزبور را به رسمیت شناخته اطلاع خواهند داد.

چنانچه در پایان ضرب‌الاجل دولت متبوع منطقه به اخطار واصله ترتیب اثر نداده باشد دولت خصم حق خواهد داشت اعلام نماید که دیگر نسبت به آن منطقه تعهدی به موجب این موافقت‌نامه ندارد.

مادهٔ ۱۰:

دولتی که یک یا چند منطقه بهداری و امنیت دایر ساخته و همچنین دولت‌های خصم که وجود مناطق مزبور به آنها ابلاغ شده اشخاصی را که می‌توانند در کمیسیون‌های مخصوص مذکور در مواد ۸ و ۹ شرکت نمایند یا شخصاً معین خواهند کرد یا تعیین آنها را به انتخاب دول حامی یا دول بیطرف دیگر محول خواهند نمود.

مادهٔ ۱۱:

مناطق بهداری و امنیت نباید در هیچ حالی مورد حمله قرار گیرد بلکه باید در هر حال توسط دولت‌های متخاصم حمایت و محترم شمرده شوند.

مادهٔ ۱۲:

در صورت اشغال اراضی که حاوی مناطق بهداری و امنیت باشند مناطق مزبور باید کماکان محترم شمرده شوند و به همان منظور مورد استفاده قرار گیرند.

معهذا دولت اشغال کننده می‌تواند پس از تأمین سرنوشت اشخاصی که در آن مناطق جمع‌آوری شده بودند مورد استفاده مناطق مزبور را تغییر دهد.

مادهٔ ۱۳:

این موافقت‌نامه دربارهٔ نقاطی که دولت‌ها برای مقاصدی نظیر مقاصد مناطق بهداری و امنیت تخصیص دهند نیز اجرا خواهد شد.

پیوست شماره ۲

طرح آئین‌نامه کمک، دسته‌جمعی به بازداشتیان کشوری

مادهٔ ۱:

کمیته‌های بازداشتیان مجاز خواهند بود مرسولات کمکی دسته‌جمعی راکه در ابوابجمع خود دارند به کلیهٔ بازداشتیانی که از نظر اداری وابسته به محل بازداشت کمیته‌اند و همچنین به بازداشتیانی که در بیمارستان‌ها یا زندانها یا سایر مؤسسات تأدیبی اقامت داشته باشند تقسیم نمایند.

مادهٔ ۲:

تقسیم مرسولات کمکی دسته‌جمعی طبق دستور اهداء کنندگان و موافق طرحی که کمیتهٔ بازداشتیان تهیه می‌کند صورت خواهد گرفت ولی تقسیم کمک‌های داروئی مرجحاً با موافقت سرپزشکان انجام خواهد گردید و سرپزشکان می‌توانند در بیمارستان‌ها و آسایشگاهها تا حدودی که احتیاجات بیمارانشان ایجاب کند از دستور اهداء کنندگان تجاوز نمایند. تقسیم آن در زمینه‌ای که بدین طریق تشریح شد به طور عادلانه صورت خواهد گرفت.

مادهٔ ۳:

اعضاء کمیته‌های بازداشتیان برای رسیدگی کم وکیف کالاهای واصله و تهیهٔ گزارش مبسوط آن جهت اهداء کنندگان مجاز خواهند بود به ایستگاهها و سایر محل‌های ورود مرسولات دسته‌جمعی که نزدیک محل بازداشت آنان باشد بروند.

مادهٔ ۴:

به کمیته‌های بازداشتیان تسهیلات لازم داده خواهد شد که رسیدگی و معلوم نمایند آیا تقسیم کمک‌های دسته‌جمعی در کلیهٔ تقسیمات فرعی و توابع محل بازداشت بر طبق دستورهای آنان صورت گرفته است یا نه.

مادهٔ ۵:

کمیته‌های بازداشتیان اجازه خواهند داشت نمونه‌ها یا پرسشنامه‌هائی درباب کمک‌های دسته‌جمعی

(تقسیم - احتیاجات - مقادیر و غیره) جهت ارسال به اهداء کنندگان پر کنند و یا از اعضاء کمیته‌های بازداشتیان دسته‌های کار یا از سرپزشکان و رؤسای آسایشگاهها و بیمارستانها بخواهند که نمونه‌ها و پرسشنامه‌های مزبور را پر کنند.

مادهٔ ٦:

کمیته‌های بازداشتیان به منظور تأمین توزیع کمک‌های دسته‌جمعی به طور منظم بین بازداشتیان محل بازداشت خود و احیاناً به منظور احتیاجاتی که به مناسبت ورود دسته‌های جدید بازداشتیان پیش آید اجازه خواهند داشت ذخائر کافی از کمک‌های دسته جمعی تشکیل دهند و نگاهدارند. برای این منظور انبارهای مناسب به اختیار آنان گذاشته خواهد شد. هر انباری دو قفل خواهد داشت که کلید یکی نزد کمیته بازداشتیان و کلید دیگری نزد فرمانده محل بازداشت خواهد بود.

مادهٔ ۷:

دول معظمهٔ متعاهد و بالاخص دول بازداشت‌کننده تا حداکثر امکان و با رعایت قوانین مربوط به خوار و بار اهالی کلیهٔ خریدهائی که به منظور تقسیم کمک‌های دسته‌جمعی به بازداشتیان در خاک آن دولت‌ها بشود اجازه خواهند داد. همچنین انتقال وجه و سایر عملیات مالی و فنی و اداری را که برای خریدهای مزبور بشود تسهیل خواهند کرد.

مادهٔ ۸:

مقررات فوق با حق بازداشتیان به دریافت کمک‌های دسته‌جمعی قبل از ورود به محل بازداشت یا در حین انتقال منافات ندارد و همچنین منافات با این ندارد که نمایندگان دولت حامی با کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ یا هر سازمان نوعپروری که مأمور رساندن کمک‌های مزبور شوند بتوانند با هر گونه وسائل دیگری که مقتضی بدانند در تأمین تقسیم آن به گیرندگان اقدام نمایند.

پیوست شماره ۳: کارت بازداشت

وجه

به طور خوانا و با حروف نوشته شود — ۱ - ملیت

۲ - نام خانوادگی — ۳ - نام شخصی (با حروف درشت) — ۴ - نام پدر

....

۵ - تاریخ تولد — ۶ - محل تولد

۷ - شغل

۸ - آدرس قبل از بازداشت

۹ - آدرس خانواده

....

۱۰ - تاریخ بازداشت

(یا) از کجا آمده (بیمارستان و غیره)

۱۱ - وضع مزاجی

---

۱۲ - آدرس کنونی

۱۳ - تاریخ — ۱۴ - امضاء

قسمت‌های زائد حذف شود - چیزی بر این مطالب اضافه نشود - به توضیحات ظهر مراجعه شود

ظهر

سرویس بازداشتیان کشوری

کارت پستال — به سمت مجانی

مهم این کارت باید توسط هر بازداشتی به محض اینکه بازداشت شود یا هر دفعه که آدرس او بر اثر انتقال محل بازداشت دیگر یا به بیمارستان عوض شود پر گردد، این کارت از کارت مخصوصیکه بازداشتی مجاز است به خانواده خودم بفرستد جداست.	آژانس مرکزی اطلاعات راجع به اشخاص مورد حمایت کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ

(قطع کارت بازداشت: ۱۰x۱۵ سانتی متر)

پیوست شماره ۳ (دنباله سابق)

نامه

سرویس بازداشتیان کشوری

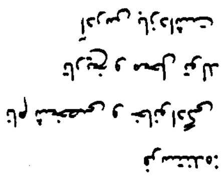
پست مجانی

گیرنده.......................

مقصد (باحروف درشت)

استان یا شهرستان

کشور (با حروف درشت)



(قطع‌نامه ۲۹×۱۵ سانتی متر)

پیوست شماره ۳ (دنباله سابق): کارت مکاتبه

وجه

سرویس بازداشتیان کشوری　　　پست مجانی

گیرنده:　　　**کارت پستال**

خیابان و شماره

مقصد (با حروف درشت)

شهرستان یا استان

کشور با حروف درشت

فرستنده:
نام نام خانوادگی
تاریخ و محل تولد
نشانی بازداشت

ظهر

تاریخ:

....

....

....

....

....

....

....

....

فقط روی خطوط نقطه چین و به طور خوانا نوشته شود

(قطع کارت مکاتبه ۱۰×۱۵ سانتی متر)

٤١:
تصميمات كنفرانس سياسى ژنو...

تصمیمات
کنفرانس سیاسی ژنو
سال ۱۹۴۹

تصمیم اول

کنفرانس توصیه می‌نماید که در صورت بروز اختلاف درباب تفسیر یا اجرای قراردادهای حاضر چنانچه اختلاف مزبور را نتوان به طریق دیگری حل کرد دولت‌های معظم متعاهد ذیعلاقه سعی نمایند بین خود توافق کنند که اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع گردد.

تصمیم دوم

از آنجائی که در صورت وقوع جنگ بین‌المللی ممکن است احیاناً مواردی پیش آید که دولت حامی وجود نداشته باشد تا قراردادهای مربوط به حمایت قربانیان جنگ تحت نظر آن دولت و یا معاضدت آن اجرا شود.

از آنجائی که در مادهٔ ۱۰ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی و مادهٔ ۱۰ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا و مادهٔ ۱۰ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به معامله با اسیران جنگی و مادهٔ ۹ قرارداد ژنو مورخ اوت ۱۹۴۹ راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ پیش‌بینی شده که دول معظم متعاهد می‌توانند در هر موقع بین خود توافق کنند که وظائفی که به موجب قراردادهای مذکور به عهدهٔ دولت حامی محول است به دستگاهی که جامع کلیهٔ

تضمینات بیطرفی و کار آمدی باشد محول گردد.

لذا کنفرانس توصیه می‌نماید که هر چه زودتر امکان ایجاد یک دستگاه بین‌المللی را که وظیفه‌دار باشد که در صورت فقد دولت حامی وظائف دولت حامی را در زمینهٔ اجرای قراردادهای مربوط به قربانیان جنگ اجرا نماید تحت بررسی قرار دهند.

تصمیم سوم

از آنجائی که انعقاد موافقت‌نامه در حین جریان مخاصمات مشکل است.

از آنجائی که در مادهٔ ۲۸ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی پیش‌بینی شده که دول داخل در جنگ در حین مخاصمات قراری بین خود برای تعویض کارکنان بازداشتی خواهند داد و ترتیبات آن را معلوم خواهند کرد.

از آنجائی که در مادهٔ ۳۱ همان قرارداد پیش‌بینی شده که دول داخل در جنگ می‌توانند به محض شروع مخاصمات صدی چند کارکنانی را که به نسبت عدهٔ اسیران می‌توانند بازداشت کنند و همچنین طرز تقسیم آنها را در بازداشتگاهها معین نمایند.

لذا کنفرانس از کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ تقاضا می‌کند مضمون یک موافقت‌نامهٔ نمونه راجع به دو موضوع مذکور در مادهٔ فوق تنظیم و برای تصویب به نظر دول معظم متعاهد برساند.

تصمیم چهارم

از آنجائی که مادهٔ ۳۳ قرارداد ژنو مورخ ۲۷ ژوئیهٔ ۱۹۲۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروها هنگام اردوکشی در خصوص اسناد هویتی که کارکنان بهداری باید با خود داشته باشند در جنگ دوم جهانی فقط به میزان محدودی به موقع اجرا گذارده شده و بالنتیجه عدهٔ زیادی از کارکنان مذکور دچار زحمات شدیدی شده‌اند.

کنفرانس آرزومند است که دولت‌ها و جمعیت‌های ملی صلیب سرخ کلیهٔ اقدامات لازم را در زمان صلح به عمل آورند که کارکنان بهداری دارای علائم و کارت‌های هویت مذکور در مادهٔ ۴۰ قرارداد جدید باشند.

تصمیم پنجم

از آنجائی که در استعمال علامت صلیب سرخ سوء استفاده بسیار شده.

کنفرانس آرزومند است دولت‌ها مراقبت دقیق به عمل آورند که صلیب سرخ و علائم حمایت مذکور در مادهٔ ۳۸ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی فقط در حدود قراردادهای ژنو مورد استعمال قرار گیرند تا اقتدار آن محفوظ و مفهوم عالیهٔ آن برقرار ماند.

تصمیم ششم

از آنجائی که بررسی فنی وسائل مخابراتی بین کشتی‌های بیماربر از یکطرف و کشتی‌های جنگی و

ناوهای هوائی نظامی از طرف دیگر به علت اینکه از حدود معینه این کنفرانس خارج بوده در این کنفرانس طرح نشده.

از آنجائی که این موضوع برای امنیت و تأثیر عمل کشتی‌های بیماربر حائز کمال اهمیت است.

لذا کنفرانس آرزومند است که دول معظمهٔ متعاهد در آتیهٔ نزدیکی بررسی در تشخیص فنی وسائل جدید مخابره بین‌کشتی‌های بیماربر از یک طرف و ناوهای جنگی و ناوهای هوائی نظامی از طرف دیگر و همچنین تهیه یک قانون بین‌المللی را که استعمال وسائل مزبور را به طور صریحی تحت انتظام در آورد به کمیسیونی از کارشناسان محول نمایند تا حداکثر حمایت و تأثیر عمل برای کشتی‌های بیماربر تأمین گردد.

تصمیم هفتم

چون کنفرانس مایل است که حداکثر حمایت ممکنه برای کشتی‌های بیماربر تأمین شود امیدوار است که کلیهٔ دول معظمهٔ متعاهدی که قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا را امضاء کرده‌اند کلیه اقدامات مفیده را به عمل آورند تا کشتی‌های بیماربر هر موقع که ممکن باشد کلیهٔ اطلاعات مربوط به محل و خط سیر و سرعت خود را در فواصل منظم و متعدد پخش نمایند.

تصمیم هشتم

کنفرانس علاقمند است که در مقابل عموم ملل تأیید نماید که:

چون کارهای کنفرانس منحصراً از منشاء اندیشه‌های نوعپرورانه الهام گرفته رجاء واثق دارد که در آتیه دولت‌ها هرگز حاجت به اجرای قراردادهای ژنو راجع به حمایت قربانیان جنگ نداشته باشند چه که علاقه شدید کنفرانس بر این است که دولت‌ها از کوچک و بزرگ بتوانند همواره در کلیهٔ اختلافات خود راه‌حل دوستانه‌ای از طریق همکاری و توافق بین‌المللی پیدا کنند تا صلح و صفابه طور قطع در جهان حکم‌فرما گردد.

تصمیم نهم

از آنجائی که در مادهٔ ۷۱ قرارداد ژنو مورخ ۱۲ اوت راجع به معامله با اسیران جنگی پیش‌بینی شده که اسیران جنگی که مدت مدیدی از خانوادهٔ خود بی خبر مانده و یا آنکه دریافت و ارسال خبر از طریق عادی برای آنان غیر مقدور باشد و همچنین اسیران جنگی که از کسان خود به مسافات بعیده دور افتاده‌اند اجازه خواهند داشت که تلگرافاتی مخابره کنند و هزینه تلگرافات مزبور به بدهکار حساب آنان نزد دولت بازداشت‌کننده منظور گردد یا با پولی که موجود دارند پرداخت شود و در موارد فوری نیز اسیران جنگی ازین ترتیب برخوردار باشند.

از آنجائیکه تقلیل برای تلگراف مزبور که گاهی بسیار گزاف است مستلزم آنست که قبلاً طبقه‌بندی پیام‌ها یا تهیهٔ یک سلسله پیام‌های نمونه راجع به سلامت مزاج اسیر و سلامت خانواده او و اطلاعات مربوط به امور مالی و تحصیلی و غیره پیش‌بینی شود و این نوع پیامها را ممکن است تنظیم و رمز کرد تا

برای اسیران جنگی که در کیفیات مذکور در بند اول این تصمیم گرفتارند به کار آید.

لذا کنفرانس از کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ دعوت می‌نماید که یک سلسله پیام‌های نمونه که جامع شرایط مطلوبه مزبور باشد تنظیم و برای تصویب به نظر دول معظمه متعاهد رساند.

تصمیم دهم

کنفرانس متعهد است که شرایط شناسائی یک دولت داخل در جنگ به عنوان متخاصم توسط دولت‌های خارج از جنگ مشمول حقوق بین‌المللی عمومی است و به وسیلهٔ قراردادهای ژنو تغییر نیافته است.

تصمیم یازدهم

از آنجائیکه کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ به موجب قراردادهای ژنو مکلف گردیده که مهیا باشد تا در هر زمان و در هر احوال به انجام وظائف نوعپرورانه که قراردادهای مزبور بر عهدهٔ او محول ساخته‌اند قیام نماید.

لذا کنفرانس تصدیق می‌نماید که لازم است کمک مالی منظمی برای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تأمین گردد.

سندنهائی
کنفرانس سیاسی ژنو
سال ۱۹۴۹

که به منظور تجدید نظر در قرارداد ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ راجع به بهبود سرنوشت.

زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی و

همچنین قرارداد لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ راجع به انطباق اصول قرارداد ژنو سال ۱۹۰۶ به جنگ دریائی و

قرارداد مورخ ۲۷ ژویهٔ ۱۹۲۹ منعقد در ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی و به منظور تهیهٔ قراردادی راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ

دعوت شده است.

کنفرانسی که توسط شورای متحدهٔ سویس به منظور تجدید نظر

در قرارداد ژنو مورخ ۲۷ ژویهٔ ۱۹۲۹ راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی و

همچنین قرارداد لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ راجع به انطباق اصول قرارداد ژنو سال ۱۹۰۶ به جنگ دریائی و

قرارداد مورخ ۲۷ ژویهٔ ۱۹۲۹ منعقد در ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی و تنظیم.

قراردادی جهت حمایت افراد کشوری در زمان جنگ
دعوت شده از تاریخ ۱۲ آوریل تا ۱۲ اوت ۱۹۴۹ بر اساس چهار طرح قراردادی که توسط هفدهمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ منعقد در استکهلم تنظیم و تصویب گردیده تبادل نظر نمود.

کنفرانس متن قراردادهای مشروحهٔ ذیل را معین نمود:

۱ - قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران نیروهای مسلح هنگام اردوکشی.

۲ - قرارداد ژنو راجع به بهبود سرنوشت زخمداران و بیماران و غریقان نیروهای مسلح در دریا.

۳ - قرارداد ژنو راجع به معاملهٔ با اسیران جنگی.

۴ - قرارداد ژنو راجع به حمایت افراد کشوری هنگام جنگ.

قراردادهای مذکور که متن آنها به فرانسه و انگلیسی تنظیم شده پیوست این سند می‌باشند و ترجمهٔ رسمی آنها به زبانهای اسپانیولی و روسی به توسط شورای متحدهٔ سویس تهیه خواهد گردید.

از این گذشته کنفرانس یازده تصمیم اتخاذ نموده که آن نیز ضمیمهٔ این سند است

بنابر مراتب فوق امضاء کنندگان ذیل که از طرف دولت‌های متبوعه خود رسماً مجاز می‌باشند این سند نهائی را امضاء کردند.

در ژنو به تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به فرانسه و انگلیسی تحریر شد. نسخهٔ اصل و اسناد پیوست آن به بایگانی دولت متحدهٔ سویس تسلیم خواهد گردید.

از طرف افغانستان
از طرف آرژانتین
از طرف اطرایش
از طرف جمهوری سوسیالیستی شوروی بیلوروسی
از طرف بلیوی
از طرف جمهوری ملی بلغارستان
از طرف شیلی
از طرف کلمبی
از طرف کوبا
از طرف مصر
از طرف اکواتر
از طرف ایالات متحده آمریکا
از طرف فنلاند
از طرف یونان

از طرف جمهوری ملی آلبانی
از طرف استرالیا
از طرف بلژیک
از طرف جمهوری اتحاد بیرمانی
از طرف برزیل
از طرف کادانا
از طرف چین
از طرف کستاریکا
از طرف دانمارک
از طرف سالوادر
از طرف اسپانی
از طرف حبشه
از طرف فرانسه
از طرف گواتمالا

از طرف مجارستان

از طرف ایران

از طرف اسرائیل

از طرف لبنان

از طرف لوکزامبورگ

از طرف شاهزاده‌نشین مناکو

از طرف نروژ

از طرف پاکستان

از طرف پرو

از طرف پرتقال

از طرف جمهوری ملی رومانی

از طرف جمهوری سن مارن

از طرف سوئد

از طرف سوریه

از طرف تائیلند

از طرف جمهوری سیاسی شوروی اوکرین

شوروی

از طرف اوروگه

از طرف یوگوسلاوی

از طرف هندوستان

از طرف جمهوری ایرلند

از طرف آیطالیا

از طرف لیختنشتین

از طرف مکزیک

از طرف نیکاراگوا

از طرف زلاند جدید

از طرف هلند

از طرف لهستان

از طرف جمهوری دومینیکن

از طرف دولت متحدهٔ بریطانیای

کبیر و ایرلند شمالی

از طرف پاپ اعظم

از طرف سویس

از طرف چکوسلواکی

از طرف ترکیه

از طرف جماهیر سوسیالیستی

از طرف ونزوئلاه

۴۲:

قرارداد تعریف تجاوز ...

قانون تصویب قرارداد تعریف تجاوز[1]
مصوب ۲۶ / ٦ / ۱۳۱۲

ماده واحده:

مجلس شورای ملی قرارداد تعریف تجاوز را که مشتمل بر پنج ماده می‌باشد بانضمام ضمیمه ماده ۲ و پروتکل امضاء که در تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۳۳ مطابق ۱۲ تیر ماه ۱۳۱۲ در لندن بین دولت .... ایران و دول افغانستان و استونی و ترکیه و رومانی و اتحاد جماهیر شوروی اجتماعی و لهستان و لتونی منعقد گردیده تصویب و بدولت اجازه می‌دهد سند تصویب آن را بدولت اتحاد جماهیر شوروی اجتماعی تسلیم نماید.

قرارداد تعریف تجاوز
مصوب ۳ ژوئیه ۱۹۳۳ مطابق ۱۲ تیر ۱۳۱۲ (لندن)

اعلیحضرت پادشاه افغانستان و رئیس جمهوری استونی و رئیس جمهوری لتونی و شاه ایران و رئیس جمهوری لهستان و اعلیحضرت پادشاه رومانی و رئیس جمهوری ترکیه و کمیتهٔ مرکزی اجرائیه اتحاد جماهیر شوری اجتماعی:

چون به تحکیم صلح موجود بین ممالک خود مایل می‌باشند و نظر باینکه میثاق بریان - کلوگ که امضاء کرده‌اند هر نوع تجاوزی را منع می‌کند و از لحاظ صیانت امنیت عمومی لازم می‌دانند تجاوز را به صریح‌ترین وجهی که ممکن باشد تعریف نمایند تا هر نوع بهانه برای عذر متجاوز مرتفع گردد و معتقدند که

[1] - مجموعه قوانین دوره نهم قانونگذاری. صفحه ۳۵۷.

تمام ممالک بالسویه به استقلال و امنیت و مدافعه از خاک و آزادی در ترقی اوضاع خود محق می‌باشند ونیز نظر به اینکه به جهت حفظ صلح عمومی مایل هستند مصونیت اراضی جمیع ملل را تأمین نمایند و از نظر صیانت صلح عمومی و بانتظار عمومیت یافتن قواعد صریح دایر به تعریف تجاوز مفید می‌دانند که قواعد مزبوره بین ممالک آنها مر عی باشد.

لهذا به جهت مقاصد مزبوره تصمیم بانعقاد این قرارداد نموده و برای این مقصود اختیارداران خـود را معین نمودند.

اعلحضرت پادشاه افغانستان:

علیمحمد خان وزیر معارف.

رئیس جمهوری استونی:

آقای دکتر اسگارکالاس مأمور فوق‌العاده و وزیر مختار در لندن.

رئیس جمهوری لتونی:

جناب ولدماراس سال نائیس وزیر امور خارجه.

..... شاه ایران:

آقای فتح‌الله خان نوری اسفندیاری شارژدافر ایران در لندن.

رئیس جمهوری لهستان:

آقای ادوارد راچینسکی نماینده دائمی لهستان در جامعهٔ ملل مأمور فوق‌العاده و وزیر مختار.

اعلیحضرت پادشاه رومانی:

آقای نیکلانیتولسکو وزیر امور خارجه.

رئیس جمهوری ترکیه:

توفیق رشدی بیک وزیر امورخارجه.

کمیتهٔ مرکزی اجرائیه اتحاد جماهیر شوری اجتماعی:

آقای ماکسیم‌لیتوینف‌کمیسر ملی امور خارجه.

مشارالیهم در مقررات ذیل موافقت حاصل نمودند:

مادهٔ اول:

هر یک از دول معظم متعاهد متقبل می‌گردد که از تاریخ اجرای این قرار داد تعریف تجاوز را بنحوی که در راپورت کمیته مسائل مربوطه بامنیت مورخه ۲۴ مه ۱۹۳۳ (راپرت پلیتیس) که متعاقب پیشنهاد هیئت نمایندگی شوروی بکنفرانس تقلیل و تحدید سلاح تقدیم شده بود توضیح گردیده در روابط خود با هر یک از دول متعاهد دیگر قبول نمایند.

مادهٔ دوم:

بنا به مراتب فوق در هر مناقشهٔ بین‌المللی صرف نظر از قراردادهای موجوده بین طرفین مناقشه دولتی

که ابتدا بیکی از اقدامات ذیل مبادرت کرده باشد متجاوز شناخته می‌شود.

۱ - اعلان جنگ بمملکت دیگر.

۲ - مورد تهاجم قراردادن خاک مملکت دیگر را بوسیلهٔ قوای مسلح ولو اینکه اعلان جنگ نکرده باشد.

۳ - حمله بخاک یا کشتی‌ها و یا طیارات مملکت دیگر بوسیلهٔ قوای بری یا بحری و یا هوائی ولو اینکه اعلان جنگ نکرده باشد.

۴ - بمحاصرهٔ بحری در آوردن سواحل یا بنادر مملکت دیگر.

۵ - مساعدت بدسته‌های مسلحی که در خاک او تشکیل گردیده و خاک مملکت دیگر را مورد تهاجم قرار داده‌اند یا امتناع از اتخاذ اقدامات مملکت در خاک خود باوجود تقاضای دولتی که مورد تهاجم واقع شده برای محروم نمودن دسته‌های مسلح مزبور از هرگونه معاضدت یا حمایت.

مادهٔ سوم:

هیچگونه ملاحظات سیاسی یا نظامی و یا اقتصادی و یا ملاحظات دیگر را نمی‌توان بهانه و عذر برای تجاوز بشرحی که در مادهٔ اول ذکر گردیده قرارداد (من باب مثل به ضمیمه مراجعه شود).

مادهٔ چهارم:

این قرارداد از طرف دول معظم متعاهد بموجب قوانین هر یک از آنها بتصویب خواهد رسید اسناد تصویب را هر یک از دول معظم متعاهد بدولت اتحاد جماهیر شوروی اجتماعی تسلیم خواهند نمود همینکه تسلیم اسناد تصویب از طرف دو دولت از دول متعاهد بعمل آمد. این قرارداد بین آن دو دولت معتبر می‌گردد و پس از آن هر دولت دیگری که اسناد تصویب خود را تسلیم نمود بین او وسابقین نیز قراردادمعتبر خواهد بود.

دولت اتحاد جماهیر شوروی در هر نوبت کلیه امضاء کنندگان را از تسلیم اسناد تصویب قرارداد مطلع خواهد ساخت.

مادهٔ پنجم:

این قرارداد در هشت نسخه بامضاء رسیده و هر یک از دول معظم متعاهد یک نسخه از آنرا دریافت داشته است.

بناء علیهذا اختیار داران سابق‌الذکر این قرارداد را امضاء و به امهار خود ممهور نمودند.

در لندن بتاریخ سیم ژوئیه ۱۹۳۳

ضمیمهٔ ماده ۲ قرارداد تعریف تجاوز

نظر باینکه دول متعاهد امضاء کنندهٔ قرارداد تعریف تجاوز باقید اینکه بهیچوجه از قوت مقررات مادهٔ ۲ قرارداد مزبور کاسته نشود مایل‌اند ایضاحاتی دایر به تشخیص متجاوز بدهند معتقدند که هیچگونه تجاوزی را به مفهوم ماده اول قرارداد مزبور نمی‌توان بهیچ عذری و از جمله باستناد بیکی از کیفیات ذیل مبنی بر

حقانیت دانست:

آ - احوال داخلی یک مملکت.

مثلا شکل سیاسی یا اقتصادی و یا اجتماعی آن - بهانه نواقص اداری - اغتشاشات ناشیه از اعتصابات یا انقلابات و یا عملیات ضدانقلابی و یا جنگ داخلی.

ب - عملیات بین‌المللی یک دولت.

مثلا نقض یا خطر نقض حقوق یا منافع مادی و یا اخلاقی یک دولت خارجی و یا اتباع آن - قطع مناسبات دیپلوماسی یا اقتصادی - اقدامات مربوطه به بایگوت اقتصادی و یا مالی - مناقشات ناشیه از تعهدات اقتصادی و مالی وغیره موجوده با ممالک خارجه.

وقایع سرحدی که مربوط بیکی از موارد تجاوز مصرحه در ماده دوم نباشد.

بعلاوه دول متعاهد موافقند که این قرارداد نباید برای جائز شمردن تخلفات از حقوق بین‌المللی که ممکن است مربوط به کیفیات مذکوره در موارد فوق باشد مورد استناد قرار گیرد.

پروتکل امضاء

بین دول معظم متعاهد موافقت حاصل گردید که هر گاه من بعد مملکت یا ممالک دیگری از همسایگان بلاواسطه اتحاد جماهیر شوروی اجتماعی باین قرارداد ملحق گردند آن مملکت یا آن ممالک همان حقوق و همان تعهداتی را خواهند داشت که امضاء کنندگان اصلی دارا می‌باشند.

درلندن سیم ژوئیه ۱۹۳۳

ماکیسم لیتوینف

و. سالنایس

ن. تیتولسکو

علیمحمد

ف. نوری اسفندیاری

ا. کالاس

ا. راچینسکی

متن راپرت کمیته امنیت کنفرانس خلع سلاح جامعهٔ ملل

کنفرانس راجع به تقلیل و تحدید (سلاح)

کمیسیون عمومی

راپرت کمیته راجع بمسائل مربوطه بامنیت

مخبر آقای پلیتیس

کمیته‌ای که بدواً از طرف کمیسیون سیاسی در تاریخ دهم مارس ۱۹۳۳ برای مطالعهٔ پیشنهاد هیئت نمایندگی جماهیر شوروی راجع بتعریف متجاوز (.....) و پیشنهاد هیئت نمایندگی بلژیک راجع به تعیین

تجاوز (.....) تشکیل گردیده بود از طرف کمیسیون عمومی نیز در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۳۳ مأمور شده بود که راجع به مادهٔ ۶ پروژه قرارداد انگلیس مطالعاتی بعمل آورد.

کمیتهٔ مزبور بریاست مسیوپلیتیس مرکب بود از نمایندگان ممالک ذیل:

آلمان - بلژیک - کوبا - دانمارک - اسپانی - استونی - امریکا - فنلاند - فرانسه - مجارستان - ایطالیا - لهستان - انگلیس - سویس - ترکیه جماهیر شوروی - یوگسلاوی.

راجع به دو موضوع اولی کمیته اسناد ضمیمه را که تناسب آنها در این راپورت تشریح گردیده تنظیم نموده است.

راجع به موضوع سوم بعضی از هیئت نمایندگان مثل آلمان و مجارستان و ایطالیا فقط بعنوان ناظر کارهای کمیته را تعقیب نمودند و قرار شد که پروژه میثاق اروپا که از طرف کمیته تنظیم گردیده است مسئولیتی بدول متوجه نساخته و بعنوان اساس مذاکرات به کمیسیون عمومی تقدیم گردد.

لوایحی که برای تعیین تجاوز (قسمت ۲) و میثاق مربوطه بامنیت اروپا (قسمت ۳) تنظیم شده عبارت از ضمائم (X و Y) می‌باشد که در ماده ۶ لایحه قرار داد انگلیس پیش بینی شده است.

بنابر این کمیته یک متن جدیدی که ماده ۶ لایحه مزبور را بوجود آورده و مراجعه به ضمائم مزبور نموده و تناسب آنها را با قرارداد عمومی تقلیل و تحدید سلاح (قسمت چهارم) تشریح می‌نماید تهیه نموده است.

قسمت اول

تعریف متجاوز

۱ - مقصود از این سند (ضمیمه ۱) که شالوده آن روی طرح عمومی ریخته شده است تعیین عملیات تجاوز بطور صریح و عملی و مستقیم می‌باشد.

۲ - در نظر مبتکرین این فکر این اسلوب اساس برقراری امنیت که از طرف کنفرانس خلع سلاح در نظر گرفته شده است بوده و تردید و اختلاف عقیده را در فهمیدن اینکه آیا دولی که بقوه قهریه متشبث می‌شوند متجاوز محسوبند یا نه مرتفع خواهد ساخت در اینصورت دول قبلا بطور صریح تکلیف خود را دانسته و کاری نخواهند کرد که بالنتیجه متجاوز محسوب شوند حتی بافقدان دخالت یک مؤسسه بین‌المللی نیز این تصریح حائز اهمیت می‌باشد زیرا تصریح مزبور باید ممنوعیت توسل بقوای قهریه را تحکیم نموده و بافکار عمومی و بدول دیگر اجازه خواهد داد که با اطمینان کامل ملاحظه نمایند آیا این قدغن رعایت گردیده است یا خیر.

۳ - ثانیاً در موردی که مؤسسات بین‌المللی دعوت می‌شوند که در یک مِناقشه متجاوز را عملاً تشخیص دهند تعریف صریح اصولی که باید از طرف مؤسسات مزبور اجراء شود متجاوز را خیلی سهل تر خواهد کرد و ضمناً بدون اینکه قواعد اعمالیه بنظر نقض گردیده آید مضار اینکار از اینکه بدلایل سیاسی مختلفه در صدد پرده پوشی و یا معذور دانستن متجاوز بر آیند کمتر خواهد بود.

۴ - کمیته پروژه را که اساس آن روی طرح عمومی بوده تنظیم کرده است ولی بعضی از اعضای کمیته در موضوع پیشرفت طرح مزبور اظهار تردید نموده و بالنتیجه بعضی از آنها معتقد شدند که قبل از اتخاذ تعریفات باید دید در چه حدود و یا در حق کدام دول تعریفات مزبوره مورد پیدا میکند.

۵ - هر گاه تعریف پیشنهادی از طرف عموم ملل مورد قبول واقع نگردد معلوم است فقط نسبت بدولی که در این سند شرکت خواهند نمود و در روابط متقابله آنها الزامی خواهد بود و در موارد متشابه در همین حدود مؤسسات بین‌المللی باید تعریف مزبور را اعمال و مجری نمایند.

۶ - ونیز لازم است متذکر شد که موضوع تعیین متجاوز و تعیین مجازات آن با اینکه ارتباط کامل با هم دارند از یکدیگر متمایز می‌باشد چه تعریف دقیق متجاوز بخودی خود موجب اعمال مجازات نمی‌شود.

۷ - از طرف دیگر انتقادات اصولی نسبت بخود اسلوب هم بعمل آمده است.

۸ - بعضی از اعضای کمیته مثل آلمان و اسپانیا و مجارستان و ایطالیا و انگلیس و سویس تعریفی را از متجاوز ترجیح می‌دهند که دامنهٔ آن وسیع بوده تا اینکه مؤسسات بین‌المللی بتوانند کلیه قضایا را در نظر گرفته و بالنتیجه از مضرات اجرای تعریفات دقیق که ممکن است در پارهٔ موارد مقرون به حقیقت نباشد احتراز گردد. مقصود اساسی از این نظریه این است که طرفین اختلاف تشخیص امر را در مواردی که تجاوز فرض می‌شود بیک مؤسسه بین‌المللی واگذار نمایند.

۹ - در موردی که باوجود تعریف صریحی که بعمل آمده ممکن است مؤسسه بین‌المللی دچار تردید گردد و پیشنهاد شده است. بر طبق یکی از این دو پیشنهاد مؤسسهٔ بین‌المللی باید برای رفع تردید راجع به تعیین متجاوز مراجعه بحکمیت نماید و بر طبق پیشنهاد دوم دولتی که امتناع از ترک مخاصمت و عقب بردن قشون خود از خاکی که من غیر حق بآن تجاوز کرده است نماید دولت متجاوز محسوب می‌شود مع‌ذلک اکثریت کمیته پیشنهادات بدوی را ترجیح داد.

مادهٔ اول

نظریات کلی

۱۰ - در مادهٔ اول پنج مورد که هر یک به تنهائی یک عمل تجاوز محسوب می‌شود بعنوان قطع مندرج گردیده است ولی قبلا لازم است سه فقره تصریحی را که دو فقره آن از متن خود ماده اول مستفاد می‌شود متذکر گردید.

۱۱ - الف - نسبت بقراردادهائیکه بین دو طرف متعاهد منعقد و مجری میباشد قید بعمل آمده است.

۱۲ - این قید متضمن دو مقصود است اولا موضوع آن حفظ مقررات اختصاصی قراردادهای موجوده می‌باشد که در بعضی موارد مفروضه توسل بیکی از اعمالی را که در این سند بمثابه تجاوز تلقی شده است مجاز میدارد مثال عمدهٔ چنین قراردادهائی میثاق جامعهٔ ملل می‌باشد. مثلا برای دول عضو جامعه اقدامات مقرره در میثاق که از طرف بعضی از دول جامعه نسبت بدول دیگر بعمل می‌آید تجاوز محسوب نمی‌شود. ولو اینکه تجاوز مزبور مشمول تعریف پنج مورد مذکوره در فوق گردد.

۱۳ - ثانیاً - قید مزبور امکان توافق این سند را با قرارداد مورخ ۲۶ ستامبر ۱۹۳۱ راجع بتوسعه وسائل جلوگیری از جنگ را درنظر می‌گیرد این توافق تا حدی اسباب رضایت آنهائی را که از دقیق بودن اسلوب در این سند ترس دارند فراهم می‌آورد.

۱۴ - راجع بقرارداد مزبور لازم است دو نظریه متضاد را که بکمیته پیشنهاد گردیده و از طرف کمیته مورد توجه قرارداده نشده است منظور نظر داشت.

۱۵ - از یک طرف اظهاربیم نموده‌اند از اینکه عمل مقررات ماده ۲ و ۳ این قرارداد که بموجب آن موضوع تجاوز قوای نظامی بخاک یک دولتی در مواقعی که ایجاد جنگ نمی‌کند از لحاظ اینکه سند مربوطه بتعریف متجاوز تهاجم را یک عمل تجاوز محسوب میدارد مبادا مشگل شود.

۱۶ - همان بیم بطور کلی در موارد متشابه راجع با عمال ماده ۱۱ میثاق جامعه ملل نیز اظهار شده است.

۱۷ - از طرف دیگر تذکر داده شده است که اعمال قرارداد مزبور باید تابع سندی باشد که تعریف تجاوز را برای دولی که در عین حال در این سند و قرارداد مزبور شرکت دارند متضمن باشد تا بهیچوجه چیزی از مفاد سند مزبور کاسته نشود.

۱۸ - ب - این موضوع کاملا تصریح شده است که دولتی که متجاوز شناخته می‌شود دولتی است که مبتکراً مرتکب یکی از اعمال تجاوز شناخته شود مثلا اگر قوای نظامی دولتی تجاوز بخاک یک دولت دیگری نماید دولت اخیرالذکر می‌تواند اعلان جنگ بدولت متجاوز نموده و یا بنوبهٔ خود بخاک آن تجاوز نماید بدون اینکه دولت متجاوز محسوب گردد ترتیب تاریخ وقایع در اینجا قاطع است

۱۹ - ت - این موضوع در کمیته مطرح گردید که درموردی که دولتی نسبت بدولت دیگری مرتکب عملی باشد که بموجب تعریف مادهٔ اول تجاوز محسوب می‌شود آیا یک دولت ثالثی می‌تواند در مقابل دولت اول مرتکب عملی بشود که دارای همان جنبه باشد بدون اینکه خود متجاوز محسوب گردد.

۲۰ - به عقیدهٔ کمیته نظر باین که سند راجع بتعریف متجاوز در میثاق پاریس مندرج است کافی است در این باب رجوع باصولی شود که در مقدمهٔ میثاق مزبور اشعار گردیده و بقرار ذیل می‌باشد: هر مملکت امضاء کننده که بعداً برای توسعه منافع ملی خود متوسل بجنگ شود باید از مزایای این عهدنامه محروم گردد.

تعداد پنج موضوع که تجاوز محسوب می‌شود.

موضوع اول - اعلان جنگ.

۲۱ - کمیته می‌خواست این موضوع را بداند که آیا مفید است اعلان جنگ را بمثابه دلیل تجاوز محسوب داشت و آیا عملیات تجاوز که ذیلا شرح داده می‌شود برای تعریف آن کافی متصور نمی‌شود.

۲۲ - بنظر کمیته اعلان جنگ هم باید جزو تعریف هائی که از تجاوز شده است محسوب گردد، از یک طرف ممکن است اعلان جنگ قبل از هر مخاصمتی بعمل آید و در این صورت مقدمهٔ مخاصمتی است که

دولت اعلان کننده اقدام به آن نموده و یا دولتی که به آن اعلان جنگ می‌شود مجاز به شروع جنگ می‌گردد از طرف دیگر میثاق پاریس توسل بجنگ را تحریم نموده است و بطوریکه گفته شد سند تعریف متجاوز بمنزلهٔ تتمه میثاق پاریس می‌باشد.

موضوع دوم.

تهاجم بخاک دولتی حتی بدون اعلان جنگ از طرف قوای نظامی یک دولت دیگر

۲۳ - عمل تهاجم اساساً یک عمل تجاوز محسوب می‌شود قطع نظر از اعلان جنگ مقصود از اراضی در اینجا اراضی می‌باشد که عملا در تحت حکمفرمائی دولتی واقع است.

موضوع سوم.

حمله بوسیلهٔ قوای بری و بحری و یا هوائی بخاک وکشتی‌ها و یا سفاین هوائی یک دولت

۲۴ - این فرضیه از فرضیه قبل متمایز می‌باشد زیرا موضوع دخول قوای نظامی به اراضی دولتی که مورد حمله واقع گردیده است در بین نمی‌باشد ولی اراضی مزبور مورد شلیک توپ و تفنگ و بمباران هوائی و غیره واقع می‌شود.

۲۵ - راجع به کشتی ها و یا سفاین هوائی یک مملکت دیگری تشخیص داده نشده است که آیا کشتیها وسفاین هوائی مزبوره جزو قوای نظامی دولت می‌باشد یا اینکه کشتیها وسفاین هوائی که جنبهٔ نظامی ندارند خواه به دولت و خواه به اتباع او متعلق باشد.

موضوع چهارم.

محاصره بحری سواحل و یا بنادر مملکت دیگر

۲۶ - با وجود اعتراضی که از طرف بعضی از اعضای کمیته بر علیه تذکار این مورد بعمل آمد کمیته معتقد شد که اگر چه محاصرهٔ بحری بالنتیجه منجر به جنگ می‌گردد ولی با وجود این عملی است که در اثر آن قوای مادی نسبت بیک دولت دیگری به طور محدود ولی در حقیقت بکار برده می‌شود فقط در نتیجهٔ ضعف ممکن است مملکتی که مورد محاصره بحری واقع گردیده است متوسل به عملیات جنگی نشود در پارهٔ موارد ممکن است این صفت موجب شود که خاک دولت مزبور مورد تهاجم واقع گردد (رجوع به عنوان قبل گردد) که بدون تردید کاملا تجاوز محسوب می‌شود.

موضوع پنجم - کمک به دستجات مسلح که خاک دولت دیگری را مورد تهاجم قرار می‌دهند.

۲۷ - معلوم است کمیته مایل نبود موضوع هجوم دستجات مسلح به اراضی دولتی که قسمتی از خاک آن محسوب می‌شود تجاوز محسوب گردد. در این صورت تجاوز ناشی نمی‌شود مگر از شرکت دولتی که بدستجات مسلح کمک نموده و یا اینکه برای عدم پیشرفت مقصود آنها تدابیری اتخاذ نکرده است. در پارهٔ موارد از لحاظ وضعیت نواحی سر حدی و کمی عدهٔ اهالی و غیره ممکن است دولتی وسیله ممانعت از

هجوم و یا جلوگیری از عملیات دستجات مزبور را نداشته باشد در چنین موردی دولت مزبور مسئول قرارداده نمی‌شود در صورتی که تدابیری که می‌توانست عملا برای جلو گیری از عملیات دستجات مسلح اتخاذ نماید به عمل آورده باشد راجع به هر قضیه لازم است عملا معین نمود که مقصود از تدابیر مزبوره چه می‌باشد.

مادهٔ ۲:

۲۸ - مقصود از این ماده این است که عملیات تجاوز را به طوری که در مادهٔ ۱ تعیین گردیده است به هیچوجه نمی‌توان به هر عنوانی که باشد مستمسک قرارداده و یا موجه ساخت بعبارهٔ اخری این اعمال از طرف دولتی موجه شناخته نمی‌شود مگر در صورتی که دولت مزبور بدواً خود مورد این قبیل عملیات واقع گردیده باشد. پاره‌ای از اعضاء کمیته قیدهائی راجع باین ماده از لحاظ قطعی بودن آن نمودند.

۲۹ - یک پروتکل مخصوصی تنظیم گردیده (ضمیمه۲) و جزو مادهٔ ۲ محسوب می‌شود.

۳۰ - مقصود از پروتکل مزبور که جزو سند محسوب می‌گردد این است که بر اهمیت موضوع مادهٔ ۲ افزوده شود پروتکل مزبور موارد عمده را که دول می‌توانستند از لحاظ وضعیت حقوق بین‌المللی قبل از میثاق پاریس و میثاق جامعهٔ ملل خود را مجاز بر استعمال قوای قهریه بر علیه یک دولت دیگری بدانند مقرر می‌دارد ولی واضح است که این مقررات اهمیت فرمول عمومی مادهٔ ۲ را به هیچ قسم محدود نمی‌سازد.

۳۱ - از طرف دیگر در پروتکل مزبور تصریح شده است که نقض حقوق بین‌المللی در مورد دولتی که اقدام به آن می‌نماید استعمال قوه را که عمل تجاوز محسوب و در مادهٔ اول تشریح گردیده است نمی‌تواند از لحاظ نقض مزبور موجه سازد و دولتی که از نقض حقوق بین‌المللی شاکی است برای ترمیم خساراتی که مدعی است به آن وارد گردیده است وسائل مسالمت آمیزی برای حل قضیه در دسترس خواهد داشت و عنداللزوم می‌تواند وسایل تضییق را مثل قطع روابط سیاسی و اقتصادی و غیره که اقدامات قهریه محسوب نمی‌شود استعمال نماید.

۳۲ - موضوع تحریک در کمیتهٔ مطرح مذاکره گردید و دراین باب لازم است تصریحی بعمل آید یا تحریک یکی از اعمال تجاوز مذکوره در مادهٔ اول محسوب است که در چنین موردی دولتی که نسبت بآن این اقدام بعمل آمده است می‌تواند عین همان اقدام را بعمل آورد و اشکالی در بین نیست یا اینکه تحریک عبارت است از نقض حقوق بین‌الملل و یا رفتار غیر دوستانهٔ دولت و یا افکار عمومی بدون اینکه تجاوزی در بین باشد در اینصورت تحریک را نمی‌توان بهانه و مدرک قرار داد.

۳۳ - راجع به لزوم و عبارت این پروتکل قیدی از طرف هیئت نمایندگان فرانسه گردید.

مادهٔ ۳:

۳۴ - این ماده محتاج شرح و تفسیر نیست ولی تصمیم اینکه این بند که جزو قرارداد خواهد بود آیا همان مدت قرارداد مزبور را خواهد داشت یا نه به عهدهٔ کمیسیون عمومی می‌باشد.

قسمت ۲
تعیین تجاوز

۳۵ - کمیته با پارهٔ تغییرات فرعی باتفاق آراء بالایحه هیئت نمایندگی بلژیک راجع بایجاد کمیسیون تحقیق در صورت تجاوز و یا تهدید بتجاوز (ضمیمه۳) موافقت نمود.

۳۶ - مع‌ذلک هیئت نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی اشعار داشت که نسبت باین سند تا موضوع تعریف متجاوز حل نگردیده است نمی‌تواند اتخاذ تصمیم نماید. .

۳۷ - در این لایحه سه مقصود اساسی در نظر است.

۳۸ - ۱ - در صورت مخاطره (خواه در نتیجه تخطی به سرحد و خواه در موردی که دولتی با تهدید قریب‌الوقوع تجاوز مواجه میشود) خیلی مطلوب است که قضایائی که موجب روشن کردن وضعیت می‌شود بطور بیطرفانه و سریعاً مورد تحقیق و مداقه قرار گیرد زیرا چنین تحقیق و مداقه نه تنها برای روشن کردن ذهن مؤسسات بین‌المللی که دعوت به اظهار عقیده راجع به مسئولیت طرفین مناقشه می‌شوند خیلی مفید است بلکه برای افکار عمومی هم که قضاوت آن در چنین موردی ممکن است قاطع باشد دارای فوائد می‌باشد.

۳۹ - ۲ - برای اینکه تحقیقات منتج به نتیجه شود چون باید بفوریت بعمل آمده که هیچ گونه عایقی در قسمت طرز عمل موجب تعویق امر نشود لازم است در موقعی که واقعه سوئی رخ می‌دهد کمیسیون تحقیقات قبلا وجود داشته ویا بتوان فوراً آنرا تشکیل نمود تا وظایف خود را بدون تأخیر انجام بدهد.

۳ - لازم است اعتراض عمده راکه ممکن است نسبت بایجاد این قبیل کمیسیون‌ها بعمل آید مرتفع ساخته و از احاله مواردی که ممکن است مستقیماً و یا غیر مستقیماً جنبه تحقیقات اجباری و شاقه داشته باشد به کمیسیون‌های مزبوره احتراز کرد.

۴۱ - کمیسیون‌های فوق‌الذکر را نمی‌توان ابداً آلت اجرای خیالات خارج دانسته و آنها را در تحت نظریه جامعه ملل و یا یک مؤسسه بین‌المللی دیگری فرض نموده چه کمیسیون‌های مزبور وسایلی هستند که در اختیار دول ذینفع گذارده می‌شود.

دول مزبور در لزوم مراجعه امر به کمیسیون‌های مزبوره مختار بوده و در تعیین موضوعی که به کمیسیون‌ها برای مطالعه و تحقیق احاله می‌شوند تنها مشخص می‌باشند.

۴۲ - این نکته را نیز لازم است متذکر گردید که کمیسیون‌های مزبور وظیفهٔ جز مبادرت بتحقیقات در اطراف امر نداشته و ابداً صلاحیتی در این باب برای اظهار هر گونه عقاید حقوقی ندارند.

۴۳ - لوایجی که کمیته به کمیسیون عمومی تقدیم می‌کند من حیث‌المجموع به طور کافی مصرح است و احتیاجی به شرح و تفسیر نیست.

۴۴ - مع‌ذلک لازم است چند فقره اظهار نظر ذیل را به طور اختصار نمود.

۴۵ - ۱ - راجع به جنبهٔ که لازم است برای سند مزبور در مجموع تصمیماتی که بالاخره از طرف

کنفرانس اتخاذ می‌شود قائل شد کمیته اظهار رأی نکرده ولی اشعار داشته است که چون دامنهٔ سند مزبور وسیع می‌باشد و مراتب مندرجه در آن ممکن است در مورد مسائل مختلفه اعمال گردد بنابراین مراتب مزبور را می‌توان هم در کارهای عمومی و هم در کارهای محلی بکار برد.

۴۶ - ۲ - در مادهٔ ۲ شرایطی که بموجب آن کمیسیون‌های تحقیق تعیین می‌شوند پیش بینی شده است هر دولتی پنج عضو کمیسیون خود را از روی فهرستی که متضمن ده اسم می‌باشد و برحسب تقاضای خودش هر پنج سال از طرف یک مؤسسه بین‌المللی مقرر می‌گردد انتخاب خواهد کرد.

این مؤسسه کدام است؟ در این قسمت کمیته ترجیح داد به طور قطع اظهار رأی ننموده و انتخاب بین کمیسیون دائمی آتیه خلع سلاح و شورای جامعه ملل را به تصمیمات بعدی کنفرانس موکول نماید.

۴۷ - یکی از اعضای کمیته مداخله شوروی را در مورد دول عضو جامعه ملل و کمیسیون دائمی خلع سلاح را در مورد دول غیر عضو پیشنهاد کرده بود ولی ترجیح داده شد که موضوع فعلا مسکوت عنه بماند.

۴۸ - ۳ - در بند دوم ماده ۲ ذکر شده است که هر دولتی مجاز است باین انتخاب مبادرت کرده و عنداللزوم تا موقع تشکیل کمیسیون تغییری در انتخاب مزبور بدهد این قاعده طرز عمل را سهل و عملی تر می‌نماید در ضمن اتخاذ این رویه نظر کمیته بپارهٔ پیش‌آمدهائیکه ممکن است تولید اشکالاتی بنماید یعنی در موردی که دولتی ترجیح بدهد بطوریکه بموجب لایحه مجازات اقدام به تشکیل کمیسیون خود قبل از وقوع هر گونه بحران سیاسی نماید معطوف گردید زیرا ممکنست که در وهلهٔ آخر یکی از اشخاصی که انتخاب گردیده است در نتیجهٔ مرخصی یا مرض و غیره حاضر نباشد یا اینکه شخص مزبور از لحاظ تابعیت خود و تغییراتی که در روابط بین‌المللی رخ می‌دهد. تضمینات بیطرفی و علل اعتمادی راکه تعیین او موجب شده بود فاقد گردد اسلم شقوق این بود که این فرضیات در نظر گرفته شده و دولت ذی‌نفع برای تغییر اعضای کمیسیون خود مجاز گردد معلوم است اختیاری که باین ترتیب نسبت به دولت مزبور شناخته میشود همین که به رئیس کمیسیون برای تقاضای مداخله مراجعه نمود خاتمه پیدا می‌کند.

۴۹ - چندنفر از اعضای کمیته تصور نمودند که آیا نمی‌توان دامنه صلاحیت کمیسیون‌های تحقیق را توسعه داده و امکان مراجعه دادن تصفیه امر را از طرف کمیسیون دائمی خلع سلاح در مواقعی که باید مبادرت به تحقیقات محلی نمود به کمیسیون مزبور پیشی کرد.

۵۰ - ولی با این تفوه اعضای دیگر مخالفت نموده و کمیته تصدیق نمود که فعلا این موضوع را نمی‌توان مورد مطالعه قرار داد.

۵۱ - بعضی از اعضای کمیته این اختیار را برای هیئت‌های نمایندگی خود محفوظ داشتند که این موضوع را در موقعی که فصل راجع به کنترل لایحه قراردادی هیئت نمایندگی انگلیس مورد بحث خواهد گردید طرح بنمایند.

دفتر سوم
قرارداد حمایت اموال فرهنگی هنگام جنگ

٤٣:

قرارداد حمایت اموال فرهنگی هنگام جنگ ...

قانون مربوط به قرارداد حمایت اموال فرهنگی هنگام جنگ[1]
مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۳

ماده واحده ـ قرارداد حمایت اموال فرهنگی هنگام جنگ مشتمل بر چهل ماده و یک آئین‌نامه اجرائی و یک پروتکل و سه قطعنامه که در ۱۴ مه ۱۹۵۴ از طرف نماینده تام‌الاختیار ایران در لاهه به امضاء رسیده تصویب می‌شود.

قرارداد حمایت اموال فرهنگی هنگام جنگ
مصوب ۱۴ مه ۱۹۵۴ کنفرانس لاهه

کنفرانسی که از طرف سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد به منظور تهیه و تصویب قرارداد حمایت اموال فرهنگی در صورت وقوع جنگ و آئین‌نامه اجرائی آن قرارداد و پروتکل مربوط به قرارداد حمایت اموال فرهنگی در صورت وقوع جنگ دعوت شده بود بنا به دعوت دولت هلند از ۲۱ آوریل تا ۱۴ مه ۱۹۵۴ در لاهه تشکیل یافته و اساس طرحهائیکه از طرف سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متح تنظیم شده بود مورد شور قرارداد و متن‌های زیر از طرف کنفرانس مزبور مورد توجه واقع گردید.

قرارداد لاهه برای حمایت اموال فرهنگی در صورت وقوع جنگ و آئین‌نامه اجرائی آن.

پروتکل برای حمایت اموال فرهنگی در صورت وقوع جنگ.

---

۱ ـ مجموعه قوانین دوره نوزدهم قانونگذاری. صفحه ۱۵۲۴ به بعد.

قرارداد و آئین‌نامه و پروتکل مذکور که متن‌های آنها به زبانهای انگلیسی و اسپانیائی و فرانسه و روسی تهیه شده و منضم به آن سند می‌باشد.

سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد متن‌های مزبور را به زبانهای رسمی دیگر کنفرانس عمومی خود نیز ترجمه خواهد نمود. به علاوه این کنفرانس سه قطع‌نامه دیگر نیز تصویب کرده است که همچنین منضم به این سند می‌باشد.

بناءً علیهذا امضاء کنندگان زیر که از طرف دولتهای خود رسماً مجاز بوده‌اند این سند نهائی را امضاء کردند.

در لاهه در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ بزبانهای انگلیسی و اسپانیولی و فرانسه و روسی تنظیم گردیده که اصل آن اسناد و ضمائم آن در سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد ضبط و تودیع می‌شود.

طرفهای معظم متعاهد.

با توجه به اینکه اموال فرهنگی در جریان جنگهای اخیر شدیداً لطمه دیده و در اثر توسعه وسایل فنی جنگی بیش از پیش مورد تهدید تخریب واقع می‌باشند. با علم به اینکه تمام اقوام در فرهنگ جهانی سهیمند و لطمه به اموال فرهنگی هر قوم به منزله لطمه به اموال فرهنگ کلیه بشر می‌باشد، با توجه به اینکه حفظ اموال فرهنگی برای کلیه اقوام جهان بسیار اهمیت دارد و لازمست اموال مزبور مورد حمایت بین المللی واقع گرد.

به پیروی از اصول حمایت اموال فرهنگی در صورت وقوع جنگ که قراردادهای لاهه مورخ ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ در پیمان واشنگتن مورخ ۱۵ آوریل ۱۹۳۵ مقرر گردیده است.

با توجه به اینکه حمایت این اموال وقتی مؤثر خواهد بود که در زمان صلح اقداماتی برای تأمین آن چه از نظر ملی و چه از نظر بین‌المللی بعمل آید.

با تصمیم به اخذ کلیه تدابیر ممکنه برای حمایت اموال فرهنگی مواد ذیل را مقررمی‌دارند:

فصل ۱ ـ مقررات عمومی مربوط به حمایت

ماده ۱ ـ تعریف اموال فرهنگی

در این قرارداد اموال زیر قطع نظر از منشاء و مالک آنها اموال فرهنگی محسوب می‌گردد.

الف ـ اموال منقول و غیرمنقولی که برای فرهنگ ملل دارای اهمیت زیادی می‌باشد از قبیل آثار معماری ـ هنری یا تاریخی ـ مذهبی یا غیرمذهبی - مناظر باستانی مجموع ساختمانهائی که از این حیث دارای ارزش تاریخی یا هنری می‌باشد آثار هنری و نسخ خطی و کتب و سایر اشیاء که دارای ارزش هنری تاریخی یا باستانشناسی باشد و همچنین مجموعه‌های علمی و مجموعه‌های مهم کتب و اسناد و نمونه‌های تقلیدی (Reproduction) اموال مذکور در فوق.

ب ـ بناهائی که منظور اصلی و واقعی از آنها حفاظت و نمایش اموال منقول فرهنگی مذکوره در بند

(الف) می‌باشد و مانند موزه‌ها ـ کتابخانه‌های بزرگ ـ بایگانی‌ها و همچنین پناهگاههائی که در صورت وقوع جنگ اموال منقول فرهنگی مذکوره در بند (الف) در آنجا نگاهداری می‌شود.

ج ـ مراکزی که در آنجا تعداد قابل توجهی اموال فرهنگی مشروحه در بند (الف) و (ب) وجود دارد و مراکز آثار تاریخی گفته می‌شود.

ماده ۲ ـ حمایت اموال فرهنگی.

به موجب مفاد این قرارداد حفاظت اموال فرهنگی شامل حمایت و محترم شمردن اموال مزبور می‌باشد.

ماده ۳ ـ حفاظت اموال فرهنگی.

طرفهای معظم متعاهد تعهد می‌نمایند هنگام صلح وسائل حفاظت اموال فرهنگی واقعه در سرزمین خود را در مقابل نتایج متصوره از جنگ با اقداماتی که به نظرشان مناسب باشد فراهم سازند.

ماده ۴ ـ محترم شمردن اموال فرهنگی.

طرفهای معظم متعاهد تعهد می‌نمایند اموال فرهنگی را چه در سرزمین خود و چه در سرزمین یکی از طرفهای معظم متعاهد محترم شمرده استفاده از اموال مزبور و از وسایل محافظت آنها و از مناطق مجاور آنها را به نحوی که در صورت وقوع جنگ موجب تخریب آنها یا آسیب به آنها باشد ممنوع ساخته و از هر عمل خصمانه‌ای در باب آنها خودداری نمایند.

۲ ـ تخلف از تعهد مذکور در بند (الف) این ماده جایز نخواهد بود مگر در مواردی که الزامات نظامی اجباراً چنین تخلفی را ایجاب نماید.

۳ ـ طرف‌های معظم متعاهد بعلاوه تعهد می‌نمایند هر گونه عمل دزدی و چپاول و دستبرد به اموال فرهنگی را جلوگیری نموده، ممنوع و عنداللزوم متوقف سازند و نگذارند به هیچوجه نسبت به آنها اقدامات تخریبی بعمل آید و از مصادره اموال فرهنگی منقول واقعه در خاک طرف متعاهد معظم دیگر خودداری نمایند.

۴ ـ هرگونه اعمال انتقامی بر علیه اموال فرهنگی را ممنوع می‌سازند.

۵ ـ یکی از طرفهای متعاهد نمی‌تواند به استناد باینکه طرف دیگر تعهدات مربوط به محافظت مذکوره در ماده ۳ را مراعات ننموده است خود را از الزاماتی که این ماده ایجاب می‌نماید آزاد بداند.

ماده ۵ ـ اشغال :

۱ ـ طرف‌های معظم متعاهد که کلیه یا قسمتی از سرزمین طرف متعاهد دیگر را اشغال می‌نمایند باید در حدود امکان مساعی مقامات ملی صالحه کشور اشغال شده را برای حفاظت و نگاهداری اموال فرهنگی تأمین کنند.

۲ ـ چنانچه اقدام فوری برای حفاظت اموال فرهنگی واقعه در سرزمین اشغال شده که در نتیجه عملیات جنگی آسیب دیده لازم گردد و مقامات ملی صالحه نتوانند بدان بپردازند دولت اشغال کننده در

حدود امکان لازم‌ترین اقدامات حفاظتی را با همکاری نزدیک مقامات مزبور بعمل خواهد آورد.

۳ ـ هر یک از طرف‌های معظم متعاهد که افراد یک نهضت مقاومت Resistance آنرا حکومت قانونی می‌شناسند توجه افراد مزبور را حتی‌الامکان نسبت به لزوم مراعات مقررات این قرارداد در قسمت مربوط به محترم شمردن اموال فرهنگی جلب خواهد نمود.

ماده ٦ ـ علامت گذاری اموال فرهنگی:

طبق مقررات ماده ۱۶ اموال فرهنگی را می‌توان بعلائم مخصوص مجهز نمود تا تشخیص آنها تسهیل گردد.

ماده ۷ ـ اقدامات از نظر نظامی:

۱ ـ طرفهای معظم متعاهد تعهد می‌نمایند از زمان صلح در مقررات و دستوراتی که جهت سربازان خود تنظیم می‌نمایند ترتیبات خاصی برای مراعات این قرارداد منظور دارند و هم در زمان صلح نزد افراد نیروی نظامی خود روح احترام نسبت به فرهنگ و اموال فرهنگی همه ملل را بپرورانند.

۲ ـ و نیز تعهد می‌نمایند از زمان صلح در نیروی نظامی خود ادارات یا افراد متخصصی تهیه نمایند که مأموریت آنها مراقبت در احترام امول فرهنگی بوده و با مقامات کشوری مأمور محافظت اموال مزبور همکاری کنند.

فصل دوم ـ حفاظت مخصوص

ماده ۸ ـ اعضاء حمایت مخصوص:

۱ ـ تعداد محدودی پناهگاه را که برای حفاظت اموال فرهنگی منقول در صورت وقوع جنگ در نظر گرفته شده و همچنین مراکز آثار تاریخی و سایر اموال فرهنگی غیرمنقول را که دارای اهمیت زیادی باشد می‌توان تحت حمایت مخصوص قرار داد مشروط براینکه.

الف ـ با مراکز صنعتی یا با هر هدف نظامی مهم که نقطه حساس باشد مانند فرودگاه ـ ایستگاه رادیو ـ مؤسساتی که برای دفاع ملی کار می‌کنند ـ بندر - ایستگاه نسبتاً مهم راه‌آهن با راههای مهم ارتباطی به حد کافی فاصله داشته باشد.

ب ـ به منظور نظامی مورد استفاده قرار نگیرد.

۲ ـ پناهگاه برای محافظت اموال منقول فرهنگی نیز می‌تواند هرکجا واقع شده باشد تحت حمایت مخصوص قرار گیرد مشروط بر اینک طوری ساخته شده باشد که بر حسب احتمال بمباران نتواند به آن لطمه وارد نماید.

۳ ـ یک مرکز آثار تاریخی که برای نقل و انتقال افراد و ذخایر نظامی حتی بعنوان ترانزیت بکار برده شود در حکم مرکزیست که به منظورهای نظامی مورد استفاده قرار گرفته و همچنین است هنگامی که در آن عملیاتی انجام می‌شود که رابطه مستقیم با اقدامات نظامی داشته باشد و محل اقامت افراد نظامی یا تولید

مصالح جنگی قرار گیرد.

۴ ـ مراقبت یکی از اموال فرهنگی مذکور در بند (۱) از طرف نگهبانانی که برای این امر ملبس به لباس مخصوی نگهبانی هستند. با حضور نیروی پلیس که بر حسب عادت مأمور انتظام عمومی است در مجاورت آن مال فرهنگی منظور نظامی محسوب نمی‌گردد.

۵ ـ چنانچه یکی از اموال فرهنگی مذکور در بند (۱) این ماده در نزدیکی یک هدف مهم بمفهوم این بند واقع باشد می‌تواند تحت حمایت مخصوص قرار گیرد مشروط براینکه طرف معظم متعاهدیکه چنین تقاضائی را می‌نماید متعهد گردد که در صورت وقوع جنگ از هدف مزبور هیچگونه استفاده نظامی نکند و بخصوص اگر بندر یا ایستگاه راه‌آهن یا فرودگاه باشد هرگونه رفت و آمد را از آنجا منحرف سازد در این صورت باید انحراف در زمان صلح به عمل آید.

۶ ـ حمایت مخصوص از اموال فرهنگی در زمان صلح بوسیله ثبت آنها در دفتر بین‌المللی حمایت فرهنگی می‌آید این ثبت فقط طبق مفاد این قرارداد و تحت شرایطی که برای اجرای آن در این موافقتنامه پیش‌بینی شده انجام می‌گیرد.

ماده ۹ ـ مصونیت اموال فرهنگی تحت حمایت مخصوص.

طرفهای معظم متعاهد تعهد می‌نمایند مصونیت اموال فرهنگی تحت حمایت مخصوص را به محض ثبت آنها در دفتر بین‌المللی با خودداری از هرگونه خصومت نسبت به آنها محترم شمارند و از بکاربردن اموال مزبور و حوالی آنها (غیر از مواردی که در بند ۵ ماده ۸ پیش‌بینی شده) به منظور نظامی خودداری نمایند.

ماده ۱۰ ـ علامت‌گذاری و بازرسی.

اموال فرهنگی تحت حمایت مخصوص باید در زمان جنگ دارای علائم مشخص در ماده ۱۶ بوده و همانطور که در آئین‌نامه اجرائی پیش‌بینی شده برای بازرسی بین‌المللی آزاد باشد.

ماده ۱۱ ـ سلب مصونیت.

۱ ـ چنانچه یکی از طرفهای متعاهد نسبت به یکی از اموال فرهنگی تحت حمایت مخصوص از تعهداتی که طبق ماده ۹ نموده تخلف نماید طرف مقابل تا زمانیکه این تخلف ادامه دارد از تعهدی که نسبت به مصونیت اموال مزبور نموده آزاد خواهد بود معهذا هر وقت میسر گردد اخطار خواهد کرد که در مهلت معقولی به ان تخلف خاتمه داده شود.

۲ ـ در خارج از مواردی که در بند (۱) پیش‌بینی شده مصونیت یک مال فرهنگی تحت حمایت مخصوص نمی‌تواند سلب گردد مگر در موارد استثنائی الزامات نظامی غیرقابل احتراز و منحصراً تا موقعیکه الزام وجود دارد این الزام فقط از طرف شخصی می‌تواند تشخیص داده شود که رئیس تشکیلاتی بالاتر یا لااقل برابر با یک لشگر باشد.

در کلیه مواردی که اوضاع اجازه دهد تصمیم سلب مصونیت قبلاً در مدتی کافی بطرف ابلاغ می‌گردد.

۳ ـ طرفی که مصونیت را سلب می‌نماید باید در کمترین مدت ممکن کتباً با ذکر علل کمیسر کل اموال فرهنگی راکه در آئین‌نامه اجرائی پیش‌بینی شده مستحضر سازد.

فصل سوم ـ حمل و نقل اموال فرهنگی

ماده ۱۲ ـ حمل و نقل تحت حمایت مخصوص.

۱ ـ حمل و نقلیکه منحصراً مخصوص اموال فرهنگی چه در داخل کشور و چه به مقصد سرزمین دیگری باشد ممکن است طبق تقاضای طرف معظم متعاهد ذینفع تحت حمایت مخصوص و شرایط پیش‌بینی شده در آئین‌نامه اجرائی به عمل اید.

۲ ـ حمل و نقل تحت حمایت مخصوص با مراقبتی که جنبه بین‌المللی دارد و در آئین‌نامه اجرائی پیش‌بینی شده و با علامت مشخصی که در ماده ۱۶ تعیین گردیده بعمل خواهد آمد.

۳ ـ طرف‌های معظم متعاهد از هرگونه عمل خصمانه نسبت به حمل اموال تحت حمایت مخصوص خودداری خواهند نمود.

ماده ۱۳ ـ حمل ونقل در موارد فوری:

۱ ـ چنانچه یکی از طرف‌های معظم متعاهد تشخیص دهد امنیت بعضی از اموال فرهنگی اقتضاء می‌کند که آنها را به جای دیگر منتقل سازد و این عمل بقسمی فوریت داشته باشد که طرز عمل پیش‌بینی شده در ماد ۱۲ را نتواند بخصوص در آغاز جنگ مراعات نماید در آن صورت حمل و نقل ممکن است بعلامت مشخص مذکور در ماده ۱۲ مجهز گردد مگر در مواردی که طبق مفاد ماده ۱۲ تقاضای مصونیت گردیده و رد شده باشد. جریان حمل و نقل باید در حدود امکان باطلاع طرف‌های متخاصم برسد. حمل و نقل بطرف سرزمین کشور دیگر چنانچه صریحاً مصونیت داده نشده باشد نمی‌تواند به هیچوجه مجهز به علامت مشخصه باشد.

۲ ـ طرف‌های متعاهد در حدود ممکنه احتیاطات لازمه را بعمل خواهند آورد تا حمل و نقلیکه در بند اول این ماده پیش‌بینی شده و مجهز به علامت مشخص است از عملیات خصمانه‌ای علیه آنها محفوظ بماند.

ماده ۱۴ ـ مصونیت در موارد توقیف و تصرف غنیمت:

۱ ـ در مقابل توقیف و تصرف و غنیمت اموال زیر مصونیت دارند:

الف ـ اموال فرهنگی که از حمایت پیش‌بینی شده در ماده ۱۲ و همچنین ماده ۱۳ بهره‌مند است.

ب ـ وسایل حمل و نقل که منحصراً مخصوص انتقال اموال مزبور باشد.

۲ ـ این ماده به هیچوجه حق بازدید و بازرسی را محدود نمی‌سازد.

فصل چهارم ـ کارمندان

ماده ۱۵ ـ متصدیان:

کسانیکه مأمور حمایت اموال فرهنگی هستند باید در حدودی که با مقتضیات امنیت مطابقت نماید به نفع اموال مزبور مورد احترام واقع گردند و چنانچه در دست طرف مقابل گرفتار شوند و اموالی که موظف به حمایت آنها هستند نیز به دست طرف مقابل افتد باید بتوانند وظیفه خود را ادامه دهند.

فصل پنجم ـ علامت مشخص

ماده ۱۶ ـ علامت قرارداد:

۱ ـ علامت مشخصه قرارداد عبارتست از یک لوحه (Ecu) که پائین آن نوکدار بوده و صفحه آن دارای دو رنگ آبی و سفید است (یک مربع آبی که یک زاویه آن در نوک لوحه قرارگرفته و یک مثلث آبی بالای مربع مزبور این دو شکل در هر طرف تشکیل یک مثلث سفید می‌دهند).

۲ ـ این علامت یا منفرداً بکار می‌رود و یا سه مرتبه به شکل مثلث (یک علامت در پائین) طبق شرایط مذکوره در ماده ۱۷ تکرار می‌شود.

ماده ۱۷ ـ مورد استعمال علامت:

۱ ـ علامت مخصوص که سه مرتبه تکرار می‌شود فقط در موارد زیر استعمال می‌گردد.

الف ـ اموال فرهنگی غیرمنقول تحت حمایت مخصوص.

ب ـ حمل اموال فرهنگی تحت شرایطی که در ماده ۱۲ و ۱۳ پیش‌بینی شده است.

ج ـ پناهگاههائی که تحت شرایط مذکور در آئین‌نامه اجرائی تدارک می‌شود.

۲ ـ علامت مشخصه بصورت منفرد فقط در موارد زیر استعمال می‌شود:

الف ـ برای اموال فرهنگی که تحت حمایت مخصوص نیست.

ب ـ برای اشخاصی که طبق مقررات اجرائی مأمور بازرسی هستند.

ج ـ برای کسانیکه مأمور حمایت اموال فرهنگی هستند.

د ـ در مورد برگهای هویتی که در آئین‌نامه اجرائی پیش‌بینی شده‌است.

۳ ـ در صورت وقوع جنگ استعمال علامت مشخصه جز در مواردی که در بند بالای این ماده ذکر گردیده همچنین استعمال علامتی شبیه به علامت مشخصه به هر منظوری ممنوع می‌باشد.

۴ ـ علامت مشخصه را نمی‌توان روی اموال فرهنگی غیرقابل منقول نصب نمود مگر اینکه در عین حال پروانه‌ای که به وسیله مقامات صالحه طرف معظم متعاهد امضاء و تاریخ گذارده شده و نیز در کنار آن نصب گردد.

فصل ششم ـ حدود اعمال قرارداد

ماده ۱۸ ـ اعمال قرارداد:

۱ ـ علاوه بر مقرراتی که باید از زمان صلح معتبر باشد هنگامیکه جنگی اعلام شود یا به هر برخورد مسلحانه دیگری بین دو یا چند طرف معظم متعاهد واقع گردد حتی اگر حالت جنگ بین یک یا چند طرف رسماً شناخته نشده باشد قرارداد حاضر قابل اعمال خواهد بود.

۲ ـ قرارداد هنگام اشغال تمام یا قسمتی از سرزمین یکی از طرف‌های معظم متعاهد نیز قابل اعمال خواهد بود حتی اگر اشغال مزبور بدون مقاومت نظامی بعمل آمده باشد.

۳ ـ چنانچه یکی از دول متخاصم عضو این قرارداد نباشد معذالک دولی که عضویت دارند در روابط بین خود متعهد باین قراردا خواهند بود. بعلاوه چنانچه دولت غیر عضو اظهار دارد که مقررات قرارداد را می‌پذیرد تا زمانیکه آنها را مورد اجرا قرار می‌دهد سایرین نیر به نسبت آن متعهد خواهند بود.

ماده ۱۹ ـ جنگهائی که جنبه بین‌المللی ندارد.

۱ ـ در صورت وقوع جنگی که جنبه بین‌المللی ندارد و در سرزمین یکی از طرف‌های معظم متعاهد واقع می‌شود هر یک از طرفین منازعه مکلف است مقررات این قرارداد را لااقل در قسمتی که مربوط به احترام نسبت به اموال فرهنگی می‌باشد اعمال نماید.

۲ ـ متخاصمین سعی خواهند نمود از طریق موافقت‌های مخصوص تمام یا قسمتی از مقررات دیگر این قرار داد نیز به موقع اجرا بگذارند.

۳ ـ سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد می‌تواند وسایل خود را در اختیار متخاصمین بگذارد.

۴ ـ اجرای مقرراتی که در بالا ذکر گردید در وضع حقوقی متخاصمین تأثیری نخواهد داشت.

فصل هفتم ـ اجراء قرارداد

ماده ۲۰ ـ آئین‌نامه اجرائی:

نحوه اجرای این قرارداد در آئین‌نامه اجرائی که جزء لاینفک آن به شمار می‌رود تعیین گردیده است.

ماده ۲۱ ـ دول حامی.

این قرارداد و آئین‌نامه اجرائی آن با کمک دول حامی که مأمور حفاظت منافع طرف‌های متخاصم هستند به مورد اجرا گذاشته می‌شود:

ماده ۲۲ ـ طریق مصالحه.

۱ ـ دول حامی در هر مورد که به نفع اموال فرهنگی مفید بدانند بخصوص اگر راجع به اجرا یا تفسیر مفاد این قرارداد و آئین‌نامه اجرائی آن اختلافی بین طرفهای متخاصم وجود داشته باشد به آنها کمک و همراهی خواهند کرد.

۲ ـ بدین منظور هر یک از دول حامی می‌تواند بدعوت یکی از طرف‌های متخاصم یا به دعوت مدیر کل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد یا به اختیار خود به طرف‌های متخاصم پیشنهاد نماید که مجمعی مرکب از نمایندگانشان به خصوص مقاماتی که مأمور حفاظت اموال فرهنگی می‌باشند لدی الاقتضاء در سرزمین بی‌طرف مناسبی تشکیل دهند.

طرف‌های متخاصم موظفند به پیشنهاد راجع به تشکیل مجمع ترتیب اثر دهند.

دول حامی شخصیتی از یکی از دول بی‌طرف با شخصیتی که از طرف مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد معرفی شده باشد به طرف‌های متخاصم پیشنهاد می‌نمایند تا پس از قبول امر متخاصمین به سمت ریاست در این مجمع شرکت نماید.

ماده ۲۳ ـ کمک سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد (unesco):

۱ ـ طرف‌های معظم متعاهد می‌توانند به منظور تأسیس سازمانهای حمایت اموال فرهنگی یا برای هر موضوعیکه مربوط به اجرای این قرارداد و آئین‌نامه اجرائی آن باشد از کمک فنی سازمان تربیتی و علمی فرهنگی ملل متحد استمداد جویند.

یونسکو در حدود برنامه و امکانات خود این کمک را خواهد نمود.

۲ ـ سازمان مجاز خواهد بود به ابتکار خود در این خصوص به طرف‌های معظم متعاهد پیشنهادهائی بدهد.

ماده ۲۴ ـ موافقت‌های مخصوص.

۱ ـ طرفهای معظم متعاهد راجع به هر مسئله‌ایکه حل جداگانه آن را صلاح بدانند می‌توانند به انعقاد موافقتنامه‌های مخصوص مبادرت نمایند.

۲ ـ هیچگونه موافقت مخصوص نمی‌تواند از حمایتی که این قرارداد برای اموال فرهنگی و کارمندان مربوط به آن تعیین نموده است بکاهد.

ماده ۲۵ ـ انتشار قرارداد:

طرفهای معظم متعاهد تعهد می‌نمایند هنگام صلح و هنگام جنگ متن این قرارداد و آئین‌نامه اجرائی آن را تا سرحد امکان در ممالک خود منتشر سازند و بخصوص متعهد می‌گردند آن را در برنامه‌های تعلیمات نظامی و حتی‌المقدور کشوری وارد نمایند بنحویکه کلیه ساکنین مخصوصاً نیروی نظامی و مأمورین حفظ اموال فرهنگی اصول آن را بدانند.

ماده ۲۶ ـ ترجمه و گزارش:

طرفهای معظم متعاهد ترجمه رسمی این قرارداد و آئین‌نامه اجرائی آن را بوسیله مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد برای یکدیگر خواهند فرستاد.

۲ ـ بعلاوه لااقل هر چهارسال یکمرتبه گزارشی حاوی اطلاعاتیکه مناسب به نظر آنان برسد و راجع باشد به اقداماتیکه بعمل آورده‌اند و یا از طرف ادارات آنها برای اعمال این قرارداد و آئین‌نامه اجرائی آن تهیه

و یا در نظر گرفته شده‌است به مدیرکل یونسکو خواهند داد.

ماده ۲۷ ـ جلسات:

۱ ـ مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد می‌تواند با تصویب شورای اجرائی یونسکو نمایندگان طرف‌های معظم متعاهد را برای تشکیل جلسه دعوت نماید و نیز موظف است در صورتیکه لااقل یک پنجم از طرفهای معظم متعاهد تقاضا نمایند باین دعوت اقدام کند.

۲ ـ بدون آنکه به وظایف دیگر مجمع که از لحاظ این قرارداد و مقررات اجرائی آن بدان محول شده است لطمه‌ای وارد آید مجمع مأمور خواهد بود مسائل مربوط به اجرای این قرارداد و آئین‌نامه اجرائی آنرا مورد مطالعه قرار داده و در آن باب توصیه‌هائی نماید.

۳ ـ بعلاوه مجمع می‌تواند چنانچه اکثریت نمایندگان طرفهای معظم متعاهد حضور داشته باشند طبق مفاد ماده ۳۹ اقدام به تجدیدنظر در قرارداد و آئین‌نامه اجرائی آن بنماید.

ماده ۲۸ ـ ضمانت اجراء.

طرف‌های معظم متعاهد تعهد می‌نمایند در حدود قوانین جزائی خود تدابیر لازمه را اتخاذ نمایند تا اشخاصیکه نسبت به این قرارداد تخلف نموده یا دستور ارتکاب به تخلف داده‌اند قطع نظر از تابعیت آنها مورد تعقیب و تنبیه جزائی یا انتظامی قرار گیرند.

مقررات نهائی

ماده ۲۹ ـ زبان:

۱ ـ این قرارداد به زبانهای انگلیسی ـ اسپانیولی ـ فرانسه و روسی تنظیم گردیده است و هر چهار متن متساویاً معتبر می‌باشد.

۲ ـ سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد ترجمه‌هائی نیز به زبانهای رسمی دیگر کنفرانس عمومی تهیه خواهد نمود.

ماده ۳۰ ـ امضاء:

این قرارداد مورخ به تاریخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ می‌باشد و تا ۳۱ دسامبر ۱۹۵۴ برای امضاء کلیه دولی که در کنفرانس ۲۱ آوریل الی ۱۴ مه ۱۹۵۴ لاهه دعوت شده بودند باز خواهد بود.

ماده ۳۱ ـ تصویب:

۱ ـ این قرارداد طبق مقررات قانون اساسی هریک از دول امضاء کننده به تصویب خواهد رسید.

۲ ـ اسناد مصوب به مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد تسلیم خواهد گردید.

ماده ۳۲ ـ الحاق:

این قرارداد از روزیکه معتبر می‌گردد برای الحاق کلیه دولی که در ماده ۳۰ اشاره شده است و آنرا امضاء نکرده‌اند و همچنین دولی که از طرف شورای اجرائی سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد برای الحاق به آن دعوت شدند باز خواهد بود.

ماده ۳۳ ـ قوت قانونی:

۱ ـ این قرارداد سه ماه پس از تسلیم پنج سند مصوب آن قوت قانونی خواهد یافت:

۲ ـ بعداً نیز قرارداد برای هر یک از طرفهای معظم متعاهد سه‌ماه پس از تسلیم سند مصوب یا سند حاکی از الحاق قابل اجرا خواهد بود.

۳ ـ موارد پیش‌بینی شده در مواد ۱۸ و ۱۹ به اسناد مصوبه یا سند الحاقی که طرفهای متخاصم قبل یا بعد از شروع جنگ یا اشغال تسلیم نموده باشد اثر فوری خواهد داد. در این موارد مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد به اسرع طرق مراتب پیش‌بینی شده در ماده ۳۸ را ابلاغ خواهد نمود.

ماده ۳۴ ـ اعمال واقعی قرارداد.

۱ ـ دول طرفهای قرارداد از هنگام قابل اجراء بودن آن هر یک به سهم خود کلیه اقدامات لازم را بعمل خواهند آورد تا در پایان مدت شش ماه قرارداد به مورد اجرای واقعی گذاشته شود.

۲ ـ ابتدای مدت شش ماه برای دولی که بعد از قابل اجراء بودن قرارداد اسناد مصوب یا حاکی از الحاق خود را تسلیم نمایند از تاریخ تسلیم خواهد بود.

ماده ۳۵ ـ توسعه سرزمین‌های مشمول این قرارداد:

هر یک از طرفهای معظم متعاهد می‌تواند هنگام تصویب یا الحاق یا بعداً در هر موقع دیگر بوسیله یادداشتی خطاب به مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد اعلام دارد که این قرارداد شامل کلیه یا یکی از سرزمینهائی خواهد بود که طرف مزبور روابط بین‌المللی آن را عهده‌دار می‌باشد. این یادداشت سه‌ماه پس از وصول دارای اثر خواهد بود.

ماده ۳۶ ـ ربط با قراردادهای قبلی:

۱ ـ در روابط بین دولی که به وسیله قراردادهای لاهه راجع به قوانین و رسوم جنگ زمینی (IV) و بمباران به وسیله نیروهای دریائی در زمان جنگ (ix).

(خواه قرارداد ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ و خواه قرارداد ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷) نسبت به یکدیگر تعهداتی دارند و طرفهای این قرارداد نیز می‌باشند این قرارداد مکمل قرارداد (ix) و آئین‌نامه پیوست قرارداد (IV) می‌باشد و علامت مشروحه در ماده ۱۶ نسبت به مواردی که این قرارداد و آئین‌نامه اجرائی آن برای استعمال آن علامت مشخص نموده‌اند جانشین علامت مشروحه در ماده ۵ قرارداد (XI) مذکور خواهد بود.

۲ ـ در روابط بین دولی که بوسیله پیمان واشنگتن مورخ ۱۵ آوریل ۱۹۳۵ برای حفاظت مؤسسات هنری و علمی و آثار تاریخی (پیمان زوریخ) نسبت به یکدیگر تعهداتی دارند و طرفهای این قرارداد نیز می‌باشند این قرارداد پیمان زوریخ را تکمیل نموده و به جای پرچم مخصوص مشروحه در ماده ۳ پیمان مذکور علامت مشروحه در ماده ۱۶ این قرارداد در مواردی که این قرارداد و آئین‌نامه اجرائی استعمال آنرا مشخص نموده بکار می‌رود.

ماده ۳۷ ـ فسخ:

۱ ـ هریک از طرف‌های معظم متعاهد می‌تواند بنام خود در سرزمینهائیکه روابط خارجی آنها را عهده‌دار است قرارداد را فسخ نماید.

۲ ـ فسخ یکسال پس از وصول سند مبنی بر اعلام آن عملی می‌شود مع‌الوصف چنانچه در انقضای یکسال مهلت فسخ طرف فسخ کننده ملزم به ورود جنگ شود اثر فسخ تا خاتمه مخاصمات یا در هر حال تا زمانیکه عملیات اعاده اموال فرهنگی به مبدأ خود خاتمه نیافته است معلق خواهد ماند.

ماده ۳۸ ـ ابلاغ:

مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد دول منظور در مواد ۳۰ و ۳۲ و همچنین سازمان متحد را از دریافت کلیه اسناد مصوبه و الحاقی با پذیرش مذکور در مواد ۳۱ و ۳۲ و ۳۹ و اعلامیه ابلاغ و فسخ که در مواد ۳۵ و ۳۷ و ۳۹ ذکر گردیده مطلع خواهد ساخت.

ماده ۳۹ ـ تجدیدنظر در قرارداد و آئین‌نامه اجرائی آن:

۱ ـ هریک از طرف‌های معظم متعاهد می‌توانند پیشنهاد نماید در قرارداد و آئین‌نامه اجرائی آن اصلاحاتی بعمل آید. کلیه پیشنهادهای اصلاحی که بدین طریق داده می شود مستقیماً به مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد تسلیم خواهد گردید که او نیز متن آن را به کلیه طرف‌های معظم متعاهد ابلاغ و در عین حال درخواست خواهد نمود که در ظرف چهارماه اطلاعات زیر را ارسال دارند.

الف ـ آیا مایلند برای مطالعه پیشنهاد اصلاح کنفرانسی تشکیل گردد.

ب ـ یا عقیده دارند پیشنهاد اصلاح بدون تشکیل کنفرانس پذیرفته شود.

ج ـ یا عقیده دارند پیشنهاد اصلاح بدون تشکیل کنفرانس رد شود.

۲ ـ مدیرکل پاسخهای واصله را به منظور اجرای مفاد بند اول این ماده به کلیه طرف‌های معظم متعاهد ابلاغ خواهد نمود.

۳ ـ چنانچه کلیه طرف‌های معظم متعاهد که نظر خود را طبق مفاد بند (ب) این ماده در موعد مقرر به مدیرکل اعلام داشته‌اند اطلاع دهند که موافقند اصلاح بدون تشکیل کنفرانس پذیرفته شود تصمیم آنان از طرف مدیرکل طبق مفاد ماده ۳۸ اعلام خواهد گردید. اصلاح ۹۰ روز پس از تاریخ اعلام مزبور برای کلیه طرف‌های معظم متعاهد مؤثر خواهد گردید.

۴ ـ چنانچه بیش از یک ثلث از طرف‌های معظم متعاهد تقاضا نمایند مدیرکل کنفرانسی به منظور مطالعه اصلاح پیشنهاد شده تشکیل خواهد داد.

۵ ـ اصلاحاتی که در مورد قرارداد یا آئین‌نامه اجرائی آن برطبق طرز عمل پیش‌بینی شده در بند بالا پیشنهاد شود معتبر نخواهد بود مگر پس از تصویب به اتفاق آراء طرف‌های معظم متعاهد حاضر در کنفرانس و پذیرش از طرف هریک از طرفهای معظم متعاهد.

۶ ـ پذیرش اصلاحات قرارداد یا آئین‌نامه اجرائی آن که در کنفرانس مذکور در بندهای ۴ و ۵ تصویب

شده باشد از طریق تسلیم سند رسمی به مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد به عمل خواهد آمد.

۷ ـ پس از اعتبار یافتن اصلاحات این قرارداد یا آئین‌نامه اجرائی آن فقط متن قرارداد یا آئین‌نامهٔ اجرائی آن که به این طریق اصلاح شده باشد برای تصویب یا الحاق مفتوح خواهد بود.

ماده ۴۰ ـ ثبت.

طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد این قرارداد پس از تقاضای مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسید.

بناءً علیهذا امضاء کنندگان تام‌الاختیار ذیل این قرارداد را امضاء نمودند.

لاهه به تاریخ ۱۴ مه ۱۹۵۴. این قرارداد فقط در یک نسخه تنظیم گردید که به بایگانی سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد تسلیم و رونوشت مصدق آن به کلیه دول مذکور در مواد ۳۰ و ۳۲ و همچنین به سازمان ملل متحد داده خواهد شد.

مقررات اجرائی قرارداد حمایت اموال فرهنگی جنگ

فصل اول ـ بازرسی

ماده ۱ ـ فهرست بین‌المللی اسامی شخصیت‌ها:

به محض شروع اعتبار این قرارداد دبیرکل یک فهرست بین‌المللی از کلیه شخصیت‌هائی که از جانب طرفهای معظم متعاهد شایسته عهده‌گرفتن شغل کمیسر کل اموال فرهنگی معرفی شده‌اند تنظیم خواهد نمود. این فهرست طبق تقاضای دبیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد و تقاضای طرفهای معظم متعاهد متناوباً مورد تجدیدنظر قرار خواهد گرفت.

ماده ۲ ـ سازمان بازرسی.

همینکه یکی از طرفهای معظم متعاهد داخل جنگی می‌شود که مشمول ماده ۲۸ قرارداد می‌گردد:

الف ـ یک نماینده برای اموال فرهنگی واقعه در سرزمین خود تعیین می‌نماید.

چنانچه سرزمین دیگری را در تصرف داشته باشد یک نماینده مخصوص نیز برای اموال فرهنگی واقعه در آن ناحیه تعیین خواهد نمود.

ب ـ دولت حامی هریک از طرفهای متخاصم که با این دولت معظم متعاهد در حال جنگ است نمایندگانی نزد دولت اخیر طبق مفاد ماده ۳ زیر تعیین خواهد نمود.

ج ـ طبق مفاد ماده ۴ زیر یک کمیسر کل اموال فرهنگی به طرف معظم متعاهد مزبور معرفی خواهد شد.

ماده ۳ ـ تعیین نمایندگان دول حامی:

دولت حامی نمایندگان خود را از بین مأمورین سیاسی یا کنسولی یا با توافق طرفی که باید به نمایندگان

آن نزد آن انجام وظیفه نمایند از بین اشخاص دیگری تعیین خواهد نمود.

ماده ۴ ـ تعیین کمیسر کل:

۱ ـ کمیسر کل اموال فرهنگی از فهرست بین‌المللی اسامی شخصیت‌ها و یا توافق مشترک دولتی که باید نزد آن انجام وظیفه نماید و دول حامی طرفهای متخاصم تعیین خواهد گردید.

۲ ـ چنانچه طرف‌ها نتوانند در عرض سه هفته پس از شروع مذاکرات توافق حاصل نمایند از رئیس دیوان دادگستری بین‌المللی تقاضا خواهند نمود کمیسر کل را تعیین نماید.

کمیسر مزبور وقتی شروع به کار خواهد نمود که رضایت طرفیکه باید نزد آن انجام وظیفه نماید جلب گردد.

ماده ۵ ـ وظایف نمایندگان:

نمایندگان دول حامی موارد تخلف از قرارداد را معلوم و با رضایت طرفی کـه نـزد آن انجـام وظـیفه می‌کنند نسبت به اوضاع و احوال بازجوئی و در محل به منظور خاتمه دادن به تخلف اقدام نـموده و در صورت لزوم موضوع را به کمیسر کل مراجعه می‌کنند و مشارالیه را در جریان اقدامات خود می‌گذارند.

ماده ٦ ـ وظایف کمیسر کل.

۱ ـ کمیسر کل اموال فرهنگی درباره مسائلی که به او مراجعه شده و مربوط به اجرای قرارداد می‌باشد نزد نمایندگان طرفی که نزد آن انجام وظیفه می‌نماید و نمایندگان ذینفع اقدام خواهد نمود.

۲ ـ در حدود پیش‌بینی شده در این مقررات حق اخذ تصمیم و انتصاب خواهد داشت.

۳ ـ با توافق طرفی که نزد آن انجام وظیفه می‌نماید حق خواهد داشت دستور بازجوئی را داده و یا خود عملیات بازجوئی را هدایت کند.

۴ ـ کلیه اقداماتی را که برای اجرای قرارداد مفید بداند نزد طرفهای متخاصم دول حـامی آنـان بـعمل خواهد آورد.

۵ ـ گزارشهای لازم درباره اجرای قرارداد را تهیه و به طرف‌های ذینفع و دول حامی آنها تسلیم نموده و رونوشتی نیز برای مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد که فقط می‌تواند اطلاعات فنی آنرا مورد استفاده قرار دهد خواهد فرستاد.

٦ ـ هنگامی که دولت حامی وجود نداشته باشد کمیسر کل وظایفی را نیز که طبق مواد ۲۱ و ۲۲ برای دولت حامی تعیین گردیده بعهده خواهد داشت.

ماده ۷ ـ بازرسان و کارشناسان:

۱ ـ هر دفعه که کمیسر کل اموال فرهنگی طبق تقاضای نمایندگان ذینفع یا پس از مشاوره با آنان لازم بداند برای جلب موافقت طرفی که نزد آن مأموریت دارد شخصی را به عنوان بازرسی اموال فرهنگی کـه مأمور انجام وظیفه معینی می‌باشد معرفی می‌نماید.

بازرس فقط در مقابل کمیسر مسئولیت دارد.

۲ ـ کمیسر کل و نمایندگان بازرسان می‌توانند به کارشناسانی مراجعه نمایند که آنان نیز برای جلب موافقت مذکور در بند پیش معرفی شده باشند.

ماده ۸ ـ انجام مأموریت بازرسی:

کمیسرهای کل اموال فرهنگی و نمایندگان دول حامی و بازرسان و کارشناسان نباید هیچوقت از حدود مأموریت خود تجاوز نمایند. منجمله باید الزامات امنیت طرف معظم متعاهدی راکه نزد آن مأموریت دارند در نظر بگیرد و در کلیه موارد متوجه مقتضیات موقعیت نظامی به نحوی که طرف معظم متعاهد مزبور به اطلاع آنها می‌رساند باشند.

ماده ۹ ـ قائم مقام دول حامی:

اگر یکی از طرفهای متخاصم از اقدامات دولت حامی بهره‌مند نبوده و یا دیگر بهره‌مند نباشند از یک کشور بی‌طرف ممکن است تقاضا شود به منظور تعیین یک کمیسر اموال کل فرهنگی به نحوی که در ماده ۴ بالا پیش‌بینی شده است وظایف دولت حامی را عهده‌دار گردد. کمیسر کل که بدین طریق تعیین می‌شود می‌تواند در صورت لزوم وظایف نمایندگان دول حامی را که در این مقررات مشخص گردیده به بازرسان واگذار نماید.

ماده ۱۰ ـ هزینه:

حقوق و هزینه کمیسر کل اموال فرهنگی و بازرسان و کارشناسان بعهده طرفی خواهد بود که نزد آن انجام وظیفه می‌نمایند. حقوق و هزینه نمایندگان دول حامی باید مورد موافقت دول مزبور و دولی که منافع آنها حفظ می‌شود واقع گردد.

فصل دوم ـ حمایت مخصوص

ماده ۱۱ ـ پناهگاههای پیش‌بینی نشده:

۱ ـ چنانچه یکی از طرفهای معظم متعاهد در جریان مخاصمه به علت وقایع غیر مترقبه مجبور شود بدون مقدمه و ناگاه پناهگاهی ترتیب دهد و بخواهد پناهگاه مزبور تحت حمایت مخصوص قرار گیرد باید فوراً کمیسر کل راکه نزد آن را نزد آن به انجام وظیفه مشغول است مطلع سازد.

۲ ـ چنانچه کمیسر کل عقیده داشته باشد که موقع و اهمیت اموال فرهنگی که در پناهگاه مزبور قرار داده می‌شود چنین اقدامی را ایجاب می‌نماید می‌تواند به طرف معظم متعاهد اجازه دهد علامت مشخصه مخصوص مذکور در ماده ۱۶ این قرارداد را در آنجا نصب نماید و بدون تأخیر تصمیم خود را به استحضار نمایندگان ذینفع دول حامی خواهد رساند.

هریک از نمایندگان مزبور در مدت ۳۰ روز می‌تواند دستور دهد علامت مزبور برداشته شود.

۳ ـ به محض اینکه نمایندگان مزبور موافقت خود را اعلام داشتند یا آنکه مدت ۳۰ روز بدون مخالفتی از طرف آنان منقضی گردیده و بعقیده کمیسر کل پناهگاه حائز شرایط مذکور در ماده ۸ این قرارداد بود

کمیسر نامبرده از مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد تقاضا خواهد نمود پناهگاه در دفتر اموال فرهنگی تحت حمایت مخصوص ثبت شود.

ماده ۱۲ ـ دفتر ثبت بین‌المللی اموال فرهنگی تحت حمایت مخصوص:

۱ ـ یک دفتر ثبت بین‌المللی اموال فرهنگی تحت حمایت مخصوص تهیه می‌گردد.

۲ ـ این دفتر در دست مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد می‌باشد و نسخه‌هائی از آنرا به دبیرکل سازمان ملل متحد و طرف‌های معظم متعاهد تسلیم خواهد نمود.

۳ ـ این دفتر به فصولی تقسیم شده که هریک از آنها بنام یکی از طرف‌های معظم متعاهد می‌باشد.

هر فصل نیز به سه قسمت بشرح زیر تقسیم می‌گردد:

پناهگاهها ـ مراکز ابنیه تاریخی ـ سایر اموال غیرمنقول فرهنگی.

دبیرکل محتویات هر فصل را تعیین خواهد نمود.

ماده ۱۳ ـ تقاضای ثبت:

۱ ـ هریک از طرف‌های معظم متعاهد می‌تواند برای ثبت برخی از پناه‌گاهها مراکز ابنیه تاریخی و سایر اموال غیرمنقول فرهنگی واقع در سرزمین خود تقاضاهائی به دبیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد تسلیم نماید در این درخواستها اطلاعاتی راجع به محل این اموال داده و گواهی خواهد نمود که اموال مزبور واجد شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۸ قرارداد می‌باشد.

۲ ـ در مورد اشغال ـ دولت اشغال کننده حق تقاضای ثبت خواهد داشت.

۳ ـ مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد فوراً رونوشتی از درخواستهای ثبت را برای هریک از طرفهای معظم متعاهد ارسال خواهد داشت.

ماده ۱۴ ـ اعتراض:

۱ ـ هریک از طرفهای معظم متعاهد می‌تواند بوسیله نامه‌ای خطاب به مدیر سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد نسبت به ثبت هریک از از اموال فرهنگی اعتراض نماید. نامه مزبور باید در ظرف چهارماه از تاریخی که مدیرکل رونوشت تقاضای ثبت را ارسال داشته است به وی واصل گردد.

۲ ـ چنین اعتراضی باید موجه باشد. فقط علل زیر موجه محسوب می‌شود:

الف ـ مال مورد تقاضای ثبت مال فرهنگی نیست.

ب ـ شرایط مذکور در ماده ۸ این قرارداد رعایت نشده است.

۳ ـ مدیرکل فوراً رونوشت نامه اعتراضیه را برای طرفهای معظم متعاهد ارسال می‌دارد ولدی‌الاقتضاء نظر کمیته بین‌المللی ابنیه تاریخی و هنری و حفریات باستان شناسی یا نظر سازمانها و اشخاص ذیصلاحیت دیگری راکه مفید بداند خواهد خواست.

۴ ـ مدیرکل یا طرف معظم متعاهدیکه تقاضای ثبت نموده است می‌توانند نزد طرفهای معظم متعاهدیکه اعتراض نموده‌اند به منظور برگشت اعتراض اقدام لازم بنماید.

۵ ـ چنانچه یکی از طرفهای معظم متعاهدی پس از تقاضای ثبت اموال فرهنگی در زمان صلح و قبل از آنکه ثبت درخواست شده انجام یابد داخل جنگ شود اموال فرهنگی مزبور فوراً از طرف مدیرکل به عنوان موقت ثبت می‌گردد تا زمانی که اعتراضاتی که نسبت به آن شده یا ممکن است بشود تأیید ـ رد یا مسترد گردد.

۶ ـ اگر مدیرکل در مدت ششماه از روزیکه نامه اعتراضیه را دریافت نموده است نامه دیگری از طرف معظم متعاهدیکه اعتراض کرده مشعر بر استرداد اعتراض دریافت ندارد طرف معظمی که درخواست ثبت نموده است می‌تواند به حکمیت که در بند زیر تشریح گردیده متوسل گردد.

۷ ـ تقاضای حکمیت باید حداکثر در ظرف یکسال پس از وصول نامه اعتراضیه مدیرکل به عمل آید. هریک از طرفهای وارد در اختلاف یک حکم تعیین می‌نمایند.

درصورتیکه تقاضای ثبت مورد بیش از یک اعتراض واقع گردد طرفهای معظمی که اعتراض نموده‌اند با هم یک حکم تعیین می‌کنند. دو حکم مذکور از روی فهرست بین‌المللی که درماده ۱ این آئین‌نامه قید گردیده یک سرحکم انتخاب می‌نمایند.

چنانچه برای این انتخاب توافق حاصل نشود از رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضا خواهند نمود که سرحکم را انتخاب کند که در اینصورت الزامی ندارد که از فهرست بین‌المللی باشد. دیوان حکمیتی که بدین طریق تشکیل می‌یابد طرز عمل خود را تعیین می‌نماید و تصمیمات آن را بدون استیناف خواهد بود.

۸ ـ هریک از طرفهای معظم متعاهد می‌تواند هنگامیکه اعتراضی بعمل می‌آورد و او در آن وارد است اظهار نماید که مایل نیست طرز عمل مذکور در بند بالا راجع به حکمیت را اجرا نماید. در اینصورت اعتراض بر تقاضای ثبت از طرف مدیرکل به طرفهای معظم متعاهد ارجاع می‌گردد و اعتراض فقط درصورتی تعیین می‌گردد که اکثریت دو ثلث آراء مؤید آن باشد. رأی به وسیله مکاتبه داده می‌شود مگر آنکه مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد تشخیص دهد که لازم است برای این موضوع طبق اختیاراتی که به موجب ماده ۲۷ قرارداد به او داده شده است مجمعی دعوت نماید چنانچه مدیرکل تصمیم اتخاذ نماید که رأی بوسیله مکاتبه داده شود طرفهای معظم متعاهد را دعوت خواهد نمود در مدت ششماه از تاریخ دعوت آرا خود را در پاکت لاک و مهر شده ارسال دارند.

ماده ۱۵ ـ ثبت:

۱ ـ مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد دستور خواهد داد هریک از اموال فرهنگی را که تقاضای ثبت آن شده و در مدت پیش‌بینی شده در بند ۱ ماده ۱۴ مورد اعتراض واقع نگردیده است بشماره ترتیب در دفتر ثبت نمایند.

۲ ـ در صورتیکه اعتراضی به عمل آید و مورد شمول مندرجات بند ۵ ماده ۱۴ نباشد مدیرکل اقدام به ثبت مال نخواهد نمود مگر آنکه اعتراض مسترد گردیده یا طبق طرز عمل مذکوره در بند ۷ ماده ۱۴ یا طرز عمل در بند ۸ همان ماده اعتراض تأیید نگردیده باشد.

۳ - در موارد مذکوره در بند ۳ ماده ۱۱ مدیرکل طبق تقاضای کمیسر کل اموال فرهنگی اقدام به ثبت خواهد نمود.

۴ - مدیرکل فوراً یک رونوشت مصدق از هر مورد ثبت را برای دبیرکل سازمان ملل متحد و طرف‌های معظم متعاهد و طبق درخواست طرف معظمی که تقاضای ثبت نموده است برای کلیه دول مذکوره در ماده ۳۰ و ۳۲ قرارداد ارسال خواهد داشت.

عمل ثبت سی روز پس از ارسال رونوشت منشاء اثر خواهد بود.

ماده ۱۶ - ابطال ثبت:

۱ - مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد ثبت اموال فرهنگی را در موارد زیر در دفتر ابطال خواهد نمود:

الف - طبق تقاضای طرف معظمی که اموال مزبور در سرزمین آن واقع است.

ب - هنگامیکه طرف معظم تقاضا کننده ثبت، این قرارداد را فسخ نموده و به موقع اجرا در آمده است.

ج - در مورد پیش‌بینی شده در بند ۵ ماده ۱۴ هنگامی‌که اعتراض در نتیجه نحوه عمل مذکور در بندهای ۷ یا ۸ ماده ۱۴ تأیید گردیده است.

۲ - مدیرکل فوراً یک رونوشت مصدق از هرگونه ابطال ثبت در دفتر را برای دبیرکل ملل متحد و کلیه دولی رونوشت ثبت را دریافت داشته‌اند ارسال خواهد داشت ابطال سی روز پس از ارسال این رونوشت منشاء اثر خواهد گردید.

فصل سوم - حمل و نقل اموال فرهنگی

ماده ۱۷ - طرز عمل برای تحصیل مصونیت:

۱ - تقاضای مذکور در بند (۱) ماده ۱۲ قرارداد به کمیسرکل اموال فرهنگی تسلیم می‌گردد. دلایلی که آنرا ایجاب نموده باید در تقاضا قید گردد و همچنین تعداد تقریبی و اهمیت اموالی را که باید حمل شود و محل فعلی و بعدی آنها و وسایل حمل و نقل و مسیر و تاریخ پیش‌بنی شده برای حمل و هرگونه اطلاعات مفید دیگر را نیز باید متضمن باشد.

۲ - چنانچه کمیسر کل پس از مشاورات لازم حمل مزبور را موجه بداند با نمایندگان ذینفع دول حامی راجع به طرز اجرای آن مشورت خواهد نمود. سپس نمایندگان طرف‌های ذینفع متخاصم را از جریان حمل مستحضر و اطلاعات لازم را نیز ضمیمه خواهد ساخت.

۳ - کمیسر کل یک یا چند بازرس تعیین می‌نماید که مراقبت نمایند اموال حمل شده فقط اموال مذکور در تقاضا بوده و به ترتیبی که تصویب شده حمل می‌گردد و دارای علامت مشخصه نیز می‌باشد.

بازرس یا بازرسان مزبور تا مقصد همراه اموال خواهند رفت.

ماده ۱۸ - حمل به خارجه:

چنانچه اموال تحت حمایت مخصوص به کشور خارج حمل شود انتقال نه فقط باید طبق مفاد ماده ۱۲ قرارداد و ماده ۱۷ این آئین‌نامه انجام یابد بلکه مشمول مقررات زیر نیز خواهد گردید.

الف ـ در مدتیکه اموال فرهنگی در سرزمین کشور دیگری قرار دارد کشور مزبور امانت‌دار آن خواهد بود و از آنها اقلا همانطور مراقبت خواهد نمود که از اموال فرهنگی متعلق به خود که دارای اهمیت مشابهی هستند مراقبت می‌نماید.

ب ـ کشور امانت‌دار اموال را فقط پس از خاتمه مخاصمه مسترد خواهد نمود. این استرداد در ظرف مدت شش ماه پس از تقاضای آن باید بعمل آید.

ج ـ حین نقل و انتقالات متوالی و هنگام توقف در کشور دیگر اموال فرهنگی از هرگونه ضبط و اخذ مصون بوده و در اختیار امانت‌گذار و امانت‌دار نخواهد بود ولی چنانچه حفاظت اموال اقتضاء نماید امانت‌دار می‌تواند با موافقت امانت‌گذار آنها را به کشور ثالثی تحت شرایط این ماده انتقال دهد.

د ـ در تقاضای حمایت مخصوص باید قید گردد که کشوری که اموال به آنجا حمل می‌شود با مفاد این ماده موافقت دارد.

ماده ۱۹ ـ سرزمین اشغال شده.

هنگامیکه یک طرف متعاهد که سرزمین طرف متعاهد دیگری را اشغال نمود اموال فرهنگی را به پناهگاهی واقع در منطقه دیگری از آن سرزمین حمل نماید بدون اینکه بتواند مفاد ماده ۱۷ آئین‌نامه را مراعات کند این عمل به منزله دستبرد اموال به مفهوم ماده ۴ قرارداد تلقی نخواهد شد مشروط براینکه کمیسر کل اموال فرهنگی پس از مشاوره با کارمندان مأمور حمایت کتباً گواهی نماید که اوضاع و احوال این حمل را ایجاب نموده است.

فصل چهارم ـ علامت مخصوص

ماده ۲۰ ـ نصب علامت:

۱ ـ محل نصب و درجه مرئی بودن آن به نظر مقامات صالحه هریک از طرفهای معظم متعاهد واگذار شده است علامت ممکن است روی پرچم یا بازوبند نیز قرارداده شود و نیز ممکن است روی اشیاء نقش شده یا به طریق مؤثر دیگری نصب گردد.

۲ ـ در هر حال هنگام جنگ بدون آنکه به علامت‌گذاری دیگری که ممکن است مؤثرتر باشد لطمه‌ای وارد آید علامت مخصوص باید روی وسایل نقلیه در موارد پیش‌بینی شده در مواد ۱۲ و ۱۳ قرارداد طوری نصب شود که هم از هوا و هم از روی زمین در روز به خوبی دیده شود و در روی زمین به طور مرئی و مشهود به ترتیب ذیل نصب گردد:

الف ـ در فواصل منظم کافی برای تعیین حدود مراکز ابنیه تحت حمایت مخصوص.

ب ـ در مدخل سایر اموال غیرمنقول فرهنگی تحت حمایت مخصوص.

ماده ۲۱ - تعیین هویت اشخاص:

۱ ـ اشخاص مذکور در بند ۲ ردیف (ب) و (ج) ماده ۱۷ قرارداد می‌توانند بازوبندی مجهز به علامت مخصوص داشته باشند که از طرف مقامات صالحه ممهور و صادر شده باشد.

۲ ـ یک ورقه هویت مخصوص با علامت مشخصه‌ای خواهند داشت. در این ورقه باید حداقل مراتب زیر قید گردد: نام ـ نام خانوادگی ـ تاریخ تولد و مقام یا پایه یا شغل دارنده آن.

عکس دارنده ورقه باید به ورقه الصاق گردد و به علاوه امضاء یا علامت انگشت دارنده یا هر دوی آنها روی ورقه باشد. ورقه باید بعلاوه به مهر مقامات صالحه مهمور باشد.

۳ ـ هریک از طرفهای متعاهد با استفاده از نمونه‌ای که پیوست این آئین‌نامه است ورقه هویتی تنظیم خواهد نمود و نمونه مورد قبول را برای طرفهای معظم متعاهد دیگر خواهند فرستاد.

هر ورقه هویت اقلا در دو نسخه تنظیم می‌گردد که یکی از آنها را مقام صادرکننده حفظ خواهد نمود.

۴ ـ اشخاص مذکور در بالا بدون علت موجه نمی‌توانند از حق داشتن بازوبند یا داشتن هویت محروم گردند.

پروتکل

طرف‌های معظم متعاهد مقرر می‌دارند:

I

۱ ـ هریک از طرفهای معظم متعاهد تعهد می‌نمایند از صدور اموال فرهنگی واقع در سرزمینی که هنگام جنگ نموده است ممانعت نماید. اموال مزبور اموالی است که در ماده ۱ قرارداد حمایت اموال فرهنگی که در لاهه به تاریخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ به امضاء رسیده توصیف گردیده است.

۲ ـ هریک از طرفهای معظم متعاهد تعهد می‌نمایند اموال فرهنگی را که به کشور وی وارد شده و مستقیماً یامن‌غیر مستقیم از سرزمین اشغال شده‌ای به آنجا انتقال یافته باشد تحت توقیف قرار دهد این توقیف یا هنگام ورود رأساً یا در غیر اینصورت طبق تقاضای مقامات سرزمین مزبور به عمل خواهد آمد.

۳ ـ هر یک از طرفهای معظم متعاهد تعهد می‌نمایند پس از خاتمه جنگ اموال فرهنگی را که به کشوری انتقال داده شده و به شرط آنکه انتقال مخالف با مفاد بند یک باشد به مقامات صالحه کشوری که سابقاً تحت اشغال بوده و اموال متعلق به آن است مسترد دارد.

اموال مزبور نباید به هیچوجه بابت غرامت جنگی نگاهداشته شود.

۴ ـ طرف معظم متعاهدی که مؤظف بوده است از صدور اموال فرهنگی سرزمینی راکه اشغال نموده است ممانعت به عمل آورد باید به کسانیکه با حسن نیت متصرف اموال فرهنگی مزبور می‌باشند و برحسب مفاد بند سابق باید مسترد گردد غرامت لازمه را بپردازد.

II

۵ ـ اموال فرهنگی که از طرف یکی از طرفهای معظم متعاهد در سرزمین طرف دیگری که برای حمایت

آنها از آسیب جنگ امانت گذارده شده است پس از خاتمه مخاصمه به مقامات صالحه کشور مبداء مسترد خواهد گردید.

III

۶ ـ این پروتکل مورخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ می‌باشد و برای امضاء کلیه دولی که به کنفرانس منعقد در لاهه از ۲۱ آوریل الی ۱۴ مه ۱۹۵۴ دعوت شده بودند تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۵۴ مفتوح خواهد بود.

۷ ـ (الف) این پروتکل طبق مقرراتی که در قوانین اساسی هریک از دول امضاء کننده پیش‌بینی شده است به تصویب خواهد رسید.

(ب) اسناد تصویب به مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد تسلیم خواهد گردید.

۸ ـ این پروتکل از تاریخ اعتبار برای الحاق کلیه دولی که از طرف شورای اجرائی سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد دعوت به الحاق گردیده‌اند باز خواهد بود الحاق بوسیله تسلیم سند مشعر برالحاق به مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد انجام می‌یابد.

۹ ـ دول مذکور در بند ۶ و ۸ می‌توانند هنگام امضاء یا تصویب یا الحاق اعلام نمایند که خود را نسبت به مقررات بخش (I) یا بخش (II) این پروتکل متعهد نمی‌دانند.

۱۰ ـ (الف) این پروتکل سه ماه پس از تسلیم پنج سند تصویب معتبر خواهد گردید.

(ب) سپس برای هر یک از طرفهای معظم متعاهد سه ماه پس از آنکه سند مصوب یا مشعر برالحاق خود را تسلیم نماید پروتکل معتبر خواهد بود.

(ج) موارد پیش‌بینی شده در مواد ۱۸ و ۱۹ قرارداد حمایت اموال فرهنگی درصورت وقوع جنگ که به تاریخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ در لاهه به امضاء رسیده است در اسناد مصوب یا مشعر بر الحاق که طرفهای متخاصم قبل یا بعد از آغاز مخاصمات یا اشغال تسلیم نموده‌اند تأثیر فوری خواهد داشت در موارد مزبور مدیر کل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد مراتب پیش‌بینی شده در بند ۱۴ را به اسرع وسایل ابلاغ خواهد نمود.

۱۱ ـ (الف) هریک از دول امضاء کننده این پروتکل در ظرف شش ماه از تاریخ اعتبار آن تدابیر لازمه را به منظور اعمال واقعی مفاد پروتکل اتخاذ خواهند نمود.

(ب) برای دولیکه بعد از تاریخ اعتبار پروتکل اسناد مصوب یا مشعر بر الحاق خود را تسلیم نمایند این مهلت شش ماه از تاریخ تسلیم اسناد مصوب یا مشعر برالحاق احتساب خواهد شد.

۱۲ ـ هریک از طرفهای معظم متعاهد می‌تواند هنگام تصویب یا الحاق یا هر موقع دیگری پس از آن به وسیله یادداشتی به مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد اعلام دارد که این پروتکل یا قسمتی از سرزمین‌هائی را نیز که روابط بین‌المللی آنها را عهددار است شامل می‌گردد. این اعلام پس از سه ماه از تاریخ وصول آن مؤثر خواهد گردید.

۱۳ ـ الف ـ هریک از طرفهای معظم متعاهد مخیر است این پروتکل را به نام خود و یا به نام

سرزمینهائی که روابط بین‌المللی آنها را عهده‌دارد فسخ نماید.

ب ـ فسخ پروتکل بوسیله تسلیم سند کتبی به مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد اعلام خواهد گردید.

ج ـ فسخ یکسال پس از وصول سند مزبور مؤثر می‌گردد. چنانچه هنگام انقضای سال طرف فسخ کننده مجبور به ورود در جنگی شود اثر فسخ تا انتهای مخاصمه و در هر صورت تا برگشت اموال فرهنگی به مبداء معلق خواهد گردید.

۱۴ ـ مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد دول مذکور در بندهای ۶ و ۸ و همچنین سازمان ملل متحد را از تسلیم اسناد مصوب یا مشعر بر الحاق یا حاکی از قبول مذکور در بندهای ۷ و ۸ و ۱۵ و نیز از موارد ابلاغ فسخ به ترتیبی که در بندهای ۱۲ و ۱۳ پیش‌بینی شده است مستحضر خواهد ساخت.

۱۵ ـ الف ـ درصورتیکه از طرف بیش از یک ثلث از طرفهای معظم متعاهد تقاضا شود این پروتکل ممکن است مورد تجدیدنظر واقع گردد.

ب ـ مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد کنفرانسی بدین منظور دعوت خواهد کرد.

ج ـ اصلاحاتیکه در این پروتکل می‌شود درصورتی معتبر خواهد بود که به اتفاق آراء از طرف دول معظم متعاهدیکه در کنفرانس شرکت دارند تصویب و هریک از طرفهای معظم متعاهد نیز آنرا قبول نماید.

د ـ قبول اصلاحاتیکه بنا به تصویب کنفرانس مذکور در تبصره‌های ب و ج در این پروتکل بعمل می‌آید به وسیله تسلیم سند رسمی از طرف هریک از دول معظم متعاهد به مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد انجام می‌گیرد.

هـ ـ پس از اعتبار اصلاحات وارد در این پروتکل فقط متنی که بدین طریق اصلاح گردیده برای تصویب یا الحاق مفتوح خواهد بود.

به موجب ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد این پروتکل طبق تقاضای مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسید.

بناءً علیهذا امضاء کنندگان زیر که رسماً مجاز می‌باشند این پروتکل را مضاء نمودند.

درلاهه به تاریخ ۱۴ مه ۱۹۵۴ به انگلیسی و اسپانیولی و فرانسه و روسی که هر چهار متن متساویاً معتبر می‌باشند در یک نسخه تنظیم گردیده که در بایگانی سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد ضبط و رونوشت مصدق آن برای کلیه دول مذکور در بندهای ۶ و ۸ و همچنین سازمان ملل متحد ارسال خواهد شد.

قطعنامه ۱

کنفرانس آرزومند است در مواقعی که به منظور اجرای منشور ملل متحد عملیات نظامی وقوع میابد از طرف مقامات ذیصلاحیت سازمان ملل تدابیری اتخاذ شود که قوای مسلحی که در آن عملیات شرکت

می‌کنند مقررات این قرارداد را رعایت نمایند.

قطعنامه ۲

کنفرانس آرزومند است که به محض الحاق به قرارداد هریک از دول معظم متعاهد در حدود قوانین اساسی و مقررات اداری خود کمیته مشورتی ملی مرکب از تعداد محدودی از شخصیتها از قبیل کارمندان عالی رتبه باستان‌شناسی و موزه‌ها و غیره یک نماینده از ستاد ارتش کل ـ یک نماینده از وزارت امورخارجه و یک کارشناس حقوق بین‌الملل و دو یا سه عضو دیگر که داری شغل یا صلاحیتی در حدود این قرارداد باشند تشکیل دهد.

کمیته مزبور که زیر نظر وزیر یا کارمند عالی رتبه‌ای که در رأس ادارات ملی مأمور محافظت منافع اموال فرهنگی خواهد بود می‌تواند بخصوص وظایف زیر را بعهده داشته باشد:

الف ـ دولت را راجع به اقدامات لازم برای اجرای این قرارداد از نظر حقوقی و فنی و نظامی در زمان صلح و یا در صورت وقوع جنگ راهنمائی نماید.

ب ـ درصورت وقوع جنگ یا در صورتیکه بروز آن نزدیک به نظر رسد دولت متبوع خود را متوجه سازد که نیروهای مسلح کشور برطبق مقررات این قرارداد اموال فرهنگی واقعه در سرزمین خود و در کشورهای دیگر را محترم شمرده و آنها را تحت حمایت خود قراردهند.

ج ـ با موافقت دولت خود با سایر کمیته‌های ملی مشابه و مؤسسات بین‌المللی ذیصلاحیت روابط و همکاری برقرار نماید.

قطعنامه ۳

کنفرانس آرزومند است که مدیرکل سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل متحد پس از اعتبار قرارداد حمایت اموال فرهنگی هرچه زودتر مجمعی از طرفهای معظم متعاهد دعوت نماید.

دفتر چهارم
قراردادهای راجع به منع کشتار دسته جمعی و استعمال سلاح های شیمیائی و میکروبی

٤٤:

قرارداد راجع به جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن...

قانون اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید)[1] مصوب ۱۳۳۴/۹/۳۰

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی اجازه الحاق دولت ایران را بقرارد بین‌المللی جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید) که مشتمل بر یک مقدمه و نوزده ماده می‌باشد و در تاریخ هفدهم آذرماه یکهزار و سیصد و بیست و هشت مطابق ۹ دسامبر ۱۹۴۸ بامضاء رسیده است تصوب می‌نماید.

متن قرارداد راجع به جلوگیری از کشتار جمعی و مجازات آن

مجمع عمومی متن قرارداد ضمیمه مربوط به جلوگیری از کشتارجمعی (ژنوسید)[2] را تصویب و به موجب ماده ۱۱ همان قرارداد آنرا برای امضاء و تصویب و الحاق در دسترس دول می‌گذارد. قرارداد برای جلوگیری از کشتار جمعی (ژنوسید)

طرفهای متعاهد با در نظر گرفتن اینکه مجمع سازمان ملل متحد بوسیله قطعنامه شماره (۱)۸۶ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ خود اعلام داشته که کشتار جمعی (ژنوسید) جنایتی است که نسبت به حقوق بین‌المللی ارتکاب می‌شود و برخلاف روح و مقصد سازمان ملل بوده و دنیای متمدن چنین عملی را محکوم می‌کند و با اذعان باینکه در تمام دوره‌های تاریخ این عمل خسارات بسیاری بعالم انسانیت وارد ساخته است و با

۱ ـ مجموعه قوانین دور هیجدهم قانونگذاری .صفحه ۵۸۹

۲ ـ قتل عام نژادی Genocide

اطمینان باینکه برای رهائی عالم انسانیت از چنین بلیه وحشتناک همکاری بین‌المللی ضرورت دارد در مراتب ذیل موافقت حاصل نمودند:

ماده اول :

طرفهای متعاهد تصدیق و تأیید می‌کنند که (ژنوسید) اعم از اینکه در موقع صلح صورت گیرد یا جنگ به موجب حقوق بین‌المللی جنایت محسوب می‌شود و تعهد می‌کنند از آن جلوگیری کرده و مورد مجازات قراردهند.

ماده دوم :

در قرارداد فعلی مفهوم کلمه (ژنوسید) یکی از اعمال مشروحه ذیل است که به نیت نابودی تمام یا گروه ملی و قومی و نژادی و یا مذهبی ارتکاب گردد. از اینقرار:

۱ ـ قتل اعضاء آن گروه.

۲ ـ صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و یا روحی افراد آن گروه.

۳ ـ قراردادن عمدی گروه در معرض وضعیات زندگانی نامناسبی که منتهی بزوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود.

۴ ـ اقداماتیکه به منظور جلوگیری از توالد و تناسل آن گروه صورت گیرد.

۵ ـ انتقال اجباری اطفال آن گروه به گروه دیگر.

ماده سوم :

۱ ـ (ژنوسید) کشتار جمعی.

۲ ـ تبانی بمنظور ارتکاب ژنوسید.

۳ ـ تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب ژنوسید.

۴ ـ شروع به ارتکاب به ژنوسید.

۵ ـ شرکت در جرم ژنوسید.

ماده چهارم :

اشخاصیکه مرتکب ژنوسید و یا اعمال مشروحه در ماده سوم شوند اعم از اینکه اعضاء حکومت یا مستخدمین دولت و یا اشخاص عادی باشند مجازات خواهند شد.

ماده پنجم :

طرفهای متعاهد ملتزم می‌شوند که بر طبق قوانین اساسی مربوط خود تدابیر قانونی لازم برای تأمین اجرای مقررات اینقرارداد اتخاذ نمایند و مخصوصاً کیفرهای مؤثر درباره مرتکبین ژنوسید یا یکی دیگر از اعمال مشروحه در ماده سوم را در نظر بگیرند.

ماده ششم :

اشخاص متهم بارتکاب ژنوسید یا یکی دیگر از اعمال مشروحه در ماده سه با دادگاههای صالح

کشوری که جرم در آنجا ارتکاب شده و یا بدادگاه کیفری بین‌المللی که طرفهـای متعـاهد صـلاحیت آنـرا شناخته باشد جلب خواهند شد.

ماده هفتم :

عمل ژنوسید و اعمال دیگر مذکوره در ماده ۳ از لحـاظ اسـترداد مـجرمین جـرم سیـاسی مـحسوب نمی‌شود. در این قبیل موارد طرفهای متعاهد تعهد می‌کنند طبق قوانین کشور خود و قراردادهای موجود استرداد موافقت نمایند.

ماده هشتم :

هریک از متعاهدین می‌توانند از مراجع صلاحیتدار سازمان ملل بخواهد که بر طبق منشور ملل متحد برای جلوگیری و مجازات ژنوسید یا اعمال دیگر مذکور در ماد ۳ اقدامات مقتضی بعمل آورد.

ماده نهم :

اختلافات حاصله میان متعاهدین در خصوص تفسیر و تطبیق یا اجرای این قرارداد منجمله اختلافات راجع به مسئولیت یک دولت در مورد عمل ژنوسید یا اعمال دیگر مذکور در ماده ۳ بتقاضای یکی از طرفین اختلاف بدیوان بین‌المللی دادگستری رجوع می‌شود.

ماده دهم :

این قرارداد که متن‌های چینی و انگلیسی و فرانسه و روسی و اسپانیولی آن متساویاً مـعتبر شنـاخته می‌شود تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ را خواهد داشت.

ماده یازدهم :

این قرارداد تا ۳۱ دسامبر ۱۹۴۹ برای امضای اعضای سازمان ملل مـتحد و هـر دولت غـیرعضویکه مجمع عمومی در این خصوص از آن دعوت کرده باشد آماده خواهد بود. این قرارداد بتصویب رسـیده و نسخ مصوب آن بدبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد گردید.

از تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۰ هر عضو سازمان ملل یا هر دولت غیر عضویکه بشرح بالا از آن دعوت شده باشد می‌تواند باین قرارداد ملحق شود.

ماده دوازدهم :

هر دولت متعاهدی در هر موقع می‌تواند یا اعلام بدبیرکل سازمان ملل متحد مقررات این قـرارداد را بکشورها یا یک کشوری که امور خارجی مربوط به آن را عهده‌دار است شامل نماید.

ماده سیزدهم :

همینکه بیست سند تصویب یا اسناد الحاق بدبیرکل سازمان برسد صورتمجلسی در این باب از طرف او تنظیم شده و رونوشت آن صورتمجلس را برای تمام اعضاء ملل متحد و دول غیرعضو مذکور در ماده ۱۱ خواهد فرستاد.

این قرارداد پس از نود روز از تاریخ تسلیم بیستمین سند مصوب یا اسناد الحاق بموقع اجرا گذاشته

خواهد شد.

هر تصویب یا الحاقیکه بعد از آن تاریخ صورت گیرد نود روز پس از تسلیم سند تصویب یا الحاق معتبر خواهد بود.

ماده چهاردهم:

مدت قرارداد از تاریخ اجرای آن دهسال خواهد بود پس از پایان مدت مزبور نیز مادام که طرفهای متعاهد لااقل ششماه قبل از انقضاء آنرا فسخ ننموده‌اند پنجسال خود بخود تمدید خواهد شد.

فسخ قرارداد مزبور کتباً اعلام و بعنوان دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال خواهد گردید.

ماده پانزدهم:

هرگاه برابر فسخ این قرارداد عده متعاهدین به کمتر از شانزده برسد قرارداد مزبور از تاریخ اعلام فسخ و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

ماده شانزدهم:

هریک از متعاهدین در هر موقع حق دارد به وسیله اعلام کتبی بدبیرکل سازمان ملل تجدیدنظر در این قرارداد را تقاضا نماید.

مجمع عمومی درباره این تقاضا به نحو مقتضی تدابیر لازم اتخاذ خواهد کرد.

ماده هفدهم:

دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب ذیل را به کشورهای عضو سازمان و دولتهای غیرعضو مذکوره در ماده ۱۱ اعلام خواهد کرد:

الف ـ امضاءها و تصویبها و الحاقهائیکه به منظور اجرای ماده ۱۱ بدبیرکل واصل گردد.

ب ـ اعلام‌هائیکه در اجرای ماده ۱۲ می‌رسد.

پ ـ تاریخیکه این قرارداد بموجب ماده ۱۳ بموقع اجراگذارد می‌شود.

ت ـ اعلام فسخ قرارداد به موجب ماده ۱۴

ث ـ الغاء قرارداد بموجب ماده ۱۵

ج ـ اعلامهائیکه بموجب ماده ۱۶ دریافت گردد.

ماده هیجدهم:

نسخه اصلی این قرارداد در بایگانی سازمان ملل متحد ضبط خواهد گردید. یک نسخه مصدق برای هریک از اعضای سازمان ملل متحد و دول غیرعضو مذکور در ماده ۱۱ فرستاده خواهد شد.

ماده نوزدهم:

این قرارداداز طرف دبیرکل سازمان ملل متحد در تاریخ اجراء به ثبت خواهد رسید.

۴۵:

پروتکل ژنو راجع به منع استعمال گازهای خفه کننده و مسموم و شبیه آن...

قانون اجازه الحاق دولت ایران به پروتکل ژنو
مربوط به منع استعمال گازهای سمی و مواد میکروبی[1]
مصوب ۱۳۰۸/۴/۹

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی به دولت اجازه می‌دهد که الحاق دولت ایران را به پروتکل ژنو ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ (۲۵ خرداد ۱۳۰۴) مربوط به منع استعمال گازهای سمی و مواد میکروبی اعلام دارد.

پروتکل ژنو راجع به منع استعمال گازهای خفه کننده
و مسموم و شبیه آن و همچنین مواد میکروبی در جنگ
مصوب ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ مطابق با ۲۵ خرداد ۱۳۰۴ ـ ژنو

نظر باینکه در موقع جنگ استعمال گازهای خفه کننده و مسموم یا امثال آنها و همچنین هر قسم مایعات و مواد یا عملیات شبیه به آن حقاً مورد تنفر افکار عمومی دنیای متمدن بود.

نظر باینکه منع استعمال در عهدنامه‌هائی که اغلب دول دنیا در آنها شرکت دارند قید شده برای اینکه این منع را که مطابق وجدان و معمول ملل نیز می‌باشد جزء حقوق بین‌المللی قرارداده و جنبه قبولیت عمومی به آن بدهند اختیارداران امضاء کننده ذیل اعلام می‌دارند: دول متعاهد تقبل می‌نمایند ممنوعیت

---

۱ ـ مجموعه قوانین دوره هفتم قانونگذاری. صفحه ۴۰۳.

استعمال گازهای خفه‌کننده و مسموم و شبیه آنرا به موجب این اعلامیه شناخته (در صورتیکه این تقبل را سابقاً در عهدنامه‌های دیگری راجع به منع استعمال گازهای خفه کننده و مسموم و شبیه آن نکرده باشند) و همچنین تعهد می‌نمایند که ممنوعیت مزبور را شامل وسائل جنگی میکروبی نیز دانسته و خود را ملزم به رعایت مدلول مراتب فوق بدانند دول متعاهد با تمام قوا سعی خواهند کرد که دول دیگر را با الحاق در این پروتکل ترغیب نمایند این الحاق به دولت جمهوری فرانسه اعلام خواهد شد و بوسیله دولت مشارالیها بتمام دول امضاء کننده و ملحق شونده اعلام خواهد گردید و باین الحاق از تاریخی که دولت فرانسه آنرا به اطلاع دول مربوطه می‌رساند ترتیب اثر داده خواهد شد.

این پروتکل که متن فرانسه و انگلیسی آن دارای اعتبار خواهد بود در اسرع اوقات ممکنه تصویب خواهد شد و دارای تاریخ امروز تاریخ امروز خواهد بود.

اسناد تصویب این پروتکل به دولت فرانسه تسلیم خواهد شد و دولت مشارالیها تسلیم آنها را به هر یک از دول امضاء کننده و یا ملحق شونده اطلاع خواهد داد اسناد تصویب یا الحاق در آرشیو دولت فرانسه ضبط خواهد شد.

این پروتکل در مورد هر یک از دول امضاء کننده از تاریخ تسلیم سند تصویب آن به موقع اجرا گذاشته می‌شود و از همان تاریخ دولت مشارالیها در مقابل دول دیگری که اسناد تصویب خود را تسلیم نموده‌اند ملزم خواهد بود.

صورت اسامی دولی که پروتکل را امضاء کرده‌اند

آلمان ـ آمریکا ـ اطریش ـ بلژیک ـ برزیل ـ انگلیس ـ کانادا ـ هندوستان ـ بلغارستان ـ شیلی ـ دانمارک ـ مصر ـ اسپانیا ـ استونی ـ حبشستان ـ فنلاند ـ فرانسه ـ یونان ـ ایطالیا ـ ژاپن ـ لیتونی ـ لیتوانی ـ لوکزامبورک ـ نیکاراگا ـ نروژ ـ هلاند (بضمیمه هند هلاند و سرنام و گراسو) لهستان ـ پرتقال ـ رومانی ـ سالوادور ـ دولت صرب کروات و سلون ـ سیام ـ سوئد ـ سویس ـ چک و اسلواکی ـ ترکیه ـ اوروگه ـ ونزوئلا.

صورت اسامی دولی که پروتکل را تصویب کرده و یا به آن ملحق شده‌اند.

اطریش ـ بلژیک ـ مصر ـ فرانسه ـ ایطالیا ـ لیبریا ـ لهستان ـ اتحاد جماهیر شوروی ـ ونزوئلا.

۴۶:

کنوانسیون راجع به منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره سلاح‌های باکتریولوژیک و سمی و انهدام این سلاح‌ها ...

قانون کنوانسیون منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره سلاحهای باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و انهدام سلاحهای مذکور[1] مصوب ۱۳۵۱/۱۲/٦

ماده واحده ـ کنوانسیون راجع به منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره سلاحهای باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و انهدام این سلاحها مشتمل بر یک مقدمه و پانزده ماده که بنام دولت ایران در مسکو ـ واشنگتن ولندن بامضاء سیده است تصویب و اجازه تسلیم اسناد تصویب آن داده می‌شود.

کنوانسیون راجع به منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره سلاحهای باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و انهدام این سلاحها

دولتهای طرف این کنوانسیون:

با عزم به اقدام برای تحقق پیشرفت مؤثر در راه سلاح عمومی و کامل منجمله منع و امحاء کلیه اقسام سلاحهای انهدام دستجمعی ـ و

با اطمینان باینکه منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره سلاحهای شیمیائی و باکتریولوژیک (بیولوژیک) و امحاء اینگونه سلاحها از طریق اقدامات مؤثر ـ تحقق خلع سلاح عمومی و کامل را تحت نظارت دقیق و مؤثر بین‌المللی ـ تسهیل خواهد نمود.

---

۱ ـ رونامه رسمی شماره ۸۲۹۰ ـ ۱۳۵۲/۴/۱۶

و با اعتقاد به اهمیت پروتکل مربوط به منع استعمال گازهای خفه‌کننده و سمی و گازهای مشابه و وسائل باکتریولوژیک در جنگ که در تاریخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در ژنو بامضاء رسیده ـ و همچنین با اعتقاد به نقشی که پروتکل مزبور در تخفیف فجایع جنگ ایفا نموده و می‌نماید ـ و

با تأیید وفاداری باصول و هدفهای پروتکل مذکور و دعوت از کلیه دول برای تبعیت از آن ـ و

با یادآوری اینکه مجمع عمومی سازمان ملل متحد کراراً هر نوع اقدام مخالف اصول و هدفهای پروتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ را محکوم نموده است ـ و

با تمایل به تأیید اعتماد بین ملتها و بهبود عمومی محیط بین‌المللی ـ و

همچنین با تمایل به اقدام در راه تحقق هدفها واصول منشور ملل متحد ـ و با اعتقاد به اهمیت و فوریت لزوم خارج کردن سلاح‌های انهدام دسته‌جمعی نظیر سلاحهای خطرناکی که در آن عوامل شیمیائی و باکتریولوژیک (بیولوژیک) بکار رفته از زمره تسهیلات دول از طریق اقدامات مؤثر ـ و

با قبول اینکه ـ توافق درباره منع سلاحهای باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی بمنزله اولین گام در راه نیل به موافقت درباره انجام اقدامات مؤثر برای منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره سلاحهای شیمیائی محسوب خواهد شد ـ و

با تصمیم بادامه مذاکرات برای نیل باین هدف ـ و

با عزم به از بین بردن امکان استفاده از عوامل باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی بعنوان سلاح بخاطر رفاه تمام ابنای بشر ـ و

با اعتقاد باینکه وجدان بشریت توسل به روشهای فوق را طرد می‌نماید و اینکه نباید از بذل مساعی برای تخفیف این خطر فروگذار نمود.

بشرح زیر موافقت نمودند:

مادهٔ ۱ :

هریک از دول طرف این کنوانسیون متعهد می‌شود ـ که هرگز و تحت هیچ اوضاع و احوالی بتکمیل و توسعه و تولید و ذخیره و یا بنحوی از انحاء بتحصیل و نگهداری مواد زیر مبادرت ننماید:

۱ ـ عوامل میکروبی و یا سایر عوامل بیولوژیک یا مواد سمی از هر منشاء که باشد و یا به هر طریق یا بهر نوع یا مقدار که تولید گردد ـ غیر از آنچه جهت پیشگیری یا حفاظت در مقابل امراض و یا سایر مقاصد صلحجویانه اختصاص داده شده باشد.

۲ ـ سلاحها و تجهیزات یا وسایل انتقال که برای استفاده از این قبیل عوامل یا مواد سمی در راه مقاصد خصومت آمیز یا برخوردهای مسلحانه بکار رود.

مادهٔ ۲ :

هریک از دول طرف کنوانسیون حاضر متعهد می‌شود ـ در سریعترین اوقات ممکن که در هر حال از نه ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این کنوانسیون تجاوز نخواهد کرد ـ کلیه عوامل و مواد سمی و سلاحها و

تجهیزات و وسایل انتقال مذکور در ماده یک این کنوانسیون را که در اختیار دارد و یا تحت حاکمیت و یا نظارت او می‌باشد منهدم ساخته و یا به مواد قابل استفاده در مقاصد صلحجویانه تبدیل کند.
در اجرای مقررات این ماده تمام احتیاطات لازمه برای حفاظت مردم و محیط رعایت خواهد گردید.

مادهٔ ۳:

هر یک از دول طرف این کنوانسیون متعهد می‌شود ـ هیچیک از عوامل و مواد سمی و سلاحها و تجهیزات و وسایل انتقال مذکور در ماده ۱ این کنوانسیون را مستقیماً یا بطور غیر مستقیم به هیچکس منتقل نساخته و هیچ دولت یا گروهی از دول یا سازمان بین‌المللی را در تولید و تحصیل عوامل و مواد سمی و سلاحها و تجهیزات یا وسایل انتقال مذکور به هرنحو که باشد کمک یا تشویق یا وادار ننماید.

مادهٔ ۴:

هریک از دول طرف کنوانسیون حاضر متعهد می‌شود طبق مقررات قانون اساسی خود تدابیر لازم جهت منع و جلوگیری از تکمیل و توسعه و تولید تجهیزات و وسائل انتفال مذکور در ماده ۱ این کنوانسیون را که در سرزمین چنین دولتی واقع بوده یا در هرجای دیگر تحت حاکمیت و کنترل خود داشته باشد اتخاذ نماید.

مادهٔ ۵:

دولتهای طرف کنوانسیون حاضر متعهد می‌شوند ـ برای حل مسائلی که ممکن است در مورد هدف یا اجرای مقررات کنوانسیون حاضر بروز نماید با یکدیگر مشاوره و همکاری نمایند ـ مشاورات و همکاری‌های مندرج در این ماده ـ همچنین ممکن است از طریق مقتضی بین‌المللی در چهرچوب سازمان ملل متحد و طبق منشور آن انجام گیرد.

مادهٔ ٦:

۱ ـ هریک از دول طرف این کنوانسیون ـ که اطلاع حاصل نماید یکی دیگر از دولتهای متعاهد ـ تعهدات ناشی از مندرجات کنوانسیون حاضر را نقض می‌نماید ـ می‌تواند شکایتی بشورای امنیت سازمان ملل متحد تسلیم نماید ـ این شکایت باید کلیه دلائل ممکنه در موجه بودن آنرا ارائه نموده و مبتنی بر تقاضای رسیدگی آن شکایت توسط شورای امنیت باشد.

۲ ـ هریک از دول طرف کنوانسیون حاضر متعهد می‌شود در امر بررسیهائی که شورای امنیت ممکن است طبق مفاد منشور ملل متحد و براساس شکایت واصله انجام دهد ـ همکاری نماید. شورای امنیت دولتهای طرف این کنوانسیون را از نتایج این بررسیها مطلع خواهد نمود.

مادهٔ ۷:

هریک از دول طرف کنوانسیون حاضر متعهد می‌شود ـ طبق منشور ملل متحد به هریک از طرفهای این کنوانسیون که تقاضا نماید کمک کرده یا کمکهائی را که به آن طرف می‌شود تسهیل نماید مشروط بر اینکه شورای امنیت تشخیص دهد که طرف متقاضی بر اثر نقض این کنوانسیون در معرض مخاطره قرار

گرفته است.

مادهٔ ۸:

هیچیک از مقررات این کنوانسیون بنحوی تفسیر نخواهد شد ـ که تعهداتی را که به موجب پروتکل مربوط به منع استعمال گازهای خفه‌کننده و سمی و یا مشابه آن وسایل باکتریولوژیک در چنگ مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ ـ ژنو ـ پذیرفته است بنحوی از انحاء محدود نموده یا تقلیل دهد.

مادهٔ ۹:

هریک از دول طرف کنوانسیون حاضر هدف شناخته شده منع مؤثر سلاحهای شیمیائی را تأیید می‌کند و برای نیل بدین منظور متعهد می‌شود جهت حصول توافق سریع درباره تدابیر مؤثر برای منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره این سلاحها و بمنظور انهدام آنها و همچنین درباره اتخاذ تدابیر مقتضی در مورد تجهیزات و وسائل انتقال که بخصوص برای تولید و استعمال عوامل شیمیائی بعنوان سلاح جنگی بکار می‌رود ـ مذاکرات را با حسن نیت ادامه دهد.

مادهٔ ۱۰:

۱ ـ دولتهای طرف کنوانسیون حاضر متعهد می‌شوند ـ مبادله هرچه وسیعتر تجهیزات و مواد و اطلاعات علمی و فنی مربوط به استعمال عوامل باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی بمنظورهای صلحجویانه را تسهیل نمایند و نیز حق دارند در این مبادله شرکت کنند.
طرفهای کنوانسیون حاضر همچنین در صورت امکان به توسعه بیشتر کشفیات علمی در زمینه باکتریولوژی (بیولوژی) و استفاده از آنها برای جلوگیری از امراض یا برای مقاصد صلحجویانه دیگر منفرداً یا با مشارکت دولتهای دیگر یا سازمانهای بین‌المللی ـ کمک خواهند نمود.

۲ ـ کنوانسیون حاضر بنحوی اجرا خواهد گردید ـ که در راه توسعه اقتصادی و تکنولوژیک دولتهای طرف کنوانسیون یا همکاریهای بین‌المللی در زمینه فعالیتهای صلحجویانه باکتریولوژیک (بیولوژیک) منجمله مبادله بین‌المللی عوامل باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و همچنین تجهیزات مربوط به بتکمیل و توسعه استعمال یا تولید عوامل باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی برای مقاصد صلحجویانه طبق مقررات کنوانسیون حاضر ـ مانعی ایجاد ننماید.

مادهٔ ۱۱:

هریک از دول طرف می‌تواند اصلاحاتی را بر کنوانسیون حاضر پیشنهاد کند. اصلاحات مزبور نسبت به هر یک از دول متعاهد که آنرا پذیرفته باشد ـ و از آن پس نسبت به هریک از دول متعاهد از تاریخ پذیرش اصلاحات توسط آن دولت لازم‌الاجرا خواهد بود.

مادهٔ ۱۲:

پنجسال پس از لازم‌الاجراء شدن کنوانسیون حاضر یا قبل از این تاریخ در صورتیکه اکثریت دولتهای طرف کنوانسیون پیشنهادی در این مورد بحکومتهای نگهدارنده تسلیم نمایند کنفرانسی متشکل از دولتهای

طرف این کنوانسیون در ژنو (سوئیس) تشکیل خواهد گردید تا نحوه اجرای کنوانسیون حاضر را بررسی و اطمینان حاصل نماید که هدفهای مذکور در مقدمه و همچنین مقررات کنوانسیون منجمله مقررات مربوط به انجام مذاکره درباره سلاحهای شیمیائی در حال تحقق و اجراست ضمن این بررسی کلیه پیشرفتهای علمی و فنی که بموضوع کنوانسیون حاضر ارتباط پیدا می‌کند ملحوظ خواهد گردید.

مادهٔ ۱۳:

۱ ـ مدت این کنوانسیون نامحدود خواهد بود.

۲ ـ هریک از دولتهای طرف این کنوانسیون در اعمال حق حاکمیت خود حق دارد در صورتیکه تشخیص دهد حوادث فوق‌العاده‌ای مربوط به بموضوع این کنوانسیون، منافع عالیه کشورش را ـ به مخاطره انداخته است ـ از این کنوانسیون کناره‌گیری کند.

طرف مذکور این کناره‌گیری را سه ماه قبل از اقدام ـ بکلیه دولتهای دیگر طرف کنوانسیون حاضر و شورای امنیت سازمان ملل اعلام خواهد نمود. این اعلامیه متضمن شرح حوادث فوق‌العاده‌ای که بزعم طرف مذکور منافع اساسی‌اش را بمخاطره انداخته است خواهد بود.

مادهٔ ۱۴:

۱ ـ این کنوانسیون برای امضای کلیه دول مفتوح خواهد بود و هر دولتی که قبل از لازم‌الاجراشدن کنوانسیون حاضر بامضای آن مبادرت ننماید می‌تواند طبق مقررات بند ۳ این ماده در هر زمان باین کنوانسیون ملحق گردد.

۲ ـ این کنوانسیون از طرف دولتهای امضاء کننده بتصویب خواهد رسید و اسناد تصویب و اسناد الحاق بحکومتهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و انگلستان و ممالک متحده آمریکا که بدینوسیله بعنوان حکومتهای نگهدارنده تعیین می‌شوند. تسلیم خواهد گردید.

۳ ـ این کنوانسیون پس از تسلیم اسناد تصویب ۲۲ حکومت منجمله حکومتهائیکه بعنوان نگهدارنده تعیین شده‌اند لازم‌الاجراء خواهد گردید.

۴ ـ در مورد دولی که اسناد تصویب یا الحاق خود را بعد از لازم‌الاجرا شدن تسلیم نمایند کنوانسیون از تاریخ تسلیم اسناد تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا خواهد بود.

۵ ـ حکومتهای نگهدارنده بلافاصله کلیه دول امضاء کننده و ملحق شونده را از تاریخ هر امضاء و تاریخ تسلیم اسناد تصویب و الحاق و تاریخ لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون و تاریخ دریافت سایر اطلاعیه‌ها مطلع خواهند نمود.

۶ ـ این کنوانسیون طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد توسط حکومتهای نگهدارنده به ثبت خواهد رسید.

مادهٔ ۱۵:

این کنوانسیون که متون انگلیسی و چینی و اسپانیائی و فرانسه و روسی آن متساویاً معتبر می‌باشند

نزد حکومتهای نگهدارنده برای حکومت دول امضاء کننده و ملحق شونده ارسال خواهد گردید.
بنا به مراتب امضاء کنندگان زیر که دارای اختیارات لازم می‌باشند کنوانسیون حاضر را امضاء نمودند.
کنوانسیون فوق مشتمل بر یک مقدمه و پانزده ماده منضم بقانون کنوانسیون منع تکمیل و توسعه و تولید و ذخیره سلاح‌های باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و انهدام سلاح‌های مذکور می‌باشد.

٤٧:

قرارداد منع آزمایش‌های سلاح هسته‌ای در جـو و فضای ماورای جـو و زیـر آب...

قانون مربوط به الحاق دولت ایران بقرارداد مربوط به منع آزمایشهای سلاح هسته‌ای در جو و فضای ماورای جو و زیر آب[1]
مصوب ۱۳۴۲/۱۰/۲۲

مادهٔ واحده ـ قرارداد مربوط به منع آزمایشهای سلاح هسته‌ای در جو و فضای ماورای جو و زیر آب که در تاریخ پنجم اوت ۱۹۶۳ مطابق با ۱۴ مرداد ۱۳۴۲ در مسکو بین دولتهای ایالات متحده امریکا و انگلستان و شوروی منعقد شده و در تاریخ هشتم اوت ۱۹۶۳ مطابق با هفدهم مردادماه ۱۳۴۲ بامضای نمایندگان مختار دولت ایران در مسکو و واشنگتن و لندن رسیده مشتمل بر یک مقدمه و پنج ماده می‌باشد تصویب و به دولت اجازه داده می‌شود که اسناد آنرامبادله نماید.

قرارداد منع آزمایشهای سلاح هسته‌ای در جو و فضای ماورای جو و زیرآب
مصوب ۵ اوت ۱۹۶۳ مطابق با ۱۴ مرداد ۱۳۴۲ ـ مسکو

دولتهای ایالات متحده آمریکا و بریتانیا و ایرلند شمالی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که از این پس طرف‌های اصلی قرارداد نامیده می‌شوند.

با اعلام اینکه منظور اصلی آنها اینست که در اسرع اوقات درباره خلع سلاح عمومی و کامل تحت نظارت دقیق بین‌المللی طبق هدفهای ملل متحد توافق کنند و این توافق به مسابقه تسلیحاتی پایان بدهد و هرگونه انگیزه تولید و آزمایش هر نوع اسلحه از جمله سلاح‌های هسته‌ای را از میان بردارد.

۱ ـ روزنامه رسمی شماره ۵۵۲۸ ـ ۱۳۴۲/۱۱/۱۴

باکوشش برای توفیق در متوقف ساختن تمام انفجارهای آزمایشی اسلحه هسته‌ای برای همیشه و با عزم به ادامه مذاکرات برای این منظور و با میل بپایان بخشیدن به آلودگی محیط زندگی بشر بوسیله مواد رادیواکتیو بطریق ذیل توافق نمودند:

مادهٔ اول:

۱ ـ هر یک از دول طرف این قرارداد تعهد می‌کند که هر نوع انفجار آزمایشی سلاح هسته‌ای یا هرگونه انفجار هسته‌ای دیگر را در هر نقطه‌ای از قلمرو و یا تحت نظارت خود بشرح زیر ممنوع ساخته از آن جلوگیری نماید و خود نیز بدان مبادرت نورزد.

الف ـ در جو و در خارج از حدود جو از جمله فضاء ماوراء جو یا زیر آب از جمله آبهای ساحلی یا دریای آزاد یا.

ب ـ در هر مکان دیگری در صورتیکه چنین انفجاری باعث ایجاد مواد رادیواکتیو در خارج از حدود و اراضی دولتی گردد که این انفجار تحت اداره یا نظارت آن انجام گرفته است در این باره تفاهم حاصل شده است که مقررات مندرج در این بند مانع انعقاد قراردادی درباره ممنوعیت دائم هرگونه انفجارهای زیرزمینی نخواهد بود.

انعقاد چنین قراردادی همانطور که در مقدمه این قرارداد ذکر شده منظوری است که طرفهای امضاء کننده این قرارداد برای نیل به آن سعی و مجاهدت می‌کنند.

۲ ـ هریک از دول طرف این قرارداد علاوه بر آن متعهد می‌شود که از برانگیختن یا تشویق یا هرنوع شرکت در انجام هرگونه آزمایش سلاح هسته‌ای یا هرگونه انفجار اتمی که در نقاط مذکوره در بالا بوقوع پیوندند یا اثرات مذکوره در بند یک این ماده را داشته باشد خودداری نمایند.

مادهٔ دوم:

۱ ـ هریک از دول طرف این قرارداد می‌تواند پیشنهاد اصلاحاتی در این قرارداد بنماید. متن هرگونه پیشنهاد اصلاحی بدول نگهدارنده اسناد تسلیم می‌شود و این دول آنرا به اطلاع تمام امضاء کنندگان می‌رسانند. درصورتی که یک سوم از طرفهای این قرارداد یا عده بیشتری از آنها تقاضا نمایند دول نگهدارنده اسناد از تمام دول امضاء کننده دعوت خواهند کرد تا در کنفرانسی برای مطالعه این پیشنهاد اصلاحی گردآیند.

۲ ـ هر پیشنهاد اصلاحی باید به تصویب اکثریت آراء تمام طرفهای این قرارداد از جمله آراء طرفهای اصلی این قرارداد برسد. پیشنهاد اصلاحی بمحض اینکه اسناد تصویب آن از جانب اکثریت دول متعاهد منجمله همه طرفهای اصلی این قرارداد تسلیم شد بمرحله اجراء درخواهد آمد.

مادهٔ سوم:

۱ ـ این قرارداد برای امضای هر دولتی مفتوح است. هر دولتی که این قرارداد را بر طبق بند ۳ این ماده قبل از ورود به مرحله اجرا امضاء نکرده باشد می‌تواند هر موقع مایل باشد بدان ملحق گردد.

۲ ـ این قرارداد باید بتصویب امضاءکننده برسد. اسناد تصویب و اسناد الحاق باین قرارداد به طرفهای

اصلی یعنی ایالات متحده آمریکا - بریتانیا و ایرلند شمالی و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که در این قرارداد بعنوان دول نگهدارنده اسناد تعیین شده‌اند تسلیم خواهد شد.

۳ - این قرارداد پس از تصویب آن بوسیله طرفهای اصلی امضاء کننده و پس از تسلیم اسناد تصویب به مرحله اجرا در خواهد آمد.

۴ - این قرارداد درمورد دولی که اسناد تصویب یا الحاق آنها بعد از الزام‌آور شدن قرارداد تسلیم می‌شود از همان روز تسلیم اسناد تصویب یا الحاق بموقع اجرا در خواهد آمد.

۵ - دول نگهدارنده اسناد تاریخ امضاء و تاریخ تسلیم اسناد تصویب و الحاق این قرارداد و تاریخ لازم‌الاجراء شدن آن و تاریخ دریافت هرگونه درخواست تشکیل کنفرانس یا اخطارهای دیگر را فوراً به اطلاع تمام دولی که بعداً آنرا امضاء کرده‌اند یا بدان ملحق شده‌اند می‌رسانند.

۶ - این قرارداد بوسیله دول نگهدارنده اسناد بر طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد به ثبت خواهد رسید.

مادهٔ چهارم:

مدت این قرارداد نامحدود است.

هر یک از طرفهای این قرارداد در اعمال حاکمیت ملی خود چنانچه تصمیم بگیرد که حوادث فوق‌العاده‌ای که بستگی بموضوع این قرارداد دارد منافع عالیه کشورش را به خطر انداخته است حق خواهد داشت از این قرارداد خارج شود.

در اینصورت دول مذکور باید سه ماه قبل از خروج موضوع را بسایر طرفهای این قرارداد اخطار نمایند.

مادهٔ پنجم:

این قرارداد که متن انگلیسی و روسی آن متساویاً معتبر می‌باشد در بایگانی دول نگهدارنده اسناد ضبط خواهد شد. رونوشت‌های گواهی شده‌ای از آن بوسیله دول نگهدارنده اسناد به دول امضاء کننده و دولی که بدان ملحق شده‌اند فرستاده خواهد شد.

نمایندگان مجاز با ایمان بمراتب فوق این قرارداد را در سه نسخه در شهر مسکو در تاریخ پنجم اوت ۱۹۶۳ امضانمودند.

محل سه امضاء

دفتر پنجم
متن بازنگری شدهٔ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

٤٨:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مصوب سال ۱۳۵۸. و بازنگری شده در سال ۱۳٦۸ شمسی...

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸[۱]
و بازنگری شده در سال ۱۳۶۸[۲]

بسم‌الله الرحمن الرحیم

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم
الکتاب والمیزان لیقوم الناس بالقسط

مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد.

ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ ملت ما با تمام وجود نیل به آنرا می‌طلبد.

ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدای مشروط و نهضت ضد استعماری ملی شدن صنعت نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضتها مکتبی

---

۱ - روزنامه رسمی شمارهٔ ۱۰۱۷۰ - ۱۳۵۸/۱۱/۱

۲ - روزنامه رسمی شمارهٔ ۱۲۹۵۷ - ۱۳۶۸/۶/۶

نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت، ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش‌ها به سرعت رو به رکود کشانده شد. از اینجا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالیقدر حضرت آیة الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت‌های مردمی بود و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می‌باشد).

طلیعه نهضت

اعتراض در هم کوبنده امام خمینی به توطئه آمریکایی «انقلاب سفید» که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبداد و تحکیم وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران به امپریالیزم جهانی بود عامل حرکت یکپارچه ملت گشت و متعاقب آن انقلاب عظیم و خونبار امت اسلامی در خرداد ماده ۴۲ که در حقیقت نقطه آغاز شکوفائی این قیام شکوهمند و گسترده بود مرکزیت امام را به عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علیرغم تبعید ایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران امریکائی) پیوند مستحکم امت با امام همچنان استمرار یافت و ملت مسلمان و بویژه روشنفکران متعهد و روحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان، شکنجه و اعدام ادامه دادند.

در این میان، قشر آگاه و مسئول جامعه در سنگر مسجد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه به روشنگری پرداخت و با الهام از مکتب انقلابی و پربار اسلام تلاش پی‌گیر و ثمربخشی را در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد. رژیم استبداد که سرکوبی نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همه کانونهای پرخروش انقلاب آغاز نموده بود و به مذبوحانه‌ترین اقدامات ددمنشانه جهت رهائی از خشم انقلابی مردم دست زد، و در این میان جوخه‌های اعدام، شکنجه‌های قرون وسطائی و زندانهای دراز مدت، بهائی بود که ملت مسلمان ما به نشانه عزم راسخ خود به ادامه مبارزه می پرداخت.

خون صدها زن و مرد جوان و با ایمان که سحرگاهان در میدان‌های تیر فریاد «الله‌اکبر» سر می‌دادند یا در میان کوچه و بازار هدف گلوله‌های دشمن قرار می‌گرفتند انقلاب اسلامی ایران را تداوم بخشید، بیانیه‌ها و پیامهای پی‌درپی امام به مناسبت‌های مختلف آگاهی و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش هرچه فزون‌تر داد.

حکومت اسلامی

طرح حکومت اسلامی برپایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه مکتبی

اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده‌تر ساخت.
در چنین خطی نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضائی‌ها و شدت خشم مردم بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افشاگری و انعکاس مبارزه به وسیله روحانیت و دانشجویان مبارز در سطح جهانی، بنیانهای حاکمیت رژیم را به شدت متزلزل کرد و به ناچار رژیم و اربابانش مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح بازکردن فضای سیاسی کشور شدند، تا به گمان خویش دریچه اطمینانی به منظور پیشگیری از سقوط حتمی خود بگشایند.

اما ملت برآشفته و آگاه و مصمم به رهبری قاطع و خلل‌ناپذیر امام، قیام پیروزمند و یکپارچه خود را بطور گسترده و سراسری آغاز نمود.

خشم ملت

انتشارنامه توهین‌آمیز به ساحت مقدس روحانیت و به ویژه امام خمینی در ۱۷ دی ۵۶ از طرف رژیم حاکم این حرکت را سریعتر نمود و باعث انفجار خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم برای مهار کردن آتشفشان خشم مردم کوشید این قیام معترضانه را با به خاک و خون کشیدن خاموش کند. اما این خود خون بیشتری در رگهای انقلاب جاری ساخت و طپش‌های پی‌درپی انقلاب، در هفته‌ها و چهلم‌های یادبود شهدای انقلاب حیات و گرمی و جوشش یکپارچه و هرچه فزون‌تری به این نهضت در سراسر کشور بخشید و در ادامه و استمرار حرکت مردم تمامی سازمانهای کشور با اعتصاب یکپارچه خود و شرکت در تظاهرات خیابانی در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند. همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در این مبارزه بطرز چشمگیری تعیین کننده بود. و مخصوصاً زنان بشکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند، صحنه‌هائی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد بیانگر سهم عمده و تعیین کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود.

بهائی که ملت پرداخت

نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر، با باروری از خون بیش از شصت‌هزار شهید و صدهزار زخمی و معلول و با برجای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی، در میان فریادهای استقلال، آزادی، حکومت اسلامی به ثمر نشست و این نهضت عظیم که با تکیه برایمان و وحدت و قاطعیت رهبری در مراحل حساس و هیجان آمیز نهضت و نیز فداکاری ملت به پیروزی رسید موفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیسمی گردید که در نوع خود سرفصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد.

۲۱ و ۲۲ بهمن سال یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت، روزهای فروریختن بنیاد شاهنشاهی شد و استبداد داخلی و سلطه خارجی متکی بر آن را درهم شکست و با این پیروزی بزرگ طلیعه حکومت اسلامی که خواست دیرینه مردم مسلمان است نوید پیروزی نهائی را دارد.

ملت ایران بطور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همه‌پرسی جمهوری اسلامی تصمیم نهائی و قاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی اعلام کرد و اکثریت ۹۸/۲٪ به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داد.

اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد.

شیوه حکومت در اسلام

حکومت از دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم کیش و همفکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهائی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت و اکنون برآنست که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند.

برچنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزشهای والا و جهانشمول اسلامی پرورش یابد.

قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند، به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (آن هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرا مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، در سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند (ویضع عنهم اصرهم والا غلال التی کانت علیهم).

در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است براساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند (ان الارض یرثها عبادی الصالحون) و قانونگذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است برمدار قران و سنت جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد (فقهای عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و الی الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفائی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله) و این جزء در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.

با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیریهای سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خود دست‌اندرکار و مسؤول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود (و نرید و ان نمن علی‌الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین).

ولایت فقیه عادل

براساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجاری الامور بید العلماء بالله الامناء علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمانهای مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد.

اقتصاد وسیله است نه هدف

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظامهای اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجوئی. زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود. ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارائی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت.

با این دیدگاه برنامه اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار تکاملی او را برعهده حکومت اسلامی است.

زن در قانون اساسی

در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت «شیئی بودن» و یا «ابزار کار بودن» در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسانهای مکتبی پیش‌آهنگ و خود همرزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پدیرای مسؤولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

ارتش مکتبی

در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد. بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و

نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا د رجهان را نیز عهده‌دار خواهند بود. (واعدو لهم ماالستطعتم من قوه و من رابط الخیل ترهبون به عدوالله و عدوکم و آخرین من دونهم).

قضاء در قانون اساسی

مسأله قضاء دررابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی. از اینرو ایجاد سیستم قضائی برپایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است. این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هرنوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (و اذا حکمتم بین‌الناس ان تحکموا بالعدل).

قوه مجریه

قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم برجامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مساله حیاتی در زمینه‌سازی و وصول به هدف نهائی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد. بدین جهت نظام بروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است بشدت طرد خواهد شد تا نظام اجرائی با کارآئی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری بوجود آید.

وسایل ارتباط جمعی

وسائل ارتباط جمعی (رادیو ـ تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند.

پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید برعهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسؤولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان بطور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند، به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی برهمگی مردم جهان باشد موفق گردد. (وکذلک جعلناکم امه و سطاً لتکونوا شهداء علی الناس).

نمایندگان

مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را بر اساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهائی که از گروههای مختلف مردم رسید بود در دوازده فصل[1] که مشتمل بر

۱ ـ بعد از اصلاح و تصویب به ۱۴ فصل افزایش یافته است.

یکصد و هفتاد و پنج[1] می‌باشد در طلیعه پانزدهمین قرن هجرت پیغمبر اکرم صلی الله و علیه و اله و سلم، بنیانگذار مکتب رهائی بخش اسلام با اهداف و انگیزه‌های مشروح فوق به پایان رساند، به این امید که این قرن، قرن حکومت جهانی مستضعفین و شکست تمامی مستکبرین گردد.

بسم الله الرحمن الرحیم

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
مصوب سال ۱۳۵۸ و بازنگری شده در سال ۱۳۶۸

فصل ۱
اصول کلی
اصل اول

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قران، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیه الله العظمی امام خمینی، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد و نود ونه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانیکه حق رأی داشتند به آن رای مثبت داد.

اصل دوم

جمهوری اسلامی، نظامی است برپایه ایمان به:

۱ ـ خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

۲ ـ وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳ ـ معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴ ـ عدل خدا در خلقت و تشریع.

۵ ـ امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

۶ ـ کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا، که از راه:

الف ـ اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین،

ب ـ استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،

ج ـ نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

---

۱ ـ بعد از اصلاح و تصویب به ۱۷۷ اصل افزایش یافته است.

اصل سوم

دولت جمهوری اسلامی ایران مؤظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر بکار برد:

۱ ـ ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

۲ ـ بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر.

۳ ـ آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، تسهیل و تعمیم آموزش عالی.

۴ ـ تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.

۵ ـ طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

۶ ـ محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی.

۷ ـ تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۸ ـ مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۹ ـ رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

۱۰ ـ ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور.

۱۱ ـ تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.

۱۲ ـ پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.

۱۳ ـ تأمین خودکفائی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.

۱۴ ـ تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

۱۵ ـ توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.

۱۶ ـ تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

اصل چهارم

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی، و غیراینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

اصل پنجم

در زمان غیبت حضرت ولی‌عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

اصل ششم

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود. از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظائر اینها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

اصل هفتم

طبق دستور قران کریم: «وأمر هم شوری بینهم» و «شاورهم فی‌الامر» شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا، نظائر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرزتشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

اصل هشتم

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آنرا قانون معین می‌کند.

«والمومنون والمومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر».

اصل نهم

در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل دهم

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

اصل یازدهم

به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را برپایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قراردهد و

کوشش دیگر بعمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

اصل دوازدهم

دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هریک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

اصل سیزدهم

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند.

اصل چهاردهم

به حکم آیه شریفه «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم أن تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

فصل دوم
زبان، خط، تاریخ و پرچم کشور

اصل پانزدهم

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

اصل شانزدهم

از آنجاکه زبان قران و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان باید پس از دوره ابتدائی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاسها و در همه رشته‌ها تدریس شود.

اصل هفدهم

مبداء تاریخ رسمی کشور هجرت پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله و سلم) است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است، اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است.

اصل هجدهم

پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله‌اکبر» است.

فصل سوم
حقوق ملت

اصل نوزدهم

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قراردارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و یکم

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱ ـ ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

۲ ـ حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.

۳ ـ ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴ ـ ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.

۵ ـ اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

اصل بیست و دوم

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعریض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و سوم

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرارداد.

اصل بیست و چهارم

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آنرا قانون معین می‌کند.

اصل بیست و پنجم

بازرسی و نرساندن نامه‌ها و ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل بیست و ششم

احزاب، جمعیتها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل بیست و هفتم

تشکیل اجتماعات و راه‌پیمائی‌ها،بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به‌مبانی اسلام‌نباشدآزاد است.

اصل بیست و هشتم

هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.

دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل بیست و نهم

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی.

دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

اصل سی‌ام

دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور بطور رایگان گسترش دهد.

اصل سی و یکم

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنهاکه نیازمندترند بخصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل سی و دوم

هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم

گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و سوم

هیچکس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقررمی‌دارد.

اصل سی و چهارم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالحه رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل سی و پنجم

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانائی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی و ششم

حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم

اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.

متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و نهم

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل چهلم

هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل چهل و یکم

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل چهل و دوم

اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص

درصورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

فصل چهارم
اقتصاد و امور مالی
اصل چهل و سوم

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادگی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱ ـ تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲ ـ تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳ ـ تنظیم برنامه اقتصادی کشور بصورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴ ـ رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵ ـ منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶ ـ منع اسراف و تبذیر در همه شؤون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷ ـ استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر نسبت به احتیاج برای توسعه و پیشرفت‌اقتصاد کشور.

۸ ـ جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹ ـ تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفائی برساند و از وابستگی برهاند.

اصل چهل و چهارم

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برپایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمائی،

کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.
بخش تعاونی شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جائی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

تفضیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و پنجم

انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوهها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هریک را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و ششم

هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچکس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل چهل و هفتم

مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آنرا قانون معین می‌کند.

اصل چهل و هشتم

در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استانهاو توزیع فعالیتهای اقتصادی میان استانها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض درکار نباشد، بطوریکه هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

اصل چهل و نهم

دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع راگرفته و به صاحب حق ردکند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

اصل پنجاهم

در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

اصل پنجاه و یکم

هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.

اصل پنجاه و دوم

بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

اصل پنجاه و سوم

کلیه دریافتهای دولت در حسابهای خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

اصل پنجاه و چهارم

دیوان محاسبات مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

اصل پنجاه و پنجم

دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههائی که بنحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حسابها و اسناد و مدارک مربوط را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

فصل پنجم
حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن

اصل پنجاه و ششم

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی

خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

اصل پنجاه و هفتم

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قو قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

اصل پنجاه و هشتم

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.

اصل پنجاه و نهم

در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

اصل شصتم

اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارد شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است.

اصل شصت و یکم

اعمال قوه قضائیه بوسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

فصل ششم

قوه مقننه

مبحث اول ـ مجلس شورای اسلامی

اصل شصت و دوم

مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

اصل شصت و سوم

دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهارسال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود بطوریکه کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.

اصل شصت و چهارم

عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال یکهزار و

سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیائی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود.

زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند.

محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.

اصل شصت و پنجم

پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرحها و لوایح طبق آئین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد.

برای تصویب آئین‌نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.

اصل شصت و ششم

ترتیب انتخاب رئیس و هیأت رئیس و تعداد کمیسیونها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیله آئین‌نامه داخلی مجلس معین می‌گردد.

اصل شصت و هفتم

نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم‌نامه را امضاء نمایند.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«متن دربرابر قران مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جموری اسلامی باشم، ودیعه‌ای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوی را رعایت نمایم و همواره به استقلال واعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مدنظر داشته باشم.»

نمایندگان اقلیتهای دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد.

نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا می‌کنند مراسم سوگند را به جای آورند.

اصل شصت و هشتم

در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان از انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

اصل شصت و نهم

مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود.

در شرایط اضطراری، درصورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

اصل هفتادم

رئیس جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزراء، مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود.

مبحث دوم ـ اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی

اصل هفتاد و یکم

مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

اصل هفتاد و دوم

مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده برعهده شورای نگهبان است.

اصل هفتاد و سوم

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند نیست.

اصل هفتاد و چهارم

لوایح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرحهای قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.

اصل هفتاد و پنجم

طرحهای قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، درصورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.

اصل هفتاد و ششم

مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.

اصل هفتاد و هفتم

عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هفتاد و هشتم

هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور، به شرط اینکه یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هفتاد و نهم

برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیتهای ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن بهرحال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتیکه ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

اصل هشتادم

گرفتن و دادن وام یا کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.

اصل هشتاد و یکم

دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجارتی و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

اصل هشتاد و دوم

استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.

اصل هشتاد و سوم

بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد.

اصل هشتاد و چهارم

هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید.

اصل هشتاد و پنجم

سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیاتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین

را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجراء می‌شود و تصویب نهائی آنها با مجلس خواهد بود.

همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامهٔ سازمانها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذیربط واگذار کند و یا اجازهٔ تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد، تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هشتاد و ششم

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.

اصل هشتا و هفتم

رئیس جمهور برای هیات وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس برای هیات وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل هشتاد و هشتم

در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، دربارهٔ یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور و یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.

اصل هشتاد و نهم

۱ - نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیات وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند، استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود.

هیات وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیات وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور دربارهٔ استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند

اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد.

اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیات وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیات وزیرانی که بلافاصله بعداز آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند.

۲ - در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس‌جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و ادارهٔ امور اجرائی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دوسوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ۱۰ اصل یکصدودهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.

اصل نودم

هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد ودر مدت متناسب نتیجه را اعلام‌نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

اصل نود و یکم

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی بنام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود.

۱ - شش‌نفر ازفقهای عادل و آگاه به‌مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.

۲ - شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیلهٔ رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

اصل نود و دوم

اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال،نیمی از اعضای هرگروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آنها انتخاب می‌شوند.

اصل نود و سوم

مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبار نامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.

اصل نود و چهارم

کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر اینصورت مصوبه

قابل اجرا است.

اصل نود و پنجم

در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهارنظر نهائی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.

اصل نود و ششم

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

اصل نود و هفتم

اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره دربارهٔ لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

اصل نود و هشتم

تفسیر قانون اساسی به عهدهٔ شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.

اصل نود و نهم

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.

فصل هفتم

شوراها

اصل یکصدم

برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورائی بنام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که بایدبا رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و یکم

به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استانها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود.

نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و دوم

شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هائی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرحها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

اصل یکصد و سوم

استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

اصل یکصد و چهارم

به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهائی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهائی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل می‌شود.

چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و پنجم

تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.

اصل یکصد و ششم

انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند.

شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

فصل هشتم

رهبر یا شورای رهبری

اصل یکصد و هفتم

پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیةالله العظمی امام خمینی «قدس سره‌الشریف» که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری دربارهٔ همهٔ فقهاء واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصدونهم بررسی و مشورت می‌کنند هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصدو نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب

می‌کنند و در غیر اینصورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همهٔ مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت.

رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

اصل یکصد و هشتم

قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آئین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیلهٔ فقهاء اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء آنان تصویب شود و به تصویب نهائی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هر گونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.

اصل یکصد و نهم

شرایط و صفات رهبر:

۱ - صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه.

۲ - عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام.

۳ - بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است.

اصل یکصد و دهم

وظایف و اختیارات رهبر:

۱ - تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲ - نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام.

۳ - فرمان همه پرسی.

۴ - فرماندهی کل نیروهای مسلح.

۵ - اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها.

۶ - نصب و عزل و قبول استعفاء:

الف - فقهای شورای نگهبان.

ب - عالی‌ترین مقام قوه قضائیه.

ج - رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

د - رئیس ستاد مشترک.

هـ - فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

و - فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.

۷ - حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه.

۸ - حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۹ - امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.

۱۰ - عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوانعالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یارای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم.

۱۱ - عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.

رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

اصل یکصد و یازدهم

هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود. یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود بر کنار خواهد شد.

تشخیص این امر به عهدهٔ خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد.

در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند، در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورائی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همهٔ وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقهاء، در شورا به جای وی منصوب می‌گردد.

این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمت‌های (د) و (ه) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه چهارم اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند.

هر گاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده‌دار خواهد بود.

اصل یکصد و دوازدهم

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود.

اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید.

مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

فصل نهم
قوه مجریه
مبحث اول - ریاست جمهوری و وزراء

اصل یکصد و سیزدهم

پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالیترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

اصل یکصد و چهاردهم

رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

اصل یکصد و پانزدهم

رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسنْ سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

اصل یکصد و شانزدهم

نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و هفدهم

رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود، ولی هرگاه در دور نخست هیچیک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته‌اند شرکت می‌کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رأی داشته‌اند برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند.

اصل یکصد و هجدهم

مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری طبق اصل نود و نهم بر عهده شورای نگهبان است ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان بر عهده انجمن نظارتی است که قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و نوزدهم

انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق رئیس جمهور پیشین وظایف رئیس جمهوری را انجام می‌دهد.

اصل یکصد و بیستم

هر گاه در فاصله ده روز پیش از رأی‌گیری یکی از نامزدهائی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می‌افتد. اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود.

اصل یکصد و بیست و یکم

رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید.

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هائی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هر گونه خود کامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم».

اصل یکصد و بیست و دوم

رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.

اصل یکصد و بیست و سوم

رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.

اصل یکصد و بیست و چهارم

رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد.

معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیات وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها را به عهده خواهد داشت.

اصل یکصد و بیست و پنجم

امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور

یا نماینده قانونی او است.

اصل یکصد و بیست و ششم

رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می تواند اداره آنها را به عهدهٔ دیگری بگذارد.

اصل یکصد و بیست و هفتم

رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیات وزیران نماینده، یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیات وزیران خواهد بود.

اصل یکصد و بیست و هشتم

سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می‌شوند. رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضاء می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

اصل یکصد و بیست و نهم

اعطای نشانهای دولتی با رئیس جمهور است.

اصل یکصد و سی‌ام

رئیس جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد.

اصل یکصد و سی و یکم

در صورت فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری اختیارات و مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد و شورائی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود، در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.

اصل یکصد و سی و دوم

در مدتی که اختیارات و مسئولیت‌های رئیس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می‌گردد، وزراء را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی و یا امر همه پرسی اقدام نمود.

اصل یکصد و سی و سوم

وزراء توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند با تغییر مجلس،

گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزراء لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و سی و چهارم

ریاست هیات وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های وزیران و هیات دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند.

در موارد اختلاف‌نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتیکه نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیات وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجراء است.

رئیس جمهور در برابر مجلس مسئول اقدامات هیات وزیران است.

اصل یکصد و سی و پنجم

وزراء تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، مجلس به آنها رأی عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می‌مانند.

استعفای هیات وزیران یا هر یک از آنان به رئیس جمهور تسلیم می‌شود و هیات وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد.

رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هائی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.

اصل یکصد و سی ششم

رئیس جمهور می‌تواند وزراء را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیات وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیات وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل یکصدو سی و هفتم

هر یک از وزیران مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیات وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

اصل یکصد و سی هشتم

علاوم بر مواردی که هیات وزیران یا وزیری مامور تدوین آئین‌نامه‌های اجرائی قوانین می‌شود، هیات وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آئین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیات وزیران حق‌وضع آئین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد.

دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر

واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدودهٔ قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجراء است.

تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیات وزیران بفرستد.

اصل یکصد و سی و نهم

صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و چهلم

رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود.

اصل یکصد و چهل و یکم

رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایهٔ آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاورهٔ حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیرهٔ انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است.

سمت‌های آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است.

اصل یکصد و چهل و دوم

دارائی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.

مبحث دوم - ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

اصل یکصد و چهل و سوم

ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد.

اصل یکصد و چهل و چهارم

ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

اصل یکصد و چهل و پنجم

هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.

اصل یکصد و چهل و ششم

استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد ممنوع است.

اصل یکصد و چهل و هفتم

دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی، و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی آسیبی وارد نیاید.

اصل یکصد و چهل و هشتم

هر نوع بهره‌برداری شخصی از وسائل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است.

اصل یکصد و چهل و نهم

ترفیع درجه نظامیان و سلب آن به موجب قانون است.

اصل یکصد و پنجاهم

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پا بر جا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیلهٔ قانون تعیین می‌شود.

اصل یکصد و پنجاه و یکم

به حکم آیه کریمه «واعدوالهم مااستطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله و عدوکم و آخرین من دونهم لاتعلمونهم الله یعلمهم» دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانائی دفاع مسلحانه از کشور ونظام جمهوری‌اسلامی‌ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازهٔ مقامات رسمی باشد.

فصل دهم

سیاست خارجی

اصل یکصد و پنجاه و دوم

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه‌جوئی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.

اصل یکصد و پنجاه و سوم

هر گونه قرارداد که موجب سلطهٔ بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون

کشور گردد ممنوع است.

اصل یکصد و پنجاه و چهارم

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعهٔ بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابر این در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مسکتبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

اصل یکصد و پنجاه و پنجم

دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر اینکه بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند.

فصل یازدهم
قوه قضائیه

اصول یکصد و پنجاه و ششم

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می‌کند.

۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع.

۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام.

۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

اصل یکصد و پنجاه و هفتم

به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرائی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالیترین مقام قوه قضائیه است.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱ - ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم.

۲ - تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳ - استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و

ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

اصل یکصد و پنجاه و نهم

مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

اصل یکصد و شصتم

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالی‌ترین مقام اجرائی پیش‌بینی می‌شود.

اصل یکصد و شصت و یکم

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسئولیت‌هائی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

اصل یکصد و شصت و دوم

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوانعالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

اصل یکصد و شصت و سوم

صفات و شرائط قاضی طبق موازین فقهی به وسیلهٔ قانون معین می‌شود.

اصل یکصد و شصت و چهارم

قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

اصل یکصد و شصت و پنجم

محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل یکصد و شصت و ششم

احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به‌مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.

اصل یکصد و شصت و هفتم

قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوای معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل یکصد و شصت و هشتم

رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

اصل یکصد و شصت و نهم

هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.

اصل یکصد و هفتادم

قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال اینگونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

اصل یکصد و هفتاد و یکم

هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیلهٔ دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

اصل یکصد و هفتاد و دوم

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.

دادستانی و دادگاههای نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

اصل یکصد و هفتاد و سوم

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آئین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی بنام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد.

حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و هفتاد و چهارم

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای

اداری سازمانی بنام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد.

حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

فصل دوازدهم
صدا و سیما
اصل یکصد و هفتاد و پنجم

در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار بار رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورائی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت.

خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.

فصل سیزدهم
شورای عالی امنیت ملی
اصل یکصد و هفتاد و ششم

به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد.

۱ - تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدودهٔ سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری.

۲ - هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی.

۳ - بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

اعضای شورا عبارتند از:

- رؤسای قوای سه گانه
- رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح
- مسئول امور برنامه و بودجه
- دو نماینده به انتخاب مقام رهبری
- وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات
- حسب مورد وزیر مربوط و عالیترین مقام ارتش و سپاه

شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود.

حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد.

مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است.

فصل چهاردهم

بازنگری در قانون اساسی

اصل یکصد و هفتاد و هفتم

بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد.

مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا تتمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید.

۱ - اعضای شورای نگهبان

۲ - رؤسای قوای سه گانه

۳ - اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام

۴ - پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری

۵ - ده نفر به انتخاب مقام رهبری

۶ - سه نفر از هیأت وزیران

۷ - سه نفر از قوه قضائیه

۸ - ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۹ - سه نفر از دانشگاهیان

شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند.

مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه پرسی برسد.

رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه پرسی «بازنگری در قانون اساسی» لازم نیست.

محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.

ضمیمه

۴۹:

حقوق بشر از دیدگاه شاعر...

حقوق بشر از دیدگاه شاعر ...

قدروالای بشر گردد از آن روز پدید / کز حقوق بشری، خرد و کلان بهره‌ور است
باشد از جمله حقوق بشر، آزادی فرد / که مر او را بسوی خود شرف و راهبراست
در جهان موهبتی بهتر از آزادی نیست / که از او گلشن هستی همه پربرگ و بر است
بعد از آن، حق تساوی ببر قانون را / از حقوق بشری دان که بسی معتبر است
شد مساوات مقرر به تکالیف و حقوق / بهر انسان که به اوصاف مشتهر است
حق آزادی، در ذکر حقایق حقی است / که بدان راز سرافرازی هر قوم در است
حق آزادی از صدقت و آزار و عذاب / از حقوقی است که شمشیر ستم را پر است
این ز اعلام حقوق بشری، مختصری است / که سزاوار ستایش براهل نظر است
تا نباشد به جهان محترم این جمله حقوق / سعی انسان ز پی صلح و سعادت هدر است
در امان باد حقوق بشر از شر و فساد / تا در آفاق (ادیبا) سخن از خیر و شر است[1]

۱ ـ برومند. ادیب. مجله حقوق مردم. شماره بهار سال ۱۳۵۰.

۵

منابع و مآخذ...

منابع و مآخذ

۱ ـ الوائلی . شیخ احمد. احکام زندان در اسلام . ترجمه محمد حسن بکائی ـ سال ۱۳۶۷

۲ ـ انتشارات فرزانه ـ ـ. اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی. چاپ اول ـ سال ۱۳۵۷.

۳ ـ برومند . ادیب . مجله حقوق مردم ۰ شماره بهار سال ۱۳۵۰ .

۴ ـ ـ . پیام هاجر. شماره آذرماه سال ۱۳۷۰.

۵ ـ ثقفی . ناصر . سازمان ملل متحد ـ مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی . انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ـ چاپ اول . سال ۱۳۷۰

۶ ـ دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ـ. نشریه شماره ۲۷. بهمن‌ماه ۱۳۷۰.

۷ ـ روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران . ـ مجموعه قوانین سال ۱۳۶۷.

۸ ـ صغدری . محمد. حقوق بین‌المللی عمومی. ج ۳ . دانشگاه تهران . سال ۱۳۴۲.

۹ ـ عبادی . شیرین . حقوق کودک . ج ۱ . روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران .

۱۰ ـ مبشری . اسدالله . حقوق بشر . دفتر نشر فرهنگ اسلامی .

۱۱ ـ مدنی . سیدجلال‌الدین . حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران . ج ۷ انتشارات سروش . چاپ اول . سال ۱۳۶۹.

۱۲ ـ مدنی . سیدجلال‌الدین . حقوق بین‌الملل خصوصی. چاپ اول . سال ۱۳۶۹ . گنج دانش

۱۳ ـ ناصرزاده.هوشنگ.مجموعه‌قوانین‌نیروی‌مسلح جمهوری‌اسلامی‌ایران سال ۱۳۷۲. انتشارات خورشید.

۱۴ ـ ناصر زاده . هوشنگ . مجموعه کامل قوانین جزائی به ضمیمه آراء وحدت رویه و نظریات شورای عالی قضائی. سال ۱۳۷۲ . انتشارات خورشید.

از همین مؤلف ...

الف ـ چاپ شده ...

اول ـ بیش از پنجاه مقاله و مطلب حقوقی در:

- مجله قضائی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران ارگان قوه قضائیه.
- مجله پلیس انقلاب. ارگان شهربانی جمهوری اسلامی ایران
- مجله نگهبان. ارگان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

دوم ـ مجموعه قوانین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

سوم ـ اعلامیه‌های حقوق بشر

ب ـ در دست چاپ است ...

۱ ـ مجموعه کامل قوانین جزائی. و آراء وحدت رویه.

۲ ـ مجموعه کامل قوانین و مقررات راهنمائی و رانندگی ـ گذرنامه ـ ورود و اقامت اتباع بیگانه ـ اماکن عمومی

ج ـ آماده چاپ است ...

۱ ـ مجموعه کامل قوانین حقوقی و آراء وحدت رویه.

۲ ـ آئین دادرسی کیفری ـ بازداشت و حبس در حقوق ایران.

«بارالها ما در عالم بر تو توکل کردیم و از همه رو به درگاه تو کردیم (و می‌دانیم) بازگشت همـــه به سوی توست»

شریفه ۴ ـ از مبارکه ممتحنه